

مهدویت

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

معاونت پژوهشی موسسه آینده روشن
(پژوهشکده مهدویت)

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدویت: پرسش ها و پاسخ ها

نویسنده:

موسسه آینده روشن

ناشر چاپی:

آینده روشن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهدویت: پرسش ها و پاسخ ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مهدویت: پرسش ها و پاسخ ها/ تهیه و تدوین معاونت پژوهش موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت).

مشخصات نشر : قم: موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۶۰۸ ص.

شابک : ۷۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۰۹۶۶۱-۵-۶ :

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Mahdism questions answers research deputy of bright future institute.

یادداشت : چاپ سوم.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : مهدویت-- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده : موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت). معاونت پژوهش

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴ /م۸۸۵۳ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۶۶۶۹۱

ص:۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

ص:۳

مهدویت

پرسش ها و پاسخ ها

معاونت پژوهش مؤسسهٔ آینده روشن

(پژوهشکدهٔ مهدویت)

مهدویت

پرسش ها و پاسخ ها

تهیه و تدوین:معاونت پژوهش مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)

ناشر:مؤسسه آینده روشن

طرح جلد:مصطفی برجی

صفحه آرا:علی قنبری

حروف نگار:سیدحیدر هاشمی

چاپ:رنجبران

نوبت چاپ:چهارم / ۱۳۹۵

شمارگان:۱۰۰۰ جلد

بها:۲۳۰۰۰۰ ریال

شابک:۶- ۵- ۹۶۶۱۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش:قم، خیابان صفاییه، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۱- ۰۲۵

فروشگاه اینترنتی:www.intizar.ir/shop

فهرست

ص:۶

تقدیم به:

مشرقیان موعود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

منتظران راستین بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرزندان معنوی روح الله رحمه الله

یاوران نایب ولیّ الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیش گفتار

بسم رب المهدی۴

سلام برتنها راه

معارف عمیق مهدویت ضامن سلامت و سعادت جامعه و فردفرد انسان هاست. اعتقاد به بشارت های پیامبران گذشته و ائمهٔ دین:، افراد باانگیزه و پرتوانی را در جامعه می تواند پرورش دهد. باور به حضور امامی ناظر بر اعمال، از جنبهٔ فردی موجب پاک نگاه داشتن روح و پیراستن اعمال از زشتی هاست، و از جنبهٔ اجتماعی باعث هم دلی مؤمنان و ایستادگی در برابر ظالمان می شود. کارکرد وسیع و عمیق آموزه های مهدوی، جذابیت خاص این موضوع را می نماید. به همین دلیل، قشرهای مختلف جامعه پرسش های بسیاری در این موضوع دارند که لزوم پاسخ گویی صحیح به آن ها از راهی مطمئن بر کسی پوشیده نیست.

در پی استقبال پرشور فرهیختگان و جوانان جامعه از ویرایش اول کتاب مهدویت، پرسش ها و پاسخ ها که در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسید، «مؤسسهٔ آینده روشن» که به هدف تعمیم و تعمیق فرهنگ مهدویت و تولید علم، با تشکیل

گروه های پژوهشی فعالیت خود را آغاز کرده، به همت واحد «پرسش و پاسخ» این مؤسسه، ویرایش دوم کتاب مهدویت، پرسش ها و پاسخ ها را به علاقه مندان یادگیری معارف مهدوی تقدیم می نماید.

امید است ویرایش جدید نیز قدمی هرچند کوچک برای زمینه سازی ظهور و نزدیک شدن فرج آن یار غایب از نظر باشد.

إن شاء الله

مؤسسهٔ آینده روشن

(پژوهشکدهٔ مهدویت)

مقدمهٔ ویرایش دوم

امـام صـادق علیه السـلام فرمودنـد: «امام خود را بشـناس؛ زیرا اگر بشناسـی، دیگر پس و پیش شـدن این امر آسـیبی به تو نمی رساند». (۱)

دوران غیبت امـام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشـریف، دوران فتنه و امتحان است. انسان ها در این عصـر با انواع سـختی ها آزموده می شونـد تا مؤمنان خالص از افراد دو رو و منافق جدا شوند. هر قدر به زمان ظهور منجی عالم بشـریت نزدیک تر می شویم، این امتحان ها ظریف تر و حساس تر می شود و تشـخیص مرز میان حق و باطل دشوارتر و همراهی کردن با حق سـخت تر می گردد.

یکی از لوازم مهم برای پیمودن این مسـیر سـخت و سـرفراز بیرون آمـدن از این ابتلاها و امتحان ها، به فرمودهٔ امام صادق علیه السـلام کسب معرفت نسـبت به امـام هر زمـان است. بـا شـناخت امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، انسان با بسـیاری از وظایف خویش آشـنا می شود؛ از خطراتی که ممکن است وی را از تبعیت امام خارج نماید آگاه می گردد؛ دوست و دشـمن را بهتر می شناسد و گام های استوارتری برمی دارد؛ از تبلیغات سوء دشمن نمی هراسد و دل سرد نمی شود؛ حضور و حمایت همیشگی امام را احساس می کند و برای ظهور هرچه زودترش تلاش می کند.

از این روی، معاونت پژوهش مؤسسهٔ آینده روشن (پژوهشکدهٔ مهدویت)،

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۱.

همت و تلاش خود را متوجه معرفت بخشی هرچه بیش تر به جامعه نموده است. در این راستا حدود پنج سال پیش اولین ویرایش کتاب پرسش و پاسخ در موضوع مهدویت در اختیار مشتاقان معارف مهدوی قرار گرفت که با استقبال پرشوری روبه رو شد. این استقبال، مسئولیت ما را سنگین تر نمود و بر آن شدیم که با تجدید نظری کلی در مطالب عرضه شده، تا حد امکان معارف مربوط حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را عمیق تر و دقیق تر از گذشته ارائه کنیم.

امید است ویرایش جدید که حاصل تلاش پژوهشگران عرصهٔ مهدویت در گروه های مختلف پژوهشی این مؤسسه است، مورد پسند جویندگان معارف مهدوی واقع گردد و ما را از دعای خیر خویش محروم ننمایند.

حقیر از تمام کسانی که برای به ثمر نشستن ویرایش جدید کتاب پرسش و پاسخ متحمل زحمت شدند، تشکر و قدردانی می کنم. امیدوارم همهٔ این تلاش ها مورد رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. از خداوند متعال هم عاجزانه درخواست می کنم به نیکوترین صورت بپذیرد و ذخیرهٔ آخرت دوستان قرار دهد.

همچنین از اعضای محترم هیئت علمی، آقایان حجج اسلام نصرت الله آیتی، محمدمهدی حائری پور، مجتبی رضائی، سیدمحمد آصف آگاه و پژوهش گران محترم، آقایان حجج اسلام محمدرضا فؤادیان، جواد قاسمی و به ویژه دوست و برادر عزیزم جناب حجت الاسلام آقای محسن کبیری، مسئول واحد پرسش و پاسخ که مسئولیت اجرا و هماهنگی امور را بر عهده داشتند و زحمت نوشتن بخش هایی از این کتاب را نیز کشیده اند صمیمانه تشکر می کنم.

جواد جعفری

معاون پژوهش مؤسسهٔ آینده روشن

(پژوهشکدهٔ مهدویت)

قم، خرداد ۱۳۹۰

مقدمه

بی شک، شناخت امام، در تاریخ فرهنگ اسلامی جایگاه بسیار والایی دارد. بنابر فرمودهٔ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، کسانی که امام زمانشان را نشناسند، به مرگ جاهلیت خواهند مرد. امامان بزرگوار شیعه نیز به پیروی از پیامبر، نقش حیاتی معرفت به امام را گوشزد کرده اند.

البته شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، اهمیت و ارزش بسیار بالاتری دارد. کسانی که در هنگامهٔ غیبت، امام را بشناسند، بالاترین مقام را نزد خداوند خواهند داشت. امام سجاد علیه السلام فرمود:

ای ابوخالد! مردمِ زمان غیبت امام دوازدهم که به امامت او معتقد و منتظر ظهورش هستند، از همهٔ مردم برترند؛ زیرا خداوند به آنان عقل و فهم و شناختی عطا کرده که غیبت و حضور امام، برای آنان یک سان است. (۱)

جامعه در هنگام غیبت امام، آماج خطرها و آسیب های بسیار جدی و عمیقی می شود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

۱- کمال الدین، ص۳۱۸، باب۳۱، ح۲.

بر اثر طولانی شدن غیبت، در قلب مؤمنان شک هایی پدید می آید و اکثرشان از دین خارج می گردند. (۱)

شیادان و فریب کاران، از غیبت امام سوءاستفاده می کنند و مؤمنان را آرام و با برنامه به سوی شیطان می کشند، چنان که کسی تغییر و خطر را درنمی یابد.

در عصر غیبت، گروهی برای جلب توجه، به پیش گویی آینده و تعیین وقت ظهور می پردازند و مردم را گرفتار امید کاذب و بعد یأس و سرخوردگی می کنند.

گروهی دیگر، خود را از نزدیکان به امام معرفی می کنند؛ آن گاه مردم و جوانان پرشور را به گوشه گیری و دوری از جامعه و خمودی فرا می خوانند.

بی خبران دیگری، به نام عرض ارادت و محبت به حضرت، افراد را به اعمال و ذکرهای درانداختهٔ خود وامی دارند و به مجالس و محافلی می کشانند که دین و مذهب را خوش نباشد و جز خرافه و توهم نپروراند و نیفزاید.

شیادانی هم مدعی« ارتباط با امام» می شوند و از دیدار با امام و واسطه گری دم می زنند و با تحریک عواطف پاک مشتاقان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، آنان را به سلطهٔ خود می کشند و نردبانی برای پیشرفت مادی و اجتماعی خویش می سازند.

دغل بازان دیگری که رنگی در این حنا نمی بینند، لاف «انتفاع از امام» می زنند؛ منکر ارتباط می شوند و ادعا می کنند که با عالم غیب رابطه دارند. آنان برای خود قدرت های دروغین غریبی ادعا می کنند و عده ای ساده لوح را مفتون و مطیع خویش می سازند و سوار بر کشتی خود کرده و از صراط مستقیم بازمی دارند.

البته گروه هایی هم هستند که آشکارا به انکار و مبارزه با اندیشهٔ مهدویت می پردازند و با ژست روشن فکری و ادای عقل گرایی، مانند عروسک خیمه شب بازی، آلت دست دشمنان دین و مردم می شوند و کلمات بی پایهٔ

۱- کمال الدین، ص۳۵۳، باب۳۳، ح ۵۰.

دشـمنان اهـل بیت علیهم السـلام را که بارهـا جواب داده شـده، با آب و رنگی جدیـد در محافل و سایت های خود مطرح می کنند.

گروهی نیز می کوشـند تا با مربوط کردن اندیشهٔ ناب مهدوی به گروه ها و احزاب سیاسـی، آن را حربه ای سیاسـی بنمایند و چهرهٔ واقعی و اثرگذار آن را مخدوش کنند.

هرگاه انسان به آشفته بازار مدعیان دروغین از یک طرف، و دشمنان قسم خوردهٔ دین و معارف مهدویت از طرف دیگر نظری می افکنـد و می بینـد که چگونه برداشت غلـط و اغراض پلیـد خود را به نـام دین و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف یا عقل و خردورزی و دفاع از مردم، عرضه می کنند و افراد سالم و مخلص شـیعه را در تور خود گرفتار می سازند، به یاد سخنان امام صادق علیه السلام می افتد. (۱)

برای نجات از وسوسـهٔ این گروه ها و گریز از دیگر آسـیب ها، بایـد به دنبال شـناخت و کسب معرفت از راه صـحیح و مطمئن بود؛ راهی که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام معرفی کرده اند.

از راه هایی که قرآن برای شـناخت حجت خدا به تمام حق جویان و حقیقت طلبان نشان می دهد، مراجعه به آگاهان و پرسش از آن هاست.

قرآن در این باره می فرماید:

«فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ (۲)

اگر نمی دانید از آگاهان بپرسید.

بنابر حکم عقل، هرگاه انسان با مطلبی تازه یا فراخوانی مواجه می شود، پیش از

۱- «مولای من! غیبتت، خواب از چشـمانم ربوده و گاه آسایش را بر من تنگ گردانیـده و آرامش قلبم را برده است..». (کمال الدین، ص۳۵۳).

۲- سورهٔ نحل، آیهٔ ۴۳.

قبول، طرف داری، دل سپردن و پیروی، باید درنگ نماید و آن را با آگاهان و متخصصان در میان گذارد و در صورت تأیید، از آن پیروی کند.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه ای به نایب خاص خود، می فرماید:

واما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فإنهم حجتی علیکم وأنا حجه الله علیهم؛ (۱)

در پیش آمدها و رخدادها، به راویان حدیث ما مراجعه نمایید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آن ها هستم.

بنابراین اگر کسی بخواهد با دلیل و منطق حرکت کند، باید در وقایع و مسائل مختلف به دانشمندان حدیث و علم اهل بیت علیهم السلام مراجعه کند و بدون اطمینان از چیزی پیروی نکند و خود را در دام شیاطین گرفتار نسازد.

امام عسکری علیه السلام در مورد نقش دانشمندان دین فرموده است:

اگر بعد از غیبت امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، نبودند دانشمندانی که به سوی او دعوت و هدایت می کنند و از دین او با دلیل الهی دفاع می نمایند و بندگان ضعیف را از تور ابلیس و شروران خبیث او و دشمنان اهل بیت علیهم السلام نجات می دهند، کسی نمی ماند مگر از دین الهی بر می گشت، اما آنان قلب شیعیان ضعیف را حفظ می کنند، همچنان که ناخدا سکان کشتی را نگه می دارد. چنین افرادی نزد خداوند برترین ها هستند. (۲)

پرسش و مراجعه به عالمان و آگاهان، توصیهٔ الهی و روش پیامبر و معصومان علیهم السلام است. البته باید بستری سالم و مطمئن برای مراجعه و پرسش در جامعه فراهم شود تا مشتاقان و شیعیان بتوانند سریع و آسان مطالب خود را مطرح

۱- کمال الدین، ص۴۸۴، باب۴۵، ح۴.

۲- تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص۳۴۵، ح۲۲۵.

کنند و پاسخ های متقن، دقیق، کامل و مستدلی را دریافت نمایند.

از همین روی، با کمک خداوند و عنایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، واحد «پرسش و پاسخ» مؤسسهٔ آینده روشن (پژوهشکدهٔ مهدویت) از فروردین ماه سال۱۳۸۴ فعالیت خود را در شهر مقدس قم آغاز کرد. این واحد با همکاری استادان و محققان معارف مهدویت که سال ها به تحصیل و پژوهش و تدریس در این موضوع پرداخته اند، به پرسش ها دربارهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آخرالزمان از طریق ارتباط تلفنی، مکاتبه ای (برگه های پست جواب قبول) و اینترنتی (ایمیل)، پاسخ می گوید.

از آن جا که بسیاری از سؤالات رسیده مانند هم بودند، روشن شد چه مسائلی برای اکثر افراد جای پرسش دارد. لذا بر آن شدیم تا این پرسش ها و پاسخ ها را گرد آوریم، موضوع بندی کنیم و به صورت کتاب و لوح فشرده در اختیار عموم علاقه مندان قرار دهیم؛ این کتاب، اولین محصول این واحد است. البته کتاب های پرسش و پاسخ متعددی در دسترس افراد جامعه قرار دارد، اما کتاب حاضر امتیازاتی دارد که در ذیل به بعضی از ویژگی ها اشاره می شود:

۱. پاسخ کارشناس: در این مجموعه، پژوهندگان مهدویت به پرسش ها پاسخ گفته اند و پاسخ ها تا حد امکان کارشناسی شده اند و به روایات و مدارک مستند است؛

۲. ارزیابی: اساتید معارف مهدویت، پاسخ های اولیه را ارزیابی کرده اند و در صورت نیاز، اصلاح و تکمیل نموده اند؛

۳. گویایی متن: پاسخ های نهایی برای روانی، زیبایی و روشن بودن مطلب، ویرایش شده اند و مورد توجه دوباره قرار گرفته اند؛

۴. پرسش واقعی: برای انعکاس دغدغه های جامعه و پاسخ به پرسش های آنان، سعی شده تا از تولید پرسش دوری بورزیم و عین پرسش مخاطبان را نقل

کنیم. از همین روی، ممکن است برخی پرسش ها بسیار ساده یا غیرعادی به نظر آیند؛

۵. زوایای مختلف: از آن جا که محققین متعدد به سؤالات پاسخ داده اند، هر پاسخ گویای زاویه و جهتی خاص است و قلم و بیانی متفاوت دارد؛ لـذا برای استفادهٔ بهتر و اقناع افراد مختلف، چند پاسخ داده شده که گاهی ممکن است تکراری و تداخلی بنمایند؛

۶. معرفی کتاب و مجله: چون برخی از پرسشگران خواسته اند که کتاب و منابع مفید و مطمئن برای موضوع مهدویت به آن ها معرفی شود، سه نوع معرفی کتاب (سیر مطالعاتی، سنین مختلف، موضوعی) را در پی آورده ایم؛

۷. معرفی سایت: با توجه به گسترش اطلاع رسانی از طریق اینترنت، برای دست یابی به سایت های مفید مهدویت، سایت های فعالی را در این موضوع معرفی کرده ایم.

امیدواریم در آیندهٔ نزدیک، مجموعهٔ دیگری را بتوانیم گرد آوریم که به پرسش های تخصصی (شبهات) پاسخ بگوید.

در پایان از تمام استادان، پژوهندگان و دوستان از جمله، زین العابدین آقاجانلو، نصرت الله آیتی، محمود اباذری، محمد اسلامی، محمدامین بالادستیان، علیرضا جوهرچی، مهدی حائری پور، امیرعلی حسنلو، مجید حیدری نیک، زینب ربانی، مرتضی ربانی نژاد، سیدمحمد روحانی، سیدرضا سجادی، حسین علی سعدی، روح الله شاکری، قنبر علی صمدی، اسدالله عبدالهی، محمد رضا فؤادیان، محسن کبیری، سیدرضا کلوری، ذکرالله محمدی، اسدالله مصطفوی، سیدجعفر موسوی نسب، سیدجواد میرخلیلی، سیدحسن واعظی، ابوذر هدایتی و مهدی یوسفیان که ما را در این واحد یاری کردند و در ارائهٔ هرچه بهتر و مفیدتر پاسخ ها

کوشیدند، تشکر و قدردانی می کنیم و امیدواریم که در زیر سایهٔ توجهات حضرت بقیهالله الاعظم ـ ارواح من سواه فداه ـ به موفقیت و پیشرفت روزافزون نایل آیند و همواره دعای خیر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پشتیبان آنان باشد.

جواد جعفری

مؤسسهٔ آینده روشن

قم، خرداد ۱۳۸۵

کلیات

تعریف مهدویت

مهدویت یعنی چه و شامل چه موضوعاتی می شود؟

مهـدویت نگریسـتن به موضوع ظهور امـام زمـان عجـل الله تعالی فرجه الشـریف و حکومت جهانی ایشان به عنوان یک تئوری جامع و فراگیری برخواسته از آموزه های وحیانی (قرآن و سنت) است.

موضوعات مهـدویت، تمام معارف دربارهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به طور خاص، و منجی موعود به طور عام را در برمی گیرد. موضوعات مهدوی، مسائلی از علوم اسـلامی است که به مباحث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد. برای مثال، برخی از این موضوعات به شرح زیر است:

۱. امـام مهـدی در قرآن: بررسـی آیـات دلالـت کننـده بر وجود امـام یا قیام و حکومت ایشان یا دیگر مباحث دربارهٔ حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۲. امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در روایات: بررسـی روایات نقل شـده دربارهٔ امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۳. دلایل عقلی و نقلی اثبات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: اثبات وجود امام با دلیل های عقلی و آیات و روایات؛

۴. علل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۵. آثار و فواید امام غایب؛

۶. انتظار و وظایف منتظران؛

۷. علائم و شرایط ظهور امام؛

۸. ویژگی های یاران و دولت مهدوی؛

۹. اوضاع جهان قبل از ظهور؛

۱۰. رجعت یا بازگشت مردگان به دنیا؛

۱۱. بحث از دعاها و اماکن منسوب به امام؛

۱۲. آسیب شناسی یا بررسی پی آمدهای منفی؛

۱۳. تاریخ عصر غیبت صغرا و وضع شیعه در آن زمان؛

۱۴. بحث از ولایت فقیه یا نیابت عام (فقیهان دین) امام زمان در عصر

غیبت کبرا؛

۱۵. جهانی شدن و حکومت واحد جهانی؛

۱۶. مهدویت و مسائل جدید کلامی؛

و بسیاری از موضوعات دیگر.

تأثیر و بازتاب مهدویت

فرهنگ مهدویت چقدر در نظام فعلی حکومتی ما می تواند مؤثر و کارساز باشد؟

فرهنگ، مجموعه ای از نگرش ها، ارزش ها، هنجارها، رسوم و آداب، شعائر و اعمال خاص است که جامعه آن ها را می پذیرد. فرهنگ مهدویت نیز مجموعه ای از آیین های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، مدیریتی، معرفتی، اجتماعی، فقهی و مانند آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر پایۀ وحی الهی آن ها را برای هدایت انسان ها به ارمغان آورد. امامان

معصوم علیهم السلام این فرهنگ را به نسل های بعدی منتقل

کرده اند که تبیین، تفسیر و تشریع آن در زمان کنونی به عهدهٔ وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن حضرت نیز در دوران هفتاد سالهٔ غیبت صغرا، از طریق سفیران خاص خود (نایبان خاص) این مهم را به انجام رساند که در دوران کنونی (غیبت کبرا) مروجان دین و مراجع بزرگوار تقلید (نایبان عام) آن آموزه ها را می گسترانند. (۱)

بنابراین، الگوگیری و تأثیرپذیری از فرهنگ مهدویت برای تمام عصرها و نسل ها، کارگشا و کارساز است. برای نمونه، به دو اثر و ویژگی این فرهنگ اشاره می کنیم:

۱. احاطهٔ علمی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اعمال و احوال ما باعث می شود که مسئولان و مردم جامعه، امام را شاهد و ناظر بر اعمال خود ببینند و از گناهان فردی و اجتماعی بپرهیزند؛ زیرا می دانند او از گناهشان ناراحت می شود. علاوه بر آن، سعی می کنند تا با اعمال شایسته، زمینهٔ خشنودی حضرت را فراهم سازند؛ زیرا می دانند او از کار نیک شادمان می شود.

به بیان دیگر، فرهنگ مهدویت را می توان مایهٔ حرکت و عمل صحیح در تمام طبقات نظام و جامعه دانست که تلاش و کوشش صحیح، اصولی و منطقی را در پی می آورد؛

۲. از ویژگی های دیگر فرهنگ مهدویت، «امید» است. این ویژگی، برای تمام جوامع و نظام ها، ازجمله نظام حکومتی ایران ضروری می نماید و موجب دل گرمی خدمت گزاران نظام اسلامی در خدمت به خلق خدا و دین خدا می گردد.

آری، فرهنگ مهدویت، حرکت آفرین، امیدآفرین، تلاش زا و نشاط آور است،

۱- فصلنامهٔ انتظار، ش۱۱ و ۱۲، ص۳۲، با چند تن از استادان حوزه و دانشگاه دربارهٔ فرهنگ مهدویت گفت وگویی کرده که برای روشن شدن این سؤال و جواب بسیار مفید می نماید.

و یأس، نومیدی، خستگی، وازدگی و پوچ گرایی را می زداید. این فرهنگ، دریچه ای به آینده ای روشن دارد. البته ویژگی ها فراوان است، ولی برای بیان آن ها مجالی نیست. (۱)

دلیل گسترش بحث مهدویت

علت افزایش بحث دربارهٔ مهدویت و انتظار چیست؟

اگرچه فرهنگ مهدوی، با توجه به سه دههٔ اول انقلاب و حتی قبل از آن، از گسترش چشم گیری برخوردار شده و در عرصه های مختلف و مجامع گوناگون مورد توجه قرار گرفته است، اما ظاهراً در این امر کوتاهی شده و حق مطلب ادا نگردیده است.

باید اذعان کرد که مهدویت، قلب تپندهٔ حیات شیعه و رمز نجات انسان معاصر از بن بست ها و گرداب هاست. مهدویت انرژی متراکمی است که اگر به درستی از آن بهره گیرند، توانایی شگرفی در متحد ساختن و بسط معنویت و احیای دین دارد.

قبل از انقلاب، توجه خاصی به مسئلهٔ مهدویت نشده است؛ اما خوشبختانه در چند سال اخیر، این مبحث با کوشش برخی از مراکز و تلاش دانشمندان اسلامی، از انحصار منحرفان و کج سلیقگان بیرون آمده است. البته پس از انقلاب هم به گونه ای کامل و شایسته به این مباحث و موضوعات پرداخته نشده است؛ در نتیجه، برای جبران این کندی، آن هم در عصر سرعت، همت و تلاش مضاعفی از همهٔ نهادها و مسئولان می طلبد.

۱- برای آگاهی بیش تر نک: خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی؛ استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی.

از این رو به بررسی علل و عوامل فرایند رشد و افزایش توجه به بحث مهدویت و انتظار در چند سال اخیر می پردازیم و به چند مورد آن اشاره می کنیم:

۱. تأثیر انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ایران، بزرگ ترین رخداد اجتماعی قرن بیستم است. پدیده ای با این گستردگی و عمق، علاوه بر آن که تمام نهادهای ملی را متحول ساخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادی قرار داده است، اندیشه ها، سیاست ها، نهضت ها و احزاب سیاسی جهان را هم به چالشی نو فراخوانده است.

مسئلهٔ دیگر این بود که گفته می شد در زمان ظهور، تمام نیروهای شرق و

غرب و نیروهای مسلح تسلیم حجت خدا می شوند. انقلاب ایران نشان داد

که این کار شدنی است. همان طوری که خلبان های آموزش دیده در امریکا،

که آمده بودند تا منجی امریکا و شاه شوند، آمدند و با مردم اعلام همبستگی کردند و رشادت ها و جان فشانی های بسیاری از خود نشان دادند؛ حتی عده ای از

آن ها شهید شدند. به همان دلیلی که نیروهای متخصص امریکایی به اسلام پیوستند، طاغوت زمان خلع شد و ولیّ خدا حاکم گردید؛ در دوران ظهور حجت حق نیز در سطح گسترده تری این چنین خواهد شد. طبق همین مبناست که مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی ایران را آغاز راهی برای انقلاب جهانی منجی عالم بیان کرده اند. (۱)

۲. تأثیر تهاجم دشمن: در دهه های اخیر، جهان غرب به موضوع آخرالزمان و آینده نگری علاقهٔ بسیاری نشان داده و در این راه سرمایه گذاری های شگرفی کرده است. بی تردید در هیچ دوره ای نظریه پردازان و سیاست مداران غربی به اندازهٔ امروز دربارهٔ آیندهٔ جهان، پایان تاریخ، ظهور مسیح، ضد مسیح (دجال) و هر چه

۱- پیام حج مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۷.

غرب و تمـدن مادی آن را به خطر می اندازد، گفت وگو نکرده اند و براساس آن به تولید آثار فرهنگی و تدوین استراتژی ها نپرداخته انـد. انتشـار مجموعـهٔ گسترده ای از کتـاب هـا و مقالاـت بـا موضوعـات یادشـده، و تولیـد و توزیع گستردهٔ فیلم های سینمایی با همین موضوع، که بیش تر محصول کمپانی های امریکایی و صـهیونیستی هسـتند،ماننـد آرماگدون، روز اسـتقلال، طـالع نحس، ترمینـاتور، نوستراداموس و... ، و تأسـیس سـایت هـای اطلاع رسانی در اینترنت، تنها بخشِ آشـکار این روی کرد عمومی غرب به موضوع آخرالزمـان است. این همه تلاش، آدمی را به این فکر می انـدازد که نقشه ای در دست اجراست. این که سـخنان نظریه پردازانیماننـد هانتینگتون، تافلر، فوکویاما و... دربارهٔ پایان تاریـخ و جنگ تمـدن ها به استراتژی سیاسـی ـ نظـامی سـیاست مـداران حـاکم بر امریکـا و انگلیس تبـدیل شـده است، حکـایت از جریـانی سازمـان یافته در لایه های پنهانی سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهان استکبار دارد.

به راستی، چه رخـدادی در حال شـکل گیری است که جهان غرب، تمامیت فرهنگ و تمدن خود را در خطر دیده و بی محابا ـ گرچه به قیمت از دست رفتن حیثیت خود و انزجار جهانی و مخالفت تمامی سازمان های جهانی باشـد ـ با سـرعت تمام به عراق هجوم می برد و در وادی خطرناک جنگ بین النهرین و بابل گام می نهد؟

۳. هدایت پیدا و پنهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: هدایت های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان های مختلف، مهم ترین عامل در گسترش فرهنگ مهـدویت است. اصولاً بهره بردن از آن حضـرت در دورهٔ انتظار، دلیل دیگری بر حضور صاحب عصـر و رشد و توسعهٔ فرهنگ انتظار است. حضور ناشـناس ایشان در میان مردم و در مجالسشان، بر این مدعا گواهی می دهد. حضور همیشگی حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

در موسم حج نیز دلیل آگاهی ایشان به احوال مسلمانان و تلاش مستمر ایشان برای تقویت فرهنگ انتظار است.

داستان ها، ملاقات ها و راهنمایی های مکرر در تاریکی شبهات و ضلالت ها، با مردی که خصوصیات مهدی فاطمه علیها السلام را دارد، ریشه های انتظار را تقویت و کام تشنهٔ عاشقان را سیراب می کند؛ شاید در انتظار محبوب، به خود آیند و با ایجاد آمادگی و کوشش فراوان، لیاقت بهره مندی از حضرتش را بیابند؛

۴. بحران معنویت: بشر بحران زدهٔ این عصر، به دلیل تشنگی فراوان روحی، برای دست یابی به جایگاهی استوار و جاوید، هر روز به سویی می رود؛ اما چون به سرچشمهٔ حیات دست نمی یازد، به مرداب ها و باتلاق هایی می رسد که نه تنها تشنگی اش را نمی زداید، بلکه به بیماری های روحی و جسمی او می افزاید. بنابراین، اضطراب و خستگی از اوضاع مسلط بر جهان را می توان از عوامل توسعهٔ اندیشهٔ مصلح جویی در جهان و گسترش فرهنگ مهدویت در جوامع اسلامی دانست. ظلم و ستم، جهل و نادانی، فریب، رنج و فقر و در نتیجه انحطاط اخلاق و تحقیر انسان در دوران معاصر، بر این خواست فطری آدمی دامن می زند. از طرفی احساس غربت ناشی از زندگی صنعتی، در مقابل معنویت و صمیمت دین، سبب شده است که انسان مجهز به تکنیک و فن آوری، با مذهب و آرمان های منجی گرایانه و عدالت محور آن پیوند خورد، و تب و تاب این مباحث و ازجمله مهدویت را گرم تر کند؛

۵. ناتوانی مدعیان اصلاح: آدمی برای ایجاد اصلاح جوامع بشری، راه های بسیاری را پیموده است، اما جز کابوس یأس نصیبش نشده است.

افلاطون، جامعهٔ ایده آلی را طراحی کرد که در آن نه از ستم اثری است و نه از فقر و بدبختی. غایت نظام سیاسی او، پیدایش مدینهٔ فاضله است. توماس کامپانلا طرح «شهر آفتاب» و «کشور خورشید»، ویکتور هوگو اندیشهٔ «جمهوری جهانی»، و

آگوست کنت و تامس مور نیز جامعه ای را ترسیم می کننـد که همـۀ مردم آن، در سایـۀ قانون و عـدالت یکسان زنـدگی می کننـد. آلـوین تـافلر برای حـل این بحران و اصـلاح جامعـۀ جهـانی، نظریـۀ «مـوج سوم» را طرح کرده است، ولی در عین حـال اعترافات شگفت آوری در این باره دارد. وی می گوید:

فهرست مشکلاتی که جامعـۀ ما (غرب) با آن روبه رو است تمامی نـدارد. با دیدن فروپاشـی پیاپی نهادهای تمدن صـنعتی در حـال نزاع، به درون غرقـاب بی کفـایتی و فسـاد، بوی انحطـاط اخلاقی آن نیز مشام را می آزارد. در نتیجه، موج ناخشـنودی و فشـار برای تغییرات، فضـا را انباشـته است. در پاسـخ به این فشارهـا، هزاران طرح ارائه می شود که همگی ادعا دارنـد بنیادی و حتی انقلابی اند، اما بارها و بارها مقررات و قوانین طرح ها و دسـتورالعمل های جدید که همگی به منظور حل مشکلات تهیه شده اند، کمانه می کنند و بر وخامت مشکلات می افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می زنند که هیچ فایده ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسـی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل ها را هرچه بیش تر دامن می زند. (۱)

بنـابراین، عامـل دیگر توسـعۀ فرهنگ مهـدوی، ناتوانی کسانی است که مـدعی اصـلاح انـد. آن ها در زمینـۀ شـناخت آدمی و مشکلات او ناتوان اند. از همین رو عجز و محدودیت آنان، نگاه انسان معاصر را به آسمان می دوزد.

ترویج فرهنگ مهدویت

شیوه های عملی ترویج فرهنگ مهدویت چیست؟

۱. برگزاری دوره های آموزشی (حضوری و غیرحضوری) معارف مهدویت برای مقاطع مختلف تحصیلی؛

۱- به سوی تمدن جدید، آلوین تافلر، (به نقل از: نگاهی دوباره به انتظار، ص۵۴).

۲. تشکیل جلسه های دعای ندبه (صبح جمعه)؛ زیارت آل یاسین، برپایی جلسات بزرگ داشت در مناسبت ها (ایام میلاد و وفات ائمه علیهم السلام)، و برگزاری جلسات پرسش و پاسخ به شبهات؛

۳. تشکیل کانون های انتظار در مساجد، مدارس، دانشگاه ها، کارخانه ها و ادارات، که افراد با شرکت در جلسات هفتگی در بالا بردن شناخت خود نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (از طریق تدوین مجله، طرح سؤال در جمع و جست وجوی پاسخ آن و...) سعی می نمایند؛

۴. راه اندازی کاروان های جمکران در شب های چهارشنبه و جمعه؛

۵. تشکیل کتابخانه و ارائۀ لوح های فشرده با موضوع مهدویت و انتظار؛

۶. پخش بروشورها و جزوه ها و کتاب دربارۀ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بین علاقه مندان و بلکه در سطح عموم افراد جامعه؛

۷. برگزاری مسابقات کتاب خوانی با موضوع مهدویت در مساجد، مدارس، دانشگاه ها، و اهدای جوایز نفیس به برندگان؛

۸. برپایی نمایشگاه هایی با موضوع مهدویت (نمایشگاه کتاب، عکس و پوستر، فیلم و...)؛

۹. ارائۀ معارف مهدوی در قالب هنر (فیلم، تئاتر، انیمیشن، اسلاید و سرود)؛

۱۰. برگزاری مسابقه و فراخوان آثار هنری در زمینۀ مهدویت، مثل نقاشی و... در سطوح مختلف؛

۱۱. تهیۀ تابلوهای تبلیغاتی با موضوع مهدوی و نصب آن در مراکز مهم شهر، ادارات، مدارس، کارخانه ها و... .

ادیان و مذاهب

ادیان و منجی

نظر ادیان دیگر در مورد مهدویت چیست؟

اعتقاد به منجی که در پایان دنیا ظهور می کند و جهان را پر از عدل و

داد خواهد کرد، اعتقادی جهانی و همگانی است و پیروان همهٔ ادیان آسمانی براساس تعالیم کتاب های دینی خود، منتظر قیام آن موعود بزرگ هستند.

در کتاب های مقدس زبور، تورات، انجیل و نیز کتاب های هندوها، زرتشتیان

و برهماییان به ظهور منجی بزرگ جهان اشاره شده است. البته هر ملتی او

را با لقبی خاص می شناسد: زرتشتیان او را به نام «سوشیانس» یا «سوشیانت»، یعنی نجات دهندهٔ جهان، و مسیحیان به نام «مسیح موعود»، و یهود با

لقب «ماشیح».

آیا یهودیان هم به ظهور موعود و منجی اعتقاد دارند؟ نام منجی آنان چیست؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: دین یهود یکی از ادیان آسمانی و ابراهیمی به شمار می رود که با مسیحیت و اسلام به لحاظ تاریخ و نیز شماری از آموزه ها گره خورده است. باور به ظهور منجی موعود و تصور آینده ای درخشان نیز به منزلهٔ

نقطهٔ اشتراک میان ادیان ابراهیمی است که در همهٔ این ادیان وجود دارد.

براساس باور دینی کهنی، یهودیان معتقدند پادشاهی از نسل داوود به

نام «ماشیح» روزگاری وعدهٔ خدا در حق این قوم را که به باور خودشان، قوم برگزیدهٔ خدایند، عملی خواهد ساخت و پادشاهی ابدی خدا را بر زمین استوار خواهد کرد.

یهودیان برخلاف برخی اقوام دیگر که دوران طلایی تاریخ خود را در گذشته های تاریک و بسیار دور می بینند، به آینده چشم دوخته اند و انبیای بنی اسرائیل بارها به «روزهای آخر» که هنوز فرا نرسیده است، به عنوان دوران اعتلای نهایی و عظمت ملی یهود اشاره کرده اند. امید به آیندهٔ نورانی و مشحون از سعادت در دل عامهٔ مردم، روز به روز نه تنها شدت یافت، بلکه به رؤیاهای شگفت انگیزی هم دامن زد.

نام منجی موعود قوم یهود «ماشیح» یا «تدهین شده با روغن مقدس» است که از جانب خدا مأمور آغاز این دوران تازه و پر از شگفتی است و محور آیندهٔ درخشان قوم یهود است. تلمود، منبع سنت شفاهی یهود، صدها بار به ماشیح و مأموریت او اشاره کرده است.

اعتقاد به ماشیح و آمدن او چنان جایگاهی در میان قوم یهود دارد که آن را نقشهٔ خدا برای نجات بشر می دانند و معتقدند وقتی هیچ نبود، ماشیح یا مسیحا وجود داشت. (۱)

مسیحاباوری در ادیان ابراهیمی به چه معناست و ماشیح چه فرقی با مسیحا دارد؟ آیا ماشیح زنده است و در غیبت به سر می برد؟

۱- گنجینه ای از تلمود، آبراهام کوهن، ترجمه: گرگانی، ص۳۵۱.

اصطلاح «مسیحاباوری» (۱) از واژهٔ «مسیحا» (۲) که ترجمه ای از واژهٔ عبری «ماشیح» (۳) به معنای تدهین شده می باشد، گرفته شده است. ماشیح در اصل به پادشاهانی اطلاق می شد که برای بر تخت نشستن، روغن مالی و تدهین مقدس می شدند. (۴) مسیحاباوری یا مسیانیزم را می توان با تسامح معادل موعودباوری یا منجی گرایی عام هم به کاربرد؛ چراکه این اصطلاح در فضای یهودیت شکل گرفته و همان طور که می دانیم، مشخصات و مؤلفه های موعود در ادیان مختلف متفاوت است. یکی از نویسندگان دایره المعارف هزاره گرایی به حق در این باره معتقد است:

از اصطلاح «مسیحا باوری» نباید در فضای غیریهودی و غیرمسیحی استفاده کرد؛ زیرا برخلاف یهودیان که بسیاری از آن ها هنوز منتظر ماشیح هستند و نیز مسیحیان که در انتظار بازگشت مسیح (Christ، معادل یونانی مسیا؛ Messia) به سر می برند، در الاهیات اسلامی هیچ جایگاهی برای این گونه ناجی وجود ندارد. در قرآن برای عیسای پیامبر، گاه عنوان «المسیح» به کار می رود که هم خانوادهٔ واژهٔ «Messiah» است، اما فقط عنوانی محترمانه و عاری از هرگونه مفهوم الاهیاتی است. از نظر مسلمانان، مهم ترین چهرهٔ فرجام شناختی مسیح نیست، هرچند قرآن، احادیث و روایات منسوب به [حضرت] محمد (۵۷۰ – ۶۳۲م) از بازگشت او سخن می گویند، بلکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یعنی «هدایت شده»، محور اصلی آخرالزمان است. برای مسلمانان، بازگشت مسیح تنها یکی از علایم فرارسیدن آخر الزمان است، نه

۱- Messianism.

۲- Messiah.

۳- Mashiah.

۴- See: Einggren, Helmer, "Messianism: An Overview",in: Encyclopedia Of Religion,vol ۹, p۴۶۹.

نقطهٔ اوج آن که باور مسیحیان است. (۱)

البته همین نویسنده در جای دیگری با اشاره به شباهت های غیرقابل انکار موعودگرایی در ادیان ابراهیمی می گوید:

اعتقاد به عصر طلایی در دیدگاه اسلامی، از یک لحاظ بیش تر به اعتقاد یهودیان شباهت دارد و آن این که مهدی و ماشیح موعود هردو چهره های تاریخی خواهند بود که وظایف خود را در زمان و مکان عادی تحقق خواهند بخشید، برخلاف مسیح که در باور مسیحیان جایگاه دوم در تثلیث به او اختصاص دارد و آغاز و انجام کتاب مکاشفهٔ یوحنای قدیس تلقی می شود. نقطهٔ اشتراک دیگر اعتقاد مسلمانان و یهودیان در عصر طلایی این است که هردوی آن ها هدف اصلی مهدی و ماشیح را صلح و عدالت همگانی می دانند، نه رستگاری فردی؛ از سوی دیگر، عقاید مسلمانان در خصوص علایم مربوط به آخر الزمان و روز قیامت، از بسیاری لحاظ به کلیساهای مسیحی شباهت دارد. کتاب مقدس مسلمانان و احادیث آن ها علاوه بر بازگشت مسیح، از دجال یعنی گمراه کننده یا ضد مسیح، دباح یعنی دیو، و یأجوج و مأجوج سخن می گویند که همهٔ آن ها در کتاب مکاشفهٔ یوحنای قدیس، آخرین کتاب عهد جدید مسیحیان ذکر شده اند. پس معلوم می شود که فرجام شناسی در اسلام، هم به فرجام شناسی یهودیان و هم مسیحیان شباهت دارد. (۲)

گفتیم که ماشیح یا مسیحا در لغت به معنای «شخص روغن زده شده» است. یهودیان معتقدند که ماشیح شخصیتی از نسل داوود است که خداوند او را در آخرالزمان خواهد فرستاد تا دوره ای جدید را آغاز کند که در آن همهٔ بشر خدای حقیقی را عبادت خواهند کرد، ریشهٔ جنگ از زمین برکنده خواهد شد، و صلح به

۱- "Forms of catholic Millenarianism: A Brief Overview" in: Catholic Millenarianism, p ۲.

۲- Ibid.

تمام معنا حاکم خواهد گشت. نظریۀ اعتقادی ماشیح، با وجود قوی ترین پیشینه ها در کتاب مقدس، در طول تاریخ یهود تحول یافته، پرداخت خورده، و تفاسیر مختلفی برای آن به میان آمده است، اما حکم صریح بنیادین آن این است که سرانجامِ رضایت بخشِ تاریخِ بشری در جایی بر روی همین زمین محقق خواهد شد. نظریۀ ماشیح، جنبۀ این جهانی آخرت شناسی یهود است و جهان آینده، جنبۀ آن جهانی آن. اعتقاد عموم بر آن است که ظهور ماشیح و فعالیت های او در راه بهبود وضع جهان و تأمین سعادت بشر، قسمتی از نقشۀ خداوند در آغاز آفرینش جهان بوده است:

پیش از آنکه عالم هستی به وجود آید، هفت چیز آفریده شد؛ تورات، توبه، باغ عدن (بهشت)، جهنم، اورنگ جلال الاهی، بیت همیقداش، نام ماشیح. (۱)

عالمان یهودی در کتاب تلمود دربارۀ هویت و خصوصیات ماشیح چه می گویند؟

بنی اسرائیل در زمان تنگی به درگاه خداوند نیایش می کردند و او یک «داور» یا منجی را می فرستاد که تا چندی دشمن را پس می راند و بساط آرامش را بر زمین می گسترد. زمانی گذشت و یورش های اقوام بیگانه چنان پیوسته و پیاپی شد که «داوران» یا سرداران موقت از پس آن برنمی آمدند و این امید در دل قوم قوت گرفت که آنان تنها با تشکیل یک ملت متحد تحت رهبری یک فرمان روا خواهند توانست در برابر دشمنانی که آنان را همچون نگین در میان گرفته اند، ایستادگی کنند. (۲) سموئیل نبی به درخواست بزرگان قوم گوش داد، و برای آن که با ارادۀ عمومی مخالفت نکند، با کراهت و به طور موقت، شائول (طالوت) را به پادشاهی

۱- پساحیم، ۵۴ الف.

۲- انتظار مسیحا در آیین یهود، جولیوس گرینستون، ص۱۹.

بنی اسرائیل نصب کرد و او را با روغن، مسح و تقدیس نمود تا «مسیحا» باشد. با آن که شائول در کتاب مقدس «مسیح خدا» خوانده شده است، (۱) وی از ویژگی های اصلی یک مسیحای واقعی برخوردار نبود. از همان آغاز، برخی بر او طعنه زده، می گفتند: «این شخص چگونه ما را برهاند؟» (۲)

البته در کتاب مقدس یهودیان، یعنی کتاب عهد، اصطلاح ماشیح به معنای شخصی که در آینده برای نجات اسرائیل خواهد آمد نیست، بلکه منظور

از آن هرکسی است که مانند شاه یا کاهن اعظم، برای تصدی منصبی عالی

با روغن مقدس در واقع تدهین شده است. این اصطلاح حتی بر کسی که خدا برای وی هدف خاصی درنظر گرفته نیز اطلاق شده است. (۳) نیز در کتاب مقدس، برخی از انبیای عبرانی مانند اشعیا، میکاه، ارمیا، و زکریا بدون آن که از نام ماشیح یاد کنند، سخن از نجات آینده آورده اند که به دست رهبری آرمانی و صاحب کمالات عالی روحی و اخلاقی صورت می پذیرد، اما صفت منجی تنها

از آنِ خداست و مسیحا، پادشاهِ سلالهٔ داوود، فقط رهبر قوم آزادشده به حساب می آید. انبیای دیگر مانند ناحوم، صفنیا، حبقوق، ملاکی، یوئیل، و دانیال حتی سخن از چنان رهبری نیز به میان نمی آورند و تنها خداست که در سخن آنان عنوان منجی را داراست؛ اما از طرفی نیز می توان گفت تمایزی که بعدها میان نظریهٔ ماشیحِ شخصی و نظریهٔ عصر مسیحایی به وجود آمد، ریشه در خود کتاب مقدس دارد؛ زیرا در برخی از کتاب های انبیا، مانند عاموس، حزقیال و عوبدیا، فقط نوعی ماشیح جمعی وجود دارد؛ یعنی مفهوم پادشاهی

۱- اول سموئیل، ۶: ۲۴.

۲- اول سموئیل، ۱۰:۲۷.

۳- برای نمونه، به کوروش، پادشاه فارس، ماشیح اطلاق شده است (اشعیا، ۴۵:۱).

خاندان داوود. (۱)

در این که ماشیح، داوود است یا از نسل او، اختلاف است؛ برخی او را با داوود پادشاه یکی می دانند و با استناد به آیهٔ «بعد از آن بنی اسرائیل برگشته و خداوند خدای خود و داوود پادشاه خویش را خواهند طلبید»، (۲) می گویند: این پادشاه، ماشیح است. اگر او جزو زندگان است، اسمش داوود است و اگر جزو مردگان است (که بعداً زنده خواهد شد)، نامش داوود است. (۳)

آیا برای ماشیح القاب و نام های دیگری هم ذکر شده است؟

در مورد نام ها و القاب ماشیح، نظریات گوناگونی در یهودیت ارائه شده است؛ چراکه آیاتی که اشاره به ماشیح دارد، حاوی نام های گوناگونی برای اوست. به گونه ای که حتی برخی شاگردان دانشمندان حتی کوشیده اند برای ماشیح نام هایی مشابه با اسم استاد خود از متن آیات کتاب مقدس بیابند:

شاگردان مکتب ربی ینای او را یینون به معنای دوام می نامند: «نام او تا ابد باقی خواهد ماند و اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد». (۴)

شاگردان مکتب «ینای»، یکی از عالمان یهودی، او را با استناد به آیهٔ: «زیراکه بر شما ترحم (حنینا) نخواهد کرد»، (۵) حنینا می نامند.

برخی او را مبروص مکتب ربی یهودا هناسی می نامند و به این فراز کتاب مقدس که می گوید: «مسلماً او بیماری های ما را تحمل کرده و دردهای ما را بر خود حمل نموده است، ولی ما او را بلاکشیده و ضرب خورده و رنج دیده از جانب

۱- See: "Messiah" in :The Jewish Religion, the blackwell dictionary of judaica, ۱۹۹۲.

۲- هوشع، ۵:۳.

۳- یروشلمی، براخوت: ۵ الف.

۴- مزامیر، ۱۷:۷۲.

۵- ارمیا، ۱۳:۱۶.

خداوند محسوب نمودیم»، (۱) استناد می نمایند. بلاکشیده به معنای مبروص است و ربی یهوداهناسی، سیزده سال از بیماری برص رنج می برد و آن را نشانهٔ رحمت الاهی می دانست، (۲) ماشیح، هم از طبقهٔ رنج دیدگان که یهودا هناسی نمونهٔ واضح آن است، خواهد بود.

آیا در بین یهودیان هم منکر وجود ماشیح وجود دارد؟

بلی، برخی از عالمان یهودی در گذشته معتقد بوده اند که ماشیح ظهور یافته و دیگر نباید منتظر او بود. یکی از این عالمان، شخصی است به نام ربی هلیل (قرن ۴ میلادی) که بنابر آن چه در تلمود آمده، لحنی شکاک در این باره دارد و می گوید: «ملت اسرائیل دیگر ماشیحی که ظهور کند، نخواهد داشت؛ زیراکه در زمان حیزقیا (سلطان یهودا) بهرهٔ خود را از او برده اند». (۳)

البته دیگر عالمان در ردّ ادعای فوق گفته اند اگر قرار بود از پیشینیان کسی ماشیح باشد، داوود سزاوارتر بود؛ چراکه آن پادشاه اسرائیل آن همه سرود در وصف جلال خدا تصنیف کرد و خدا را مدح و ثنا نمود، ولی حیزقیا با آن همه معجزات و آیات که برایش نمایان شد، حتی یک سرود هم به درگاه خداوند نخواند.

آرمان مسیحایی در دوران ابتلاـ در میان بنی اسرائیل پا گرفت و با گذشت زمان در ژرفای جان قوم، رشد و تحول یافت و متناسب با محیط و شرایط داخلی، به اشکال گوناگونی درآمد. شکوه سلطنت داوود سبب شد که پیامبران بنی اسرائیل به هنگام مشکلات و آوارگی های قوم، با یادآوری شیرینی آن روزگار، ملت یهود را امیدوار کنند که روزگاری دوباره آن مجد و عظمت تحقق خواهد یافت و کودکی

۱- اشعیا، ۵۳:۴.

۲- باوا مصیعا، ۸۵ الف.

۳- سنهدرین، ۹۸ ب.

از نسل او مجد و عظمت از دست رفتهٔ قوم را به آنان باز خواهد گرداند.

در تاریخ قوم یهود توجه به منجی در چه زمان هایی شدت می یافته است؟ آیا مدعیان دروغین ماشیح هم وجود داشته اند؟

اعتقاد به ظهور ماشیح، هنگام بدبختی های ملی قوم یهود شدت می یافته است. وقتی که ظلم و تعدی یک دولت فاتح، که ملت اسرائیل را به زیر سلطهٔ خود داشت، غیرقابل تحمل می شد، یهودیان از روی غریزه به پیش گویی هایی که در کتاب مقدس دربارهٔ ظهور ماشیح شده است، توجه می کردند تا در روزهای پر از رنج در برابر شدیدترین سختی ها تاب بیاورند و نگذارند یأس و حرمان بر آن ها چیره شود.

در مورد مدعیان دروغین ماشیح هم باید گفت در تاریخ قوم یهود از دیرباز صدها تن برخاسته و ادعای مسیحایی کرده اند و چند صباحی ساده دلان بنی اسرائیل را مجذوب خود نموده اند و در نهایت بلاهای جانکاهی بر بلاهای این قوم افزوده اند.

وسفوس، مورخ مشهور تاریخ یهود می گوید: در سال های قبل از خرابی بیت المقدس، افرادی ادعا می کرده اند که همان نجات دهنده ای هستند که انبیا ظهور او را از پیش خبر داده اند، مثل برکوخواو که بعضی او را برکوزیوا نامیده اند و رهبر شورش یهودیان علیه رومیان بود. ربی عقیوا هرگاه او را می دید، می گفت این همان پادشاه ماشیح است و به آیهٔ: «ستاره ای (کوخاو) از یعقوب طلوع خواهد کرد»، (۱) استناد کرده و آن را چنین تفسیر می نمود: کوزیوا از یعقوب طلوع خواهد کرد. البته یکی دیگر از عالمان یهودی، به نام ربی یوحانان بن تورتا، در اعتراض به او می گفت: عقیوا از گونه های تو (در قبر) علف ها خواهند رویید؛ چراکه هنوز

۱- اعداد، ۱۷:۲۴.

ماشیح فرزند داود نیامده است. (۱)

یهودیان چه نظری دربارهٔ وقت آمدن ماشیح دارند و آیا زمانی را برای آن تعیین می کنند؟

از نگاه بیش تر دانشمندان یهود، یافتن تاریخ آمدن ماشیح تا بدان پایه تقبیح شده است که محاسبه کنندگان مورد لعنت قرار گرفته اند. (۲) از نگاه این دانشمندان، آمدن مسیحا به کارهای نیک مردم مشروط است (۳) و اگر ملت اسرائیل براساس قوانین، شنبه را نگاه دارند (یعنی به شریعت ملتزم باشند)، بلافاصله نجات خواهند یافت. (۴)

با این همه، در پاره ای از منابع البته گاه کلی و گاه بسیار دقیق، آمدن مسیحا محاسبه شده است. برای مثال، در یک پیش گویی و براساس یک عقیدهٔ قدیمی، جهان شش هزار سال ادامه خواهد یافت. این هزاره ها که با تعداد روزهای آفرینش تناسب دارد، به سه دورهٔ دوهزاره تقسیم شده اند. دوهزارهٔ نخست را بایر، یعنی دوران فقدان شریعت، دوهزارهٔ دوم را دوران شریعت یا تورات، و دوهزارهٔ سوم را روزگاری می دانستند که در آن روزگار ماشیح ظهور خواهد کرد. (۵)

محاسبهٔ دیگر کمی دقیق تر بیان می کند که پسر داوود پس از ۸۵ یوبیل (۶) خواهد آمد و محاسبهٔ دیگر ظهور ماشیح را پس از گذشتن ۴۲۹۱ سال از آغاز آفرینش می داند که جهان یتیم خواهد شد و سالیانی جنگ هایی خواهد بود و در نهایت

۱- یروشلمی تعنیت، ۶ دال.

۲- همان، ص۳۵۶.

۳- Sanhedrin ۹۸a

۴- Shabbat ۱۱۸b

۵- انتظار مسیحا در آیین یهود، ص۷۱.

۶- یوبیل نام یکی از اعیاد یهودی است که هر پنجاه سال یکبار تکرار می شود. بنابراین ۸۵ یوبیل، یعنی ۴۲۵۰ سال.

پیش از آغاز هزارهٔ هفتم جهان بازسازی خواهد شد. (۱)

یکی از عالمان یهودی به نام راو آشه می گوید: مقصود دانشـمندان از ذکر تاریخ برای ظهور ماشـیح این بوده که تا آن تاریخ نباید منتظر آمدن ماشـیح بود، ولی از آن به بعد باید انتظار ظهور او را داشت؛ «همواره منتظر ظهور او باش، اگرچه (فرا رسیدن پایان ذلت) تأخیر نماید، مع ذلک در انتظار باش». (۲)

گفتیم که کوشـش برای محاسبه و یافتن تاریخ پایان ذلت قوم اسرائیل و ظهور ماشیح، از طرف اکثر دانشمندان یهود، به شدت تقبیح شده است؛ چراکه در صورت عدم تحقق، یأس و حرمان را به دنبال خواهد داشت. نهی از توقیت آمدن ماشـیح گاهی با لعن و نفرین نیز همراه بوده است.

در آیین یهود برای دوران آخرالزمان چه ویژگی هایی ذکر شده است؟ علائم ظهور ماشیح چیست؟

بنابر متون مقدس یهودیان، دوران آخرالزمان دارای ویژگی های خاصی است که برخی از آن ها عبارت اند از:

ـ دردهای زایمان دورهٔ ماشیح سخت و شدید خواهد بود؛

ـ تاریکی و سیاهی شب، قبل از دمیدن سپیده فزونی می یابد؛

ـ آشفتگی و فساد در جهان به حد اعلی خواهد رسید و سختی های زندگی، غیرقابل تحمل خواهند شد؛

ـ جوانان به پیران بی احترامی کرده و آن ها را خجالت خواهند داد و پیران در جلوی جوانان به پا خواهند ایستاد؛

ـ روی مردم چون روی سگ خواهد بود (از بی حیایی)؛

۱- انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۷۱.

۲- حبقوق، ۲:۳.

ـ محل تحصیل و مطالعه به اماکن فساد مبدل شده، دانش دبیران فاسد خواهد گشت؛

ـ فرزند داوود (ماشیح)، فقط در دوره ای ظهور خواهد کرد که همهٔ مردم آن یا معصوم باشند یا مجرم؛

ـ هر وقت ببینی دولت ها با هم به نزاع سیاسی که منجر به جنگ های سخت می شود، می پردازند.

داوود پیامبر علیه السلام در کتاب مزامیر پنج بار از خدا خواسته است تا برخیزد؛ چهاربار مربوط به چهار دولت یونانیان، بخت النصر، هامان صدراعظم خشایارشاه، رومیان و پنجمی مربوط به دولت گوگ و ماگوگ (یأجوج و مأجوج) است که در آخرالزمان با قدرتی عظیم علیه بنی اسرائیل به جنگ خواهد آمد.

دوران هفت ساله ای که ماشیح در آن ظهور می کند، چنین است:

سال اول، بی بارانی؛

سال دوم، قحطی؛

سال سوم، قحطی شدید و مردن مردان، زنان، کودکان، متقیان و فراموشی تورات؛

سال چهارم، سیری و وفور نعمت؛

سال پنجم، سیری و فراوانی عظیم، بازگشت تورات به سوی آموزندگانش؛

سال ششم، به گوش رسیدن صداهایی از آسمان؛

سال هفتم، درگرفتن جنگ و در پایان این دوران هفت ساله ماشیح می آید.

خصوصیات دوران ظهور ماشیح در آیین یهود چگونه است؟

یهودیان براساس کتاب مقدس خود دوران ظهور ماشیح را روزگاری مشحون از سعادت و شادی و امینت و رفاه ذکر می کنند. در کتاب تلمود در توصیف دوران

ظهور آمده است: نیروی باروری طبیعت به میزانی شگفت انگیز و معجزه آسا فزونی خواهد یافت. به این نمونه ها توجه کنید:

برای حمل یک حبهٔ انگور، گاری یا قایق لازم است و باید آن را در گوشهٔ خانه گذاشت... . (۱)

غلات در مدت یک ماه رشد می کنند و درختان ظرف دو ماه میوه می دهند.

ربی یوسه می گوید: غلات ظرف پانزده روز به عمل می آیند و درختان در مدت یک ماه میوه خواهند داد. (۲)

در سرزمین اسرائیل، گرده هایی از عالی ترین آرد و پارچه هایی از نفیس ترین پشم در زمین خواهد رویید.

یک دانهٔ گندم به اندازهٔ دو قلوهٔ یک گاو بزرگ خواهد بود. (۳)

در جهان آینده، زنان هر روز خواهند زایید و درختان هر روز میوه خواهند داد. (۴)

به عقیدهٔ یهودیان، خداوند ده چیز را در دوران ماشیح تازه خواهد کرد:

۱. او خود جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد، چنان که مکتوب است: «بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید، زیراکه یهوه نور جاودانهٔ تو و خدایت، زیبایی تو خواهد بود»؛ (۵)

۲. از اورشلیم آب روان جاری خواهد ساخت و هرکسی را که بیماری داشته باشد، به واسطهٔ آن شفا خواهد داد؛ (۶)

۱- کتوبوت، ۱۱۱ب.

۲- یروشلمی تعنیت، ۲الف.

۳- کتوبوت، ۱۱۱ب.

۴- شبات، ۳۰ب.

۵- اشعیاء، ۱۹:۶۰.

۶- حزقیال، ۹:۴۷.

۳. درختـان را وادار می کنـد تـا هر مـاه میوه بیاورنـد و انسـان از آن میوه ها می خورد و شـفا می یابـد و بر لب آن نهر در این طرف هر نوع درخت خوراکی خواهد رویید که برگ آن پژمرده نخواهد شد و میوه اش تمام نخواهد گشت... ؛ (۱)

۴. تمام شهرهای ویران را از نو آباد خواهند کرد و در جهان ویرانه یافت نخواهد شد... ؛ (۲)

۵. خداوند اورشلیم را با سنگ های یاقوت کبود از نو بنا خواهد کرد... ؛ (۳) و آن سنگ ها همچون خورشید نور خواهند داد و بت پرستان آمده و عزت و جلال اسرائیل را خواهند دید؛ (۴)

۶. صلح جاودان در سراسر طبیعت حکم فرما خواهد شد: «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شـیر و گاو پروار با هم خواهنـد زیست و طفل کوچک آن ها را خواهنـد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه هـای آن هـا بـا هم خواهنـد خوابیـد و شـیر مثـل گـاو کاه خواهـد خورد و طفل شـیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهـد کرد، و کودک از شیر بازداشته شده، دست خود را بر لانهٔ افعی خواهد گذاشت»؛ (۵)

۷. خداوند، تمامی حیوانات و خزندگان را فراخوانده و با آن ها و با تمام اسرائیل عهد خواهد بست؛ (۶)

۸. گریه و شیون و زاری در جهان نخواهد بود؛ (۷)

۱- حزقیال، ۱۲:۴۷.

۲- حزقیال، ۵۵:۱۶.

۳- اشعیاء، ۱۱:۴۵ و ۱۲.

۴- اشعیاء، ۳:۶۰.

۵- اشعیاء، ۶:۱۱، ۷، ۸.

۶- هوشع، ۲۰:۲.

۷- اشعیاء: ۱۹:۶۵.

۹. مرگ، دیگر در دنیا وجود نخواهد داشت؛ (۱)

۱۰. دیگر نه آه و ناله ای به گوش خواهـد رسـید و نه فریاد و فغانی، نه غم و انـدوهی و نه حزن و ماتمی وجود خواهد داشت، بلکه همه شادمان و خوشحال هستند: «و فدیه شدگان خداوند بازگشته و با ترنم صهیون خواهند آمد». (۲)

یهودیان از ماشیح چه انتظاری دارند و طول دوران او را چگونه ترسیم می نمایند؟

ـ برقراری صلح پایدار و بی زوال و شادمانی و خرسندی در سراسر جهان؛

ـ شفا دادن کوران و لنگان؛

ـ هم دوش و متحد کردن همگی بندگان تا نام خدا را بخوانند و او را پرستش کنند؛

ـ خوشبختی ملت اسرائیل: ظلم و جوری که از جهانیان تحمل کرده اند پایان خواهد یافت و به مقام عالی که خداوند برایشان مقدر کرده است، خواهند رسید؛

ـ ماشیح، جمع آوری و اتحاد اسباط اسرائیل را عملی خواهد کرد، هرچند بعضی می گویند: «ده سبط اسرائیل سهمی از جهان آینده ندارند»؛ (۳)

ـ تجدید بنای شهر مقدس اورشلیم که قبل از گردآمدن مجدد اسباط پراکندۀ اسرائیل است؛ (۴)

ـ برقراری مجـدد معبـد بیت همیقـداش سوم که کـارکرد آن با بنای اول و دوم معبـد که برای قربانی های کفارۀ گناهان بود، متفاوت است: «در جهان آینده، گذرانیدن همۀ قربانی ها موقوف خواهد شد بجز تقدیم قربانی شکرانه که هرگز ترک

۱- اشعیاء، ۸:۲۵.

۲- اشعیاء: ۱۰:۳۵؛ شموت ربا، ۲۱:۱۵.

۳- توسیفتا، سنهدرین،۱۳:۱۲.

۴- مزامیر، ۱۷:۱۰۲.

نخواهد گشت»؛ (۱)

ــ تنها مزیت دوران ماشیح، نجات اسرائیل از ستمگران است، ولی برای رهایی از بدبختی های گوناگونی که آدمی گرفتار آن است، باید صبر کند تا زمانی که رخت از این جهان بربندد.

دربارهٔ طول مدت دوران حاکمیت ماشیح نظریه های گوناگونی ارائه شده است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

ــ ربی عقیوا: چهل سال به اندازهٔ سرگردانی اسرائیل در بیابان پس از خروج

از مصر؛

ــ ربی الیعزر فرزند ربی یوسه: یکصد سال؛

ــ ربی برخیا از قول ربی دوسا: ششصد سال؛

ــ ربی یهودا هناسی: چهارصد سال به اندازهٔ مدت غربت مصر (یا سه نسل)؛

ــ ربی الیعزر فرزند هورقانوس: هزار سال؛

ــ ربی اباهو: هفت هزار سال؛

ــ العازار بن عزریا: هفتاد سال؛

ــ ربی اویمی (۲) فرزند ربی اباهو: هفت هزار سال؛

ــ راو یهودا از قول شموئل: به اندازهٔ مدتی که از آفرینش جهان تاکنون گذشته است؛

ــ راو نعمان براسحق: به اندازهٔ زمانی که از طوفان نوح تاکنون سپری شده است؛

ــ الیاهو: عمر این دنیا شش هزار سال است؛ دو هزار سالِ اول آن، دورهٔ آشفتگی بود؛ دو هزار سال دوم، دوران حکومت تورات بود؛ دو هزار سال آخر بایستی دوران

۱- پسیقتا، ۷۹ الف.

۲- Avimi.

ماشیح باشد، ولی به خاطر گناهان زیاد ما، سال های بسیاری از دوران ماشیح بیهوده سپری شد. (۱)

چرا یهودیان حکومت حضرت داوود علیه السلام را الگوی حکومت موعود آخرالزمان می دانند؟

با انتخاب داوود، آرزوی دیرین قوم یهود برای قیام منجی کاملاً برآورده شد. پس از آن که به روایت کتاب مقدس، شائول منحرف شد و به وسیلهٔ سموئیل از منصب خویش عزل گردید، داوود، سرباز فداکارش، بر جای او نشست و پس از چندی کشور بنی اسرائیل را به چنان شکوهی رساند که الگوی جاودانهٔ شخص مسیحا و حکومت آرمانی یهود گردید. (۲)

این باور چنان قوت گرفت که برخی از انبیا و حکیمان نیز او را مسیحا دانستند. (۳) او با بی باکی خود، به قهرمان نمونهٔ بنی اسرائیل تبدیل شد و در حقیقت پایه گذار قوم خدا گردید؛ چیزی که براساس پیش گویی های رسولان بنی اسرائیل به وسیلهٔ مسیحا تحقق کامل خواهد یافت.

عقیدهٔ همگانی بنی اسرائیل که ریشه های دینی هم داشت، آن بود که رفاه و آسایش به دست آمده در حکومت داوود تا ابد پایدار خواهد ماند، اگرچه خود داوود به نزد پدرانش خواهد رفت؛ عقیده ای که ناتان آن را چنین پیش گویی می کند:

روزهای تو تمام خواهد شد و با پدران خود خواهی خوابید و ذرّیت تو را که از صلب تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهم ساخت و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. او برای اسم من خانه ای بنا خواهد کرد و کرسی سلطنت او را تا

۱- سهندرین، ۹۷ الف.

۲- کتاب دوم سموئیل، باب ۱ - ۵.

۳- نک: Sanhednn ۹۸b؛ هوشع، ۳ : ۵؛ ارمیا، ۳۰ : ۹؛ حزقیال، ۳۷ : ۲۴ - ۲۵.

ابد پایدار خواهم ساخت. (۱)

این باور تا بدان اندازه قطعی بود که داوود خود نیز آن را به پسرش سلیمان مژده داد:

یقین که از تو کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند، مفقود نخواهد شد. (۲)

بر این اساس، عصر داوود و سلیمان را می توان دوران شکوفایی آرمان مسیحایی در اذهان قوم یهود دانست؛ آرمانی که در زمان سموئیل بر پایهٔ گرایش مادی شکل گرفت؛ یعنی رهایی از دشمنان ستمگر، ولی در زمان این پدر و پسر به آرزو و امید برپایی حکومتی ملّی و پابرجا تحول یافت.

آیا این که می گویند موعودگرایی یهودی در اثر ارتباط با اقوام ایرانی پدید آمد، درست است؟

محققان تاریخ ادیان در این باره گفته اند: حکومت یهودا در سال ۵۸۶ پیش از میلاد به وسیلهٔ حکومت بابل سرنگون شد و بدین شکل، دومین مملکت از پادشاهیِ یک پارچهٔ اسرائیل نابود گردید. در پی آن، همهٔ سران حکومتی و نخبگان و بسیاری از مردم عادی دو سبط یهودا و بنیامین به اسارت به بابل برده شدند. اگرچه حکومت بابل با این اسیران چندان سخت نمی گرفت و به آنان آزادی های سیاسی و حقوقی فراوانی داده بود، بسیاری از آنان از درد غربت ناراضی بودند و آرزو می کردند به سرزمین خویش برگردند و حکومت پیشین خود را بازیابند. (۳) این یعنی جان گرفتن یک آرمان و تقویت یک آرزو.

این اسارت در سال ۵۳۹ قبل از میلاد با فتح بابل توسط کورش کبیر پادشاه ایران و کسی که اشعیا او را مسیح خدا می داند، (۴) پایان یافت و آنان به سرزمین های

۱- کتاب دوم سموئیل، ۷: ۱۲ - ۱۴.

۲- کتاب اول پادشاهان، ۲: ۴.

۳- تاریخ جامع ادیان، جان بی ناس، ص۵۲۹.

۴- اشعیا، ۴۵: ۱.

خود بازگشتند. بـا این همه، علقه هـای فکری و اعتقادی عمیقی میان بنی اسـرائیل ایرانیان و بابلیان پدیـد آمـد. به همین دلیل، تغییراتی عمده در باورهای ایمانی این قوم شـکل گرفت. ردپای شـماری از این باورهای وارداتی هنوز هم در الهیات و ادبیات دینی یهود وجود دارد. برای مثـال، داسـتان طوفان نوح آن گونه که در سـفر پیـدایش آمـده، به داسـتان پِرنبشتیم که بر الواحی میخی حک شده، همانندی های بسیاری دارد.

همچنین برخی معتقدند که اعتقاد به رستاخیز مردگان و حتی باور به منجی در شکل کنونی اش، از باورهای وارداتی قوم یهود از ایرانیان است. (۱) این گرایش چنان پیش می رود که بخش های پیش گفته شده از کتاب مقدس را از بخش هایی می داند کـه بعـد از اسـارت بـابلی بر مجمـوعه کتب مقـدس افزوده شـده است. (۲) نگارنـده نمی خواهـد موضع خـود را درخصوص وارداتی یـا غیروارداتی بودن آموزهٔ موعودبـاوری یهود آشـکار کنـد، ولی معتقـد است که بی تردیـد وضـعیت پیش آمـده در دوران تبعید بابلی و قرون پس از آن تأثیرات فراوانی در بازخوانی دوبارهٔ آموزهٔ مسیحایی در یهودیت داشته است.

پس از اسارت بابلی و آن گاه که عزرای کاتب از سوی پادشاهان به زمامت ملت یهود برگزیـده شـد، سـرنوشت دولت نوبنیاد یهود به دست کاتبان شریعت افتاد و از شهریاری آن کاسته شد.

عزرا تلاش بسـیاری داشت که تمامی عقایـد و اعمال در شـریعت گنجانـده شونـد و با این شـعار که «عمل، سه چهارم زندگی است»، تمام نیروی خود را به تأمین نیازهای عملی مردم طبق فهم خویش اختصاص داد (۳) و آرمان مسیحایی، مثل

۱- موسوعه الیهودیه و الصهیونیه، ج۵، ص۲۹۴.

۲- نک: انتظار مسیحا در آیین یهود، ص۱۹، پاورقی۲۲.

۳- انتظار مسیحا در آیین یهود، ص۳۶.

دیگر اعتقادات یهود بی آن که تحقیق و پژوهشی آرامش آن را به هم بزند و سکوتش را به آشفتگی بدل سازد، در ژرفای جان مردم جای گرفت.

از اتفاقات مهم این دوره آن بود که عمل به شریعت به منزلهٔ شرط تحقق وعدهٔ الهی، به آرمان مسیحایی افزوده شد: «توراتِ بندهٔ من موسی را که آن را با فرایض و احکام به جهت تمامی اسرائیل در هوریب امر فرمودم، به یاد آورید». (۱)

اتفاق دیگر در تکون آرمان مسیحایی ملت یهود که در تأثیر باور وارداتی رستاخیر مردگان شکل گرفت، آن بود که با تأکید عزرا و یارانش بر این که افراد جامعه باید به دقایق تورات عمل کنند، مسئولیت فردی بنی اسرائیل در قبال دین داری خویش افزایش یافت. آنان برای اعتلای معبد رنج می کشیدند و با تعهد به آرمان های قوم می مردند و معتقد بودند که پس از مرگ برای دیدن جلال آینده که با آمدن مسیحا شکل می گیرد، برخواهند خاست: «او قدوس خود را نخواهد گذاشت که فساد ببیند». (۲) بدین شیوه، عقیده به رستاخیز با تلاش کاتبان به سیمای برجسته و جدایی ناپذیر آرمان مسیحایی بدل شد. (۳)

آیا مسیحیان موعودباورند؛ یعنی معتقد به آمدن منجی در آخرالزمان هستند؟ نام منجی آنان چیست؟ آنان آمدن منجی را چگونه ترسیم می کنند؟

مسیحیان هم به عنوان یکی از ادیان ابراهیمی معتقدند در پایان این عالم یک نجات دهنده خواهد آمد و آن ها را به سعادت کامل می رساند. البته از نظر آنان منجی کسی نیست جز عیسی بن مریم علیهما السلام؛ یعنی همان کسی که دین مسیحیت منتسب به اوست. مسیحیان معتقدند همان گونه که عیسی یک بار برای نجات

۱- ملاکی، ۴:۴.

۲- مزامیر، ۱۶: ۱۰.

۳- انتظار مسیحا در آیین یهود، ص۳۶.

انسـان هـا از گناه ظهور کرد، یک بار دیگر در آخرالزمان برای نجات نهایی مؤمنان مسـیحی باز خواهـد گشت. آنان در مورد بازگشت مسیح معتقدند:

عیسی که همـان ماشـیح بنی اسـرائیل بود و نویـد رهایی انسان را داده بود طولی نمی کشـد که پس از آن که بر صـلیب شـد، دوباره به جهان بازگردد تا ملکوتی را که از آن سخن گفته بود، برقرار سازد. (۱)

برای پیروان او بسـیار سخت بود که بپذیرند مراد و منجی شان به همین سادگی بر صلیب شود. به همین دلیل آنان در این زمینه موضع روشنی گرفتند و آن

این که: «عیسـی مسیح از میان مردگان برخاسته است». براساس این اعتقاد، عیسی پس از آن که بر صلیب رفت و دفن شد، سه روز بعد از میان مردگان برخاست، مدت چهل روز بر روی زمین اقامت گزید و سـپس به آسمان ها صعود کرد. (۲) به راحتی می توان حدس زد که این اعتقاد فارغ از همهٔ آن چه در پیرامون

آن می توان گفت، تا چه اندازه می تواند برای حواریون سرمست کننده و خوشایند باشد و تا چه اندازه می تواند ناامیدی را از آن هـا دور کنـد. برای همین بـود که طولی نکشـید این آموزه به کلیـدی ترین آموزهٔ مسـیحیت بـدل شـد. آموزه ای که تمـام ماهیت و معنای کلیسا بر آن اسـتوار است. کتاب مقدس بیش از سیصدبار به این موضوع پرداخته است، و چندین باب کامل به تبیین این آموزه اختصاص یافته است که از آن جمله است: متی، ابواب ۲۵ و ۲۴؛ مرقس، باب ۱۳؛ لوقا، باب۲۱.

فراتر از آن، گاه رساله هایی صرفاً به بیان و توصـیف این موضوع همت گماشـته اند، مانند: تسالونیکیان اول و دوم و مکاشـفهٔ یوحنا. با توجه به همین حقیقت

است که می توان ادعا کرد: رجعت مسیح مهم ترین جزء تعالیم کتاب مقدس

۱- Encyclopedia Biblica, Vol ۳, P ۳۰۵۸.

۲- اعمال رسولان، ۱: ۱-۱۲.

است. (۱) علاوه بر آن بسیاری از مفاهیم مطرح شده در کتاب مقدس بدون

درک مفهوم رجعت مسیح قابل فهم نیستند. مفاهیمی مانند کاهن و پادشاه بودن عیسی، نجات در آینده و شمار فراوانی از آموزه های کتاب مقدس تنها زمانی معنادار می شوند که آموزهٔ رجعت عیسی پذیرفته شود. تعالیمی چون تعمید

و عشاء ربانی با این آموزه پیوندی عمیق برقرار ساخته اند. (۲) براساس این اعتقاد، عیسی خود بارها اعلام کرده که شخص اول (۳) به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی (۴) در جلال و هیبت پدر (۵) و به همراه فرشتگان و همراه با پیروزی و فتح

خواهد آمد. پرداختن به اشارات کتاب مقدس در مورد مسئلهٔ بازگشت عیسی مسیح کار دشواری است و ارائهٔ تنها فهرستی از تمام آیاتی که به این موضوع پرداخته، فهرست بلندی خواهد بود. در این آیات گاه عیسی خود وعدهٔ بازگشت می دهد؛ مانند:

اما به شما می گویم که بعد از این از میوهٔ مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود تازه آشامم. (۶)

و گاه رسولان امید و انتظار را در جامعهٔ مسیحی زنده می کنند:

ای حبیبان الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آن چه خواهیم بود لکن می دانیم چون او ظاهر شود مانند او خواهیم بود. (۷)

۱- الاهیات مسیحی، هنری تیسن، ص۳۲۷.

۲- الاهیات مسیحی، هنری تیسن، ص۳۲۸.

۳- نک: یوحنا، ۱۴: ۱۳؛ ۲۱: ۲۲ - ۲۳.

۴- نک: متی، ۲۴: ۳۲ - ۵۱؛ ۲۵: ۲ - ۱۳؛ مرقس، ۱۳: ۳۳ - ۳۷.

۵- نک: متی، ۱۶: ۲۷ ؛ ۱۹: ۲۸ و ۲۵: ۱۳.

۶- متی،۲۶: ۲۹.

۷- اول یوحنا، ۳: ۲ و۳.

موعودباوری اسلامی و مسیحی چه وجوه اشتراک و چه اختلافاتی دارد؟

رجعت از وجوه مشترك موعودباوری اسلامی به قرائت شیعهٔ امامیه و سنت مسیحی است. ما شیعیان معتقدیم «خداوند متعال پس از ظهور منجی آخرالزمان، گروهی از شیعیان را که از دنیا رفته اند، به دنیا بازمی گرداند تا آنان به آرزویشان که یاری و همراهی و درك وجود او و شوکت و عظمت اسلام است، نائل شوند؛ نیز برخی از دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام را زنده می کند و به دنیا باز می گرداند تا آنان نیز پیروزی حق و نابودی باطل را و شوکت اسلام و مؤمنان را بنگرند و از اعمال گذشتهٔ خود اندوهگین و متأسف گردند». (۱) مسیحیان نیز معتقد به رجعت عیسی مسیح در آخرالزمان و تکریم ایمان داران مسیحی هستند.

در سنت اسلامی، بازگشت عیسی مسیح علیه السلام که قرآن به زنده بودن او تصریح کرده است، (۲) انتظار می رود؛ ولی طبق احادیث اسلامی، پس از ظهور شخصیت منجی آخرالزمان خواهد بود. این شخصیت، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام دارد و از فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و جهان را پس از آن که مملو از ظلم و جور شده است، پر از عدل و داد می کند. (۳) در برخی از احادیث آمده است که وقتی عیسی از آسمان فرود می آید، تحت امارت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و به امامت ایشان نماز خواهد خواند. بنابراین طبق روایان اسلامی، رجعت مسیح در همین دنیا واقع خواهد شد. (۴) خصوصیاتی که مسیحیان برای دوران ظهور مسیح و سلطنت هزارسالهٔ او بیان می کنند، مانند آبادانی شهرها و برکت و فراوانی ارزاق و امنیت و ایمان و

۱- نک: بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۳۶، باب۲۹.

۲- نک: سورهٔ نساء، آیات ۱۵۶-۱۵۷.

۳- نک: بحارالانوار، ج۵۲، باب۲۷.

۴- مسیحیت، سیدمحمد ادیب آل علی، ص۲۳۴ - ۲۳۵.

دربنـد بودن شـیطان و ظالمـان، همگی خصوصـیاتی هسـتند که در روایات اسـلامی برای دورهٔ ظهور منجی بیان شـده است. از سوی دیگر، در منـابع مسـیحی از دورانی به نـام «دورهٔ مصـیبت عظیم» یـاد می شود که شـباهت زیـادی به دوران آخرالزمـان و وجود ظلم و فساد و گناهان بسیار آن دارد.

بازگشت عیسی مسیح در روایات اسلامی چگونه تفسیر می شود؟

مسـلمانان در فرود آمدن حضـرت مسـیح از آسمان، در آخرالزمان اتفاق نظر دارند و بیش تر مفسران این آیه را که: «و از اهل کتاب، کسـی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می آورد، و روز قیامت [کسـی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود»، (۱) به همین معنا تفسیر کرده اند.

منابع شـیعه و سـنی، روایات فراوانی دربارهٔ فرود آمدن مسـیح از آسـمان ذکر کرده اند. ازجملهٔ آن ها روایات ذیل است که به حتمی بودن این امر اشاره دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

چگونه خواهید بود آن گاه که عیسی بن مریم علیهما السلام در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خود شما باشد. (۲)

این روایت را بخاری و دیگران در باب «فرود آمدن عیسی» آورده اند. (۳)

ابن حماد حدود سـی روایت ذیل عنوان «فرود عیسـی بن مریم علیهما السـلام و روش او» و «مدت زندگانی آن حضرت بعد از فرود آمـدن وی» آورده که ازجملهٔ آن ها، روایتی است که در صـحاح و بحارالانوار از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم نقل شده است:

سوگند به آن که جانم به دست اوست، به طور یقین عیسی بن مریم که داوری

۱- سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۵۹.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۸۳.

۳- صحیح بخاری، ج۲، ص۲۵۶.

عادل و پیشوایی دادگر است، در میان شما فرود خواهد آمد و صلیب را شکسته، خوک را می کشد و مالیات (جزیه) وضع می کند و آن قدر مال می بخشد که دیگر کسی نمی پذیرد. (۱)

پیامبران با یکدیگر به سبب هایی برادرند و آیینشان یکی و مادرانشان مختلف است. سزاوارترین ایشان به من عیسی بن مریم است؛ چراکه بین من و او پیامبری نیست. او در میان شما فرود خواهد آمد، پس او را بشناسید: مردی چهارشانه و درشت اندام و سرخ و سفیدگونه است، خوک را می کشد، صلیب را می شکند، مالیات را ملغی می کند و آیینی را به جز اسلام نمی پذیرد. دعوت او یک جهت داشته که منحصر به پروردگار جهانیان است. (۲)

در بعضی از روایات آمده است که حضرت مسیح علیه السلام پشت سر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می گزارد و هر سال به خانۀ خدا مشرف می شود و مسلمانان به همراهی وی با یهود، روم و دجال می جنگند. آن حضرت مدت چهل سال زندگی می کند و آن گاه خداوند جان او را می گیرد و مسلمانان وجود مقدس او را به خاک می سپارند. در روایتی آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مراسم دفن او را به طور آشکار و در برابر دیدگان مردم برگزار می کند که دیگر مسیحیان حرف های گذشته را بر زبان نیاورند و پیکر او را با پارچه ای که دست باف حضرت مریم علیه السلام است، کفن می کند و در کنار قبر مادر در قدس به خاک می سپارد. به نظر می رسد، نخستین اثر سیاسی پدیدۀ ظهور مسیح، کاهش خصومت دنیای غرب و نهایت گرایش آن ها به اسلام و مسلمانان باشد. به شهادت روایات، اقتدای آن حضرت به نماز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، می تواند اعلان موضع صریح حضرت عیسی علیه السلام باشد که وی در

۱- نک: الفتن، ابن حماد، ج۲، ص۵۶۶ - ۵۷۷.

۲- الفتن، ابن حماد، ج۲، ص۵۶۶ - ۵۷۷.

جبهۀ اسلام قرار دارد و کسانی که حقیقتاً منتظر مسیح بوده اند، با دیدن این کنش از موعود خویش، به اسلام خواهند گروید.

مراد از رجعت عیسی مسیح چیست و این رجعت در چه زمانی اتفاق خواهد افتاد و این بازگشت چه خصوصیاتی دارد؟

مراد از رجعت مسیح، ظهور او در آخرالزمان است که هنوز رخ نداده و طبق سنّت مسیحی و کتاب مقدس، مربوط به آینده است. این آموزه یک رویداد فرجام شناسانۀ الاهیاتی است که جایگاه آن در بخش آخرت شناسی الاهیات است. از بازگشت عیسی مسیح، به آمدن دوباره یاد می گردد و در مقابل آن آموزۀ دیگری به نام آمدن یا ظهور اولیه مطرح می شود که جایگاه الاهیاتی آن بخش مسیح شناسی است. هرچند در کتاب مقدس و خصوصاً در عهدعتیق و نبوت ها و پیشگویی های انبیای بنی اسرائیل در مورد ظهور منجی، بین این دو آموزه، یعنی اولین ظهور مسیح در جهان و بازگشت پایانی او، خلط هایی شده است، ولی با دقت در فحوای این پیش گویی ها می توان به تفاوت آن ها پی برد. برای مثال با کمی دقت می توان دریافت که آنچه در ایوب، ۱۹: ۲۵-۲۶؛ دانیال، ۷: ۱۳-۱۴؛ زکریا، ۱۴: ۴؛ ملاکی، ۳: ۱و۲ آمده است، مربوط به بازگشت نهایی مسیح است. (۱)

اگر تمام غایت نقشۀ خداوند از آفرینش، شخصیتی به نام مسیح را در فعل نجات بخش او بدانیم، باید دانست که با آمدن اولیۀ او، انسان ها پس از برداشته شدن موانع، بشارت ملکوت الاهی را شنیدند و با ایمان آوردن به او خود را آمادۀ ورود به آن ملکوت می نمایند و با آمدن دوبارۀ مسیح در پایان جهان در آن ملکوت ساکن می گردند. بنابراین این دو ظهور و آمدن عیسی مسیح و هرآنچه در این بین اتفاق می افتد، تمام ایمان مسیحی است.

۱- الاهیات مسیحی، هنری تیسن، ص۳۲۷.

کاتولیک های مسیحی دربارهٔ بازگشت عیسی چه نظری دارند؟

جرج برانتل، نویسنده و الاهیدان معاصر کلیسای کاتولیک، با اذعان به دو ظهور برای عیسی و با تشویق مسیحیان به انتظار و فعالیت برای تحقق بازگشت مسیح، معتقد است:

ما نه تنها یک ظهور، بلکه دو ظهور برای مسیح قائلیم؛ زیرا اولی صبر

او را آشکار ساخت، اما دومی تاج ملکوت الهی را به همراه آورد؛ زیرا به طور کلی، همه چیز در مسیح دوگونه است: تولد او دوگونه است: یکی از پدر،

قبل از عوالم، دیگری از باکره، در پایان؛ نزول او دوگونه است: یکی در

پنهانی، مانند شبنم بر پشم گوسفندان، و دومی آمدن پرسر و صدای او

که باید باشد. او در ظهور اول خود در قنداقه پیچیده شده و در آخور بود

و در ظهور دومش «خویشتن را به نور مثل ردا پوشانیده» (مزامیر، ۱۰۴: ۲). در اولین آمدنش متحمل صلیب شد و بی حرمتی دید (عبرانیان، ۱۲:۲)، اما در دومی می آید، در حالی که فرشتگان او را مشایعت کرده، او را تجلیل می کنند. نگذارید در اولین ظهور او باقی بمانیم، بلکه باید به دنبال ظهور دومش باشیم. (۱)

بنابراین روشن می شود که چرا پیروان مسیح پس از صلیب عیسی و قیامش از میان مردگان ناگاه به آموزهٔ بازگشت او پناه بردند؛ وقتی پیروان عیسی او را ناباورانه بر صلیب دیدند، بی آن که خود را بتواند نجات دهد، سردرگم گردیدند؛ او که نتوانست جان خود را نجات بدهد، چگونه می توانست شهریار نجات بخش پیروان خود باشد؟ سه روز پس از سردرگمی و بهت پیروان عیسی، زنانی که برای زیارت قبر او رفته بودند، آن را خالی دیدند و «فرشته ای آنان را متوجه شده و گفت: ترسان مباشید. می دانم که عیسای مصلوب را می طلبید. در این جا نیست؛ زیرا چنان که

۱- آیین کاتولیک، جورج برانتل، ص۲۷۵-۲۷۶.

گفته بود، برخاسته است». (۱) وقتی عیسی بر صلیب شد، بی آن که حکومتی پایه ریزی کند، سایهٔ یأس و نومیدی بر پیروان او سایه افکند و آنان همهٔ اعتقادات خود را زیر سؤال دیدند؛ آیا به راستی عیسی مسیحای بنی اسرائیل بود؟ این پرسش بسیار آزاردهنده می نمود. به همین دلیل، تا وقتی که مریم مجدولیه و زنان همراهش از تجربهٔ خود در یافتن قبر خالی عیسی سخن نگفتند، خانه نشینی و خموشی این نوکیشان ادامه داشت. از نگاه آنان قیام مسیح، اثبات حقانیت انجیل بود. (۲) قیام عیسی، حواریان او را معتقد ساخت که عیسی به زودی و بار دیگر سوار بر ابرها به زمین بازخواهد گشت و همهٔ وعده ها در حق بنی اسرائیل را عملی خواهد کرد. از این رو، جرئت و جسارت جدیدی در آنان پیدا شد و با کمال شجاعت به وعظ و تبلیغ در میان مردم مشغول شدند، درست در میان همان مردمی که چندی پیش عیسی در میانشان دستگیر شده و بر صلیب شده بود.

به صورت خلاصه، مسیحیان براساس کتاب مقدس معتقدند: عیسی به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی (۳) در جلال و هیبت پدر و به همراه فرشتگان و با پیروزی و فتح باز خواهد گشت. (۴) در تفاسیر، گاه با استناد به آیاتی چون «تا خداوند را در هوا استقبال کنیم»، (۵) بازگشت عیسی به حضور او در آسمان معنا شده؛ و گاه نیز با تمسک به آیاتی چون «همین عیسی که از سوی شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد»، بازگشت عیسی، حضوری زمینی معنا شده است. البته برای هریک از این حضورها اهدافی را نیز بیان می کنند. برای مثال، ملاقات

۱- متی، ۲۸: ۵ - ۱۰.

۲- تاریخ جامع ادیان، جان ناس، ص ۶۱۰.

۳- نک: یوحنا، ۳:۱۴ و ۲۱: ۲۲ و ۲۳؛ مرقس، ۱۳: ۳۳ - ۳۷ و نیز: متی، ۲۴: ۲۳ - ۵۱.

۴- نک: متی، ۱۶: ۲۷ و ۱۹: ۲۸ و ۲۵: ۳۱.

۵- اعمال رسولان، ۱: ۱۱.

با ایمان داران با استناد به آیهٔ «باز می آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد»، (۱)

از اهداف مهم بازگشت عیسی به آسمان شمرده شده و بررسی و داوری میان امت ها، نجات بنی اسرائیل، آزاد ساختن ملت ها و برقراری ملکوت، از اهـداف بازگشت زمینی عیسـی مسـیح به شـمار می رونـد که در این میان، برقراری ملکوت خدا، هسـتهٔ مرکزی تعالیم عیسی و هدف عمدهٔ بازگشت اوست. (۲) بنابراین از نگاه الاهی دانان مسـیحی، عیسی به هنگام بازگشت خود، دو نوع ظهور خواهد داشت: بازگشت آسمانی و بازگشت زمینی، که هرکدام دارای هدف و غایتی هستند. (۳)

آخرالزمان از نظر مسیحیان چه دورانی است؟ نظریهٔ پایان دوران و نهایت عالم به چه معناست و چه جایگاهی در کتاب مقدس دارد؟

مسـیحیان مطابق با تفسیر سنتی از کتاب مقدس، معتقدند که این عالم روزی به پایان خواهد رسید. البته این اتفاق بعد از آمدن پایانی مسیح که آن را جزء امور فرجامین می دانند، رخ خواهد داد.

آسمان و زمین زایل می شوند ولی سخنان من زایل نخواهند شد. (۴)

عالمی که آن وقت بود، در آب غرق شـده، هلاک گشت ولی آسـمان و زمین به همان کلام برای آتش ذخیره شـده و تا روز داوری و هلاکت مردم بی دین نگاه داشـته شـده انـد. لکن روز خداوند چون دزد خواهد آمد که در آن آسـمان ها به صدای عظیم زایل خواهد شد و عناصـر سوخته شده از هم خواهند پاشید و زمین و کارهایی که در آن است، سوخته خواهد شد. ولی به حسب وعدهٔ او، منتظر آسمان های جدید و زمین جدید هستیم که در آن ها

۱- اعمال رسولان، ۷: ۱۴.

۲- ". King of God" in: Dictionary of the Bible, p.۲۱۶.

۳- نظام التعلیم فی علم اللاهوت، انس الامیرکانی، ج۲، ص۵۰۵.

۴- لوقا، ۳۳:۲۱.

عدالت ساکن خواهد بود. (۱)

کتاب مقدس به گونهٔ دیگری هم به موضوع پایان دوران پرداخته است، مانند این که می گوید:

آسمان و زمین در پایان حقیقتاً منحل می شوند، آن چنان که از کلام پطرس چنین برمی آید: کسی که مواجه می شود بین نابودی عالم با طوفان و ویرانی پایانی با آتش؛ نابودی با طوفان حقیقتاً اتفاق افتاد، پس ویرانی با آتش هم اتفاق خواهد افتاد حقیقتاً. (۲)

براساس تفسیر سنتی کتاب مقدس، دلایل زیادی وجود دارد که زمین در اول، شعلهٔ آتش بود و برگشت آن به حالت قبل، اگر خدا بخواهد آسان است. ویرانی در این آیات، متلاشی شدن نیست؛ چراکه سوختن جهان مستلزم متلاشی شدن عالم نیست، بلکه از وضعیت عالم بعد از آن ویرانی، با لفظ تجدید تعبیر شده است (۳) و برگشت همهٔ اشیاء (۴) و آزادی از عبودیت فساد (۵) و آسمان و زمین جدید (۶).

تغییری که در روز پایانی اتفاق می افتد، در همهٔ کائنات مادی نیست، بلکه فقط در زمین و مربوط به عناصر جوّی ماست؛ به این دلیل که زوال همهٔ این کائنات باعظمت، هنگام داوری جنس بشری ساکن زمین که قطره ای در دریای اعمال الاهی است، قابل تصدیق نمی باشد. آنچه در کتاب مقدس آمده است، اختصاص به انسان دارد که زمین به واسطهٔ گناه انسان ملعون شده و این لعنت

۱- دوم پطرس، ۶:۳۰ و ۷ و ۱۰ و ۱۳.

۲- دوم پطرس، ۳:۶-۱۳.

۳- متی، ۲۸:۱۹.

۴- اعمال، ۲۱:۳.

۵- رومیان، ۲۱:۸.

۶- مکاشفه، ۱:۲۱.

هنگـام اتمـام فدیـهٔ انسان زائل می شود. مخلوقی که به خاطر بطالت گناه انسان ذلیل شـد، زمین بود و آن مخلوقی است که از قیود فساد آزاد خواهد شد و بنابر کلام پطرس، جهانی که با آب (طوفان) نابود شد، خودش با آتش نابود می شود. (۱)

نتیجـهٔ این تغییر، ایجاد آسـمان ها و زمین جدیـد است، هرچنـد این مطلب در کتاب مقـدس واضـح نیست، ولی نظر غالب این است که زمینِ جدیـد، مسـکنِ نیکوکاران می شود؛ و اگر این زمینِ جدیـد، مسـکن پاکان و تخت پادشاهی مسیح شـد، نتیجه گرفته نمی شود که قـدیسان در همین حدود زمینی محصور شوند، (۲) بلکه می توانیم بگوییم که پاکان قادرند به عوالم دیگر بروند و محصور در مکان واحدی نباشند. (۳)

از نظر مسیحیان، بازگشت و ظهور مسیح چه مراحلی دارد؟ آیا عیسی مسیح حکومت هم خواهد نمود؟

مسـیحیان معتقدند بازگشت مسـیح و ظهور دوبارهٔ او در آخرالزمان برای تکمیل عمل نجات بخشـی خود در نقشهٔ خداوند، در چندین مرحله انجام می پذیرد که عبارت اند از:

۱. بازگشت اولیه یا آمدن مسیح به آسمان:

این مرحله شامـل ربودن مؤمنـان کلیسـا و بردن آنـان به آسـمان است. در یـک چشم بر هم زدن، به صورت ناگهـانی و بـدون آگاهی قبلی، عیسی آن هایی را که آمادهٔ بازگشت او هستند، می رباید و به آسمان می برد. پولس رسول می گوید:

همانا به شما سرّی می گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدّل

۱- دوم پطرس، ۳:۶-۱۳.

۲- یوحنا، ۲:۱۴.

۳- افسسیان، ۱:۱؛ کولسیان، ۱:۲۰.

خواهیم شـد، در لحظه ای و طرفهالعینی، به جهت نواختن صور اخیر؛ زیرا کرنا صـدا خواهـد داد و مردگان بی فساد برخواهند خاست و ما مقبول خواهیم شد. (۱)

اما وطن ما در آسـمان است که از آن جا نجات دهنده، یعنی عیسـی مسـیح خداوند را انتظار می کشیم که شکل جسم ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسم مجید او مصور شود. (۲)

هدف از این ملاقات در آسـمان، دادرسی مؤمنان و دادن پاداش به آنان و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها و اموال و فرصت هایی است که به آن ها داده شده بود. (۳)

۲. دوران مصیبت عظیم:

پس از مرحلۀ اول ظهور مسیح و پیش از مرحلۀ دوم آن، دوران مصیبت بسیار شدیدی پیش گویی شده است. در این دوره که بنابر برخی اشاره ها هفت سال طول خواهد کشـید، (۴) زمان چنان سـخت و تنگ خواهد شد که «از هنگام پیدایش امت ها تا بدین روز، همانندی نداشته است». (۵)

هنری تیسن با استفاده از آموزه های کتاب مقدس، این دوران را چنین ترسیم می کند:

وقتی کلیسا ربوده شود، دیگر نمک و نور در جهان نخواهد بود. مدت کوتاهی پس از ربوده شدن کلیسا، تا زمانی که مردم به سوی خداوند بازگشت نکرده اند، بر روی زمین هیچ موجود نجات یافته ای وجود نخواهد داشت.

۱- اول قرنتیان، ۱۵: ۵۱ -۵۲.

۲- فیلیپیان، ۳: ۲۰-۲۱.

۳- برای نمونه نک: متی، ۱۴: ۲۵-۳۰؛ لوقا، ۱۹: ۱۱ - ۲۷؛ دوم تسالونیکیان، ۲: ۶ - ۸ و... .

۴- دانیال، ۹: ۲۳-۲۷.

۵- دانیال، ۱۲: ۱.

روح القـدس، خدمت بازدارندهٔ خود را از جهان خواهد برداشت. در آن زمان، فساد و ظلمت به سـرعت زیاد خواهد شد. گناه همه جا را فرا خواهد گرفت و مردِ بی دین ظهور خواهد کرد. شیطان و فرشتگانش بر روی زمین قدرت زیادی خواهند داشت، ولی آمدن مسیح، عوامل اشاعهٔ بی دینی را از میان خواهد برد. (۱)

۳. بازگشت نهایی مسیح و پادشاهی هزارسالهٔ او:

طبق تفسیر کتاب مقدس، پیشگویی ها به صراحت بر سیطرهٔ مسیحیت در همهٔ عالم و غلبهٔ آن بر همهٔ دشمنان و موانع دلالت دارد تا آنجا که قلوب انسان ها را تسخیر می کند و این مدت باشکوه، هزاره سال نامیده شده است. (۲)

بنابر آموزه های کتاب مقدس، هنگامی که سال های مصیبت بی سابقه، به پایان خود نزدیک شود، روح هایی از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب بیرون می آیند و بر پادشاهان ربع مسکون، یعنی مناطق مسکونی زمین خروج می کنند تا ایشان را برای جنگ عظیم در «هرمجدون» (۳) فراهم آورند. (۴)

دشمنان مسیح جمع می شوند تا «اورشلیم» را تصرف کنند و یهودیان و فلسطین را به اسارت درآورند (۵) ولی وقتی به پیروزی نزدیک شـده انـد، مسـیح با لشـکریان خود از آسـمان نزول خواهـد کرد و در جنگ نهایی، پس از غلبه بر آنان، پیشوایانشان، گرفتار و به دریاچهٔ آتش افکنده خواهند شد. (۶)

۱- الاهیات مسیحی، هنری تیسن، ص۳۳۹.

۲- مکاشفه، ۲۰: ۲-۷.

۳- هرمجـدون معادل آرماگـدون (Armageddon) است که در ادبیـات آخرالزمـانی مسـیحیان صـهیونیزم جایگاه ویژه ای دارد.

۴- مکاشفه، ۱۶: ۱۳-۱۷.

۵- زکریا، ۱۲: ۱، ۱۳: ۱ و۱۴: ۲.

۶- برای نمونه نک: مکاشفه، ۹ : ۱- ۱۰ و ۱۹: ۱۹ ؛ مزامیر، ۲: ۳ و... .

سپاهیان آنان نیز با شمشیری که از دهان مسیح خارج می شود، کشته خواهند شد و راه برای استقرار حکومت مسیح هموار خواهد گردید. (۱)

این دوره، هزارسال به طول می انجامد و مسیح به عنوان فرمان روایی جهانی ظاهر خواهد شد و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت. (۲) شیطان

و روح های شریر بسته می شوند و به مدت هزار سال در «هاویه» افکنده

خواهند شد. (۳)

نبرد آرماگدون در مسیحیت چه ارتباطی با جنگ قرقیسیا در متون اسلامی دارد؟

واقعهٔ «آرماگدون» که براساس پیشگویی کتاب مکاشفهٔ یوحنا از کتاب های عهد جدید مطرح و مربوط به آخرالزمان است، نزد برخی از مسیحیان به خصوص پروتستان ها اهمیت دارد. مسیحیان صهیونیست در دنیای امروز با صرف هزینه های فراوان، با تبلیغ آموزه هایی چون: فرا رسیدن پایان دوران، نبرد نهایی، آمدن دوبارهٔ مسیح، در قالب ساخت فیلم، انتشار کتاب ها و مقالات فراوان سعی دارند به مردم جهان بقبولانند که این حادثهٔ بزرگ که وسعت آن بسیار دهشتناک است، هم زمان با پایان جهان که گویا نزدیک هم هست، به عنوان آخرین نبرد حق و باطل، باعث پالایش جهانیان می گردد و پس از آن، دوران حکومت هزارسالهٔ مسیح با شکوه و مجدِ فراوان رقم خواهد خورد.

جدای از انگیزهٔ طراحان این فرضیه و عوام فریبی آنان و سوء استفاده هایی که در برنامه های کلان جهانی خود دارند، اهمیت این موضوع در آن است که موج تبلیغات آنان به حوزهٔ اسلامی هم وارد شده و ذهن بسیاری از علاقمندان به

۱- برای نمونه نک: دوم تسالونیکیان، ۱: ۱-۱۲؛ مکاشفه یوحنا، ۱۹: ۱۵و... .

۲- مزامیر، ۷۲: ۶-۱۱.

۳- مکاشفه، ۲۰: ۱-۳.

موضوعات آخرالزمانی را درگیر نموده است؛ به طوری که برخی درصددند در میان اخبار، متون و روایات اسلامی، به نحوی این واقعه را با واقعهٔ «قرقیسیا» که در احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام بدان اشاره شده است، منطبق سازند.

با مراجعه به کتاب های طرفین و در یک مقایسهٔ اجمالی، در جدول ذیل به تفاوت های نبرد قرقیسیا و واقعهٔ آرماگدون اشاره نموده ایم:

*قرقیسیا/آرماگدون

-منطقهٔ مرزی عراق، ترکیه و سوریه/۲۰ مایلی جنوب شرقی حیفا در فلسطین اشغالی/موقعیت جغرافیایی

-روایات اسلامی متعدد وصریح در کتب فریقین/تفسیرهایی بی مبنا از یک عبارت عهد جدید در کتاب مقدس/منابع پیش گویی

-درگیری با سلاح های روز و کشته های بسیار/جنگ بزرگ هسته ای با تعداد کشته غیر قابل باور/نحوهٔ جنگیدن

-بنابر برخی روایات، درگیری برای تصاحب ثروتی است که زیر فرات بوده است و طرفین باطل هستند./جنگ میان دو سپاه موسوم به حق و باطل!/انگیزهٔ رویارویی

-بنابر برخی از روایات، پنج ماه قبل از ظهور/در آستانهٔ ظهور حضرت مسیح علیه السلام پس از بازسازی معبد سلیمان و تولد گوسالهٔ سرخ موی/زمان جنگ

-مجموعه ای از حکام جاه طلب و حریص، مانند سفیانی که روایات معتبری دارد. در برخی روایات از ترک ها و رومیان و سپاهی از مصر یاد شده است./دو سپاه خیر (یهودیان و مسیحیان صهیونیست امریکا) و شر؛ کفار (=کمونیست های روسیه، چین و کوبا) و مشرکان (= اعراب و شیعیان ایران)/طرفین درگیر

-سفیانی/سپاه خیر(یهودیان و مسیحیان صهیونیست امریکا)/پیروز میدان

-هفتاد، صد یا چهارصد هزار نفر (اختلاف در روایات)/چند میلیون نفر+ ۳/۲ میلیون یهودی/تعداد کشته ها

-حملۀ جانوران برای خوردن لاشۀ مردگان/دفن همۀ مردگان به مدت ۷ ماه/سرانجام کشته ها

-لازم نیست/همۀ قوای مسیحیان صهیونیست برای زمینه سازی مورد استفاده قرار می گیرد./زمینه سازی

--------/حمله به عراق، افغانستان، لبنان، سوریه و شاید ایران.../عوارض باور به ...

-با توجه به اعتبار برخی روایات سفیانی/داستانی ساختگی با احتمال وقوع صفر/میزان احتمال وقوع

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ادامۀ فعالیت های سفیانی (اشغال عراق و عربستان و...)/ظهور حضرت مسیح/پایان ماجرا

ادیان هند

در آیین هندو، اندیشۀ نجات چه خصوصیاتی دارد و منجی موعود کیست؟

خاستگاه آیین هندو به عنوان یکی از قدیمی ترین ادیان جهان، در سرزمین هندوستان است. آیین هندو سه فرقه دارد که عبارت اند از: مذهب ویشنویی، مذهب شیوه ی و مذهب شاکته ی که در برخی از اصول مانند آموزۀ چرخۀ سمساره، مفهوم کرمه و اصل حجیت وداها مشترک هستند. در بین این سه

مذهب، پیروان ویشنو مطالب جدی تری در مورد منجی گرایی دارند که در ادامه به آن ها اشاره می کنیم.

هندویان معتقدند کار اصلاح جهان از دست انسان ها خارج است و روند رو به تباهی جهان، جز با دخالت خدا یا آسمان یا ماوراءالطبیعه به سامان و صلاح بازنمی آید. این باور ممکن است با وعده ای نیز همراه باشد یا صرفاً تشخیص یک ضرورت، امیدی روان شناختی، یا آرزویی مؤکد و آرمانی باشد. با این توضیحات باید گفت: اندیشۀ منجی موعود هندو، در چهرۀ شخصیتی به نام کلکین (kalkin) یا کلکی (kelki) متبلور است که بنابر مذهب ویشنویی آخرین اَوَتاره یا تنزلات ده گانۀ ویشنو در زمین است. بنابر اعتقاد هندوهای ویشنویی، خداوند در زمان فترت دین و فضیلت و غلبۀ ظلم و رذیلت، به صورت موجودی مادی در زمین تنزل می کند تا ریشۀ فساد را بَرکند و عدالت و نیکی را احیا نماید.

کلکی که دهمین و آخرین اوتاره است، ویژگی هایی دارد که در عباراتی از کتاب مقدس هندوان آمده است:

او بر کل زمین می گردد، بدون این که موجود زنده ای او را ببیند؛

خدای عالم دارای جلال بی بدیل، بهره مند از فضایل بی شمار و هشت خصلت والا، سوار بر اسبی چابک و چالاک خواهد بود؛

وقتی کلکی که دارای قدرت فوق بشری و محافظ فضایل است خود را بر زمین نازل می کند... .

در برخی متون دیگر مانند مهابهارته، او را انسان پنداشته اند و در توصیفش آورده اند:

او پادشاه خواهد بود، چرخانندۀ چرخ (عالم) پیروزمند از طریق قانون، و او جهان پرآشوب را به سوی آرامش می برد؛ در حالی که برهمنان گرد او جمع می شوند، آن برهمن، نسل تمام اجنبی های پست را هر کجا باشند،

برمی اندازد.

اندیشهٔ منجی گرایی و اعتقاد به کلکی، چه بازتابی در زندگی هندوها داشته است؟

هندوها به دلیل نگرش خاص خود به جهان، چندان توجهی به آینده ندارند و تمام تلاش خود را صرف بهبود وضع موجود می کنند تا از چرخهٔ سمساره یا فرآیند زاد و میر مکرر رهایی یابند و به تبع آن که کلکی در مقایسه با دیگر آموزه ها و مفاهیم هندویی سهم کم تری در متون هندویی دارد، در شمایل نگاری و مجسمه سازی هندویی هم تنها چند نماد را در بین نمادهای متعدد و مورد احترام به خود اختصاص داده است. البته نکتهٔ قابل توجه دربارهٔ نمادنگاری کلکی، ارتباط خاص او با اسب است. تندیس هایی که از این شخصیت موعودی می سازند، یا ترکیبی از بدن انسان با سری اسب گونه است، یا انسانی اسب سوار و یا اسبی است که آن را مرکب کلکی می پندارند. به همین دلیل کلکی به منجی اسب سوار معروف شده است.

در هند تنها یک معبد از معابد بی شمار هندوان به کلکی اختصاص دارد و آن در شهر جی پور مرکز ایالت راجستان در جنوب غربی هند است که متعلق به اوتاره کلکی است. در این معبد اتاقی وجود دارد که در آن مجسمه ای از یک اسب قرار دارد که اعتقاد بر این است که متعلق به کلکی است. درِ ساختمان اصلی معبد از زمان ساخت تا کنون بسته است و برای بازکردن آن در انتظار تولد کلکی هستند.

اندیشهٔ منجی گرایی در تاریخ پیروان آیین هندو هم بازتاب هایی داشته که برای نمونه می توان به مدعیان دروغین موعودی و جنبش های اصلاحی هزاره گرا و موعود گرا اشاره نمود.

نام منجی موعود در آیین بودا چیست و چه ویژگی هایی دارد؟

در پاسخ به این سؤال مقدمتاً باید به صورت مختصر با آیین بودا و مؤسس آن

آشنا شد. آیین بودا که در حدود پنج قرن پیش از میلاد در هندوستان پدید آمد، در واقع واکنشی در برابر تفکرات انحصارطلبانه برهمنان هندو بود. اگرچه در بودیسم، وجود شخص بودا و شناخت زندگی او در برابر اصل معنوی بودا شدن، اهمیت چندانی ندارد، ولی اصول کلی بودیسم، به نحوی در مطالعهٔ زندگی شخصی بودا روشن می شود.

اندیشه های بودا، اگرچه متکی بر نوعی جهان بینی است و از این نظر دارای فلسفه ای خاص است، ولی بیش تر آموزه های بودا، جنبهٔ عملی و اخلاقی دارد. مجموعه اندیشه های بودا در «تری پیتکا» یا همان «سه سبد» که به آن «کانون پالی» می گویند، چند قرن پس از او جمع آوری شد. همهٔ فرقه های بودایی در اعتقاد به جوهر نظریات بودا، که به چهار حقیقت مطلق مشهور است، مشترک هستند. این چهار حقیقت عبارت اند از:

ــ حقیقت رنج: این جهان پر از رنج و محنت است؛

ــ حقیقت علت رنج: سبب رنج آدمی، شوق و علاقهٔ جسم خاکی و هواهای دنیوی است؛

ــ حقیقت پایان رنج: وقتی میل و هوس از بین برود، همهٔ رنج ها پایان می پذیرد؛

ــ حقیقت راه رهایی از رنج: راهِ رهایی از این رنج در هشت چیز خلاصه می شود: بینش درست، اندیشهٔ درست، گفتار درست، کردار درست، معاش درست، تلاش درست، حضور ذهن و آگاهی درست، تمرکز حواس و یک دلی درست.

بعد از مرگ بودا و در حالی که تنها راه انتقال آموزه های او، سنت شفاهی بود، در اثر تفاسیر مختلف گفته های او، فرقه های گوناگون بودایی پدید آمد. دو فرقهٔ مهم که در آیین بودا وجود دارد، عبارت اند از: «هینه یانه» و «مهایانه».

مکتب «هینه یانه» به معنای چرخ یا ارابهٔ کوچک (لقبی که توسط مهایانه و به

منظور تحقیر به آن ها داده شد و بعدها به همین نام مشهور شدند)، در حقیقت خود را حافظ سنت اصیل بودایی می دانست. در این مکتب، رستگاری برای همگان میسر نیست؛ چون پیمودن این راه، توانایی های خاص خود را می خواهد.

«مهایانه»، به معنای چرخ یا ارابهٔ بزرگ، در واکنش به مکتب هینه یانه شکل گرفت، که با بازنگری در اصول آیین بودا و تحولی که در مفهوم «بودی ستوه» انجام گرفت، دامنهٔ دست یابی به رستگاری را وسیع تر و گسترده تر دانست، و همین امر، موجب گسترش این مکتب شد.

برای روشن شدن مفهوم موعود و منجی در بودیسم، لازم است با دو مفهوم «بودا» و «بودی ستوه» بهتر آشنا شویم. بودا و بودی ستوه، در واقع عنوان هایی هستند برای موجوداتی علوی، که در رستگاری انسان مؤثرند. بودا، به نجات دهندگانی گفته می شود که در زمان گذشته به دنیا آمده اند و ابتدا صورت بشری داشته اند، سپس به مرتبهٔ اشراق رسیده و پس از این که انسان ها را به راه درست زندگی رهنمون شده اند، به مقام نیروانا (فنای مطلق) رسیده اند. سدارته گوتمه (بودا) از این نوع است. در اعتقاد بوداییان، بودا یک نوع اصل است که در زمان های مختلف، خود را توسط شخصیت های مختلف متجلی می کند.

اما بودی ستوه ها، در حقیقت بوداهای بالقوه هستند که حیات جسمی فعلی ندارند. هر فردِ بودایی، قبل از رسیدن به مقام بودایی، یک بودی ستوه است، مثلاً سدارته پیش از بیداری، یک بودی ستوه بود.

مفهوم بودی ستوه، اگرچه در متن تفکرات اصیل بودایی وجود داشت، ولی بیش تر توسط مهایانه مورد توجه و پردازش قرار گرفت. در مکتب هینه یانه، تنها دو بودا از این قبیل ذکر شده است که یکی همان گوتمه (سدارته؛ بودا) است و دیگری «میتریه» که یک بودی ستوه است و بودائیت او در حال کمون است.

اما در مهایانه توجه بیش تری به این موجودات علوی شـده است. در این مکتب، سدارته (بودا) چهارمین بودا از بودایان زمینی است که به دنیا آمده است و پنجمین بودا که خواهد آمد و اکنون بودی ستوه است، همان میتریه است.

میتریه؛ منجی موعود بودایی: همـان طور که گفته شـد، مفهوم منجی و موعود در بودا را می توان در همین مفهوم میتریه ــ که به رغم اختلافات موجود، در هر دو مکتب عمدهٔ بودایی مشترک است ــ به وضوح دید.

میتریه، بودی ستوه ای است که در آینده می آید، و هم اکنون در حال کمون است. او منتظر است که زمان بروز و ظهور او در روی زمین آماده شود؛ در آن وقت، مرتبـهٔ شـهود و اشـراق را حاصل می کنـد، خلایق را در عصـر خویش، هماننـد گوتمه، به سرمنزل سـعادت رهبری می نمایـد، و به همگان مژدهٔ رهایی داده آن ها را از چرخـهٔ برگشت به دنیای سراسـر رنـج نجات می دهـد. مفهـوم میـتریه در بـودیسم ــ و خصوصـاً در مکتب مهایـانه ــ مورد احـترام و بزرگی خاصـی است، و از او تمثـال هـا و پیکرهایی ساخته شده، و او را در نهایت مجد و بزرگی، به هیئت مردی نشسته که آمادهٔ برخاستن است، نشان داده اند.

اگرچه در مورد جزئیـات اتفاقـات و زنـدگی میتریه به هنگـام زنـدگی در این دنیـا، معلومات یکسان و زیادی در متون مقـدس بودایی وجود ندارد، ولی اعتقاد به آمدن او در بودیسم، یک اصل انکارناپذیر است.

در «کـانون پـالی»، نـام میتریه در بخش «چکه وتی سیهه نـاده» برده شـده است و در آثار بودایی غیرپالی نیز چنـد اثر به میتریه اختصاص یافته است.

در «مهاونسه»، چنین اتفاقاتی را در مورد زمان آمدن میتریه می خوانیم: پس از آن که شاکیه مونی به پری نیروانه رسـید، جهان پای به سراشیبی اجتماعی و کیهان شناختی نهاد. پنج هزار سال پس از آخرین بودا، آفتابِ آموزه های بودایی

افول می کند و طول عمر آدمیان به ده سال فرو می کاهد. در این زمان، چرخهٔ وارونه و زندگی متحول می شود؛ به طوری که متوسط عمر مردم به هشتاد سال می رسد. با این عمرهای طولانی و زمینهٔ مناسب برای تعالیم بودا، یک راهنما خواهد آمد. او برای مردم رفاه و بهروزی می آورد و آموزه های بودا را ترویج می کند. آن گاه که چنین فضای بهشت گونه ای فراهم شد، میتریه از آسمان نزول می کند و بودایی خویش را به کمال می رساند.

جهت آشنایی بیش تر می توانید به این منابع مراجعه نمایید:

۱. آیین بودا، تألیف هانس ولفانگ شومان، ترجمهٔ ع. پاشایی؛ ۲. مقالهٔ «موعود در ادیان»، تألیف سیدحسن حسینی آصف؛ ۳. مقالهٔ «گونه شناسی منجی موعود در آیین بودا»، تألیف ابوالقاسم جعفری، نشریهٔ انتظار موعود، شمارهٔ ۵.

ادیان چین

اندیشهٔ نجات موعودگرایانه در ادیان چین، چه بازتابی در فرهنگ و رسوم مردم داشته است؟

منظور از ادیان چینی سه دین تائو، کنفسیوس و بودا است که در اعماق جان مردم چین چنان نفوذ کرده و با هم آمیخته شده اند که دین واحدی به نام تسوجیائو پدید آورده اند. هریک از آن ها یکی از ابعاد این دین را پوشش می دهد: آیین کنفسیوس بُعد اخلاقی و شعایر گذرا، و آیین تائو نظام شناخت و برنامه های جشن های سالیانه، و آیین بودا عهده دار آموزه هایی چون تقلیل رنج، نجات اخروی و مراسم مردگان است. در بخش های قبلی با اندیشهٔ موعودی در بودیسم آشنا شدیم و در این جا با این اندیشه و بازتاب این اندیشه در دو دین دیگر آشنا می شویم که از لحاظ عقیدتی و از نظر اعمال و شعائر مربوط دارای اهمیت است. هرچند خصوصیات منجی چینی در این دو دین با هم متفاوت است و افرادی در

طول تاریخ ادعای منجی بودن کرده انـد، ولی به نظر می رسد توده های پیرو این دین ها به دنبال منجی واحدی هسـتند که به سوی هماهنگی و صلح بزرگ هـدایت کنـد و این که متعلق به چه دین و گرایشـی و حتی با چه نامی خوانده شود، برای آنان اهمیت چندانی ندارد. تعدد منجی در این ادیان نیز گواه این امر است که آن ها به دنبال شـخص خاصـی نیستند، بلکه فردی با اوصاف کلی و دارای ویژگی های خاص به عنوان منجی مطرح است. آموزهٔ منجی موعود در فرهنگ چینی که در قالب نظریهٔ صلح بزرگ تجلی یـافته است، با وجود رسوخ و فراگیری دینی زیادی که دارد، بروز و ظهور قابل توجهی نیز در عرصـهٔ آیین ها و شعائر دینی دارد.

در بُعـد اجتمـاعی هم یکی از بـارزترین بازتاب های آن، در حکومت ها و قیام هایی جلوه گر شـده است که با داعیـهٔ وحـدت اجتماعی، رفع ظلم و ستم، رفاه عمومی، برقراری «هماهنگی» و «اعتدال جهانی» صورت گرفته است.

نظریهٔ صلح جهانی و عصر طلایی در فرهنگ دینی چینیان چیست و چه ارتباطی با موعودگرایی دارد؟

در جهـان بینی چینی این انـدیشه وجود دارد که به هرحـال جهان به مقصود خویش می رسـد و اصولاً ادوار جهان به گونه ای است که یـک عصر طلاـیی در آن وجود دارد، ولی این کمال صـرفاً با تکامل پدیـده ها به صورت طبیعی حاصل نمی شود و نیل به این مقصود نیازمند شخصی مقتدر با نیروی خاص فوق بشری است. از این رو، گرچه این شخص بر خلاف روند طبیعی عالم قدم برنمی دارد و تکامل پدیده ها برای رسـیدن به کمال کل جهان امری ضـروری است، ولی جایگاه این شخص را هیچ پدیده ای پر نمی کند و او به عنوان کامل کنندهٔ تمام این تکامل های جزئی، جایگاه ویژه ای دارد.

منجی موعود در فرهنگ چینی در پی برقراری حکومتی گسترده و جهانی است که تمام انسان ها را در قالب صلح بزرگ دربر می گیرد و در آن تمام انسان ها و جوامع متعدد به یک هماهنگی بزرگ رسیده و سعادت و رفاه پدید می آید. در سایهٔ این حکومت فقر و بدبختی، جنگ و خون ریزی و ظلم و بی عدالتی از عالم انسانی به طور کلی برطرف می شود.

برای مطالعهٔ بیش تر در این زمینه می توان به منابع زیر مراجعه کرد:

۱. تاریخ فرهنگ چین، تألیف فیتز جرالد، ترجمهٔ اسماعیل دولتشاهی؛

۲. گونه شناسی اندیشهٔ منجی موعود در ادیان چینی، تألیف محمدعلی رستمیان؛

۳. تاریخ فلسفهٔ چین، تألیف چو جای و وینبرگ جای، ترجمهٔ ع. پاشایی.

ادیان ایران

زرتشتیان چه اعتقادی دربارهٔ ظهور منجی دارند؟ نام منجی زرتشتی چیست و چه نشانه ها و خصوصیاتی دارد؟

موعود زرتشتیان به لحاظ ساختاری تفاوت هایی با دیگر ادیان بزرگ دارد؛ چون برخلاف دیگر ادیان که پیروانشان منجی نجات بخشی را در آخرالزمان انتظار می کشند، زرتشتیان معتقدند سه پسر آیندهٔ زرتشت که با نام عمومی سوشیانت شناخته می شوند، موعودهای نجات بخشی هستند که هریک به ترتیب در سر هزاره ای ظهور می کنند. سوشیانس یا سوشیانت نام عمومی سه پسر زرتشت است که در آخرالزمان از نطفهٔ وی متولد می شوند. این سه موعود زرتشتی یعنی هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانس در آخرالزمان هریک در سر هزاره ای ظهور می کنند تا اوضاع نابسمان جهان و مردمان را سامان بخشند. نام سوشیانس، به خصوص به آخرین منجی و موعود تخصیص یافته که آخرین مخلوق اهورامزدا نیز خواهد بود.

کلمهٔ «سوشیانس» که از ریشه «سو» به معنای سودمند است، در اوستا «سئوشیانت» (Ŝ) و در پهلوی به اشکال گوناگونی چون سوشیانت، سوشیانس، سوشانس، سوشیوس یا سیوشوس آمده است. در فروردین یشت، بند ۱۲۹، در معنی سوشیانت چنین آمده است:

او را از این جهت سوشیانت خوانند، برای آن که او به کلیهٔ جهان مادی سود خواهد بخشید. (۱)

در گاتاها این کلمه چندین بار برای شخص زرتشت به کار رفته و پیامبر خود را سوشیانت خوانده؛ یعنی کسی که از وجودش سود و نفع برمی خیزد و سودرساننده است. (۲) همچنین چندبار دیگر در سرودها این واژه به صورت جمع آمده و زرتشت خود و یارانش را «سودرسانندگان» معرفی کرده است. (۳) در سایر قسمت های اوستا نیز غالباً «سوشیانس ها» به صورت جمع آمده و منظور از آن ها پیشوایان و جانشینان زرتشت است که در تبلیغ دین کوشا هستند و مردم را به راه راست هدایت می کنند. (۴) در بخشی از یسنا (۵) که از ستایش فروَشی نیاکان یاد شده، آمده است:

همهٔ فروهرهای نیک توانای مقدس پاکان را می ستاییم از آن (فروهر) کیومرث تا سوشیانت پیروزگر. (۶)

۱- یشت ها، گزارش استاد پورداوود، ج۲، ص۱۰۱.

۲- یشت ها، گزارش استاد پورداوود، ج۲، ص۱۰۱.

۳- یسنا، ۱۳:۳۴، ۳:۴۶، ۱۲:۴؛ و نیز نک: رسالهٔ سوشیانس، گزارش استاد پورداوود، ص۷ - ۱۳؛ فرهنگ نام های اوستا، ج۲، ص۷۶۹-۷۷۰. همچنین دربارهٔ کلمهٔ «سوشیانس» و اشتقاق آن و کاربرد مفرد و جمع آن در اوستای گاهانی و جدید نک: نجات بخشی در ادیان، محمدتقی راشد محصل، ص۴ - ۹.

۴- نک: یسنا، ۷:۱۲، ۳:۱۳، ۱:۱۴، ۳:۲۰، ۵:۶۱، ۴:۷۰؛ ویسپرد، گزارش استاد پورداوود، ۱:۱۵، ۱۳:۱۱، ۱:۲۲؛ سروش یشت، ۱۷؛ فروردین یشت، ۱۷ و ۳۸. (به نقل از: رسالهٔ سوشیانس، ص۱۰ - ۱۱)

۵- ۱۰:۲۶.

۶- یسنا، ۱: ۲۲۹.

بنابه مندرجات کتاب پهلوی دادستان دینیک، هنگامی که سوشیانس در آخرالزمان ظهور کند، قیامت مردگان به مدت ۵۷ سال طول خواهد کشید. در این مدت، سوشیانس در کشور مرکزی، یعنی خونیرس، (۱) فرمان روا خواهد بود و شش تن از یارانش در شش کشور دیگر. اینان در طی مدت فرمان روایی شان، که باید به نوعی فرمان روایی معنوی و روحانی تلقی شود، همواره در حال اطاعت از سوشیانس و مجری فرمان های وی خواهند بود.

به صورت خلاصه زرتشتیان معتقدند: پس از زرتشت، سه پسر آیندهٔ او که موعودهای نجات بخش آخرالزمان در آیین مزدیسنا هستند و با نام عمومی «سوشیانس» خوانده می شوند، به ترتیب: هوشیدر در آغاز هزارهٔ یازدهم، هوشیدرماه در آغاز هزارهٔ دوازدهم و سوشیانس در پایان هزارهٔ دوازدهم ظهور می کنند. ایشان می آیند تا ادامه دهنده راه زرتشت، زدایندهٔ پیرایه ها از دین او و پالایندهٔ جهان از فساد و تباهی و سرانجام، منجیان مردمان و برپاکنندهٔ رستاخیز مردگان باشند. (۲)

بنابر نوشته های پهلوی و چنان که گذشت، در پایان هر هزاره از آخرین دوره از عمر جهان، یکی از پسران زرتشت همچون رهایی بخشی برای یاری رساندن به دین بهی و شکست اهریمن و یارانش پدیدار می گردد. اندکی پیش از ظهور اولین منجی

۱- خونیرَس، نام کشور میانه از هفت کشور زمین است که بنا به اساطیر ایرانی، در هزارهٔ هفتم پدید آمده است. این نام در اوستا به صورت خونیرث (Xvaērəaoa) و در پهلوی خونیرس (Xvanēras) و در نوشته های فارسی خنیره یا خونیره (Xvanērah)، خنیرث و خنیرس آمده، و صفتی که برای آن آورده شده، نامی به معنی «درخشان» است. برای آگاهی بیش تر نک: اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی، رحیم عفیفی، ص۵۰۵، یشت ها، ج۱، ص۴۳۱ - ۴۳۳؛ زند آکاسیه، ص۹۰ و ۲۵۲؛ ویسپرد، ص۱۰۹ - ۱۱۷؛ فرهنگ نام های اوستا، ج۳، ص۱۴۲۸ - ۱۴۴۰.

۲- مینوی خرد، ترجمه: احمد تفضلی، پرسش۱، بند۹۵.

یعنی هوشیدر، دو نجات بخش دیگر که بنابر متون زرتشتی از جاودانان و بی مرگان هستند، قیام می کنند و زمینه را برای ظهور و آمدن هوشیدر آماده می سازند. این دو یکی بهرام ورجاوند (۱) و دیگری پشیوتن یا پشوتن (۲) است که بنابر متون موجود هریک نقش ویژه و رسالتی خاص برعهده دارند و با سخت کوشی و فداکاری همهٔ آشوب ها و نابسامانی های برهم زنندهٔ آرامش و آسایش مزدیسنان را فرومی نشانند.

در پایان هزارهٔ دهم و اندکی پیش از ظهور هوشیدر، پشوتن یا چهرومیان پسر شاه گشتاسب که بنابر روایات، خود یکی از بی مرگان و نجات بخشان است، جهت ترویج، بازسازی و برپا داشتن آیین های دینی قیام می کند و رهبری مؤمنان را به دست می گیرد. وی به هم راه یکصد و پنجاه شاگرد گزیده اش ــ مردان پرهیزکاری که جامهٔ سمور سیاه پوشیده اند ــ از کنگ دژ بیرون می آید و تمامی نیروهای اهریمن را شکست می دهد و جهان را از آلودگی پاک می کند. طبق مستندات زرتشتی روز قیام پشوتن، روز ششم فروردین ماه است. (۳)

بنابر متون پهلوی، برای ظهور بهرام ورجاوند نشانه هایی ذکر شده که بیش تر آن ها همانند وقایع و رخ دادهایی است که در ابتدای هریک از هزاره ها (به ویژه هزارهٔ هوشیدر) از آن ها یاد می شود.

مفهوم هزاره در آیین زرتشت و ارتباط آن با سوشیانت چیست؟

۱- نام وی به پهلوی: kaywahrām، و لقبش به پهلوی: warzāwand است. وی یکی از نجات بخشان زرتشتی است.
۲- به پهلوی: pēšōtan و به اوستایی: pešō.tanū است. او پسر گشتاسپ کیانی می باشد. کریستن سن در کیانیان، ترجمه: ذبیح الله صفا، ص۸۵، می نویسد: «پشیوتن» پسر ویشتاسپ همان «پیشی شی اُثْنَ، pišišyaothna» در یشت ۱۳، بند ۱۰۳ ملقب به «چهرمینوگ» است (به نقل از: نیبرگ Nyberg در Le Monde Oriental, ۱۹۲۹, p.۳۴۵).
۳- ماه فروردین روز خرداد، ابراهیم میرزایی ناظر، ص۶۵ – ۶۷، بند۲۹.

زرتشتیان معتقدنـد: عمر جهان (سال کیهانی)، آغاز و انجام آفرینش در زمانی محـدود به دوازده هزار سال صورت می پـذیرد که خود به چهـار دوره یـا عهـد سه هزار ساله تقسـیم می شود. دورهٔ اول (سه هزار سال اول)، دورهٔ آفرینش مینوی است، یعنی امشاسـپندان، ایزدان و فروهرها آفریـده می شونـد. در دورهٔ دوم (سه هزار سال دوم)، این آفرینش مینوی صورت مادی به خود می گیرد، امـا حرکت و جنبش در این آفریـده هـا وجود نـدارد. دورهٔ سوم (سه هزار سـال سوم)، که بـا هفتمین هزاره از آغـاز آفرینش شـروع می شود، دورهٔ آمیختگی خوبی و بدی، روشـنی و تاریکی و به طور کلی آمیزش ارادهٔ هر فرد و اهریمن است. در آغاز این دوره، اهریمن از تاریکی به مرز روشنی می آید و آفریدگان روشنی هرمزد را می بیند و به فکر مبارزه با هرمزد و نابودی آفریـدگان او می افتد و به دنبال این اندیشه، به آفریدگان او حمله می کند و با هریک از آنان به نوعی نبرد می کند و جهـان مـادی را می آلایـد. در این دوره که در متون فارسـی میانه از آن به «آمیزش» تعبیر می شود، گاه کامه هرمزد رواست و زمـانی کـامه اهریمن. آخرین دوره (سه هزار سـال چهـارم) بـا ظهـور زرتشت آغـاز می شود. این هزاره دهمین هزاره از آغـاز آفرینش و چهـارمین هزاره از آغـاز آفرینش مـادی متحرک یا هفتمین هزاره پس از آفرینش مادی غیرمتحرک است. در هزارهٔ چهـارم و به تعـبیری هفتم و به تعـبیر دیگر دهم، دین بهی در زمین رواج می یابـد و زرتشت، گسترانـندهٔ این آیین، از حمـایت گشتاسپ نیز برخوردار است.

براساس روایات زرتشتی، در آخرین هزاره از عمر جهان، (هزارهٔ دوازدهـم) سه دوشـیزه از نطفـهٔ زرتشت که در دریاچهٔ هامون (۱) قرار دارد، بارور می شوند و سه موعود مزدیسنان را می زایند.

۱- دریاچهٔ هامون همان کیانسیه یا کسَه اُیه Kasaoya مذکور در متن پهلوی است.

در برخی از آثار زرتشتی پس از ذکر نام شش پارسای جاودانی، از سه تن دیگر نیز یاد شده و فَرَوَشی شان ستایش شده است. اینان در اصل همان سه پسرِ آیندهٔ زرتشت یا موعودهای نجات بخشی هستند که در هزارهٔ آخر عمر جهان، به فاصلهٔ هزار سال از هم دیگر، ظهور خواهند کرد. این سه تن عبارت اند از: (۱)

۱. اوخْشْیَت اِرتَه، یعنی پرورانندهٔ قانون مقدس (نیرودهنده و رواکنندهٔ قانونِ دین و دادِ زرتشت). (۲) امروزه این نام را «اوشیدر» یا «هوشیدر» گویند و در کتب پهلوی، به صورت خورشیتدر یا اوشیتر آمده است. گاه کلمهٔ «بامی» را به آن افزوده، «هوشیدربامی» می گویند که به معنای هوشیدر درخشان است؛

۲. اوخْشْیَت نِمَه یا اوخْشْیَت نِمَنگه، یعنی پرورانندهٔ نماز و نیایش. امروزه آن را «اوشیدرماه» یا «هوشیدرماه» گویند، ولی در کتب پهلوی به صورت «خورشیت ماه» و «اوشیترماه» ضبط شده است. استاد پورداوود می نویسد:

در واقع بایستی «اوشیدرنماز» بگویند؛ چه کلمهٔ «نِمَنگه» به معنای «نماز» است؛ (۳)

اَستْوَتْ اِرتَه، یعنی کسی که مظهر و پیکر قانون مقدس است. در خود اوستا نیز به معنای لفظی این کلمه اشاره شده و در بند ۱۲۹، یشت سیزدهم، می خوانیم:

کسی که سوشیانت پیروزگر نامیده خواهد شد و اَستْوَتْ اِرتَه نامیده خواهد شد. از این جهت سوشیانت، برای این که او به سراسر جهان مادی سود خواهد بخشید؛ از این جهت اَستْوَتْ اِرتَه، برای این که او آن چه را جسم و جانی است، پیکر فناناپذیر خواهد بخشید، از برای مقاومت کردن بر ضد دروغ جنس دوپا (بشر)، از برای مقاومت کردن در ستیزه ای که از طرف

۱- نک: رسالهٔ سوشیانس، ص۱۴-۱۶؛ یشت ها، ج۲، ص۱۰۰-۱۰۱؛ فرهنگ نام های اوستا، ج۲، ص۷۷۷.

۲- وندیداد، هاشم رضی، ج۴، ص۱۷۵۷.

۳- رسالهٔ سوشیانس، ص۱۵.

پاک دینان برانگیخته شده باشد. (۱)

اَستْوَت اِرتَه همان سوشیانس، یعنی سومین و آخرین موعود در آیین مزدیسناست. در کتاب اوستا هر جا که سوشیانت به صورت مفرد آمده،

از او آخرین موعود، یعنی اَستْوَتْ اِرتَه اراده گردیده است؛ چنان که امروزه نیز هر وقت به طور عام سوشیانس می گوییم، مقصود همان آخرین نجات بخش و موعود است.

در دین زرتشت چه علایمی برای آخرالزمان و ظهور سوشیانت ذکر شده است؟

بنابر روایات دینی، ۵۷ سال مانده به فرشگرد، سوشیانس زاده خواهد شد. به عبارت دیگر، «هزارهٔ او که تن کردار است، ۵۷ سال بُود». (۲)

در زادسپرم دربارهٔ ظهور سوشیانس و زمان و نشان رستاخیز می خوانیم:

۵۷ سال به فرشگرد کرداری مانده، سوشیانس زاده شود [برای] به انجام رسانیدن آن چه که با زردشت آفریده شد. دربارهٔ زردشت چنان پیداست که در سی سالگی به دیدار اورمزد آمد و دین پذیرفت و قانون را رواج داد. در طول ۵۷ سال به تدریج دین به هفت کشور بیامد. چون دین به رواج آمد، دروغ (اهریمن) از آشکارگی به زیر زمین [گریخت]. به تدریج نیروی ایشان (دیوان) ناکار (بی اثر) شد. هنگامی که آن فرسته (پیام آور) به فرجام رسانده که سوشیانس است، به راهنمایی ایریمن به زمین پیدا شود، به همین اندازه در سی سالگی با مینویان دیدار کند. داد فرشگرد کرداری (قانون زندگی نو) هم در طول ۵۷ سال با رواج کامل [دین] به هفت کشور برود و با رواج کامل آن، دروج (اهریمن) از [میان] آفریدگان نابود شود. از هنگامی که اهریمن به سوی آفرینش آمد، تاکنون شش هزار سال شمردنی (غیرکبیسه) است، [که

۱- نک: یشت ها، ج۲، ص۱۰۱-۱۰۲.

۲- بندهش، ص۱۴۲.

هر سـال] از فروردین مـاه، اورمزد روز (روز یکم) است تـا آن گاه که دوباره فروردین ماه اورمزد روز شود که به سپری شـدن شش هزار سال وهیزگی (کبیسه) چهار سال مانده است؛ زیرا هر چهار سال یک روز کبیسه افزوده نشده است و در شـش هزار سال چهار سال باشد. در آن هنگام نشان رسـتاخیز [آشـکار] باشد و سـپهر بجنبد، سـیر خورشـید، ماه، ستارگان تغییر کند و در فضا یکی شوند، مانند سـپهرگردان و چهرهٔ دریاها [و] همهٔ ساکنان زمین تغییر کند. در زمین بسـیار جای ها چشـمه های آتش، مانند چشـمه های آب بیرون آیند؛ زیراکه آن چه را که اورمزد با آب آفرید، با آتش پایان داده شود؛ زیرا آب طبعی دارد که روشن کننده و رویاننده است [اما] آتش سوزنده و بازدارندهٔ تخم است. (۱)

برای پاک شدن زمین از تمامی موجودات اهریمن آفریده و آماده شدن جهان هستی برای انقلاب نهایی به وسیلهٔ منجی موعود به گاه رستاخیز و ظهور سوشـیانس، آتش سوزی های مهیبی زمین را فرا می گیرد؛ چنان که بسیاری چشمه های آتش همانند چشـمه هـای آب از زمین می جوشـد. همچنین بنـابر متنی که گـذشت، از نشـانه هـای رسـتاخیز، وقوع انقلاب هـای کیهانی و سماوی ازجمله تغییر مسـیر خورشید، ماه و ستارگان است که در دیگر متون پهلوی نیز به صورت های مختلف بدان اشاره شده است. برای مثال، در زند وهومن یسن آمده، به هنگام ظهور هریک از منجیان زرتشتی، خورشـید به ترتیب، به گاه هوشـیدر ده شبانه روز، به گاه هوشـیدرماه بیست شـبانه روز و به گاه سوشـیانس یعنی آخرین موعود، سـی شبانه روز در آسمان می ایستد. جاماسب نامه توقف خورشید در آسمان را از معجزات هوشیدر دانسته که با وقوع آن، مردمان جهان به دین

۱- گزیده های زادسپرم، محمدتقی راشد محصل، ۳۴ :۴۶ -۵۰؛ و نیز نک: همو، وزیده گی های زادسپرم، ص۹۷ - ۹۸.

حق می گروند:

جماعتی از او (هوشیدر) معجزه خواهند و او دعا کند و آفتاب ده روز در میان آسمان بایستد، سر به بالا کند، چون مردم جهان آن معجز ببینند در دین حق بی گمان شوند. پس خورشید برود و طراق عظیم آید، آن جا که آفتاب است و هرکس که دلش با خدای تعالی راست نباشد، زهرهٔ او بترقد و جهان از گناه کاران صافی شوند. (۱)

به روایتی دیگر که در دینکرد ذکر شده، هنگامی که اهریمن، زمانهٔ خویش را رو به پایان می بیند، می کوشد تا خورشید را که برشمارندهٔ روزها و سال هاست، از حرکت بازدارد تا مگر واپسین روز فرا نرسد. (۲)

علاوه بر ایستادن خورشید در آسمان، در آخرالزمان تغییرات شگفتی در آسمان و جهان خاکی رخ می دهد که خود باعث بروز دگرگونی های اساسی در نظام طبیعت است. از آن جمله می توان به رنگ باختن خورشید و ماه، کوتاه شدن سال و ماه و روز، بروز زمین لرزه های شدید و باران های نابه هنگام اشاره نمود:

خورشید نشان سهم ناکی بنمایاند و ماه از رنگ بگردد و در جهان، سهم ناکی و تیرگی و تاریکی باشد. به آسمان نشان های گوناگون پیدا آید و زمین لرزه بسیار باشد و باد سخت تر آید و به جهان نیاز و تنگی و دشواری بیش تر پدیدار آید... . (۳)

در آن هنگام بادهای سرد و گرم فراوان می وزند و نظم فصول سال به هم

۱- جاماسپی (جاماسب نامه فارسی)، به کوشش: مدن، ص۸۹.

۲- دینکرد، مدن، ص۳۹۱ به بعد. برای متن دینکرد، نک: پژوهشی در اساطیر ایران، ص۲۰۰.

۳- نک: زند وهومن یسن، صادق هدایت، ۴:۶ و نیز: ۱۶:۴ و۶۴؛ جاماسپی، ۱۲:۱۶ – ۱۳. دربارهٔ تاریک شدن خورشید و ماه و به طور کلی تغییرات انجام شده در آسمان و زمین در آخرالزمان در ادیان دیگر نیز مطالبی ذکر شده است. نک: متی، ۲۹:۲۴ – ۳۰؛ مرقس، ۲۴:۱۳ – ۲۷؛ اشعیای نبی، ۱۰:۱۳؛ یوئیل نبی، ۱۰:۲ و ۱۵:۳ – ۱۶؛ اعمال رسولان، ۲۰:۲.

می خورد، ابرهای بی باران بر فراز آسمان ظاهر می شود و به جای آب، از ابرها جانوران زیان کار می بارد. (۱)

و ابر کام کار و باد تندرو، به هنگام و زمان خویش باران نشایند کرد. ابر سهمگین همهٔ آسمان را چون شب تار کند. باد گرم و باد سرد بیاید و بر و تخمه دانه ها را ببرد. باران نیز به هنگام خویش نبارد و بیش تر خرفستر (جانوران زیان کار) ببارد تا آب. و آب رودخانه ها و جوی باران بکاهد و آن را افزایش نباشد. (۲)

در آن هنگام ستارگان گناه کار (سیارات هفت گانه) از بند رها می شوند و با رها شدن آن ها، آشوب و ویرانی افزایش می یابد و جهان را فرا می گیرد:

نشان های آسمان پدیدار آید، یعنی ستارگان گناه کار از بند رسته شوند. (۳)

به هر حال، به هر سو می نگری، زمین و زمان دچار انواع بلاها، وبا، قحط و نیاز و به طور کلی حوادثی است که وقوع آن ها سبب ویرانی و تباهی زندگی زمینی انسان ها و موجودات است.

در آن زمانهٔ پست، همهٔ مردم نیز چون حاکمان شان فریفتار و ناراستند و دیو آز بر همگان چیره شده و آنان را به سختی و گناه کاری کشیده است. (۴)

کسی حرمت نان و نمک نگه ندارد و مردم به یکدیگر مهر و محبت کم تر دارند:

و مردم را که در آن زمان زاید، زور و نیرو کم تر باشد و بدگمان تر و فریفتارتر

بس شوند که مهرِ روان [و دل بستگی به رستگاری روان] کم تر دارند و آزرم

[و حرمت] نان و نمک ندارند. پس چون مردم بتر و بداندیش و بدکیش

۱- داستان گشتاسب، تهمورس، جمشید گلشاه و متن های دیگر، کتایون مزداپور، (بررسی دست نویس ام.او ۲۹)، ص۳۰۹.

۲- زند وهومن یسن، ۴: ۴۲-۴۶.

۳- جاماسپی، ص۸۸، (به نقل از: نجات بخشی در ادیان، ص۶۴).

۴- زند بهمن یسن، تصحیح: محمدتقی راشد محصل، ۱۳:۴، ۴۱، ۶۲؛ ام. او۲۹، ص۳۰۶.

اهلموغ (۱) [باشند]، آن [مردم] را دوست خویش شمارند. (۲)

در آن زمـان، کشـتن مرغی و انسانی نیک، برابر شود. کار نیک و کرفه (ثواب) از دست مردمان کم تر رود. خُردان به بزرگی و پادشاهی رسند و بزرگان به بندگی و بی نوایی. (۳)

ای زرتشت سپیتمان! در آن زمان شگفت، مردمی که کستی بر میان

(کمر) دارند [به سبب] بدخواهی و فرمان روایی بد و داوری دروغ بسیار

که بر ایشان آمده است، زندگی ایشان را بایسته نیست [و] مرگ را به

آرزو خواهند. (۴)

در آن دنیـای وانفسـا، دیـن و دیـن داری و روحانیـان مـذهبی که نگه دارنـدگان قـوانین دینی محسـوب می شونـد و داعیه دار صیانت از آداب و رسوم و آیین های مـذهبی هسـتند، آن چنان به فساد و تباهی کشانیـده می شونـد که دین داران و روحانیان در میان خلق، گناه کارترین مردم انـد؛ به طوری که از پنـج گناه، سه گناه را ایشان مرتکب می شونـد. آنان بدون هیچ دغدغه ای از انجام وظایف دینی خویش سـرباز می زنند و بیمی از دوزخ ندارند. در حق هم بدگویی می کنند و یکدیگر را به سخره می گیرند و به همین دلیل، مردم نیز به قول و فعلشان بی اعتمادند و گفتار و فتوای دروغ زنان و افسوس گران را به جای ایشان ارج می نهند. (۵)

در آن هنگامه از هر هزار یا ده هزار تن، تنها یک نفر به دین گِرَود و آن یک نیز بـدان عمل نکنـد. در نتیجه دین به طور کلی نزار و ناتوان شود و فساد، تباهی،

۱- در پهلوی: اشـموگ یا اشـموغ و در اوسـتا: اَشِمَئوغَ و لفظاً به معنای برهم زن اشا (راستی) است، که در اوستا غالباً به معنای گمراه کننـده آمـده است. به عبـارت دیگر، اهلموغ و اشـموغ بـدعت گـذار در دین است که آرای پوریوتکیشـان را نقض می کند.

۲- ام. او ۲۹، ص۳۰۷.

۳- زند بهمن یسن، ۲۱:۴ و ۳۶؛ ام. او ۲۹، ص۳۰۵، ۳۰۸ و ۳۴۷.

۴- زند بهمن یسن،۴۹:۴.

۵- نک: زند بهمن یسن، ۴: ۳۷-۴۰؛ ام. او ۲۹، ص۳۰۸-۳۰۹.

روسپی گری، غلام بارگی، دروغ و مرگ همهٔ جهان را فرا می گیرد. (۱)

پس همه خواستهٔ گیتی را در زیرِ زمین نهان کنند و در آن زمان، کار روسپی و جه مرزی (۲) و غلام بارگی و هم خوابگی با زنان حایض در جهان بسی آشکارا [و نمایان و رایج] شوند و سیج (۳) نهان و مرگ و وبا و نیاز در جهان بیش تر شود و تباهی و کام اهلموغِ دیوان و دروجان چیره تر شود [و غالب آید]. (۴)

کدام پیامبر خواب های زیادی را دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب هایش تعبیر کرده است؟

بیست و دومین کتاب از عهد عتیق (کتاب مقدس یهودیان) که مشتمل بر ۲۴ کتاب است، متعلق به دانیال پیامبر است که چهارده فصل دارد. فصل های هفتم تا دوازدهم آن مربوط به رؤیاهایی است که دانیال از آن ها بهره می برده است. این رؤیاها در دوران سلطنت بَلشَصَر و داریوش مادی و کورش (پادشاه سرزمین پارس) در بابل اتفاق افتاده است.

این کتاب در سال های ۱۶۲ تا ۱۶۴ قبل از میلاد تألیف شده است؛ زمانی که آنتیو خوس اپیفانس، آزارگری می کرد. این کتاب از این روی تألیف شد تا ایمان و امید یهودیانی که تحت آزار بودند، تقویت کند.

انتظار روز بازپسین و خُرد شدن آزارگر و امید به پادشاهی مقدسان، در سراسر کتاب به چشم می خورد. پنج خواب در کتاب دانیال نبی که خودش خواب دیده است، نقل می شود. تعبیر سه خواب در همان جا پشت سر هر خواب نقل شده

۱- زند بهمن یسن، ۴:۳۱-۳۲.

۲- جه در پهلوی Jeh و در اوستا Jahi به معنای روسپی، نام دختر اهریمن است. اصطلاح «جه مرزی» به کسانی اطلاق می شود که با روسپیان و فاحشه گان عشق ورزی می کنند.

۳- سیج در پهلوی Sēj به معنای خطر، نابودی، زوال و مایهٔ هلاکت و گزند اهریمنی و نام دیوی است. این واژه اغلب با صفت «نهان رَوِش» یعنی نهان رفتار و نهان رونده به کار می رود (نک: پژوهشی در اساطیر ایران، ص۸۸ و ۹۷، ی۲۲؛ ترجمهٔ بندهش، ص۱۶۶، ی۱۱).

۴- ام. او ۲۹، ص۳۱۱ و نیز ص۳۰۵، ۳۰۷ - ۳۰۸.

است که دو خواب را جبرئیل برایش تعبیر کرده است. در ضمن این خواب ها و تعبیرها اشاره هایی به حکومت آخرالزمان و حکومت مقدسان و مخصوصاً پسر انسان، به چشم می خورد؛ مثلاً در تعبیر خواب اول (خواب چهار جانور) آمده است: «لیک آنان که پادشاهی به ایشان خواهد رسید، مقدسان خدای تعالی هستند و تا ابد صاحب پادشاهی خواهند بود تا ابد الاباد». (۱)

یا در تعبیر خواب دوم که توسط جبرئیل انجام شده آمده است: «ای پسر انسان! بدان که این رؤیا روز بازپسین را آشکار می سازد». (۲)

آیا بهائیان به عنوان یک فرقهٔ منشعب از شیعه، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتقاد دارند؟

بهائیت فرقه ای است استعماری که توسط حسین علی نوری معروف به بهاء الله به وجود آمده است. نوری شاگرد علی محمد باب بود که به پیروی از اندیشه های شیخیه، خود را رکن چهارم یا انسان کامل می پنداشت. وی در آغاز مدعی بود که باب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، ولی در نهایت ادعای الوهیت نمود و اعلام کرد که بعداً کسی را به عنوان «من یظهره الله» خواهد فرستاد. بعد از اعلام علی محمد، حسین علی نوری مدعی شد که او همان کسی است که علی محمد باب وعدهٔ آمدن او را داده است. بعد از آن با ادعای نسخ دین اسلام، نغمهٔ ایجاد دین تازه سرداد و به دین سازی روی آورد. (۳)

برخی از عقاید بهائیان که امروزه در حیفا، یکی از شهرهای فلسطین اشغالی، مستقر هستند، از قرار زیر است:

۱- فصل۷، آیهٔ ۱۸.

۲- فصل۸، آیهٔ ۱۷؛ برای آگاهی بیش تر نک: کتاب های عهد عتیق، ترجمه: پیروز سیار.

۳- بهائیت در ایران، سید سعید زاهد زاهدانی، ص۹۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.

۱. اعتقـاد به الوهیت و نبوت علی محمـد باب و حسـین علی نوری: یکی از سـخیف ترین و غیرمعقول ترین اعتقادات بهائیت و بـابیت اعتقـاد به اله بودن بـاب و حسـین علی نوری است. علی محمـد بـاب ادعا کرده است که رفیع ترین مراتب حقیقت یعنی الوهیت در او حلول کرده، آن هم حلولی مادی و جسـمانی. (۱) این اعتقاد بهائیان با مبانی تمام ادیان آسـمانی در تضاد است؛ زیرا در ادیان آسـمانی الوهیت مختص حضـرت حق، پروردگار و خالق جهان و جهانیان است و در این مقام هیـچ کس و هیچ چیز با او شریک نیست.

۲. اعتقاد به قائم موعود بودن علی محمـد باب و میرزا حسـین علی: بهائیان می گوینـد: علی محمـد و میرزا حسـین علی موعود دین اسـلام هسـتند و جمیع انبیا علیهم السـلام به ظهور آنان بشارت داده انـد و علامات آن در کتاب های آسـمانی ثبت است، ولی به نظر ما شیعیان آن چه در دین اسلام وعده داده شده است، یکی قیامت کبراست و دیگری ظهور بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرزنـد امام حسن عسـکری علیه السـلام است که در قرن سوم هجری در سامرا متولـد شـد و نام مادرش نرجس است.

۳. اعتقـاد به نسـخ دین اسـلام: بهائیـان می گوینـد: مقـام قـائم موعود به حکم برخی آیـات قرآن کریم، مقام اصالت و نبوت و شارعیت است نه تابعیت. (۲) و نیز می گویند: قائم در هنگام ظهورش، به نسخ دین اسـلام حکم می کند و به تشـریع شـریعت جدیدی غیر از اسـلام می پردازد. (۳) اما شـعیه می گوید: قائم موعود، تابع قرآن مجید و شـریعت خاتم الانبیاء محمد صلی الله علیه و آله و سـلم و مجـدد و محیی همان دین اسـلام است و صاحب کتاب جدیـد و آورندهٔ شـریعت جدیدی نیست و مقام او مقام

۱- البهائیه و جذورها البابیه، عامر النجار، ص۴۴، دارالمنتخب العربی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

۲- بهائی چه می گوید، جواد تهرانی، ج۲، ص۲، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۴۱ش.

۳- بهائی چه می گوید، جواد تهرانی، ج۲، ص۹۳.

خلافت و وصایت و امامت است، نه اصالت و نبوت. (۱)

خلاصه آن که بهائیان اولاً مدعی الوهیت باب و بهاء و منکر خاتمیت نبیّ مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستند و ثانیاً نه تنها منکر وجود نازنین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، بلکه دشمن او نیز به شمار می روند. مطلب زیر به نقل از سایت بازتاب گویای این ادعاست:

بهائیان به عنوان دشمن ترین دشمنان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با هرچه که ذره ای یاد آن امام غایب از نظر را زنده سازد، به شدت مخالفت می ورزند و می کوشند همهٔ کانون های مهدوی را با خشونت هرچه تمام تر، نابود سازند. اکنون پس از گذشت چندین سال از تلاش های بی وقفه و سازمان یافتهٔ آن ها در ایران که پایگاه اصلی و مهم شیعه به شمار می رود، اسناد متعددی وجود دارد که عمق خصومت آن ها از یک سو و وحشتشان از گسترش روزافزون فرهنگ انتظار را نشان می دهد.

آیا جنبش های نو پدید دینی، منجی گرا هستند؟

ابتدا باید بگوییم پدیدهٔ «ادیان جدید» که جامعه شناسان از آن به «جنبش های نوپدید دینی» تعبیر می کنند، اصطلاحی است که ابتدا جامعه شناسان ژاپنی به حرکت های دینی بعد از جنگ جهانی در ژاپن اطلاق کردند و سپس، همین واژه به انگلیسی ترجمه شد و به معنای «فرقه یا جنبش بدعت آمیز دینی» به کار رفت. جامعه شناسان ترجیح می دهند از اصطلاح «جنبش های نوپدید دینی»

(new religious movement) استفاده کنند تا ادیان جدید.

اگرچه در تعریف صفت جدید در ادیان جدید اختلاف است، ولی در مجموع ادیان جدید به مجموعهٔ نهضت ها و حرکت های فکری گفته می شود که اندکی پس از جنگ جهانی دوم هم زمان در امریکا و ژاپن شروع شد و به مرور به اروپا و

۱- بهائی چه می گوید، جواد تهرانی، ج۲، ص۷۶.

تعدادی کشورهای شرقی نیز سرایت کرد. جنبش های نو پدید دینی و دین های عصر جدید، دو نوع هستند:

الف) جنبش ها یا کیش های جدید دینی که به گونه ای ریشه در یکی از ادیان آسمانی مانند یهودیت، مسیحیت، اسلام، و ادیان شرقی، مانند هندوئیسم، بودیسم، شینتو و... دارند. این سنخ به لحاظ ساختاری نیز مانند ادیان سرچشمه تا حدودی نهادینه و دارای چهارچوب الهیاتی و سازمانی است.

ب) گروه هایی که نهادینه نیستند و نمی توان آن ها را برآمده از ادیان سنتی یا تفسیری نوین از آن ها دانست و بیش تر مجموعه ای از عقاید و باورهای رازورانه باطنی و عرفانی هستند؛ عرفان روان شناختی، تأکید بر «خود» انسان، خردگرایی و مساوات طلبی، فروکاستن خدا به موجودی در درون انسان، تأکید بر استعدادهای درونی انسان و اموری از این دست، از شاخصه های اصلی این سنخ است.

عوامل متعددی در به وجود آوردن این جنبش ها یا ادیان جدید نقش داشته اند، که برخی از آن ها مانند فردگرایی، معنویت گرایی، تعارض فلسفه و دین یا عقل و ایمان در برخی از ادیان و... ربطی به موضوع ما ندارند، ولی یکی از دلایل به وجود آمدن این فرقه ها، انتظار منجی است که اتفاقاً دلیل مهمی است. در میان جامعه شناسان و انسان شناسان دین، معروف است که دوران تحولات سریع اجتماعی در بسیاری از جوامع با جنبش های موعودگرا آغاز شده است. این جنبش ها به گفتهٔ همین جامعه شناسان، در اروپای پیش از انقلاب صنعتی و در کشورهای مستعمره، متأثر از دو عامل حاکمیت استعمار و تحولات فنی و فرقه ها یا جنبش های نوپدید دینی، اغلب با نوعی موعودگرایی سنتی در جوامع رو به رشد همراه بوده اند. بروز و ظهور گروه های هزاره گرا در مسیحیت، خصوصاً در میان پروتستان ها، شاهد این مدعاست. در اینجا به همین مقدار بسنده کرده و

علاقمندان به آشنایی بیش تر با این مباحث را به منابع زیر ارجاع می دهیم:

مجلهٔ اخبار ادیان، شماره ۷ و ۸؛ مجلهٔ هفت آسمان، شماره ۷ و ۱۹؛ مجموعه آثار، شهید مطهری، ج۱؛ فلسفهٔ دین، تألیف محمدتقی جعفری؛ انتظارات بشر از دین، تألیف عبدالحسین خسرو پناه.

مذاهب و منجی

مهدویت چه بازتابی در فرقه های شیعی داشته است؟ آیا در بین فرقه های شیعی منکر مهدویت هم وجود دارد؟

در ابتدا باید گفت: شیعیان، پیروان حضرت امام علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند و شیعه در معنای عام، شامل فرقه های بسیاری است که معتقد به افضلیت علی علیه السلام نسبت به دیگر صحابه و سزاواری او به خلافت بلافصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند.

برخی از فرقه های مهم شیعی عبارت اند از: کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، واقفیه، و اثنی عشریه یا شیعهٔ امامیه.

نفوذ اندیشهٔ مهدویت در فرق شیعی، بسیار پررنگ است. برای مثال فرقهٔ کیسانیه، که بنابر قول مشهور پیروان مختار ثقفی هستند، از نخستین فرق اسلامی است که مهدویت را به ویژه با لفظ «مهدی» مطرح نمودند و اهمیت بسیاری برای آن قائل شدند. در دیگر فرق مهم تشیع خصوصاً زیدیه، اسماعیلیه و امامیه نیز اندیشهٔ مهدویت اصلی محوری و بسیار تأثیرگذار بوده است. (۱)

در یک نگاه اجمالی باید گفت: مهدویت در بین فرق شیعه هیچ منکری

۱- «گونه شناسی اندیشهٔ منجی موعود در تشیع»، محمد جاودان، از مجموعه: گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص۴۱۵.

نداشته و فرق تشیع با اختلاف در سطح فهم برداشت خود همگی معتقد به این آموزه هستند.

زیدیه دربارهٔ مهدویت چه نظری دارند؟

زیدیان که امروزه بیش تر در کشور یمن زندگی می کنند، معتقد به امامت زید بن علی بن الحسین علیه السلام هستند و خود را پیرو ایشان می دانند. اصل امامت در این فرقه بسیار مهم است، به طوری که شاید بتوان برداشت مخصوص آنان از این آموزه را نقطهٔ آغاز اختلافشان با دیگر فرقه های شیعی دانست. آنان در مورد امامت برخلاف دو فرقهٔ مهم دیگر، یعنی اسماعیلیه و امامیه که این مقام را فقط شایستهٔ اولاد حسین علیه السلام می دانند، معتقدند: هر فاطمیِ دارای فضیلت، خواه از نسل حسن علیه السلام یا حسین علیه السلام باشد و به سیف قیام نماید، امام است و تبعیت از او لازم.

مهدویت از آغاز شکل گیری زیدیه در بین پیروان آن وجود داشته و آنان معتقدند: سرانجام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ــ یکی از فرزندان فاطمه علیها السلام یا فردی از اهل بیت علیهم السلام ــ ظهور می کند و بر پهنهٔ گیتی حاکم خواهد شد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن چنان که پر از ظلم و بیداد شده است. او، قائم آل محمد است و به مؤمنان و مستضعفانْ عزت، و به کافران و ستمگرانْ ذلت خواهد بخشید. (۱)

ایشان همانند اهل سنت می گویند: مهدی منتظر در آینده ــ که در روایات به آخرالزمان توصیف شده است ــ ظهور خواهد کرد. مهدی متولد نشده و بنابراین در غیبت نیست. از نظر زیدیه، همچنان که پیامبر بشارت داده است، از ذریهٔ او مهدی ظهور خواهد کرد؛ اما نام او و زمان ظهور او و عیناً معلوم نیست. (۲)

۱- الاحکام فی الحلال و الحرام، امام یحیی بن الحسین بن القاسم بن ابراهیم، گردآوری: ابی حریصه، ص ۴۶۸-۴۷۰.
۲- «گونه شناسی اندیشهٔ منجی موعود در تشیع»، ص۴۱۶.

زیدیان در مورد انتظار، بنابر روایتی قائل اند که انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از

همان فضیلت و اجر مجاهد فی سبیل الله در صحنهٔ پیکار برخوردار است. امام هادی، یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم (۲۴۵ - ۲۹۸ه‍-) در باب انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید:

من حبس نفسه لداعینا اهل البیت او کان منتظراً لقائمنا کان کالمتشحط بین سیفه وترسه فی سبیل الله بدمه؛ (۱)

هرکس خویشتن را برای داعی ما اهل بیت وقف کند، یا در انتظار قائم ما بماند، همانند کسی است که در حال قتال در راه خدا به خون خویش غلطیده باشد.

اسماعیلیان چه کسانی هستند و در مورد مهدویت چه نظری دارند؟

اسماعیلیان یکی از فرقه های مهم شیعی هستند که تاریخ پر فراز و نشیبشان به اواسط قرن دوم و پس از وفات امام صادق علیه السلام می رسد. اینان اگرچه مانند شیعیان دوازده امامی در امر امامت و مصادیق آن تا امام ششم، یعنی جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام اشتراک عقیده دارند و امامت را نیز به نص می دانند، (۲) ولی

دربارهٔ سلسلهٔ امامت بعد از امام صادق علیه السلام با پیروان آن امام یعنی شیعیان

امامیه اختلاف نظر دارند و امامت را در اسماعیل فرزند بزرگ تر امام صادق علیه السلام

و نسل او جست وجو می نمایند. این فرقه خود به انشعاباتی مانند: خالصه، مبارکیه، قرامطه، فاطمیان، مستعلویه، نزاریه و... تقسیم شده اند که در اعتقادات با هم اختلافاتی دارند.

مهدویت در میان اسماعیلیان از موضوعات پرابهام است که در عین حال

۱- لوامع الانوار، ج۱، ص۶۴ (به نقل از: «گونه شناسی اندیشهٔ منجی موعود در تشیع»، ص۴۲۰).

۲- الملل و النحل، شهرستانی، ص۱۶۲.

بیش ترین دگرگونی را در طول تاریخ داشته است. برای مثال پیروان فرقهٔ خالصه که به نوعی بانیان فرقهٔ اسماعیلیه هستند و به همین دلیل اسماعیلیهٔ نخستین نام بردار شده اند، به مهدویت اسماعیل، غیبت او و سرانجام ظهورش معتقدند و می گویند: او ظاهر خواهد گشت و بر همهٔ جهان سیطره خواهد یافت. اکثریت مبارکیه و در ادامهٔ آنان قرامطه نیز معتقدند: محمد فرزند اسماعیل و نوادهٔ امام صادق علیه السلام، امام و مهدی قائم است؛ او نمرده و در سرزمین روم پنهان و غایب است و سرانجام، ظهور خواهد کرد. (۱)

به رغم گوناگونی و رنگارنگی موعودباوری در میان اسماعیلیان، می توان به مشترکاتی در بین فرقه های اسماعیلی در این زمینه اشاره نمود: رسالت مهدی موعود اجتماعی است و او رستگاری و عدالت را برای همهٔ بشر به ارمغان می آورد. از دیگر کارکردهای این موعود، نسخ شریعت، برقراری کامل عدالت، اظهار اسرار و حقایق باطنی است که همگی از درانداختن طرحی نو حکایت دارد.

اهل تسنن دربارهٔ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه دیدگاهی دارند و مهدویت در بین آنان از چه جایگاهی برخوردار است؟

با مراجعه به منابع روایی اهل سنت می توان دریافت که به باور اهل سنت عقیده به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عقیده ای حق و صحیح است که از پشتوانهٔ انبوهی از روایات برخوردار است و حتی تعداد قابل توجهی از آن ها بر اساس مبانی اهل تسنن غیرقابل رد می باشد. هرچند در این میان، تعداد اندکی از نویسندگان اهل تسنن هم یافت می شوند که با دیدهٔ انکار یا تردید به عقیدهٔ مهدویت نگریسته اند، اما چنین کسانی انگشت شمارند که مهم ترین نام در این میان، ابن خلدون، تاریخ نویس و جامعه شناس سرشناس می باشد. همچنین می توان به

۱- «گونه شناسی اندیشهٔ منجی موعود در تشیع»، ص۴۳۱.

احمـد امین مصـری یـا محمـد فریـد وجـدی یـا سـعد محمـدحسن اشاره داشت. همین امر [= فراوانی روایات مباحث مربوط به مهدویت؛] بسیاری از علمای اهل تسنن را بر آن داشته تا در این زمینه احادیثی را به صورت مستقل در کتب حدیثی خود ذکر کنند [مثل ابن ابی شـیبه در کتاب المصـنف؛ ابن ماجه در کتاب السـنن؛ ابوداود در کتاب السنن؛ ترمذی در کتاب الجامع؛ و... که سه کتاب اخیر، از مجموع شـش کتاب معتبر اهل سـنت می باشـند] یا حتی با نگاشـتن کتابی مسـتقل به تبیین یا دفاع از این عقیـده برخیزنـد. مانند ابن ابی خثیمه (م۲۷۹) یـا دیگر نویسـندگان اهـل تسـنن در قرن هـای بعـد که حتی در میان آن ها افراد متعصبی مثـل ابن قیم (م۷۵۱) و ابن کـثیر (م۷۷۴) به چشم می خـورد و یکی از آخرین آن هـا هم، کتـاب المهـدی المنتظر فی ضوء الاحادیث الآثار الصـحیحه اثر نویسـندهٔ وهابی معاصـر، عبـدالعظیم بسـتوی می باشد که در مطالب فوق از کتاب وی بهره گرفته شد.

مهدی در نظر اهل تسنن چه ویژگی هایی دارد و مهدی از نسل کیست؟

هرچنـد در این بـاره روایـات متعـددی در کتب اهل تسـنن می توان یافت، ولی در این جا به آن چه در کتاب المهـدی المنتظر بسـتوی آمده، بسـنده می شود؛ زیرا همچنان که گذشت، نویسندهٔ این کتاب از وهابی های معاصر می باشد که با سخت گیری ها و بهانه تراشـی های مخصوص وهابیت به احادیث مهـدوی نگاه نموده و تعـدادی از آن ها را به عنوان احادیث معتبر معرفی کرده است. براسـاس این احـادیث معتبر، «مهـدی از اهـل بیت پیامبر» و «از نسل ایشان» و مشـخصاً «از نسل حضـرت زهرا علیها السـلام» و «نام ایشان هم نام پیامبر» می باشد و در «آخرالزمان قیام می کند و زمین به برکت ایشان آباد و پر از نعمت می شود» و «همچنان که زمین پر از سـتم شده، آن را از عدالت آکنده می سازد» و اصولاً رسالت حضـرت، اقامهٔ عدالت در جهان است، به گونه ای که «حتی اگر یک روز از دنیا مانده باشد، خداوند آن روز را

آن قدر طولانی خواهد ساخت تا قیام حضرت به پا شود» و «در خراسان (ایران) قیامی رخ می دهد که به قیام حضرت متصل می شود». همچنین براساس برخی گزارش های معتبر اهل سنت «یکی از علایم قیام حضرت، شهید شدن شخصی معروف به نفس زکیه می باشد» و نیز از برخی دیگر از گزارش های معتبرشان استفاده می شود که قیام حضرت، ارتباط خاصی با کوفه دارد.

اهل تسنن دربارهٔ نزول حضرت عیسی چه نظری دارند؟ آیا این که برخی از آنان مهدی را همان عیسی می دانند، صحیح است؟

دو دسته روایت در کتب حدیثی اهل سنت می توان یافت. یک دسته تصریح دارد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان عیسی بن مریم علیهما السلام است و دستهٔ دیگر صراحت دارد که عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان فرود آمده به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می کند؛ ولی از یک سو روایات دستهٔ اول علاوه بر اندک بودن، از هیچ سند معتبری برخوردار نیست؛ گذشته از آن که ظاهراً هیچ یک از آن ها از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل نشده اند!! برخلاف روایات دستهٔ دوم که علاوه بر فراوانی، در میانشان روایاتی که بر مبنای اهل تسنن هم از صحت سند برخوردار باشند، یافت می شود و اکثریت آن ها هم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده اند. از سوی دیگر، روایات معتبر و متعدد دیگری در دست است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می کند و این هم دلیل دیگری بر بطلان و ساختگی بودن دستهٔ اول روایات اهل تسنن است. همین مطلب، برخی از نویسندگان اهل تسنن را هم واداشته تا روایات دستهٔ اول را منکر شده به حرف عده ای بسیار اندک که همین عقیده را دارند، هیچ اعتنایی نکنند. در هر حال، بر اساس روایات معتبر اهل تسنن، عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان فرود خواهد آمد و به امام جماعت مسلمانان (که همان مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود) اقتدا خواهد نمود. حتی بر اساس روایات متعدد دیگری، آن حضرت در جنگ های معاصر

ظهور نیز مشارکت خواهد داشت و در کشتار دجال و یاران او که منجر به زمینه سازی حکومت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود، نقش اساسی و کلیدی نشان خواهد داد.

آیا در مذاهب دیگر نامی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برده شده است؟

در همهٔ مذاهب اسلامی، عقیده به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد و روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده، در کتاب های معتبر سایر مذاهب اسلامی نیز آمده است. تنها اختلاف اساسی شیعه با سایر مسلمانان، تعیین مصداق آن است. شیعه معتقد است که حجت خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که دوازدهمین امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام است، ولی آنان چنین عقیده ای ندارند و تنها به مصلحی معتقدند که از خاندان پیامبر است و در آخرالزمان ظهور می کند و دنیا را پر از عدالت می کند و نیز ما معتقدیم که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شده و هم اکنون زنده است و زندگی می کند، اما بیش تر اهل سنت معتقدند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعداً متولد خواهد شد. (۱)

به علاوه، نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همهٔ ادیان آسمانی قبل از اسلام، مانند یهود، مسیحیت و زرتشت، هم آمده است. البته آن ها از او به منجی و نجات دهندهٔ جهان تعبیر کرده اند.

ادیان و علایم ظهور

علایم ظهور در ادیان دیگر چه چیزهایی است؟

۱. علایم ظهور در کتاب های هندیان

الف) در کتاب دادتگ دربارهٔ ظهور آمده است:

۱- البته دلایل بسیاری بر تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زنده بودن او وجود دارد. برای آگاهی بیش تر نک: دادگستر جهان؛ سیمای آفتاب؛ نگین آفرینش.

بعد از آن که مسلمانی به هم رسد در آخرالزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی دیانتی امینان و حسد حاسدان برطرف شود، بجز نام از آن چیزی نماند و دنیا مملو از ظلم و ستم شود و پادشاهان، ظالم و بی رحم شوند و رعیت بی انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و ضلالت و فساد [فرا] بگیرد، دست حق درآید و جانشین آخر، ظهور کند. (۱)

ب) علایم ظهور در کتاب ریگ ودا چنین بیان شده است:

...هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید. (۲)

ج) چنان که در کتب مقدس جین ها آمده، هنگامی که فساد و انحطاط و تباهی، جهان را فراگیرد، شخص کاملی که آن را تیر تنگر (نویددهنده) می گویند، ظهور خواهد کرد.

۲. علایم ظهور در کتاب انجیل

الف) در انجیل متی دربارهٔ ظهور آمده است:

... آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و افلاک متزلزل گردند. (۳)

ب) در انجیل لوقا آمده:

... و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت ها روی خواهد داد... . (۴)

در کتاب های یادشده نشانه های دیگری نیز وجود دارند که برای اطلاع از آن

۱- علائم ظهور، کرمانی، ص۱۸.
۲- او خواهد آمد، ص۶۵ (به نقل از: ریگ ودا، ماندالمای، ۴، ۱۶، ۲۴).
۳- متی، ص ۴۱.
۴- لوقا، ص ۱۱۱.

می توان به آن ها رجوع کرد.

وجه مشترک علایم ظهور را در ادیان الهی بیان کنید.

بعضی از علایم ظهور در میان برخی ادیان مشترک است. علایم زیر در عهد جدید، با روایات اسلامی هم گون اند:

۱. نزول حضرت عیسی علیه السلام؛ حضرت عیسی علیه السلام هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان فرود می آید و در قدس پس از اعلام بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پشت سر حضرت نماز می گذارد؛

۲. صیحهٔ آسمانی؛ از مجموع روایات استفاده می شود که «صیحه» از نشانه های حتمی ظهور است که از آسمان شنیده می شود، به گونه ای که همهٔ مردم زمین از شرق و غرب آن را می شنوند.

امامت

امامت را تعریف کنید؟

امامت ریاست عمومی از ناحیهٔ خدا بر مردم در امور دین و دنیای آن هاست. بیش تر تعریف کنندگان سنی، دو قید نیز اضافه می کنند: ۱. این ریاست از

باب خلافت و نیابت از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ ۲. بر تمام مردم پیروی از امام واجب است. (۱)

در تعریف امامت از منظر متکلمین بین شیعه و سنی اختلاف چندانی نیست، اختلاف در تفسیر این تعریف است. (۲)

تفاوت دیدگاه اهل سنت و شیعه در آموزهٔ امامت چیست؟

شیعه، امامت را استمرار نبوت می شمارد و آن را منصبی الهی می داند که خدا خود، امام را معرفی می کند نه با انتخاب مردمی؛ زیرا امام باید صلاحیت ویژه در علم، عصمت، و رهبری داشته باشد و این امور با علم ناقص مردم قابل شناسایی نیست؛ اما اهل سنت، امامت را تنها رهبری سیاسی می دانند.

۱- نک: المواقف، ایجی، ص۳۴۵؛ مقدمهٔ ابن خلدون، ص۱۹۱، دلائل الصدق، محمدحسن مظفر، ج۲، ص۴، تعریف فضل بن روزبهان و... .

۲- نک: الالهیات علی هدی الکتاب والسنه، جعفر سبحانی، ج۴، ص۲۶.

وظایف امام چیست؟ و چه نیازی به امام است؟

امام همان مسئولیت های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دارد که عبارت اند از:

۱. تفسیر قرآن و شرح اهداف و کشف اسرار آن؛

۲. بیان احکام شرعی؛

۳. پاسخ به شبهات؛

۴. حفظ دین از تحریف، اختلاف و انحراف؛

۵. زمام داری جامعهٔ اسلامی.

با کمال تأسف این امور پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محقق نشد:

اما تفسیر قرآن: مسلمانان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر آیات زیادی مانند: آیهٔ وضو، قطع دست دزد، صفات خبریه، (۱) عدل، جبر و اختیار، هدایت و ضلالت و... اختلاف نمودند.

اما بیان احکام: آیاتی که دربارهٔ احکام فقهی اند و به آیات الاحکام معروف اند، فقط سیصد آیه هستند و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در احکام تنها ۵۰۰ حدیث است. روی آوردن اهل سنت به قیاس، استحسان (۲) و... دلیل خوبی بر عدم فراگیری کتاب و سنت در مورد احکام و به ویژه مسائل مستحدثه (۳) است.

علاوه بر این، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها ۱۰ سال فرصت بیان احکام شرعی را داشت

که این دوران همراه با مشکلات عمدهٔ سیاسی، اجتماعی _ همانند هفده

۱- صفات خبریه به صفاتی گفته می شود که در قرآن و احادیث آمده باشد.

۲- قیاس و استحسان از روش های استنباط حکم می باشند؛ قیاس، به دست آوردن حکم یک موضوع براساس حکم مورد مشابه آن می باشد، و استحسان به دست آوردن حکم براساس آن چه فقیه آن را نیکو می شمارد، می باشد؛ ولی شیعه براساس روایات این روش ها را تفسیر به رأی و نادرست می داند.

۳- مسائل مستحدثه، مسائل جدیدی است که برای فرد یا جامعه به تازگی پیش می آید و نیازمند بیان حکم شرعی هستند.

غزوه (۱) که گاه تا یک ماه طول می کشید و پنجاه و پنج سریه ـ و مشکلات داخلی با منافقان، مشرکان و یهودیان بود.

اما پاسخ به شبهات: یهود، زنادقه (۲) و... شبهات بسیاری را در دین داخل کردند که نیاز به پاسخ گویی داشت.

اما حفظ اسلام از انحراف و اختلاف: روایات ساختگی از اسرائیلیات (۳) یهود، اساطیر نصاری و خرافات مجوس، سبب تحریف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گردید. بخاری از ششصد هزار حدیث، تنها چهارصدهزار حدیث را صحیح می شمرد؛ یعنی از ۱۵۰ حدیث تنها یک حدیث را صحیح می داند ـ و با حذف احادیث تکراری، ۲۷۶۱حدیث در صحیح بخاری باقی می ماند. (۴) صحیح مسلم و سنن ابوداود و... نیز تقریباً همین گونه است. (۵)

از بیان بالا ـ به روشنی معلوم می گردد که برای حفظ دین و شریعت نیاز به امامی معصوم و منصوب از طرف خدا داریم تا انحرافات را از ساحت دین بزداید و دین محمدی را به مردم بشناساند و آن را اجرا نماید. (۶)

ابعاد شخصیت امام چه می باشند؟

برخی از ابعاد شخصیتی امام عبارت اند از:

۱. شخصیت حقیقی: شناخت شخص امام به نام و نسب است. در این گونه

۱- غزوه به جنگ هایی گفته می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن شرکت داشتند، و سریه جنگ هایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن شرکت نداشتند.

۲- زنادقه به افرادی گفته می شود که دارای دین نمی باشند و دهری و ماتریالیسم نیز نامیده می شوند.

۳- اسرائیلیات، روایات ساختگی هستند که براساس اعتقادات یهود ساخته شده اند.

۴- ارشاد الساری، قسطلانی، ج۱، ص۲۸؛ صفه الصفوه، ابن جوزی، ج۴، ص۱۴۳.

۵- طبقات الحفاظ، ذهبی، ج۲، ص۱۵۴؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج۲، ص۱۵۷.

۶- نک: الالهیات علی مدی الکتاب والسنه، جعفر سبحانی، ج۴، ص۲۶ - ۳۷.

شناخت، سعی می شود نام، مشخصات ظاهری و خانوادگی هر فرد شناخته شود. به این گونه شناخت، شناخت شناسنامه ای می گویند که ابتدایی ترین نوع شناخت است.

۲. شخصیت حقوقی: شناخت امام به عنوان امام و جانشین پیامبر، همراه با ویژگی های امام است. در این نوع شناخت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان امام و آخرین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که اطاعتش بر همه واجب است، شناخته می شود.

سلیم بن قیس از حضرت علی علیه السلام پرسید کم تر چیزی که آدمی به آن گمراه می شود چیست؟ حضرت فرمود:

کسی را که خدا اطاعت، ولایت و محبت او را واجب کرده و حجت خود در زمین قرار داده نشناسد. (۱)

۳. شخصیت سیاسی - اجتماعی: شناخت امام به عنوان رهبر جامعۀ جهانی عدالت محور می باشد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهم ترین فرد برای برآوردن انتظارات بشر

از زندگی است و می تواند بشریت را از بحران های اجتماعی، ظلم بین المللی

و انواع تنگناهایی که درگیر آن است نجات دهد و عدالت را در سراسر جهان حاکم گرداند.

۴. شخصیت معنوی: شناخت جایگاه امام در هدایت بشریت است. امام یک فیلسوف و دانشمند نیست؛ او آمده است تا انسان ها را به سعادت حقیقی راهنمایی کند. آنان را با خدا، پیامبران، دین، اخلاق و آخرت آشنا کند و به زندگی الهی سوق دهد و از بحران هویت نجات دهد.

۵. شخصیت تکوینی: شناخت جایگاه امام در آفرینش می باشد. طبق روایات، جهان و آن چه در آن است به واسطۀ وجود امام آفریده و پابرجاست. در روایتی

۱- معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص۳۹۴.

می خوانیم: اگر حجت نبود زمین اهلش را فرو می برد. (۱) وجود امام سبب رسیدن فیض وجود به موجودات دیگر و بقای آنان می باشد.

شناخت امام

حق واجب امام چیست و چگونه می توان آن را شناخت؟ اگر تقوا شرط ایمان است،

چرا در روایت می فرماید اگر حق امام را بشناسد شیرینی ایمان را می چشد؟ آیا منظور بخشی از ایمان است؟

منظور از حق واجب، همان حقوق امام است و کلمهٔ واجب برای دلالت بر این مطلب است که چنین حقی از طرف خداوند ثابت شده است. در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت، امام دو حق دارد:

۱. در مقام علم، اعتقاد به امامت آن حضرت؛

۲. در مقام عمل، تبعیت از دستور امام. بنابراین، انسان باید در زبان و عمل این اعتقاد را آشکار سازد. (۲)

دربارهٔ شناخت حق نیز باید گفت که منظور از آن، تنها عقیده به امام بودن او نیست، بلکه باید بداند امام چه جایگاه و نقشی در جهان آفرینش دارد، علم و قدرت او چقدر است و...؟ چنین شناختی در درجهٔ اول با مراجعه به عالمان و دانشمندان علوم ائمه علیهم السلام ممکن می شود. باید نزد آنان شاگردی کرد و این معارف را از آنان آموخت و با نبود آن ها، بهترین کار استفاده از کتاب های مفید و معتبر دربارهٔ امامت است. خواندن کتاب ها و مقالات و ارتباط داشتن با مراکز و مؤسسه ها می تواند راه گشای خوبی باشد؛ اما چنان که در آغاز بیان شد، فهم این مطالب، مستلزم استمرار و پشت کار است و نباید انتظار داشت که با کمی مطالعه

۱- «لولا الحجه لساخت الارض بأهلها».

۲- شرح اصول کافی، ملامحمد صالح مازندرانی، ج۵، ص۲۴۱.

یا مراجعه، همه چیز روشن شود.

اما دلیل این که چرا معرفت حق امام موجب چشیدن طعم شیرین ایمان است، در ادامهٔ همین حدیث آمده است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

زیرا خداوند، امام را عَلَم هدایت مردم قرار داده و به آن چه در نزد خداوند است جز از طریق امام نمی توان رسید و خداوند نیز جز به شناخت امام عملی را از بندگان نمی پذیرد. (۱)

با توجه به عبارت های این حدیث و مانند آن، معلوم می شود که امام واسطهٔ بین خدا و بندگان است. کسی که می خواهد با خداوند ارتباط داشته باشد و اعمالش پذیرفته شود و نعمت های الهی شامل حال او گردد، باید به امام تمسک جوید و اگر کسی امامت و ولایت را رها کند، گمراه شده و به بی راهه رفته است. بنابراین هرگز به هدف نمی رسد و ایمان او تنها لقلقهٔ زبان خواهد بود و چیزی که محتوا و حقیقت ندارد، هرگز طعم و شیرینی ای نخواهد داشت! بنابراین راه رسیدن به حقیقتِ ایمان، اعتقاد به امامت است و این اعتقاد چنان که قبلاً گفتیم از راه شناخت حاصل می شود. پس شناخت امام باعث فهمیدن و چشیدن شیرینی ایمان است؛ یعنی راه رسیدن به حقیقتِ ایمان است. به همین دلیل است که امام می فرماید: اگر کسی امام را بشناسد، شیرینی ایمان را می چشد.

البته تقوا نیز شرط ایمان است، اما تقوا در مقام عمل، شرط است و شناختْ در مقام عقیده. لذا این دو منافاتی با هم ندارند و قابل جمع است. کسی که در مقام عقیده، امام را می شناسد و در مقام عمل، اهل تقوا و پاکی است، شیرینی ایمان را می چشد، اما اگر تقوا پیشه نکند و تنها مدعی اعتقاد و عشق و دوستی اهل بیت باشد، هرگز به چنین لذتی دست نمی یابد.

۱- کافی، ج۱، ص۲۰۳، ح۲.

علت شناخت

آیا شرطی افزون تر از ایمان به خداوند و پیامبر و اجرای دستورهای الهی برای مؤمن بودن وجود دارد؟ آیا اگر کسی معرفت کامل نداشته باشد، مؤمن نخواهد بود؟

معرفت، مقدمهٔ ایمان و اطاعت است. معرفت، یعنی شناخت؛ اگر ما چیزی را نشناسیم، چگونه به آن ایمان می آوریم یا از آن اطاعت می کنیم؛ یعنی اصل ایمان و اطاعت، به معرفت وابسته است. علاوه بر اصل ایمان، مراتب آن نیز به معرفت بستگی دارد؛ یعنی انسان به قدر شناختش ایمان می یابد؛ هر اندازه معرفت و شناخت او به خدا و جانشینان خدا در زمین عمیق تر شود، ایمان او نیز راسخ تر می گردد و کسی که شناخت سطحی از خدا و اولیای خدا دارد، ایمان ضعیفی نیز خواهد داشت و ایمانش با کوچک ترین شبههٔ علمی یا شهوت عملی زایل می شود. از همین روی، امام صادق علیه السلام می فرماید:

بنده، مؤمن نمی شود مگر معرفت یابد. (۱)

زیرا بدون مقدمه، دست یافتن به اصل، محال می نماید و معرفت، مقدمهٔ

ایمان و اطاعت است. البته تنها ایمان واقعی و کامل، بشر را به سعادت می رساند، وگرنه ایمانی که انسان را از جهنم نجات دهد، با شناخت سطحی نیز

تأمین می شود.

چگونگی شناخت

در زمان غیبت از چه طریقی می توان با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا شد؟

بهترین راه آشنایی با حضرت در زمان غیبت، مراجعه به سخنان ائمه علیهم السلام است که حضرت را معرفی کرده اند. فهم درست روایات نیز مستلزم

۱- کافی، ج۱، ص ۱۸۰، ح۲.

مراجعه به علما و کتاب های روایی است و هرگاه آن حضرت را شناختیم، به آن حضرت علاقه مند می شویم و این علاقه موجب انس گرفتن با آن حضرت می گردد.

با توجه به این که ما انسان ها محدود هستیم، چگونه می توانیم امام زمان را بشناسیم و از وجود او بهره ببریم؟

ابتدا ذکر دو نکته لازم است:

۱. شناختن و کسب معرفت امام علیه السلام قطعاً ممکن است؛ زیرا اگر ممکن نبود، دین اسلام ما را به آن امر نمی کرد؛

۲. انسان ها به حسب مراتب مختلف، مقام امام را می شناسند و هرچه مقام انسان ها بالاتر رود، آگاهی شان نسبت به امام بیش تر است.

بنابراین شناخت امام علیه السلام ممکن است و در طول تاریخ انسان هایی آن را تحصیل کرده اند؛ مانند سلمان، ابوذر، مالک اشتر، محمد بن ابی بکر و... که امام علی علیه السلام را خوب شناختند و از وجود آن حضرت بهره گرفتند.

یاران امام حسین علیه السلام (شهدای کربلا)، امام خودشان را بسیار خوب شناختند و با پیوند با او، وجود کوچک خود را وسعت بخشیدند.

نشانهٔ شناخت، اطاعت و تسلیم است؛ اگر کسی در برابر امامش کاملاً تسلیم باشد، نشان آن است که امامش را خوب شناخته، و اگر کسی از امامان اطاعت نکند، نشان آن است که معرفتش عمیق و کامل نیست.

از این نکته نیز نباید غفلت کرد که از آن جا که سعهٔ وجودی امام از سعهٔ وجودی انسان عادی بیش تر است، شناخت امام با تمام ابعاد و شئونش برای انسان های عادی میسور نیست، اما شناخت بعضی از ابعاد وجودی امام در حد ظرفیت امکان پذیر است.

امامت در قرآن

چرا در قرآن، اشارهٔ صریحی به ولایت علی علیه السلام و بقیهٔ ائمه علیهم السلام، ازجمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشده است و چه دلایلی بر ادامهٔ ولایت پس از ختم نبوت وجود دارد؟

این طور نیست که خداوند برای معرفی اولیای خود و رهبران جامعه، تنها باید نام آن ها را در کتاب آسمانی (قرآن) ذکر کند، بلکه با مراجعه به قرآن، خواهیم دید که قرآن برای معرفی شخصیت های الهی به سه شیوه عمل می کند:

۱. معرفی با اسم:

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در انجیل از طریق اسم برای آیندگان معرفی شده است:

«وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»؛ (۱)

بشارت دهندهٔ پیامبری هستم که پس از من می آید و نام او احمد است.

خداوند، گاهی پیامبران خود را با نام، مورد خطاب قرار می دهد:

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛ (۲)

ای داوود! ما تو را در روی زمین جانشین قرار دادیم.

قرآن در مواردی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به اسم یاد می کند:

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ»؛ (۳)

محمد پیام آوری بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بوده اند.

۲. معرفی با عدد:

روش دیگر، معرفی با عدد است. قرآن کریم، نقبای (مراقبان) بنی اسرائیل را با

۱- سورهٔ صف، آیهٔ۶.

۲- سورهٔ ص، آیهٔ۲۶.

۳- سورهٔ آل عمران، آیهٔ۱۴۴.

عدد معرفی کرده است؛ آن جا که می فرماید:

«وَلَقَدْ أَخَذَ اللهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»؛ (۱)

خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده مراقب برانگیخت.

گروهی که طبق گزینش حضرت موسی علیه السلام قرار شد به کوه بروند، در قرآن با عدد معرفی شده اند:

«وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا»؛ (۲)

موسی از قوم خود، برای میقات ما هفتاد نفر را برگزید.

۳. معرفی با صفت:

از دیگر راه های شناسایی شخصیت های الهی، معرفی با صفت است؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در انجیل و تورات، علاوه بر معرفی با نام، با صفات نیز معرفی شده است و قرآن بر این مطلب گواهی می دهد:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...»؛ (۳)

کسانی که از رسول و نبی درس ناخوانده ای پیروی می کنند که نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل نوشته می یابند که آنان را به نیکی دعوت کرده و از بدی ها باز می دارد، پاکی ها را برای آنان حلال و ناپاکی ها را تحریم می نماید و بارهای گران و زنجیرهایی را که بر آنان بود، برمی دارد.

در این آیه، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با صفات ده گانه معرفی شده است. از سیاق آیه استفاده می شود که حضرت در این دو کتاب (تورات و انجیل)، با همه یا اکثر

۱- سورهٔ مائده، آیهٔ۱۲.

۲- سورهٔ اعراف، آیهٔ۱۵۵.

۳- سورهٔ اعراف، آیهٔ۱۵۷.

این صفات معرفی گردیده است و مفاد جملهٔ «مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْراةِ وَالْإِنجِيلِ» این است که صفات و خصوصیات او در تورات و انجیل آمده است.

خداوند متعال در قرآن، کسانی که باید مسلمان ها از آنان اطاعت کنند، با صفات «اولی الامر» معرفی کرده است؛ آن جا که می فرماید:

«أَطِيعُوا اللهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (۱)

از خداوند و رسول و صاحبان فرمان اطاعت کنید.

مردی از بنی اسرائیل، پس از موسی علیه السلام به پیامبری برانگیخته شد. مردم به او گفتند: فرمان روایی را برای ما معیّن کن تا زیر لوای او در راه خدا جهاد کنیم. خداوند به درخواست آنان پاسخ مثبت داد و این فرمان روا را پس از معرفی با اسم، با صفت نیز معرفی کرد تا هر نوع تشابهی که ممکن است در اسم رخ دهد، از بین برود و از طریق پیامبر خود به آنان خبر داد که خدا «طالوت» را به فرمان روایی بر شما نصب کرده است:

«إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ...»؛ (۲)

نشانهٔ فرمان روایی او این است که صندوقی به سوی شما می آید که در آن آرامشی از جانب پروردگار است و باقی مانده ای از آن چه خاندان موسی و هارون به جای گذارده اند، فرشتگان آن را حمل می کنند و در این کار برای شما نشانه ای است، اگر ایمان آورده باشید.

هدف از نقل این آیات، آن است که بدانیم معرفی با صفات، یکی از راه های صحیح شناسایی است، لیکن گاهی معرفی با صفات، با ذکر نام نیز همراه است

۱- سورهٔ نساء، آیهٔ۵۹.

۲- سورهٔ بقره، آیهٔ۲۴۸.

(آیهٔ طالوت) و زمانی تنها به ذکر صفات اکتفا می شود:

«فَسَوْفَ یَأْتِی اللهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّةٍ عَلَی الْکَافِرِینَ یُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَلَا یَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِم»؛ (۱)

به زودی خداوند گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان، فروتن و متواضع اند و در برابر کافران، سرافراز، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت ملامت گران نمی ترسند.

نتیجه این که اگرچه نام حضرت علی علیه السلام و بقیهٔ ائمه علیهم السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن نیست، اما صفات و خصوصیات آنان در قرآن وارد شده است.

اصولاً ـ قرآن در معرفی افراد، مصالح عالی را در نظر می گیرد. گاهی مصالح ایجاب می کند که افراد را با نام معرفی کند و زمانی با صفات؛ (۲) چنان که دربارهٔ حضرت علی علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سایر ائمه علیهم السلام چنین شیوه ای وجود دارد.

ما برای رعایت اختصار فقط به توضیحی دربارهٔ آیهٔ ۵۹ سورهٔ نساء که قبلاً ذکر کرده ایم، بسنده می کنیم:

این آیه به صراحت، به اطاعت از اولی الامر دستور می دهد و اطاعت از آن ها را مقرون به اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نموده است که از همین اقتران و عدم تکرار کلمهٔ «اطیعوا» نسبت به اولی الامر معلوم می شود که اطاعت از اولی الامر، مثل اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به طور مطلق واجب است. از این لحاظ و از جهت اطلاق امر به اطاعت از آن، معلوم می شود که مراد از این اولی الامر، امامان معصوم علیهم السلام می باشد.

در روایات نیز وارد شده است که هنگام نزول این آیهٔ کریمه، جابر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

۱- سورهٔ مائده، آیهٔ۵۴.

۲- پرسش ها و پاسخ ها، جعفر سبحانی، ص۲۴۷-۲۴۳.

قد عرفنا الله ورسوله فمن اولواالامر الذین قرن الله طاعتهم بطاعتک؛

خدا و پیامبر او را شناختیم، پس اولوالامری که خدا، اطاعتش را به اطاعت تو قرین کرده است، چه کسانی اند؟

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمود:

هم خلفائی وائمه المسلمین بعدی اوّلهم علی بن ابی طالب ثم الحسن ثم الحسین وثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوراه بالباقر وستدرکه یا جابر فاذا لقیته فأقرأه عنی السلام؛ (۱)

ایشان جانشینان من و امامان مسلمین بعد از من هستند، اول ایشان علی بن ابی طالب و پس از او حسن و پس از او حسین و پس از او علی بن الحسین و سپس محمد بن علی است که در تورات به باقر معروف است و به زودی او را درک خواهی کرد، پس وقتی او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان.

پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام سایر ائمه از امام جعفر صادق علیه السلام تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای جابر بیان فرمود و سپس از غیبت و مطالب دیگر مربوط به حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به جابر خبر داد.

دربارهٔ دلایل ادامهٔ ولایت پس از ختم نبوت نیز باید گفت: جواب این قسمت به طور خلاصه این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان خود، رهبری امت اسلام و وظیفهٔ حفظ و بیان و اجرای احکام و معارف دین را برعهده دارد. پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امت اسلامی به یک رهبر الهی نیاز دارد که رهبری و سرپرستی امت را برعهده گیرد، احکام و معارف دین را حفظ و بیان کند، برنامه های سیاسی و اجتماعی اسلام را اجرا نماید، از حوزهٔ اسلام و مسلمین دفاع کند و عدل را برقرار سازد.

این سمت را امامت می گویند و به فردی که به دستور خدا و به وسیلهٔ

۱- امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی، ج۱، ص۶۶-۶۷. (به نقل از: منتخب الاشراف، ج۱، باب۸، ح۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای این سمت معرفی می شود، امام می گوییم.

چه برهان های عقلی بر وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان اقامه کرد؟

دانشمندان اسلامی ادلهٔ عقلی متعددی بر وجود امام معصوم علیه السلام در تمام زمان ها اقامه کرده اند. برهان های فلسفی (امکان اشرف، عنایت، هدف مندی و...)، ادلهٔ کلامی (لطف، فطرت، دلیل استقراء و...)، دلیل های عرفانی (مظهر جامع، واسطهٔ فیض، عدم تبعیض در فیض و...)، دلیل های جامعه شناختی (اجتماعی بودن انسان)، ادلهٔ ریاضی (حساب احتمالات) و... . به این ادله به طور اختصار اشاره می شود. (۱)

قبل از بیان ادلهٔ عقلی، تذکر این نکته لازم است که دلیل های عقلی، وجود حجت در همهٔ زمان ها را اثبات می کند، اما تطبیق آن بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس روایات می باشد.

چند دلیل کلامی بر وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیان کنید؟

برهان لطف: خداوند حکیم است؛ از این رو در آفرینش جهان و انسان هدفی دارد؛ هدف او از خلقت انسان، رسیدن به کمال و قرب الهی است. بی تردید تأمین این هدف در گرو وجود راهنمایان (پیامبران و امامان علیهم السلام) است. بنابراین اگر امامی نفرستد تا انسان ها را به تکالیف خود و به کمال رهنمون سازند، خلقت

۱- برای مطالعهٔ بیش تر نک: المسلک فی اصول الدین، محقق حلی، ص۱۸۹؛ الذخیره فی علم الکلام، سید مرتضی، ص۱۸۶؛ الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، شیخ طوسی، ص۷؛ کشف المراد، علامه حلی، ص۲۵۴؛ کفایه الموحدین، سید اسماعیل طبرسی، ج۱، ص۶۰۵؛ الالهیات علی هدی الکتاب و السنه، جعفر سبحانی، ج۲، ص۴۷؛ القواعد الکلامیه، علی ربانی گلپایگانی، ص۱۰۸؛ قاعده لطف، محسن خرازی؛ وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پرتو عقل، علی اصغر رضوانی؛ دلائل عقلی و نقلی امامت و مهدویت رحیم لطیفی؛ مجلهٔ انتظار، ش۵ - ۱۲، قاعدهٔ لطف و... (البته علمای پیشین غالباً به قاعدهٔ لطف استناد کرده اند) در این نوشتار بیش تر از دو کتاب آقای رضوانی و لطیفی استفاده شد.

و تکالیف الهی بیهوده می شوند. (۱) با این بیان معلوم شد که در هر زمان باید پیشوایی الهی و معصوم که تداوم بخش وظایف پیامبران است، وجود داشته باشد. این پیشوا در زمان ما بنابر روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

برهان فطرت: در انسان بالوجدان گرایشی نسبت به کمال مطلق (خدا) و نیز واسطه ای (انسان کامل معصوم) که او را به آن کمال برساند، وجود دارد. وجود چنین میلی به انسان کامل در نهاد انسان، دلیلی بر وجود خارجی اوست. همان طور که احساس تشنگی در انسان، دلیل بر وجود آب در خارج است.

به عبارت دیگر، تا وجود خارجی انسان کامل نباشد، اصلاً چنین میلی در نهاد ما قرار داده نمی شد. این انسان کامل در زمان ما وجود مقدس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

دلیل استقراء: با بررسی و استقراء در وضعیت امت های پیشین، پی می بریم در هر زمان یک نفر حجت خدا در روی زمین بوده، هرچند گاهی از دیدگان غایب می گشته است. از آدم گرفته تا ادریس، نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، موسی، یوشع، داوود، سلیمان، عیسی، شمعون علیهم السلام، و... ، (۲) همه و همه حجت های زمان خود بوده اند که سلسله وار ادامه یافته اند.

با وجود چنین سلسله ای از انبیاء و جانشینان آن ها به عنوان حجت های الهی، می پرسیم که چرا در میان امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حجت (امام) نباشد؟ در صورتی که لطف خدا دائمی و شایستگی این امت طبق روایات از امت های پیشین

۱- البته برهان لطف تقریرهای متعددی دارد؛ در این جا سعی شده تا به ساده ترین بیان اشاره می شود؛ نک: المسلک فی اصول الدین، محقق حلی، ص۱۸۹؛ قواعد المرام، ابن میثم بحرانی، ص۱۷۷؛ کشف القناع، محقق تستری، ص۱۱۴.

۲- سلسلهٔ انبیاء و اوصیاء، در برخی کتاب ها آمده است. برای نمونه: تاریخ یعقوبی، احمد بن یعقوبی، ج۱، ص۷؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج۱، ص۴۷.

بیش تر است. پس نتیجه می گیریم در این امت هم باید بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حجت خدا (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) باقی باشد.

در روایتی از امام کاظم علیه السلام می خوانیم که از زمان آدم علیه السلام تا کنون، هیچ وقت زمین از امام خالی نبوده است.

چه برهان فلسفی بر وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان برشمرد؟

برهان امکان اشرف: (۱) در فلسفه به اثبات رسیده است که آفرینش از وجود اشرف آغاز، و به ترتیب به وجود شریف و غیرشریف (خسیس و اخسّ) می رسد. پس هرگاه در نظام خلقت، افراد شریف و غیرشریف مشاهده می شوند، قطعاً وجود اشرف باید موجود باشد. حجت الهی (پیامبر و امام) به دلیل دارا بودن تمام کمالات، در مرتبهٔ اشرف قرار دارد. پس تا زمانی که یک فرد از انسان های عادی باشد، حجت الهی فرد اشرف نیز وجود دارد. طبق روایات، حجت الهی در زمان ما امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

برهان عنایت: هستی، آفرینش خدای عالم، قادر و حکیم است. از این رو بهترین نظام ممکن را داراست (نظام احسن). در این نظام خدا به تمامی نیازهای موجود، علم و عنایت دارد و آنان را با هدایت تکوینی (غریزه) راهنمایی می کند. از آن جا که مهم ترین نیاز انسان، هدایت است، خدا باید راهنمایانی را برای هدایت انسان قرار دهد، وگرنه نظام خلقت، احسن نمی باشد. (۲)

آخرین فرد از این راهنمایان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- نک: التعلیقات، ابن سینا، ص۴۲۱؛ مجموعه مصنفات، سهروردی، ج۱، ص۴۴۳۴؛ الحکمه المتعالیه، ملاصدرای شیرازی، ج۷، ص۲۴۴ و... ردپای این برهان در کلام مسیحی نیز دیده می شود. نک: دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، رحیم لطیفی، ص۶۴.

۲- نک: مجلهٔ انتظار، ش۸-۹، ص۱۰۵-۱۳۴.

برهان هدف مندی (علت غایی): خدا در خلقت جهان و انسان هدف دارد. (۱)

در علم کلام، مشهورترین دلیل بر هدف مندی خلقت، بیهوده و لغو نبودن آفرینش شمرده می شود. علت غایی موجودات جهان، انسان است؛ زیرا او کامل ترین موجود است و حجت خدا (انبیاء و امامان علیهم السلام)، علت غایی وجود انسان می باشند؛ زیرا حجت خدا، کامل ترین انسان است. در نتیجه از طریق برهان انّ (از معلول به علت پی بردن) این گونه استدلال می شود: تا زمانی که این جهان و موجودات آن ازجمله انسان، هستند، باید حجت الهی هم در خارج موجود باشد تا هدف خلقت تحقق یابد.

حجت خدا در این زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تا او نباشد، جهان پابرجا نمی ماند. (۲)

آیا دلیلی عرفانی بر وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان اقامه کرد؟

برخی از برهان های عرفانی بر وجود حجت عبارت ا ند از:

۱. برهان واسطهٔ فیض: (۳) در عرفان و نیز فلسفه به اثبات رسیده است که خدا به دلیل تجرد محض و بساطت، در بالاترین مرتبهٔ وجود است و عالم طبیعت به خاطر مادی بودن، در پایین ترین مرتبهٔ وجود قرار دارد. بنابراین باید واسطه ای باشد

۱- چنانکه در آیات متعددی بر بیهوده نبودن خلقت انسان (سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۱۱۵) و جهان (سورهٔ دخان، آیهٔ ۳۸) تصریح می کند.

۲- چنانکه در روایات آمده: «اگر زمین بدون امام شود هر آینه دگرگون خواهد شد». (کافی، ج۱، ص۱۷۹، ح۱۰؛ الغیبه، نعمانی، ص۱۳۸، باب۸، ح۸)

۳- نک: عیون المسائل، فارابی، ص۶۷؛ آراء اهل المدینه، ص۴۵۲؛ المباحات، ابن سینا، ص۶۵؛ اثولوجیا، ص۱۳۴؛ الشواهد الربوبیه، ملاصدرای شیرازی، ص۱۳۹. در این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام وسائط فیض هستند، نک: حاشیه المکاسب، اصفهانی؛ دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، رحیم لطیفی، ص۶۶-۱۱۳.

تا قابلیت عالم مادی را برای دریافت فیض بالا ببرد. این واسطه بایـد دارای دو جنبـۀ خـدایی و دنیایی باشـد تا فیض را از خـدا دریافت و به خلق خـدا برسانـد. چنین شخصـی را خلیفـۀ خدا یا امام می نامند. خلیفۀ خدا در عصـر غیبت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲. برهان مظهر جامع یا انسان کامل: (۱) در عرفان اسلامی بیان شده است که اسماء و صفات الهی، مظهر می خواهند. در میان اسماء الهی، «الله» اسم جامع است؛ از این رو مظهر آن باید جامع باشد.

انسان کامل به دلیل جامعیت و دربرداشـتن عوالم عقل، مثال، طبیعت و... می توانـد تجلّی اسم «الله» باشد و همان طور که اسـم الله واسـطۀ فیض الهی به دیگر اسـماء است، انسـان کامـل نیز ــ که مظهر آن اسم است ــ مقـام خلافت، امامت و واسـطۀ فیض الهی است.

۳. برهان عـدم تبعیض در فیض: در هر زمان بایـد بین عالم ربوبی و انسان ارتباط باشـد. در زمان های گذشـته، انبیاء و اوصـیاء واسـطۀ فیض و ارتباط بشر با خدا بودند. این ارتباط در زمان انبیاء با وحی و نبوت صورت می گرفت. حال سؤال این است که با وجود سعۀ فیض الهی، چرا این امت از چنین فیض عظمایی محروم باشد؟ امروزه این ارتباط با مقام امامت و توسط امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برقرار است.

هانری کربن، (اسلام شناس فرانسوی) می گوید: به عقیدۀ من مذهب تشیع

تنها مذهبی است که رابطۀ هدایت الهی بین عالم انسانیت و خداوند را

به طور مدام حفظ کرده و ولایت را به صورت زنده تا روز قیامت ثابت و مستمر نگه داشته است.

۱- از این برهان، گاه به برهان تجلی اعظم نیز یاد می شود. فارابی با بیانی نزدیک به برهان بالا از آن به «لزوم عقل بالفعل» نام می برد، (آراء اهل المدینه الفاضله، ص۸۹).

آیا می توانید برهانی جامعه شناختی بر وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بنویسید؟

انسان فطرتاً گرایش به زندگی اجتماعی دارد. برای سامان دادن به زندگی اجتماعی، نیاز به قانون و اجرای کامل آن است؛ اما به دلیل این که انسان در آگاهی های خود نقص دارد و فطرتاً منفعت طلب است، نمی توانـد خود برای خویش قانون گـذاری کند.

تنها خداست که نیازهای واقعی انسان را می داند و قانون زندگی بشر را از طریق وحی و فرستادن حجت الهی در اختیار آن ها می گـذارد. حجت الهی که در زمـان مـا قـانون الهی را در اختیار دارد و توانایی اجرای آن را در سـطح زنـدگی بشـر امروزی دارد، حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف می باشـد. اوست که می توانـد زنـدگی بشـر را به بهترین وجه ممکن سامان بخشد و عدالت اجتماعی را در سراسر زمین حاکم گرداند.

چه برهان ریاضی بر وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان ذکر کرد؟

برهان حساب احتمالات: قضـیهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، حقیقتی است که قرن های متمادی در امت اسـلامی منتشـر بـود و به صورت متواتر (۱) به مـا رسـیده است؛ نواب اربعه در طول هفتـاد سـال و پس از آن علمـاء به مردم تـذکر می دادنـد. آیـا انسـان می توانـد بـاور کنـد که دروغی بتوانـد قرن هـا دوام بیاورد. از جهت علمی و به حساب احتمالات، محال یا نزدیک به محال است که دروغی بتواند با این درجهٔ اطمینانی که برای امت اسلامی دارد، دوام بیاورد. (۲)

دلیل نقلی بر اثبات وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

با استفاده از آیات و روایات می توان وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ثابت کرد:

۱- تواتر یکی از راه های دست یابی به علم یقینی و قطعی است. تعریف تواتر در منطق عبارت است از: «انفاق تعـداد زیادی از مردم بر مطلبی به گونه ای که در آن احتمال خطا و دروغ داده نشود». (نک: المنطق، محمدرضا مظفر، ص۳۳۳)

۲- بحث حول المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدباقر صدر.

الف) قرآن کریم

بدون شک، از نظر جامعهٔ اسلامی کلیهٔ مفاهیم و اعتقادات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و اساس عقیده به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب خدا وجود دارد و این کتاب بزرگ آسمانی فرا رسیدن آن روز مبارک و فرخنده را به تمام پیروان بشارت داده است.

آیات متعددی در شأن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هست که امامان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، تفسیر، تأویل و تطبیق این آیات را بر وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی آن عدالت گستر بیان نموده اند. برای نمونه به پاره ای از این آیات در ذیل اشاره می شود:

۱. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛

ما در زبور داوود پس از تورات نوشته ایم که سرانجام بندگان شایسته ما وارث زمین می شوند.

امام باقر علیه السلام در مورد «عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ فرموده اند: قائم و اصحاب وی می باشند. (۱)

۲. «وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (۲)

خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعاً در زمین خلیفه خواهد کرد؛ همان طور که کسانی

۱- منتخب الاثر، ص۱۵۹.

۲- سورهٔ نور، آیهٔ ۵۵.

را که پیش از آنان بودند به خلافت گمارد و قطعاً دینشان را برای آن ها مستقر خواهد نمود؛ دینی که برای آن ها پذیرفت و قطعاً آنان را پس از خوفشان به حالات امنیت دگرگون می کند، تا مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من ننماید و هرکه بعد از آن کفر ورزد، پس قطعاً آنان فاسق اند.

امام صادق علیه السلام فرموده است که این آیه دربارۀ حضرت قائم و اصحاب وی به شمار می رود. (۱)

۳. «وَ نُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ»؛ (۲)

ما می خواهیم تا به مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و میراث بران زمین سازیم.

امام باقر و امام هادی علیهما السلام فرموده اند: این آیه مخصوص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در آخرالزمان ظهور می کند... و زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همچنان که پر از ظلم و ستم شده است. (۳)

ب) روایات

وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق روایات نیز به اثبات رسیده است که ذکر همۀ آن ها، ممکن و لازم نیست. لذا به چند روایت اشاره می کنیم:

۱. احادیثی که شیعه و سنی به آن معتقدند:

یکم. حدیث ثقلین:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

همانا من دو شیء گران بها را در میان شما می گذارم؛ کتاب خدا، ریسمان

۱- منتخب الاثر، ص۱۶۱.

۲- سورۀ قصص، آیۀ۵.

۳- المحجه، ص۱۶۸.

کشیده شده از آسمان تا زمین، و اهل بیتم، و همانا این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (۱)

طبق این حدیث، همیشه همتای کتاب الهی (اهل بیت) در روی زمین وجود دارد که همان امام زمان هر عصر است.

دوم. حدیث وجوب اعتقاد به امام:

براساس روایات شیعه و سنی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هر کس بمیرد در حالی که معتقد به امام زمانش نباشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. (۲)

این تعبیر روایت یادشده «امام زمانش بمیرد»، نشان از آن دارد که هر مسلمانی در زمان خودش امام زمانی دارد که مرگ بدون معرفت او، مساوی با مرگ جاهلیت است. پس در هر عصری امامی وجود دارد.

۲. احادیثی که شیعه به آن معتقد است:

یکم. احادیث لزوم وجود امام در روی زمین:

امام باقر علیه السلام فرمودند:

اگر زمین بدون امام بماند اهل خود را به کام خویش می کشد. (۳)

از این حدیث معلوم می شود که همیشه امامی در روی زمین وجود دارد.

دوم. احادیثی که معرفت و پیروی از امام علیه السلام را لازم می دانند.

با این که در قرآن هیچ نامی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برده نشده است، چطور به او معتقد باشیم؟

۱. ذکر تمامی آموزه های دینی در قرآن لزومی ندارد. درست است که خداوند

۱- سنن ترمذی، ج۵، ص۳۲۹؛ کافی، ج۱، ص۲۹۴.

۲- کافی، ج۱، ص ۳۷۱؛ مسند احمد، ج۴، ص۹۶.

۳- کافی، ج۱، ص۱۷۹، ح۱۰.

متعال در قرآن فرموده: «ما چیزی را در کتاب فروگـذار نکردیم» (۱) «هیچ تر و خشـکی نیست مگر در قرآن وجود دارد»، (۲) اما در آیهٔ دیگر تصریح می کند که قرآن باید همراه بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد (۳) و این تبیین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که روشن گر است.

بنـابراین نـام بردن از امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در کلام پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم کافی بوده و لزومی نداشته تا نامی از آن حضرت در قرآن بیاید.

۲. در قرآن بیش تر، کلیاتی از آموزه های دینی نام برده شده است؛ مثلاً آمده نماز بخوانید، روزه بگیرید و... ، اما خصوصیات و روش به جای آوردن این مناسک دینی به عهدهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام می باشد.

از این رو اصل بحث امامت در آیات متعـددی (۴) بیان شده است، اما ویژگی ها، تعداد امامان علیهم السـلام، نام آنان و... در روایات مورد بررسی قرار گرفته است؛

پس همـان گونه که در قرآن فقـط اصـل نمـاز بیـان شـده اما ارکان، شـرایط تعـداد رکعت های نماز و... در روایات معصومان علیهم السـلام بیان شده است، همچنین در قرآن اصل امامت با برخی ویژگی های امام در قرآن آمده و جزئیات آن در روایات معصومان ذکر شده است.

۳. برخی از علمای اهل سنت و نیز علمای شیعه، بعضی از آیات قرآن را بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق کرده اند و مراد از آن آیه را امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند. همچنین روایات بسیاری در ذیل آیات قرآن آمده اند و مراد از آیه را امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- (مَا فَرَّطْنَا فِی الْکِتَابِ مِن شَیْ ءٍ((سورهٔ انعام، آیهٔ۳۸).

۲- (وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا یَابِسٍ إِلَّا فِی کِتَابٍ مُبِینٍ((سورهٔ انعام، آیهٔ۵۹)؛ بنابر آن تفسیر که مراد از «کتاب» در این دو آیه قرآن باشد.

۳- (وَ أَنزَلْنَا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَیْهِمْ((سورهٔ نحل، آیهٔ۴۴)

۴- همانند: (وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ((سورهٔ نساء، آیهٔ۵۹).

معرفی می کنند. (۱)

همچنان که گذشت، اساساً یادکرد قرآن از اشخاص و گروه ها تنها به ذکر نام نیست؛ بلکه گاهی با اوصاف و ویژگی هاست. آیات متعددی صفات امام و جوانب شخصیتی او را بیان می کنند. به عبارت دیگر قرآن به دو گونه به معرفی افراد می پردازد:

الف) نام بردن از اشخاص خاص: قرآن در صورتی از این روش استفاده می کند که چالش برانگیز نباشد؛ مثلاً موجب ایجاد انگیزه برای تحریف کتاب آسمانی نگردد؛

ب) بیان صفات و ویژگی های افراد: در بحث امامت که بحث چالش برانگیزی است و نام بردن امامان، به احتمال زیاد تحریف قرآن را به دنبال داشت، به ذکر صفات امام بسنده می کند، و با مراجعه به روایات می توان به نام و ویژگی های امامان به روشنی دست یافت.

راه شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟ بهترین راه شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است؟

همان گونه که روش های گوناگونی برای شناخت خدا وجود دارد و والاترین روش سلوک صدیقین و شناخت خدا با خودش است (شناخت مقام الوهی خدا) نه شناخت او به واسطهٔ آثارش، (۲) بهترین راه شناختن پیامبر هم شناخت او با شناخت مقام پیامبری است (نه شناختن با معجزه). بهترین راه شناخت امام هم شناختن مقام امامت است، چنان که در روایتی می خوانیم:

اعرفوا الله بالله والرسول بالرساله وأولی الامر بالمعروف والعدل والاحسان؛ (۳)

۱- نک: معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۷.
۲- بهترین روش در شناسایی اشیاء، شناسایی حقیقت آنهاست؛ مثلاً خورشید را از مشاهدهٔ خورشید بشناسیم نه از گرما و روشنایی (آثار) یا از گفتهٔ دیگران.
۳- الکافی، ج۱، ص۸۵؛ التوحید، شیخ صدوق، ص۲۸۶.

خـدا را بـا مقام الوهیت، و پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم را با مقام رسالت، و امام (اولوالامر) را با مقام ولایت که معروف، عدل و احسان از جنبه های آن است (سنت علمی و عملی) بشناس.

پس بهترین راه شناخت، شناخت قلبی و فهم شاهدانه الوهیت، نبوت و امامت است. (۱)

مرتبهٔ دیگر از شناخت امام، با بررسی دعاها و زیارت هایی که مربوط به امامان است به دست می آید؛ زیرا معارف بسیار بلند دربارهٔ مقام امامت در آن ها نهفته است. فرازهای زیارت جامعهٔ کبیره، بیان گر مقام والای امامت می باشد.

در روایـات، مخصوصـاً نهـج البلاـغه، جنبه هـای مختلف امامت به ویژه رهبری سیاسـی اجتماعی امام مورد بررسـی قرار گرفته است.

هرکس به اندازهٔ توان علمی و عملی خود می تواند به درجه ای از مقام امامت دست یابد. در این راه مراجعه به علمای ربانی و کتاب های متقن راه گشاست.

ویژگی ها و امتیازات اخلاقی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه می باشند؟

امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف وارث همـهٔ پیـامبران و اولیای الهی است. از این رو دربردارنـدهٔ مجموعـهٔ کاملی از فضایـل اخلاـقی است. در این جا ما به برخی از ویژگی های اخلاقی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف که در احادیث برجسته شده و روایات خاص دارد،

اشاره می کنیم:

۱. دانش گسترده: امام علی علیه السـلام دربارهٔ او فرمود: «هو اکثرکم علماً؛ او دانشـمندترین شـماست». (۲) «او برترین شخص در شناخت قرآن و سنت است». (۳)

۱- امام مهدی موجود موعود، عبدالله جوادی آملی، ص ۷۰.

۲- منتخب الاثر، ص۳۰۹.

۳- منتخب الاثر، ص۳۰۹.

۲. زهد و بی اعتنایی به دنیا: امام رضا علیه السلام دربارهٔ او فرمود: «لباس او خشن و غذایش خشک است». (۱)

۳. عدالت گستری: در روایات متعددی وارد شده است که: «یملأ الأرض

قسطاً وعدلاً؛ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را از عدالت پر می سازد». نیز از امام باقر علیه السلام

نقل شده است: «او در بین مردم به عدالت رفتار می کند؛ چه نیکوکار باشند

و چه بدکار». (۲)

۴. بخشش: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «شخصی از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیزی می خواهد و حضرت به اندازه ای که توان حمل آن را داشته باشد در دامنش می ریزد». (۳)

۵. عمل به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «او به سنت من عمل می کند». (۴)

در آخر تذکر این نکته لازم است که امامان همه از یک نورند و صفات اخلاقی مشترکی دارند؛ اما گاه به مناسب شرایط زمانی، مکانی، و... برخی از صفات امامان جلوهٔ بیش تری پیدا می کند. صفت های شمرده در بالا برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سبب تشکیل حکومت جهانی، جلوهٔ ملموس تری پیدا می کند. اوست که دانش و عدالت را بر جهان می گستراند. عقل ها را کامل و مردم را از دنیازدگی جدا و به کمالات حقیقی پیوند می دهد. در حکومت مهدوی است که جامعه رنگ خدایی می گیرد و به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام به طور کامل عمل می شود.

۱- منتخب الاثر، ص۳۰۷.

۲- منتخب الاثر، ص ۳۱۰.

۳- کنز العمال، متقی هندی، ج۶، ص۳۹.

۴- منتخب الاثر، ص ۳۱۰.

حقوق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما چیست؟

برخی از حقوق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مردم عبارت اند از:

۱. حق وجود و هستی: خـدا به یمن و برکت وجود حجت و ولی اش، مخلوقات را می آفریند و امامان واسـطهٔ آفرینش و فیض خدا هستند. در توقیعی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می خوانیم:

نحن صنائع ربّنا والخلق بعد صنائعنا؛ (۱)

ما دست پروردهٔ خداییم و خلق دست پرورده ما هستند.

در توقیع دیگری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

امامـان از خـدا درخواست می کننـد و او می آفرینـد. او به خاطر اجابت درخواست آن ها و تعظیم حق ایشان روزی می دهـد. (۲)

در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

یا علی! لولا نحن ما خلق الله آدم ولا حوّا ولا الجنه ولا النار ولا السّماء ولا الارض؛

ای علی، اگر ما نبودیم خدا نه آدم و حوا، نه بهشت و جهنم و نه آسمان و زمین را خلق نمی کرد. (۳)

در دعای ندبه می خوانیم:

أین السبب المتّصل بین الأرض والسّماء؛ (۴)

کجاست کسی که واسطهٔ اتصال فیض میان زمین و آسمان است؟

۱- الاحتجاج، طبرسی، ج۲، ص۲۷۸.
۲- الاحتجاج، طبرسی، ج۲، ص۲۸۴.
۳- کمال الدین، ج۱، ص۲۵۴، ح۴.
۴- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

از این روایات استفاده می شود که ما در آفرینش، مدیون به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم و او حق وجود بر ما دارد. ادای این حق در این است که هستی خود را فدای او و راهش کنیم و با تمام وجود برای ظهور او زمینه سازی کنیم. در دعای ندبه با گفتن «بنفسی انت»، پیمان اهدای جان و شهادت را با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می بندیم و هستی خود را به او هدیه می نماییم.

۲. حق بقاء: بقای زمین و آسمان و حیات موجودات روی آن، بستگی به وجود حجت الهی دارد. چنان که اگر حجت خدا روی زمین نباشد، زمین اهلش را در خود می گیرد و از میان می برد.

«لولا الحجه لساخت الأرض بأهلها». (۱) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که به بقای او، دنیا باقی است و به برکت او، مردم رزق و روزی می خورند و به وجود او، آسمان و زمین ثابت و پابرجا هستند.

المهدی الذی ببقائه بقیت الدنیاء بیمنه رزُق الوری وبوجوده ثبتت الأرض والسّماء. (۲)

ادای این حق به این است که روش زندگی مردم مورد رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؛ به طوری که اسباب ظهور او را فراهم سازند تا زندگی خود را در کنار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود بگذارند و از وجود او کاملاً بهره مند گردند.

حق شناسی نسبت به کسی که حق حیات دارد در این است که موجبات حضور و ظهور او در جامعهٔ جهانی فراهم آید. شیعه با دانستن چنین حقی وظیفه سنگینی دارد و نمی تواند به زندگی بی او راضی باشد. منتظر، غیبت او را غربت و

۱- مستدرک سفینه البحار، شیخ علی نمازی شاهرودی، ص۲۷۸.

۲- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

تنهـایی خود می شـمارد و تلاـش می نمایـد بـاقی عمرش را در زمان ظهور بگذارنـد، نه این که بـدون هیـچ احساس غربتی به زندگی روزمرهٔ خود ادامه دهد.

قدم اول در ادای این حق، بالا بردن معرفت نسبت به دین و امام است. خودسازی و سپس ساخت جامعهٔ منتظر، قدم های بعدی می باشند.

۳. حق نعمت: خداوند متعال به برکت وجود امام، نعمت هایش را بر جهانیان فرو می ریزد.

«بیمنه رُزق الوری؛ (۱) به برکت وجود امام است مردم روزی می خورنـد». درختان بارور، میوه ها رسیده، نهرها جاری، باران از آسمان می بارد و گیاه از زمین می روید.

امـام ولیّ نعمـت مـا می باشـد. ادای ایـن حق در این است که حقـوق مـالی خـود، ماننـد خمس و زکـات را بـپردازیم، از فقرا دستگیری کنیم و به آنان احسان نماییم، و شاکر نعمات بی منتهای الهی باشیم.

به جای پرداختن به زندگی مادی، چشم و هم چشـمی و فخرفروشـی، تمام امکانات مادی خود را در راستای تحقق بخشیدن به اهداف مهدوی خرج کنیم

و با فراهم سازی زمینه های نرم افزاری و سخت افزاری قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن را

تسریع بخشیم.

۴. حق هدایت و تعلیم: امامان، هدایت گران بشر به حقیقت اند. در زیارت روز جمعه خطاب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوییم:

السلام علیک یا نور الله الذی یهتدی به المهتدون؛ (۲)

سلام بر تو ای نور خدا که مردم به وسیلهٔ تو هدایت می یابند.

هدایت امامان به دو گونه است:

۱- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان در روز جمعه.

۱. هـدایت ظاهری: این هـدایت توسط روایات منقول از آنان که به ما رسـیده تحقق می یابد و با مراجعه به روایات می توان از هدایت آنان بهره جست؛

۲. هـدایت بـاطنی: آدمی بـا ایمان و عمل صالـح و دست یابی به مراتب بالا و ویژهٔ نفس خود می توانـد به مقامی برسـد که از هـدایت باطنی امام بهره جویـد و امام خود، او را به مقصد برساند. از این گونه هدایت گاه به «ایصال الی المطلوب» هم یاد می شود.

ادای این حق به آن است که:

۱. دین و روش زنـدگی را از امامان علیهم السـلام بگیریم و فریفتهٔ علم و فناوری مدرن نگردیم؛ چراکه علوم انسانی وابسـته به علوم طبیعی و تجربی نیستند؛

۲. علوم بشـری غیرمتقن را با معارف والای اهل بیت علیهم السلام درنیامیزیم و علوم بشری را بر معارف رسیده از امامان مقدم نسازیم؛

۳. در فهم معارف اهل بیت علیهم السلام بکوشیم و در تمام شئون زندگی خود اجرا کنیم.

در غیر این صورت دچار بلای عظیم می گردیم. امام صادق علیه السلام فرمودند:

بلیه الناس عظیمه، إن دعوناهم لم یجیبونا وإن ترکناهم لم یهتدوا بغیرنا؛ (۱)

گرفتـاری مردم بزرگ است، اگر آن هـا را دعوت به حق کنیم، اجـابت نمی کننـد و اگر آن هـا را رها کنیم به غیر ما هـدایت نمی شوند. (۲)

زیرا هدایت تنها از طریق آنان امکان پذیر است.

۵. حق رهبری: امام تنها فردی است که پس از پیامبر اعظم صـلی الله علیه و آله و سـلم حق رهبری جامعـهٔ اسـلامی و جهانی را دارد. اوست که هماننـد پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم از طرف خـدا برای رهبری مردم منصوب می گردد. آیات و روایات زیادی همانند آیهٔ اطاعت، ولایت،

۱- الامالی، شیخ صدوق، ص۷۰۷.

۲- بحارالانوار، ج۳، ص۹۹.

روایت غدیر، منزلت و... بر این امر دلالت دارند.

ادای این حق در این است که سکان داری رهبری جهانی را به دست با کفایت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بسپاریم و با هم دلی، وحدت، و اقبال عمومی و بین المللی، رو به سوی او کنیم و مکاتب غربی و شرقی و ایسم های رنگارنگ جهانی دل ما را نرباید.

جامعهٔ شیعی و منتظر باید با تحقق بخشیدن به چند امر، به ظهور و رهبری جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تسریع بخشد:

۱. وحدت و هم دلی در امر ولایت؛ چنانچه در توقیع مبارک وارد شده:

لو أنّ اشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخّر عنهم الیمن بلقائنا ولتعجّلت لهم السعاده بمشاهدتنا علی

حق المعرفه وصدقها منهم بنا، فما یحبسنا عنهم إلّا ما یتّصل بنا مما تکرهه ولا نؤثره منهم؛ (۱)

اگر پیروان ما ــ که خدا آنان را در فرمان برداری از فرامین الهی توفیق دهد ــ یک دل بر پیمانی که بر ولایت ما بستند اتفاق می کردند، دیدار [ظهور] ما به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما با معرفت کامل و راستی زودتر از این نصیب آنان می گشت؛ پس آن چه مانع این دیدار گشته، اعمال زشتی است که ما آن ها را ناپسند می شماریم و سزاوار پیروان خود نمی دانیم.

۲. اقبال عمومی به سوی منجی و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۳. آماده سازی یاران ویژه.

۶. حق پدری: امام، پدر این امت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

أنا وعلی ابوا هذه الأمّه؛ (۲)

۱- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص۹۰۳.

۲- علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص۱۲۷.

من و علی پدران این امت هستیم.

حق پدر به فرزند، فرمان برداری، احترام ویژه و... است. ما فرزندان امامت باید حق پدری را که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما دارد بشناسیم و به آن جامهٔ عمل بپوشانیم. از او اطاعت کنیم و موجبات رضایت او را فراهم سازیم. در روایات متعددی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما تقوا، ورع، صفات نیکوی اخلاقی و ولایت پذیری را خواسته است. (۱) ما نیز باید با تحقق بخشیدن این امور در سطح فردی و اجتماعی زندگی مان، تکلیف فرزندی مقام امامت را به شایستگی انجام دهیم.

۷. حق خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور ندا می دهد:

وأسألکم بحق الله ورسوله وبحقی فإنّ لی علیکم حق القربی برسول الله؛ (۲)

از شما می خواهم به حق خدا و حق رسولش و حق خودم بر شما که حق خویشاوندی پیامبر است.

ادای این حق، دوستی امامان است؛ چنان که در آیهٔ: «قُل لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّاالْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی»، (۳) خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور می دهد به مردم بگو: من پاداشی برای رسالت جز دوستی اهل بیتم نمی خواهم.

ثمرهٔ این محبت در صورتی که همراه با عمل گردد، دست یابی به حق و راه مستقیم و در نهایت سعادت است.

آری شناخت حقوق امام موجب محبت و سپس عمل در راستای خواستهٔ خدا و اهل بیت علیهم السلام می شود.

۱- نک: شرح دعای ندبه، علوی طالقانی؛ ملکوت زمان در ارتباط با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی قاسمی منفرد، ص ۵۵ - ۶۶ و... .

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۱.

۳- سورهٔ شوری، آیهٔ۲۳.

ما شیعیان، دوست داران و منتظران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه داریم تا حقوق امام را به خوبی بشناسیم. ما که حداقل برای گذراندن بهتر زندگی مادی خود مراتب گوناگون علم آموزی از دبستان، راهنمایی، دبیرستان، دانشگاه را در سالیان متمادی پی گیری می کنیم، آیا شایسته نیست در امام شناسی خود نیز مقداری بیندیشیم و برای شناخت آن مقداری تلاش نماییم؟!

شباهت های مهدویت از نظر اهل سنت و شیعه چیست؟

در موضوع مهدویت میان شیعه و اهل سنت مشترکات فراوانی است؛ به برخی از مهم ترین محورهای مشترک اشاره می شود و به جهت اختصار یک آدرس از مهم ترین منابع اهل سنت و یک آدرس از بهترین منابع شیعه می آوریم:

۱. نام و نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: در روایات متعددی از شیعه و اهل سنت آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت علیهم السلام، (۱) عترت؛ (۲) هم نام و هم کنیه با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، (۳) از فرزندان امام علی علیه السلام (۴) و از نسل فاطمه علیها السلام (۵) است.

۲. شمائل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شکل ظاهری و رفتار، شباهت تمام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد؛ چهره اش نورانی و همانند ستاره ای درخشان است، (۶) پیشانی بلند (۷) و بینی کشیده دارد، بر گونهٔ راستش خالی است، (۸) و دندان هایش از هم جدا می باشد. (۹)

۱- من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۱۷۷؛ سنن ابوماجه، ح۴۰۸۵.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۱۸۶؛ کنز العمال، متقی هندی، ج۱۴، ح۳۸۶۶۲.

۳- کمال الدین، ج۱، ص۲۸۶، باب۲۵، ح۱، سنن ابوداود، ح۴۲۷۶.

۴- الغیبه، شیخ طوسی، ص۱۸۵، ح۱۴۴؛ العرف الوردی فی اخبار المهدی (چاپ شده در الرسائل العشر)، سیوطی، ص۲۱۹.

۵- کشف النغمه، اربلی، ج۳، ص۲۸۸؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج۴، ص۵۷۷.

۶- کمال الدین، ج۲، ص۴۶۹، ح۲۳؛ البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی، باب۷، ح۵۰.

۷- الغیبه، نعمانی، ص۲۱۴، ح۲؛ المصنف، صنعانی، ح۲۰۷۷۳.

۸- کمال الدین، ج۲، ص۴۴۵، ح۱۹؛ البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی، باب۱۸، ح۵۱.

۹- الغیبه، نعمانی، ص۲۱۴، ح۲؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج۳، ص۲۶۳.

۳. ظهور: مشترکات شیعه و اهل سنت در آموزهٔ ظهور عبارت اند از: حتمی بودن ظهور، (۱) ظهور امام در چهل سالگی، (۲) مکان ظهور در مکه، (۳) ظاهر شدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه پیش از ظهور، (۴) نزول فرشتگان برای یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، (۵) امدادهای الهی، (۶) یاران خاص ۳۱۳ نفر، (۷) قدرت مندی یاران، (۸) یاران امام از مناطق مختلف. (۹)

۴. زمینه های اجتماعی ظهور: ناامیدی کامل مردم، (۱۰) نداشتن پناهگاه، (۱۱) فراگیر شدن ستم، (۱۲) پیدایش هرج و مرج، فتنه ها و قتل عام شدید. (۱۳)

۵. نشانه های ظهور: فراوانی نشانه های ظهور، (۱۴) نشانه های حتمی و

غیرحتمی، (۱۵) ندای آسمانی، (۱۶) سفیانی، (۱۷) خسف بیداء، (۱۸) پرچم های سیاه از

۱- کافی، ج ۱، ص۳۹۸، ح۲؛ صحیح ترمذی، ح ۲۲۳۱.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص۳۱۵، ح ۲؛ فرائد السمطین، جوینی، ج ۲، ص۵۶۵.

۳- الفتن، نعیم بن حماد، ص ۲۴۰، ج۹۴۳؛ تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص۲۰۴.

۴- الغیبه، نعمانی، ص۲۷۹، ج۶۷؛ مسند احمد بن حنبل، ج۶، ص۳۱۶.

۵- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱، ج ۲۲؛ عقد الدر فی اخبار المنتظر، مقدسی شافعی، باب۳، ص۶۴.

۶- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱، ص۲۶۲، ح ۲۲؛ الفتن، نعیم بن حماد، ص۲۱۵، ح ۸۶۰.

۷- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۵، ح۹؛ الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص۷۳.

۸- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۰ و ۳۷۱، ح ۲ و ۵؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر، مقدسی شافعی، ص ۹۱.

۹- شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، نعمان بن محمد، ج۳، ص۳۶۶؛ سنن ابوداود، ح۴۲۸۶ و ۴۲۸۷.

۱۰- الغیبه، نعمانی، ص۱۸۶، ح۲۹؛ الکتاب المصنف، ابن ابی شیبه، ج۷، ص۱۴۱۶، ح ۵۱۱.

۱۱- کافی، ج۸، ص۲۶۳، ح۳۷۹؛ المصنف، صنعانی، ح ۲۰۷۷۰.

۱۲- کافی، ج ۱، ص۵۲۶، ح ۱؛ سنن ابوداود، ح ۴۲۸۲.

۱۳- الغیبه، نعمانی، ص۲۷۷، ح ۶۱ و ص۲۳۵؛ الکتاب المصنف، ابن ابی شیبه، ج۷، ح۳۷۶۲۸.

۱۴- رجوع شود به بحارالانوار، بحث علایم ظهور و کتاب نوادر الدهور فی علائم الظهور، نوشتهٔ سیدحسن میرجهانی، در دو جلد و نیز نعیم ابن حماد در الفتن.

۱۵- الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۱، ح ۵ و ص۲۵۳، ح ۱۱.

۱۶- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۳، ح۱۳؛ الفتن، نعیم بن حماد، ص۲۳۶، ح ۹۳۱.

۱۷- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، ح۵؛ صحیح مسلم، ج۴، ح ۲۸۸۲ - ۲۸۸۳.

۱۸- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۷، ح ۱۵؛ صحیح مسلم، ج۴، ص ۲۸۸۲.

خراسان، (۱) قتل نفس زکیه. (۲)

۶. حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: تشابه سیرهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، (۳) عدالت محوری، (۴) رفاه و آسایش، (۵) امنیت همه جانبه. (۶)

۷. بازگشت حضرت عیسی علیه السلام. (۷)

۸. حاکمیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر جهان و فراگیر شدن اسلام. (۸)و (۹)

تفاوت های مهدویت از منظر شیعه و اهل سنت؟

در برخی از مباحث مهدویت میان اهل سنت و شیعه و حتی میان دانشمندان اهل سنت اختلاف است. ما در این جا تفاوت میان دو دیدگاه مشهور شیعه و اهل سنت را بیان می کنیم. از این رو اختلاف میان این دو منظر بر اساس نظر اکثریت اهل سنت بررسی می شود. هر چند برخی از علمای اهل سنت موافق نظر شیعه باشند. در ذیل به برخی از این تفاوت ها اشاره می شود:

۱. ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: از نظر شیعه تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد اجماع بلکه از ضروریات مذهب است و علمای متعددی بر آن تأکید کرده اند. (۱۰) ولی اکثر

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۱، ح۸؛ مسند احمد بن حنبل، ج۵، ص۲۷۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۶۴، ح۲۶؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج۸، ص۶۴۹، ح۱۹۹.

۳- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۲، ح۱۷؛ مجمع الزوائد، نورالدینی هیثمی، ج۷، ص۳۱۷.

۴- کمال الدین، ج۱، ص۳۰۴، ح۱۶؛ سنن ابوداود، ح۴۲۸۲.

۵- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۷، ح۲۶؛ سنن ابن ماجه، ح۴۰۸۳.

۶- الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۱، ح۳۵؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج۸، ص ۱۷۹.

۷- الکافی، ج۸، ص ۵۰، ح ۱۰؛ سنن ابن ماجه، ح۴۰۷۸. روایات در این زمینه به حد تواتر است؛ سلسله الاحادیث الصحیحه، ناصرالدین البانی، ج۵، ص۱۷۸.

۸- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۲۰۷، ح۸۱؛ کنز العمال، متقی هندی، ج۱۴، ص۳۳۶، ح۳۸۸۵۵.

۹- با استفاده و تخلیص از کتاب بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت.

۱۰- کافی، ج۱، ص۵۱۴؛ کمال الدین، ص۱۴۳ - ۱۶۱؛ تنزیه الانبیاء، سیدمرتضی، ص ۱۸۰؛ الارشاد، شیخ مفید، ج۲، باب آخر.

اهل سنت ولادت امام را در گذشته نپذیرفته انـد و گفته اند ایشان در آخرالزمان به دنیا می آید. هرچند برخی تا ۱۳۵ نفر از علمای اهل سنت را شمرده اند که به دنیا آمدن فرزند امام عسکری علیه السلام را پذیرفته اند. (۱)

البته تعدادی از اهل سنت، هم ولادت و هم مهدی موعود بودن را پذیرفته اند؛ (۲) اما برخی دیگر فقط ولادت را پذیرفته اند، ولی این که او مهدی موعود باشد، انکار کرده اند. (۳)

۲. نام پدر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: اکثر اهل سنت نام پدر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم نام پدر پیامبر اعظم (عبدالله) می دانند؛ بر اساس روایتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی؛ (۴)

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام من است (محمد)، و نام پدرش نام پدر من است (عبدالله).

ابونعیم ۳۱ طریق برای این روایت می شمارد که در آن ها این عبارت نیست؛ (۵) اما شیعه نام پدر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را حسن می داند و روایات زیادی در حد تواتر بر این امر دلالت دارند. (۶)

۳. اسامی خلیفه های دوازده گانه: روایاتی که تعداد جانشینان را دوازده نفر دانسته اند، در حد تواتراند. (۷) علمای اهل سنت فقط روایاتی را نقل کرده اند که در

۱- در انتظار ققنوس، ص۱۸۸ – ۱۸۹.

۲- همانند محی الدین عربی، طلحه شافعی، ابن صباغ مالکی، سبط جوزی؛ نک: بررسی تطبیقی مهدویت شیعه و اهل سنت، ص۲۱۳.

۳- مانند ذهبی، هیثمی و ابن خلکان؛ بررسی تطبیقی مهدویت شیعه و اهل سنت، ص۲۱۳.

۴- سنن ابوداود، ح۴۲۷۶.

۵- نک: المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی، ص۷۳.

۶- منتخب الأثر، فصل۲، باب۲۱، ص۱۴۷، حدیث به این مضمون نقل می کند.

۷- منتخب الأثر، ج۱، باب ۱، ص۱۴۷، حدیث به این مضمون نقل می کند؛ صحیح بخاری، باب۵۲، ح۷۲۲۲؛ صحیح مسلم، باب الاماره، ح۷.

آن ها آمده: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دوازده خلیفه دارد، اما نام آن ها در آن روایات برده نشده است. نام دوازده امام و خلیفه در روایات شیعه برده شده است و به عنوان تنها خلفا و امامان بر حق معرفی شده اند. اهل سنت این بیان را نپذیرفته اند، اما

در عین حال نتوانسته اند دوازده خلیفه را هم مشخص کنند. پس تفاوت شیعه

و اهل سنت در این است که به اسامی این جانشینان در روایات شیعه تصریح شده، ولی در روایات اهل سنت فقط خلفا دوازده نفر شمرده شده اند و نام آن ها مشخص نیست.

۴. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن یا امام حسین علیهما السلام: دیدگاه اکثر اهل سنت بر این است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است و به برخی از روایات استناد می کنند؛ (۱) ولی روایاتی که می گوید: از نسل امام حسین علیه السلام است، بیش تر و قوی تر هستند. (۲) علاوه بر این که روایاتی که دلالت دارند بر این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسن علیه السلام است، قابل توجیه است؛ به این بیان که امامان از امام باقر علیه السلام به بعد، هم از نسل امام حسن علیه السلام هستند (از طرف مادر) و هم از نسل امام حسین علیه السلام (از طرف پدر).

معرفی

شخصیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را توصیف کنید.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام دوازدهم ما شیعیان از نسل امام حسین علیه السلام، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش «نرگس خاتون» است که به زبان عربی «نرجس» خوانده می شود. بنابر قول مشهور، مادر حضرت از نسل حواریون و یاران خاص

۱- سنن ابوداود، ح۴۲۸۳.

۲- نک: الفتن، نعیم بن حماد، ص۴۷۳؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر، مقدسی شافعی، ص۱۲۶ و ۱۳۱؛ کافی، ج۸، ص۵۰، ح۱۰ و... .

حضـرت عیسـی علیه السـلام است. به دلیـل فشار شدیـد حکومت در آن زمان، تولـد امام مخفیانه و با معجزه همراه بود و عـدهٔ بسـیار کمی از آن مطلع شدند. پدر بزرگوارش او را مخفی نگاه می داشت تا دشـمنان به او دسترس نداشته باشند. آن امام بعد از شـهادت پـدر بزرگوارش، از دیده ها غایب گشت و در جامعه ظاهر نگردید. او از آن زمان تا به حال در میان مردم زندگی می کنـد، اما کسـی ایشان را نمی شـناسد و تا هنگامی که فرمان قیام از سوی خداونـد به ایشان برسد، ناشـناس زندگی خواهد کرد.

آن حضـرت ماننـد امامـان دیگر، بسیار مهربـان و مردم دوسـت اسـت. بـه فکر شـیعیان و جـامعه اسـت، برای سـعادت مردم و خوشـبختی همـهٔ انسان ها دعا می کنـد. برای گناهکاران از خداوند بخشـش می طلبد. تمام وقت خود را در خدمت به مردم و دوست دارانش می گذرانـد. گرچه در غیبت است و ظـاهراً در کارهـا دخالت نمی کنـد، اما چنین نیست که در جامعه فعالیتی نداشته باشد و تا زمان ظهور برای مردم کاری نکند. بلکه به فریاد مردم می رسد و به آنان یاری می رساند. بنابراین ما نیز نباید لحظه ای از یاد آن حضرت غافل شویم.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف ماننـد پـدران بزرگوار خود، عبادت و بنـدگی خدا را بسـیار دوست دارد و به شـیعیان خود نیز توصیه می کند که در عبادت و بندگی خدا و ترک گناه و ظلم به دیگران کوشا باشند.

ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف از علم فراوان امامت برخوردار است و علم ایشان برگرفته از علم الهی است. به همین دلیل، حتی در دوران کودکی از چیزهای مخفی خبر می داد و چیزی بر او پوشیده نبود.

آن حضرت همچنین دارای عصمت است؛ یعنی از آن حضرت گناه و خطا صادر نمی شود. تمام سخنان و رفتارشان حق است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت های فراوانی به پیامبران گذشته و امامان علیهم السلام دارد.

آن چنـان که در احـادیث آمـده، یکی از شـباهت هـای ایشـان به بعضـی پیـامبران، مسـئلهٔ غیبت است؛ زیرا بعضـی از پیـامبران گذشته، مانند حضرت یوسف و حضرت موسی علیهما السلام نیز غیبت داشته اند.

از آن امـام، معجزات بسـیاری نقل شـده که گویای امامت ایشان است؛ماننـد خبر دادن از متن نامـهٔ ناگشوده، خبر از محتویات یـک بسته قبـل از بـاز کردن آن، جواب به سؤال نامه ای که سؤال کننـده فراموش کرده بود سؤال خود را بنویسـد، شـفا دادن بیماران و موارد فراوان دیگر که برای اطلاع از آن می توانید به کتاب های مربوط و ازجمله کمال الدین مراجعه نمایید.

تولد

چه دلیلی بر متولد شدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هست؟

کتاب در انتظار ققنوس (۱) به طور مفصل این مسئله را بررسی کرده است، ولی به طور خلاصه عبارت است از:

۱. تصـریح امام عسـکری علیه السلام به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ راوی می گوید: از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: آیا شما فرزندی دارید؟ امام فرمود: آری. (۲)

۲. شـهادت دادن قابله ها ازجمله حکیمه خاتون (دختر امام جواد علیه السـلام و عمهٔ امام عسـکری علیه السـلام) به ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۳. شـهادت عده ای از اصـحاب امام عسکری و امام هادی علیهما السلام که در زمان امام عسکری علیه السلام، حضرت مهدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را زیـارت کرده بودنـد. همچنین گواهی عـده ای دیگر که بعـد از شـهادت امام عسـکری علیه السلام در دورهٔ غیبت صغرا، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را

۱- نوشتهٔ سیدثامر هاشم العمیدی، ترجمه: مهدی علیزاده.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، باب ۷۶، ح ۲.

زیارت کرده اند؛

۴. گواهی وکلای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مطلعان از معجزات ایشان (شیخ صدوق اسامی افرادی که به معجزات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه بوده اند و ایشان را از نزدیک زیارت کرده اند، ذکر کرده است)؛

۵. شهادت خدمه، کنیزان و غلامان به رؤیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ (افرادی که در بیت امام عسکری علیه السلام مشغول خدمت بودند، به همراه برخی کنیزان، ازجمله کسانی بودند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات کرده اند؛ مانند طریفِ خادم از خدمت کاران منزل امام)؛

۶. شکل برخورد حکومت وقت، دلیلی بر ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ چون معتمد، بلافاصله پس از وفات امام عسکری علیه السلام، عمّال خود را به منزل آن حضرت فرستاد و دستور داد تا دقیقاً همه جا را تفتیش کنند و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دستگیر کنند؛

۷. اعتراف تبارشناسان به ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (مؤلف، نام هشت نسب شناس را می برد)؛

۸. اعتراف علمای اهل سنت به ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (مؤلف، نام هشت نفر را ذکر کرده است).

چه کسانی شاهد و معتقد به ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؟

۱. مرحوم ثقه الاسلام کلینی که خود در پایان غیبت صغرا (۳۲۹ق) رحلت کرده است، در کتاب معتبر کافی فرموده است: حکیمه خاتون، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در شب تولد و بعد از آن دیده است. (۱)

۱- کافی، ج۱، ص۳۳۱، باب فی تسمیه من رآه، ح۳.

۲. در کتاب در انتظار ققنوس با استفاده از منابع معتبر روایی، نام ۴۶ نفری که حضرت را در همان دوران دیده اند، آمده است که بعضی با گروه چهل نفری خدمت امام می رسیدند. لذا صدها نفر در همان دوران کودکی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در محضر امام عسکری علیه السلام دیده اند.

۳. علاوه بر آن، بسیاری از بزرگان اهل سنت نیز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را باور دارند. در کتاب گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور، (۱) نام بیست تن از بزرگان صاحب کتاب اهل سنت، از هر چهار فرقهٔ مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی آورده شده است که به ولادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام اعتقاد دارند؛ حتی بعضی از آن ها معتقدند که وی همان مهدی موعود است.

۴. لازم است به این نکته توجه شود که شیخ صدوق در این باره می فرماید: صقیل که یکی از کنیزان امام عسکری علیه السلام بود، عمداً ادعای حامله بودن کرد تا توجه حکومت به او جلب شود و با نگه داری او، از تفتیش مداوم منزل امام عسکری علیه السلام منصرف شوند. (۲) لذا این که در بعضی از کتاب ها آمده «کنیز امام حسن عسکری علیه السلام دو سال زیر نظر بود و خبری نشد»، دقیقاً طبق یک حرکت فریبنده بود.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در چه شهری به دنیا آمد؟

محل تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شهر سامرا (سرّ من رأی) از شهرهای عراق، و محل دفن و حرم دو امام بزرگوار شیعه، یعنی امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام است. همچنین قبر مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عمهٔ بزرگوار او حکیمه خاتون (دختر امام جواد علیه السلام) نیز در همان حرم است.

۱- نوشتهٔ علی اکبر مهدی پور.

۲- کمال الدین، ص۴۷۴.

آیه ای که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از تولد تلاوت کرده اند، چیست و در کدام سوره است؟

حکیمه گوید: امام فرمود: فرزندم را نزد من آور! من سرورم را آوردم... امام فرمود: فرزندم! سخن بگوی! نوزاد پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پدران بزرگوارشان، آیات پنج و شش سورهٔ قصص را تلاوت فرمود: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»،«وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ». (۱)

حکیمه خاتون کیست؟

حکیمه خاتون، از بانوان خاندان امامت و رسالت و زنی با کفایت و مؤمنه بود. وی دختر امام جواد علیه السلام و خواهر امام هادی علیه السلام و عمهٔ امام حسن عسکری علیه السلام است. (۲) لذا ممکن است از این جهت که عمهٔ پدر امام زمان است، آن حضرت نیز او را عمه خطاب کنند.

طول عمر

سن دقیق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چقدر است؟

روشن است که سن، با گذشت یک سال (حرکت زمین به دور خورشید) افزایش می یابد. با این حساب هر سال، سن امام نیز یک سال زیاد می شود و چون امام، متولد ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری هستند، در روز ۱۵ شعبان سال جاری (۱۴۳۳) سن شریف ایشان به ۱۱۷۸ سال کامل می رسد. البته حضرت با گذشت زمان، پیر و ضعیف نمی شود و همیشه از لحاظ بدنی در سن بین سی تا چهل سال دیده می شود؛ (۳) یعنی جوانی قدرت مند و قوی است و تا زمان ظهور

۱- سورهٔ قصص، آیات ۵ و۶؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص۲۳۶، ح۲۰۴.

۲- موعودنامه، مجتبی تونه ای، ص۲۸۵.

۳- الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۲۰؛ بصائر الدرجات، ص۱۸۸.

هم چنین خواهد بود. به طور خلاصه، امام از نظر سنّی پیر، اما از لحاظ ظاهری، جوان است.

آیا فردی هم داریم که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بزرگ تر باشد؟

اگر مراد بزرگی سنّ باشد، حضرت خضر علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام قبل از امام زمان بوده و تا کنون زنده اند؛ ولی اگر مراد مقام معنوی باشد (چنان که از ظاهر سؤال استفاده می شود)، مقام و منزلت معنوی پیامبران و اولیای الهی متفاوت است، و در این میان شأن و موقعیت پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در رتبهٔ نخست قرار دارد. هیچ پیامبر و یا فرشته ای وجود ندارد که به حد مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برسد. به همین جهت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشرف مخلوقات خداوند می باشد.

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم _ طبق بیانات خود آن حضرت _ شخصیت دوم عالم خلقت، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که هیچ پیامبر و فرشته ای (غیر از پیامبر اسلام) به عظمت و بزرگی مقام آن حضرت نمی رسد؛ و همین طور حضرت صدیقهٔ طاهره، فاطمهٔ زهرا علیها السلام در رتبهٔ بعدی قرار دارد و طبق روایات، خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن حضرت را به عنوان الگو و اسوهٔ خود معرفی نموده است. (۱) بعد از او، امام مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام می باشند؛ اما نسبت به درجات معنوی بقیهٔ ائمه علیهم السلام (نه نفر دیگر) که آیا همه با هم برابرند، یا امام قبلی از امام بعدی برتر است، یا این که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف از هشت تن دیگر افضل و برتر است، (۲) محل بحث و گفت وگو است.

در میان سایر ائمه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش از همه مورد توجه روایات قرار

۱- احتجاج، طبرسی، ج۲، ص۴۶۷؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۸۰.

۲- مختصر بصائر الدرجات، حسین بن سلیمان حلی، ص۱۵۹.

دارد. شاید به دلیل این است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقطهٔ اوج درخشش سلسلهٔ امامت است.

نکتهٔ آخر این که طبق روایات، همهٔ ائمهٔ معصومین علیهم السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از یک نوراند و همهٔ آنان اشرف مخلوقات عالم می باشند و هرکدام در شرایط خاصی زندگی می کرده اند، و لذا تلقی ما بیش تر متأثر از شرایط زمانی خاص آنان می باشد، والا مقام و عظمت آنان برای کسی قابل درک نمی باشد.

بنابراین می توان گفت که مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام بزرگ تر و مقدم بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، ولی از این نظر که آنان نور واحدند، باید گفت که همگی دارای یک حقیقت می باشند.

چگونه شخصی مثل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند عمر طولانی داشته باشد؟

عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری، امری ناممکن نیست و دانشمندان با مطالعهٔ اجزای بدن، معتقدند که انسان می تواند سال های بسیار طولانی ای عمر کند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود. (۱)

مهم تر این که عمر طولانی، بارها در گذشته تجربه شده است و بهترین دلیل بر امکان یک پدیده، وقوع آن است. هم در کتاب های آسمانی و هم در کتاب های تاریخی، افراد زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده اند که عمرشان بسیار طولانی بوده است؛ مانند حضرت نوح علیه السلام که قرآن دربارهٔ او فرمود: «به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس ۹۵۰ سال در میان آن ها درنگ کرد»؛ (۲) یعنی پیامبری حضرت نوح علیه السلام تا پیش از توفان این مدت بوده است. در روایات ما برای حضرت نوح علیه السلام عمری بیش از دوهزار سال ذکر شده است و در تورات و انجیل

۱- نک: زنده روزگاران، فریدونی.

۲- سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۱۴.

نیز، از درازعمران یاد شده؛ مثل حضرت آدم علیه السلام که بیش از نهصد سال عمر کرد.

گذشته از عقل و علم و تجربهٔ تاریخی، امکان عمر طولانی در مقیاس قدرت بی نهایت خداوند نیز، اثبات شدنی است. قرآن دربارهٔ حضرت یونس علیه السلام فرموده: «اگر او در شکم ماهی تسبیح نمی گفت، تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند». (۱) امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می فرماید: «خداوند عمر او (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در دوران غیبتش طولانی می گرداند، سپس به قدرت خدایی اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می سازد تا مردمان دریابند که خداوند بر هر کاری تواناست». (۲)

چنین طول عمری نسبت به قدرت خداوند کاری بسیار آسان و شدنی است و خداوند می تواند با قدرت بی پایان خود هرکس را بخواهد زنده نگه دارد. چنان که حضرت خضر علیه السلام را که قبل از حضرت موسی علیه السلام متولد شده هنوز هم زنده نگه داشته است.

علاوه بر آن، علم و اصول زیست شناسی نیز امکان چنین چیزی را نفی نمی کند. عمر انسان حدود معیّنی ندارد که تجاوز از آن حد، غیرممکن باشد. هیچ یک از دانشمندان تا به حال نگفته اند که فلان مقدار سال، نهایت درجه ای است که انسان ها می توانند به آن نائل گردند و هنگامی که بدان پایه رسیدند، مرگشان حتمی است. پس مرگ نیز، مانند سایر بیماری ها معلول علل و عوامل طبیعی است که اگر شناخته شوند و از تأثیر آن ها جلوگیری شود، می توان مرگ را به تأخیر انداخت و فرد را تا مدت زیادی زنده نگه داشت. بنابراین عمر طولانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نباید ناممکن و غیرمعقول دانست، بلکه علم و دانش، عمر بسیار را با حفظ نیروی جوانی و شادابی، امری کاملاً ممکن می داند.

۱- سورهٔ صافات، آیهٔ ۱۴۴.

۲- بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۰۹.

چگونه حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با عمر طولانی، در چهل سالگی ظهور می کند؟

گفتنی است که منظور از چهل سالگی، مقدار سال های حیات ایشان از آغاز میلاد تا زمان ظهور نیست، بلکه منظور این است که در زمان ظهور، چهره و جمال ایشان چنین است. بنابراین منظور، جوان بودن حضرت است، نه سن مشخص، چون قطعاً سن حضرت بیش از این است. همچنان که علامه مجلسی می فرماید: «در صورت و قیافهٔ ظاهری چنین است، یعنی صاحب این امر، همیشه در چهل سالگی دیده می شود و پیری در او اثر نمی کند و قیافه اش را تغییر نمی دهد». (۱)

مشخصات ظاهری

مشخصات ظاهری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کنید.

برحسب روایات و برخی ملاقات های معتبر می توان گفت:

۱. حضرت، شبیه ترین مردم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؛

۲. زیبا و خوش چهره است؛

۳. سیمایی جوان، بین سی تا چهل سال دارد؛

۴. قامتی متوسط و باریک و قوی دارد؛

۵. رنگ چهره، سفید مایل به سرخ (گندم گون) است که کمی مایل به

زردی است؛

۶. موی سر، بلند و کمی مجعد و چین و شکن دارد؛

۷. گونه های حضرت، کم گوشت است و بر گونهٔ راست ایشان خالی سیاه وجود دارد و بر پیشانی وی اثر سجده نمایان است؛

۸. پیشانی بلند و درخشان دارد؛

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۸۷.

۹. ابروانی کشیده، بلند و کمانی دارد که نزدیک به هم هستند؛

۱۰. دارای چشمان درشت و براق به رنگ سیاه است که کمی فرورفته اند؛

۱۱. بینی ایشان، کشیده و باریک است؛

۱۱. دندان های پیشین، براق و از هم فاصله دارند؛

۱۲. شانه های قوی و بزرگ دارند؛

۱۳. سینه شان فراخ است؛

۱۴. ساق هایی باریک دارند؛

۱۶. دستانشان ستبر است و بر کف دست راستشان خالی وجود دارد. (۱)

چرا با وجود تصویر هایی از امامان، سیمایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ندارد، با آن که افرادی در غیبت صغرا با ایشان ارتباط مستقیم داشته اند؟

تصویر هایی که از امامان دیگر علیهم السلام وجود دارد، واقعی نیست و هیچ عکس و تصویری واقعی در این باره وجود ندارد.

با وجود طولانی شدن غیبت، آیا سن و چهرهٔ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تاکنون تغییر کرده و آثار کهولت در سیمای حضرت مشخص است یا خیر؟

گرچه به دلیل طولانی بودن زمان حیات آن بزرگوار و بر اثر جریان طبیعی، باید سیمای حضرت مثل افراد کهنسال باشد، اما از روایات، استفاده می شود که حضرت در زمان ظهور، مثل فردی ظاهر می شود که چهل سال دارد. بنابراین آثار کهن سالی در سیمای ایشان دیده نخواهد شد و حضرت، سیمایی جوان و بانشاط خواهد داشت و این از نشانه های ایشان است.

امام رضا علیه السلام فرمود:

۱- نک: «جمال یار»، جواد جعفری، مجله تخصصی انتظار، ش۵، پاییز ۱۳۸۱.

از نشانه های مهدی، سیمای جوان او در سن کهولت است که هرکس او را ببیند، چهل ساله یا کم تر تصورش می کند. نیز از نشانه های او این است که گذشت زمان در او اثر نمی کند و تا فرا رسیدن مرگش، آثار پیری در او ظاهر نمی شود. (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شبیه کدام امام یا پیامبران الهی می باشند؟

دربارهٔ شباهت های امام با پیامبران الهی، روایت های فراوانی داریم که به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

امام سجاد علیه السلام فرموده است:

در قائم ما چند سنت از پیامبران است. آن سنتی که از آدم و نوح علیهما السلام

دارد، طول عمر است و از ابراهیم علیه السلام پنهان بودن ولادتش و دوری گزیدن وی از مردم، و از موسی علیه السلام غیبت از مردم، و از عیسی علیه السلام اختلافی که مردم دربارهٔ او دارند، و از ایوب علیه السلام گشایش بعد از گرفتاری، و از محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام با شمشیر. (۲)

از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده است:

قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج شباهت با پیغمبران دارد: شباهتی که به یوسف علیه السلام دارد، غیبت و پنهانی او از خواص و عموم مردم و برادرانش است، و شباهتی که با موسی علیه السلام دارد، غیبت طولانی و مخفی بودن ماجرای ولادتش است، و شباهت وی به عیسی علیه السلام، اختلافی است که مردم دربارهٔ او دارند؛ زیرا جماعتی گفتند او متولد نشده و عده ای گفتند او مرده و گروهی گفتند او را کشته اند، و شباهتی که به جدش محمد صلی الله علیه و آله و سلم دارد، قیام با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول و ستمگران است و وی به وسیلهٔ شمشیر و وحشتی که

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۸۵ و ۳۲۲.

۲- کمال الدین، ص۳۲۲.

در دل ها پدید می آید، یاری می شود. (۱)

البته در روایات بسیاری آمده که حضرت از نظر چهره و اخلاق، شبیه ترین مردم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است.

از امام عسکری علیه السلام چنین روایت شده است:

او از جهت خَلق و خُلق شبیه ترین مردم به رسول خداست. (۲)

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سایه دارند؟

در روایتی که شیخ صدوق (۳) نقل کرده است، امام رضا علیه السلام در معرفی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیان نشانه های ایشان می فرماید:

هوالذی تَطوِی لَهُ الاَرضُ ولا یکوُنُ لَهُ ظِلٌّ؛

قائم ما آن کسی است که زمین زیر پای او جمع می شود (طی الارض) و سایه ندارد.

همچنین در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام _ که نشانه های کلی امامت را بیان می دارد _ آمده است:

للامام علامات: یکون اعلم الناس.... ولا یکون له ظل؛ (۴)

برای امام نشانه هایی است، ازجمله این که امام داناترین مردم است ... و

سایه ندارد.

طبق این دو روایت، می توان گفت: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سایر ائمه، هیچ یک سایه نداشته اند و این علامت برای شناختن امام از غیر امام است.

۱- بحارالانوار، ج۵۱، ص۲۱۷.
۲- کمال الدین، ج۲، ص۱۱۸.
۳- کمال الدین، ج۲، ص۳۷۲.
۴- بحارالانوار، ج۲۵، ص۱۱۶.

باید توجه داشت در کتاب های تاریخی ای که شرح حال ائمه علیهم السلام نوشته شده، چنین نشانی بیان نگردیده است. اگر چنین چیزی وجود می داشت، حتماً در کتاب های دیگر، حتی در کتاب های اهل سنت هم نقل می گردید. بنابراین ممکن است ظاهر روایت، منظور و مراد امام نباشد و نبود سایه، کنایه از چیز دیگری باشد؛ مثلاً ـ کنایه از این که وجود امام، خیر محض و همه نور است و با نور او عالم روشن می شود. در این صورت پیداست که وجود نورانی او هیچ تاریکی و سایه ای ندارد. پس در معنای روایت باید دقت کرد و نمی توان به ظاهر آن بسنده نمود. نکتهٔ قابل توجه در فهم این گونه احادیث، توجه به زبان آن است که معمولاً با کنایه سخن گفته اند و معنای حقیقی آن ارائه نشده است.

البته این مسئله و مسائل مشابه آن ـ که دانستن و ندانستن آن تأثیری در سعادت و شقاوت ما ندارد ـ اهمیت چندانی ندارد. بهتر است مسائل مهمی مثل وظایف منتظران در زمان غیبت، چگونگی فراهم شدن زمینهٔ ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و... را جست وجو کنیم.

دوران امامت

امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از چه زمانی آغاز شده است؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۲۶۰ هجری قمری با شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام به امامت رسید. در آن زمان حضرت حدود پنج سال داشت.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در چند سالگی وارد غیبت صغرا و غیبت کبرا شدند؟

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری، دوران امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز شد و از همین زمان، غیبت کوتاه مدت آن حضرت (غیبت صغرا) شروع شد، یعنی حدود پنج سالگی وارد غیبت صغرا شدند و تا سال ۳۲۹

هجری قمری نزدیک به هفتاد سال ادامه یافت.

غیبت کبرا از سال ۳۲۹ هجری آغاز شد. لذا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدود ۷۴ سالگی وارد غیبت کبرا شده اند. غیبت کبرا تاکنون ادامه دارد.

پدر و مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در چه سالی متولد شده اند؟

پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام حسن عسکری علیه السلام، در روز هشتم یا چهارم یا دهم ربیع الثانی سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ هجری در مدینه متولد شده اند.

اما سال تولد مادر بزرگوار آن حضرت مشخص نیست و چیزی در این باره ثبت نشده یا حداقل به دست ما نرسیده است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پدر و مادر خود را در چند سالگی از دست دادند؟

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام را در پنج سالگی از دست دادند. (۱) نرجس خاتون نیز در سال ۲۶۱ هجری (۲) و طبق نظر شیخ صدوق مادر آن حضرت قبل از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری درگذشته است. (۳) پس آن حضرت بیش از پنج سال نداشته که مادرشان را نیز از دست داده اند.

محل زندگی

آیا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم زندگی می کند و ما از شناخت او عاجزیم، یا این که در عالم دیگر است و ما او را نمی بینیم؟

می توان در کیفیت زندگی و غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سه فرض را تصور کرد:

۱- حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، محمدمهدی اشتهاردی، ص۱۵ (به نقل از: اثبات الهداه، ج۷، ص۱۳۷).

۲- موعودنامه، مجتبی تونه ای، ص ۷۳۰.

۳- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین، ص۱۱۵.

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه بر روی زمین، بلکه در عالمی غیر از عالم مادی حضور دارند؛

۲. امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف روی کرهٔ زمین و در میان مردم زنـدگی می کنـد، ولی به خواست الهی چشم ها توانایی دیدن آن حضرت را ندارند (غیبت شخص)؛

۳. امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در میان مردم زنـدگی می کند و مردم هم ایشان را می بینند، اما کسـی از هویت ایشان مطلع نیست. یعنی شخصیت ایشان بر مردم مخفی است، نه شخص ایشان (غیبت شخصیت).

آن چه از روایات پیشوایان دینی به دست می آید، فرضیهٔ سوم است؛ یعنی حضـرت در زمین و ناشـناس در میان مردم زندگی می کند و مردم هم ایشان را می بینند، اما نمی شناسند. برخی از این روایات عبارت اند از:

الف) امـام صـادق علیه السـلام در تبیین کیفیت غیبت امـام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف، آن حضـرت را به حضـرت یوسف علیه السلام تشبیه کرده و فرموده اند:

چرا مردم منکرنـد که خداونـد بـا حجت خود چنان کنـد که با یوسف کرد؟ او (حجت خـدا) در بازارهایشان راه می رود و بر فرش های آنان گام می نهد ولی مردم او را نمی شناسند؛ تا هنگامی که خداوند به او اجازه دهد که خود را معرفی کند. (۱)

ب) آن حضرت در روایت دیگری فرموده اند:

شباهت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف با حضـرت یوسف، در پسِ پرده بودن اوست؛ یعنی خداوند کاری کرده که مردم او را می بینند ولی نمی شناسند. (۲)

این دو حدیث به وضوح بر زندگی عادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم (البته

۱- کمال الدین، ج۲، ص ۱۰.

۲- کمال الدین، ج۲، ص ۱۲۰.

به طور ناشناخته) دلالت دارد.

ج) از محمـد بن عثمـان (نایب دوم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) که از احوال حضـرت کاملاً آگاه بوده چنین نقل شده است:

به خـدا قسم، صاحب این امر (امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف) هرساله در موسم حج حاضـر می شود و مردم را می بیند و می شناسد. آنان نیز او را می بینند، اما نمی شناسند. (۱)

هر جمعه در دعای ندبه می خوانیم:

بنفسی انت من مغیب لم یخل منا، بنفسی انت من نازح ما نزح عنا؛

جان فدایت! تو آن غایبی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت! تو آن دور شده از وطنی که از ما دور نیستی.

بنابراین، طبق این روایات، فرضـیهٔ اول (زنـدگی کردن امام عجل الله تعالی فرجه الشـریف در عالمی دیگر) و فرضـیهٔ دوم باطل می گردند.

در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آمده است:

مردم دنبال او می گردنـد، ولی او را نمی یابنـد. اما به خـدا قسم حجت خدا روی زمین است؛ در راه ها پیاده می رود، در خانه ها داخل می شود، در شـرق و غرب حرکت می کند، سـخنان را می شـنود و بر جماعت سلام می کند، می بیند ولی دیده نمی شود. (۲)

خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم به ابن مهزیار فرمودند:

پدرم با من عهد کرد نزدیک مردمی که خداوند به آن ها غضب کرده نباشم، و به من دسـتور داد در کوه های سخت و صعب العبور و سرزمین های بی آب و

۱- کمال الدین، ج۲، ص ۴۴۰.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۱۴۴.

علف زندگی کنم. (۱)

از این روایات استفاده می شود که حضرت حضوری همیشگی در جامعه داشته و با مردم دیدار و صحبت می کند؛ به منزل بعضی می رود، ولی مردم او را نمی شناسند، و این کارها را به طور ناشناس انجام می دهد؛ اما محل زندگی و سکونت ایشان داخل شهرها نیست، بلکه در بیابان ها و کوه ها و محل های دور از مردم است.

همچنین حضرت دائماً در حال تغییر مکان خود هستند و جای ثابتی برای سکونت ندارند. (۲)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کجاست؟

در زمان غیبت کبرا، مکان مشخصی برای سکونت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر نشده است. البته بعضی از مکان ها و مقام ها به نام مبارک ایشان مزین است، مانند مدینهٔ منوره و مکهٔ معظمه؛ چون حضرت هرساله در مراسم حج حضور دارند. در مکان های خاص دیگری مانند مسجد مقدس جمکران، مسجد سهله، مسجد کوفه، مقام حضرت صاحب الامر در وادی السلام نجف، حرم ائمهٔ معصومین و... نیز به طور پراکنده حضور دارند. البته باید توجه داشت که مکان های منتسب به حضرت، به معنای اقامت ایشان در آن جا نیست.

آیا صحت دارد که محل استقرار حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در کوه رضوا است؟ این کوه کجاست؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبرا مکان خاصی ندارد. نه در کوه رضوا ساکن است و نه در جای دیگر. البته ممکن است به آن کوه، مثل بعضی جاهای دیگر

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲.
۲- الاحتجاج، طبرسی، ج۲، ص۳۲۴.

رفت و آمد کند.

کوه رضوا از کوه های مدینه است که در نزدیکی شهر «ینبع» قرار دارد و فاصله بین آن کوه تا مدینه، چهل میل است.

آیا داستان جزیرهٔ خضرا واقعیت دارد یا خیر؟

اصل این قضیه به دو حکایت باز می گردد که در بحارالانوار، ج۵۳، ص۲۱۳ و ج۵۲، ص۱۵۹ آمده است:

الف) حکایت اول از کمال الدین، احمد بن محمد یحیی انباری است که در سال ۵۴۳ هجری (حدود نهصد سال پیش) نقل شده است. (۱)

ب) حکایت دوم را علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۹ هجری (حدود هفتصد سال پیش) نقل کرده است.

نکات مشترک این دو حکایت:

محل سکونت فرزندان آن حضرت در جزیره ای در میان دریاست؛

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اکنون همسر و فرزند دارد؛

آن جزیره، بسیار خوش آب و هوا و سرسبز بوده و در نقاط دیگر دنیا نظیر ندارد؛

نظم اجتماعی، رفاه و کیفیت سلوک مردم در آن جزیره بسیار عالی است؛

ناقلان هردو داستان (انباری و فاضل مازندرانی) ناشناخته هستند.

نظریات دربارهٔ این دو حکایت

گروهی بر این عقیده اند که داستان واقعی است.

برخی از کسانی که اصل داستان را پذیرفته اند، آن را با مثلث برمودا تطبیق داده اند. (۲)

۱- این حکایت را ناشر بحارالانوار از محدث نوری در جنه المأوی نقل و به بحارالانوار اضافه کرده است.

۲- نک: جزیرهٔ خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ناجی نجار، ترجمه: علی اکبر مهدی پور؛ جزیرهٔ خضراء، سیدجعفر رفیعی.

پژوهشگران سترگی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء، آقابزرگ تهرانی، علامه شوشتری، علامه سیدجعفر مرتضی عاملی، محمد باقر بهبودی و... بر این عقیده اند که داستان جزیرهٔ خضراء واقعیت ندارد؛ لذا بر هردو حکایت، اشکالات متعدد سندی، تاریخی و محتوایی وارد نموده اند.

اینک جداگانه به ذکر برخی از مشکلات که به هریک از این دو حکایت وارد شده می پردازیم:

الف) حکایت علی بن فاضل مازندرانی

اشکالات سندی: مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار تصریح کرده که

این حکایت را در کتاب های معتبر نیافته و به همین علت آن را در بابی جداگانه نقل می کند. (۱)

هیچ یک از علما و بزرگان معاصرِ علی بن فاضل مازندرانی، همچون علامه حلی و ابن داوود (۲) اسمی از او و داستانش نبرده اند. از این رو این قضیه از چند حال خارج نیست: یا معاصران وی داستان او را دروغ و باطل تلقی کرده اند، یا اصلاً چنین داستانی را نشنیده اند و یا این که این داستان بعد از آن ها بوده است.

در میان منابع موجود، کهن ترین مأخذی که برای این داستان به چشم می خورد، کتاب مجالس المؤمنین، نوشتهٔ قاضی نورالله شوشتری است که در سال ۱۰۱۹ هجری قمری به شهادت رسیده است؛ در حالی که داستان جزیرهٔ خضراء مربوط به سال ۶۹۹ هجری است (۳) (یعنی این کتاب، حدود ۳۰۰ سال بعد نوشته

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۶۹.

۲- وی نویسندهٔ کتاب رجالی، معروف به رجال ابن داوود است، که در سال ۷۰۷ هجری از تألیف کتاب رجالی خود فارغ شده است (به نقل از: جزیرهٔ خضراء، افسانه یا واقعیت، ترجمه: ابوالفضل طریقه دار).

۳- جزیرهٔ خضراء، افسانه یا واقعیت، جعفر مرتضی عاملی، ص۱۹۰.

شده است).

بر ایـن حکـایت از نظر سـندی اشـکالات دیگری نیز وارد است که علاـقه منـدان می تواننـد به منـابعی که در پایـان معرفی می گردد، مراجعه کنند.

اشـکالات محتوایی: در داسـتان علی بن فاضل به مطالبی اشاره شده که با بسـیاری از مسـلّمات دینی سازگاری ندارد و روایات بسیاری برخلاف آن مطالب آمده است، که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. در متن روایات آمـده که فاضل مازنـدرانی از شخصـی به نام سیدشـمس الـدین می پرسـد: «چرا در میان برخی آیات قرآن ارتباط منطقی وجود ندارد؟» سیدشـمس الدین می گوید: «این قرآنی است که خلیفهٔ اول (ابوبکر) جمع آوری کرده و بعضـی آیات آن را حـذف نموده است. او قرآن امام علی علیه السلام را نپـذیرفت؛ به همین دلیل بعضـی از آیات آن با هم سازگاری ندارد».

همان گونه که مشاهـده می شود، اگر کسـی این بخش از حکایت را قبول کنـد، به تحریف قرآن کریم معتقـد شده است. این مطلب به اجماع شـیعه و سـنی و به موجب تصـریح آیـهٔ «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ (۱) «البته مـا قرآن را بر تو نازل کردیم و خود نیز آن را پاسـبانی خواهیم نمود»، باطل و مردود است. به علاوه، اهتمام و توجه زیاد مسـلمانان به نوشتن و حفظ قرآن و تعدد نسـخه ها و شـیوع آن در بین مسلمانان، از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زیر نظر مستقیم آن حضرت تا حدی بود که تبدیل و تحریف آن، از امور ناشدنی و ممتنع به شمار می رفت. (۲)

۲. در متن داستان آمده است: خمس بر تمام شیعیان حلال است و پرداخت

۱- سورهٔ حجر، آیهٔ۹.

۲- در این باره، علامه جعفر مرتضـی، در کتاب حقایق هامه حول القرآن الکریم، بحث های دقیقی کرده است که علاقه مندان می توانند به آن مراجعه کنند.

آن واجب نیست. این نظریه نیز پذیرفتنی نیست؛ چون خلاف نظر مشهور فقهای اسلام است.

متن داستان، بر وجود همسر و اولاد برای حضرت دلالت می کند. این نظریه را بزرگانی چون شیخ مفید، بیاضی و طبرسی نپذیرفته اند و روایاتی را که بر وجود اولاد برای حضرت دلالت می کند، از نظر سند رد کرده اند. علاوه بر آن، روایاتی برخلاف آن داریم. می توان برای مطالعهٔ بیش تر در این موضوع به کتاب های مفصل

رجوع کرد. (۱)

ب) حکایت انباری

اشکالات سندی: داستان انباری فاقد هرگونه استناد است؛ چون خود صاحب کتاب التعازی (۲) آن را نقل نکرده است؛ بلکه استنساخ کنندهٔ ناشناخته ای آن را در پایان کتاب التعازی افزوده است که معلوم نیست این خبر را از کجا و از چه کسی نقل کرده است.

همچنین اشخاص مذکور در سند، شناخته شده نیستند و در کتاب های رجالی شیعه ذکری از آنان به میان نیامده و راوی خبر هم ناشناخته است و تنها به مسیحی بودن او تصریح شده است.

اشکالات محتوایی: در متن داستان، از شهرهایی نام برده شده که در منابع جغرافیایی معتبر و کهن، مانند معجم البلدان یاقوت حموی، اصلاً نامی از آن ها برده نشده است. از آن جا که در این منبع، اسامی روستاهای دورافتاده هم از

قلم نیفتاده، چگونه ممکن است از جزیره ای با این عظمت ذکری به میان

۱- در این باره نک: جزیرهٔ خضراء؛ افسانه یا واقعیت، ترجمهٔ ابوالفضل طریقه دار.

۲- این کتاب نوشتهٔ محمد بن علوی است که مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، ج۵، ص۱۰۶، آورده است.

نیامده باشد.

همچنین در متن حکایت آمده که فرزند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از یهود و نصارا جزیه گرفت، ولی اموال اهل سنت را مصادره کرد، یعنی با اهل سنت برخوردی سخت تر از یهود و نصارا داشت، در صورتی که چنین چیزی امکان ندارد.

علاقه مندان می توانند برای مطالعهٔ بیش تر به کتاب ها و منابعی که در ذیل معرفی می گردد، مراجعه کنند:

۱. محمدتقی شوشتری، سیدجعفر مرتضی عاملی، ابراهیم امینی، جزیرهٔ خضراء، افسانه یا واقعیت، ترجمهٔ ابوالفضل طریقه دار.

۲. غلامرضا نظری، جزیرهٔ خضراء، تحریفی در تاریخ شیعه.

۳. سیدجعفر مرتضی عاملی، جزیرهٔ خضراء، در ترازوی نقد، ترجمهٔ محمد سپهری.

۴. مجتبی کلباسی، «بررسی افسانهٔ جزیرهٔ خضراء»، فصل نامهٔ انتظار، شماره های ۱-۴.

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مثلث برمودا زندگی می کند؟

دربارهٔ این مسئله چند نکته جالب توجه است:

۱. در شمال غربی اقیانوس اطلس (نزدیک قارهٔ امریکا) جزیره های کوچکی (حدود ۳۶۰ جزیره که ۲۰ جزیرهٔ آن مسکونی است) قرار دارد. این جزیره ها به برمودا معروف هستند؛ برمودا، نام یکی از جزایر بزرگ آن مجموعه است. (۱)

۲. مثلث برمودا به منطقه ای مثلث شکل می گویند که یک رأس آن، جزیرهٔ برمودا (۳۳ درجهٔ شمالی و ۶۴ درجهٔ غربی) است، یک رأس آن بندر میامی در ساحل شرقی ایالت فلوریدا، از مهم ترین بنادر ایالات متحده است، و رأس دیگر

۱- نک: جزیرهٔ خضراء، ناجی النجار، ص ۶۰ - ۶۱.

آن نیز سن خوان (سن ژوان) پایتخت پورتوریکو (یکی از جزایر بزرگ دریای کارائیب) است که در شرق کشور دومینیکن قرار دارد. (۱)

۳. از آن چه گفته شد، وجود محلی به نام جزیرهٔ برمودا و ناحیه ای به نام مثلث برمودا ثابت می شود. این جزایر از لحاظ جغرافیایی، محل مشخصی دارد و در نقشه ها ثبت شده است.

۴. اصل ملاک دربارهٔ این جزیره و مثلث برمودا، اخباری است که مخابره و ثبت شده است. در حدود سال ۱۳۵۵ شمسی، یعنی دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در تمام مطبوعات و رادیوها، اخباری شگفت از حوادث دردناک و اسرارآمیز این جزیره و منطقه اعلام شد و به تبع آن، در مجلات داخلی ایران نیز مطالبی ترجمه و بیان گردید، اما در سال های اخیر از چنین حادثه هایی سخن گفته نمی شود، در حالی که با گسترش ارتباطات باید اخبار بیش تر و دقیق تری ارائه می شد.

۵. بعضی دربارهٔ پخش گستردهٔ این اخبار استدلال کرده اند که چون کشور کوبا رابطهٔ خوبی با شوروی سابق داشت و از طرفی نزدیک بودن آن به ایالات متحدهٔ امریکا، خطر جدی برای امریکا به شمار می آمد و می توانست جایی برای نصب ابزار جاسوسی و جنگی و در واقع پایگاهی برای شوروی در نزدیکی آن کشور باشد، امریکا به این فکر افتاد که در نزدیکی کوبا (مثلث برمودا) با شایعه کردن این اخبار، منطقهٔ خطرناک و ناامنی به وجود آورد و در آن جا پایگاهی بسازد که کوبا را از نزدیک زیر نظر بگیرد و اگر کسی خواست نزدیک آن شود، او را از بین ببرد و آن را به نیروهای اسرارآمیز منتسب سازد. بنابراین اخبار مخابره شده، همه جنبهٔ سیاسی و امنیتی داشته و در واقع ساختگی بوده است. البته امکان دارد برای واقعی جلوه

۱- جزیرهٔ خضراء، ناجی النجار، ص ۶۰ - ۶۱.

کردن، چند هواپیما و کشتی را از بین برده باشند؛ زیرا از آن جنایت کاران چنین کاری بعید نیست.

۶. متأسفانه بعضی با شنیدن این رویدادها، ادعا کردند یا احتمال دادند که آن منطقه، همان جزیرهٔ خضراء و محل زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ در حالی که این احتمالی بیش نبوده و عقیده ای شخصی است که از کج فهمی افراد خبر می دهد؛ زیرا وقتی اخبار دردآور و غم انگیز کشته شدن عده ای بی گناه که گاه راه را گم کرده اند یا سوار بر کشتی تجاری بوده اند، دنیا را فرا گیرد و همه ناراحت شوند و اظهار هم دردی کنند، معلوم است که وقتی کسی در این حال ادعا کند آن جا جزیرهٔ امام ماست و حضرت و یارانش چنین کارهایی را انجام داده اند، ناآگاه و بی خرد است. به راستی این ادعا به شنوندگان و خوانندگان چه پیامی منتقل می کند؟ آیا جز این است که بر خشونت طلبی و خون ریزی دین اسلام و پیشوایان دین تأکید می ورزد؟

۷. وقتی از مدعیان وجود جزیرهٔ خضراء می پرسند: چرا تا به حال کسی

آن را روی کره زمین ندیده است، می گویند: خدا قدرت دارد که آن را از چشم ها دور کند و کسی آن را نبیند. (۱) باید از این افراد پرسید: اگر خدا چنین کاری را می کند، پس چه لزومی دارد که هواپیماها و کشتی ها در آن منطقه نابود شوند و چرا باید این افراد بی گناه کشته شوند؟ پس در صورت درستی داستان جزیرهٔ خضراء و کشته شدن دشمنان (که در آن روایات آمده)، آیا کسی که راه را گم کرده و اتفاقاً به آن جا رسیده، مستوجب قتل است؟ آیا ارائهٔ چنین تصویری از اسلام و امام صحیح است؟

۱- جزیرهٔ خضراء، ناجی النجار، ص۵۵.

نتیجه:

۱. مثلث برمودا وجود دارد، اما اخبار نقل شده دربارهٔ آن ساختگی و برای اهداف سیاسی بوده است.

۲. تطبیق آن بر جزیرهٔ خضراء، ادعایی شخصی است و فقط از سوی فردی ناشناخته به نام ناجی النجار ابراز گردیده است. به نوشتهٔ او، فقط به دلیل تشابهاتی که بین جریان جزیرهٔ خضراء و اتفاقات نقل شده دربارهٔ مثلث برمودا وجود داشته، به این نتیجه گیری رسیده (۱) و طبیعی است که این نتیجه گیری ارزش علمی ندارد.

۳. پذیرش چنین چیزی، خدشه دار کردن چهرهٔ دین و خطرناک معرفی کردن امام رحمت و رأفت است که با قوانین مسلّم دین سازگاری ندارد.

پوشش امام

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قبل و بعد از ظهور، چه نوع لباسی می پوشد؟ آیا لباس امام مثل لباس روحانیون است یا لباس عربی و شال سبز و عمامهٔ سبز بر سر دارند؟

امام در زمان غیبت برای ناشناخته ماندن از لباس های مختلف استفاده می نماید و در لباس های متعددی دیده شده اند.

لباس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان ظهور مثل لباس پدران بزرگوارش علیهم السلام و پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

به خدا سوگند، گویی او را با چشم خود می بینم که وارد مکه شده، در حالی که بُرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر تن و عمامه ای زرد برسر دارد. کفش های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اندازهٔ پای اوست... . (۲)

۱- جزیرهٔ خضراء، ناجی النجار، ص۱۶۱.

۲- موعودنامه، مجتبی تونه ای، ص۷۲۱.

خوراک امام

آیا غذاهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیاست یا بهشت؟

در مورد خوراک ایشان، روایت خاصی نداریم، اما به طور عادی غذای ایشان طبیعی و از دنیاست؛ زیرا سنت و قانون الهی این است که غیر از موارد استثنایی، خلاف قانون عادی جهان آفرینش عمل نشود. پس امام بدن معمولی دارد و از غذای طبیعی استفاده می کند؛ هرچند ممکن است در بعضی مواقع، خداوند هدیه ای از بهشت برای آن حضرت بفرستد؛ چنان که این لطف شامل حضرت مریم علیها السلام و دیگران نیز شده است.

خانوادهٔ امام

آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج کرده است و همسر و فرزند دارد؟

دربارهٔ ازدواج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختلاف است. بعضی علما از جمله مرحوم محدث نوری (نویسندهٔ کتاب نجم الثاقب)، بر این عقیده اند که آن حضرت ازدواج کرده و فرزندانی نیز دارد. عمده دلیل این گروه آن است که ازدواج، سنت مؤکد اسلامی است که مورد سفارش پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هر شخصی شایسته تر است که به سنت پیامبر عمل کند.

در پاسخ می گوییم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حال حاضر در غیبت به سر می برد و این یک حالت استثنایی است که ارتباط ایشان را با مردم محدود می کند. بنابراین همین عذر می تواند مانع اجرای این سنت نبوی شود؛ زیرا به یقین گاه به دلیل شرایطی خاص، ممکن است حکم واجبی از عهدهٔ انسان برداشته شود، چه رسد به مستحبات و سنت ها. افزون بر این، ازدواج سنتی نبوی است که باید در طول زندگی انجام گیرد و هیچ اشکالی ندارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور اقدام

به این عمل نماید و در این صورت، ترک کنندهٔ سنت نبوی نیز نخواهد بود. از همین جا می توان استفاده کرد دعاهایی که در آن ها به حضرت و خانوادهٔ او اشاره کرده، می تواند به دوران ظهور آن بزرگوار مربوط باشد، نه زمان غیبت.

در مقابل این نظریه، دیدگاه دیگری مطرح است که قاطعانه ازدواج حضرت را نفی می کند. عمده دلیل ایشان هم این است که لازمهٔ ازدواج حضرت، یا طولانی بودن عمر همسر اوست که دلیلی بر آن نداریم، یا آن که حضرت پس از رحلتِ همسر، مجبور است با دیگری ازدواج کند، یا به دلیل ازدواج باید فرزندانی داشته باشد که سرپرستی آن ها موجب شناخته شدن حضرت گردد و... .

البته این مطالب هم، سست و بی اساس است. ممکن است حضرت در برهه ای از حیات خود _ حتی در غیبت _ همسری اختیار کند و آن زن از دنیا برود. در این صورت، ایشان هم به سنت نبوی عمل کرده و هم مشکلات و پی آمدهایی برای آن حضرت پیش نیاید.

آیت الله صافی می گوید: باید متذکر بود که جواب این پرسش در هالهٔ قدس غیبت امام قرار دارد و خفاء امر امام علیه السلام که یکی از نشانه ها و خصایص آن حضرت است، در این نواحی نیز اثر گذاشته است. لذا به طور تحقیق و یقین نمی توان به آن پاسخ داد؛ چون احادیث و روایات اطمینان بخش در دست نداریم. یا این که به نظر حقیر نرسیده است و اگر در عصر ائمه علیهم السلام و در وقت صدور سایر روایات این گونه پرسش ها مطرح شده باشد، شاید بعضی روات احادیث، به حفظ و ضبط احادیث آن همت نگماشته اند.

بعضی روایات هم که در دسترس است، با چشم پوشی از وضع سند و متون آن ها، از جهت اختلاف نسخه ضعیف اند، مانند روایت شیخ الطائفه شیخ طوسی که از مفضل بن عمر روایت می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ یک از

فرزندان او و دیگران از محل وی اطلاع ندارند». (۱)

اما الغیبه نعمانی این حدیث را این چنین روایت کرده است: «... و از جایگاهش هیچ کس از دوست و بیگانه آگاهی نمی یابد». (۲)

با وجود این اختلاف، یعنی روایت نعمانی به جای وُلده، وَلِی است و استناد به نقل الغیبه شیخ طوسی اطمینان بخش نیست، بلکه نقل الغیبه نعمانی از بعضی جهات مانند سند و لفظ حدیث اقرب به اعتبار است.

بعضی روایات دیگر مانند خبر کمال الدین انباری و خبر زین الدین مازندرانی، که قبلاً در بحث جزیرۀ خضراء در این مورد بحث شده است، قابل استناد نمی باشد؛ و بعضی دیگر مثل فقرات بعضی ادعیه و زیارات نیز صراحت ندارد و قابل حمل بر عصر ظهور می باشند؛ و علاوه بر فرض قبول دلالت، متعرض خصوصیات و تفصیلات نمی باشند، فقط به طور اجمال اهل متزوّج بودن و فرزند داشتن آن حضرت را بیان می کنند.

خلاصۀ سخن آن که اگرچه همسر و فرزند داشتن آن حضرت محتمل است، اما در بررسی اخبار، به حدیث معتبری که موجب اطمینان باشد و خصوصیات متضمن تفاصیل این موضوع باشد، نرسیدیم و دنبال کردن و تعقیب این موضوع لزومی هم ندارد. (۳)

بنابراین ما نه دلیلی بر ازدواج حضرت داریم و نه سندی بر ازدواج نکردن او، ضمن این که مبهم بودن این مسئله می تواند دارای حکمتی باشد؛ چون در هر صورت مشکلاتی پیش می آید.

۱- «لا یطَّلِعُ علی موضِعِهِ احدٌ من وُلده ولا غَیره» (الغیبه، شیخ طوسی، ص۱۰۲).

۲- «لا یطَّلِعُ علی موضِعِهِ احدٌ من وَلِی و لا غَیره» (الغیبه، نعمانی، ترجمه: محمدجواد غفاری، ص ۲۴۵ - ۲۴۶).

۳- امامت و مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، ج۲، ص۴۶۸ – ۴۶۹، با اندکی تصرف.

آن چه در روایات آمده این است که همواره سی نفر از بهترین انسان ها در خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و او را در حل مشکلات یاری می کنند و تنها آنان از محل زندگی امام باخبرند. (۱)

آیا صحت دارد که اگر دختران با عفت باشند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با دختران عفیف ازدواج می کند؟

این قضیه صحت ندارد، بلکه بنابر توصیهٔ قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم السلام، هر انسانی باید وظیفهٔ خود را به خوبی بشناسد و خالصانه به وظیفهٔ خود عمل نماید، به این امید که مورد رضایت و توجه خاص خداوند متعال و حجت او

قرار گیرد.

علم امام

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان ظهور خبر دارد؟

گرچه از روایات متعددی استفاده می شود که امام به هرچه بوده و هرچه هست علم دارد و چیزی از ایشان مخفی نیست و از این رو آن حضرت از زمان ظهور نیز مطلع است، اما این احتمال نیز وجود دارد که زمان ظهور از علوم مستأثر باشد؛ یعنی از علومی که مخصوص خداوند سبحان است. اگر چنین باشد، باز مشکلی پیش نمی آید؛ چراکه اولاً، از برهان ها و روایاتی که در ابواب امامت وارد شده، استفاده می شود که وجود مقدس امام، با عالم غیب ارتباط دارد و در مواقع احتیاج حقایقی را می یابد، پس می توان گفت که خداوند از این طریق هنگامهٔ ظهور را به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف الهام می فرماید.

ابوجارود می گوید خدمت ابی جعفر عرض کردم:

«قربانت شوم، از احوال حضرت صاحب الامر به من خبر بده». فرمود:

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۵۳، ح۶؛ کافی (کتاب الحجه، باب فی الغیبه)، ح۱۶.

«شبانگاه از بیمناک ترین مردم است، اما صبح گاه از ایمن ترین آنان می گردد. برنامهٔ کارش شبانه روزی به وی وحی می شود». عرض کردم: «به او وحی می شود؟» فرمود: «وحی می شود، اما وحی پیامبری نیست، بلکه مانند وحی و الهامی است که به مریم دختر عمران و مادر موسی نسبت داده شده است. ای اباالجارود! قائم آل محمد از مریم و مادر موسی نزد خدا گرامی تر است». (۱)

از این قبیل احادیث استفاده می شود که بر وجود مقدس امام الهام می شود و از این طریق خبر داده می شود.

ثانیاً، ممکن است گفته شود که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، وقت ظهور را توسط ائمهٔ اطهار علیهم السلام به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده، مثلاً به این صورت که وقایع و حوادث معیّنی را از نشانه های فرارسیدن وقت ظهور معرفی کرده و امام زمان در انتظار بروز آن علامت هاست.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

خداوند شمشیر و پرچم آن جناب را هنگام ظهور به صدا می آورد، می گویند: ای دوست خدا به پا خیز و دشمنان خدا را بکش. (۲)

یکی از شواهد احتمال مذکور، روایاتی است که دلالت می کنند برنامه و دستورالعمل تمام امامان، مهرکرده از جانب پروردگار عالم بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و ایشان آن را به علی بن ابی طالب علیه السلام تحویل داد. علی علیه السلام هنگام خلافت، صحیفهٔ خویش را گشود و طبق آن عمل کرد. سپس آن را به امام حسن علیه السلام تحویل داد و به همین کیفیت، نوبت به هر امامی می رسید، مهر نامهٔ خویش را می گشود و به آن عمل می کرد. اکنون نیز برنامهٔ کار و دستورالعمل امام

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۸۹.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۱۱.

زمان نزدش موجود است. (۱)

به هر تقدیر این مسئله نیازمند تحقیق بیش تری است.

آیا عدم آگاهی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان ظهور، نقصی برای امام و مقام امامت محسوب نمی شود؟

اولاً، دقیقاً معلوم نیست که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وقت ظهور را ندانند؛ اگرچه از بعضی روایات فهمیده می شود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وقت ظهور را نمی دانند، (۲) اما این مسئله قطعی نیست. از طرف دیگر از بعضی آیات (۳) و روایات (۴) استفاده می شود که امام در صورت اراده به همه چیز علم خواهد داشت.

ثانیاً، بر فرض عدم علم، خلل و اشکالی برای مقام امام ندارد؛ زیرا تنها خداوند است که نهان و آشکار موجودات عالم را می داند و اگر چیزی بر خداوند مخفی باشد، علت نقص خداوند خواهد بود، اما غیر از خداوند، ازجمله امامان، محدودند و طبیعتاً علم و قدرت و سایر اوصاف آن ها نیز محدود است و اگر چیزی را ندانند، دلیل بر ضعف آن ها نیست. بنابراین برخی از علوم را تنها خدا می داند و هیچ کس حتی امامان از آن خبر ندارند؛ مثل زمان قیامت.

هنگام دعا کردن و امداد خواستن از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - با توجه به پهناور بودن جهان - چطور الساعه به ایشان الهام می شود؟

علم امام همانند علم ما نیست؛ زیرا انسان ها معمولاً علومشان کسبی و در محدودهٔ عالم شهود است، در حالی که علم امام منحصر به عالم شهود نیست، بلکه عالم به غیب نیز هست. لذا به راحتی و در کم ترین زمان از دعاها و

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۷۹، باب اَن الائمه... .
۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۶.
۳- سورهٔ جن، آیهٔ ۲۵ - ۲۸.
۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۸، ح ۴۱.

خواسته های ما اطلاع پیدا می کند؛ مثلاً سید بن طاووس نقل می کند که شخصی طی نامه ای از امام رضا علیه السلام سؤال می کند: «ما وقتی به شما احتیاج داریم چه کنیم؟» حضرت در جواب فرمودند: «اگر حاجتی داری لب هایت را تکان بده، جوابت می رسد»؛ (۱) یعنی اگر تنها زمزمه کنی و صدایت را هم کسی نشنود، من می شنوم.

برای توضیح این مطلب لازم است نکاتی را متذکر شویم:

۱. مأموریت امام از لحاظ زمان و مکان، بسیار گسترده است. او تنها امام زمین و زمان نیست، بلکه امام ملک و ملکوت است.

۲. مأموریت و تسلط امام تنها به ظاهر عالم ختم نمی شود، بلکه دربرگیرندهٔ ظاهر و باطن اجتماع و انسان ها نیز هست.

۳. علم امام حضوری است، نه کسبی و حصولی؛ یعنی ما به دلایل متعدد (مذکور در کتب کلامی شیعه) معتقدیم که علم امام موهبتی الهی و علم لدنّی است. (۲)

۴. علوم الهی نیز از ویژگی های خاصی برخوردارند که آن ها را در مقایسه با سایر علوم ممتاز می کند:

الف) علم الهی روشن است و هیچ نقطهٔ تاریکی در آن نیست. لذا در آن اختلافی نیست و چیزی به نام واضح و واضح تر در آن وجود ندارد؛

ب) علوم الهی نزد انبیا و ائمه علیهم السلام حاضر است، لذا آنان در هیچ پرسشی نگفتند بعداً جواب می دهیم و یا نیاز به تأمل و تفکر داریم؛

ج) علوم الهی نیازمند مقدمه چینی نیست؛ چون در آن ها اختلافی دیده

۱- بحارالانوار، ج ۵۰، ص۱۵۵، ح۴۲.

۲- تحقیقی پرامون امامت عامه و خاصه، حبیب الله طاهری، ص۷۶- ۸۵.

نمی شود، لذا بین انبیا و امامان علیهم السلام در هیچ امری اختلاف نیست؛

د) علوم الهی نیاز به تجدید نظر ندارد، بلکه به قوت و ظهور آغازین خود

باقی است؛ (۱)

۵. روایات به کیفیت علوم ائمه علیهم السلام اشاره دارند:

الف) امام نسبت به هرچه دربارهٔ آسمان و زمین و بهشت و جهنم (تا قیامت) واقع می شود، عالم است و چیزی نیست که ائمه علیه السلام به آن علم نداشته باشند؛ (۲)

ب) جمیع علوم ملائکه و انبیا نزد ائمه علیهم السلام موجود است و هر امامی جمیع علوم امام قبل از خود را داراست؛ (۳)

ج) روایاتی داریم که دلالت دارند بر این که ائمه علیهم السلام بر همهٔ احتیاجات و اعمال بشر و بر احوال شیعیان آگاهی دارند، و حتی اگر بلا- یا مصیبتی به آنان برسد آگاه اند؛ یعنی به همهٔ بلایا و منایا، (زمان و کیفیت آن ها) آگاهی دارند؛ همچنین به آن چه در دل انسان ها می گذرد، آگاهی دارند؛ (۴) در این زمینه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی که برای شیخ مفید فرستاده فرمودند:

انا نحیط علماً بانبائکم ولما یعزب عنّا شیءٌ من اخبارکم؛

به همهٔ خبرهای شما آگاهیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.

نکتهٔ آخر این که، اگرچه علم امام از ناحیهٔ خداوند است، ولی بین علم خداوند و علم امام تفاوت وجود دارد؛ زیرا علوم الهی برای خداوند ذاتی و استقلالی است (علم غیب، ذاتی خداوند است). به عبارت دیگر، تنها کسی که ذاتاً و به خودی

۱- بدایه المعارف، محسن خرازی، بحث صفات امام (علم امام).

۲- بحارالانوار، ج۲۶، ص۱۰۹ (حدود ۲۲ روایت نقل شده است).

۳- بحارالانوار، ج۲۶، باب۱۲، ص۱۵۹ به بعد.

۴- بحارالانوار، ج۲۶، باب۸ و ۹، ص۱۳۲- ۱۵۴.

خود از غیب آگاه است، خدای سبحان است و این بدان معنا نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه یا ملائکه به غیب علم نداشته باشند؛ بلکه علم دارند، اما علم آن ها ذاتی نیست، بلکه تبعی است و به خواست پروردگار، عالِم اند.

آیا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شاهد و ناظر اعمال است؟

در متون دینی ما آمده است که همه کس و همه چیز نزد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حاضر است و امام بر احوال مردم آگاه است.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللهُ عَمَلَکُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ...»؛ (۱)

بگو عمل کنید، خداوند و فرستادهٔ او و مؤمنان اعمال شما را می بینند.

دربارهٔ این آیهٔ شریفه، روایات بسیاری نقل شده و شاید به حد تواتر برسد (۲) که علاوه بر خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام از اعمال همهٔ امت آگاه می شوند.

در اصول کافی در بابی با عنوان «عرضهٔ اعمال» روایات متعددی در ذیل همین آیهٔ شریفه ذکر شده است که مراد از «مؤمنون»، ائمهٔ اطهار علیهم السلام هستند، ازجمله

این روایت:

شخصی خدمت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: «برای من و خانواده ام دعا کنید». امام فرمود: مگر دعا نمی کنم:

والله ان اعمالکم لتعرض علی فی کل یوم ولیله؛

به خدا سوگند، اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می شود.

۱- سورهٔ توبه، آیهٔ۱۰۵.

۲- تفسیر نمونه، ج۸، ص۱۲۵.

روای می گوید: این سخن بر من گران آمد، امام متوجه شد و به من فرمود:

اما تقرأ کتاب الله عزوجل وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، وهو والله علی بن ابی طالب؛ (۱)

آیا کتاب خداوند عزوجل را نمی خوانی که می فرماید: عمل کنید خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را می بینند. به خدا سوگند! منظور از مؤمنان علی بن ابی طالب (و امامان دیگر از فرزندان او) هستند.

امام علی علیه السلام هم می فرماید:

لیس یغیب عنا مؤمن فی شرق الارض ولا فی غربها؛ (۲)

هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما غایب نیست.

امام صادق علیه السلام هم می فرماید:

ان الدنیا لتمثل للامام مثل فلقه الجوز فلا یعزب عنه شئ... ؛ (۳)

دنیا (آسمان و زمین) در نزد امام چون پاره گردویی حاضر و نمایان است و چیزی از او پوشیده نیست.

لذا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید می فرماید:

فانا نحیط علماً بانبائکم ولا یعزب عنا شئ من اخبارکم؛ (۴)

ما بر احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست.

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید

شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

۱- کافی، ج۱، ص۱۷۱، باب عرض الاعمال.

۲- الزام الناصب، ص۶؛ روزگار رهایی، ص۶۴۸.

۳- اختصاص، شیخ مفید، ص۲۱۷.

۴- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج۲، ص۹۰۲.

روشن است که اعمال، اعم از جوارحی و جوانحی است، لذا امام از هر نوع نیت و عملی که در کارنامهٔ انسان ثبت شود، آگاه است.

از عبدالرحمان پرسیدند: چرا شیعه شدی و به امامت امام هادی علیه السلام معتقد گشتی؟ گفت: چیزی دیدم که موجب شد چنین اعتقادی را بپذیرم. من مردی فقیر بودم. برای گرفتن کمک به دربار متوکل رفتم. آن روز متوکل دستور داده بود تا علی بن محمد بن الرضا علیه السلام احضار شود. به یکی از حاضران گفتم: این مرد کیست؟ گفت او مردی علوی است که رافضیان معتقد به امامت اش هستند و متوکل او را برای کشتن حاضر کرده است. دیدم امام سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ در دو صف ایستاده و به او نگاه می کنند. هنگامی که او را دیدم، محبتش در دلم افتاد. بنا کردم در دل خود برای او دعا کردن که خداوند شرّ متوکل را از او دفع کند. او پیشاپیش می آمد و به یال اسبش نگاه می کرد، ولی به راست و چپ نگاه نمی کرد. من پیوسته در دل به او دعا می کردم. هنگامی که کنارم رسید، صورتش را به سویم گرداند. آن گاه فرمود: «خداوند دعایت را مستجاب کند و عمرت را طولانی، و مال و فرزندانت را زیاد گرداند». از هیبت او، بر خود لرزیدم و در میان رفقایم افتادم. پرسیدند چه شده؟ گفتم: خیر است و به هیچ مخلوقی نگفتم. خداوند متعال به برکت دعای او راه هایی از مال و ثروت بر من گشود. من به امامت این شخص معتقدم که آن چه در دلم بود، دانست و خداوند دعایش را درباره ام مستجاب کرد. (۱)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در این زمان، چشم خدا در میان خلایق است (۲) و بر احوال و اعمال ما آگاهی دارد.

۱- کافی، ج۱، ص۱۷۱، باب معجزات امام هادی علیه السلام.
۲- «السلام علیک یا عین الله فی خلقه» (مفاتیح الجنان، دعای روز جمعه).

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را می بیند؟

طبق بعضی از آیات قرآن، خدای متعال در هر زمان و برای هر امتی، رهبرانی قرار می دهد که معصوم از خطا و اشتباه اند و در روز قیامت به اعمال آن ها گواهی می دهند. کسی که شاهد بر اعمال امت باشد، نباید در شهادتش اشتباه کند و نیز باید احاطهٔ علمی بر همهٔ اعمال امت داشته باشد. بنابراین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شاهد بر اعمال و رفتار ماست و اگر بخواهد می تواند ما را ببیند. (۱)

آیا وقتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صحبت می کنیم، ایشان صدای ما را می شنود؟ در این صورت چرا جواب ما را نمی دهد؟

با توجه به مضمون روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از شدت محبتی که به دوستان خود دارد، هر زمانی که شخصی او را یاد کند، نگاهی به او می نماید و سزاوار است که یادکننده به جهت احترام و تعظیم، از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش او را به نظر مهر و عطوفت نگاه می کند، پس از جای خود برخیزد و از خدای تبارک و تعالی، تعجیل فرج ایشان را بخواهد. (۲)

بنابراین قطعاً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صدای ما را می شنود، اما این که چرا حاجات ما را برآورده نمی کند، دلایل مختلفی دارد؛ مثلاً شرایط استجابت دعا را فراهم نمی کنیم که ازجملهٔ آن ها ترک معصیت خداست، یا این که برآورده شدن آن حاجت به صلاح ما نیست، مانند بیمار دیابتی ای که از ما درخواست شیرینی می کند (از آن جا که او را دوست داریم به درخواست او توجهی نمی کنیم). به این ترتیب، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز که مهربان تر از پدر و مادر است، برای تربیت ما بسیاری از

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۹۲ - ۲۹۳.

۲- موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص ۳۷۹.

خواسته های ما را به خاطر خودمان اجابت نمی کند.

چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رساله ندارد و به وسیلهٔ فقها رسالهٔ خود را در اختیار مردم قرار نمی دهد؟

روشن است که امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در غیبت به سـر می برد و یکی از نتایج زندگی غایبانه این است که مـا به آن حضـرت دسترسـی نـداریم تـا از ایشان تقاضای رساله نماییم؛ اما این به معنای مکلف نبودن مؤمنین از عمل به احکام شرعی نیست. از این رو امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در توقیع اسـحاق بن یعقوب که به دست نایب دوم امام، یعنی محمد بن عثمان صادر گشت، فرمود:

و اما رویـداد و پیش آمـدهایی که در آینده روی خواهد داد، دربارهٔ آن ها به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا ایشان حجت من بر شمایند و من حجت خدا می باشم. (۱)

علاوه بر این، دائماً مسائل جدیـدی پیش می آیـد که نیازمنـد جواب امام است و از آن جا که دسترس به امام ممکن نیست و نمی توان جواب آن ها را از امام جویا شـد، لـذا باید به فقها رجوع کرد و احکام دین را از آن ها آموخت. در این باره که چرا امـام مجبور به زنـدگی غایبـانه شدنـد تا مردم از بهره منـدی کامل از حضور ایشان محروم شونـد، در ادامه گفت وگو خواهیم کرد.

آیا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خداوند متعال را می بیند؟

برای پاسـخ به این سـؤال مضـمون حـدیثی را می آوریم که شخصـی از امیرالمؤمنین علیه السـلام پرسـید: «یـا امیرالمؤمنین! آیا هنگام عبادت خدایت را دیده ای؟» امام علیه السلام فرمود:

آگاه باش! من هرگز خدایی را که ندیده باشم، عبادت نکرده ام.

۱- کمال الدین، ج۲، ص۴۸۳.

آن شخص گفت: «خدا را چگونه دیده ای؟» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

بدان، خدا را با چشم نمی توان دید، ولی با قلب می توان او را درک کرد. (۱)

یعنی خدا را با چشم سر نمی توان دید، ولی با چشم قلب می توان پی به وجود خدا برد.

بنابراین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز خدا را نه با چشم ظاهری بلکه با چشم عقل و قلب می بینند؛ زیرا خدا جسم نیست که با چشم ظاهری قابل دیدن باشد.

معجزات امام

معجزات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

معجزاتی که از ناحیهٔ آن حضرت در غیبت صغرا به وقوع پیوسته بسیار است. در برخی روایات پاره ای از معجزات حضرت ذکر شده است که به صورت خلاصه و فهرست وار و با ارجاع به متن حدیث در ذیل می آوریم.

۱. سبز کردن چوب خشک؛

۲. نرم کردن سنگ سخت؛

۳. سخن گفتن پرنده ای به امر حضرت؛ (۲)

۴. جوشش آب و آذوقه از زمین؛ (۳)

۵. طی الارض و نداشتن سایه؛ (۴)

۶. کندی حرکت زمان؛ (۵)

۱- التوحید، شیخ صدوق، تحقیق: سیدهاشم حسینی تهرانی، ص۱۰۶.
۲- عقدالدرر، ص۹۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹؛ الشیعه و الرجعه، ج۱، ص۱۵۸(به نقل از: چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نجم الدین طبسی، ص۸۸).
۳- کافی، ج۱، ص۲۳۱؛ الغیبه، نعمانی، ص۲۳۸؛ بحارالانوار، ج۱۳، ص۱۵۸ و ج۵۲، ص۳۲۴.
۴- کمال الدین، ص۳۷۲؛ اعلام الوری، ص۴۰۸؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۵۷.
۵- الارشاد، شیخ مفید، ص۳۶۵؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۷.

۷. قدرت تکبیر؛ (۱)

۸. عبور از آب؛ (۲)

۹. ندای ابر. (۳)

برای مطالعهٔ بیش تر، به فصل ششم از کتاب نجم الثاقب محدث نوری مراجعه کنید.

پرسش های تخصصی

چرا بعضی از تاریخ نگاران، مهدی موعود را از نسل امام حسن مجتبی و طباطبایی می دانند؟

در مورد نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات بسیاری وجود دارد. در مورد این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسین علیه السلام است، در کتاب منتخب الاثر نزدیک به پانصد روایت نقل شده است؛ در حالی که برای ثابت کردن این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسن علیه السلام است، فقط یک روایت، آن هم در منابع اهل سنت آمده و سیدثامر العمیدی با هفت دلیل ثابت می نماید که این حدیث ساختگی و جعلی است. (۴) البته به یک معنا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسن علیه السلام نیز هست؛ زیرا مادر امام باقر علیه السلام (فاطمه) دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است. پس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف مادر، حسنی هستند.

در مورد طباطبایی بودن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید بگوییم چنین چیزی را به هیچ وجه نمی توان پذیرفت؛ زیرا چنان که بر حسینی بودن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات و دلایل بسیاری داریم، بر تک تک پدران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تا امام حسین علیه السلام نیز روایت

۱- عقدالدرر، ص ۱۸۰.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۱۵۹؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۱۵؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۵۳۷.

۳- کشف الغمه، اربلی، ج۳، ص۲۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۴۰؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۶۱۵.

۴- نک: در انتظار ققنوس، ترجمه: مهدی علیزاده.

زیادی داریم که در کتاب منتخب الاثر و کتاب من هو المهدی (که با عنوان مهدی کیست ترجمه شده)، نقل شده اند. تعدادی از احادیث را از کتاب من هو المهدی بیان می کنیم:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام سجاد علیه السلام است (۱۳۹ روایت)؛ از فرزندان امام باقر علیه السلام است (۱۳۹ روایت)؛ از فرزندان امام صادق علیه السلام است (۱۳۷ روایت)؛ از فرزندان امام کاظم علیه السلام است (۱۳۳ روایت)؛ از فرزندان امام رضا علیه السلام است (۱۲۵ روایت)؛ از فرزندان امام جواد علیه السلام است (۱۲۳ روایت)؛ از فرزندان امام هادی علیه السلام است (۱۱۹ روایت)؛ فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است (۱۱۸ روایت).

البته آیت الله صافی در منتخب الاثر تعداد بیش تری را نیز نقل کرده است؛ مثلاً برای فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بودن، ۱۴۶ روایت آورده و در این که نام پدر ایشان حسن است، ۱۴۷ روایت دیگر را نقل کرده است.

بعضی از مورخان نوشته اند فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به نام محمد در سن ۶ یا ۷ سالگی شهید شده است؛ آیا صحت دارد؟

البته هیچ یک از مورخین شیعه چنین نظری ندارند و نه تنها مورخین شیعه، که هیچ عالم شیعی چنین سخنی را نیاورده است. بلکه از بزرگان اهل سنت افرادی مانند محی الدین عربی هستند که به وجود و زنده بودن او گواهی داده اند و ما دلایل بسیار متعدد و فراوانی داریم که شهادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام صحیح نیست. از جنبهٔ عقلی برهان های متعددی مانند: برهان لطف، عنایت، علت غایی، امکان اشرف و... دلالت می کنند که امکان ندارد زمین بدون امام باشد. البته محل بسط و بحث این دلایل در جای خود است؛ (۱) اما این که این امام

۱- در کتاب های کلامی شیعه این بحث ها مطرح شده است. (نک: علی و پایان تاریخ، سیدمجید فلسفیان).

کیست، از حوزهٔ عقل خارج است و به ناچار بایـد سـراغ روایت رفت. آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر بیش از نهصـد روایت می آورد که بر دوازده گـانه بودن امامان دلالت دارد و در بین آن ها پنجاه روایت، اسامی ائمه علیهم السـلام را برشمرده و بیان می دارد که دوازدهمین و آخرین امام کیست.

آیـا بـا وجـود این همه دلیـل عقلی و دلایـل نقلی، می تـوان ذره ای در باطـل بودن این ادعـا شـک کرد؟ آیـا می توان بـا قول «بعضی»، حتی در صورت معتبر بودن منبع آن، از این همه مدارک و منابع دست کشید؟

طبیعی است که چنین قضـاوتی نه علمی است و نه منصـفانه و برای هیـچ تحقیق کننـده ای جای ابهامی باقی نمی گـذارد، بلکه یقین به عقیدهٔ شـیعه پیدا می کند که حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف از سال ۲۵۵ (زمان تولـد) تا زمان حال زنده است.

نام امام

نام اصلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست ؟

نام اصـلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف «محمـد» و کنیه اش «ابوالقاسم» است؛ یعنی حضـرت، نام و کنیهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را دارد و از قبل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وی را با نام و کنیهٔ خود معرفی کرده است.

چرا نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برده نمی شود و به صورت «م ح م د» نوشته می شود؟

در این باره میان فقها اتفاق نظر وجود نـدارد؛ بسـیاری از فقها معتقد به حرمت علنی کردن نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، اما برخی از فقها هم بر این عقیده اند که در زمان ما تصریح به نام ایشان بدون اشکال است؛ برخی از روایاتی که دستهٔ نخست فقها به آن استناد کرده اند به این قرار است:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

لا یسمی حتی یظهره الله؛ (۱)

نام او برده نمی شود تا خداوند او را ظاهر گرداند.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

اما اسمه فان حبیبی رسول الله عهد الی ان لا احدث به حتی یبعثه الله؛ (۲)

دوستم پیامبر از من پیمان گرفته است که نامش را نگویم تا زمانی که خداوند او را برانگیزد.

۳. امام باقر علیه السلام فرمودند:

لایحل ذکره باسمه؛ (۳)

بردن نامش جایز نیست.

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند:

ایاکم والتنویه باسم المهدی؛ (۴)

از آشکار کردن نام مهدی بپرهیزید.

۵. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز فرمودند:

ان دللتهم علی الاسم اذاعوه؛ (۵)

اگر به نام راهنمایی کنی آن را فاش می کنند.

با توجه با این نوع روایات، طبیعی است که نباید نام حضرت برده شود و در مواردی که لازم است اسم حضرت نوشته شود، با حروف مقطعه (م ح م د) نوشته

۱- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص ۲۸۰.
۲- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۶.
۳- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۶.
۴- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۵.
۵- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۵.

شود تا تصریح به اسم نگردد؛ و هنگام خواندن، بی اختیار به زبان جاری نشود. (۱)

دربارهٔ علت چنین حکمی باید گفت:

اولاً، بسیاری از احکام فقهی اسلام، تعبدی است که باید بدان ها عمل کرد و دانستن علت آن ضرورتی ندارد. لذا ائمه نیز علت همهٔ احکام را بیان نکرده اند؛

ثانیاً، امام باقر علیه السلام می فرماید: «اگر بنی فاطمه نام او را بدانند، مصمم می شوند او را قطعه قطعه کنند». (۲)

یکی از نواب خاص امام، محمد بن عثمان عمروی در این باره چنین توضیح می دهد:

حرام است بر شما که از اسم ایشان سؤال کنید. این حکم را من از خود نمی گویم؛ زیرا من حق حلال و حرام کردن ندارم، این سخن از طرف امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است و علت این را چنین بیان می کند: زیرا واقعیت در نزد خلیفه این است که امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفته و فرزندی نیز از او برجای نمانده است... و اگر اسم وی معلوم شود، جست وجو شروع می شود. پس تقوا پیشه کنید و از سؤال کردن اسم خودداری کنید. (۳)

از چنین روایاتی معلوم می گردد که علت حرمت بردن نام آن حضرت، ترس از تعقیب امام و اذیت کردن شیعیان است.

بر همین اساس عده ای از علما حرمت را مخصوص اوایل غیبت؛ خصوصاً دوران غیبت صغرا می دانند. (۴)

اما روایاتی هم وجود دارد که آن را تا زمان ظهور، حرام می دانند؛ مثل:

۱- برای دانستن تفصیل این بحث نک: «حکم تسمیه»، نجم الدین طبسی، مجلهٔ انتظار، ش۳.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۸۸.

۳- کافی، ج۱، ص۳۲۹.

۴- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص ۲۴۰.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لا یسمیه باسمه ظاهراً قبل قیامه الّا کافر به؛ (۱)

قبل از قیام، آشکارا نام او را نمی برد مگر منکر او.

امام باقر علیه السلام فرمود:

لایسمی حتی یظهره امره؛ (۲)

نام برده نمی شود تا خداوند امر او را آشکار گرداند.

امام رضا علیه السلام فرمود:

لایسمی باسمه بعد غیبته احد حتی یراه ویعلن باسمه فلیسمه کل الخلق؛ (۳)

احدی نام او را بعد از غیبتش نبرد تا او را ببیند و اسمش را آشکار کند، بعد همهٔ مردم او را نام ببرند.

امام عسکری علیه السلام فرمود:

ولا یحل لاحد ان یسمیه او یکینه بکنیته الی ان یظهر الله دولته و سلطنته؛ (۴)

بر احدی جایز نیست او را به اسم یا کنیه بخواند تا آن که خداوند دولت و قدرت او را آشکار نماید.

با توجه به این روایات، عدهٔ دیگری از علما مانند علامه مجلسی (۵) و محدث نوری گفته اند: علت حرمت معلوم نیست و نمی تواند تقیه و ترس از تعقیب باشد. لذا حرمت ذکر نام ایشان همچنان باقی است. (۶)

۱- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۵.

۲- کافی، ج۱، ص۵۲۵.

۳- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۵.

۴- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۵.

۵- بحارالانوار، ج۵۱، ص۳۱.

۶- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۰.

البته طبیعی است که قائلین به جواز بردن نام حضرت، این روایات را توجیه کرده اند. (۱) علاوه بر این که در بعضی از روایات و زیارات به اسم حضرت تصریح شده است. (۲)

لقب امام

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند لقب دارند؟ بعضی از آن ها را نام ببرید.

در روایات، لقب های متعددی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است که هرکدام به بخشی از صفات، ویژگی ها و آثار وجودی آن امام اشاره دارند. محدث نوری در کتاب نجم الثاقب، تعداد اسامی و القاب حضرت را تا ۱۸۲ مورد ذکر می کند (۳)که به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. مهدی: مشهورترین لقب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی است. این لقب را پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده اند. امام باقر علیه السلام در مورد این که چرا به آن حضرت، مهدی می گویند، می فرماید:

او را مهدی نامیدند؛ زیرا وی مردم را به امر پنهان هدایت می کند. (۴)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

آن حضرت را مهدی می گویند؛ زیرا مردم را به امری که گم کرده اند (اسلام راستین) هدایت می کند. (۵)

۲. قائم: یعنی قیام کننده به حق. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۲۴۱.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۳۳۴ و ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۰۹؛ وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۲۴۳.

۳- نجم الثاقب، محدث نوری، ص۱۰۶. (به نقل از: ارشاد، شیخ مفید).

۴- علل الشرایع، شیخ صدوق، ج۱.

۵- اثبات الهداه، شیخ حر عاملی، ترجمه: احمد جنتی، ج۷، ص۱۱۰ و ۱۶۹.

به این دلیل او را قائم نامیدند که پس از فراموش شدن نامش، قیام می کند. (۱)

۳. منصور: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیهٔ شریفهٔ «مَن قُتِلَ مَظلُوماً» فرمود:

او حسین بن علی علیه السلام است و منظور از ادامهٔ آیه «فَقَد جَعَلنا لِوَلِیهِ سُلطاناً فَلَا یسرِف فِی القَتلِ اِنَّهُ کانَ مَنصُوراً»» (۲) امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که نامش در این آیه «منصور» می باشد؛ چنان که خداوند احمد و محمد را محمود، و عیسی را مسیح خوانده است. (۳)

چرا به آن حضرت بقیه الله می گویند؟ معنای آن چیست؟

بقیه الله یعنی بازماندهٔ خدا، و به حضرت مهدی، بقیه الله می گویند، چون او آخرین حجت خداست؛ یعنی بعد از همهٔ پیامبران و امامان، او تنها حجت خدا در زمین است که به ارادهٔ خداوند دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد.

چرا لقب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «أباصالح» است؟

آیت الله مکارم شیرازی در این باره می فرماید: این که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اباصالح می گویند، به سبب این نیست که فرزندی به نام «صالح» دارد؛ زیرا «اب» در لغت عرب، تنها به معنای پدر نیست بلکه به معنای صاحب نیز هست. «اباصالح»، یعنی کسی که صالحانی در اختیار دارد. لقب اباصالح از آیهٔ قرآن گرفته شده است؛ «وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ». (۴) چون آیه، بشارتِ حاکمیت جهان را داده و این بشارت برای صالحان است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، صاحب و فرماندهٔ آن هاست.

۱- معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص۶۵.

۲- سورهٔ اسرا، آیهٔ۳۵.

۳- تفسیر فرات کوفی، تحقیق: محمد کاظم، ص ۲۴۰.

۴- سورهٔ انبیاء، آیهٔ۱۰۵.

البته امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

هرگاه راه را گم کردی، صـدا بزن «یا صالـح» یا بگو «یا اباصالـح» ما را به راه راست هدایت کنید تا خدا شـما را مورد رحمت قرار دهد. (۱)

بنابر روایت ذکرشده که در کتاب های معتبر روایی آمده، معلوم می شود اگر انسان در راهی حرکت کند و به هر دلیلی راه را گم کند و نداند که از کدام سو باید برود، می تواند «صالح» یا «اباصالح» را صدا بزند و درخواست راهنمایی کند.

در روایت آمـده است: «یا اباصالـح ارشـدونا»، لفظ «ارشدونا» جمع است که معلوم می شود گروهی به این کار (هدایت مردم) مشـغول هسـتند. از برخی روایات می توان نتیجه گرفت که عده ای از این افراد، از جنیان هسـتند؛ (۲) خداوند آن ها را موکل زمین، برای راهنمایی مردم قرار داده است.

علامه مجلسـی از پـدر خویش نقل می کنـد: وقتی امیراسـحاق استرآبادی در راه گم می شد، همین جمله را به زبان می آورد. آن گاه کسی به او کمک می کرد. امیراسحاق می فهمد که او امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است. (۳)

محـدث نوری در حکایت دیگری از ملاعلی رشتی چنین نقل می کنـد: یکی از اهل تسـنن، مادری شـیعه داشت و از او شـنیده بود که لقب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف «اباصالح» است و گم شده ها را هدایت می کند. روزی او راه را گم می کند و از «اباصالح» کمک می طلبد. آن گاه کسـی را می یابد که وی را تا نزدیکی روسـتایشان هدایت می کند و او نیز شـیعه می شود. (۴)

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۲۹۸، ح۲۵۰۶.

۲- الامان من اخطار الاسفار، سید بن طاووس، ص۱۲۳، باب نهم.

۳- بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۷۶.

۴- جنه المأوی، حکایت۴۷.

بنـابر دو حکایتی که سـند معتبری دارنـد، «اباصالـح» شامل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز می شود. حتی می توان گفت، ایشـان فرد اصـلی این روایت هسـتند و جنیـان و دیگران به فرمـان ایشـان، مردم را هـدایت می کننـد و گـاهی نیز خـود حضـرت این امر را عهـده دار می شود و گمراهان را هـدایت می کنـد. برای اطلاع بیش تر می توانید به کتاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اباصالح چرا؟ نوشتهٔ علی هجرانی رجوع نمایید.

کنیهٔ امام

چرا کنیهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ابوالقاسم است؟

روایات زیادی بر این مطلب تصریح کرده اند:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

کنیته کنیتی؛ (۱)

کنیهٔ او کنیهٔ من است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اسمه محمد و کنیته ابوالقاسم؛ (۲)

اسمش محمد و کنیه اش ابوالقاسم است.

امام جواد علیه السلام فرمود:

هو سمی رسول الله و کنیه؛ (۳)

او هم نام و هم کنیهٔ پیامبر است.

امام عسکری علیه السلام فرمود:

۱- کمال الدین، ج۱، ص۲۸۶.

۲- کشف الغمه، ج۲، ص۴۷۵.

۳- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۳.

هو سمی رسول الله و کنیه؛ (۱)

او هم نام و هم کنیهٔ پیامبر است.

اما علت این که لقب ایشان ابوالقاسم است، می توان به دو دلیل اشاره کرد که البته تصریح روایات نیست، بلکه از باب تطبیق است:

۱. چون مقسم اموال است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کنیهٔ من ابوالقاسم است، چون خدا عطا می کند و من تقسیم می کنم». (۲) در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آمده است که در دوران حکومت خویش اموال را مساوی بین مردم تقسیم می کند، (۳) یا بدون شمارش، اموال را تقسیم می کند. (۴)

۲. چون ملاک تقسیم بهشت و جهنم است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ابوالقاسم هستم چون خداوند در روز قیامت جهنم را جدا می کند؛ «فمن کفر بی من الاولین والآخرین ففی النار؛ پس کسی که به من کافر شود از اولین و آخرین در آتش خواهد بود». و بهشت را جدا می کند: «فمن آمن بی وأقر بنبوتی ففی الجنه؛ (۵) پس هر کس به من ایمان آورد و به پیامبری من اعتراف کند در بهشت خواهد بود».

در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «ومن انکره فی غیبته فقد انکرنی ومن کذبه فقد کذبنی ومن صدقه فقد صدقني؛ (۶) هرکس هنگام غیبت او منکرش شود مرا انکار کرده است و هرکس او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده است و هرکس او را تصدیق کند مرا تصدیق نموده است». لذا انکار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- مستدرک وسائل الشیعه، ج۱۲، ص ۲۸۰.

۲- بحارالانوار، ج۱۶، ص۱۱۳.

۳- بحارالانوار، ج۵۱، ص ۸۱.

۴- صحیح مسلم (به نقل از: کشف الغمه، ج۲، ص۴۸۳).

۵- بحارالانوار، ج۱۶، ص۹۴.

۶- کمال الدین، ج۲، ص ۴۱۱.

یا ایمان به ایشان همان انکار یا ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که باعث تقسیم بهشت و جهنم است. پس او نیز ابوالقاسم است.

علت برخاستن

چرا هنگام شنیدن نام امام زمان بلند می شوند؟

یکی از اعمالی که در بین شیعیان مرسوم و معمول بوده است، این است که چون نـام قـائم عجـل الله تعالی فرجه الشریف در جایی برده می شود، اهل مجلس بلند می شوند. اگرچه دلیلی مسلم بر وجوب قیام به هنگام ذکر این لفظ نیست، اما در این حد می توان گفت که این امر در بین مردم، به عنوان یک عمل مستحب، ریشه ای مـذهبی دارد و در حقیقت اظهار ادب و احترام به آن عزیز است.

چنان که نقل شده: حضور امام رضا علیه السلام در خراسان کلمهٔ «قائم» ذکر شد؛ حضرت برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود: «خداوندا بر فرجش شتاب کن و راه ظهورش و نهضتش را آسان گردان». (۱)

از روایتی دیگر چنین استفاده می شود که این رفتار در عصر امام صادق علیه السلام نیز معمول بوده است. از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد، علت قیام در موقع ذکر «قائم» چیست؟ حضرت فرمود:

صاحب امر، غیبتی دارد بسیار طولانی و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد، هرکس وی را به لقب قـائم ـــ که مشهور است به دولت کریمهٔ او، و اظهار تأثری است از غربت او ـــ یاد کنـد، آن حضرت هم نظر لطفی به او خواهـد نمود و چون در این حال، مورد توجه امام واقع می شود، سزاوار است از باب احترام به پا خیزد و از خدا تعجیل در فرجش را مسئلت نماید. (۲)

۱- «اللهم عجل فَرَجهُ وسهل مَخرجه» (بحارالانوار، ج۵۱، ص ۳۰).

۲- الزام الناصب، شیخ حائری یزدی، ج۱، ص۲۷۱.

البته می توان گفت در بعضی شرایط واجب می باشد؛ مثل این که این لقب یا القاب دیگر حضرت در مجلس یاد شود، آن گاه همهٔ اهل مجلس به احترام آن به پا خیزند. در این حال اگر کسی از اهل مجلس بدون عذر از جای خود برنخیزد، و این برنخاستن توهین و هتک حرمت آن حضرت باشد، بدیهی است این عمل حرام می باشد.

آیت الله سیدمحمود طالقانی می گوید:

این دستور قیام، شاید برای احترام نباشد، و الّا باید برای خدا و رسول و اولیای مکرم دیگر هم به قیام احترام کرد. بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن برای پشتیبانی ... این حقیقت است ... این همه فشار و مصیبت از آغاز حکومت دودمان دنائت و رذالت اموی تا جنگ های صلیبی و حملهٔ مغول و اختناق و تعدیل های دولت های استعماری، بر سر هر ملتی وارد می آمد، خاکسترش هم به باد فنا رفته بود، لیکن دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون اسم صریح «قائم»، مؤسس دولت حقهٔ اسلام، برده می شود، به پا بایستید و آمادگی خود را برای انجام دستورات اعلام کنید و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مرد. (۱)و (۲)

فواید امام غایب

امام غایب چه فایده ای برای مسلمانان دارد؟

هرگز غیبت حضرت، مانع از برکت های آن حضرت نیست. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده اند:

۱- خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص۲۶۴.

۲- جواب این سؤال برگرفته از: یک صد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۶۱ – ۶۲ است.

بهره و انتفاع مردم از حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، مانند نفع و بهره بردن انسان از آفتاب است در زمانی که زیر ابر پنهان است. (۱)

در ذیل به بعضی از فواید به صورت فهرست وار اشاره می شود:

۱. امام در نظام هستی محور و مدار است و بی وجود او برکات الهی بر زمینیان نازل نمی شود؛ امام صادق علیه السـلام فرموده اند:

اگر زمین بدون امام بماند، هر آینه فرومی ریزد. (۲)

۲. اگرچه وجود امام، غایب است ولی عامل جدی ای برای حفظ مکتب شیعه و اسلام واقعی می باشد؛

۳. وجود امام در عالم، موجب امید به آینده ای روشن و سراسر شور و اشتیاق است؛

۴. چون امام ناظر اعمال ماست، پس این موجب خودسازی و... می شود؛

۵. رابطهٔ عالم ملکوت با انسان ها، به ویژه مسلمانان، از طریق امام معصوم است و او واسطهٔ فیض الهی به بندگان است. (۳)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت چگونه ما را راهنمایی می کند؟

در واقع دو نوع هدایت داریم:

۱. هدایت مستقیم که غالباً با حضور امام حاصل می گردد؛

۲. هـدایت بـاطنی که در این هـدایت، به حضور حضـرت و ملاقـات مردم بـا او نیـاز نیست و در واقع همان دست گیری از راه باطن و هدایت انسان از راه درون است که با غیبت حضرت نیز امکان دارد. به علاوه برخی از انواع هدایت که حضرت

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۸۰.

۲- کافی، ج۱، ص۲۰۱.

۳- برای آگاهی بیش تر نک: مفاتیح الجنان، زیارت جامعهٔ کبیره.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حق شیعیان انجام می دهد، مانند هدایت گم شدگان و شفای بیماران، در واقع متوقف بر حضور و ملاقات های مقطعی است؛ همچنین شیعه باور دارد که اعمالش به دست امام می رسد و امام، آن ها را می بیند. این امر باعث توفیق بیش تر در خودسازی می شود.

غیبت

معنای غیبت

آیا این سخن صحیح است که بگوییم: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب نیست، در اصل ما غایب هستیم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر واقعی است، یعنی ما غایب هستیم و او منتظر آمدن ماست؟

معنای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظاهر نبودن ایشان است و این که بعضی تصور می کنند غیبت به معنی عدم حضور ایشان است، تصور غلطی است؛ با توجه به این واقعیت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اجتماع ما حضور دارد و پیوسته در میان ماست و ما را می بیند و از حال ما باخبر است، چنان که در راویات مطرح شده است. پس حضور آن حضرت از هر حاضر دیگری قوی تر و جدی تر است و تنها تفاوتش با حضور دیگران، همین است که او دیده نمی شود و در واقع غیبت، حجابی بین ما و ایشان قرار داده است که او را نمی بینیم و از حال او بی خبریم، ولی بین او و ما هیچ حجابی و پرده ای نیست و لذا ما را می بیند و اطلاع کامل و آگاهی عمیق نسبت به ما و احوال و همهٔ مسلمین و بلکه انسان ها دارد. در این حال آیا جا ندارد بگوییم او غایب نیست بلکه حاضر است و ما در خدمت او نیستیم و او را حس نمی کنیم؛ پس ما غاییم و به تعبیر دیگر، در واقع او انتظار می کشد که آماده شویم تا ظهور کند و حکومت عدل را بگستراند.

خلاصه این که مطلبی که در سؤال آمده، هماهنگ با شعر لطیفی است که مرحوم فیض کاشانی سروده است:

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

آیا مسئلهٔ غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، و دومرحله ای بودن آن، توسط امامان قبلی مطرح شده است؟

روایات فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام دربارهٔ غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب های شیعه موجود است که در بعضی از آن ها دو مرحله ای بودن غیبت امام نیز بیان شده است.

امام حسین علیه السلام فرمود:

قائم هذه الامه هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبه؛ (۱)

قائم این امت، نهمین نفر از نسل من خواهد بود و او صاحب غیبت می باشد.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

للقائم غیبتان احداهما قصیره والاخری طویله؛ (۲)

برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت خواهد بود؛ یکی از آن ها کوتاه و دیگری طولانی مدت است.

حتی بسیاری از اصحاب ائمه علیهم السلام پیش از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب هایی با عنوان «الغیبه» نوشته اند و روایات مربوط به غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را در آن ها تدوین کرده اند و نام این کتاب ها در کتب رجال، مانند رجال نجاشی آمده است. حتی بعضی از علمای اهل سنت هم اعتراف به غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کرده اند، مانند

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۳.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

ابن صباغ که در کتاب خود نوشته است:

روایات غیبت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف پیش از ولادت او وجود داشـته است و او پیش از قیامش دو غیبت خواهد داشت. (۱)

زمان شروع غیبت

غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از چه زمانی آغاز شده است؟

آغاز غیبت صـغرا از سال ۲۶۰ هجری و هم زمان با شـهادت امام حسن عسـکری علیه السـلام بوده و پایان آن نیز در سال ۳۲۹ هجری و هم زمان با وفات آخرین نایب خاص حضرت است. البته برخی از تاریخ نگاران، آغاز غیبت صغرا را از سال ولادت حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در سال ۲۵۵ هجری می داننـد. براسـاس این نظر، دورهٔ غیبت صـغرا ۷۵ سال و برپایهٔ نظریهٔ اول که بیش تر علمای شیعه به آن معتقدند، حدود هفتاد سال خواهد بود.

غیبت کبرا از سـال ۳۲۹ هجری آغـاز شـد و تا زمانی که خداونـد بخواهـد و مردم لیاقت و آمادگی ظهور و پـذیرش حکومت عدل حضرت را پیدا کنند، ادامه خواهد داشت.

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کودکی هم غایب می شد؟

ابتـدا بایـد منظور از غیب و غایب بودن امام را بـدانیم. غیبت امام، به معنای نیست شـدن و عدم حضور ایشان در بین ما نیست، بلکه غیبت یعنی ناشـناس بودن امام؛ حضـرت در جامعه حضور دارد، در کوچه و خیابان رفت و آمـد می کند و مردم او را می بینند، اما کسـی او را نمی شناسد. هرکس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بیند، گمان می کند یک فرد عادی را دیده است. بنابراین می گوییم امام غایب است، و

۱- الفصول المهمه، ج۲، ص۱۰۹۷.

آن حضرت از زمان تولدشان ناشناس بوده اند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از بدو تولد تا پنج سالگی نزد پدر بزرگوار خویش بوده و امام عسکری علیه السلام ایشان را مخفی می نموده و تنها به شیعیان امین نشان می داده است. آن حضرت بعد از شهادت پدرشان، در پنج سالگی به امامت رسید و از آن زمان تا پایان غیبت صغرا (حدود هفتاد سال)، کسی غیر از نایبان خاص امام با ایشان ارتباط نداشت و بعد از این دوران در ۷۵ سالگی، غیبت کبرا آغاز شد. ارتباط با ایشان قطع شده، و کسی از محل اقامت ایشان خبردار نگشت. اما در روایات آمده است که امام در میان جامعه حضور دارند و شاهد اعمال و گفتار مردم هستند. (۱)

مکان شروع غیبت

محل غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کجاست؟

سرداب، به طبقهٔ زیرین ساختمان اطلاق می شود که در مناطق گرمسیری برای حفاظت از گرمای شدید، زیر ساختمان ساخته می شود. این شیوهٔ ساختمان سازی در بسیاری از مناطق عراق، ازجمله شهر سامراء که دارای آب و هوای گرم و خشک می باشد، مرسوم است. خانهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر سامراء نیز دارای چنین سردابی بود. این خانه که ملک امام هادی علیه السلام بود، پس از شهادت آن حضرت در اختیار امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفت.

براساس شواهد تاریخی، ولادت با سعادت خاتم الاوصیاء و منجی عالم بشریت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این منزل رخ داد. آن بزرگوار، به علت شرایط حاکم بر زمان و وجود خلفای جور، مخفیانه به دنیا آمد و پس از شهادت پدر گرامی اش، غیبت او از آن خانه آغاز شد.

۱- الغیبه، نعمانی، ص۱۶۳، ح۴ و ص۱۴۴.

با توجه به حضور و عبادت سه امام بزرگوار شیعه در این خانه، و اقامت ایشان در سرداب برای مدتی، این خانه و سرداب آن، نزد شیعه مکانی مقدس شمرده می شود.

گفتنی است به علت تولد و زندگی مخفیانهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان حیات پدر، و همچنین آغاز غیبت با شهادت پدر و به امامت رسیدن ایشان، اظهارنظر دربارهٔ محل شروع غیبت مشکل است؛ چراکه اساساً غیبتْ یک امر دفعی نبوده تا از مکان آن سؤال شود، بلکه غیبت امری تدریجی بود که در طول سال ها به اوج خود رسید و به غیبت تامه منجر شد. به علاوه که این امر مسئله ای فرعی است. مهم این است که ما یقین داریم حضرت در طول دوران غیبت میان مردم است

و در مجامع شرکت می کند، نه این که امام تا زمان ظهور در سرداب مخفی

شده است. (۱)

علت غیبت

فلسفه و علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ارادهٔ خداوند رخ داده است و بدیهی است که کارهای خداوند بر اساس عالی ترین مصالح و حکمت هاست؛ گرچه ما با علم و دانش محدود خود آن حکمت ها را ندانیم.

دربارهٔ علت غیبت آن حضرت روایات مختلفی از معصومین علیهم السلام نقل شده است و مطابق بعضی از آن ها غیبت، سرّی از اسرار الهی است که رمز و راز آن پس از ظهور امام علیه السلام آشکار خواهد شد، ولی در بعضی از روایات حکمت هایی برای غیبت بیان شده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- آفتاب مهر، جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.

الف) حفظ جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: حوادث تاریخی زمان امامان علیهم السلام، به ویژه شرایط حساس زمان امام عسکری علیه السلام، نشان می دهد که دشمنان به دنبال کشتن امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف از همان آغاز تولد ایشان بوده اند و خداوند برای حفظ جان حضرت، ایشان را در پس پردهٔ غیبت قرار داد، این مطلب در روایات متعددی مطرح شده است. (۱)

ب) امتحان مردم: خداوند بندگانش را به اسباب گوناگون امتحان می کند و یکی از اسباب آزمایش، غیبت حجت الهی است تا مؤمنان واقعی از منافقان شناخته شوند.

_ امام علی علیه السلام فرمود:

هر آینه خداوند مردی از فرزندانم را در آخرالزمان برمی انگیزد که

برای خون خواهی قیام می کند و هرآینه او [مدت زمانی] از ایشان غایب خواهد شد برای این که اهل گمراهی [از خوبان و هدایت یافتگان] شناخته شوند ... . (۲)

ج) بیعت نکردن با ستمگران: هریک از امامان معصوم علیهم السلام به دلیل شرایط زمانی و کمی یاران، مجبور شدند که با طاغوت زمان خود بیعت کنند، ولی خداوند خواسته است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحت بیعت طاغوتی قرار نگیرد؛ چرا که رسالت اصلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کندن ریشه های طاغوت است، به همین جهت او را در پوشش غیبت قرار داده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

صاحب الامر ولادتش بر این خلق پنهان است تا چون ظهور کرد بیعت کسی

۱- نک: کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، فصل علت غیبت.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

در گردنش نباشد. (۱)

چرا خلیفهٔ عباسی تصمیم گرفته بود تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بعد از تولد، بکشد؟

امام حسن عسکری علیه السلام با سه تن از خلفای عباسی (معتز، مهتدی و معتمد) معاصر بودند.

معتمد عباسی کینهٔ شدیدی از اهل بیت علیهم السلام به دل داشت. به همین دلیل، بلافاصله پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام، مأموران خود را به منزل آن حضرت فرستاد و دستور داد همه جا را دقیقاً بگردند تا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دستگیر کنند؛ در حالی که امام فقط پنج سال داشت. معتمد می دانست که این کودک همان امامی است که تخت طاغوتیان را واژگون خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد ساخت. به این علت می خواست آن حضرت را بکشد؛ همان طور که فرعون می خواست حضرت موسی علیه السلام را بعد از تولدش از بین ببرد.

چه ضرورتی دارد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سال ها پیش از ظهور و قیامش خلق شود؟ چرا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در گذشتهٔ دور برای آینده ای دورتر به دنیا آمده اند؟ چرا خداوند متعال او را در همان زمان که احتیاج به اوست خلق نمی کند؟

به دلایل متعدد عقلی، زمین هیچ گاه نمی تواند خالی از امام باشد. (۲) افزون بر دلیل عقلی، احادیث فراوانی نیز وجود دارد که زمین بدون امام باقی نمی ماند. (۳)

با توجه به این دلایل (عقلی و نقلی) معلوم می شود که امام حتی در حال غیبت نیز محور هستی است و اثر او در عالم وجود، بسیار اساسی و حیاتی است و امکان ندارد حتی برای لحظه ای در جهان هستی نباشد. لذا چگونه می توان ملتزم شد

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، فصل علت غیبت.

۲- نک: موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص۲۶۷.

۳- کافی، ج۱، ص۱۷۸، تعداد ۱۳ حدیث را در این موضوع نقل می کند.

که امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان امام عسـکری علیه السـلام متولـد نشود و زمین خالی از امام بمانـد، در حالی که چنین چیزی عقلاً و نقلاً امکان ندارد.

به چه دلیـل می توان گفت آن امـام که زمین به خـاطر او بـاقی است، همان امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است؟

این مطلب با دلایل فراوان حدیثی ثابت می شود؛ زیرا عقل در بخش تعیین فرد نمی تواند نظر دهد.

بیش از نهصد روایت وجود دارد که ضمن منحصر کردن تعداد امامان در دوازده نفر، مشخصات نسب آن ها را بیان می دارد، و ما با تاریـخ قطعی می دانیم که یازده نفر از این بزرگان از دنیا رفته انـد. از طرفی گفتیم زمین بدون امام نمی ماند؛ پس حتماً بایـد نفر دوازدهم زنـده باشد، و این دلیلی بسـیار متقن و محکم بر وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف است؛ زیرا طبق روایات فراوان، نفر دوازدهم کسـی جز فرزند امام حسن عسـکری علیه السـلام، یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیست. پس فرزنـد امام حسن عسـکری علیه السـلام از همان زمان موجود و زنـده است و در کرهٔ خاکی زنـد گی می کند. (۱)

گفتنی است، امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در این زمان منشأ خیرات و برکات فراوانی برای جهانیان است که از آن به عنوان «آثـار و فوایـد امـام غـایب» در کتـاب ها بحث شـده است. ضـمن آن که وجود و غیبت ایشان با فلسـفه و فرهنگ انتظار هماهنگ است و امید انسان ها محسوب می شود. اصولاً تفاوتی که منجی ما شـیعیان با سایر منجی ها دارد، همین است؛ ادیان دیگر، آمدن منجی را در آینده می دانند و نقشی برای منجی در این زمان قائل نیستند. برخی از اهل سنت نیز می گویند: در آخرالزمان متولد می شود. لذا تلاش و تکاپویی که در فرهنگ شیعه هست، در

۱- برای آگاهی بیش تر نک: امامت و مهدویت؛ صافی گلپایگانی، او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.

هیچ مذهب و دینی مشاهده نمی شود.

چه می شد اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب نبودند؟ و چرا خداوند که قدرت مطلق دارد، ایشان را از هر خطری حفظ نمی کند تا زمینهٔ حضور امام فراهم شود؟

درست است که خدا چنین قدرتی را دارد، ولی کارها باید طبق اسباب و روال عادی انجام گیرد؛ چون بنا نیست که خداوند برای حفظ جان انبیا و ائمه علیهم السلام و ترویج دین، همیشه از راه معجزه پیش برود؛ چون در آن صورت، دنیا دار تکلیف و اختیار و امتحان نخواهد بود. (۱)

به عبارت دیگر: جریان و حوادث عالم براساس قاعدهٔ سبب و مسبب است، وگرنه باید دائماً معجزه رخ دهد. غیبت سپر جان امام خواهد بود و در این صورت، نه نظم عالم به هم می خورد و نه اختیار از انسان ها سلب می شود. البته غیبت امام حکمت های متعددی دارد و حفظ جان امام، تنها یکی از آن هاست. علت های دیگری مانند عدم پذیرش و آمادگی مردم، فراهم نبودن شرایط جهانی برای تشکیل حکومت فراگیر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و امثال آن نیز وجود دارد که برخی از آن ها به ذهن بشریت خطور نمی کند و تنها خداوند متعال بدان ها علم دارد.

دربارهٔ علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسئلهٔ حفظ جان ایشان مطرح شده است، بنابراین چرا امامان گذشته برای حفظ جان خود غایب نشدند؟

آن چه مطابق قاعده است ظهور امام و حضور آشکار او در میان امت است؛ چون او حجت خدا و رهبر و پیشوای مردم است، پس اصل بر این است که او آشکار باشد و مردم او را ببینند و به او دسترس داشته باشند. به همین دلیل همهٔ امامان یازده گانهٔ قبل ــ و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ــ ظاهر و آشکار بودند و حتی خطر

۱- دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص۱۴۸ - ۱۴۹.

جانی هم مانع از حضور و آشکاری آن ها نشـد، ولی امام دوازدهم آخرین حجت خدا و امام معصوم است که باید اهدافِ بر زمین ماندهٔ همه انبیا و ائمه را تأمین کند و دین اسـلام را به همهٔ جهان و جهانیان برساند و ظلم و سـتم را از همهٔ زمین بر دارد؛ حال اگر پیش از فراهم شدن زمینهٔ قیام و انقلابش ظاهر گردد و کشـته شود، دیگر امامی نیست که رسالت او را انجام دهد، به همین دلیـل غـایب شـده است تا جان او محفوظ بمانـد؛ ولی امامان پیشـین هرکـدام وظیفـهٔ امامت خود را در حدّی که امکان داشت انجام می دادند و هرگاه کشـته می شدند، امام پس از ایشان هدف آن ها را دنبال می کرد و به همین شکل اسلام پیش رفت و احکام و معارف قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تبیین و تدوین گردید.

طولانی شدن غیبت

علت طولانی شدن غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

به تأخیر افتادن ظهور، علت های مختلفی دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. عدم پذیرش جهانی:

برای این که قیـام حضـرت به نتیجه برسـد، لازم است بیش تر مردم آمادگی پـذیرش حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را بیابنـد و با جان و دل، به دسـتورهای ایشان گردن نهنـد. این پـذیرش جهانی زمانی روی می دهد که مردم از تمام حکومت های برپا شـده ناامید شوند و ببینند که افراد عادی نمی توانند عدالت و معنویت جامعه را تأمین کنند. در این صورت، خودبه خود به این نتیجه می رسـند که فقط امامی معصوم که به اسـرار عالم آفرینش و انسان ها آگاه است، می تواند حکومت عدل را برپا کند. همچنین درمی یابند که عدالت، لازم ترین چیزی است که باید به آن پای بند بود و

حتی در موارد ضرر به خود نیز، نباید روی عدالت پا گذاشت و ظلم بر دیگران را روا دانست. بعد از فراهم آمدن این مقدمات، مردم سراسر جهان احکام اسلام و فرمان های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را که عین اسلام است، به جان می پذیرند.

۲. نبودن یاران حقیقی:

برای پیروزی قیام و نهضت، باید یارانی پاک باخته و مجاهد وجود داشته باشند؛ به طوری که تمام هستی خود را در راه تحقق اسلام و عدالت فدا کنند و در راه خدمت به دین و مردم آماده تحمل هرگونه سختی باشند؛ افرادی دانا، توانا، باتقوا و دارای روحیهٔ گذشت و ایثار که با تلاش شبانه روزی، دستورهای حضرت را اجرا کنند و هدف قیام را تحقق بخشند.

۳. فراهم نبودن زمینهٔ تشکیل حکومت جهانی:

بعضی معتقدند پیشرفت های صنعتی و فن آوری و نیز وجود گسترده و قوی وسایل ارتباط جمعی، زمینه ساز ظهور به شمار می آیند و برای حکومت جهانی، باید چنین ابزاری نیز به طور گسترده در تمام جهان فراهم آید تا مردم دنیا به درستی از وضعیت نظام ظلم و جور حاکم بر جهان آگاه گردند؛ و از طرف دیگر، با نظام الهی و نجات بخش اسلام به طور صحیح آشنا شوند. در نتیجه، قدرت تشخیص حق از باطل را یافته و برای تحقق دولت حق به تلاش و جنبش افتند؛ افزون بر این که برای کنترل و ادارهٔ جهان به دست دولتی مرکزی، به چنین وسایل پیشرفته ای نیاز جدّی است.

مدت غیبت

غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تا چه زمانی طول خواهد کشید؟

در مورد زمان دقیق پایان غیبت حضرت و وقت ظهور، کسی اطلاعی ندارد و اگر

کسـی مـدعی تعیین وقت ظهور و پایـان غیبت بشود، دروغ گو است؛ زیرا موضوع پایـان غیبت حضـرت و اعلام ظهور، فقط به ارادهٔ الهی بسـتگی دارد و خود حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف هم منتظر دستور و فرمان ظهور از سوی خداوند است.

به همین دلیـل، نه تنهـا در روایات زمانی برای ظهور تعیین نشـده، بلکه تعیین کننـدگان به شـدت دروغ گو خوانـده شـده انـد. فردی به نام مهزم از امام صادق علیه السـلام پرسـید: «فـدایت شوم! ظهور قائم آل محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم و تشـکیل دولت حق به درازا کشید؛ پس چه وقت روی می دهد؟» حضرت پاسخ داد:

تعیین کننـدگان وقت ظهور دروغ می گویند، تعجیل کنندگان هلاک می شوند، و تسـلیم شوندگان نجات می یابند و به سوی ما بازمی گردند. (۱)

البته این که بعضی از علما و یا دوستان امام بشارت نزدیکی ظهور را می دهند، به معنی خبردادن از زمان ظهور نیست؛ چون از علایم و نشانه ها نزدیکی ظهور را می توان فهمیـد و امیـدوار شـد و آن چه در روایات نهی شده است، خبر دادن دقیق از زمان ظهور است که علم آن تنها نزد خداوند است.

۱- کافی، ج۱، ص۳۶۸، ح۱.

سفیران امام

اشاره

منظور از نایب یا نواب چیست؟

نایب از ریشهٔ لغوی «ناب نیوب نوباً» و به معنی نزدیک شدن، رجوع کردن و... استعمال شده است، و به تناسب با همین معانی، اصطلاحاً به معنی جانشین و قائم مقام به کار رفته است؛ چراکه نایب و جانشین نیز به «منوب عنه» رجوع کرده و به او نزدیک است (۱).

واژهٔ نایب و جمع آن، نواب، مانند طالب که جمع آن طلاب می باشد، دربارهٔ سفرای اربعهٔ عصر غیبت صغرا استعمال شده است. لازم به ذکر است که تعبیر نایب و نواب، مخصوص سفرای اربعهٔ عصر غیبت صغراست؛ چراکه نایب به معنای جانشین و قائم مقام به کار می رود و این معنا در مورد نواب اربعه، که به طور مطلق به عنوان نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفو جانشین او و تنها واسطه بین او و شیعیان بود، قابل صدق است؛ به خلاف عصر حضور ائمه علیهم السلام که با وجود ابواب و وکلا، شیعیان نیز با امام در ارتباط بودند و از این رو، برترین وکلای ائمه علیهم السلام نیز نایب و جانشین و قائم مقام مطلق آنان محسوب نمی شدند.

نیابت چند نوع می باشد؟

همان طورکه غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو مرحلهٔ غیبت صغرا و کبرا تقسیم

۱- صحاح، ج۱، ص۲۸۸ (به نقل از: سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، محمدرضا جباری).

می شود و دو گونه بود، نیابت نیز دارای دو مرحله و دو گونه است: نیابت خاصه در غیبت صغرا، و نیابت عامه در غیبت کبرا (۱).

منظور از نیابت خاصه چیست؟

نیابت خاصه، آن است که امام، اشخاص خاصی را نایب خود قرار دهد و به

اسم و با مشخصات معرفی کند، و هرکدام را خود آن حضرت و یا به وسیلهٔ نایب پیش از او، به مردم بشناساند. همان طوری که امام حسن عسکری علیه السلام این کار را انجام داده و فرمود:

عمری و پسرش (عثمان بن سعید، نایب اول و محمد بن عثمان، نایب دوم) مورد اعتماد هستند. هرچه آن ها به تو برسانند از من می رسانند و آن چه به تو بگویند از جانب من می گویند. (۲)

بنابراین کسانی که در دورهٔ غیبت صغرا، نیابت داشته اند و با اسم معرفی شده بودند، نایب خاص نامیده می شوند.

منظور از نیابت عامه چیست؟

نیابت عامه آن است که امام علیه السلام ضابطه ای کلی به دست دهد، تا در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه، از همه جهت، و در همهٔ ابعاد، بر او صدق می کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از امام، در امر دین و دنیا ولیّ جامعه باشد. البته این ضابطهٔ کلی از احادیث به دست می آید. همان طوری که اسحاق بن یعقوب گوید: از محمد بن عثمان عمری درخواست کردم نامه ای را که مشتمل بر مسائل دشوار بود به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند و توقیعی به خط مولای ما صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص۴۶.

۲- «العمری وابنه ثقتان، فما ادبا الیک فعنی یؤدّیان وما قالا لک فعنی یقولان» (الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۶۰، ح۳۲۲).

چنین صادر شد:

و اما رویـدادها و پیشامدهایی که در آینده روی خواهد داد، دربارهٔ آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آن ها هستم (۱).

اما این که چطور فهمیده شود که چه کسی مصداق خارجی این حدیث است؛ در یک حدیث دیگر ویژگی ها و صفات آن را مشخص کرده است که امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

هرکس از فقها نفس خود را از گناه و محرمات نگهـداری کنـد و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و مطیع مولای خود باشد، پس کسی که فقیه نیست و قدرت استنباط ندارد باید از او تقلید کند (۲).

بنابراین طبق این حدیث، نایب عام باید چهار شرط زیر را داشته باشد:

۱. دوری از گناه؛

۲. حفظ دین؛

۳. مخالف هواهای نفسانی؛

۴. مطیع بودن و اطاعت از خداوند و ائمه علیهم السلام.

بنابراین کسانی که این شـرایط را داشـته باشـند، نایب عام حضـرت هسـتند و کسانی که بعد از دورهٔ غیبت صغرا، یعنی از آغاز دورهٔ غیبت کبرا نیابت دارند، نایب عام نامیده می شوند.

۱- «واما الحوادث الواقعه فـارجعوا فیهـا الی رواه حـدیثنا فـانهم حجتی علیکم وانا حجه الله علیهم» (کمال الـدین، ج۲، ترجمه: منصور پهلوان، ص۲۳۷ – ۲۳۸، ح۴).

۲- «وامّا من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدینه مخالفاً لهواه مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلّدوه» (الاحتجاج، طبرسی، ج۲، ص۴۵۶).

هدف و غرض از انتخاب افرادی به عنوان نایبان خاص چه بوده است؟

به طور کلی می توان گفت که از انتخاب افرادی به عنوان نواب اربعه، دو غرض اساسی داشتند:

۱. آماده کردن اذهان عمومی برای غیبت کبرا و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان زیستی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و جلوگیری از غافلگیرشدن در موضوع غیبت. اگر امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور ناگهانی غیبت می کرد، چه بسا موجب انکار مطلق وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انحراف افکار عمومی می شد. نمایندگان خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا به این هدف که آماده سازی افکار و اذهان عمومی برای غیبت کبرا بود، نایل آمدند؛

۲. رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان، و پر کردن خلأ و کمبودی که از ناحیهٔ عدم حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اجتماع شیعیان پیدا شده بود.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریفتوانست به وسیلهٔ آنان رهبری خویش را در جامعه اعمال کند و خسارت های ناشی از عدم حضور مستقیم خود را جبران نماید و مصالح اجتماع آن زمان و دوستداران را در سخت ترین شرایط اجتماعی و سیاسی که بی اندازه پیچیده و دشوار بود حفظ کند و نگذاشت شیعیان منحرف شوند و متلاشی گردند. (۱)

نواب خاص چه وظایفی را برعهده داشتند، و به بیان بهتر در چه زمینه هایی فعالیت می کردند؟

واقعیت این است که فعالیت نواب، جدا از زندگی آن ها نبود؛ به بیان دیگر، زندگی آنان عجین شده بود با فعالیت و مسئولیتی که از طرف امام به آن ها محول

۱- تاریخ الغیبه الصغری، سید محمد الصدر، ج۱، ص۴۲۶.

شده بود. بنابراین ما فقط به چند مورد مهم از آن اشاره می کنیم:

۱. معرفی حضرت:

نواب خاص، مخصوصاً نایب اول، تلاش می کردند تا به شیعیان بفهمانند که امام یازدهم علیه السلام دارای فرزند می باشد و این فرزند امام نیز هست. بنابراین یکی از مسئولیت های نواب خاص این بود که وجود مبارک امام را برای هواداران مورد اعتماد حضرتش به اثبات رسانند (۱).

۲. جلوگیری از فرقه گرایی و آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت:

فعالیت های سفیران نیز این هدف را دنبال می کرد که جماعت امامیه را از انشعابات بیش تر با اثبات امامت پسر امام عسکری علیه السلام حفظ کنند. برای رسیدن به این هدف، آنان آن دسته از گفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام را که دلالت دارد بر این که مجموعهٔ امامان به دوازده ختم می شود و آخرین آن ها غیبت خواهد کرد، به کار می گرفتند (۲).

۳. اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

نایبان چهارگانه وظیفهٔ دیگری را به نام امام انجام می دادند. آنان وجوهاتی را که امامیه پیش از این به ائمه علیهم السلام می پرداختند، دریافت و جمع آوری می کردند. طبق مآخذ امامیه، همهٔ این نایبان در وصول وجوهات دست به اعجازهایی می زدند تا پیروان و هواداران شیعی، حقانیت ایشان را باور کنند (۳).

نواب خاص، هرکدام در دوران سفارت خودشان، اموال متعلق به امام را از مردم می گرفتند و به امام می رساندند.

۴. پاسخ گویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی:

۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۳۹ - ۱۴۰.

۲- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۴۰.

۳- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۴۰.

یکی از مهم ترین وظایف نواب این بود که سئوالات را از شیعیان می گرفتند و به امام می رساندند و جواب را دریافت کرده و به مردم برمی گرداندند؛ برای مثال می توان به سؤالاتی که اسحاق بن یعقوب از محمد بن عثمان درخواست می کند و توقیعی با خط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ایشان صادر می شود، اشاره کرد. (۱)

به نظر می رسد در تمام دوران چهار سفیر، از این نوع سؤالات بوده و نواب سؤالاتی را به امام می رساندند و جواب دریافت می کردند و از این طریق مشکلات شیعیان را حل می نمودند. توقیعات زیادی هم در این زمینه از امام عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است.

۵. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت و وکلای خائن؛

۶. سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت:

سیاست تعیین وکیل، به منظور ادارهٔ امور نواحی مختلف و ایجاد رابطه میان شیعیان و امامان، حداقل از زمان امام کاظم علیه السلام به این سو معمول بود. پس از آغاز غیبت، تماس مستقیم وکلا با امام قطع شد و به جای آن، محور ارتباط، نایب خاصی شد که آن حضرت تعیین فرموده بود. مناطق شیعه نشین تا حدی مشخص بود و بنا به ضرورت، در هر منطقه وکیلی تعیین می شد؛ چنان که گاهی تعدادی از آن ها که در مناطق کوچک تری انجام وظیفه می کردند، تحت سرپرستی وکیل دیگری قرار می گرفتند که پیش از غیبت از طرف امام وقت و در زمان غیبت به وسیلهٔ نایب خاص برای آنان تعیین می شد. این وکلا، اموالی را که بابت وجوه شرعی از مردم می گرفتند به طریق گوناگون پیش نایب خاص در بغداد می فرستادند و آن ها نیز وجوه رسیده را طبق دستور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در موارد معیّن مصرف می کردند.

در مواردی امکان داشت برخی از وکلا به ملاقات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب شوند.

۱- کمال الدین، ج۲، باب۴۵، ص۲۳۷.

چنـان که محمـد بن احمـد قطّـان، از وکلای ابوجعفر، نایب دوم، به ملاقات آن حضـرت نائل شـد. (۱) ولی این ملاقـات های بسـیار نـادر، به هیـچ وجه به معنـای ارتبـاط مسـتقیم آنـان بـا امام نبود، بلکه معمولاً با اشـراف نایب خاص انجام می گرفت. به روایت احمد بن مقیل قمی، ابوجعفر دَه وکیل در بغداد داشت که نزدیک ترین آن ها به وی، حسـین بن روح بود که بعدها به عنوان نایب سوم از جانب حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تعیین شد.

در ضـمن وکلایی در اهواز، سامراء، مصر، حجاز، یمن و نیز در مناطقی از ایران مانند خراسان، ری، قم و... بودند که اخبار آن ها به طور جسته و گریخته دربارهٔ مسائل و موضوعات دیگری در کتاب الغیبه طوسی و کمال الدین صدوق آمده است (۲).

انتصاب نواب اربعه براساس چه ملاک هایی بود؟

امامان معصوم علیهم السلام حتماً بر اساس معیارهایی، افراد را به این سمت انتخاب می کردند که به مواردی اشاره می شود:

۱. تقیه داشتن و مراعات آن در همه حال:

سفیر اول، یعنی عثمان بن سـعید به عنوان تقیه کوشـید خود را از بازرسـی های رژیم عباسی دور نگه دارد؛ بدین ترتیب که در هیچ مجادله و بحث آشکار مذهبی یا سیاسی درگیر نمی شد (۳).

علاوه بر آن، در روایت دیگری هم هست که به سـفیر سوم، یعنی حسـین بن روح خبر دادنـد که نگهبان درب اول، معاویه را لعن و نفرین می کنـد. وی امر کرد تـا او را اخراج کرده و راندنـد. مـدت زیـادی به این ترتیب گـذشت و دائمـاً در مورد او از حسین

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۴۴۲.

۲- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص ۵۸۸ - ۵۸۹.

۳- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۴۹.

بن روح خواهش می شد تا نگهبان را بازگرداند، اما وی هرگز آن خدمتکار را برنگرداند. همهٔ این کارها را حسین بن روح به خاطر تقیه انجام می داد.

همهٔ نواب اربعه رازدار بودند؛ یعنی هم باید نسبت به خودی ها رازدار می بودند. و هم در مقابل دشمنان صبر و استقامت نشان می دادند؛ برای مثال سفیر اول، خود را به صورت روغن فروش درآورده بود و از این طریق رابط بین مردم و امام بود.

در احوالات سفیر سوم هست که از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چطور شد که حسین بن روح نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شد، ولی تو به این مقام نرسیدی؟! گفت:

ایشان [یعنی ائمه علیهم السلام] بهتر می دانند، و آن چه که ایشان بپسندند [همان حق است]، من مردی هستم که با مخالفین [اهل سنت] ملاقات می کنم و با آن ها مناظره و مجادله می کنم؛ اگر من وکیل و نایب حضرت می شدم و همچنان که ابوالقاسم مکان ایشان را می داند از مکان امام خبر داشتم و در مقام مجادله، در جواب حجتی و دلیلی معطل می ماندم، چه بسا در آن حالت مکان آن حضرت را به دیگران نشان می دادم، ولی ابوالقاسم اگر حجت خدا در زیر لباسش باشد و او را با قیچی تکه تکه کنند وی را به مردم نشان نمی دهد (۱).

۲. نسبت به دیگران عاقل تر بودن:

نواب اربعه نسبت به دیگران هم از جهت عقل و هم از جهت فهم مسائل در حد بالا بودند، همان طوری که شیخ طوسی نقل می کند که راوی می گوید: «من عاقل تر از شیخ ابوالقاسم حسین بن روح ندیدم». (۲)

علاوه بر دو ملاکی که گفته شد، می توان یک ملاک هم اضافه کرد که ائمه علیهم السلام

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ترجمه: مجتبی عزیزی، ص۹۸۷.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ترجمه: مجتبی عزیزی، ص۶۶۷.

کسانی را برای نایب بودن انتخاب می کردند که حکومت وقت نسبت به آن شخص حساسیت کمی داشته باشد تا شخص مورد نظر بتواند به آن اهدافی که انتخاب شده برسد؛ بنابراین ملاک سوم عبارت است از:

۳. حساس نبودن حکومت نسبت به شخص انتخاب شده.

شیعیان با نواب اربعه چگونه ارتباط برقرار می کردند؟

به طور کلی می توان گفت که شیعیان از دو طریق می توانستند با نواب اربعه ارتباط برقرار کنند و مشکلات و مسائل خودشان را به آن ها برسانند:

۱. ارتباط مستقیم و بدون واسطه:

شیعیان مستقیماً به نواب اربعه مراجعه می کردند و مشکلات خودشان را می گفتند تا از این طریق با امام رابطه برقرار کنند.

۲. ارتباط غیرمستقیم و باواسطه:

در این روش، به خاطر ترس از حاکمان وقت و عمال آن ها، به صورت مستقیم به نواب مراجعه نمی کردند، بلکه به کسانی که نماینده و وکیل نواب بودند مراجعه می کردند و از این طریق خواستهٔ خود را به نواب منتقل می کردند. برای نمونه محمد قطان، دومین وکیل سفیر در بغداد بود؛ وکلا وجوهات و نامه ها را در پارچه پیچیده نزد او می آوردند تا برای سفیر ببرد. (۱)

نیابت نواب اربعه چگونه ثابت می شد و یا چگونه به شیعیان ثابت می کردند که نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؟

به دو طریق نیابت نواب اربعه اثبات می شد:

۱. بعضی از نواب توسط امام معرفی می شدند و امام تصریح می کردند که نایب من هستند.

۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۵۰.

برای مثال نایب اول و دوم توسط امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیان معرفی شدند و از این طریق به شیعیان ثابت شد که آن ها نایب امام هستند. شیخ طوسی نقل می کند که:

تعدادی از دوستان و شیعیان در خدمت امام عسکری علیه السلام بودند؛ امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به عثمان فرمودند: تو وکیل و مورد اطمینان و امین بر مال خدا هستی؛ شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و فرزندش محمد، وکیل فرزند من مهدی شماست. (۱)

۲. راه دوم برای اثبات نایب بودن این بود که توسط نایب قبلی که مورد اطمینان بود و شیعیان هم شناخته بودند، نایب بعدی به آن ها معرفی می شد.

برای مثال نایب سوم توسط نایب دوم به مردم معرفی شد و از این طریق به شیعیان اثبات شد که نایب بعدی ایشان است. جعفر بن متین از بزرگان شیعه می گوید در زمان احتضار و از دنیا رفتن ابی جعفر محمد بن عثمان عمری، بالای سرش نشسته بودم و مسائلی را از او می پرسیدم و با او صحبت می کردم، و ابوالقاسم حسین بن روح هم پایین پای ایشان بود. در همین حین متوجه من شد و گفت: «مأمور شده ام که به ابوالقاسم حسین بن روح وصیت کنم». با شنیدن این حرف بلند شدم و دست ابوالقاسم را گرفتم و در جای خودم و بالای سر ابوجعفر نشاندم (۲)علاوه بر آن در روایت دیگر هست که ابوجعفر محمد بن عثمان عمری بزرگان را جمع می کند و می گوید: «هرگاه حادثهٔ مرگ به من رو آورد، امر وکالت و نیابت به ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی واگذار می شود؛ من مأمور شده ام که او را بعد از وفاتم به جای خودم بگذارم، پس به ایشان رجوع کنید، در کارهایتان به او اعتماد

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۸-۶۱۹.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۴۴.

داشته باشید». (۱)

البته لازم به ذکر است که این نیز به دستور امام بود؛ یعنی امام به نایب قبلی دستور می داد تا فلان شخص را به نایب بعدی برای شیعیان معرفی کند.

در ضمن علاوه بر این دو طریق، به عنوان تأییدِ موارد قبلی می توان گفت که از طریق کراماتی که آن ها انجام می دادند اثبات می شد که آن ها نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. نکتۀ مهم این است که این کرامات در بعضی مواقع توسط خود نایب انجام می گرفت. البته این نیز با عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و در بعضی مواقع هم نایبان، کراماتی را نقل می کردند که توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام گرفته بود. در روایت هست که تعدادی از علما از حسین بن علی بن بابویه قمی به من خبر دادند که او گفته است: جماعتی از علمای قم به من خبر دادند در همان سالی که پدر من، یعنی علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از دنیا رفت به بغداد رفتیم و به محضر ابوالحسن علی بن محمد سمری رسیدیم. ایشان همیشه از احوال علی بن الحسین بن بابویه از ما سؤال می کرد که: [حالش چطور است؟] ما هم به ایشان می گفتیم: نامه آمده که ایشان حالش خوب است، تا این که روز رحلت او احوالش را مثل همیشه از ما پرسید و ما هم جواب همیشگی را دادیم؛ ایشان به ما گفتند که خداوند در خصوص فوت علی بن الحسین به شما پاداش کرامت دهد، او همین ساعت از دنیا رفت. ما ساعت و تاریخ آن روز و ماه را یادداشت کردیم، تا این که پس از هفده یا هجده روز خبر رسید که ابن بابویه در همان ساعتی که شیخ ابوالحسن فرموده، از دنیا رفته است. (۲)

همچنین توقیعاتی که از طرف نواب به شیعیان می رسید، یکی از راه های اثبات

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۴۵.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۸۵-۶۸۶.

نیابت نواب اربعه بود. برای اطلاع بیش تر رجوع کنید به کمال الدین شیخ صدوق، باب۴۵، بخش توقیعات .

نواب اربعه چه کسانی هستند؟ به ترتیب اسامی آنان چیست؟

نواب خاص، چهار نفر بودند و به ترتیب اسامی آن ها عبارت اند از:

۱. ابوعمرو عثمان بن سعید العمری الاسدی؛

۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید العمری؛

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛

۴. ابوالحسن علی بن محمد سمری.

اسم و کنیه و القاب اولین نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بنویسید؟

اسم اولین نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، عثمان فرزند سعید است؛ یعنی عثمان بن سعید، و هیچ اختلافی در آن نیست و مورد اتفاق همهٔ علمای رجال و حدیث است. عثمان بن سعید دو کنیه داشت:

۱. ابوعمرو: به این خاطر کنیهٔ وی ابوعمرو بود که جد پدر ایشان «عمرو» بوده است و به نظر می رسد که این کنیه خیلی معروف و شناخته شده بوده است.

۲. ابومحمد: به اعتبار فرزندش محمد که دومین نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

عثمان بن سعید در میان شیعیان به چهار لقب مشهور است که عبارت اند از:

الف) سمان یا زیات؛

ب) اسدی؛

ج) عسکری؛

د) عمری.

چرا لقب عثمان بن سعید، سمان یا زیات است؟

بنا به نقل شیخ طوسی به این دلیل به ایشان سمّان «روغن فروش» می گفتند،

که او در امر تجارت روغن اشتغال داشت و به همین وسیله امر سفارتش را پنهان می کرد.

شیعیان اموالی را که واجب بود تا به امام حسن عسکری علیه السلامبرسانند، به دست عمرو می رساندند. او هم به جهت ترس از حکومت جبار عباسی اموال و نامه ها را در تُنگ و جای روغن قرار می داد و مخفیانه به منزل امام می برد (۱).

بنابراین می توان گفت که برای مخفی کردن موقعیت حساس و خطیر خود دست به این کار زده بود و از این طریق می توانست بهتر به وظیفهٔ خود عمل کند.

چرا لقب اسدی را به عثمان بن سعید داده بودند؟

عثمان بن سعید از طایفهٔ اسدی بود و به همین خاطر یکی از القاب وی

اسدی بود. (۲)

به چه دلیل یکی از القاب عثمان بن سعید عسکری بود؟

بنا به نقل شیخ طوسی به این دلیل او را عسکری می گفتند که اهل منطقهٔ عسکر در شهر«سرّ من رأی» بود. (۳)

در ضمن بنا به نقل دوانی در مفاخر الاسلام، چون امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام در محلی به نام عسکر بودند و عثمان بن سعید ملازم با این دو امام بزرگوار بود، به همین خاطر به ایشان نیز عسکری گفتند (۴).

یکی از القاب معروف نایب اول، عمری بود، چرا؟

عثمان بن سعید به لقب عمری بیش تر معروف بود؛ شیخ طوسی دو علت برای

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۵.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۴.

۳- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۵.

۴- مفاخر الاسلام، علی دوانی، ج۲، ص۲۲.

این شهرت ذکر می کند:

۱. چون به جدش جعفر بن عمری منسوب شده است؛

۲. جماعتی از شیعیان گفته اند امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: در یک مورد دو نام عثمان و ابوعمر جمع نمی شود و حضرت دستور دادند که کنیهٔ او را برهم زنند و بعد از آن عمری خوانده شد. (۱)

عثمان بن سعید، وکیل و نایب چند امام بودند؟

عثمان بن سعید وکیل دو امام، یعنی امام دهم و یازدهم علیهما السلام بود و بعد از امام عسکری علیه السلام، نایب امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف شد. بنابراین ایشان شخصیتی است که به سه امام بزرگوار خدمت کرده است.

آیا دلیلی بر این وجود دارد که ایشان (عثمان بن سعید) مورد اطمینان و امین امام هادی و امام عسکری علیهما السلام و همچنین وکیل امام عسکری علیه السلامبوده است؟

روایتی از امام هادی و امام عسکری علیهما السلام وجود دارد که دلالت می کند عثمان بن سعید امین آن ها بود؛ ازجمله این که احمد بن اسحاق بن سعد قمی می گوید:

روزی به محضر مبارک امام علی النقی علیه السلام رسیدم و عرض کردم: «من گاهی در شهر هستم، گاهی هم به مسافرت می روم، بنابراین نمی توانم همیشه خدمت شما برسم، پس در صورت نبودن شما حرف چه کسی را قبول کنیم؟ و دستور چه کسی را اطاعت کنیم؟» حضرت به من فرمود:

این ابوعمرو است که مورد اطمینان و امین است و آن چه که برای شما بگوید از جانب من می گوید و آن چه را که به شما برساند از جانب من رسانده است (۲).

عثمان بن سعید علاوه بر مورد اطمینان بودن امام دهم علیه السلام، امین امام یازدهم علیه السلام

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۱۰۲-۱۰۳.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۵-۶۱۶.

هم بود برای مثال راوی می گوید: زمانی که امام هادی علیه السلام از دنیا رفت و امامت به فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام رسید، روزی به محضر ایشان رسیدم و گفتم: «همیشه نمی توانم به خدمت شما برسم، پس حرف چه کسی را قبول کنم و به چه کسی مراجعه کنم؟»

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

این ابوعمرو است که مورد اطمینان و امین است و هم برای امام قبلی و هم برای من، در حیات و مرگ من مورد اطمینان من است. بنابراین آن چه که برای شما بگوید از طرف من می گوید و آن چه را که به شما برساند از جانب من رساننده است. (۱)

علاوه بر آن، روایت دیگری است که راوی می گوید: در سامرا به خدمت امام یازدهم علیه السلام رسیدیم؛ تعدادی از دوستان و شیعیان ایشان در خدمت امام بودند، تا این که بدر (خادم حضرت) وارد شد و گفت: «ای مولای من، تعدادی از شیعیان یمنی می خواهند خدمت شما برسند». امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «برو و عثمان بن سعید عمری را نزد من بیاور». طولی نکشید که عثمان آمد و حضرت امام عسکری علیه السلام خطاب به او فرمودند: «ای عثمان تو وکیل و مورد اطمینان و امین بر مال خدا هستی، برو و از این چند نفر یمنی اموالی را که آورده اند تحویل بگیر». ما همگی به حضرت عرض کردیم: «ای سید ما به خدا قسم عثمان از بهترین شیعیان توست، و شما با این کار آگاهی ما را نسبت به منزلت خدمت گزاری او زیاد فرمودید و این که او وکیل و ثقهٔ شما برمال خداست». حضرت فرمودند: «بلی شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است» (۲).

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۶.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۸-۶۱۹.

این روایت نشان می دهد که هر دو امام، اطمینان فوق العاده به عثمان بن سعید داشته اند و کم تر کسی می توان پیدا کرد که ائمه علیهم السلام به عنوان امین خودشان معرفی کنند و خوشا به حال نایب اول که این همه مورد اطمینان امام یازدهم و دوازدهم علیهما السلام بود. در ضمن وقتی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شدند، امام یازدهم علیه السلام به عثمان بن سعید دستور می دهد تا گوسفندی را ذبح و پخش کند.

چون سید [امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف] متولد شد، امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: به دنبال ابوعمرو بفرستید و چون به دنبال او فرستادند و به نزد امام آمد، به او فرمود: «ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت خریداری کن»، به گمانم فرمود: «آن را میان بنی هاشم تقسیم نما» (۱).

مرکز فعالیت عثمان بن سعید در کجا و در کدام شهر بود؟

مرکز فعالیت عثمان بن سعید در بغداد بوده است.

به چه دلیل عثمان بن سعید از سامرا به بغداد مهاجرت کرد؟

چون سامرا پایتخت سلسلهٔ عباسی بود و عباسیان از اول هم مخالف ائمه علیهم السلام بودند و علاوه بر ائمه علیهم السلام کسانی هم که می خواستند با ائمه علیهم السلام ارتباط داشته باشند را زیر نظر داشتند. به همین خاطر فعالیت در سامرا خیلی سخت شده بود و به ناچار به بغداد رفت و کار خودشان را در آن جا انجام داد. «پس از رحلت امام یازدهم، نخستین سفیر، دیگر دلیلی برای اقامت در سامرا نداشت. در آن زمان سامرا پایتخت و مقرّ لشکریان سلسلهٔ عباسی بود که از آغاز با ائمه مخالفت می کردند. شاید به همین دلیل باشد که عثمان بن سعید می خواست فعالیت های سازمان را به دور از چشم مقامات دولتی در پایتخت رهبری کند. بنابراین وی به بغداد مهاجرت کرد و در آنجا منطقهٔ کرخ (محل سکونت شیعیان) را مرکز رهبری سازمان

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۱۵۶، [یک رطل مساوی با ۸۴ مثقال است].

امامیه قرار داد». (۱)

آیا عثمان بن سعید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده است؟

جناب عثمان بن سعید رابط بین مردم و امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است. بنابراین حتماً امام را دیده است؛ حتی بعد از تولد امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، پدر بزگوار ایشان یعنی امام حسن عسکری علیه السلام در مجلسی به چهل نفر از شیعیان فرزند دلبندشان را نشان می دهد و عثمان بن سعید هم جزو آن چهل نفر بوده است. علاوه بر این، در جواب پرسشگری که می پرسد آیا شما امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده ای یا نه؟ می گوید: «بلی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده ام» و آن حضرت را توصیف می کند. بنابراین هیچ شک و شبهه ای نیست که وی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده است.

آیا درست است که عثمان بن سعید امام حسن عسکری علیه السلام را غسل داده و کفن کرده است؟

با توجه به روایتی که در ذیل خواهد آمد، عثمان بن سعید غسل و کفن امام را انجام داده است. راوی می گوید:

وقتی که امام حسن بن علی العسکری علیه السلام از دنیا رفت، عثمان بن سعید ایشان را غسل داد و کارهای تجهیز بدن شریف حضرت، ازجمله تکفین، حنوط و دفن امام را انجام داد (۲).

در این روایت دو احتمال وجود دارد:

اول اینکه عثمان بن سعید به دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کارهای تجهیز بدن شریف امام یازدهم علیه السلام را انجام داده باشند؛

دوم این که در ظاهر امر تجهیز به دست عثمان انجام پذیرفته باشد، اما امام

۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۴۹.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۹.

مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در خفا عهـده دار امر تجهیز شـده باشـند؛ همچنان که در روایات است تجهیز امام با امام بعدی است.

عثمان بن سعید چند فرزند داشته است؟

به نظر می رسد که نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، عثمان بن سعید دو فرزند داشته است: یکی با نام محمد بن عثمان که جانشـین پـدر می باشـد؛ یعنی نایب دوم امام می باشـد که بعداً در این باره مفصل مطالبی خواهیم نوشت، و دوم اینکه شـیخ طوسـی در کتاب خودش از ابی بکر بغـدادی با عنوان برادرزادهٔ محمد بن عثمان یاد می کند (۱) و این بیانگر این است که محمد بن عثمان برادری داشته است، ولی اسم برادرش در تاریخ نیامده است و بیش تر از این چیزی در دست نیست.

عثمان بن سعید چند سال نایب اول امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند؟

ابتدای نیابت عثمان بن سـعید بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام است؛ یعنی از هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ قمری، و در این مورد هیـچ شک و شـبهه ای نیست که ابتـدای نیابت ایشان از تاریـخِ ذکر شـده شـروع شده است؛ اما پایان نیابت ایشان دقیقاً مشخص نیست؛ چون مرگ ایشان مشخص نیست.

عثمان بن سـعید در کجا و در چه تاریخی متولـد شـده و در چنـد سالگی به نیابت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشـریف رسیده است؟

با این که عثمان بن سـعید از اوایل عمرش در خدمت امام دهم علیه السـلام و بعد امام یازدهم علیه السلام بود، ولی متأسفانه به طور دقیق تاریخ تولد ایشان مشخص نیست و حتی بیان نشده که در کجا متولد شده است؛ البته در سامراء در خدمت امام دهم و یازدهم علیهما السلام بود و بعد از شهادت آن دو بزرگوار و با شروع نیابت اول، ایشان به بغداد

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۷۱۶.

آمـد و کارش را از بغـداد شـروع کرد. بنابراین مشـخص نیست که در چند سالگی به نیابت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است.

عثمان بن سعید در چه سالی و در چه سنی و در کجا وفات یافت؟

سن عثمان بن سـعید مشخص نیست؛ چون تاریخ دقیق تولد و مرگ ایشان مشخص نیست. جاسم حسین در این باره می گوید: «علی رغم نقش مهم عثمان بن سعید به عنوان نخستین نایب، هیچ کس تاریخ مرگ او را ارائه نمی دهد».

مورخین متأخر کوشـیده اند تا تاریخ های قابل توجهی را ارائه دهند. هاشم حسینی می نویسد: «سفارت عثمان بن سعید تا سال ۲۶۵ ادامه داشته است». اما هیچ مأخذی را ذکر نمی کند.

در مقابل جواد علی چنین می نویسد:

«بیست سـال پس از غیبت امـام دوازدهم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف، نخسـتین سـفیر در سـال ۲۸۰ هجری درگـذشت. در توقیعی که گفته می شود امـام غائب عجل الله تعالی فرجه الشـریف به پسـر نخستین سـفیر و جماعت شـیعه خطاب کرده است، پس از مراتب تسلیت های قلبی بر مرگ چنین مرد متقی، امام پسرش ابوجعفر (محمد) را به جانشینی او منصوب می کند».

در عین حال، جواد علی بر روایت شـیخ طوسـی تکیه دارد. شـیخ طوسی اشاره می کند که محمد بن همام راوی، حدیث را در سال۲۸۰ از محمد شنیده است؛

وی هیـچ تـاریخی را برای رحلت نخستین سـفیر بیـان نمی دارد. به علاـوه به نظر می رسـد نخستین سـفیر مـدت زیادی در این سمت نبوده است؛ زیرا شیخ طوسی روایت می کند:

«چـون محمـد بن عثمـان (ابـوجعفر) به جانشـینی پـدرش رسـید، شخصـی موسوم به احمـد بن هلاـل ابرتـابی که در سـال ۲۶۷ درگذشته، منکر سفارت ابوجعفر، پس از پدرش از ناحیهٔ امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف شد. بنابراین رحلت سفیر اول باید قبل از سال

۲۶۷ اتفاق افتاده باشد» (۱).

با جمع بندی اقوال می توان گفت که در مورد وفات ایشان دو قول وجود دارد:

۱. وفات او قبل از سال ۲۶۷ هجری قمری بوده است. البته مشخص نیست که کدام سال بوده است و به نظر می رسد که این درست باشد؛

۲. وفات ایشان در سال ۲۸۰ هجری قمری اتفاق افتاده است و این قول هیچ مدرک و دلیلی ندارد.

عثمان بن سعید در کجا دفن شده است و قبر ایشان کجاست؟

عثمان بن سعید در بغداد دفن شده است. شیخ طوسی در این باره می گوید:

قبر عثمان بن سعید در سمت غربی بغداد در خیابان میدان، و در اول محلی که به درب جبله معروف است و در مسجد درب جبله سمت راستِ کسی که داخل مسجد شود واقع است و قبر ایشان در مسجد و سمت قبلهٔ آن واقع شده است.

محمد بن حسن شیخ طوسی در ادامه می گوید:

من قبر عثمان بن سعید را در همان جایی که راوی گفته دیده ام و در روی قبر، دیواری بنا شده که محراب مسجد همان جا بود.

در کنار محراب دری بود که به محل قبر که در خانه ای تنگ و تاریک بود باز می شد، به آن جا وارد شده و آشکارا آن قبر منور را زیارت می کردیم و از وقت ورودم به بغداد در سال ۴۰۸ ه.ق، تا سال چهارصد و اندی به همین صورت زیارت می کردیم. بعد از آن رئیس ابومنصور محمد بن مزج آن دیوار را خراب کرده و قبر عثمان بن سعید را نمایان کرد و روی قبرش صندوقی ایجاد کرد و برای آن سقفی ساخت که هرکسی می خواست داخل شده زیارت می کرد، و همسایگان محل، به زیارتش می رفتند و می گفتند: او مرد صالح و نیکوکاری

۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۵۵-۱۵۶.

بوده است و حقیقت حال او را نمی دانستند و می گفتند: او پسر دایه حسین علیه السلام است. این قبر متبرک تا به امروز که سال ۴۴۷ ه. ق است به همان صورت است (۱).

آیا با مرگ عثمان بن سعید، امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیتی گفتند و در این زمینه توقیعی صادر کردند؟

امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از مرگ عثمان بن سعید به پسرش محمد بن عثمان تسلیت گفتند. در این باره راوی می گوید:

توقیع شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید به جهت تسلیت و به مناسبت درگذشت پدرش آمد که در بخشی از این توقیع شریف آمده بود: «انا لله وانا الیه راجعون؛ به درستی که ما برای خداییم و به سوی او برخواهیم گشت و به امر او تسلیم و به قضا و قدر او راضی هستیم. پدر تو با سعادت و نیکبختی زندگی کرد و در حالی که پسندیده و مورد ستایش بود از دنیا رفت، پس خداوند او را رحمت کند و به اولیا و دوستان خودش [اهل بیت علیهم السلام] ملحق بفرماید. او همیشه در امر ولایت اولیاءالله تلاش می کرد، و در آنچه که او را به خدا و اهل بیت علیهم السلام نزدیک می کرد می کوشید. خداوند روی او را خرم و تازه فرماید و لغزش او را ببخشد».

در بخش دیگری از توقیع شریف آمده بود:

خداوند متعال ثواب تو را در این مصیبت، بزرگ گرداند و صبر نیکو برای

تو کرامت فرماید. هم تو و هم ما مصیبت دیده ایم، مصیبت پدرت موجب تنهایی و نگرانی تو و ما شده، پس خداوند او را در مکانی که رفته است

شاد گرداند (۲).

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۲۲-۶۲۳.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۲۸-۶۲۹.

چه کسی عثمان بن سعید را غسل داد؟

محمد بن عثمان، پسر عثمان بن سعید کارهای تجهیز و غسل ایشان را انجام داده است. راوی می گوید:

ابوعمر عثمان بن سعید از دار دنیا رفت و پسرش ابوجعفر محمد بن عثمان او را غسل داد و اقدام به تجهیز پیکر او نمود (۱).

دومین نایب امام زمان چه کسی بود و القاب و کنیهٔ ایشان چه بود؟

بعد از آن که عثمان بن سعید اولین نایب امام زمان از دنیا رفت، پسرش ابوجعفر محمد بن عثمان به عنوان دومین نایب امام زمان انتخاب شد. کنیهٔ نایب دوم، ابوجعفر است و القاب ایشان عبارت اند از: عمری، اسدی، سمان و عسکری.

محمد بن عثمان، دومین نایب امام زمان به دستور چه کسی به این مقام رسید؟

محمد بن عثمان به دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به این مقام رسید. در بخشی از توقیع شریف که به مناسبت فوت پدر ایشان صادر شده، آمده است:

خداوند متعال ثواب تو را در این مصیبت (مرگ پدر) بزرگ گرداند و صبر نیکو برای تو کرامت فرماید. هم تو و هم ما مصیبت دیده ایم، مصیبت پدرت موجب تنهایی و نگرانی تو و ما شده است، پس خداوند او را در مکانی که رفته است شاد گرداند. کمال سعادت او این بوده است که خداوند فرزندی همچون تو به او عنایت و روزی فرموده که پس از او جانشین و قائم مقام او در امرش باشد... . (۲)

علاوه بر آن، در توقیعی دیگر باز به مناسبت وفات عثمان بن سعید برای پسرش محمد بن عثمان از طرف امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف به این صورت صادر شد:

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۳۱.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۲۹.

و فرزنـدی که خداونـد او را نگه بدارد، همواره در زمان حیات پدرش معتمد و مورد اطمینان ما بوده است، ... در نظر ما فرزند او جانشـین اوست. آن چه که بگوید از امر ماست ... پس گفتهٔ او را پذیرفته و فرمان برش باش. این رفتار و نظر ما را دربارهٔ او بدان. (۱)

البته لازم به ذکر است که علاوه بر دسـتور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، دسـتور امام حسن عسـکری علیه السلام و تصـریح پـدر هم بود؛ از جمله در انتصاب وی به سـمت سـفارت ناحیـهٔ مقدسه، قبلاً توسط امام حسن عسـکری علیه السـلام به اطلاع خواص از شـیعیان رسانده شده بود. آن حضرت در جمع شیعیان یمنی فرمود بود: «آگاه باشید که عثمان بن سعید وکیل من، و پسرش محمد، وکیل پسرم مهدی شماست».

در ضمن عثمان بن سعید، نیز قبل از وفات، این مسئله را برای سران شیعه بازگو نموده است. (۲)

نیابت محمد بن عثمان از چه تاریخی شروع شد و مدت نیابت ایشان چند سال بوده است و در چه تاریخی از دنیا رفته است؟

تاریخ شـروع نیابت محمد بن عثمان مشـخص نیست؛ چون دقیقاً تاریخ رحلت نایب اول، یعنی عثمان بن سعید بیان نشده است. بنابراین نمی توان به طور دقیق آغاز نیابت وی را بیان کرد.

اما تاریخ وفات ایشان در آخر جمادی الاول سال ۳۰۵ است. در روایت است که ابوجعفر محمد عمری در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ از دنیا رفت. (۳)

محمد بن عثمان چند امام را درک کرده است؟

نایب دوم، علاوه بر درک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام حسن عسکری علیه السلام، امام دهم را هم

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص ۶۳۰.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۱۹.

۳- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۳۶.

درک کرده است و می توان گفت اگر پدر وی در اوایل دوران امامت امام هادی علیه السلام وارد بیت آن حضرت شده باشد، بایستی بین سال های ۲۲۰ تا ۲۲۵هجری، در حالی که یازده ساله بوده به خدمت حضرت هادی علیه السلام درآمده باشد. بنابراین ولادت فرزندش محمد، قاعدتاً بایستی در دهۀ ۲۳۰ هجری رخ داده باشد؛ و این بدان معناست که سن وی به هنگام شهادت امام هادی علیه السلام حدود بیست الی بیست و پنج سال بوده است. (۱)

به هر حال ایشان سه امام دهم، یازدهم و دوازدهم علیهم السلام را درک کرده است. حتی بعضی ادعا می کنند که احتمال وکالت وی برای امام هادی علیه السلام منتفی نیست. (۲)

آیا روایاتی وجود دارد بر این که محمد بن عثمان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده است؟

روایتی وجود دارد که دلالت می کند بر این که محمد بن عثمان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده است. از جمله عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: از محمد بن عثمان پرسیدم: «آیا صاحب این امر را دیده ای؟» گفت: «بله و آخرین مرتبه ای که ایشان را زیارت کردم در بیت الله الحرام بود، ... و باز آن حضرت را دیدم که نزد مستجار، پردۀ کعبه را گرفته بود». (۳)

محمد بن عثمان در چه تاریخی از دنیا رفت و در کجا دفن شده است؟

سفیر دوم امام، در آخر جمادی الاول سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ هجری رحلت نمود. بنا به نقل شیخ طوسی از «ابونصر هبه الله»، اطراف محل قبر وی ابتدا مسکونی بود و سپس تخریب شد و قبر وی در وسط صحرا قرار گرفت؛ این قبر در سمت غربی بغداد قرار دارد و امروزه نزد اهالی بغداد معروف و محل زیارت است و بنای

۱- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص ۴۶۰ - ۴۶۱.

۲- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص ۴۶۱.

۳- الغیبه، شیخ طوسی، ص ۶۳۳.

نیکویی نیز بر آن ساخته شده و اهالی بغداد وی را به «الشیخ الخلانی» می شناسند. (۱)

سومین نایب امام دوازدهم چه کسی بود؟

سومین نـایب امـام دوازدهم، ابوالقـاسم حسین بن روح نوبختی بود که بعـد از نـایب دوم، یعنی محمـد بن عثمـان به این مقـام رسید.

علما و مورخان، حسین بن روح را با چه عناوینی معرفی کرده اند؟

ابوالقـاسم حسـین بن روح بن ابی بحر را مورخـان و علمـای اخبـار بـا عنـاوین «نوبختی»، «روحی»، «قسـمی» و «حسـین بن روح نوبخت» معرفی کرده اند. (۲)

به چه دلیل حسین بن روح به عنوان سومین نایب امام دوازدهم انتخاب شد؟

شکی نیست که حسـین بن روح، یکی از افراد مورد اطمینان و اعتماد محمـد بن عثمان بوده است و نقل شـده که ایشان اسـرار درونی خانوادگی خویش را با ایشان در میان می گذاشـته است و لیکن محمـد بن عثمان غیر از ایشان نُه وکیل دیگر در بغداد داشت که زیر نظر وی به فعالیت و انجام مأموریت مشـغول بودند و حسین بن روح از همهٔ آن ها نزدیک تر به محمد بن عثمان بود و به همین خـاطر بـا وجود این افراد، حسـین بن روح به نیابت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف انتخاب گردیـد. در ضمن، حسین بن روح ویژگی هایی داشت که در دیگران نبود، ازجمله:

۱. وفـاداری و هوشـیاری، صبر وبردبـاری و در یـک کلمه اخلاـص او یکی از عوامل جانشـینی وی بود. در آن موقعیت خاص سیاسی، صبر و بردباری، هوشیاری و اخلاص، مهم تر از متکلم و فقیه بودن بود؛ چون نواب، احکام و مسائل دینی مورد نیاز را به طور مستقیم از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دریافت می کردند. برای تأیید مطالب بالا روایتی را ذکر می کنیم:

۱- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص۴۶۸.

۲- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص۴۶۹.

عده ای از ابوسهل نوبختی سؤال کردند: «چطور شد که امر نیابت به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح واگذار گردید، ولی به تو واگذار نشد؟» او پاسخ داد: «آنان [ائمه علیهم السلام] بهتر از هر کسی می دانند چه کسی را به این مقام برگزینند. من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با ایشان مناظره می کنم. اگر آن چه را که ابوالقاسم دربارهٔ امام می داند، می دانستم، شاید در بحث هایم با دشمنان و جدال با آنان می کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم و در نتیجه محل اقامت او را آشکار سازم؛ اما اگر ابوالقاسم امام را در زیر جامهٔ خود پنهان داشته باشد، بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز چنین

نخواهد کرد».

از این حدیث، ارادهٔ او در مخفی کردن مسائل مربوط به امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف و درجهٔ ایمان او و در مقابل شکنجهٔ دشمن و استقامت او در برابر مصائب و ناملایمات، روشن می گردد که این از عوامل انتخاب او به شمار می رود. (۱)

۲. حسین بن روح بر طبق گواهی مورخین و محدثین، خردمندترین شخص زمان خویش در نزد دوست و دشمن بود و در فضایل حسین بن روح به همین مطلب اشاره شده که «ابوالقاسم حسین بن روح از نظر مخالف و موافق، عاقل ترین مردم زمانه اش بود و البته به تقیه عمل می کرد». (۲)

۳. یکی دیگر از عوامل مؤثر در انتصاب او، مسدود کردن شک و شبهه ای بود که ممکن بود از ناحیهٔ مخالفین القا گردد. اگر افراد دیگری غیر از ایشان به نیابت منصوب می گشت، ممکن بود دشمنان و بعضی از ناآگاهان تصور کنند که این انتخاب، به خاطر روابط نزدیک محمد بن عثمان با آن فرد است و لذا نتیجه

۱- زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی غفارزاده، ص۲۴۷- ۲۴۸.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۶۷.

بگیرنـد که نظر شخصـی محمد بن عثمان است، نه نظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ چون آگاهان و روشن فکران اجتماعی آن زمان، واگذاری نیابت به ایشان را بعید می دانسـتند، ایجاد چنین شـبهه ای منتفی گردید و به زودی اصحاب او را پذیرفتنـد و در نیابت او تردیـد به خود راه ندادند و معلوم گردید که انتخاب او به اذن و رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرفته است. (۱)

حسین بن روح به دستور چه کسی به مقام نیابت رسید؟

بعـد از رحلت سـفیر دوم، نیـابت امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف به حسـین بن روح منتقل شـد. سـفیر دوم در حضور تعدادی از سـران شـیعه و وکلا و دستیارانش، همچون ابوعلی محمد بن همام اسکافی و... ابن روح را رسـماً به عنوان جانشین خود اعلام کرد. ام کلثوم دختر ابوجعفر عمری می گویـد: «حسـین بن روح از چند سال قبل از رحلت پدرم، ابوجعفر، وکیل او بود تا آن که از طرف پدرم به نیابت و سفارت منصوب شد و کسی جز بعضی جهال در امر نیابتش تردید نکردند». (۲)

بنا به نقل شـیخ طوسـی، محمد بن عثمان می گوید: «من ابوالقاسم حسین بن روح را جانشین خود کردم، او را به منصب نیابت پس از خودم منصوب کردم». گفتم: «این کـار را به امر امام انجام داده ایـد؟» گفت: «برخیز، خداونـد به تو عافیت دهـد، همان طور است که برای تو گفتم». (۳)

علاوه بر آن، جـاسم حسـین می گویـد: «سـفیر دوم در بستر مرگ در حالی که همگی بر بالین او گرد آمـده بودنـد، ابن روح نوبختی را با بیان این مطلب که امام دوازدهم دستور فرموده اند، منصوب کرد».

۱- زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۵۲ (به نقل از: تاریخ الغیبه الصغری، سیدمحمد صدر، ج۲، ص۴۰۹).

۲- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص۴۷۰ – ۴۷۱.

۳- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۴۰.

حسین بن روح در نزد امام چه جایگاهی داشت و آیا مورد وثاقت امام بود؟

برای این که جایگاه حسین بن روح در نزد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشخص شود، توقیعی از امام برای تأیید ایشان صادر شده و در این توقیع آمده است که حسین بن روح مورد وثوق و اطمینان ما می باشد. ابوالعباس بن نوح گفته است: «نوشته ای را به خط محمد بن نفیس، که در اهواز نوشته شده بود، دیدم که اولین نامه و توقیع صادره از ناحیهٔ مقدسه به وسیلهٔ حسین بن روح بود که: ما او را می شناسیم، خداوند همهٔ خوبی ها و رضای خودش را به او بشناساند و با توفیقات خود سعادتمندش فرماید. از نامهٔ او اطلاع یافتیم و او کلًا مورد وثوق و اطمینان ماست». (۱)

حسین بن روح نزد نایب دوم (محمد بن عثمان) چه جایگاهی داشته است؟

حسین بن روح به عنوان یکی از کارگزاران نزدیک محمد بن عثمان به شمار می رفت، منزلت و مقام او در زمان نایب دوم، به قدری زیاد بود که نایب دوم به اول کسی که اجازهٔ ورود بر خود می داد، ابوالقاسم حسین بن روح بود.

ام کلثوم دختر ابوجعفر عمری می گوید: «حسین بن روح از چند سال قبل از رحلت پدرم، ابوجعفر، وکیل او بود و در امر املاک او نظارت داشت و اسرار دینی را از جانب او به رؤسای شیعه می رساند و از خواص و محارم او به شمار می رفت... حسین بن روح نزد ایشان به جلالت مقام و قدر و منزلت و محترم بود». (۲)

آیا حسین بن روح امام یازدهم، امام حسن عسکری علیه السلام را دیده است؟

بنا به گفتهٔ ابن شهرآشوب، حسین بن روح دستیار نزدیک امام یازدهم، حضرت

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۴۷-۶۴۸.

۲- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص۴۷۰- ۴۷۱.

عسکری علیه السلام و سفیر آن امام بوده است؛ هرچند بعضی ها این را بعید می دانند. (۱)

حسین بن روح در چه تاریخی به دنیا آمد و کی از دنیا رفت و در کجا دفن شده است؟

تاریخ تولد وی معلوم نیست؛ اما حسین بن روح در ۱۸ شعبان ۳۲۶ از دنیا رفته است و در قریهٔ نوبختیه، در سمت غربی بغداد دفن شده است. (۲)

حسین بن روح چند سال نایب بوده است؟

حسین بن روح نزدیک به بیست و یک سال نایب امام دوازدهم بود؛ یعنی شروع نیابت ایشان، ۳۰۵ و تاریخ وفات ایشان ۳۲۶ است.

بعد از نایب سوم، حسین بن روح، چه کسی به عنوان نایب چهارم انتخاب شد و به چه القابی مشهور بود؟

بعد از فوت نایب سوم، ابوالحسن علی بن محمد سَمَری به نیابت رسید. لقب نایب چهارم، سمری (به فتح سین و میم) یا سیمری (به فتح سین و سکون یاء و ضم یا فتح میم) و یا صمیری (به فتح صاد و سکون یاء و ضم یا فتح میم) می باشد، لکن مشهور همان اولی است.

نایب چهارم به دستور چه کسی به مقام نیابت رسید؟

پس از اتمام دوران نیابت سفیر سوم و رحلت وی، ابوالحسن علی بن محمد سمری که یکی از دستیاران برجستهٔ سفیر سوم بود به امر ناحیهٔ مقدسه و براساس اعلام سفیر سوم به سران شیعه به جانشینی وی انتخاب شد. (۳)

علی بن محمد سمری در چه تاریخی به دنیا آمده است؟

۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۹۲.

۲- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۹۲-۲۰۶.

۳- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص۴۷۹.

تاریخ ولادت نایب چهارم مانند نایبان قبلی معلوم نیست؛ بنا به نقل شیخ طوسی، ایشان جزو اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده است.

وی چند سال نایب بوده و کی از دنیا رفته است؟

با توجه به فوت نایب سوم در شعبان ۳۲۶ هجری، طبعاً نیابت وی از این تاریخ شروع شده و با توجه به رحلت وی در نیمهٔ شعبان سال ۳۲۹ هجری، دوران نیابت ایشان سه سال می باشد. (۱)

علی بن محمد سمری در کجا دفن شده است؟

ابوالحسن علی بن محمد سمری طبق روایت شیخ طوسی، در سال ۳۲۹ هجری وفات یافت و قبر او در بغداد در خیابان معروف به خلنجی، جنب ربع المحول، نزدیک نهر ابوقراب می باشد. (۲) بنا به نقل جباری از یاقوت حموی، این ربع در شمال روستای «براثا» در سمت غربی بغداد واقع شده است و اکنون مزار وی در بغداد معروف و محل زیارت است.

نایب چهارم، علی بن محمد سمری در طول نیابتش چه افتخاراتی داشته است؟

مهم ترین و بزرگ ترین افتخار وی همین است که نایب چهارم امام بوده است، در ضمن ایشان نیز به مقتضای منصب وکالت، دارای خوارق عاداتی بود.

ازجمله می توان به اعلام وفات علی بن بابویه قمی در همان لحظهٔ وفاتش اشاره کرد؛ بنا به نقل شیخ طوسی از احمد بن ابراهیم بن مخلد، به هنگام حضور ایشان در بغداد و در حالی که بزرگان شیعه به همراه ایشان در محضر سفیر چهارم بودند، وی بی مقدمه و بدون هیچ سؤالی از جانب کسی، گفت: «خدا علی بن موسی بن

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۸۳.

۲- الغیبه، شیخ طوسی، ص۶۸۶.

بابویه قمی را رحمت کند»، جمع حاضر از این سخن پی بردند در همان لحظه علی بن بابویه رحلت کرده است. برای اطمینان کامل از صحت این سخن، تاریخ مذکور را ثبت کردند و پس از ۱۷ یا ۱۸ روز، خبر رحلت علی بن بابویه در تاریخ یاد شده به بغداد رسید. (۱)

بنا به روایت شیخ صدوق و شیخ طوسی و برخی دیگر، هفته ای پیش از رحلت نایب چهارم، توقیعی از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر و به دست او واصل شد که در آن علاوه بر اعلام وفات او پس از شش روز، وی از تعیین جانشین منع و شروع غیبت تامهٔ کبرا اعلام شده بود. (۲)

متن این توقیع چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم. ای علی بن محمد سمری! خداوند اجر برادرانت در مصیبت تو را بزرگ دارد! همانا تو تا شش روز دیگر خواهی مرد! پس امور خود را جمع کن و کسی را نیز برای جانشین خود انتخاب مکن؛ چرا که غیبت تامه شروع شده و ظهوری در کار نیست، مگر پس از اذن الهی که نامش بلندمرتبه است، و این ظهور، پس از مدتی طولانی و هنگامی که دل ها قسی و سخت و زمین از ظلم پر شود، انجام خواهد گرفت؛ و به زودی کسانی نزد شیعیان من ادعای مشاهده خواهند نمود؛ آگاه باشید که هر کسی قبل از خروج سفیانی و شنیدن صدای صیحه، مدعی مشاهده شود، دروغ گو و اهل افتراست، و لا حول و لا قوه الّا بالله العلی العظیم. (۳)

به چه دلیل نایب چهارم برای خود جانشین انتخاب نکرد و غیبت صغرا تمام شد؟

به دو صورت می توان به این سؤال جواب داد: اول به صورت تعبدی و کلی، و

۱- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص ۴۸۰.

۲- سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص ۴۸۰.

۳- الغیبه، شیخ طوسی، ص ۶۸۴.

دوم به صورت تحلیلی و استدلالی.

جواب تعبدی و کلی این است که امام دوازدهم قبل از فوت نایب چهارم، به وسیلهٔ توقیع اعلام کرده بودند که غیبت صغرا تمام شده است و برای جناب سمری نوشته بودند که بعد از خود جانشینی انتخاب نکن؛ البته این دستور امام به امر خداوند بوده است؛ یعنی برنامه، روش و کار امام را خداوند متعال تعیین فرموده است و امام باید همان برنامه را اجرا نماید. (۱) این بهترین دلیل برای اتمام غیبت صغراست؛ اما برای این که موضوع بهتر روشن شود، به صورت استدلالی هم به این سؤال جواب داده می شود. می توان گفت که به چند دلیل غیبت صغرا ادامه نیافت و تمام شد:

۱. غیبت صغرا مقدمهٔ غیبت کبرا و زمینه سازی برای آن بوده است؛ چون ابتدای غیبت بود و اذهان، انس به غیبت نداشت، اگرچه در زمان حضرت امام علی نقی و حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام فی الجمله آن دو امام برای آماده کردن اذهان از نظرها احتجاب می کردند، با این وجود غیبت تامه اگر دفعه و ناگهانی واقع می گردید، مورد انکار و سبب انحراف افکار می شد؛ چراکه قطع ارتباط با امام چنان چه در غیبت کبرا واقع شد، بدون آمادگی برای اکثر مردم دشوار و ناراحت کننده بود.

لذا قریب هفتاد سال ارتباط مردم با امام به وسیلهٔ نواب خاص حفظ شد و توسط آنان عرایض و مشکلات و مسائل خود را عرض می کردند و جواب می گرفتند و توقیعات به وسیلهٔ آن ها می رسید و بسیاری هم به شرف یابی حضور نایل می شدند تا در این مدت مردم آشنا و مأنوس شدند.

۱- امامت و مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، ج۲، ص۳۶۲.

این ارتباط توسط نواب خاص و همچنین تشرف جمعی در آن زمان، به زیارت آن حضرت برای تثبیت ولادت و حیات آن حضرت مفید و لازم بود. بنابراین می توان گفت علت این که غیبت صغرا ادامه نیافت، این بود که برنامهٔ اصلی کار آن حضرت، غیبت کبرا بود و غیبت صغرا که مقدمهٔ آن بود و برای آماده کردن زمینه لازم بود، انجام شد. (۱)

۲. وقتی بنا باشد نایب خاص نافذ الحکم و صاحب قدرت ظاهری نباشد و نتواند رسماً در کارها مداخله کند، بلکه قدرت های ظاهری به واسطهٔ تمرکز توجهات در او با معارضه و مزاحمت داشته باشند، شیادان و جاه طلبان هم ادعای نیابت خاصه می نمایند و اسباب تفرقه و گمراهی فراهم می سازند. چنان چه در همان مدت کوتاه غیبت صغرا دیده شد چه دعاوی باطلی آغاز گردید و این خود یک مفسده ای است که دفعش از حفظ مصلحت تعیین نایب خاص اهمیتش اگر بیش تر نباشد کم تر نیست. خلاصه آن که ادامهٔ روش نیابت خاصه با صرف نظر از مصالحی که فقط در همان آغاز کار و ابتدای امر داشته، با این که نواب مبسوط الید و نافذ الکلمه نباشند و تحت سیطرهٔ زمام داران وقت مأمور به تقیه باشند، از نظر عقل مصلحت ملزمه ای ندارد، بلکه از آن مفاسدی هم ظاهر می گردید. (۲)

ویژگی ها

چرا سفیران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از فقها و مجتهدان نبودند؟

همچنان که می دانید امام دهم و یازدهم علیهما السلام کاملاً زیر نظر حکومت عباسی

۱- امامت و مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، ج۲، ص۳۶۳ - ۳۶۴.

۲- امامت و مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، ج۲، ص۳۶۴ – ۳۶۵.

بودند، (۱) یعنی حکومت برای تسلط کامل بر این دو امام، آن ها را در محیط بسته و مشخص که تمام همسایگان و ساکنان شهر افراد نظامی و شناخته شده بودند، نگه داری می کرد و تمام رفت و آمدها به منزل امام کنترل می شد. حال در چنین محیطی که همه چیز دقیقاً کنترل می شد، آیا فقیه سرشناسی می توانست به خانهٔ امام رفت و آمد کند و مردم نیز با منزل آن فقیه در ارتباط باشند و مسائل خود را اعم از مالی و غیره مطرح نمایند؟ بدیهی است که چنین کاری ممکن نبود و افراد دست گیر و بازجویی می شدند، لذا صحیح ترین راه این است که افرادی که گمان نمی رود واسطهٔ امام باشند و مطالب را رد و بدل کنند، به کار گرفته شوند و فعالیت نمایند. اگر کسی زندگی دو نایب اول (عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان) را مطالعه نماید، درمی یابد که آن ها مأمور تأمین روغن سامرا

و از کسانی بودند که آذوقهٔ پادگان را فراهم می کردند و اصلاً گمان نمی شد که نایب امام باشند و چنان که در کتاب سازمان وکالت (۲) به طور مفصل و تحقیقی بیان شده، نامه های امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و نامه های مردم داخل ظرف های روغن قرار می گرفت و مردم به بهانهٔ خرید و فروش روغن، ظرف های حاوی پول و نامه را رد و بدل می کردند. بدیهی است که چنین کاری توسط یک فقیه امکان نداشت؛ چون فضای حاکم بر آن دوران، تقیه و مخفی کاری بود، نه محیط باز برای فعالیت عالمان و فقهای دین.

از طرف دیگر، اگر عالم و فقیهی ادعای نیابت می کرد، این احتمال داده می شد که برای گذران زندگی و جلب مال دنیا چنین کاری کرده است، اما کسی که کسب و درآمد دارد خیلی بعید است که دست به چنین کار خطرناکی بزند و برای

۱- لقب «عسکری» نیز به سبب نگه داری آنها در پادگان نظامی (عسکر) به آن دو امام داده شده است.

۲- نوشتهٔ دکتر جباری.

پول بیش تر خود را با حکومت درگیر کند. بنابراین کاسب بودن نایبان، دلیل بر صدق مدعای آن هاست، نه دروغ بودن ادعایشان، لذا همین مسئله تا غیبت صغرا ادامه یافت.

البته تذکر این نکته نیز لازم است که هرچند آنان فقیه و عالم برجسته نبوده اند، کاسب بودن آن ها به معنای کم سوادی یا عوام بودنشان نیست. نایبان طبق گواه تاریخ، افرادی بسیار والامقام و دارای کشف و کرامت (۱) و پرورش یافتهٔ مکتب امامان معصوم علیهم السلام بوده اند و هرگز دور از دین و معرفت نبوده اند.

پس معلوم می شود که چرا شیخ کلینی که عالمی برجسته و شناخته شده بود، برای نیابت از امام برگزیده نشده است.

به هر حال نایبان خاص، تنها نقش واسطه داشتند و تقاضاهای مردم را به امام می رساندند و در مقابل، پیام یا کمک مالی امام را به مردم می دادند، اما بر کسی ولایت نداشتند و هرگز اهل فتوا یا صدور حکم از جانب خویش نبوده اند.

۱- نک: الغیبه، شیخ طوسی.

نایبان امام

بیان حقیقت دین

بعد از توضیح ولایت فقیه، بنویسید منظور از ولایت و فقیه چیست؟

ابتدا، ولایت و فقیه توضیح داده می شود تا ولایت فقیه هم بهتر روشن شود.

ولایت واژه ای عربی است که از کلمه «وَلیّ» گرفته شـده است. «وَلیّ» در لغت عربی به معنای آمـدن چیزی است در پی چیزی دیگر؛ بـدون آن که فاصـله ای در میان آن دو باشد که لازمهٔ چنین توانی و ترتّبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است. از این رو این واژه با هیئت های مختلف (به فتح و کسـر) در معانی «حب و دوستی»، نصرت و یاری، متابعت و پیروی و سرپرستی استعمال شده که وجه مشترک همهٔ این معانی همان قرب معنوی است.

مقصـود از واژهٔ ولاـیت در بحث ولاـیت فقیه، سـرپرستی است؛ (۱) ولاـیت به معنـای سـرپرستی، خود دارای اقسامی است که هریک توضیح داده می شود:

۱. ولایت تکوینی:

ولایت تکوینی به دلیل آن که به تکوین و موجودات عینی جهان مربوط می شود،

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، عبدالله جوادی آملی، ص۱۲۲.

رابطه ای حقیقی میان دو طرف ولایت وجود دارد و ولایتی حقیقی است.

ولایت تکوینی، سرپرستی موجودات جهان و عالم خارج و تصرف عینی داشتن در آن هاست؛ مانند ولایت نفس انسان بر قوای درونی خویش. هر انسانی نسبت به قوای ادارکی و اعضا و جوارح سالم خود ولایت دارد؛ اگر دستور دیدن می دهد، چشم اطاعت می کند و... .

بازگشت این ولایت تکوینی به علت و معلول است. این نوع از ولایت، تنها بین علت و معلول تحقق می یابد و براساس آن، هر علتی، ولیّ و سرپرست معلول خویش است و هر معلولی در تحت ولایت و تصرف علت خود می باشد؛ از این رو ولایت تکوینی هیچ گاه تخلف بردار نیست و نفس انسان اگر اراده کند که صورتی را در ذهن خود ترسیم سازد، اراده کردنش همان و ترسیم کردن و تحقق بخشیدن به موجود ذهنی اش همان. ولیّ واقعی و حقیقی اشیاء و اشخاص که نفس همهٔ انسان ها در ولایت داشتن مظهر اویند، فقط و فقط ذات اقدس الهی است.

۲. ولایت بر تشریع

ولایت بر تشریع همان ولایت بر قانون گذاری و تشریع احکام است؛ یعنی این که سرپرست جعل قانون و وضع کنندهٔ اصول و مواد قانونی باشد. این ولایت در حیطهٔ قوانین است و نه در دایرهٔ موجودات واقعی و تکوینی.

۳. ولایت تشریعی

ولایت تشریعی یعنی نوعی سرپرستی که نه ولایت تکوینی است و نه ولایت بر تشریع و قانون، بلکه ولایتی است در محدودهٔ تشریع و تابع قانون الهی. (۱)

مقصود از فقیه در بحث ولایت فقیه، مجتهد جامع الشرایط است، نه هرکسی که فقه خوانده باشد. فقیه جامع الشرایط باید سه ویژگی داشته باشد: «اجتهاد

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، عبدالله جوادی آملی، ص۱۲۳- ۱۲۴.

مطلق»، «عـدالت مطلق» و «قـدرت مـدیریت و اسـتعداد رهـبری»؛ یعنی از سویی بایـد صـدر و ساقهٔ اسـلام را به طور عمیق و با اسـتدلال و اسـتنباط بشـناسد و از سویی دیگر، در تمام زمینه ها، حـدود و ضوابط الهی را رعایت کنـد و از هیچ یک تخطی و تخلف ننماید و از سوی سوم، استعداد و توانایی مدیریت و کشورداری و لوازم آن را واجد باشد.

منظور از اجتهاد مطلق این است که چون اسـلام، یک مجموعـهٔ منسـجم است، به گونه ای که دیانت آن، عین سـیاست است و سیـاست آن، عین دیـانتش می باشـد و فهم درست و کامـل ره آورد وحی، زمـانی صورت می گیرد که فقیه به همـهٔ ابعـاد آن آگـاه باشـد و از این رو، اسـلام شـناس واقعی کسـی است که در همـهٔ اصول و فروع در عبادات و عقود و احکام و ایقاعات و سیاست اسلامی مجتهد باشد.

فقیه حاکم بر نظام اسـلامی که در عصـر غیبت، مجری و حافظ و مبیّن قرآن است، بایـد به تمام جوانب آن آگاه باشـد. او باید علاوه بر شـناخت احکام و معارف قرآن کریم، دربارهٔ انسان و جامعهٔ اسـلامی، روایات رسـیده از عترت علیهم السـلام را نیز به خوبی بررسـی کنـد و بتوانـد مسائـل جدیـد و مسـتحدثهٔ مسـلمین را حل کنـد و آن ها را بر اصول و فروع دین تطبیق دهـد. او مجتهد مطلق است که در صورت واجد بودن شـرایط دیگر، می تواند مسئولیت ولایت و مدیریت جامعهٔ اسلامی را بپذیرد و از عهدهٔ آن برآید.

منظور از عـدالت مطلق، یعنی فقیه جـامع الشـرایط علاوه بر این که لازم است علم و دین را درست بفهمـد، بایـد آن علم را در خودش و محـدودهٔ حیاتش و در جامعـهٔ اسـلامی به درستی اجرا نمایـد. لازم است همهٔ وظایف دینی خود را انجام دهد و تمام دین را به مردم ابلاغ کنـد و چیزی را کتمان نکنـد. فقیه عادل نبایـد به میل و هوس کاری کند، مطیع هواهای نفسانی نگردد و گناهی از او سر نزند؛ نه واجبی را

ترک کند و نه حرامی را مرتکب شود.

بنابراین ویژگی دوم فقیه جامع الشرایط، ترک هوا و هوس و تابعیت عملی محض نسبت به احکام و دستورهای دین است. فقیه حاکم، اگر فتوا می دهد باید خود نیز به آن عمل کند و اگر حکم قضایی صادر می کند، خود نیز آن را بپذیرد و اگر حکم ولایی و حکومتی صادر و انشا می نماید، خود نیز به آن گردن نهد و آن را نقض نکند.

شرط سوم فقیه، علاوه بر اجتهاد و عدالت مطلق، قدرت مدیریت و استعداد رهبری است؛ یعنی اولاً بینش درست و صحیحی نسبت به امور سیاسی و اجتماعی داخل و خارج کشور داشته باشد و ترفندهای دشمنان خارج را خوب بشناسد، و ثانیاً از هنر مدیریت و لوازم آن برخوردار باشد.

بنابراین نمی توان گفت هر فقیه عادلی صلاحیت رهبری جامعه را دارد، بلکه باید گذشته از شرایط علمی، دارای استعداد و توانایی لازم برای ادارهٔ امت اسلامی باشد. (۱)

ولایت فقیه به معنای آن است که در زمان غیبت، فقیه عادل، سزاوار تصدی و سرپرستی جامعهٔ اسلامی است و او به این موقعیت شرعی و اجتماعی نصب شده است. بنابراین ولایت فقیه نه از سنخ ولایت تکوینی است و نه از سنخ ولایت بر تشریع و قانون گذاری، بلکه ولایت مدیریتی بر جامعهٔ اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش های دینی و شکوفا ساختن استعدادهای افراد جامعه و رساندن آن ها به تعالی صورت می گیرد. ولایت در محدودهٔ تشریع، در قرآن کریم و روایات اسلامی به معنای تصدی امور جامعهٔ انسانی آمده است؛

برای مثال: فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در واقعهٔ غدیر خم: «الست اولی بکم من

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، عبدالله جوادی آملی، ص۱۳۶ - ۱۴۰.

انفسکم»؛ (۱) «من کنت مولاه فعلی مولاه» (۲) و همچنین آیاتی مانند: «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلوةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکوةَ وَ هُمْ رَاکِعُونَ» (۳) بازگوکنندهٔ ولایت و سرپرستی و ادارهٔ امور جامعهٔ اسلامی است.

در ضمن، ولایتی که فقیه از آن برخوردار است و از ادله استنباط می شود، ولایت اعتباری است. امام خمینی رحمه الله در این باره می گوید:

وقتی می گوییم ولایتی را که رسول الله و ائمه داشتند بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه و رسول اکرم است؛ زیرا این جا صحبت از مقام نیست، بلکه صحبت از وظیفه است. ولایت یعنی حکومت و ادارهٔ کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است، نه این که برای کسی شأن و مقام غیرعادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، ولایت مورد بحث یعنی حکومت و اجرا و اداره، بر خلاف تصوری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست بلکه وظیفه ای خطیر است. ولایت فقیه از امور اعتبار عقلانی است و واقعیتی جز جعل ندارد. (۴)

دلایل ولایت فقیه چیست؟ به بیان بهتر چه دلیلی برای اثبات ولایت فقیه وجود دارد؟

دو نوع دلیل برای اثبات ولایت فقیه وجود دارد:

۱. دلایل نقلی:

دلایل نقلی، عبارت از روایاتی است که دلالت بر ارجاع مردم به فقها برای رفع نیازهای حکومتی دارد؛ به عبارت دیگر، فقها را به عنوان «امنا» یا خلفا و وارثان پیامبران و امامان معرفی کرده است. برای نمونه یکی از روایاتی که

۱- بحارالانوار، ج۲۷، ص۲۴۳.

۲- کافی، ج ۱، ص۲۹۵، ح۳.

۳- سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۵.

۴- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۰-۴۱.

در خصوص اثبات ولایت فقیه به آن استدلال می شود، مقبولهٔ عمر بن حنظله است.

راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «اگر دو نفر از شیعیان شما در مورد مسئله ای چون قرض یا ارث با یکدیگر نزاع کنند و برای رفع نزاع و داوری میان خود به پادشاه وقت و یا قضات رسمی مراجعه کنند، آیا این کار درست است؟» حضرت فرمود:

هر کسی از آنان در امری که حق باشد یا باطل، داوری بخواهد، به یقین متوسل به طاغوت شده است، و اگر به نفع او حکم کند، اگرچه حق مسلّم او باشد، حرام است؛ زیرا حق خود را به حکم طاغوت گرفته است. حال آن که خداوند متعال فرمان داده است که به طاغوت کفر ورزند؛ آن جا که می فرماید: «آنان می خواهند از طاغوت داوری طلبند در حالی که به ایشان امر شده است که به آن کفر ورزند». (۱) و (۲)

گفتم: «پس می فرمایید این دو نفر چه کار کنند؟» فرمودند:

بنگرند که کدام یک از شما راوی حدیث ماست و در حلال و حرام صاحب نظر است و احکام ما را به خوبی می شناسند، پس حکم خود را به او واگذار کنند و به نتیجهٔ داوری او خشنود باشند؛ زیرا من چنین شخصی را بر شما حاکم قرار داده ام. هرگاه چنان حاکمی میان شما حکم کرد و سخن او پذیرفته نشد، به یقین حکم خدا کوچک شمرده شد و فرمان ما رد شده است؛ و کسی که ما را رد کند، گویی خدا را رد کرده است و چنین کاری در

۱- «عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَهَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ علیه السلام: عَنْ رَجُلَیْنِ مِنْ أَصْحابِنَا بَیْنَهُمَا مُنَازَعَهٌ فِی دَیْنٍ أَوْ مِیرَاثٍ فَتَحَاکَمَا إِلَی السُّلْطَانِ وَ إِلَی الْقُضَاهِ أَ یَحِلُّ ذٰلِکَ؟ قَالَ: مَنْ تَحَاکَمَ إِلَیْهِمْ فِی حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ فَإِنَّمَا تَحَاکَمَ إِلَی الطَّاغُوتِ وَ مَا یَحْکُمُ لَهُ فَإِنَّمَا یَأْخُذُ سُحْتاً وَ إِنْ کَانَ حَقّاً ثَابِتاً لِأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُکْمِ الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أَمَرَ اللهُ أَنْ یُکْفَرَ بِه» (وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۹۸؛ کافی، ج۱، ص۶۷).

۲- (یُرِیدُونَ أَن یَتَحَاکَمُوا إِلَی الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَن یَکْفُروا بِهِ((سورهٔ نساء، آیهٔ ۶۰).

درجه شرک به خداست. (۱)

امام خمینی در مورد روایت بالا می گوید:

همان طور که از صدر و ذیل این روایت و استشهاد امام علیه السلام به آیهٔ شریفه به دست می آید، موضوع سؤال کلمه کلی بوده، و امام هم تکلیف کلی را بیان فرموده است و عرض کردم که برای حل و فصل دعاوی حقوقی و جزایی هم به قضات مراجعه می شود و هم به مقامات اجرایی و به طور کلی حکومتی. (۲)

روایت بعدی، توقیعی است که برای اثبات ولایت فقیه از آن استفاده می شود. اسحاق بن یعقوب نامه ای برای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می نویسد و از مشکلاتی که برایش رخ داده سؤال می کند؛ محمد بن عثمان عمری، نمایندهٔ آن حضرت، نامه را می رساند. جواب نامه به خط مبارک صادر می شود که:

... در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم... . (۳)

منظور از حوادث واقعه که در این روایت آمده، مسائل و احکام شرعیه نیست. نویسنده نمی خواهد بپرسد دربارهٔ مسائل تازه ای که برای ما رخ می دهد چه کنیم؛ چون این موضوع جزء واضحات مذهب شیعه بوده است و روایات متواتره دارد که در این مسائل باید به فقها رجوع کنند؛ در زمان ائمه هم به فقها رجوع می کردند و از

۱- «قُلْتُ فَكَيْفَ يَصْنَعَانِ قَالَ يَنْظُرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكَماً فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِماً فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللهِ وَ عَلَيْنَا رَدَّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللهِ» (کافی، ج۱، ص۶۷).

۲- ولایت فقیه، امام خمینی رحمه الله، ص ۸۹ — ۹۰.

۳- «فوردت فی التوقیع بخط مولانا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... واما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجه الله..». (کمال الدین، ج۲، ص۴۸۴).

آنان می پرسیدند. بنابراین منظور پیشامدهای اجتماعی و گرفتاری هایی بوده که برای مردم و مسلمین روی می داده است. (۱)

۲. دلایل عقلی:

محکم ترین دلیل بر ولایت فقیه این است که قانون الهی و شریعت، بـدون گرداننده و مجری و ولیّ امر، بی اثر و لغو و بیهوده می باشد.

امام خمینی دربارهٔ ضرورت عقلی بر وجود ولایت فقیه می نویسد:

همـان دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می کنـد، عیناً لزوم حکومت در دوران غیبت حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف را دربر دارد، به ویژه پس از این همه مدت که از غیبت آن بزرگوار می گذرد و شاید این دوران هزاران سال دیگر نیز ادامه یابـد؛ علم آن نزد خداونـد است و ما از طولانی شدن آن به خدای بزرگ پناه می بریم. آیا می توان تصور کرد که آفریـدگار حکیم، امت اسـلامی را به حال خود رها کرده و تکلیفی برای آن معیّن نکرده باشـد و آیا خردمندانه اسـت که بگـوییم خداونـد حکیم به هرج و مرج مسـلمین و پریشـانی احوال آنـان رضـایت داده است؟ و آیـا چنین گمـانی به شـارع مقدس رواست که بگوییم حکمی قاطع جهت رفع نیازهای اساسـی بندگان خدا تشریع نکرده است تا حجت بر آنان تمام شده باشد؟» (۲)

آیت الله جوادی آملی می گوید: «دلیل عقلی محض، همان برهان ضرورت نظم در جامعهٔ اسلامی است». (۳)

آیـا حقیقت مفهـوم دین اسـلام و مبـانی واقعی آن همین است که توسـط مراجـع دینی برداشت می شود؟ به عبـارت دیگر، در زمان غیبت، علما در تبیین حقیقت شریعت چقدر موفق بوده اند؟

۱- ولایت فقیه، امام خمینی رحمه الله، ص ۷۹ - ۸۰.

۲- شئون و اختیارات ولی فقیه، امام خمینی رحمه الله، ترجمهٔ کتاب البیع، ص۲۳.

۳- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، عبدالله جوادی آملی، ص ۱۵۱.

این سؤال مبهم است و نیـاز به دقت بیش تری دارد: اگر منظور از حقیقت شـریعت، بیـان مبـانی و اصول دین است؛ این کار از حیطهٔ وظایف مراجع دینی خارج است و مسئولیت آن به عهدهٔ دو علم فلسفه و کلام می باشد؛ و اگر منظور، تبیین احکام دینی و موضـع دیـن در برابر مسائـل مختلـف سیاسـی، اجتمـاعی و... اسـت، کـه مراجع دینی در طـول عصـر غیبت، به بهـترین وجه مسـئولیت خـود را انجـام داده انـد و حجم عظیم کتب علمی آنـان در موضوعـات مختلـف و نیز تحول بنیـادین در عرصه هـای مختلف مسائـل دینی و نقش عمیق آنـان در پیشبرد جامعه در طول تاریـخ و نجات آن از بحران های پیش رو و... شاهـد قطعی موفقیت آن ها در ادای این تکلیف می باشد. خداوند به ما هم توفیق شناخت و عمل به وظیفهٔ خود را عنایت فرماید.

ولایت فقیه

چرا در زمان غیبت، حکومت اسلامی به دست ولیّ فقیه است؟

از یک سو می دانیم که در دوران غیبت، هیچ کدام از احکام اسـلام تعطیل نمی شود و باید تا آمدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشـریف به تکـالیف دینی خـود عمـل کنیم؛ و از سـوی دیگر، به امـام معصوم هم دسـترس نـداریم. به همین سـبب، ائمه وظیفـهٔ مـا را در زمـان غیبت مشـخص کرده انـد که بایـد به فقهای جامع الشـرایط، که احکام دینی را از راه قرآن و روایات به دست می آورنـد و اسـلام را بهتر از دیگران می شناسـند، مراجعه کنیم. در نتیجه می توان گفت که وظیفهٔ مردم در زمینهٔ امور اجتماعی و سیاسی، اطاعت از فقیهی است که بزرگان شیعه او را «ولیّ فقیه» می دانند. او باید در زمان غیبت، حکومت تشکیل دهد. بر همین اساس، بیش تر فقهای شیعه تشکیل حکومت اسلامی را واجب می دانند و بر این باورند که اگر یکی از فقها

حکومت تشکیل داد، بر دیگران واجب است از او پیروی کنند. حال اگر تشکیل حکومت اسلامی جز از راه قیام دسته جمعی امکان پذیر نباشد، همگان باید بدین مهم اقدام کنند، و در صورتی که تشکیل حکومت ممکن نباشد، باز هم تکلیف ساقط نیست و باید به اندازهٔ توان، احکام اسلامی را اجرا کنند. پس به هیچ روی، انتظار فرج و حکومت جهانی مهدوی با قیام های پیش از ظهور ناسازگاری ندارد، بلکه برخی از قیام ها و حکومت ها، زمینه ساز قیام و حکومت جهانی حضرت خواهند بود.

فقهای دین بر چه اساسی در زمان غیبت کبرا بر دیگران ولایت دارند؟

یکی از دلایل نقلی ولایت فقیه، علاوه بر دلایل عقلی آن، روایت امام صادق علیه السلام است که فرمود:

ینظران الی من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حَکَماً فإنی قد جعلته علیکم حاکما فإذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه فإنما استخف بحکم الله و علینا رد و الراد علینا الراد علی الله و هو علی حد الشرک بالله؛ (۱)

نگاه کنند به هر کس از شما که راوی حدیث ماست و در حلال و حرام صاحب نظر است و احکام ما را می داند؛ پس حاکمیت او را بپذیرند؛ زیرا من او را بر شما حاکم قرار دادم، پس هرگاه مطابق حکم ما حکم کند و از او پذیرفته نشود، امر خداوند خوار شمرده شده است و ما (اهل بیت) را رد کرده اند و رد کردن ما، رد کردن خداوند است و آن شخص به منزلهٔ مشرک است.

لذا این ولایت را ائمهٔ معصومین علیهم السلام سالیان طولانی قبل از نیابت خاصه به

۱- کافی، ج۱، ص۶۷، ح۱۰.

فقها داده اند.

به تصریح این نوع روایات (۱) مجتهد جامع الشرایط حتی در زمان حضور امام معصوم و در همان شهر می تواند فتوا بدهد و مردم موظف اند از او اطاعت کنند. بنابراین، ولایت فقیه ویژهٔ دوران غیبت نیست که ادامهٔ نیابت خاصه باشد. آری، هنگام حضور امام، رهبری جامعه برعهدهٔ اوست و فقها یاوران امام هستند، اما در نبود ظاهری ایشان، رهبری جامعه نیز برعهدهٔ فقیه جامع الشرایط است. اما این امر، سعه و ضیق ولایت است، نه اصل ولایت.

امام خمینی رحمه الله

چرا امام خمینی رحمه الله را نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نامیده اند؟ عشق و دل دادگی امام رحمه الله برخاسته از چه بود؟ مهم ترین ویژگی های ایشان را بنویسید؟

اوضاع پراختناق و امتناع مردم، سبب شد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظرها پنهان گردد، اما طبیعی است که حضرت در زمان غیبت صغرا، که حدود هفتاد سال به طول انجامید، مردم را به حال خود رها نکرد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اشخاص معیّن و مشخصی را نایب خود قرار داد و به اسم و رسم، آن ها را معرفی نمود. حضرت در طول غیبت صغرا به وسیلهٔ چهار سفیر مخصوص خود با مسلمانان در ارتباط بود و پس از غیبت صغرا، دوران نواب خاص به پایان رسید و نیابت عام آغاز شد. بدین صورت که چند روز پیش از مرگ علی بن محمد سمری که آخرین نایب خاص حضرت بود، از ناحیهٔ مقدسهٔ آن حضرت توقیعی (نامه ای) برای وی صادر شد که در آن ابلاغ شده بود که تا شش روز دیگر از دنیا خواهد رفت و پس از آن،

۱- در یک روایت امام باقر علیه السلام با آن که خود در مدینه است، به ابان بن تغلب می فرماید: «در مسجد مدینه بنشین و فتوا بده» (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۱۱۶) و در روایت دیگر می فرماید: «بر دیگران واجب است از فقها تقلید کنند» (وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۹۵).

باب نیابت خاصه بسته و غیبت کبرا شروع می شود.

اسحاق بن یعقوب، از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دربارهٔ تکلیف شیعیان در غیبت کبرا و پایان دورهٔ نیابت خاصه سؤال کرد. حضرت پاسخ دادند:

در پیش آمدهایی که برای شما رخ می دهد، باید به راویان اخبار ما (علما) رجوع کنید؛ ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا (بر آنان) هستم. (۱)

امام حسن عسکری علیه السلام در ضمن یک روایت می فرمایند:

هریک از فقها که بر نفس خود مسلط باشد و امر خدا را اطاعت نماید و... بر همگان لازم است که از او تقلید کنند. (۲)

مسلمانان باید پس از پایان دوران غیبت صغرا و شروع غیبت کبرا، از نواب عام حضرت که مراجع عظام به شمار می آیند، مسائل و احکام دینی خود را تقلید و در مسائل جدید و مستحدثه از آنان تبعیت کنند؛ زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آنان را نماینده و جانشین خود در بین مردم قرار داده است. بنابراین اطاعت از آنان، اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ زیرا حکم آنان، حکم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ مراجع ولایت و سرپرستی بر مردم را از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عهده دار هستند.

حضرت امام خمینی رحمه الله از مصادیق آشکار نایبان عام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود؛ زیرا آن بزرگ مرد، تمام ویژگی های ذکر شده در کلام امام حسن عسکری علیه السلام برای نایبان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را در حد کمال دارا بود. او نفس خویشتن را مواظبت می کرد؛ هوا و هوس خود را کاملاً مهار کرده بود و هیچ گاه آن را بر رضای خدا ترجیح نمی داد، بلکه اصلاً هوا و هوسی نداشت. او خود را در خدا و مولایش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فانی کرده بود و خواسته ای جز خواسته و رضای آنان نداشت. کاملاً مطیع امر خدا و امام

۱- کمال الدین، ج۲، ص۲۴۷، باب ۴۵، ح۴ و ص۴۸۴.

۲- وسائل الشیعه، ج۲۷، ص۱۳۱، ح۳۳۴۰۱.

زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و این شور و دل دادگی، او را از خود بی خود می نمود؛ به طوری که به جز رضای خدا و رضای او چیزی نمی دید، و جز رضایت و خواست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (که همان خواست و رضایت خداوند تعالی است) خواسته ای نداشت. از این رو، از همه چیزِ خود در راه خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گذشت، و در عوض، خدای تعالی نیز به او عزت و کرامت بخشید.

او ابرمردی شجاع، قهرمان، دانشمند، فقیه، مجاهد، عارف، زاهد، بلندهمت و بلند نظر، حاکم بر هوای نفسانی خویش، فانی در خدا، مطیع (کامل) امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و... بود. از این رو، او به حق «نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» به شمار می رفت؛ نماینده

و جانشین تام الاختیار آن حضرت در زمان غیبت کبرا. آن بزرگ وار، اسلام و

شیعه و مکتب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در جهان زنده کرد و ان شاءالله حکومتش، زمینه ساز حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود! همان گونه که آن بزرگ وار خود فرمودند: «ان شاءالله این حکومت را به دست صاحب اصلی آن (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسپاریم».

آیت الله خامنه ای

آیا درست است که آیت الله خامنه ای نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؟ مدرک و منابع اطلاعات شما در این زمینه چیست؟

همان گونه که غیبت به دو مرحلهٔ صغرا و کبرا تقسیم می شود، نیابت نیز به خاص و عام تقسیم می شود؛ یعنی نیابت خاصه در غیبت صغرا، و نیابت عامه در غیبت کبراست.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغرا اشخاص معیّنی را نایب خود قرار داده بود و آن ها را به اسم و رسم معرفی نموده و هریک را به وسیلهٔ نایب پیش از خود به مردم شناسانده بود.

در نیابت عامه، براساس یک ملاک و معیار کلی که خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معیّن فرموده است، هر فردی که آن ضابطه را از همه جهت و در همهٔ ابعاد دارا باشد، نایب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخته می شود و به نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رهبر جامعه خواهد بود؛ پس این مقام و نیابت توسط خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عالمان واجد شرایط داده شده است. (۱)

شیخ طوسی، شیخ صدوق و شیخ طبرسی از اسحاق بن عمار نقل کرده اند که مولای ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (دربارهٔ وظیفهٔ شیعیان در زمان غیبت) فرموده است:

واما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فإنهم حجتی علیکم وانا حجه الله علیهم؛

در حوادث و رخدادهایی که واقع می شود، به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.

طبرسی نیز در کتاب الاحتجاج، از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

واما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً لهواه ومطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه؛

هریک از فقها که مراقب نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوا و هوسش و مطیع فرمان مولایش (ائمه علیهم السلام) باشد، بر عوام لازم است که از او تقلید کنند.

بدین ترتیب امور مسلمین در زمان غیبت کبرا به دست ولی فقیه سپرده شده است. منصب فتوا، قضاوت و حکم برای فقیهان گذشته، توسط ائمهٔ معصومین علیهم السلام جعل شده بود، ولی رسمیت مرجعیت و زعامت فقهای اسلام از این تاریخ پدید آمد و تا ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت. (۲)

۱- تاریخ عصر غیبت، مسعود پورسیدآقایی، ص۴۵ - ۴۷.

۲- تاریخ عصر غیبت، مسعود پورسیدآقایی، ص۴۷ - ۴۸.

بنـابراین، حضـرت آیت الله خـامنه ای، رهبر معظم انقلاـب اسـلامی ایران، در این برهه از زمـان، نـایب عـام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف هسـتند که فقهای دیگر (مجلس خبرگان) ایشان را به عنوان ولی فقیه معرفی نموده اند و ایشان مسـئولیت ادارهٔ حکـومت اسـلامی و اجرای احکـام دین را به عهـده دارنـد؛ زیرا اسـلام، مسـلمانان را در زمـان غیبت کـبرا بی سرپرسـت نگذاشته و مردم را به اطاعت از فقها ملزم کرده است.

ارتباط نایبان

آیا نواب عام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت کبرا با آن حضرت ارتباط دارند؟

در زمـان غیبت کبرا که غیبت تـام و کامـل است، فلسـفه و حکمت غیبت اقتضـا می کنـد که هیـچ کس بـا امـام ارتباط دایم و اختیاری نداشته باشد. همان گونه که آن حضرت در آخر عمرِ نایب چهارم خود به او فرمود:

از این پس، کسی را جانشین خود قرار مده؛ زیرا دوران غیبت کبرا شروع

شده و... . (۱)

بنـابراین در دوران غیبت کبرا، هیـچ کس به اراده و خواست خود به حضـرت دسترس نـدارد. به عبـارت دیگر، حضـرت تحت اراده و خواسته هیچ کس به جز خداوند نیست. اگر خدا بخواهد، به جهت مصالحی ازجمله پیش گیری از خطا، رفع شبهه و... ممکن است حضـرت با فرد یا افرادی تماس گیرد و خود را به آن ها نشان دهـد و با آنان سـخن گویـد و احیاناً پیامی به آن ها برسانـد، امـا این ارتباط یک سویه بوده و فقط در اختیار حضـرت است نه دیگران. این قاعـده عمومیت دارد و شامل نواب عام (فقهای جامع الشـرایط) نیز می شود. البته حضـرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشـریف به نایب یا نایبان عام خود عنایت ویژه ای داشته است.

۱- کمال الدین، ص۵۱۶، ح۴۴.

انتظار و منتظران

چیستی انتظار

انتظار واقعی چیست؟

انتظار در لغت به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است. (۱) در اصطلاح و در فرهنگ اسلام و تشیع، انتظار اصیل و حقیقی، انتظاری است که سبب حرکت، پویایی، عمل و آمادگی وسیع می گردد. از این رو، در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام، انتظار را عمل و از برترین عمل ها (۲) یا عبادت و از محبوب ترین عبادت ها معنا کرده اند. (۳)

انتظار، اعتراض به وضعیت موجود و نپذیرفتن آن و به دنبال گشایش بودن است؛ یعنی داشتن امید، حرکت، تلاش، مقاومت، سازندگی و آماده سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ج۱۲، ص۱۶۶.

۲- «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزّوجّل» و «انتظار الفرج من اعظم العمل» (کمال الدین، ج۲، باب۵۵).

۳- «انتظار الفرج عباده» (کمال الدین، ج۲، باب۵۵؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۲).

علت سختی انتظار چیست و چرا می گویند انتظار زیباست؟ زیبایی انتظار در چیست؟

انتظار دو جنبه دارد: یکی رسیدن به هدف، و دیگری در راه بودن. این دو جهت انتظار برای همه چیز وجود دارد و تنها مربوط به امر فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.

کسی که منتظر رسیدن به درجهٔ پزشکی یا مهندسی است، سخت درس می خواند. خود درس خواندن (همان در راه بودن و مقدمات و زمینه را فراهم کردن) سخت است. باید شب ها بیدار ماند و درس خواند و روزها از تفریح و سرگرمی صرف نظر کرد و مطالعه نمود. همهٔ این ها سخت است، اما چون برای رسیدن به درجات بالای علمی است، همین سختی برای انسان، زیبا و لذت بخش می شود.

کسی که منتظر میهمان بسیار محترم و محبوبی است، در تهیهٔ مقدمات به سختی می افتد. هنگام تمیزی منزل، عرق از سر و روی او می ریزد، اما از درون شاد است. همین زحمات برای او لذت بخش و زیباست. شهادت و جان دادن در راه محبوب، سخت، اما زیبا و لذت بخش است. پس لذت همیشه در آسایش و راحتی نیست، بلکه برعکس گاهی آسایش موجب آزار است. کسی که به جای مطالعه همیشه در حال خواب و استراحت است، هر چند راحتی بدنی دارد، به خاطر عاقبت بدی که در پایان سال تحصیلی در انتظار اوست، در عین راحتی، احساس رنج و بدی می کند؛ اما شاگرد فعال در عین کوشش فراوان، احساس شادی و لذت می کند. بنابراین سختی با زیبایی و لذت در تضاد نیست.

انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و منتظر واقعی بودن، زمینهٔ ظهور را فراهم کردن، ترک گناه و عمل به واجبات سخت است، اما با توجه به هدف والا و اجر و ثواب بسیار زیاد آن، کاری زیبا و لذت بخش به شمار می آید.

مفهوم انتظار و اهمیت و آثار آن

۱. «انتظار فرج» چیست و چرا «بهترین عمل» خوانده شده است؟

انتظار فرج یعنی انتظار گشایش و نصرت و پیروزی مؤمنان. انتظار فرج یعنی امیدوار بودن به جهانی شدن اسلام. این مسئله در روایات ما به عنوان «بهترین اعمال» معرفی شده است؛ شاید به این دلیل که آثار و برکات فراوانی دارد، از جمله این که مؤمنان در پرتو روح انتظار، قدرت و نیروی مقابله با کفر و ظلم را پیدا می کنند و در برابر دشمنان دین استقامت می ورزند و هرگز به خاطر کمبود نفرات و تجهیزات، دچار یأس و نومیدی نمی شوند و خلاصه اسلام و مسلمین و به ویژه جهان تشیع در پرتو اعتقاد به ظهور مهدی و انتظار فرج از سوی خدا همیشه به باورهای دینی خود وفادار مانده و در جهت توسعهٔ آن در جهان کفر و بیداد اقدام می کنند.

۲. آثار فردی و اجتماعی انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است؟

بشر در زندگی فردی و اجتماعی خود از نعمت انتظار بهره مند است و اگر از آن تهی شود و به آینده امید نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و گرفتار بی هدفی و پوچی می گردد. اسلام با تعالیم مترقی اش، سعی دارد نگاه به آیندهٔ جوامع را در نگاه آدمیان و به ویژه مسلمانان بسیار روشن و پرگشایش جلوه دهد و شاید از این جهت است که در روایات چنین آمده است: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج». روایات فراوانی دربارهٔ انتظار وجود دارد که نشان از اهمیت آن است. در این جا به اختصار به آثار و پی آمدهای فردی و اجتماعی انتظار می پردازیم:

الف) آثار فردی انتظار:

۱. امید به آینده: انسان به امید زنده است. بدون امید نمی توان آینده نگر بود و به تحولات آینده نظر انداخت. امروزه روان شناسان در تلاش اند که امید را در

انسان ها زنده نگه دارند، و مهدویت، زایندۀ امید است؛

۲. خودسازی: منتظر واقعی کسی است که آلودگی های درون را پالایش کند و عوامل تأخیر در انتظار را در خود بپیراید. نمی توان در حق خود و دیگران ظلم روا داشت و منتظر مصلح جهانی و ایجاد عدالت بود. باید خانۀ دل را از زنگار گناه و ناپاکی ها پاک کرد و مهر محبوب را بر جای آن نشاند و آن گاه به انتظار نشست؛

یک صبح ز اخلاص بیا بر در ما

گر ناید اگر کام تو از ما گله کن

۳. بصیرت در معارف مهدوی: اولاً، معرفت اساس اعتقاد صحیح است. هرگاه اعتقاد صحیح شکل نگیرد، نمی توان پی آمد مثبت از آن انتظار داشت، و اعتقاد صحیح، بدون شناخت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان ندارد. از این رو در روایات آمده است: هر که بدون معرفت امام زمانش بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. همچنین فرموده اند: عملی را قبول می کنند که همراه با معرفت ما ائمۀ اطهار علیهم السلام باشد. ثانیاً، صرف محبت به حضرت کارگشا نیست. محبتی ارزش دارد که با معرفت همراه باشد؛ زیرا اگر محبت در پرتو شناخت شکل گیرد، با شبهات دشمنان آفت نمی زند و پراستحکام خواهد بود؛

۴. منحل نشدن در فساد محیط: اگر اعتقاد به شکل صحیح در انسان ایجاد و پایه های آن مستحکم شود، چنین اعتقادی انسان را در برابر لغزش های محیطی حفظ می کند و مانع درآمیختن او در فساد محیط است؛

۵. پایداری در برابر حاکمان فاسد: از بزرگ ترین پی آمد انتظار، صبر و مقاومت است. اگر بخواهیم جامعه ای مقاوم و پایدار در برابر حاکمان فاسد داشته باشیم، باید آنان را نسبت به آینده امیدوار کنیم؛

۶. فرهنگ سازی: انسان منتظر موظف است تلاش کند تا دیگران هم مانند او منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند.

البته آثار دیگری نیز وجود دارد که به همین اندازه اکتفا می کنیم.

ب) آثار اجتماعی انتظار

آثار اجتماعی انتظار جدای از پی آمدهای فردی آن نیست؛ زیرا اجتماع از افراد شکل می گیرد و هرچه آثار فردی بیش تر و کارآمدتر باشد، تأثیرش در جامعه و نهادهای اجتماعی جلوهٔ فزون تری خواهد داشت. شاید بتوان گفت که پی آمد اجتماعی انتظار، در گرو تحقق پی آمد فردی آن است. حال به برخی از این آثار اجتماعی اشاره می کنیم:

۱. امیدواری: در جامعهٔ منتظر، همهٔ افراد آن امیدوارند و از هرگونه عوامل ناامیدی به دور؛ زیرا مهدویت یعنی نگاه روشن به آینده، پس تاریکی از دل ها رخت برمی بندد و این بزرگ ترین ارمغان اجتماعی انتظار است. جوامعی که به وعدهٔ الهی امیدوار باشند _ با توجه به پایان ناپذیری امید الهی _ ناکام نمی گردند، و به موفقیت و کام یابی دست خواهند یافت؛

۲. حرکت: حرکت، ره آورد طبیعی انتظار است و با امید به آینده، حرکت به سمت مطلوب شکل می گیرد؛ زیرا امید چنان نیرویی به کالبد اجتماع می بخشد که نمی تواند در جا بایستد، مگر آن که گرفتار آفت انتظار منفی شود. ثمرهٔ این حرکت، می تواند دعوت مردم به امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به سوی خدا، آماده سازی زمینهٔ ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی دولت جهانی او و ایجاد آمادگی های بینشی، ایمانی و تشکیلاتی و ایجاد توانایی در نسل مؤمنانی باشد که برای یاری امام و برای زمینه سازی ظهورش قیام می کنند؛

۳. مقاومت: اگر امید بود و حرکت به دنبالش تحقق یافت، و اگر افراد جامعه بصیرت روشنی دربارهٔ منتظر خود داشته و مهدی باور باشند و حضورش را

لمس کنند و در تکاپوی حضرت باشند، دیگر جایی برای عقب نشینی نیست،

بلکه نیروی لازم برای مقاومت در برابر جبهـۀ باطل فراهم خواهد شد. اصولاً نتیجۀ همۀ امید ها و حرکت ها، همان مقاومت در برابر جریان باطلی است که در مقابل انتظار صف آرایی کرده است؛ مانند کسی که در حال غرق شدن است و ناگهان از دور، گروه نجات را می بیند که به سوی او در حرکت اند. در این حالت فرد، بر امواج آب غلبه خواهد کرد و برای این کار نیرویی شگرف در خود احساس می کند؛

۴. اصـلاحات اجتماعی: جامعۀ منتظر درصدد اصـلاحات اجتماعی است؛ زیرا شخصی که جامعۀ ما در انتظار اوست، خود یک مصـلح و اصلاح گر است. اگر جامعه به سمت اصلاحات حرکت نکند، بسترهای ظهور تحقق نمی یابد و هر قدر جهت جامعه به سوی اصـلاحات باشـد، زمینه سازی بیش تری برای ظهور صورت می گیرد. این زمینه سازی ها و اصـلاحات، چند شاخص دارد: اول، شـناخت ویژگی هـای جامعـۀ آرمانی مهـدوی؛ دوم، شـناسایی نقاط ضـعف اجتماعی که در آن زنـدگی می کنیم؛ سوم، برنامه ریزی برای دگرگونی و اصلاحات با توجه به ویژگی های جامعۀ مطلوب و آرمانی.

آیا «انتظار» موجب انفعال جامعه نمی شود؟

بایـد بـدانیم که گـاهی «انتظـار» ویران گر است و آن زمانی است که برداشت غلطی از مفهوم انتظار بیان شود و انتظار به معنی سکون و سـکوت و توقف گرفته شود! آری در این صورت انتظار موجب انفعال جامعه و افراد آن خواهـد بود. این که کسانی فکر کننـد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف می آیـد و خود همۀ کارها را سامان می دهد، نتیجه اش بی عملی و بی تحرکی است، ولی اولیای دین از انتظاری سخن گفته اند که نتیجه اش حرکت و تلاش و پی گیری اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمینه سازی برای ظهور آن حضرت است. انتظاری که تعهدآفرین و مسئولیت آور است و افراد را به

اصلاح خود و جامعه دعوت می کند. (۱)

بسیاری از مردم در حالت انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا رفتند و انتظارشان به ثمر نرسید؟ چه تضمینی هست که به ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف برسیم؟

با آن همه آثاری که برای انتظار بیان شد، معلوم است که «انتظار» تنها یک مقدمه نیست که اگر منتظر را به ظهور نرساند سودی نداشته باشد، بلکه خود انتظار یک جریانی است که برکات آن در درون خودش نهفته است؛ یعنی اگر کسی منتظرِ حقیقی باشد، حتی در دوران پیش از ظهور امام خود را یاری خواهد کرد و در عمل از او الگو خواهد گرفت و با فساد موجود مقابله خواهد کرد. انتظار فرج درخت پرثمری است که انقلاب اسلامی ایران میوهٔ شیرین آن است و هر حرکت اسلامی ضداستکباری، ریشه در انتظار فرج دارد؛ به همین دلیل است که فرموده اند: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج؛ برترین اعمال امت من انتظار فرج است». و نیز در روایات آمده، کسی که منتظر باشد و در حال انتظار از دنیا برود، مانند کسی است که در کنار قائم ما و در خیمه اش حضور داشته است.

پس اگر انتظار در جامعه تحقق یابد و افراد به درستی منتظر آن حضرت باشند، ما به سوی اهداف اسلامی و مهدوی در حرکت خواهیم بود؛ حرکتی که نتیجهٔ نهایی آن در زمان ظهور آشکار خواهد شد، پس هیچ منتظری بی بهره و ناکام از انتظار نخواهد بود.

وظایف منتظران و ویژگی های آن ها

وظایف ما در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

مهم ترین وظایفی که در این دوره بر عهدهٔ هر شیعهٔ منتظری است، عبارت است از:

۱- نک: مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف..

۱. شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشوای ما و حجت الهی است؛ ما باید به امامتش معتقد باشیم و در اطاعت از او کوشا باشیم و لازمهٔ این عقیده و عمل آن است که نسبت به آن بزرگوار معرفت پیدا کنیم و سعی کنیم که پیوسته شناخت بیش تری نسبت به ابعاد شخصیتی آن حضرت و صفات و سیرهٔ آن حضرت پیدا کنیم. این مهم در دعاهای زمان غیبت مورد تأکید قرار گرفته است. روشن است که معرفت بهتر و بیش تر نسبت به امام، ما را به او نزدیک تر و

محبت ما را به آن بزرگوار بیش تر می کند و زمینهٔ اطاعت کامل تر نسبت به او

فراهم می گردد.

۲. محبت نسبت به آن حضرت و اظهار آن: یکی از وظایف ما، دوست داشتن خدا و اولیای اوست و در این زمان باید محبت ما نسبت به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان بزرگ ترین ولی خدا، نثار شود و هیچ کس را در دوستی بر او مقدم ندانیم و نیز محبت خود را نسبت به او آشکار کنیم؛ مثل این که در جلساتی که به نام و یاد او تشکیل می شود شرکت کنیم و به اماکن منسوب به آن حضرت توجه داشته باشیم و همه روزه به یاد او بوده و به او سلام دهیم و به نیابت از او اعمال خیر انجام دهیم و به او دعا کنیم و ظهورش را مشتاقانه از خدا بخواهیم و از فراق او ناله و ندبه سر دهیم و فرزندانمان را به نام او نام گذاری کنیم و... .

۳. خودسازی: از مهم ترین وظایف منتظران آن است که خود را برای یاری او آماده کنند. در سخنی از امام صادق علیه السلام آمده است:

هرکه دوست دارد از یاوران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، باید منتظر او باشد و براساس پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.

بنابراین منتظر واقعی کسی است که تلاش می کند که پای بندی بیش تری به دین و احکام نورانی قرآن داشته باشد و در پیروی از راه و رسم امامان معصوم علیهم السلام

هر روز جدی تر از روز قبل باشد.

۴. رابطهٔ معنوی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف: از جمله وظایف منتظران آن است که با حجت زمان که معدن نور و هدایت و کانون تقوا و فضیلت است، رابطه ای مداوم و مستمر داشته باشند؛ زیرا غفلت از امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن است زمینهٔ انحراف رفتاری را در انسان ایجاد کند، همان گونه که یاد او و ارتباط با او و تجدید عهد و پیمان با او زمینه ساز حرکت در مسیر او خواهد بود. بنابراین لازم است همه روزه به یاد او باشیم و او را دعا کنیم و به او سلام دهیم و پیمان خود را با او تازه کنیم (۱) و محبت خود را به او نشان دهیم.

۵. زمینه سازی ظهور: مهم تر از همهٔ وظایف گذشته این است که منتظران باید موانعی که باعث تأخیر ظهور است از بین ببرند و زمینه های ظهور آن حضرت را فراهم آورند.

در زمان ظهور یا غیبت امام، تزکیهٔ نفس و کمالات روحی چگونه است؟

هم در زمان غیبت و هم در زمان ظهور، یگانه راه سعادت انسان، تزکیهٔ نفس و راه تحقق آن هم در هر دو زمان، عمل به قرآن و دستورهای اهل بیت علیهم السلام است. بنابراین فرقی بین غیبت و ظهور از این جهت نیست. البته در زمان غیبت، تزکیهٔ نفس مشکل تر است؛ زیرا عوامل انحرافی و وسوسه های شیطانی فراوان تر است، ولی در زمان ظهور بستر و زمینه برای تزکیهٔ نفس مناسب تر است؛ زیرا امام معصوم، مظاهر فساد عمومی را ریشه کن خواهد نمود. در هر حال، تزکیه امری است که به اختیار انسان انجام می گیرد. در زمان ظهور هم همین گونه است، نه این که اجباری و خارج از اختیار باشد.

۱- می توانیم با زیارت ها و دعاهایی مانند آل یاسین و دعای عهد این وظیفه را نیکوتر انجام دهیم.

در روایت آمده است که به مؤمنان و صالحان زمان غیبت اجر بیش تری داده می شود؛ چون برای حفظ دین، سختی بیش تری تحمل کرده اند.

مراد از زمینه سازی برای ظهور چیست؟

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک انقلاب فراگیر و جهانی است. انقلابی برای اجرای عدالت در همهٔ بخش های زندگی و برای همهٔ انسان ها. پیداست چنین رویداد بزرگی نیاز به فراهم شدن مقدمات و زمینه های لازم برای آن است؛ پس مسلمانان جهان به عنوان منتظرانِ ظهور باید آن چه در توان دارند برای برپایی حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار گیرند. این کار همان زمینه سازی برای ظهور است.

اما چگونگی انجام آن، نیاز به بحث مفصل دارد که خلاصه اش این است که همگان برای اصلاح خود و اصلاح محیط پیرامون خود تلاش کنند؛ یعنی هم خودسازی کنند و هم نیروسازی و ضمناً مردم را برای استقبال از حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده کنند، به گونه ای که همگان خواستار عدالت مهدوی باشند و بزرگ ترین آرمان آن ها تشکیل حکومت عدل جهانی باشد.

آیا صدقه دادن برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صحیح است؟

آری، علاقه مندان به حضرت می توانند اعمال عبادی مستحب را به نیابت از ایشان انجام دهند و به ویژه از طرف آن حضرت و یا برای سلامتی وجود مبارک آن حضرت صدقه دهند، و این خود یکی از جلوه های زیبای نمایش محبت و ارادت به آن امام عزیز است. سید بن طاووس ــ از علمای بزرگ شیعه ــ می نویسد:

صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خود و عزیزانت قرار ده و دعا برای آن حضرت را بر دعا کردن برای خودت مقدم بدار و نیز در هر کار خیری که مایهٔ وفای به حق آن حضرت است، آن بزرگوار را مقدم بدار که سبب می شود به سوی تو توجه فرماید و به

تو احسان کند. (۱)

چه کنیم تا مورد توجه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیریم و وجودمان نورانی شود؟

در قرآن و روایات به صورت صریح تأکید شده است که پس از برخورداری انسان از اعتقاد صحیح، نوبت به عمل می رسد و آن چه می توانـد آدمی را به خـدا و حجت او نزدیک و نزدیک تر کنـد، تلاش در راه انجام دادن وظایف (تعهد به واجبات و ترک محرمات الهی) است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس یکی از توقیعات رسیده از ایشان فرمودند:

اگر شیعیان مـا _ که خداونـد آن ها را به اطاعت خویش موفق بـدارد _ بر ادای عهـد و پیمان ما یک دل و همراه می شدنـد، هرگز سعادت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد. (۲)

همچنین فرمودند:

هریک از شـما به گونه ای عمل کند که به محبت ما نزدیک شود و از کارهایی که او را به خشم و غضب ما نزدیک می کند، برحذر باشد. (۳)

این سـخنان نورانی می رساند که بهترین وسـیله برای نزدیکی به خدا و جلب عنایت امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، تلاـش برای سازنـدگی فردی است. البته یـاد امام عصـر در هر شب و روز، در این مسـیر بسـیار راه گشا خواهـد بود. چه خوب است که روزمـان را بـا یاد آن حضـرت و توسل به او شـروع کنیم و به همین گونه به پایان رسانیم. نیز چه زیباست که پیوسـته سـاعتی را برای عرض سـلام و ارادت به سـاحت مقدسـش اختصاص دهیم و چه بجاست که به نیابت از آن حضـرت، کارهای عبادی (مثل

۱- کشف المحبه، ص۱۵۲.

۲- الاحتجاج، طبرسی، ج۲، ص۳۱۵.

۳- الاحتجاج، طبرسی، ج۲، ص ۳۲۳ - ۳۲۴.

نماز، روزه و صدقه) انجام دهیم.

البته در کنار خودسازی و یاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، لازم است به دنبال تحقق اهداف امام در عرصهٔ اجتماعی باشیم و در این راستا تلاش کنیم. زمینه سازی برای ظهور آن حضرت، بسترسازی برای بروز ارزش های اسلامی و انسانی در جامعه، و تلاش برای فراگیرشدن فرهنگ انتظار و ضرورتِ حاکمیت الهی است.

به راستی آیا می شود آدمی این گونه زندگی کند و مورد توجه و عنایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار نگیرد؟!

چگونه یقین کنیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از رفتار ما رضایت دارد؟

چون می دانیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اجرای عدالت و حق در سطح جهان، ظهور خواهد کرد و قیام او برای آن است که دستورات خدا در همهٔ جهان اجرا شود و ظلم و ستم و فساد ریشه کن شود، لازم است ما نیز به پیروی از آن بزرگوار در همین مسیر روشن حرکت کنیم؛ یعنی سعی کنیم واجبات الهی را انجام دهیم و محرمات را ترک کنیم و در همهٔ حوزه ها به ویژه حوزه های اجتماعی و سیاسی، ابتدا وظیفهٔ الهی خود را بشناسیم و سپس در مقام انجام وظیفه برآییم؛ اگر چنین باشیم، امید است که رضایت آن حضرت را جلب کرده باشیم و معلوم است که به هر میزان به دنبال هوای نفس و شیطان باشیم از رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دور شده ایم، بلکه سبب خشم و نگرانی آن حضرت شده ایم و چنین مباد!

آیا برای دوست داشتن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید از محبت به دیگران خودداری کرد؟

همان خدایی که به محبت امام امر کرده، به دوست داشتن دیگران نیز فرمان داده است. لذا دوست داشتن افراد عادی مانند پدر و مادر، خانواده، فامیل، دوست و... منافاتی با دوست داشتن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد و انسان می تواند همه را دوست داشته باشد.

نکتهٔ مهم این است که باید محبت و دوست داشتن امام خیلی بالاتر و بیش تر از محبت به افراد عادی باشد (۱) و نشان دوست داشتن بیش تر امام این است که ما به خاطر هیچ کس راضی به ناراحت کردن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نشویم و از آن جا که انجام دادن کارهای حرام یا ترک واجبات باعث ناراحتی امام می شود، باید از این اعمال خودداری کرد. (۲) دین اسلام که آیین مهر و محبت است، به ما توصیه کرده تا همهٔ انسان ها و حتی طبیعت، گیاهان و حیوانات را دوست داشته باشیم، اما هرگز آن ها را بر خدا و امامان علیهم السلام برتری ندهیم یا مساوی ندانیم، بلکه همواره سخن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام را بر گفتار دیگران مقدم نماییم.

چه کنیم تا فرزندانمان، یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند؟

روشن است که آیندهٔ فرزندان ما به تربیت امروز آن ها بستگی دارد. ما همان گونه که به آموزش و تعلیم فرزندان عنایت داریم، باید در امر پرورش و تربیت آن ها نیز حساس باشیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ادّبوا اولادکم علی حبّی وحبّ اهل بیتی والقرآن؛

فرزندانتان را براساس دوستی من و دوستی خاندان من و قرآن تربیت کنید.

از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تربیتی صحیح است که روز به روز فرزندان ما را با قرآن و عترت آشناتر و محبت آن ها را نسبت به این دو یادگار بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیش تر کند. ما می توانیم همین ملاک و معیار صحیح را در نظر داشته و بر این اساس رفتار فرزندانمان را تنظیم کنیم؛ طبیعی است اگر در این مسیر جدیت داشته

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ۱۶۵.

۲- سورهٔ توبه، آیهٔ۲۴.

باشیم و نیز از خدای بزرگ بخواهیم و به ائمهٔ معصومین علیهم السلام توسل جوییم، می توانیم امیدوار باشیم که فرزندانمان جزو یاران آن حضرت خواهند بود.

چگونه و از چه راهی دوستی و محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خود و فرزندان خود تقویت کنیم؟

برای این که محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دل های ما تقویت شود، چند کار اساسی و مهم باید انجام دهیم:

الف) با توسّل به درگاه خدای متعال، نعمت بزرگ محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را طلب کنیم و پیوسته از او بخواهیم که این نعمت کم نظیر را برای ما افزون تر سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین دعا می کرد:

اللهم ارزقنی حبّك وحبّ من یحبّك وحبّ ما یقرّبنی الی حبّك؛

خدایا دوستی خودت را روزی من قرار داده و دوستی هر که تو را دوست دارد و دوستی آن چه مرا به دوستی تو نزدیک می کند.

ب) چون محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با محبت دنیا و گناه و شهوات جمع نمی شود و یک دل هم دو دوستی بر نمی دارد، لازم است در تهذیب نفس و پالایش روح از رذایل اخلاقی بکوشیم؛ هرچه قلب و اعضای بدن ما از گناهان و کینه ها و کدورت ها پاک تر شود، محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش تر در دل ما جای می گیرد.

ج) شناخت و معرفت خود را نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تقویت کنیم؛ چون هرچه از زیبایی های شخصیت آن یار مهربان بدانیم، محبت بیش تری نسبت به او خواهیم داشت و به ویژه از جلوه های محبت و مهر امام برای فرزندانمان تعریف کنیم تا نیک بدانند که در تمام عالم پدری مهربان تر و دل سوزتر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نخواهند یافت و در تمام جهان کسی لایق تر از او نیست که محبت و عشق خود را نثار او کنند؛ چنان که او بیش ترین محبت و دوستی و وفا را نسبت به ما دارد و فرموده است: «... ما هرگز شما را از یاد نبرده ایم ..». و او به یقین بهترین خیرخواه و

دوست و یاور ماست، بدون این که هیچ چشم داشتی از ما داشته باشد!!

رابطه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقصود از «رابطه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت»، چیست؟

بعضی از مردم گمان می کردند که تنها راه ارتباط، رابطهٔ جسمی و ظاهری است و چون در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی توانیم آن حضرت را مشاهده کنیم، پس امکان ارتباط با آن حضرت وجود ندارد! حال آن که آن رابطه ای که در روایات و گفتار بزرگان مورد توجه است، رابطهٔ روحی و معنوی با آن حضرت است و این ارتباط قطعاً از رابطهٔ جسمی مهم تر و تأثیرگذارتر است. در پرتو این رابطه است که انسانِ منتظر، مؤدّب به آداب امام و متخلّق به اخلاق الهی او می شود و در گفتار و رفتار به آن حضرت شبیه می گردد و چه بسیار کسانی که در عصر ائمه علیهم السلام، ارتباط جسمی و ظاهری با امامان داشته اند، ولی از نظر روحی از آن ها جدا بوده اند و در عمل به آن ها اقتدا نکرده اند.

چگونه می توانیم با امام زمان خود رابطه داشته باشیم؟

بعضی از راه های ارتباط با امام عبارت اند از:

الف) معرفت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف: هر چه شناخت انسان نسبت به امام بیش تر باشد، امکان ارتباط روحی با او بیش تر است؛ زیرا وقتی بدانیم که امام حجت خدا بر زمین و آگاه به همهٔ حالات است، همیشه خود را در محضر او حس می کنیم و همین سبب توجه قلبی بیش تر نسبت به آن بزرگوار است که منشأ صلاح و اصلاح نفس انسان می شود.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

انّا محیط علماً بانباءکم ولا یعزب عنا شیئاً من اخبارکم؛

ما همهٔ خبرهای شما را می دانیم و هیچ چیز از شما بر ما پنهان نیست.

ب) توسل به آن حضرت: توسل یعنی برای رسیدن به هدف، از وسیله ای مناسب کمک بگیریم. در زندگی دنیا، مقصد ما خدا و رضای اوست و برای رسیدن به این هدف، بهترین وسیله، انسان کامل است که نمایندهٔ خدا و حجت او و راهنمای بشر از سوی اوست و خداوند ما را به پیروی و هم راهی و توسل به امامان دستور داده و فرموده: «وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ »و طبق روایات فراوان مراد از صادقین، ائمهٔ هدی علیهم السلام و آخرین آن ها وجود مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که باید به آن حضرت متوسل شویم و از او برای پیمودن راه مستقیم الهی کمک بخواهیم و خود را تحت تربیت و تعلیم او قرار دهیم.

از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که فرمودند:

ما ساخته شده و تربیت یافتهٔ خداییم و مردمان تربیت شدهٔ ما. (۱)

و از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:

وقتی بلاـ و گرفتاری بر شما فرود آمد، به وسیلهٔ ما از خدا کمک بخواهید و این همان است که خداوند فرموده: «و برای خداست اسم های نیکو، خدا رابه آن اسم ها بخوانید». (۲)

ج) دعا برای فرج آن بزرگوار: دعا بهانهٔ بسیار خوبی برای ایجاد رابطه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تقویت آن است. چه زیباست که ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نهایت آرزوی یک مؤمن منتظر باشد و در همه جا و همه وقت برای تعجیل فرج او دعا کند؛ به این وسیله رابطهٔ روحی عمیقی بین او و امامش برقرار می شود و تأثیر فراوانی در جنبهٔ رفتاری او می گذارد و او را برای فرج آن حضرت آماده می کند. راستی کسی که

۱- شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۵۸.

۲- الاختصاص، ص ۲۵۲.

شب و روز دغدغهٔ فرج امام غایب خود را دارد و بزرگ ترین آرزویش ظهور مراد و محبوب اوست، به امام نزدیک تر است یا آن که حباب های فراوانی بر فکر و ذهن او قرار گرفته و آرزوهای کوچک و بزرگ مادی، فکر و ذهنش را به خود مشغول کرده و تمام همت و اقدام او را در چارچوب همان آرزوها محصور کرده است؟!

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند:

اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم؛ (۱)

برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید؛ به راستی که فرج شما در آن است.

چه کنیم که وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در زندگی خود حس کنیم؟

خوشا به حال کسی که چنین دغدغه ای دارد و آرزوی او این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در زندگی حس کند و پیوسته خود را در محضر او بداند. روشن است که اگر آدمی به چنین نعمت بزرگی دست یابد، معنای واقعی زندگی را خواهد چشید و هویت حقیقی خود را خواهد یافت. اما برای رسیدن به این نقطهٔ نورانی، باید کارهایی را انجام داد:

۱. لازم است آگاهی و شناخت ما از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، که امام و حجت خداست، عمیق تر گردد. بسیاری گمان می کنند که غیبت حضرت به معنای نبودن ایشان در این عالم است، حال آن که غیبت او به معنای نهان زیستی اوست، وگرنه او در همین زمین ما زندگی می کند.

اگر امام را آن گونه که باید بشناسیم، خواهیم دانست که او به زمان و مکان محدود نیست، بلکه به اذن الهی، زمان ها و مکا ن ها در اختیار اوست؛ پس شرق و غرب عالم پیوسته تحت تصرف او و زیر نظر مبارک آن حضرت است. اگر او را واسطهٔ فیض خدا و سبب همهٔ نعمت های الهی بدانیم، درمی یابیم که نه تنها ما و

۱- طبرسی، احتجاج، ج۲، ص۲۸۴.

خانـدان ما، که همـۀ عالم به برکت وجود او زنده اند و روزی می خورند. پس حضور حضـرتش در کنار هر نعمت کوچک و بزرگ مادی و معنوی و در دفع هر بلای فردی و اجتماعی قابل لمس و مشاهده خواهد بود.

اگر او را باب خـدا و یگانه راه نجات بـدانیم، در هر مشـکل مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی، او را واسـطۀ درگاه حضـرت حق قرار می دهیم و بدین گونه، پیوسته زیر خیمۀ لطف او قرار می گیریم و وجود پرجودش را با همۀ وجود لمس می کنیم. از این دست معرفت ها و آگاهی ها بسیار است که درک حضور حضرت او را نزدیک و نزدیک تر می کند تا ما را کنار او و در چشم انداز نگاه پر مهر او می نشاند؛

۲. بایـد تلاش کرد که یاد و نام او پیوسـته در زنـدگی ما جریان یابد. هم در خانه، کارخانه، دانشـگاه، ورزشـگاه، خیابان و هر نقطه و در هر حالی که هستیم، با یاد او و حال و هوای او به سـر بریم و آن معرفت که پیش از این گفته شـد، می تواند ما را به این حال نیکو برساند؛

محافل خود را با یاد او شروع کنیم و به پایان برسانیم. برای سلامت حضرتش پیوسته صدقه دهیم، به نیابت از او اعمال نیک به جا آوریم، در شب و روز با او تجدید عهد کنیم و به ساحت مقدسـش درود و سلام بفرستیم و هر روز، ساعتی با او نجوا کنیم و به مکان های منتسب به او مثل جمکران رغبت نشان دهیم و...؛

۳. ظهور او را در صـدر نیازهـای خود بـدانیم؛ همـۀ آرزوهای خود را در آمـدن او ببینیم و فراق او برای ما از هر غصـۀ دیگری بزرگ تر و جـدی تر باشـد. مبادا به غیبت و ندیـدنش خو بگیریم و به دوری از حکومت عدالت گسترش عادت کنیم یا ظهور او را دور بشـماریم، بلکه پیوسته بیندیشیم و بر این باور باشیم که همین روز که در آن هستیم، می تواند روز ظهور باشد و هیچ چیز نمی تواند مانع ظهور ارادۀ

الهی شود.

در این صورت، وظیفهٔ مهم ما این است که خود را برای ظهورش آماده سازیم و کاری کنیم که ظهورش نزدیک تر شود و چنان باشیم که حضرتش برای ما اهمیت قائل شود و بکوشیم که در توفان نامردی های نامردان و بی مهری نامهربانان، مایهٔ روشنی چشم او باشیم و در این مسیر، دیگران را هم دعوت کنیم و پیوسته بکوشیم که فرد دیگری به یاران و همراهان او بیفزاییم.

... و هرچه از این دست کارها و اندیشه ها بیش تر داشته باشیم، وجود او را در زندگی خود بیش تر حس خواهیم کرد و البته لطف او کارسازتر از همهٔ این راه ها و رفتارهاست.

چگونه یاد و نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را همیشه در خاطر دانش آموزان زنده نگه داریم؟

دانش آموزان سطوح مختلفی دارند که برای هر سطحی باید کارهای متناسب با آن صورت گیرد. این که فضای زندگی دانش آموز در خانه و مدرسه باید امام زمانی باشد، در همهٔ سطوح قابل اجراست. برای این کار خوب است متناسب با درک و دریافت آنان کارهای زیر به عمل آید:

۱. نصب تابلوهای زیبا دربارهٔ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قالب های متنوع (گفتار خود امام، کلام سایر معصومان علیهم السلام دربارهٔ ایشان، منظره ها و مکان ها مقدس منسوب به حضرت مثل جمکران)؛

۲. پخش دعاها و زیارت ها با صدای دل نشین و جذاب از بلندگوی مسجد، مدرسه یا حتی در فضای خانه؛

۳. تشکیل گروه های سرودی که در مناسبت های مختلف، دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم خوانی کنند؛

۴. مسابقهٔ کتاب خوانی با اهدای جایزه های نفیس (در سطح راهنمایی و

دبیرستان)؛

۵. مسابقهٔ مقاله نویسی، داستان نویسی، شعر، قطعات ادبی، خط و نقاشی؛ به همراه اهدای جایزه های نفیس و ارائهٔ کار در نمایشگاه مدرسه و بعد در سطح شهر و استان؛

۶. استفاده از زنگ انشا برای نوشتن دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (مثل این موضوع: احساس خود را دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بنویسید)؛

۷. اجرای برنامهٔ روزنامه دیواری نویسی برای هر کلاس و تشویق و راهنمایی دانش آموزان در این جهت (که قدرت خلاقیت و اطلاعاتشان را هم بالا خواهد برد)؛

۸. تشکیل اردو های جمکران با هدف انس بیش تر با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۹. برگزاری مراسم دعا، مثل دعای عهد یا زیارت آل یاسین در مدرسه یا شرکت دادن دانش آموزان در چنین محافلی که البته باید در حد ظرفیت و حوصلهٔ آنان باشد؛

۱۰. برگزاری مراسم جشن و سرور در مناسبت های مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله ایام نیمهٔ شعبان یا نهم ربیع الاول.

آن چه مهم است این که در همهٔ این موارد، باید محور برنامه ها دانش آموزان باشند و آن ها خود برگزارکننده و هماهنگ کنندهٔ برنامه ها باشند و معلم، مربی و اولیا تنها نظارت و آن ها را یاری کنند.

نماز و دعا

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نماز

سیمای نماز در بیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

نماز ستون دین و یکی از نشانه های بزرگ اسلام است؛ لذا اقامهٔ آن یکی از وظایف دولت اسلامی است. چنان که خداوند متعال در آیهٔ ۴۱ سورهٔ حج می فرماید:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَوةَ»؛

اگر مؤمنان در زمین قدرت یابند، نماز را برپا می دارند.

امام باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه می فرماید:

هذه الآیه لآل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و المهدی و اصحابه؛

این آیه مربوط به اهل بیت علیهم السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران اوست. (۱)

بنابراین از کارهای مهمی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور انجام می دهد، برپا داشتن نماز و مطرح کردن آن در سطح جامعه و فراخواندن مردم به سوی آن است.

۱- بحارالانوار، ج۵۱، ص۴۷.

آن هم نمازی که هیچ پیرایه و بدعتی در آن نباشد. در دعای ندبه می خوانیم:

اَیْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِیدِ الْفَرائِضِ وَ السُّنَن؛

کجاست کسی که واجبات و مستحبات را احیا و زنده می دارد.

یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهور خود نماز را زنده می گرداند و مردم را به پاداشت یکی از ارکان دین فرامی خواند.

علاوه بر اصل نماز، اقامهٔ آن در اول وقت نیز مورد تأکید فراوان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریفاست. حضرت در خطاب به فردی می فرماید:

مَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ اِلَی اَنْ تَشْتَبِکَ النُّجُومُ ومَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَداهَ اِلی اَنْ تَنْقَضِیَ النُّجُومُ؛ (۱)

از رحمت خداوند دور است، از رحمت خداوند دور است کسی که نماز عشا را به قدری تأخیر اندازد که همهٔ ستارگان آسمان دیده شوند؛ و از رحمت خداوند دور است، از رحمت خداوند دور است کسی که نماز صبح را به قدری به تأخیر اندازد که ستارگان دیده نشوند.

این جملات صریح، اهتمام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نماز اول وقت را نشان می دهد؛ و کسانی را که در نماز خود اهمال می کنند، به شدت سرزنش نموده، آن ها را از رحمت خداوند به دور می داند. علاوه بر این روایت، تأکید ایشان بر نماز اول وقت در ملاقات ها و حکایت های تشرفات به محضر ایشان نیز، نقل گردیده است؛ (۲) و نیز تعقیباتی برای نماز ایشان نقل شده است. (۳) علاوه بر این تعقیبات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نمازهای مستحبی برای توسل به خوشان یاد داده اند؛ مانند

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۱۱۳.
۲- شیفتگان حضرت مهدی، ج۲، ص۹۴.
۳- شیفتگان حضرت مهدی، ج۱، ص۱۳۳.

نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که هم در مسجد جمکران و هم در هر مکان دیگری

خوانده می شود. (۱)

حضرت خود اهل تهجد و شب زنده داری هستند. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

اسمر اللون یعتاده مع سمرته صفره من سهر اللیل بابی من لیله یرعی النجوم ساجداً و راکعاً؛ (۲)

رنگ چهرهٔ حضرت گندم گون است، اما زردی نیز به چهره ایشان عارض شده که در اثر شب زنده داری است. پدرم فدای کسی که شب ها را با سجده و رکوع به صبح می رساند.

ما نیز در زیارت آل یاسین عرض می کنیم:

السلام علیک حین تصلی وتقنت، السلام علیک حین ترکع وتسجد؛

سلام بر تو زمانی که نماز می خوانی و در قنوتی؛ سلام بر تو زمانی که در رکوعی و سجودی.

این سلام ها نیز قداست و عظمت نماز و خصوصاً نماز ایشان را می رساند. این که ما در هر حالت نماز ایشان، به حضرتش سلام می دهیم، نشان ازعظمت نماز دارد. نمازی که توسط ایشان اقامه می شود نیز امام نمازهاست و ما باید بکوشیم تا نماز خود را به نماز ایشان نزدیک کنیم.

جالب این که این زیارت از ناحیهٔ مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده و شخص آن حضرت خواسته است که با این جملات به ایشان توجه کنیم و اگر چیزی جز نماز و حالتی نیکوتر از حالات نماز در نظر شریف او برتر و بالاتر بود، از همان یاد می کرد. پس این که بخشی از زیارت به حالات عرفانی امام در نماز اختصاص یافته و در

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۵۳۶.

۲- فلاح السائل، ص۲۰۰.

عباراتی بدیع، ایشان را در اجزای مختلف نماز توصیف کرده و حکایت از اهمیت فوق العادهٔ نماز و بالاتر، جزء جزء این واجب مهم دینی دارد و یکی از پیام های آن می تواند توجه دادن زایر به نماز و ارکان مهم آن باشد. پس سعی کن در نماز و رکوع و سجود و قنوت و تسلیم آن مانند امام خویش، غرق دریای خدا باشی تا شایستهٔ درود و سلام امام خود و فرشتگان مقرب خدا گردی.

نماز صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به طور دقیق شرح دهید؟

در کتب ادعیه، برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند نماز ذکر شده است که معروف ترین آن ها، نماز صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. کیفیت این نماز بدین شرح است: دو

رکعت نماز به نیت نماز صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خوانده می شود که در رکعت اول،

آیهٔ «إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَإِیَّاکَ نَسْتَعِینُ» را صدبار قرائت کند و سپس ادامهٔ سورهٔ حمد

را بخواند، و پس از آن سورهٔ توحید «قُلْ هُوَ اللّهُ» را یک بار بخواند و به رکوع و

آن گاه به سجده رود و ذکر رکوع و سجود را هرکدام هفت بار بگوید. رکعت دوم را

نیز به همین صورت انجام دهد و بعد از سلام نماز، یک بار تهلیل (لا اِلهَ اِلّا الله)

و سپس تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را؛ یعنی ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمدلله و ۳۳ مرتبه سبحان الله را بگوید و بعد از آن به سجده رود و صدمرتبه صلوات فرستد! (۱)

البته نماز دیگری نیز برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است که در نیمهٔ شب جمعه بعد از غسل به جا آورده می شود و کیفیت آن کمی با آن چه در مورد نماز حضرت در مسجد جمکران اشاره شد، تفاوت دارد و بعد از فارغ شدن از نماز، دعای مخصوصی سفارش شده است که خوانده می شود. (۲)

۱- مفاتیح الجنان، ترجمه: موسوی دامغانی، ص۴۲۷.

۲- مفاتیح الجنان، ترجمه: موسوی دامغانی، ص۴۲۷.

آیا هنگام اذان گفتن، می توان نماز اول وقت را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا کرد و خواند؟

وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نماز خود را در اول وقت به جا می آورد، ولی مسئلهٔ اقتدا به آن حضرت، تابع احکام شرعی است. در جماعت لازم است از نظر ظاهری، محل ایستادن انسان به طور مستقیم یا به واسطهٔ افراد دیگری که جلوتر ایستاده اند، به محل ایستادن امام جماعت متصل باشد و بدون اتصال ظاهری، جماعت تشکیل نمی شود.

بله، همین که موفق به نماز اول وقت شویم و هم زمان با نماز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز بخوانیم، توفیق بزرگی است و می توانیم به قبولی نمازمان امید بیش تری داشته باشیم؛ زیرا نماز آن حضرت به یقین بالا ـ می رود و مورد پذیرش خداوند متعالی قرار می گیرد. بنابراین امید است همراه با نماز ایشان، نماز ناقص ما نیز بالا رود و پذیرفته شود.

دعای امام

تعدادی از دعاهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در مورد شیعیان بنویسید؟

یکی از جلوه های مهر و محبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به شیعیان، دعاهای اوست (۱) که به برخی از نمونه های آن اشاره می شود: (۲)

خدایا! کسانی که برای یاری دین تو، از من پیروی می کنند، نیرومند کن و آنان را جهادگر در راه خودت قرار بده و بر بدخواهان من و ایشان، پیروزشان گردان. (۳)

۱- نک: میرمهر، سیدمسعود پورسیدآقایی، ص۳۱.

۲- برای آگاهی از دعاهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نک: صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی؛ صحیفه المهدی، عیسی اهری.

۳- مهج الدعوات، ص۳۰۲.

خـدایا! به حـق آن که بـا تو مناجـات کرد و به حق آن که در خشـکی و دریـا تو را خوانـد، بر فقرای مؤمنین غنـا و ثروت و بر بیمارانشان شـفا و سـلامت و بر زنـدگانشان لطف و کرم و بر امواتشان مغفرت و رحمت و بر مسافران و غریبانشان بازگشت به وطن تفضل فرما. (۱)

خدایا! شـیعیان ما را از شعاع نور و بقیهٔ طینت ما خلق کرده ای؛ آن ها گناهان زیادی با اتکای بر محبت به ما و ولایت ما انجام داده انـد، اگر گناهـان آن ها گناهی است که در حق توست، از آن ها درگـذر که ما راضـی هستیم و آن چه از گناهان آن ها دربارهٔ خودشان است، خودت بین آن ها را اصلاح فرما... . (۲)

دعا برای امام

آیا دعا کردن برای سلامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صحیح است؟

با توجه به برخی روایات، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند انسان های دیگر، زندگی طبیعی داشته و در میان مردم رفت و آمد دارد و ممکن است مانند پیامبران الهی و دیگر ائمه علیهم السـلام به بیماری یا مشـکلات دیگر دچار شود. بنابراین دعا و صدقه و صلوات برای سلامت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بی تأثیر نیست و محفوظ ماندن ایشان توسط خداوند _ که در روایات آمده _ به معنای حفظ جان ایشان است، نه محافظت از بیماری و مشکلات دیگر.

علاوه بر آن که ائمهٔ اطهار علیهم السـلام هم در بهترین حالات خود (مناجات) برای حفظ و سـلامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف دعا کرده انـد و به ما آموخته انـد که چگونه برای او دعا کنیم؛ مثلاً امام رضا علیه السـلام پیوسـته به دعا کردن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با این دعا امر می کرد:

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۳۰۲.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص۳۰۲.

اللهم ادفع عن ولیک... واعـذه من شرّ جمیع ما خلقت وعن یمینه وعن شـماله ومن فوقه ومن تحته بحفظک الذی لا یضـیع من حفظته به؛ (۱)

خداونـدا هرگـونه بلاـ را از سـاحت ولیّ خـود دورگردان... و او را در پنـاه خود از شـر تمـام آن چه آفریـده و ایجـاد و انشـا و صورت گری فرموده ای، محفوظ بـدار؛ و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و از بلایـای آسـمانی و زمینی محفوظ بدار؛ حفظ کردنی که هرکس را آن طور محفوظ گردانی، از بین نرود.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در قنوت نمازهایشان این گونه دعا می فرمود:

فاجعله اللهم فی حصانه من بأس المعتدین ... فاجعله اللهم فی أمن مما نشـفق علیه منه ورُدّ عنه من سـهام المکائد ما یوجهه اهل الشنان الیه؛ (۲)

خداوندا، او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف) را در پناه گاهی قرار ده تا از شـر متجاوزان در امان باشد! خدایا، او را از چیزهایی در امان بـدار که برایش می ترسـیم، و تیرهای نیرنگ را که کینه توزان و بدخواهانش به سوی او پرتاب می کنند، برطرف ساز.

بنابراین با توجه به سیرهٔ اهل بیت علیهم السلام دعا برای سلامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صحیح می باشد. بله، خداونـد متعال خلیفه و ولیّ خودش را حفظ و حمایت می فرماید، ولی ما وظیفه داریم برای سـلامت آن حضـرت سـعی و دعا کنیم. (۳) در حقیقت کوشـا بودن برای سـلامت ایشـان، مفهومش این است که مـا حاضـر نیسـتیم ماننـد اجـداد بزرگوارش به سختی بیفتد.

گفتنی است این اعمـال نیز قبـل از آن که برای حضـرت حجت عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف فایـده و اثر داشـته باشـد، برای شخص دعاکننده تأثیر دارد. اگر کسی برای حجت خدا کاری

۱- مصباح المتهجد، ص۴۰۹؛ صحیفه مهدیه، ص۴۳۴.

۲- مصباح المتهجد، ص۱۵۶؛ صحیفه مهدیه، ص۱۶۵.

۳- مکیال المکارم، ج۲، ص۳۰۹.

انجام دهد، او این اعمال را بدون پاسخ نمی گذارد، بلکه او نیز برای سلامت این شخص دعا می کند.

آیا دعای سلامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟ مگر حضرت دچار بلایای طبیعی می شوند؟

دعای سلامت، همان دعای «اللهم کن لولیک..». است و چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مانند ما بدنی طبیعی و معمولی دارند ممکن است بر اثر سرما و گرما و دیگر عوامل، دچار بیماری شوند. البته عمر طولانی داشتن به معنای سلامت جسمی به طور دائم نیست. لذا ممکن است حضرت نیز مانند دیگران بیمار یا مصدوم شوند و حادثه ای برایشان پیش آید و ما برای جلوگیری از این آسیب ها دعا می کنیم، صدقه می دهیم، نذر می کنیم و... .

آیا ذکر، دعا یا عمل خاصی برای جلب عنایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟

پاسخ این سؤال گسترده است، در کتاب سودای روی دوست مطالب خوبی در این باره وجود دارد. (۱) در این جا به طور خلاصه به نکاتی اشاره می شود:

ذکر و دعا بر دو قسم است: ذکر لسانی و ذکر قلبی.

ذکر لسانی قرآنی عبارت اند از:

الف) امام صادق علیه السلام می فرمایند:

هرکس سورۀ بنی اسرائیل را در هر شب جمعه قرائت نماید، نمی میرد تا آن که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک نماید و جزو یاوران آن حضرت گردد. (۲)

ب) امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس قبل از خواب، در هر شب سوره های مُسبّحات (حدید، حشر، صف، تغابن و جمعه) را قرائت کند، نمی میرد مگر آن که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک

۱- سودای روی دوست، مرتضی آقاتهرانی.

۲- بحارالانوار، ج۸۹، ص ۲۸۱.

می کند و آن گاه که می میرد در همسایگی پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، خواهد بود. (۱)

ذکر لسانی غیرقرآنی عبارت اند از:

الف) امام صادق علیه السلام می فرمایند:

هرکس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «اللّهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم» نخواهد مرد تا آن که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک نماید. (۲)

ب) سید بن طاووس در تعقیبات نماز عصر روز جمعه تأکید بر «صلوات ضرّاب اصفهانی» (۳) دارد و می فرماید:

این صلوات را به جهت امری که خداوند متعال ما را از آن مطلع کرده است، هرگز ترک نکن. (۴)

شخصی از آیت الله بهجت، سؤال کرد: برای زیارت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه دعایی کنم؟ ایشان می فرماید:

صلوات زیادی به وجود مقدس اهدا نمایید و مقرون با دعای تعجیل فرجش باشد. (۵)

ذکر قلبی:

آیت الله بهجت می گوید:

به نظر حقیر، بالاترین ذکر، ذکر عملی است؛ یعنی ترک معصیت در اعتقاد و در عمل. همه چیز محتاج به این است و این محتاج به چیزی نیست و مولد

۱- کافی، ج۲، ص ۶۳۰.

۲- بحارالانوار، ج۸۶، ص۷۷.

۳- صلواتی است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شخصی به نام ضرّاب اصفهانی یاد داد.

۴- مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه، صلوات ضرّاب اصفهانی.

۵- به سوی محبوب، ص۵۸.

خیرات است. (۱)

آیا جن ها هم برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا می کنند؟

جن ها نیز مانند انسان ها مکلّف هستند (۲) و تکلیف از آن ها ساقط نیست. جن ها مانند انسان ها، مسلمان و غیر مسلمان دارند. (۳) جن های مسلمان، همان گونه که در روز عاشورا برای یاری امام حسین علیه السلام اعلام آمادگی کردند (البته حضرت بنابه مصالحی نپذیرفت)، الآن نیز برای برپایی حکومت عدل الهی دعا و تلاش می کنند. از طرف دیگر، جن های کافر هم به تلاش هایی برای ایجاد فساد و غافل کردن مردم دست می زنند. (۴) اما باید توجه داشت که انسان، اشرف مخلوقات است (۵) و جنیان تابع انسان ها هستند. ما انسان ها می توانیم شرایط ظهور

۱- فریادگر توحید، ص۶۴.

۲- (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ(؛ «جن و انس را فقط برای عبادت و بندگی خلق کردم» (یعنی شناخت و معرفت خود و خدا و رسیدن به مقام عبودیت و بندگی که مساوی با سلطنت بر عالم هستی است) (سورهٔ ذاریات، آیهٔ۵۶). (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ(؛ «پس ای انس و جن، کدامین نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید» (سورهٔ رحمن، آیهٔ۱۳). این آیات و آیات دیگری همچون آیات (۳۱، ۳۵، ۳۹ و ۴۱) از همین سوره بر مکلّف بودن این دو گروه (جن و انس) دلالت می کنند. آیات دیگری از قرآن کریم نیز بر این موضوع دلالت دارند. در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز احادیث فراوانی بر این مطلب دلالت می کنند.

۳- سورهٔ جن، آیات ۱-۱۵ بر مکلف بودن آنان، تابع بودنشان از انسان ها و بر مسلمان بودن عده ای و کافر بودن عده ای دیگر از آنان دلالت می کند. سورهٔ احقاف، آیه های ۲۹ - ۳۲ نیز دالّ بر این مطالب است. آیات دیگری نیز بر این مطالب دلالت دارند.

۴- «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان های انس و جن برگماشتیم» (سورهٔ انعام، آیهٔ۱۱۲).

۵- تمام آیاتی که با تعبیر (سَخَّرَ لَكم(و (خَلَقَ لَكم(آمده، مثل آیات (۶۵ حج، ۲۰ لقمان، ۱۳ جاثیه و ۲۹ بقره) بر اشرفیت انسان و اصل بودن او نسبت به دیگر موجودات دلالت دارد؛ زیرا خداوند متعال در این آیات می فرماید: «ما همه چیز را برای شما خلق کردیم؛ و همه چیز را در تسخیر و تحت ارادهٔ شما درآوردیم». آیات دیگری از قرآن و روایات زیادی از معصومان علیهم السلام بر این موضوع دلالت دارد.

را فراهم کنیم یـا بـا کارهایمـان آن را به تأخیر انـدازیم. تلاش جن ها در حاشـیه قرار دارد. آن گونه که فعالیت انسان ها مؤثر است، تلاش آن ها اثرگذار نیست.

اگر کسی چهل روز دعای عهد را بخواند، حتماً رجعت می کند؟

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است:

هرکس چهـل صـبح دعـای عهـد را بخوانـد، از یـاوران قـائم عجـل الله تعالی فرجه الشـریف ما باشـد، و اگر پیش از ظهور آن حضـرت بمیرد، خداونـد او را از قبر بیرون آورد تا در خـدمت آن حضـرت باشد و خداوند به ازای هر کلمه، هزار حسـنه به او عطا کند و هزار گناه را از کارنامهٔ اعمالش پاک می کند. (۱)

همـان طور که می دانیـد این گونه احادیث تنها خوانـدن را کافی نمی داننـد، در حقیقت در معنای دعا، طلب و درخواست نیز نهفته شده است، ضمن آن که تأثیر دعاها شروط و صفاتی دارد، و آثار دعا بعد از پیدایش آن شروط است.

در حقیقت هرکس به عهـد و پیمانی که در این دعا آمـده پایبنـد باشـد و در وفای به آن کوشا باشد، چنین اثری بر آن مترتب است. فردی که میثاق و تعهـد با جان و مال برای یاری حضـرت می بنـدد و هرچه از دسـتش برآید نسبت به نصـرت حضـرت کوتاهی نمی کند و تمام هستی اش را فدای راه حضرت می نماید، آثار این دعا برای او پا برجاست.

بنـابراین نمی توان گفت: هر کسـی که این دعـا را بخوانـد، چنین نتیجه ای برایش حاصـل می شود؛ خوانـدنِ تنهـا، لقلقـهٔ زبان است.

توجه به متن و دلالت و میثاق هایی که با حضرت بسته می شود و وفای به آن ها موجب چنین آثاری است.

۱- بحارالانوار، ج۹۴، ص۴۱.

رجعت نیز عمومی نیست، همگـان برنمی گردنـد. در حقیقت زمزمـۀ دعای عهـد و عمل به مضامین و محتوای آن، هر فردی را شاخص می سازد و در زمزمۀ وارسـتگان و نیکان روزگار قرار می دهد و چنان چه شخصـی که تمام همّ و غمّش یاری حجت خـدا باشـد، توفیق درک حکومت آن هـا را نداشـته باشـد، در دوران طلا ـیی ظهور، ان شـاءالله بر می گردد و شاهـد حکومت طلایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود.

با توجه به این که دعای معصومین علیهم السـلام مستجاب است و آن ها برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفدعا کرده اند، چرا ظهور تا کنون اتفاق نیافته است؟

دعا کردن برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف مسـئله ای مهم است که در سیرۀ معصومین علیهم السلام آمده است. اما از کجا مشـخص است که دعای آن ها تاکنون نتیجه و تأثیری نداشته است؟ احتمال دارد در روز ظهور مشخص شود که تقدیم فرج بستگی به دعای آن ها نیز داشته است و اگر آن ها دعا نمی کردند، ظهور نیز مؤخّر می شد.

بی تردید دعای معصومین علیهم السـلام جامع تمام شرایط صحت و کمال می باشد، ولی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از امور بـدائیه است که امکان تقـدیم و تأخیر دارد، ممکن است به سـبب دعای آنان، تقـدیم شـده باشد یا قرار شده بود که مقدم شود، اما عملکرد انسان ها خصوصاً شیعیان، موجب تأخیر آن شده باشد.

ضمن آن که ظهور بسـتگی به وجود شرایط و ایجاد زمینه ها و نبود موانع است. دعا کردن نوعی ایجاد بستر و برداشتن یکی از موانع است که حضـرات معصومین علیهم السـلام آن را انجـام داده انـد، حتی به ما با این دعا تعلیم داده انـد، اما برداشـتن سایر موانع و ایجاد سایر شرایط به عهدۀ ماست.

آیا دعاکردن برای ظهور، با نهی از تعجیل سازگار است؟

روایات بسیاری وظیفۀ منتظران را تسلیم و عجله نداشتن بیان

فرموده اند (۱) که گاهی عجله کردن دربارهٔ ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجر به اموری می شود، مانند:

۱. از دست دادن صبر و تحمل و پیروی از افراد گمراه و فرصت طلب؛

۲. ایجاد یأس و شک و تردید در ظهور؛

۳. انکار حکمت های غیبت؛

۴. سبک شمردن احادیث انتظار؛

۵. توجیه و تأویل غیرواقعی احادیث؛

۶. راضی نبودن به قضای الهی.

بنابراین روایاتی که منتظران را از عجله داشتن نهی نموده و امر به صبر می نمایند، مرادشان عجله های ضدتسلیم و انقیاد است که منجر به امور فوق الذکر می شود؛ ولی دعا کردن و درخواست تعجیل فرج از این امور خارج است؛ زیرا دعاکننده با دعایش یقین و ایمان خود را ظاهر می سازد که ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و تهیهٔ مقدماتش هم در قدرت پروردگار است و دعاکردن و خواستن از خداوند متعال مطلوب و مرجوح است.

در حقیقت عجله و شتاب زدگی برای ظهور، راضی نبودن به قضا و قدر الهی است که موجب شقاوت و هلاکت می شود؛ ولی دعا برای تعجیل ظهور، در

عین راضی بودن به خواست پروردگار، مقتضای عبودیت و بندگی و موجب نجات است.

به عبارت دیگر، عجله داشتن و اصرار داشتن بر فرج بدون تهیهٔ مقدمات، وسایل و شرایط است؛ اما دعا برای فرج، تهیهٔ مقدمات و شروط است.

۱- مرحوم موسوی اصفهانی در این رابطه حدود بیست روایت در کتاب مکیال المکارم، ج۲، ص۲۸۴، در ذیل بیست و دومین وظیفهٔ منتظران ذکر کرده است و چهارده نکـ-تهٔ سودمند را نیز بیان نموده است.

لذا بین دعا و روایت «هلك المستعجلون»، (۱) هیچ تنافی وجود ندارد.

چرا دعای ندبه در اعیاد اربعه خوانده می شود؟

علامه مجلسی از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

قرائت دعای ندبه در اعیاد چهارگانه: روز جمعه، عید فطر، عید قربان، و عید غدیر، مستحب است. (۲)

براساس این روایت، شیعیان و منتظران، این دعای شریف را می خوانند و احتمال دارد یکی از حکمت های اختصاص به این چهار روز این باشد که این ایام روزهای بزرگ و عیدهای مهم اسلامی است که توجه به گل سرسبد هستی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن ایام، موجب برکت یافتن می شود و اصولاً فرهنگ عید در اسلام با انجام امور عبادی در هم تنیده شده است (۳) و یا براساس روایاتی که روزهای عید را روزهای غم و اندوه اهل بیت پیامبر علیهم السلام می دانند، مناسب است جهت تشریک مساعی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این دعای شریف خوانده شود.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

هیچ روز عیدی برای ما مسلمانان نیست؛ نه عید فطری و نه عید قربانی، جز این که غم و اندوه آل محمد علیهم السلام در آن تجدید می شود.

وقتی راوی از علت آن می پرسد، حضرت می فرماید:

زیرا می بینند که حق آن ها در دست دیگران است. (۴)

در اشعاری که منسوب به امام سجاد علیه السلام است، آمده که:

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۰۴.

۲- زادالمعاد، ص۴۹۱.

۳- نک: شرع و شادی، محمود اکبری.

۴- علل الشرایع، ج۲، ص۳۸۹.

یفرح هذا الوری بعیدهم

نحن أعیادنا ماتمنا (۱)

این مردم در ایام عید به جهت فرارسیدن اعیادشان شادی می کنند، ولی ما خاندان، اعیادمان روزهای سوگواری مان است.

لذا شیعیانِ شیفتهٔ اهل بیت علیهم السلام، به جهت اظهار هم دردی و تسلّی بخشیدن دل پریشان خود، با دعا برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عید خود را شروع می کنند و گویا عیدی خود را فرج و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می خواهند.

اعمال شب میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

شب نیمهٔ شعبان فضایل و اعمال بسیاری دارد؛ در عظمت این شب همین بس که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

علی بن ابی طالب فی آل محمد کافضل ایام شعبان ولیالیه وهو لیلیه نصفه

و یومه؛ (۲)

علی بن ابی طالب در میان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم مانند برترین روزها و شب های ماه شعبان؛ یعنی شب و روز نیمهٔ شعبان است.

فراوانی اعمال آن در کلام استادِ حضرت امام خمینی، آیت الله آقا میرزا جواد ملکی تبریزی، این گونه بیان شده است:

از شب هایی که تأکید بر زنده نگه داشتن آن شده است و اعمال و عبادات بسیار ارزش مندی در آن وارد شده که می توان گفت در هیچ شبی ــ اعم از شب قدر یا غیر آن ــ مانند آن یا بیش تر از آن نیامده است. (۳)

آری اعمال شب نیمه شعبان از اعمال شب قدر نیز بیش تر است و احیای آن با

۱- مناقب آل ابی طالب، ابن شهرآشوب، ج۴، ص۱۶۹.

۲- بحارالانوار، ج۳۷، ص۵۲.

۳- المراقبات، ص۱۷۲.

انجام عبادات توصیه شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

هیچ کس در این شب ناتوانی در عبادات و احیا نمی ورزد مگر شقی. (۱)

اما مهم ترین اعمال عبادتی آن، عبارت است از:

غسل: غسل این شب مستحب (۲) است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ماه شعبان را روزه بگیرید و شب نیمهٔ آن غسل کنید؛ زیرا این غسل موجب تخفیف گناهان و جلب رحمت الهی می شود. (۳)

دعا: این شب، شب استجابت دعاست و حضرات معصومین علیهم السلام هفت دعای مخصوص برای این شب انشا فرموده اند که در کتب ادعیه ذکر

شده است. (۴)

نماز: حدود نُه نماز برای شب میلاد، شرف صدور یافته است. (۵)

سایر اعمال عبادی مانند توسل، خصوصاً به حضرت زهرا علیها السلام، تلاوت قرآن، ذکر و ثنا و استغفار، از جمله عباداتی است که در این رابطه توصیه شده است؛ اما یکی از اعمال بسیار مهم این شب، زیارت سید الشهداء علیه السلام است که بسیار سفارش و تأکید شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- اقبال الأعمال، ج۳، ص۳۲۲.

۲- مصباح کفعمی، ص۵۴۵.

۳- تهذیب الأحکام، ج۱، ص۱۱۷.

۴- نک: مفاتیح الجنان، اعمال نیمهٔ شعبان.

۵- مفاتیح الجنان، اعمال نیمهٔ شعبان.

هر فردی که قبر امام حسین علیه السلام را در نیمهٔ شعبان زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد. (۱)

زیارت مخصوص برای امام حسین علیه السلام در شب میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است، اما آسان ترین و کوتاه ترین زیارت، گفتن: «السلام علیک یا اباعبدالله السلام علیك ورحمه الله وبرکاته» (۲) است.

دعا برای نجات از فتنه های آخرالزمان چیست؟

در کتب ادعیه برای نجات از شبهات و فتنه های آخرالزمان، دعاهایی ذکر فرموده اند؛ (۳) یکی از دعاهایی که برای رهایی و نجات از فتنه های آخرالزمان است، این گونه شروع می شود:

بسم الله الرحمن الرحیم، اللّهم صلّ علی محمد وآل محمد وعجّل فرجهم،

(یا ارحم الراحمین، هفت مرتبه تکرار شود) اللّهم عُمّ اعداء آل نبیك و ظالمیهم... . (۴)

دعای غریق چیست؟

یکی از دعاهایی که در این عصر و زمان خواندنش سفارش شده است، دعای غریق است؛ این دعا برای حفظ دین و ایمان و گرفتارنشدن شبهات و فتنه های آخرالزمان است. در حدیثی عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند:

به زودی شبهه ای به شما خواهد رسید که بدون نشانه و بدون امام

۱- کامل الزیارات، ص۱۹۹.

۲- نک: مفاتیح الجنان، اعمال نیمهٔ شعبان.

۳- نک: صحیفهٔ مهدیه، ص۳۵۶ به بعد؛ حتی دعا برای نجات از فتنه دجّال نیز ذکر گردیده است.

۴- صحیفهٔ مهدیه، ص۳۶۸ (به نقل از: سلاح المؤمنین، ص۵۹).

هدایت کننده باقی خواهید ماند و از آن شبهه رهایی نمی یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند.

راوی می پرسد: «دعای غریق چگونه است؟» امام علیه السلام فرمودند:

می گویی: یا الله، یا رحمن، یا رحیم، یا مقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینک؛

راوی عبارت دعا را این چنین خواند: «یا الله، یا رحمن، یا رحیم، یا مقلّب القلوب والأبصار ثبّت قلبی علی دینک»؛ امام صادق علیه السلام فرمودند:

البته خداوند دگرگون کنندهٔ دل ها و دیده هاست، ولی آن طورکه من می گویم بگو: «یا مقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینک». (۱)

سید بن طاووس در توجیه این دعا می نویسد:

شاید جهت این باشد که دگرگونی دل ها و دیده ها روز قیامت است که از شدت اهوال آن روز پدید می آید، اما در زمان غیبت از دگرگونی دل ها ترسیده می شود نه دیده ها. (۲)

برخی هم این روایت را به تأسّی و پیروی بدون کم و زیاد نسبت به ادعیه حمل کرده اند. در هر صورت دعای غریق، دعای نجات از شبهات آخرالزمان است.

اولین دعای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهورش چیست؟

در روایتی امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

گویا او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می بینم که سوار بر اسبی که پیشانی آن از سفیدی می درخشد از وادی السلام به سوی مسجد سهله می رود و این دعا را می خواند: «لا اله الاّ الله حقاً حقاً، لااله الاّ الله ایماناً وتصدیقاً..».. (۳)

۱- کمال الدین، ج۲، ص۳۵۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۴۹.

۲- جمال الاسبوع، ص۳۱۴.

۳- دلائل الامامه، ص۴۵۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۹۱.

چه کتاب هایی دربارهٔ دعای ندبه نوشته شده است؟

عناوین آثار منتشرشده پیرامون شرح، سند و دیگر ابعاد مربوط به دعای ندبه فراوان است؛ در کتاب کتاب نامهٔ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش از چهل اثر معرفی شده است (۱) و در کتاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آیینهٔ قلم که کارنامهٔ منابع جامع پیرامون مهدویت است، سی مقاله و بیست کتاب و سه پایان نامه معرفی شده است (۲) که مهم ترین آن ها عبارت است از:

ندبه و نشاط؛ شرحی برای ندبه، نوشتهٔ احمد زمردیان، انتشارات دفتر

نشر فرهنگ اسلامی، در ۷۸۹ صفحه که شرحی جامع بر این دعاست. مؤلف

در پیش گفتار به بررسی سند پرداخته است و سپس با قلمی شیوا به ترجمه و

شرح فرازهای آن با ذکر آیات همت گماشته و با ذکر اشعاری بر غنای بحث

افزوده است.

فروغ ولایت در دعای ندبه؛ نوشتهٔ آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، انتشارات آستانهٔ مقدسهٔ حضرت معصومه علیها السلام، در ۱۴۸صفحه که شامل متن و شرح تفصیلی این دعاست. این اثر بیش تر پاسخ به شبهات این دعاست و نویسنده می کوشد تا به مخاطب برساند که دعای ندبه دارای سندی معتبر و متنی استوار است و مفاد آن با عقل و دیدگاه های شیعه هیچ گونه تعارضی ندارد.

شرحی بر دعای ندبه؛ نوشتهٔ سید محیی الدین علوی طالقانی با تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل، در ۳۶۰ صفحه که شرحی جالب با استفاده از روایات و آیات و تفاسیر مختلف است که به نکات

۱- مطالب کتابنامهٔ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این باره را نیز می توانید در کتاب با دعای ندبه در پگاه جمله، ص۱۹۳، مطالعه فرمایید.

۲- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آئینهٔ قلم، ج۱، ص۹۹.

ادبی و بلاغی نیز پرداخته است.

حدیث آرزومندی؛ شرحی بر دعای ندبه، نوشتهٔ علی کریمی جهرمی، انتشارات راسخون، در ۲۲۶ صفحه که شرحی زیبا و مفید است. نویسنده با توانایی علمی، سعی در شرح و بسط فقرات این دعا از آیات و روایات دارد.

امید منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دعای ندبه از دیدگاه معصومین علیهم السلام؛ نوشتهٔ مهدی مهدوی، انتشارات دانش هوشیار، در ۳۰۷ صفحه که نویسنده با بهره گیری

از روایات با شرح و تفسیر بندها، آن ها را به طور جداگانه تجزیه و تحلیل می کند، حدود مجموعهٔ آن ۱۴۰ بند شده است که با ذکر ۴۳۳ حدیث به شرح آن

پرداخته است.

مقالات متعددی هم در بارهٔ دعای ندبه نوشته شده است که در کتاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آینهٔ قلم آمده است؛ برای نمونه به مقالهٔ بسیار سودمند آقای محسن کبیری با عنوان: «بررسی مفاهیم سیاسی دعای ندبه» مراجعه کنید.

صلوات بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

درود فرستادن بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با گفتن: «اللهم صلی علی محمد وآل محمد و عجل فرجهم» حاصل می شود. برخی جملهٔ «و اهلک عدوهم من الجن و الانس من الاولین و الآخرین» را نیز اضافه فرموده اند. (۱)

در حکایت صلوات ضراب اصفهانی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نحوهٔ صلوات فرستادن بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را تعلیم فرمودند، نحوهٔ صلوات بر خودشان را این گونه بیان فرموده اند:

اللهم ... وصلی علی الخلف الهادی المهدی امام المؤمنین ووارث المرسلین

۱- مصباح المتهجد، ص۲۶۵ (به نقل از: صحیفه مهدیه، ص۲۰۳ - ۲۰۴).

وحجه رب العالمین ... اللهم وصل علی ولیك المحیی سنتك القائم بأمرك الداعی الیك الدلیل علیك... . (۱)

در برخی از زیـارت ها نیز ذکر صـلوات بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف آمـده است، (۲) اما صـلوات خاص بعد از زیارت عبارت است:

اللّهم صلی علی محمد واهل بیته وصلی علی ولی الحسن ووصیه ووارثه القائم بامرک والغائب فی خلقك والمنتظر لاذنک... .

در ادعیه نیز صلوات بر حضرت زیاد به چشم می آید، اما صلوات خاص نیز وجود دارد؛ مانند:

اللهم صلی علی ولیک وابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم... . (۳)

مرحوم موسوی اصفهانی می نویسد:

هرگـاه خواستی بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف درود فرستی بگو: «اللهم صـلی علی مولانا وسـیدنا صاحب الزمان». (۴)

استخارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چند نوع استخاره نقل شده است که عبارت اند از:

۱. استخاره با قرآن:

یکی از توقیعات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشتمل بر دعایی است که قبل از استخاره به قرآن خوانده می شود و آن این است: «اللهم انی اسئلك باسمک الذی عزمت به

۱- مصباح المتهجد، ص۴۰۶؛ جمال الاسبوع، ص۳۰۱.

۲- مصباح الزائر، ص۴۴۲، زیارت: «السلام علی الحق الجدید والعامل الذی لایبید..».

۳- جمال الاسبوع، ص۴۹۳.

۴- مکیال المکارم، ج۲، ص۳۷۳.

علی السموات والارض..».. (۱)

۲. استخاره با تسبیح:

چند نمونه استخاره با تسبیح از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است. آقای مجتهدی سیستانی فقط پنج نوع را ذکر نموده اند. (۲) یکی از آن ها این است:

ده یا سه یا یک مرتبه سورهٔ حمد خوانده شود و پس از آن ده مرتبه سورهٔ قدر خوانده شود و پس از آن سه مرتبه این دعا را بخوانند: «اللهم ان استخیرک لعلمک بعاقبه الامور..»..

پس از دعا، قطعه ای از تسبیح را در حالی که خواسته اش را نیز در نظر آورده است، می گیرد و می شمرد. پس از شمردن دانه ها، اگر تعدادشان فرد بود، کار را انجام بدهد و اگر زوج بود انجام ندهد. (۳)

۳. استخاره با رقعه:

در روی دو کاغذ می نویسی: «خیره من الله و رسوله لفلان بن فلانه» و به جای فلان، نام شخص و به جای فلانه، نام مادرش را می نویسید. در ادامه روی یک کاغذ می نویسید: «افعل» و بر دیگری می نویسید «لاتفعل». این دو کاغذ را در قالب گلی قرار داده و در ظرف آبی انداخته و دو رکعت نماز و این دعا را می خوانید: «اللهم انی استخیرک خیار من فوض الیک امره ..». سپس در سجده صد مرتبه می گویید: «استخیر الله خیره فی عافیه» و منتظر می شوید هر کدام کاغذها که از قالب زودتر بیرون آمده به آن عمل کنید. (۴)

۱- المصباح، ص ۵۲۱؛ صحیفه مهدیه، ص ۴۷۶.

۲- صحیفه مهدیه، ص ۴۸۱ - ۴۸۴.

۳- بلد الامین، ص ۲۳۱؛ صحیفه مهدیه، ص ۴۸۱.

۴- فتح الابواب، ص ۲۶۵؛ صحیفه مهدیه، ص ۴۸۰.

نماز هدیه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

هر فردی می تواند دو رکعت نماز مستحبی بخواند و ثوابش را به محضر مولایمان حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هدیه نماید؛ اما سید بن طاووس نمازی را جهت هدیه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر نموده که عبارت است از:

دو رکعت که بعد از رکوع و سجود سه مرتبه گفته می شود: «صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین» و بعد از تشهد و سلام بگوید: «اللهم انت السلام ومنک السلام ...». (۱)

در ابتدای مفاتیح الجنان نیز نماز هدیهٔ هریک از معصومین علیهم السلام نیز ذکر شده است که نماز هدیه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آمده است.

نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

در کتاب صحیفهٔ مهدیه چند نماز استغاثه ذکر شده است که دو نمونهٔ آن را ذکر می کنیم:

۱. دو رکعت نماز خوانده شود و سپس بگوید: «سلام الله الکامل التام الشامل القام..». بعد از دعا و ذکر خواستهٔ خود، ان شاءالله خداوند حاجتش را روا می دارد.

این دعا از سید علیخان در کلم الطیب نقل شده و مرحوم شیخ عباس قمی نیز آن را در مفاتیح الجنان ذکر نموده است.

برخی از علما این نماز را بسیار مجرب دانسته و معتقدند از یاد دادن آن به نااهلان خودداری شود. (۲)

۲. در شب پنج شنبه و جمعه زیر آسمان با سر و پای برهنه دو رکعت نماز خوانده شود؛ بعد از نماز دست ها رو به آسمان بلند شود و ۵۹۵ مرتبه گفته شود:

۱- جمال الاسبوع، ص۲۹.

۲- التحفه الرضویه، ص۱۳۴؛ کلم الطیب، ص۸۳؛ مفاتیح الجنان، ص۲۴۳؛ صحیفه مهدیه، ص۱۲۷.

«یا حجه القائم»، سپس به سجده رود و هفتادمرتبه بگوید: «یا صاحب الزمان اغثنی» و حاجتش را طلب نماید.

این نماز نیز در مورد حاجت های مهم تجربه شده و اگر در هفتهٔ اول حاجتش برآورده نشد. هفتهٔ بعد دوباره بخواند و اگر نشد در هفتهٔ سوم نماز را بخواند که ان شاءالله به طور حتم حاجتش برآورده می شود. (۱)

آیا کتابی برای دعاهای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟

در کتب ادعیه و زیارات، ادعیهٔ مهدوی وجود دارد که برخی از محققین در آثار مستقل هم دعاهای خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را جمع آوری نموده و هم دعاهای سایر معصومین علیهم السلام در حق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تألیف نموده اند.

آقای جواد قیومی اصفهانی کتابی با عنوان صحیفه المهدی، و آقای عیسی اهری کتابی را با عنوان صحیفه المهدی دربارهٔ دعاهای خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رشتهٔ تألیف درآورده اند. آقای موسوی اصفهانی در کتاب مکیال المکارم حدود صد دعا از معصومین علیهم السلام دربارهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را جمع نموده است.

اما جامع ترین اثر در باب دعا که هر دو گونه را نقل نموده باشد، کتاب صحیفهٔ مهدیه، تألیف آقای سیدمرتضی مجتهدی سیستانی است که انتشارات حاذق قم آن را به زیور طبع آراسته است.

در چه مکان هایی توصیه به دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده ایم؟

اگرچه همهٔ مکان ها متعلق به خداست، ولی انتخاب مکان مناسب برای دعا یکی از آداب دعا کردن است که در اجابت تأثیر دارد. مرحوم موسوی اصفهانی دربارهٔ مکان های توصیه شده برای دعا نمودن در حق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هشت

۱- التحفه الرضویه، ص۱۳۵؛ صحیفه مهدیه، ص۱۳۲.

مورد را ذکر نموده اند (۱) که عبارت است از:

۱. مسجد الحرام: از نایب دوم نقل شده که حضرت در کنار بیت الله الحرام می گفت: «اللهم انجز لی ما وعدتنی». (۲)

۲. حرم سیدالشهداء: در بخشی از دعاها و زیارات این حرم شریف، دعا برای ظهور نیز منعکس شده است، مانند زیارتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و در آن آمده است: «اللهم رب الحسین اشف صدر الحسین..». (۳)

۳. حرم عسکریین: در زیارت این مکان مقدس آمده: «اللهم عجل فرج ولیک...». (۴)

۴. حرم امام رضا علیه السلام: در زیارت نامهٔ امام رضا علیه السلام آمده است: «اللهم صلی علی حجتک... تعجل بها فرجه و تنصره بها...». (۵)

۵. حرم هر یک از امامان علیهم السلام: به جهت این که این بیوت در نزد خداوند جایگاه والایی دارند.

۶. سرداب: دعاهایی برای ظهور در سرداب ذکر شده است.

۷. عرفات: مکان مقدسی که خداوند به زائران و دعاهای آنان توجه ویژه دارد.

۸. اماکن منسوب به حضرت: در مکان هایی مانند مسجد سهله، کوفه، جمکران و... دعاهایی دربارهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده است.

در چه زمان هایی به دعا برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توصیه شده است؟

یکی از آداب دعا که تأثیر در اجابت دارد، اختیار زمان مناسب برای دعاست. اگرچه در همهٔ زمان ها می توان دعا نمود، ولی بهتر است به برخی از زمان ها و یا

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۹۷.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۱۷۶.

۳- کامل الزیارات، ص۴۱۴.

۴- کامل الزیارات، ص۵۲۱.

۵- کامل الزیارات، ص۵۱۷.

مناسبت ها توجه داشت؛ زیرا سیرهٔ معصومین علیهم السلام این گونه بوده است؛ مثلاً امام محمدباقر علیه السلام می فرماید:

کان ابی اذا کانت له الی الله حاجه طلبها فی هذه الساعه یعنی زوال الشمس؛ (۱)

هرگاه پدرم به درگاه الهی حاجت داشت، در این ساعت یعنی وقت ظهر آن را طلب می کرد.

همچنین دربارهٔ توجه به مناسبت ها، روایاتی ذکر شده است؛ مثلاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

یفتح ابواب السماء بالرحمه فی اربع مواضع: عند نزول المطر وعند نظر الولد فی وجه الوالدین وعند فتح باب الکعبه وعند النکاح؛ (۲)

درهای آسمان در چهار زمان به رحمت باز می شود؛ موقع نزول باران، زمانی که فرزند به صورت پدر و مادر می نگرد، و هنگام باز شدن در کعبه و آن گاه که صیغهٔ ازدواج جاری می گردد.

افزون بر موارد یاد شده، ائمه علیهم السلام از برخی از زمان ها به صورت خاصی به

عنوان زمان دعا برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده اند. مرحوم موسوی اصفهانی

در مکیال المکارم بیش از چهل مورد را ذکر نموده که برخی از آن ها را یادآور می شویم:

۱. بعد از نمازها؛ ۲. در قنوت نمازها؛ ۳. در سجدهٔ شکر؛ ۴. هر صبح و شام؛

۵. شب جمعه و روز جمعه؛ ۶. ماه رمضان؛ ۷. ماه محرم؛ ۸. اعیاد اربعه؛ ۹. در سختی ها و گرفتاری ها؛ ۱۰. مطلق اوقات شریفه.

۱- کافی، کتاب الدعا، باب الاوقات والاحوالات، ج۴.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۰، ص۲۲۱.

آیا دعای ندبه از امام معصوم است و سند دارد؟ و با زیارت ندبه چه تفاوتی دارد؟

دعای ندبه از دعاهای معتبری است که از ناحیهٔ امام صادق علیه السلام نقل شده است و علما و محدثین به آن توجه داشته اند و در آثارشان آن را نقل نموده اند و برخی از فقها نیز به بخش هایی از این دعا تمسک کرده اند.

ضمن آن که مضامین عالی موجود در دعا، حکایت صدور از ناحیهٔ معصوم دارد.

در این رابطه تا کنون چند اثر به زیور طبع آراسته شده که برخی از آن ها عبارت اند از:

۱. با دعای ندبه در پگاه جمعه، نوشتهٔ علی اکبر مهدی پور، انتشارات موعود تهران.

۲. حجیت سندی دعای ندبه، نوشتهٔ گروه تحقیقات اندیشهٔ اعتقادات نقلی، انتشارات تا ظهور قم.

اما این دعا، با زیارت ندبه نیز متفاوت است. زیارت ندبه همان دعای آل یس است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پاسخ به چگونه توجه یافتن به محضر ایشان آن را نقل فرموده اند و این گونه شروع می شود: «بسم الله الرحمن الرحیم. لا لامر الله تعقلون ... سلام علی آل یس، ذلک هو الفضل المبین». (۱)

دلیل دعا

اگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، سرانجام کشته می شود، پس چرا ما باید برای تعجیل در ظهورش دعا کنیم؟

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، حکومت اسلامی تشکیل می دهند و معنویت

۱- مصباح الزائر، ص ۴۳۰؛ المزار الکبیر، ص۵۶۷؛ بحارالانوار، ج۶۴، ص۳۶.

و عدالت را در جهان رونق می بخشند و با ظلم و فساد مبارزه می کنند تا آن جا که زمین محل امنی برای بندگان خدا می گردد.

بنابراین هدف آن حضرت، به ثمر رساندن رسالت انبیا و ائمه علیهم السلام است؛ هدفی که هزاران سال پیامبران و افراد صالح به دنبال آن بوده اند و خون های پاکی در راه تحقق آن ریخته شده است، به این امید که روزی این وعدهٔ الهی در زمین تحقق یابد. البته باید به این نکته هم توجه کرد که خود آن حضرت نیز منتظر آن واقعه است و به همین دلیل به مردم بارها توصیه کرده است تا برای تعجیل ظهورش دعا کنند، (۱) چون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی تواند این همه ظلم و ستم و فساد و معصیت الهی را ببیند و ساکت باشد، در حالی که یک انسان عادی وقتی گوشه ای از ظلم و جنایت های مستکبران را می بیند، ناراحت می شود و گاهی قادر به مشاهدهٔ آن ها نیست!

آیا درست است که بگوییم: بهتر است این وضعیت ادامه داشته باشد، اما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چند سالی بیش تر عمر کند؟! در حالی که انسان های معمولی هم راضی اند تا با شهادت خود ریشهٔ ظلم و فساد و جنایت را از بین ببرند. امام حسین علیه السلام فرمود:

در جامعه ای که به حق عمل نشود و باطل ترک نگردد، مؤمن مشتاق لقای پروردگار خود می شود. (۲)

به طور خلاصه باید گفت:

۱. تحمل وضع کنونی برای آن حضرت بسیار سخت است و ما نباید راضی به ادامهٔ این حال باشیم؛ چنان که خود حضرت راضی نیستند.

۱- کمال الدین، ص۴۸۵، ح۴.

۲- تحف العقول، ص۲۴۵.

۲. دست آوردهای ظهور و قیام آن حضرت بسیار عظیم است؛ یعنی حاصل تلاش های هزاران پیامبر الهی است که در طول تاریخ آمده و زحمت کشیده اند.

۳. این طور نیست که حضرت به زودی از دنیا برود، بلکه خود حضرت مدتی طولانی حکومت می کند و بعد از ایشان نیز حکومت ادامه خواهد داشت.

۴. ما تنها برای رهایی و آسایش خود این فرج را طلب نمی کنیم (هرچند که عده ای چنین هستند)، بلکه خواهان غلبهٔ دین حق و به اهتزاز درآمدن پرچم توحید هستیم که آرزوی خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می باشد.

علاوه بر این، به شهادت رسیدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قطعی نیست؛ زیرا در برخی از روایت ها آمده است که آن حضرت به مرگ طبیعی رحلت می کنند. (۱) لذا طبق این فرض، پرسش مذکور جایی ندارد.

هنگام ظهور امام، همهٔ عالم را ظلم و ستم فرا گرفته است، پس چرا باید دعا کنیم تا در زمان ظهور زنده باشیم؟ در حالی که ممکن است ما نیز دچار ظلم و تباهی شویم و عفت و پاک دامنی خود را از دست بدهیم؟

همیشه باید با توکل بر خدا به وظایف دینی و اجتماعی خود عمل، و با دوری از گناه و معصیت، محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نسبت به خود جلب نماییم و مطمئن باشیم که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که مظهر مهر و محبت هستند، عنایت زیادی به شیعیان و محبان خود دارند. اگر ما یک قدم به طرف ایشان برداریم، یقیناً ایشان چندین قدم به طرف ما برمی دارند.

علاوه بر آن، همان طور که باید برای تعجیل در ظهور و زنده ماندن خود تا زمان ظهور دعا کنیم، برای حفظ ایمان و عاقبت به خیری خود نیز باید دعا کنیم.

ضمناً پر شدن جهان از ظلم و فساد ــ پیش از ظهور و نه در زمان ظهور امام

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۹۳، ح۱۰۳.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ به معنای آن نیست که همهٔ انسان ها ظالم و فاسد خواهند شد، همان طور که حکومت عدل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم به این معنا نیست که همهٔ انسان ها پاک و بی گناه اند و هیچ کس مرتکب گناه نمی شود.

اگر در برخی روایات، سخن از ظلم و فساد شده، در روایات دیگری هم

سخن از یاوران فراوان حضرت به میان آمده (که تنها ۳۱۳ نفر حلقهٔ اول یاران هستند) و به جمعیت هایی که بر ولایت حضرت استوار می مانند، بشارت داده شده است.

پس حتماً افراد شایستهٔ فراوانی در عصر غیبت وجود خواهند داشت که زمینه سازان ظهور و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود و همهٔ شیعیان می توانند جزء همین گروه باشند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز توجه خاصی به ما دارند و ما را حمایت می کنند. ما هم باید دعا کنیم که از خوبان باشیم و در عمل نیز همت کنیم که از گناه دوری نماییم.

شرایط دعا

دعای فرج را چگونه و با چه حالات روحی باید خواند تا مؤثر واقع شود؟

دعای فرج مانند دعاهای دیگر است و هرقدر شرایط دعا رعایت شود، اثرش نیز بیش تر می شود؛ مثل حضور قلب و توجه، دانستن معنای جملاتی که می گوییم و التزام عملی و رفتاری به خواسته های مطرح شده در دعا (ترک گناه، عمل به واجب، تلاش در فراهم کردن زمینهٔ ظهور و اصلاح خانواده و جامعه).

البته باید توجه داشت که هیچ دعایی بی تأثیر نیست و حاصل نشدن مقصود، به معنای هدر رفتن دعا نیست، بلکه اگر در مورد درخواست نیز اثر نکند، در موارد دیگر مؤثر می افتد. اساساً دعای فرج خواندن، یاد کردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که آثار بسیار مبارکی به دنبال خواهد داشت.

چگونه دعا کنیم تا خداوند فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نزدیک گرداند و ما را از یاران ایشان قرار دهد؟

خداوند بزرگ، شرایطی را برای قبول کردن دعا بیان کرده است که هرقدر این شرایط بیش تر فراهم گردد، دعا بهتر و زودتر قبول می شود. از شرایط مهم، این است که آن چه درخواست می شود، خواست قلبی باشد و فقط از سر زبان نباشد. همین طور اگر برای ثواب دعا کند و در واقع چیزی از خدا نخواهد، این دعا هم اثری ندارد.

شرط مهم دیگر این است که در عمل نیز این خواستهٔ خود را نشان دهد؛ مثلاً کسی که دعا می کند در امتحان قبول شود، اما تلاشی برای قبول شدن نکند، معلوم است که در ظاهر دعا می کند و در باطن نمی خواهد. کسی که برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا می کند، در عمل نیز باید زمینهٔ ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نماید؛ سعی کند از مسائل حرام و گناه دوری گزیند و به واجبات و وظایف خود عمل نماید و دیگران را نیز به این کار دعوت کند. علاوه بر این، برای شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسائل دینی بکوشد و در برقراری رابطهٔ معنوی بین خود و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همت کند؛ یعنی به اندازهٔ توانایی خود برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا بخواند، به یاد حضرت در مراسم ها حضور یابد و بکوشد از ولی فقیه، نایب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پیروی و پیام ها و ره نمودهای او را به دقت گوش کند و عمل نماید.

روشن است که وقتی با عمل، گفتار خود را تصدیق نماید و انتظار خود را در عمل نشان دهد، دعای او نیز قبول خواهد شد.

اما چگونه می توان از یاران حضرت بود؟ باید دنبال راهی بود تا از یاران حضرت و کمک کنندگان ایشان به شمار آییم. این کار به مراتب بهتر و بالاتر از دعا کردن است؛ زیرا اگر کسی یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، دعایش نیز پذیرفته می شود.

برای این که جزء یاران حضرت شویم، باید صفاتی را که برای یاران حضرت بیان

شده، در خود ایجاد کنیم؛ هر قدر این صفات را در خود تقویت نماییم، به همان میزان به یاری کردن حضرت نزدیک تر می شویم. بعضی از صفات یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از این قرار است:

۱. آگاهی و آشنایی با مسائل اسلامی و وظایف دینی؛

۲. داشتن تقوا، یعنی عمل به واجبات و ترک محرمات؛

۳. اهل عبادت و راز و نیاز بودن؛

۴. اهل مقاومت و پایداری در برابر ظلم و ستم بودن؛

۵. مبارزه با فساد و انحراف ها و دفاع از ارزش های اسلامی؛

۶. ساده زیستی و دوری از تجملات؛

۷. کمک به محرومان و افراد ضعیف جامعه؛

۸. خیرخواهی و دل سوزی نسبت به مؤمنان و بلکه نسبت به همهٔ مردم.

به طور کلی سعی کنیم رضایت خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را جلب کنیم و باعث خوشنودی و افتخار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم.

آثار دعا

چگونه دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث فرج خود ما می شود؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه ای فرموده اند: «وَ اَكثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعجيلِ الفَرَجِ فَإنَّ ذٰلِكَ فَرَجُكُم؛ برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید؛ زیرا مایهٔ فرج شماست». (۱) این فرج می تواند دو معنا داشته باشد:

۱. وقتی دعا می کنیم امام ظهور کند، طبیعی است که ظهور ایشان باعث گشایش امر شیعیان و آسایش ما می شود و مشکلات ما حل خواهد شد. پس فرج

۱- کمال الدین، باب توقیعات، ص۴۸۵، ح۴.

امام باعث فرج ما نیز می شود؛

۲. دعا برای ظهور ایشان باعث جلب توجهات امام به ما می شود و آن حضرت در حق ما دعا می کند و مشکلات ما با توجه امام حل می شود. بنابراین دعا برای ظهور، باعث گشایش کارهای ما می شود، هرچند خود ظهور، اتفاق نیفتد.

همچنین دعا کردن، روح امید را در انسان زنده نگه می دارد و امید داشتن، خود موجب گشایش است؛ زیرا ناامیدی باعث به بن بست رسیدن است.

اجابت نشدن دعا

من همیشه و در همهٔ مواقع برای امامان به خصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صلوات می فرستم و برای سلامتی آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعجیل در ظهورش دعا می کنم و وقتی که گرفتارم و خواسته ای دارم، امامان را صدا می زنم و از آن ها کمک می خواهم؛ اما آن ها جواب مرا نمی دهند، شاید بگویید که با خلوص نیت دعا نمی کنید، اما امامان می فهمند من چه مشکلی دارم و نیتم چیست. نمی دانم چرا هرچه از آن ها کمک می خواهم و هر چه آن ها را صدا می زنم، صدای مرا جوابی نمی دهند؟

ما نباید انتظار داشته باشیم همهٔ خواسته های ما به همان صورت که می خواهیم اجابت شود. روایاتی هست که می فرماید: وقتی خداوند کسی را دوست دارد، حاجتش را دیر برآورده می کند و دوست دارد این ناله و مناجات تکرار شود. روایتی هست که گاهی حاجت انسان به صلاح او نیست و خداوند حاجت دیگری را برای او برآورده می کند. گاهی خداوند خواسته ای را اجابت نمی کند، ولی بلا و گرفتاری را از انسان دفع می کند. حتی روایتی داریم که انسان روز قیامت آرزو می کند که ای کاش هیچ یک از دعاهایش مستجاب نمی شد؛ چون می بیند که در ازای دعاهای اجابت نشده، چیزهای بهتری به او عطا می کنند. پس دعا کردن و حاجت خواستن و از خدا طلب کردن، پسندیده است، بلکه دعا مغزِ عبادت است و ارتباط داشتن با خدا و توسل به اهل بیت علیهم السلام و

واسطه قرار دادن آن ها، عملی صالح و خیر است؛ اجابت شود یا نشود، و اصرار هم نباید داشت که حتماً باید اجابت شود. همین ارتباط، دعا و توسل، توفیق است. بنابراین نباید مأیوس شد، باید امیدوار و خوش بین بود.

چرا توسل و دعای بعضی از انسان ها مانند فقیران بی پاسخ است؟ اما دعای برخی مانند ثروت مندان به اجابت می رسد؟

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ (۱) «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را».

این کلام الهی مقید به اشخاص خاصی نیست و هرکس (فقیر یا ثروت مند) دعا و توسل داشته باشد، خداوند متعال می شنود و اجابت می فرماید.

ائمهٔ اطهار علیهم السلام هم در اجابت کردن خواسته های افراد، بین فقیر و ثروت مند هیچ فرقی نمی گذاشتند؛ شما چگونه ادعا می کنید که خداوند متعال یا ائمه علیهم السلام تنها به درخواست های پول داران جواب می دهند، ولی به فقیران توجهی ندارند؟! با دیدن چند مورد، قاعدهٔ کلی به دست نمی آید؛ زیرا هزاران هزار فقیر هم از جانب ائمه علیهم السلام حاجت گرفته اند.

شما می دانید که گرفتن حاجت از خداوند متعال، هیچ ربطی به ثروت دنیوی ندارد؛ بلکه برای استجابت دعا شرایطی وجود دارد که هر کس آن ها را رعایت کند، خداوند متعال حاجت او را می دهد. چه بسا یک شخص ثروت مند شرایط را داشته باشد، اما یک فقیر آن شرایط را نداشته باشد؛ مثل ترک گناه. برای روشن تر شدن پاسخ این سؤال دو مطلب لازم است:

۱. «قانون املاء»؛ از آیات قرآن استفاده می شود که خداوند گاهی به برخی افراد نعمت های فراوانی می دهد و هنگامی که غرق نعمت و لذت هستند، ناگهان

۱- سورهٔ غافر، آیهٔ ۶۰.

همه چیز را از آن ها می گیرد، تا حداکثر سختی و شکنجه را در زندگی دنیوی ببینند؛ زیرا جدا شدن از چنین زندگی مرفهی، بسیار ناراحت کننده است:

«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ»؛ (۱)

هنگامی که پندهایی را که به آن ها داده شده بود، فراموش کردند، درهای هر خیری به روی آنان گشودیم تا شاد شوند، ناگهان هر چه داده بودیم از آن ها بازگرفتیم. لذا فوق العاده ناراحت و غمگین شدند.

در حقیقت این گونه اشخاص، همانند کسی است که ظالمانه از درختی بالا ـ می رود و هرقدر بالاـتر رود، خوشحال تر می شود، تا آن هنگام که به بالای درخت می رسد، ناگهان طوفانی می وزد و از آن بالا چنان سقوط می کند که تمام استخوان هایش درهم می شکند.

خداوند متعال در آیهٔ دیگری می فرماید:

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»؛ (۲)

آن ها که کافر شدند، تصور نکنند که اگر به آن ها مهلت می دهیم به سود آن هاست؛ ما به آنان مهلت می دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و عذاب خوارکننده ای برای آن هاست.

این آیه اخطار و درس بسیار مهمی است. هرگز گمان نشود که اگر امکاناتی را خداوند متعال در اختیار برخی انسان ها گذاشته و گاهی نیز پیروزی هایی نصیبشان می کند، دلیل بر این است که کارشان درست است و افراد خوبی

۱- سورهٔ انعام، آیهٔ۴۴.

۲- سورهٔ آل عمران، آیهٔ۱۷۸.

هستند و آن هایی که توسلشان نتیجه نمی دهد، افراد بدی هستند.

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا همین آیه را تلاوت فرمود و زینب کبرا علیها السلام نیز در شام به همین آیه استدلال می کند؛ تا این که اگر انسان بدی ظاهراً در دنیا پیروز می شود، همگان بدانند این مهلتی برای آنان است تا غرق تباهی شوند.

۲. «مصلحت نبودن استجابت»؛ خداوند برخی از دعاها و نیایش ها را به ظاهر اجابت نمی کند، که این قبول نشدن علت های فراوانی دارد؛ (۱) یکی از آن ها این است که اجابت آن خواسته، به صلاح دعاکننده نیست؛ مثلاً شما وقتی بچه ای را به بازار می برید، او به هر چیز نگاه کند، دوست دارد آن را برایش بخرید. حتی گریه می کند؛ ولی شما که دل سوز هستید، برای او نمی خرید؛ چون می خواهید او را تربیت کنید؛ می دانید برایش ضرر دارد.

بنابراین اگر شخص فقیری توسلش نتیجه نمی دهد، به سبب این است که ائمه علیهم السلام قصد تربیت او را دارند.

خلاصه باید گفت: اگر ثروت مندی در توسل، نتیجه می بیند ولی فقیر، جواب نمی گیرد، نشانهٔ آن نیست که فقیر آدم خوبی نیست یا ائمه به او کمک نمی کنند. ضمن آن که برخی انسان ها (جدای از فقر و ثروت) عوامل استجابت دعا را نیز رعایت نمی کنند.

۱- نک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص۶۴۳؛ ج۶، ص۲۰۹؛ ج ۲۰، ص ۱۴۰.

اماکن مقدس

محل های منسوب

محل های منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کجا هستند؟

براساس روایات، در برخی از مکان های مقدس برای دعا به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش خاص شده است؛ ازجمله:

۱. مسجد الحرام و عرفات در شهر مکه؛

۲. حرم عسکریین و سرداب مقدس در شهر سامرا؛

۳. محل های منسوب به حضرت در شهر کوفه از قبیل مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه؛

۴. حرم هریک از امامان، مخصوصاً حرم امام حسین و حرم امام رضا علیهما السلام؛

۵. مسجد مقدس جمکران در شهر قم.

مسجد مقدس جمکران

تاریخچۀ مسجد مقدس جمکران چیست؟

در کتاب نجم الثاقب محدث نوری، به طور مفصل تاریخچۀ مسجد مقدس جمکران آمده است، اما در این جا به صورت مختصر بیان می کنیم:

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک

رمضان سال ۲۷۳ هجری در خانـهٔ خود خوابیده بودم که ناگهان عده ای از مردم به در خانهٔ من آمدند، و در حالی که نیمی از شب گذشـته بود، مرا بیدار کردند و گفتند: «برخیز و خواسـتهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اجابت کن که تو را می خواند». حسن بن مثله جمکرانی می گوید: برخاسـتم و به در خانه آمدم. جماعتی از بزرگان را دیدم؛ سـلام کردم، جواب دادنـد و آن گاه مرا آوردنـد تا جایگاهی که اکنون مسـجد است. دیـدم تختی گذاشـته اند و فرشـی بر آن پهن کرده اند و... ؛ جوانی سـی ساله بر آن بالش ها تکیه کرده و شخصـی پیر در مقابل او نشسـته و کتابی در دست گرفته و می خواند. آن پیرمرد حضرت خضر بود.

آن پیرمرد مرا نشانـد و امـام به من فرمود: «برو و به حسن بن مسـلم بگو که تو چنـد سـال است که در این زمین می کاری و ما خراب می کنیـم و پنـج سـال است که زراعت می کنی و امسـال دوبـاره زراعت کردی، دیگر اجـازه نـداری که در این زمین زراعت کنی و باید هر نفعی که از این زمین برده ای، برگردانی تا در این مکان مسجد بنا کنند. به او بگو: حق تعالی این زمین را از میان زمین های دیگر برگزیـده است و تو آن را همراه زمین خود گرفتی (۱) و حال آن که خداوند به سبب این عمل تو، دو پسر جوانت را از تو گرفت و تو بیدار نشدی».

حسن بن مثله گفت: ای مولای من، باید دلیل و نشانی بر گفتهٔ شما داشته باشم تا مردم حرف مرا تصدیق کنند.

حضـرت فرمود: ما در این جا علامت گذاری می کنیم، تا تو را تصدیق کنند. تو نزد سیدابوالحسن برو و بگو تا حسن بن مسلم را حاضر کند و درآمد چند سالهٔ این زمین را از او بگیرد و خرج بنای این مسجد کند و مابقی مخارج مسجد را از رهق

۱- در بعضـی کتاب های علما آمـده است که ممکن است پیش از این در این محل مسـجدی بوده است و امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور تجدید بنا داده اند.

(یکی از روستاهای کاشان) بیاورد و مسجد را تمام کند.

کیفیت نماز مسجد جمکران چگونه است؟

حضرت دستور خواندن دو رکعت نماز تحیت و دو رکعت نماز صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به این ترتیب داده اند:

۱. دو رکعت تحیت مسجد که در هر رکعت یک بار حمد و هفت بار توحید و ذکر رکوع و سجود را هفت بار بخواند؛

۲. دو رکعت نماز صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ هنگام خواندن سورهٔ حمد، آیهٔ «إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَإِیَّاکَ نَسْتَعِینُ» را صد بار بگوید و بعد از آن حمد را تا آخر بخواند و رکعت دوم نیز همین طوری بخواند و ذکر رکوع و سجود را نیز هفت بار بگوید و چون نماز تمام شد، یک بار لااله الاالله و سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخواند و بعد از آن سر به سجده بگذارد و صدمرتبه صلوات بفرستد.

چرا مردم شب های چهارشنبه بیش تر به مسجد مقدس جمکران می روند؟

چون در حکایت حسن بن مثله جمکرانی و سفارش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وی برای تأسیس مسجد مقدس جمکران آمده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: «فردا شب (شب چهارشنبه) آن گوسفند را همین جا (مکان مسجد جمکران) بیاور و ذبح کن و روز چهارشنبه که هجدهم ماه رمضان است، گوشت آن را به بیماران انفاق کن که خداوند متعال، آن ها را شفا عنایت می کند». (۱)

لذا این سخن و دستور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به حسن بن مثله سبب شده تا مردم برای شب چهارشنبه ارزش خاصی قائل شوند و در این شب از شهرهای دور و نزدیک به مسجد مقدس جمکران مشرف شوند.

۱- داستان جمکران در بسیاری از کتاب ها آمده است. برای نمونه نک: فصل نامهٔ انتظار، ش۵، ص۳۳۳.

چهل بار رفتن به مسجد مقدس جمکران چه حسنی دارد؟

عـدد چهل و چله گیری، ریشـهٔ مذهبی دارد و تکرار چهل بار در بعضـی از اعمال مسـتحب، وارد شده است. بعضـی از علما و مؤمنـان نیز در بعضـی امـاکن نظیر مسـجد سـهله و... برای برآوردن حاجات خود چهل شب بیتوته می کننـد؛ چنان که در امت هـای گذشـته نیز حضـرت موسـی علیه السـلام چهـل شب در کوه طور به عبادت خداونـد مشـغول بوده است. البته دلیل روایی خاصـی مبنی بر چهـل بار رفتن به جمکران وجود نـدارد، ولی در مجموع رفتن به جمکران و نماز و عبادت در آن جا سـفارش شده و بزرگان و مؤمنان همواره به انجام دادن آن همت داشته اند.

دربارهٔ چاه عریضه در مسجد جمکران توضیح دهید.

عریضه نویسـی و به عبـارتی عرض توسـل و تقاضای حاجت از خداونـد، از روایاتی سرچشـمه گرفته که در این باره نقل شـده است.

در برخی کتـاب ها، دربارهٔ عریضه به محضـر مقـدس ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، متن عریضه و شـیوهٔ طرح آن، نکاتی آمده است. مرحوم محدث قمی می نویسد:

هرکس در ضـریح ائمه علیهم السلام عریضه و کاغذی را ببندد و مهر کند و آن را در نهر یا چاه آب و یا برکه ای بیندازد و به نیت حضـرت صـاحب الزمـان عجـل الله تعالی فرجه الشـریف حاجت خود را ذکر کنـد، آن بزرگوار عهـده دار برآورده شـدن حاجات وی می شود. (۱)

بر همین اساس، چاهی در مسـجد مقـدس جمکران وجود دارد. اما این چاه خصوصـیتی نـدارد و انسان می تواند برای توسل و عرض حاجت به محضـر حضـرت، در آن چاه یا چاه و نهر دیگری، عریضـهٔ خود را بینـدازد. پس نبایـد تصور کرد که این چاه جزئی از مسـجد جمکران به شـمار می آیـد و به دسـتور حضـرت حفر و بـدین منظور لحاظ گردیده است و حضـرت عجل الله تعالی فرجه الشریف نامه هایی را که در آن انداخته

۱- منتهی الآمال، ص۳۳۴.

می شود، حتماً می خواند. بلکه رفته رفته برای آسان شدن عریضه نویسی، چاهی در مسجد جمکران حفر شد.

چه کراماتی از مسجد جمکران دیده شده است؟

حضرت آیت الله فاضل فرمودند: «در دوران طلبگی، خیلی به مسجد جمکران می رفتم. شاید بیش تر از پانصد مرتبه باشد و کرامات زیادی در این مسجد مقدس دیده و شنیده ام».

برای نمونه شخصی در اثر عمل جراحی لال شده بود و دکترها جوابش کرده بودند. آقای علوی فرمود: «چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران برو. اگر شفایی هست در آن جاست». او نیز تصمیم جدی می گیرد تا برای چهل هفته با هواپیما از مشهد مقدس به تهران رفته و شب چهارشنبه به مسجد جمکران بیاید. در هفتهٔ سی و هشتم در حال سجده، یک وقت می فهمد که همه جا نورانی شده است و آقایی وارد شد و مردم به دنبالش می گویند حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است. خیلی ناراحت می شود که نمی تواند سلام کند، لذا کنار رفته، ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک او می آید و می فرماید: «سلام کن!»

اشاره به زبان می کند که من لال هستم وگرنه بی ادب نیستم.

حضرت بار دوم می فرماید: «سلام کن!» بلافاصله زبانش باز می شود و سلام می کند و به برکات مسجد جمکران، حضرت او را شفا می دهد. (۱)

سرداب مقدس سامرا

۱. آیا سرداب، محل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟

از دیرباز، مخالفان و معاندان اهل بیت علیهم السلام می پنداشته اند که شیعیان محل

۱- نماز و عبادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، عباس عزیزی، ص۶۳ - ۶۴.

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را سرداب می دانند. (۱) با وجود این، هیچ یک از این مدعیان، مطلبی یا گفته ای را از شیعیان نقل نمی کنند که این عقیدهٔ شیعیان را بنماید.

به رغم این اتهام، در روایات و کتب شیعه آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکهٔ مکرمه و مسجد الحرام ظهور می کند. (۲)

بنابر روایاتی، اولین جایگاه بیعت قبل از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسجدالحرام و بین رکن و مقام خواهد بود. (۳) اهل سنت نیز به این مطلب معتقد و معترف اند و از نکات مشترک بین تمام مسلمانان به شمار می رود.

۲. آیا سرداب، محل سکونت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟

برخی از نویسندگان گذشتهٔ اهل سنت می پندارند که شیعیان سرداب را محل ظهور می دانند، اما نویسندگان بعدی به جای بررسی، رفع خطا و بیان حقیقت، پا را فراتر نهاده اند و ادعا نموده اند که شیعه معتقد است امامشان سالیان متمادی در سرداب به سرمی برد و در همان جا زندگی می کند. (۴)

مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر در پاسخ به این بهتان می فرماید:

تهمت سرداب زشت تر است. در حالی که شیعه عقیده ندارد که امام در سرداب مخفی شده و از آن جا ظهور می کند. ای کاش آنان که این تهمت را زده اند، دست کم حرفشان را یکی می کردند. ابن بطوطه در سفرنامهاش می گوید (۵) در حله است. قرمانی در اخبار الدول می گوید در بغداد، و دیگران

۱- نک: انساب، سمعانی، ج۳، ص۲۰۲؛ معجم البلدان، حموی، ج۳، ص۱۷۳؛ الاعلام، زرکلی، ج۶، ص ۸۰؛ البدایه و النهایه، ابن اثیر، ج۹، ص۴۹؛ تفسیر، ج۲، ص۳۴؛ تاریخ، ج۱، ص۱۹۸.

۲- کمال الدین، ج۲، ص ۳۳۱؛ کافی، ج۸، ص۲۲۵.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص۳۰۶، ح۷۸؛ ص۳۰۴، ح۷۳؛ ص۲۹۴، ح۴۲؛ ص ۲۹۰، ح ۳۰؛ ص۳۳۴، ح۶۴.

۴- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج۱۲، ص۳۹۱؛ الاصابه، ابن حجر، ج۲، ص۴۳۸؛ الصراع بین الاسلام و الوثنیه، عبدالله علی القصیمی، ج۱، ص۳۷۴.

۵- الغدیر، ج۲، ص۱۹۸.

می گویند در سامرا و قصیمی نمی داند کجا است، لذا جایی را نام نمی برد تا عیبش آشکار نشود. (۱)

همچنین آیت الله صافی گلپایگانی در مورد محب الدین (خطیب مدینهٔ منوره) می فرماید:

از اشتباهات فاحش ایشان به تبع گذشتگانش این است که عقیدهٔ در سرداب بودن امام را به شیعه نسبت داده و گمان کرده است که وکلای امام باب سرداب بوده اند. در حالی که کتاب های شیعه در دست است، حتی آن ها که قبل از ولادت امام نوشته شده اند، از این بهتان اثری نیست. اما آن ها عادت به تحقیق ندارند و هرچه دلشان بخواهد می گویند. (۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

صاحب این امر میان مردم رفت وآمد می کند، در بازارشان راه می رود و بر فرش های آن ها قدم می گذارد، در حالی که مردم او را نمی شناسند. (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

به پروردگارم سوگند! حجت خدا، روی زمین راه می رود و در خانه ها وارد می شود... سخنان را می شنود و بر مردم سلام می دهد. (۴)

طبق روایات مربوط به محل زندگی حضرت، ایشان غالباً اطراف مدینهٔ منوره حضور دارند و نیز ملاقات های فراوان و معتبری که با حضرت در مکان های مختلف اتفاق افتاده، همه گویای حضور حضرت در جامعه و میان مردم است و وجود ایشان در سرداب را نفی می کند.

۱- الغدیر، ج۳، ص۳۰۹ و ۳۰۸.

۲- مجموعه الرسائل، ج۲، ص۴۰۵.

۳- الغیبه، نعمانی، ص۱۶۴، ح۴.

۴- الغیبه، نعمانی، باب۱۰، ص۱۴۴، ح۱۰.

۳. آیا سرداب، محل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟

محل غیبت دو معنای متفاوت دارد که اگر به معنای مخفیگاه و محل زندگی آن حضرت باشد، درست نیست، اما اگر به معنای محل غایب شدن باشد (آخرین مکانی که حضرت در آن دیده شده و بعد کسی او را ندیده) حرف صحیحی است. غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سرداب آغاز شد، نه آن که آن جا هم ادامه می یابد.

احتمالاً ـ بعضی از عبارات نویسندگان اهل سنت بر همین معنای دوم دلالت می کند (۱) که در این صورت حرف درستی است، اما بعضی آن را اشتباه فهمیده اند و محل غایب شدن را به مخفیگاه امام تفسیر کرده اند.

بنابراین عبارت های آنان گویای شروع غیبت از سرداب است، نه وجود همیشگی حضرت در سرداب. بنابر روایت های تاریخی، وقتی پدر بزرگوار امام از دنیا رفت، ایشان در مقابل چشم همگان بر جنازهٔ پدر نماز خواند، و همین امر باعث شد تا مأموران برای دست گیری امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به منزل امام عسکری علیه السلام حمله کنند. مرحوم قطب الدین راوندی می گوید:

وقتی داخل منزل شدند، صدای قرائت قرآن از سرداب شنیدند. لذا مقابل در جمع شدند تا هنگام خروج دستگیرش کنند. در همان هنگام امام خارج شد، در حالی که فرماندهٔ آن ها ایستاده بود. وقتی امام رفت، فرمانده گفت وارد شوند و دستگیرش کنند. افراد گفتند از کنار تو گذشت و دستور ندادی او را بگیریم؛ فرمانده گفت من او را ندیدم. لذا دست خالی برگشتند. (۲)

طبق عقیدهٔ شیعه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ورود به سرداب از آن جا خارج شد و

۱- تاریخ ابن خلدون، ج۴، ص۳۰؛ الفصول المهمه، ابن صباغ، ص۲۹۳.

۲- الخرائج و الجرائح، ج۲، ص۹۴۲.

مأموران او را ندیدنـد. لـذا آخرین محل تعقیب، سـرداب بوده است و این امر، بی سابقه نیست. در «لیله المبیت» نیز وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر چشم محاصره کنندگان (مشرکان) از منزل خارج شد، کسی ایشان را ندید.

بنابراین چون غیبت از سرداب شروع شد، در بعضی از منابع شیعی از آن به « سرداب غیبت» یاد می شود. (۱)

۴. آیا سرداب، محل زیارت است؟

اگر سـرداب، نه محـل ظهور امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف است و نه محل سـکونت و مخفیگاه آن حضـرت، چرا شیعیـان آن جـا را زیارتگاه می داننـد و در کتب ادعیه برای آن، دعاها و اعمال مخصوصـی ذکر کرده انـد؟ مثلاً برای ورود به سرداب، اذن دخول می خوانند و در آن جا به ائمه و مخصوصاً امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سلام می دهند!

مقـدس بودن سـرداب سـامرا به دلیل زنـدگی کردن سه امام آخر شـیعیان در آن محل است. سـرداب، جای مقـدس، مبارک و محترم است؛ چون ائمهٔ ما در آن جا عبادت و اقامت کرده انـد، مانند هر جایی که بدانیم ائمه در آن جا حضور داشـته اند و با قـدوم خود آن جا را متبرک کرده انـد، ماننـد بیت النور (در شـهر مقـدس قم) که مـدتی محل زندگی حضـرت معصومه علیها السـلام بوده است، یا اماکنی از کربلا تا شام که رأس مطهر امام حسـین علیه السـلام در آن جا به زمین گذاشته شده است و به آن جا «مقام رأس الحسین» می گویند و برای شیعیان قداست و احترام دارد.

اما اذن دخول و خطاب کردن به امام، به سـبب آن است که منزل ائمه را در هر حالی (حضور یا عدم حضور) محترم می دانیم. طبق عقیدهٔ شیعه، هر جا که باشیم، امام صدای ما را می شنود و جواب ما را می دهد، ولی ما صدای امام را نمی شنویم. لذا می توان امام را در هر جایی مورد خطاب قرار داد. البته این مسئله

۱- مزار مشهدی، ص۶۵۷؛ جنه المأوی، حکایت ۲۷؛ الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی، ج۳، ص۲۳۵.

شامل همهٔ معصومان می شود. برای مثال، خطاب به امام حسین علیه السلام، زیارت عاشورا می خوانیم.

در پایان گفتنی است که شیخ محمود ابوریه، از علمای معاصر و اهل تحقیق و تتبع اهل سنت می گوید:

من نشنیده ام که شیعه ای در مورد سرداب غیبت که در حله یا سامراست، بگوید امام در آن جا پنهان است، یا در آن جا زندگی می کند و یا از آن جا ظهور خواهد کرد. شاید سرداب سامرا، مکان نماز امام هادی و عسکری علیهما السلام بوده که تا به حال باقی مانده است. (۱)

منبر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

آیا صحت دارد که در حرم امام رضا علیه السلام منبری وجود دارد که متعلق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟ اگر صحت دارد آن منبر کجاست؟

در ایوان مقصورهٔ مسجد گوهرشاد، منبر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دارد. این منبر در سال **۱۲۴۳** هجری قمری به شیوهٔ منبت کاری از چوب گردو ساخته شد و آهن و میخ در آن به کار نرفته است. البته سازنده، منبر را به نیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ساخته، ولی گزارش نشده که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن استفاده کرده باشد.

۱- أضواء علی السنه المحمدیه، ص۲۳۶.

دیدار

دیدار یا زیارت

چگونه می توان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیارت کرد؟

اگر منظور از زیارت حضرت، زیارت معنوی و توسل به ایشان باشد، این امر هیچ گونه محدودیتی ندارد و هرکس می تواند با شناخت و معرفت صحیح حضرت و توجه قلبی، از هر مکان و در هر زمانی به ایشان متوسل شود و با تقدیم صلوات و سلام به پیشگاه آن حضرت، با آن بزرگوار ارتباط برقرار کند. البته بهتر است به هنگام توسل، دعاها و زیارت های منقول از معصومان علیهم السلام، مثل زیارت آل یاسین، دعای عهد، دعای فرج و... را که در کتاب مفاتیح الجنان نقل شده است، بخواند.

اما اگر منظور از زیارت حضرت، تشرف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و درک حضور آن بزرگوار باشد، باید توجه داشت که در عصر غیبت، بنای حضرت بر مخفی بودن از دیدگان مردم است؛ مگر در موارد خاص که حضرت بنابه مصالحی، برای برخی افراد شایسته، ظاهر می شود و آن شخص امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بیند؛ اما در غیر این موارد استثنایی، حضرت با کسی ارتباط علنی ندارد و هیچ راه و روش مشخصی نیز برای دیدن حضرت وجود ندارد ـ «تا یار که را خواهد و میلش به که باشد».

آیا می توان همیشه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیارت کرد؟

آری می توان در تمام لحظات با خوانـدن زیارت نامه با ایشان ارتباط معنوی داشت؛ اما اگر منظور ملاقات و دیـدار باشد، باید گفت: مسئلهٔ غیبت، اقتضا می کند که آن حضـرت از دیده ها پنهان باشد مگر این که مصلحت مهمی در میان باشد تا احتمال ملاقـات بـا آن حضـرت پیش آیـد؛ امـا تشـخیص این مصـلحت بـا خود امـام است. بنـابراین مـا نمی توانیم هرگاه بخواهیم آن حضرت را زیارت کنیم. البته این که مشتاق دیدار باشیم، کار خوبی است.

احادیث دیدار

درباره ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه احادیث و روایاتی وجود دارد؟

اگر منظور تعـداد روایاتی است که به ملاقات با امام سـفارش کرده و یا راه های ملاقات با آن حضـرت را بیان کرده باشد، در پاسخ باید گفت: ما روایتی نیافتیم که به منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش کرده باشد تا درپی دیدن آن حضـرت باشـند؛ زیرا اولاً، آن چه مسـلمان و شیعهٔ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را رستگار می کند، دیدار آن حضرت نیست، بلکه جلب رضـایت آن بزرگوار، عمل به دسـتورهای قرآن و اهل بیت علیهم السـلام است؛ ثانیاً، مسـئلهٔ غیبت اقتضا می کند که آن حضـرت از دیده ها پنهان باشد و اگر مصـلحتی مهم در میان باشد که برای کسی رخ بنماید، در این صورت ظاهر و ملاقات محقق می گردد؛ اما این امر به مصـلحتی بسـتگی دارد که خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشخیص می دهد. بنابراین تنها راه حقیقی، تحقق دیدار نیست و نباید خود را در این امر به زحمت بیندازیم. اشتیاق دیدار او و اظهار آن در دعـا و زیـارت و کوشـش جلب رضـای او در گفتار و کردار کافی است. به امیـد آن که سـعادت دیـدارش فراهم گردد و اگر مصلحت ندانست، باید تسلیم آن بزرگوار باشیم و هیچ شکوه ای نکنیم.

هدف دیدار

انگیزهٔ حضرت از دیدار با مردم چیست و چه فایده ای دارد؟

حضرت از دیدار با مردم، انگیزه های مختلف دارد؛ ازجمله:

۱. اثبات وجود و حضور خویش؛

۲. هدایت شخص وامانده در راه؛

۳. حل برخی از مسائل که بر علما دشوار می شود، همان گونه که مقدس اردبیلی برای حل مسائل مشکل، خدمت حضرت مشرف می شد؛

۴. شفای مریض هایی که زمین گیر شده و پزشکان آن ها را جواب کرده اند و... .

انواع دیدار

تشرفات به محضر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت چگونه است؟

در سه حالت می توان حضرت را زیارت کرد:

۱. خواب: گروهی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب زیارت می کنند (باید توجه داشت که خواب به تنهایی دلیل و ملاک عمل نیست)؛

۲. مکاشفه: مکاشفه حالتی بین خواب و بیداری است. یک ارتباط روحی است که بعضی در این حالت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیارت می کنند. مکاشفه نیز همانند خواب، به تنهایی حجت نیست و نمی تواند ملاک عمل باشد؛

۳. بیداری: یعنی در حالت عادی و به طور طبیعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیارت می کند.

کسی که در حال بیداری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات می کند، یا اصلاً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمی شناسد، یا در آن حال نمی شناسد؛ اما پس از اتمام ملاقات و جدایی، ایشان را خواهد شناخت. عدهٔ بسیار کمی (بنابر نقل) هستند که در همان زمان

ملاقات، امام را می شناسند و با علم به امام بودن ایشان، با او صحبت می کنند. البته، این افراد بسیار اندک هستند.

در زمان غیبت کبرا، هیچ کس به اراده و خواست خود به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف دسترس ندارد و ملاقات، امری یک سویه است؛ یعنی اگر عنایت خداوند شامل حال هرکس شود و قابلیت و لیاقت دیدار حضرت در هرکس پدید آید، حضرت به دیدار او می آید و خود را نشان می دهد؛ نه این که هرگاه خودش خواست بتواند به دیدار حضرت برسد.

همچنین ارتباط دایم (در این دوران) برای هیچ کس اتفاق نمی افتد. بنابراین هرکس ادعا کند که هرگاه بخواهد به خدمت حضرت می رسد، دروغ می گوید و اگر کسی ادعا کند که واسطهٔ بین مردم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است نیز دروغ می گوید و باید او را تکذیب کرد. ملاقات ها اموری اتفاقی و پیش بینی ناشدنی هستند؛ چون بنابر حکمت و فلسفهٔ غیبت کبرا، حضرت در پس پردهٔ غیبت است و کسی با حضرت ارتباط دایم و به دل خواه خود ندارد. (۱)

رؤیت حضرت به چند طریق امکان دارد و تشخیص صدق و کذب آن چگونه است؟

رؤیت حضرت در عصر غیبت کبرا به سه صورت ممکن است:

الف) در عالم خواب؛

ب) در حال مکاشفه؛

ج) در حال بیداری.

که در حال بیداری از نظر کیفیت و نحوهٔ دیدار سه گونه دارد:

۱. دیدار با حضرت با عنوان غیرحقیقی؛ به گونه ای که دیدارکننده هنگام ملاقات و بعد از آن، هیچ گونه توجهی به شخص حضرت ندارد و ایشان در این دیدار، فردی

۱- برای مطالعهٔ بیش تر نک: المهدی المنتظر، خراسانی؛ میر مهر، مسعود پورسیدآقایی.

عادی و ناشناس تلقی می شود. این رؤیت ممکن است برای بسیاری از افراد به طور تصادفی و ناشناس رخ دهد و حضرت با افراد برخورد داشته باشد، ولی هرگز او را نمی شناسند؛ (۱)

۲. دیدار حضرت همراه با شناخت؛ یعنی شخص دیدارکننده حضرت را به هنگام دیدار بشناسد. این نوع رؤیت، بسیار اندک و انگشت شمار است؛ زیرا چنین رؤیتی با فلسفهٔ غیبت منافات دارد و در عصر غیبت، اصل بر این است که حضرت از چشمان مردم پنهان باشد، مگر در مواردی که مصلحت مهم تری اقتضا کند و حضرت بنابه مصالحی خود را بشناساند که این نوع دیدار فوق العاده اندک است؛

۳. رؤیت حضرت در حال غفلت از حضور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی شخص امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات می کند، ولی در آن حال به حضور حضرت توجهی ندارد و وی را فردی عادی می پندارد، اما پس از ملاقات با توجه به دلایل و شواهد موجود، یقین پیدا می کند که وی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

بیش تر تشرفاتی که در کتاب ها نقل شده است، از این نوع است و نشناختن نیز یا به دلیل غفلت شخص دیدارکننده در آن حال است و یا به دلیل این که حضرت در او تصرفات تکوینی و ولایی کرده و اجازهٔ شناخت را به وی نمی دهد؛ ولی بعد از جدایی، از قراین دیگر قطع پیدا می کند که وی امام بوده است.

اما تشخیص صدق و کذب چنین رؤیت هایی، به دلیل یقینی و صدق گوینده نیاز دارد. چنین ادعاهایی از افراد ناموثّق و بی تقوا پذیرفتنی نیست و اصل بر تکذیب مدعی چنین دیدارهایی است، مگر این که به صحت گفتار وی یقین

۱- مؤید این مطلب جمله ای است که می گویند: «پس از ظهور حضرت، بسیاری از مردم می گویند: ایشان برای ما آشناست و ما قبلاً او را دیده بودیم».

داشته باشیم.

چرا افراد هنگام ملاقات امام را نمی شناسند؟

زیرا غیبت که به معنای ناشناس بودن حضرت است، اقتضا می کند که دیگران حضرت را نشناسند. پس نشناختن حضرت در چنین ملاقات هایی طبق قانون غیبت بوده و دلیل نمی خواهد؛ زیرا ایشان در حال غیبت اند و نباید غیبت و ناشناس بودن، به ظهور و شناسایی تبدیل گردد.

در عین حال با این که در زمان غیبت به دلایلی که موجب غیبت شده، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید از دیده ها مخفی باشند، ممکن است کسانی که مشکل بزرگی دارند یا به مقامات معنوی عالی دست یافته اند، به محضر آن حضرت شرف یاب گردند. البته این شرف یابی می تواند متفاوت باشد. برخی حضرت را می بینند ولی نمی شناسند؛ گروهی می بینند و می شناسند و حضرت هم با آنان سخن می گوید؛ برخی او را می بینند و می شناسند و اجازه می یابند که با ایشان سخن بگویند. این تفاوت ها به دلیل اختلاف درجات معنوی افراد است.

در هر حال دلیل این که افراد کمی هنگام ملاقات، آن حضرت را می شناسند، آن است که شایستگی دیدنِ همراه با شناخت، در افراد کمی وجود دارد.

شرایط دیدار

آیا دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای شرایط خاصی است و نصیب هر کسی می شود؟ و آیا ندیدن آن حضرت مصلحتی دارد؟

دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبرا امکان داشته و اگر کسی توفیق یابد، سعادت بزرگی نصیبش شده است؛ اما همهٔ سعادت این نیست که انسان شبانه روز تلاش کند و خواهان دیدن امام باشد. البته دیدن حضرت سبب نمی شود که انسان گناه نکند؛ زیرا برخی انسان های معاصر دیگر امامان علیهم السلام با

وجود دیدن امام معصوم باز هم گناه می کردند و حتی گاهی با آن ها مخالفت می نمودند.

دیدن حضرت تأیید بر کردار درست انسان نیست؛ اگرچه نصیب هرکس نمی شود. ندیدن حضرت هم دلیل بر خرابی اعمال نیست. بسیاری از بزرگان، علما و مجتهدان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ندیدند، ولی چه بسا افرادی که مسلمان هم نبودند، ولی چون به مقام اضطرار رسیدند، حضرت از آن ها دست گیری نموده و از این جهت امام را دیده باشند.

مهم این است که اگر ما او را نبینیم، او ما را می بیند و همین اعتقاد برای ترک گناه کافی است.

احمد بن حسن بن ابی صالح خجندی، مدتی در جست وجوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شهرها را می گشت و بسیار جدی بود و اصرار داشت که به حضور آن حضرت مشرف شود. عاقبت نامه ای از طریق حسین بن روح به این مضمون برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت: «دل من، شیفتهٔ جمال تو گشته و همواره در فحص و طلب تو می کوشم. تمنا دارم جوابی مرحمت فرمایید که قلب من ساکن شود و دستوری در این باره فرمایید».

جواب آمد که: «هر کس در خصوص من جست وجو و تجسس کند، مرا می طلبد و هر کس مرا بیابد، به دیگران بنماید و هر کس مرا به دیگران بنماید، مرا به کشتن دهد و هر کس مرا به کشتن دهد، مشرک گردد».

بنابراین احتمال دارد که به صلاح ما نباشد آن حضرت را ملاقات نماییم، چه بسا دیدار حضرت مایهٔ عجب، تکبر و خودپسندی ما شود که خود مایهٔ هلاکت انسان است. (۱)

۱- برای اطلاع بیش تر نک: مهدی منتظر، محمدجواد خراسانی، ص۹۳ - ۱۰۰.

آیا اگر از گناه اجتناب کنیم و منتظر واقعی باشیم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما سر می زند؟

قطعاً گناه کردن، مهم ترین علت محرومیت از عنایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در توقیع شریفشان به شیخ مفید می فرماید:

ما را از ایشان (شیعیان) چیزی محبوس نکرده است، مگر گناهان و خطاهایی که از ایشان به ما می رسد و ما آن را ناخوش می داریم و از ایشان نمی پسندیم. (۱)

آیت الله بهجت نیز بیان فرموده اند:

اگر بفرمایید: چرا به آن حضرت دسترس نداریم، جواب شما این است که چرا به انجام واجبات و ترک محرمات ملتزم نیستید؟ او به همین از ما راضی است؛ زیرا «اورع الناس من تورّع عن المحرمات؛ (۲) پرهیزکارترین مردم کسی است که از کارهای حرام بپرهیزد». ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است. (۳)

بنابراین اگر ما از گناه اجتناب کنیم و منتظر واقعی باشیم، به مقامی می رسیم که غیبت و حضور برایمان فرقی ندارد. امام سجاد علیه السلام به ابوخالد کابلی می فرماید:

ای ابوخالد! به درستی که مردم زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آنان که معتقد به امامت هستند و در انتظار ظهور او به سر می برند، با فضیلت ترین مردم همهٔ زمان ها هستند؛ به دلیل این که خداوند متعالی عقل و فهمی به آنان عنایت کرده که غیبت در نزد آنان به منزلهٔ ظهور و مشاهده گشته است. (۴)

۱- «فما یحسبنا عنهم الّا ما یتصل بنا مما نکرهه ولا نؤثره منهم» (بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۷۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۴، ص۴۶۳).

۲- کافی، ج۲، ص۷۷.

۳- ششصد نکته از محضر آیت الله العظمی بهجت، ص۳۶۲.

۴- «...صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده..». (بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۲).

از این رو، در حدیث دیگری امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

من سرّه ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق؛

هرکس دوست دارد که از یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف گردد، باید که منتظر باشد و در عین حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو مشغول گردد.

بنابراین اگر کسی ترک گناه کند و منتظر امامش باشد، از یاران واقعی حضرت به شمار می آید. آن گاه اگر بزرگ ترین توفیق الهی او را دریابد، غیبت و ظهور حضرت برایش تفاوت نخواهد داشت.

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید

شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

شوق دیدار

بسیار علاقه مندم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات کنم، آیا ممکن است که او به دیدن من آید؟

اشتیاق ملاقات با حضرت بسیار نیکوست. این اشتیاق را همهٔ علاقه مندان حضرت دارند، ولی عجله نکنید؛ تسلیم رضا و قضای الهی باشید. در زمان غیبت باید به وظایفمان عمل کنیم. اگر حضرت صلاح بداند، خودش به دیدن ما می آید. وظیفهٔ ما این است که در عمل به اخلاق و احکام الهی تلاش و خود را در تمام جهات به حضرت نزدیک کنیم و موجبات رضایت ایشان را فراهم نماییم.

راه دیدار

چه کار کنم که آقا را ببینم و با ایشان صحبت کنم؟

واقعیت این است که هیچ نسخه ای نداریم که به طور حتم سبب شود آدمی در خواب یا بیداری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببیند و با او صحبت کند. البته اشتیاق شما به دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار خوب است و می تواند سبب خیلی از خوبی ها شود،

ولی باید بپذیرید که الآن زمان غیبت است و جز در مواردی که مصلحت باشد، دیداری ــ در خواب یا بیداری ــ رخ نمی دهد. گرچه همیشه جای امیدواری هست، به ویژه در مکان هایی مانند جمکران که منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ مهم این است که خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما عمل شایسته و خدایی می خواهد و از این که به وظایف الهی خود عمل کنیم، خوشحال می شود و این سبب نزدیکی بیش تر ما به آن حضرت می گردد. هرچه به او نزدیک تر شویم، از وجود او بهرهٔ بیش تری خواهیم برد.

نکتهٔ مهم و قابل توجه دیگر این است که فردی به نام احمد بن ابراهیم، مشتاق دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و چون در دوران غیبت صغرا زندگی می کرد، به دومین نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (محمد بن عثمان عمروی) عرض کرد: «من اشتیاق زیادی برای دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارم». نایب خاص فرمودند: «به خاطر این شوق، خداوند به شما اجر بدهد و ان شاءالله امام را ببینی. اما زمان غیبت است. پس اصرار به دیدار نکن و با خواندن زیارت نامه متوجه ایشان شوید».

چنان که ملاحظه می کنید نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، احمد بن ابراهیم را از اصرار به ارتباط ظاهری منع و او را به ارتباط معنوی راهنمایی می نماید.

بنابراین بهتر است شما نیز بیش تر به دنبال ارتباط معنوی باشید و با خواندن دعاها و زیارت نامه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متوجه ایشان شوید. علاوه بر این با صدقه دادن برای سلامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و صدقه دادن از طرف ایشان می توانید ارتباطی نزدیک تر داشته باشید.

البته دستورهایی برای دیدار و درک دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است که بیان می شود:

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هرکس بعـد از نمـاز صبح و ظهر بگویـد «اللهم صـل علی محمـد وآل محمـد وعجل فرجهم»، نمی میرد تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کند. (۱)

۲. امام باقر علیه السلام می فرماید:

کسی که همهٔ سوره های مسبّحات (سوره هایی که با سبّح یا یسبّح شروع می شود) را قبل از خواب بخواند، نمی میرد تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کند و اگر بمیرد در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود. (۲)

۳. در روایت آمده است که هرکس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و بر آن استمرار ورزد، به قدری عمر می کند که به دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شود:

اللهم صل علی محمـد وآل محمد، اللهم ان رسولک الصادق المصدق صـلواتک علیه وآله قال: انک قلت: ما ترددت فی شـئ أنـا فـاعله کـترددی فی قبض روح عبـدی المؤمن یکره الموت وأنـا أکره مساءته، اللهم فصـل علی محمـد وآل محمـد و عجل لاولیائک الفرج و النصر و العافیه و لا تسؤنی فی نفسی و لا فی فلان. (۳)

و به جای فلانی نام هرکس را خواست بگوید؛

۴. فرمود کسی که بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب یا بیداری می بیند:

بسم الله الرحمن الرحیم، اللهم بلغ مولانـا صـاحب الزمـان اینمـا کـان وحیثما کان من المشارق الارض ومغاربها، سـهلها وجبلها، عنی وعن والـدی وعن ولـدی واخوانی التحیه والسـلام، عـدد خلق الله، وزنه عرش الله، ومـا أحصاه کتابه واحاط علمه اللهم انی اجدد له فی صبیحه هذا الیوم وما عشت فیه من ایام

۱- مصباح المتهجد، ص۳۶۸.

۲- کافی، ج۲، ص ۶۲۰.

۳- مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی، ص۲۸۴.

حیوتی عهـداً وعقداً وبیعه له فی عنقی لا أحول عنها ولا أزول، اللهم اجعلنی من انصاره وانصاره الذابین عنه، والممتثلین لاوامره ونواهیه فی ایامه، والمستشـهدین بین یدیه، اللهم فان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتماً مقضـیاً فأخرجنی من قـبری مـؤتزراً کفنی، شـاهراً سـیفی، مجرداً قنـاتی، ملبیـا دعـوه الـداعی فی الحاضـر والبـادی. اللهم أرنی الطلعه الرشـیده، والغره الحمیـده، واکحـل بصـری بنظره منی إلیه، وعجـل فرجه، وسـهل مخرجه، اللهم اشـدد أزره، وظهره، وطـول عمره، اللهم اعمر له بلاـدک، وأحی به عبادک، فانک قلت وقولک الحق ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسـبت ایـدی الناس فأظهر اللهم لنا ولیک، وابن بنت نبیـک المسـمی بـاسم رسولـک، صـلواتک علیه وآله، حتی لا یظفر بشـئ من الباطل الّا مزقه، ویحق الله الحق بکلماته ویحققه، اللهم اکشف هذه الغمه عن هذه الامه بظهوره، إنهم یرونه بعیداً ونراه قریباً، وصلی الله علی محمد وآله. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس سورهٔ بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کند و از اصحاب او باشد. (۲)

چگونه نامه ای به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بنویسیم که تنها خودشان بخوانند؟

عریضه نویسی و به عبارتی عرض توسل و تقاضای حاجت از خداوند، از روایاتی سرچشمه می گیرد که در این باره نقل شده است.

در برخی کتـاب ها، دربارهٔ عریضه به محضـر مقـدس ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، متن عریضه و شـیوهٔ طرح آن، نکاتی آمده است. مرحوم محدث قمی می نویسد:

۱- بحارالانوار، ج۸۳، ص۶۱.

۲- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۷۶.

هر کس در ضریح ائمه علیهم السلام عریضه و کاغذی را ببندد و مهر کند یا آن را در نهر یا چاه آب و یا برکه ای بیندازد و به نیت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حاجت خود را ذکر کند، آن بزرگوار عهده دار برآورده شدن حاجات وی می شود. (۱)

بر همین اساس، انسان می تواند برای توسل و عرض حاجت به محضر حضرت، در چاه آب و نهر، عریضهٔ خود را بیندازد.

دلیل ملاقات نکردن

چرا ما نمی توانیم سرورمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینیم؟

پنهان بودن حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگان عمومی، براساس روایات، حکمت های فراوانی دارد که بعضی از آن ها گفته شده و بسیاری از آن ها نیز فقط در زمان ظهور حضرت درک می شود.

بنابراین این حکمت ها ایجاب می کند که کسی نتواند در زمان غیبت

کبرا حضرت را به طور معمول مشاهده کند و با او ارتباط داشته باشد؛ مگر

در مواردی خاص که به طور استثنایی، بنابه مصالحی، خداوند چنین اجازه ای می دهد. در این موارد هم دیدار حضرت به صورت ناشناس یا شناخته شده فقط برای برخی افراد است؛ نظیر این که در مواردی، حضرت صلاح بداند بعضی بیماران را شفا دهد، نیازهای علمی افراد را پاسخ دهد، گم شده ای را هدایت

کند و... .

نکتهٔ مهم در مورد مسئلهٔ دیدار حضرت این است که خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیگر معصومان علیهم السلام هیچ گاه ما را موظف نکرده اند درصدد جست وجوی دیدار حضرت

۱- منتهی الآمال، ص۳۳۴.

باشیم؛ گرچه به ما توصیه فرموده اند از فراق، دوری و محرومیت ایشان به شدت محزون و اندوهگین گردیم. پس آن چه از ما خواسته اند، عمل به وظایف دینی، فردی و اجتماعی است، نه چیز دیگر.

دیدارکنندگان

نام تعدادی از افرادی را که در زمان حاضر زنده اند و با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط دارند بیان کنید!

در زمان غیبت کبرا بعضی از خوبان و صالحان به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

مشرف می شوند و حتی از برکات وجود آن حضرت بهره مند می گردند، ولی

به مصداقِ

هرکه را اسرار حق آموختند

مُهر کردند و دهانش دوختند

این افراد خود را به دیگران معرفی نمی کنند و راز دل را باز نمی گویند. بنابراین شناسایی آن ها بسیار مشکل است. روشن است که اگر کسی ادعایی کند و خود را صاحب مقامِ ارتباط با حضرت معرفی نماید، سخن او پذیرفته نیست و چه بسا افرادی که از این راه به شیادی و دنیاداری پرداخته اند.

دربارهٔ رجوع در مسائل، تذکر این نکته لازم است که در مسائل اسلامی، باید به کارشناسان اسلامی و فقیهان و عالمان متعهد رجوع کرد. به یقین اینان امنای پیامبران (۱) و همان ها هستند که حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش فرمود در مسائل پیش آمده به آن ها رجوع کنید، (۲) ولی اگر کسی ادعا کرد که من به سبب ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکمی شرعی یا وظیفه ای دینی را فهمیده ام و خواست آن را وظیفهٔ

۱- در روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «العلماء امناء الرسل علی عباده؛ دانشمندان امانتداران پیامبران بر بندگان خدایند» (مجمع البیان، ج ۵، ص۴۶۴).

۲- کمال الدین، باب توقیعات، ص۴۸۴، ح۴.

اسلامی خود به حساب آورد و برای شما و دیگران طرح کند، قطعاً او را تکذیب کنید که هیچ سندی بر درستی سخن او نیست و اگر کسی طبق آن عمل کند، نزد خدا حجتی نخواهد داشت. همه می دانیم که اگر قرار باشد امور اسلام و مسلمانان براساس ادعای این و آن تنظیم گردد، سنگ روی سنگ بند نمی شود و گمراهی و هرج و مرج در جامعهٔ اسلامی پدید می آید.

آیا اکنون هم مانند گذشته افرادی با حضرت دیدار می کنند؟ در صورت امکان نام آن ها را

ذکر کنید؟

این که افرادی مورد عنایت خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و حتی ملاقات داشته اند، قابل انکار نیست. حتی به طور عادی (نه مکاشفه) حضرت را دیده و صحبت کرده اند، ولی این گونه افراد انگشت شمار بوده اند و بسیاری از افرادی که این گونه ارتباط داشته اند این قضایا را بازگو نمی کنند. گاهی بعد از وفاتشان برخی از افرادِ نزدیک این افراد این قضایا را بازگو کرده اند و برای ما باقی مانده است؛ مثل، سید بن طاووس یا سید بحرالعلوم و... .

ولی متأسفانه افرادی هم هستند که به دروغ ادعا می کنند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط داشته اند و عدهٔ زیادی را گمراه می کنند. باید مراقب این گونه افراد بود و فریب آن ها را نخورد.

شما می توانید از زندگی نامهٔ آیت الله مرعشی نجفی یا آیت الله بهاءالدینی و امثال آن ها اطلاعات مناسبی کسب کنید. همچنین برای اطلاع بیش تر به کتاب میر مهر نوشتهٔ حجت الاسلام پورسیدآقایی از انتشارات حضور، مراجعه فرمایید.

نقل دیدار

آیا اشکالی دارد خوابی که در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دیده ام برای دیگران تعریف کنم؟ آیا نباید

برای اطلاع مردم از وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این گونه خواب ها را نقل کرد؟

چند نکته دربارهٔ این سؤال جالب توجه است:

۱. باید توجه داشت که خواب هیچ گونه حجیت شرعی ندارد. از این رو، عمل نکردن به محتوای آن نه تنها برای بیننده عیبی ندارد، بلکه بر دیگران هم لازم نیست به آن عمل کنند.

۲. به یقین برخی خواب ها در شمار رؤیاهای صادق است. بر این اساس انسان با دیدن خواب های ناگوار، با صدقه دادن می تواند دفع بلا کند. منتهی خواب شما که خوب و شیرین است، ذکر آن برای صاحب آن هیچ اشکال ندارد و چه بسا مایهٔ دل داری و تسلای آنان و دیگران باشد؛ البته برای دچار نشدن به غرور و خجالت، می توانید خواب را از زبان خود نگویید؛ مثلاً بگویید: شخصی چنین خوابی دیده است.

۳. برای آشنا کردن مردم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم نیست انسان تنها به نقل خواب اکتفا کند، بلکه آیات و روایت و گفتار علما و دانشمندان و کتاب های مفید و سودمندی در این باره وجود دارد که می توان از آن ها بهره گرفت. شما که مربی نونهالان پاک و معصوم هستید، سعی کنید با کتاب هایی که در خصوص آشنایی نونهالان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، بیش تر مأنوس شوید و بذر شناخت و محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در جان بچه ها بکارید.

۴. خواب هایی که انسان می بیند، قطعاً با عمل کرد و فعالیت روزانهٔ او کاملاً ارتباط مستقیم دارد. بر این پایه شما که مربی کودکان هستید، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شکل کودکی مشاهده کرده اید، و فرمایش ایشان نیز یادآور این است که به خانوادهٔ شهدا توجه داشته باشید و اگر نونهالی در مهدکودک از نعمت پدر یا مادر محروم است، به او بیش تر توجه کنید.

ادعای دیدار

بعضـی از افراد ادعا دارنـد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را در خواب دیده اند؛ به نظر شـما آیا باید سـخن آن ها را پذیرفت؟

ما هم اکنون در دوران غیبت کبرای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به سـر می بریم. این دوران همچنان که از عنوان آن پیداست، زمان پنهان بودن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه همه است و کسی توفیق ملاقات حضرت را نـدارد؛ اما در موارد اسـتثنایی، کسانی که از نظر تقوا و فضـیلت مراتب عالی داشـته باشـند، این سـعادت را می یابنـد که جمال نورانی آن حضـرت را ببیننـد. البته این گروه، انـدک و انگشت شـمارند. ازاین رو، در دوران غیبت کـبرا و به مقتضـای غـایب بودن حضرت، روال طبیعی این است که کسی حضرت را نبیند و ملاقات با آن حضرت جنبهٔ استثنایی دارد. بنابراین ما هم باید بنا را بر این بگذاریم که کسی حضرت را ندیده است و اگر کسی هم ادعای ملاقات کرد، تنها در صورتی که مطمئن شویم از نظر معنویت مراتب بالایی دارد، سخن او را می پذیریم.

در این باره توجه شما را به دو نکته جلب می کنیم:

۱. تقوا و معنویت چیزی نیست که بتوان آن را از ظاهر افراد و با برخوردی معمولی شناخت. بنابراین در مقام پی بردن به تقوا و فضـیلت، به ظـاهر افراد اعتمـاد نکنیـد. البته منظور این نیست که به مردم سوءظن داشـته باشـید، امـا چون شـرط ملاقـات با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشتن مراتب عالی تقواست، تا به این شرط یقین پیدا نکردید، ادعای کسی را باور نکنید.

۲. اساساً کسانی که اهل تقوا و فضیلت اند و توفیق شرف یابی به محضر مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می یابنـد، رازدار و سـر نگـه دارنـد. روش بزرگـان در طـول تاریـخ هـم این بـوده که برای پرهیز از شـهرت و جلب نکردن تـوجه دیگران، ملاقات خود را مخفی

می داشته اند و تنها در صورت ضرورت یا موردی که مصلحت مهمی در میان بوده، آن را برای دیگران ابراز می کردند.

«آن را که خبر شد خبری باز نیامد»

هرکه را اسرار حق آموختند

مُهر کردند و دهانش دوختند

بنابراین باید به کسانی که ادعای شرف یابی به محضر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارند و همیشه از ملاقات و ارتباط با آن حضرت دم می زنند، سوءظن داشته باشیم؛ مگر این که با رفت و آمد و ارتباط پیوسته و چندین ساله، او را کاملاً بشناسیم و در تقوا و فضیلت او کم ترین تردیدی نکنیم. توجه داشته باشیم که فراوان اند شیادانی که دنبال کسب جاه و مقام اند و در راه رسیدن به شهرت و مقام، از عواطف و احساسات پاک مردم نیز نمی گذرند؛ پس باید مواظب باشیم بازیچهٔ دست چنین افرادی نشویم.

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که بعضی افراد که ادعای ارتباط و ملاقات با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارند، افرادی ساده و بدون کلَک اند، ولی چون زودباور و تا حدودی خیالاتی هستند، زود یقین پیدا می کنند. بنابراین ادعاهای چنین افرادی با این که پذیرفتنی نیست (چراکه دچار خیالات شده و مثلاً یکی از مؤمنان و صالحان را دیده و خیال کرده اند او امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است)، اما چون قصد و غرض سوئی هم ندارند، گناه کار نیستند. البته ادعای آن ها برای ما حجت و دلیل نمی شود و نمی توانیم به چنین ادعاهایی ترتیب اثر بدهیم، مگر آن که همراه با شواهد و قرینه های معتبر باشد.

بعضی از افرادی که صلاحیت ندارند، ادعا می کنند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده اند. چگونه می توان حرف آن ها را قبول یا رد کرد؟ نوری که در بعضی از زمان های خاص مانند شب قدر یا در مکان های خاص مانند امام زاده دیده می شود، آیا دلیل بر حضور یا گذر امام است؟

ادعای دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از افراد بی صلاحیت، به هیچ وجه قابل اعتماد نیست. حتی دیدن نور در شب ها و مکان های خاص هم دلیلِ قطعی بر حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن جا نیست. شاید عنایتی داشته اند، ولی حضور قطعی حضرت را نمی توانیم مطمئن باشیم. باید احتیاط کرد که شیادها در کمین هستند.

ظهور

کلام امام

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دربارهٔ ظهور خود چه فرموده اند؟

مهم ترین سخن آن حضرت در این باره مطلبی است که از طریق محمد بن عثمان (دومین نایب خاص) در پاسخ به نامهٔ اسحاق بن یعقوب، بیان فرموده اند. در آن جا آمده است:

... و اما وقت ظهور من به ارادهٔ خداوند متعال بستگی دارد. کسانی که وقت آن را تعیین می کنند، دروغ گو هستند... . (۱)

ابوعلی می گوید: از محمد بن عثمان عمروی شنیدم که می گفت:

... و پرسیدم که فرج کی خواهد بود؟ پاسخ آمد: تعیین کنندگانِ وقت، دروغ می گویند. (۲)

در بیان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روایات سایر ائمه علیهم السلام نیز تعیین وقت برای ظهور مردود شمرده شده است. البته حضرت فرموده اند: «برای تعجیل فرج، زیاد دعا کنید».

۱- کمال الدین، ج۲، ص۲۳۷.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۲۳۶، ح۳.

امام و ظهور

آیا خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مایل و منتظر ظهور است؟

باید بدانیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از همهٔ ما بیش تر آرزوی ظهور دارد و برای آن دعا می کند و بارها به شیعیان نیز فرموده انـد برای تعجیل در ظهورم دعا کنید. (۱) آن حضـرت با دیدن این همه ظلم و فساد، بیش از ما ناراحت می شود (۲) و منتظر روزی است که بتوانـد عـدالت و معنویت و اسـلام را در تمام جهان حکم فرما نمایـد. طبق روایت امام صادق علیه السـلام، منظور از مضطر (ناچار) در آیهٔ ۶۲ سورهٔ نمل، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف است؛ (۳) یعنی ایشان در دوران غیبت در حال ناچاری به سر می برند و هر آن منتظر پایان این دوران است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور به چه زبانی صحبت می کنند؟

برای نوع گویش امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف دلیل و مـدرک خاصـی نـداریم، اما براساس روایات مربوطه، امام معصوم به همهٔ زبان ها آگاه است و با هرکس به زبان خودش سـخن می گوید؛ مقتضای امامت نیز همین است. ضـمن آن که حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در زمان غیبت و در تشـرفات نیز به زبان شخص مخاطب سخن گفته است؛ زیرا مقتضای ایجاد ارتباط کلامی نیز همین است.

آری، شاید با توجه به این که زبان قرآن و سنت (زبان اسلام)، عربی است، در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز زبان رسمی زبان عربی باشد (همان گونه که در دنیای امروز انگلیسی، زبان بین المللی است) و همهٔ مردم یا غالب آن ها به

۱- کمال الدین، ج۲، ص۴۸۵، ح۴.

۲- الاحتجاج، طبرسی، ج۲، ص۲۷۸. (در این نامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف می فرماینـد به دلیل به شک افتادن گروهی از شما ناراحت شدیم).

۳- تفسیر قمی، ج۲، ص۱۲۹.

زبان عربی آشنا خواهند شد.

زمان ظهور

آیا می توان وقت ظهور را پیش بینی کرد؟

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ارادهٔ الهی بستگی دارد که در صورت فراهم بودن شرایط، به دستور خداوند تحقق می یابد. بنابراین تاریخ آن را فقط خداوند می داند و هیچ کس نمی تواند تاریخ دقیق آن را پیش بینی کند. در روایات بیان شده که هرکس وقتی را برای ظهور مشخص کند، دروغ گوست.

مهزم اسدی از امام صادق علیه السلام پرسید: «فدایت شوم! ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل دولت حق که در انتظارش هستید، طول کشید؛ این امر کی تحقق خواهد یافت؟» حضرت فرمود:

تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ گویند؛ عجله کنندگان هلاک می شوند و کسانی که تسلیم هستند، نجات می یابند. (۱)

خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این باره فرموده اند:

ظهور فرج، به ارادهٔ خداوند متعال بستگی دارد و کسانی که برای ظهور وقت تعیین می کنند، دروغ گو هستند. (۲)

بنابراین هیچ کس نمی تواند زمان ظهور را پیش بینی کند. البته ما باید همیشه و در هر لحظه منتظر ظهور باشیم و از عجله، تعیین وقت و گوش سپردن به سخن کسانی که وقت مشخص می کنند، بپرهیزیم و همواره تسلیم امر خداوند باشیم.

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۰۳.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۴۸۴.

آیا ظهور نزدیک است؟

در این که ما در دورهٔ آخرالزمان به سر می بریم تردید نداریم؛ اما در چه مقطعی از آخرالزمان، معلوم نیست و تحقق نشانه های عمومی ظهور، دلیل بر تحقق شرایط ظهور نیست؛ زیرا در نشانه های عمومی، چون علایم، غیرحتمی و دارای مراتب اند، احتمال های دیگری هم وجود دارد. امیدواریم که ان شاءالله ظهور حضرت نزدیک باشد.

آیت الله بهجت، حتی به پیران نیز بشارت داده که ظهور نزدیک است؟

آیت الله بهجت چنین مطلبی را نفرموده اند؛ البته این که همه ــ چه پیر و چه جوان ــ باید به ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امیدوار باشند، سخن درستی است و مژدهٔ ظهور هم کار پسندیده ای است و در دعاهای مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده که «انّهُم یرَونَه بَعیداً وَنَراهُ قریباً؛ دشمنان ظهور فرج را دور می بینند، ولی ما (شیعیان) آن را نزدیک می بینیم» و نیز در روایت سفارش شده که هر صبح و شام، منتظر ظهور آن حضرت باشید. بنابراین همه امیدواریم که روزی شاهد ظهور حضرت باشیم و از این رو برای آمدن ایشان لحظه شماری می کنیم.

آیا صحت دارد که روز ۲۵ ذی القعده روز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؟

در روایات به بعضی روزها به منزلهٔ روز ظهور اشاره شده است؛ مثل روز جمعه، (۱) شنبه، (۲) یا روز نوروز (۳) و روز عاشورا. (۴) البته چنان چه دقت شود، این روایات اختلافی با هم ندارند. می تواند روز عاشورا در نوروز و جمعه یا شنبه اتفاق افتد.

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۷۹، ح۱.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۹۰، ح۳۰.

۳- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸، ح۸۴.

۴- الغیبه، شیخ طوسی، ص۲۷۴.

البته روایات جمعه قوی تر هستند، اما دربارۀ روز دحوالارض (۲۵ ذی القعده) روایتی در این باره یافت نشد.

البته مرحوم سید بن طاووس می فرماید:

شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال روایتی نقل کرده که روز ۲۵ ذی القعده روز قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۱)

اما چنین روایتی در کتاب های چاپ شده از ثواب الاعمال وجود ندارد. بنابراین نمی توان گفت این روز، روز قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جمعه ظهور می کند؟

روز جمعه از چند جهت اختصاص به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد: یکی آن که ولادت حضرت در آن روز بوده، و دیگر آن که ظهور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود، (۲) ولی وقوع ظهور در روز جمعه امری قطعی نیست؛ اگرچه طبق بعضی از روایات، ظهور در روز جمعه خواهد بود.

چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز جمعه ظهور می کنند؟

اولاً، حکمت بعضی مسائل برای ما روشن نیست و ممکن است در آینده روشن شود؛

ثانیاً، از نظر اسلامی، جمعه، عید است و شرافت بسیاری دارد. از این جهت مناسبت دارد که ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از اشرف حوادث عالم است، در چنین روز شریفی واقع شود. همان گونه که میلاد باسعادتش در جمعه واقع شده است. (۳) زیارت آن حضرت در روز جمعه مستحب به شمار می رود و سفارش گردیده است؛

۱- اقبال الاعمال، ج۲، ص۲۴.
۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۷۹.
۳- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۷۹.

ثالثاً، مسئلهٔ وقوع ظهور در روز جمعه، امری قطعی و تغییرناپذیر نیست.

مکان ظهور

محل وقوع ظهور کدام کشور است؟

براساس روایات، محل ظهور حضرت و اعلام آن به جهانیان، مکهٔ معظمه است. در این خصوص روایات زیادی وارد شده که به یک نمونه اشاره می کنیم: امام باقر علیه السلام در این خصوص فرموده اند:

چون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، به مسجدالحرام می رود و پشت به کعبه می ایستد و ۳۱۳ مرد نزد او حاضر می شوند و نخستین سخنی که به زبان جاری می کند این آیه است: «بَقیَّهُ اللهِ خَیرٌ لَکُم إن کُنتُم مُؤمِنین». (۱)

نیز بر پایهٔ روایات دیگر، حضرت در مسجدالحرام ضمن اعلام ظهور، خود را به جهانیان معرفی و همگان را به پیروی از خود و پذیرش دین الهی دعوت می کند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کجا ظهور می کند و آیا از همان ابتدا دست به قیام می زند؟ چرا و چه موقع به شهر قم و کوه خضر خواهد آمد؟

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه ظهور می کنند و بنابر نظر مشهور، در همان موقع قیام می نماید، ولی برای تشریف فرمایی ایشان به شهر مقدس قم و کوه خضر، روایت معتبری وجود ندارد.

البته گفتنی است که در روایات ائمهٔ اطهار علیهم السلام، از شهر مقدس قم و مردم بافضیلت این سرزمین، خصوصاً در عصر غیبت به بزرگی یاد شده است؛ ازجمله این حدیث:

عفان بصری می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

۱- کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ص ۶۰۴، ح ۱۶.

«آیا می دانی که قم را به چه سبب «قم» نامیده اند؟» گفتم: «خدا و پیامبر و شما داناتر هستید». فرمود: «از این جهت قم نامیده شد که اهل آن در اطراف قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف گرد می آیند و در رکاب او قیام و او را یاری می کنند و در یاری او استقامت می ورزند». (۱)

اطلاع از ظهور

در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جهانیان چگونه از آمدن ایشان باخبر می شوند؟

ظهور امام مخفیانه نیست تا ابتدا افراد خاصی بدانند و بعد به سایرین خبر دهند؛ بلکه وقتی ظهور اتفاق بیفتد، همهٔ مردم دنیا از آن مطلع می شوند. (۲) به همین دلیل به ما گفته شده: خبر ظهور را از کسی قبول نکنید؛ زیرا اگر ظهور اتفاق بیفتد همه می فهمند و احتیاجی به خبر دادن نیست.

اما این که چگونه ممکن است همه با هم بفهمند؟ در پاسخ می گوییم: یکی از علامت های ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ندای آسمانی (۳) است. همهٔ مردم جهان آن را خواهند شنید و حتی کسانی که خواب اند بیدار شده، آن را می شنوند (۴) و از آن پس نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سر زبان ها می افتد و همه باخبر می شوند. (۵)

۱- بحارالانوار، ج۶، ص۲۱۶ (به نقل از: زندگانی کریمهٔ اهل بیت علیها السلام، ص۱۶۸).

۲- امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «کسی او را نمی بیند مگر همه با هم او را می بینند. پس هرکس غیر این را به شما گفت، تکذیبش کنید». (بحارالانوار، ج۵۳، ص۶).

۳- یعنی قبل از ظهور، صدایی از آسمان نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدرش را صدا زده، خواهد گفت: از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروی کنید. امام صادق علیه السلاممی فرماید: گوینده ای از آسمان صدا می کند که آگاه باشید حق با علی علیه السلام و شیعیان اوست و این صدا و پیام آسمانی را همهٔ مردم دنیا با زبان های مختلف می شنوند و می فهمند. (الغیبه، شیخ طوسی، ص۲۶۶).

۴- الغیبه، نعمانی، ص۲۶۲، ح۱۳.

۵- میزان الحکمه، ج۱، ص۱۸۶، ح۲۴۷.

علاوه بر این، علامت هایی مانند قیام فرد پلیدی به نام سفیانی و نیز فرد باتقوایی به نام یمانی نیز در چند ماه قبل از ظهور اتفاق می افتد (۱) و مردم را آمادهٔ ظهور می کند.

شناخت امام

اگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، ما او را چگونه بشناسیم و چه کاری باید انجام دهیم؟

در روایات، اوصاف جسمانی حضرت به خوبی بیان شده است. وقتی حضرت ظهور می کند، اعلام ظهور حضرت با نشانه هایی نظیر ندای آسمانی همراه است که همگان آن را می شنوند. خود حضرت هم در نخستین روز ظهور، خویشتن را به طور شفاف به جهانیان معرفی می کند. افزون بر این، معجزه هایی که به دست حضرت آشکار می شود، می تواند یکی از راه های شناخت آن حضرت به شمار آید. در این هنگام، حجت بر همگان تمام می شود و همه به پیروی از دعوت حضرت و اطاعت از او موظف هستند.

اگر شخصی ادعا کند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، چگونه باور کنیم و راه شناخت او چیست؟

مطمئن باشید وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند همه می فهمند. ظهور اتفاق کوچکی نیست که عده ای بفهمند و دستهٔ دیگری نفهمند و یک عده به عدهٔ دیگر خبر دهند. هنگام ظهور، همهٔ مردم دنیا به یک باره مطلع خواهند شد؛ به همین دلیل هرکس خبر از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دهد، دروغ می گوید و نباید از هیچ کس، خبر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را قبول کرد.

برای مثال یکی از علامت های قبل از ظهور، شنیده شدن نام امام از آسمان است که همهٔ مردم دنیا به زبان خودشان نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می شنوند و این که

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۳۱، ح۹۶.

صدای آسمانی می گوید: حق با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین تا چنین اتفاقات مهمی که همه با هم از آن باخبر می شوند اتفاق نیفتاده، ظهوری در کار نخواهد بود. بنابراین نباید حرف کسی را در این باره باور کرد.

اما اگر منظور قبل از ظهور باشد، یعنی در زمان غیبت، کسی بتواند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینند، باید بگوییم: در دوران غیبت، دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار کم اتفاق می افتد و در مواقع خاص ممکن است کسی توفیق دیدار امام را پیدا کند. لذا اگر کسی بگوید: من مرتب امام را می بینم، فرد دروغ گویی است. اگر حضرت بخواهد خودش را معرفی کند، باید دلیلی بیاورد که افراد عادی از انجام دادن یا فهمیدن آن چیز مخفی عاجزند و با چنین دلیلی امام بودن خود را ثابت کند وگرنه بدون دلیل محکم و قطعی، این ادعا از کسی پذیرفته نیست؛ مثلاً مریض لاعلاجی را شفا دهد یا از درون قلب ما از حاجتی که به هیچ کس دیگر نگفته ایم خبر دهد و امثال این موارد که افراد عادی قادر به آن نیستند. علاوه بر این، حضرت مشخصات ظاهری معیّنی دارد که می توان از آن ها نیز چهرهٔ حضرت را تشخیص داد.

تأثیر ظهور

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه تأثیری در جهان دارد؟

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو کار اساسی انجام می دهد:

۱. دولت های باطل را سرنگون می سازد؛

۲. جهان را با تشکیل حکومت اسلامی، پر از عدل و داد می کند.

در دولت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و در سایهٔ اجرای درست و کامل تعالیم حیات بخش اسلام و احکام جاوید و خردپسند قرآن، به کسی ظلم نمی شود و بشر استثمار نمی گردد؛ سطح فکری بشر به عالی ترین درجه می رسد؛ بیماری،

بی کاری، پریشانی و سرگردانی از بین می رود و از تمامی منابع و گنج ها استفاده می شود. انسان ها در سراسر گیتی از سنت رفاه، آسایش، امنیت، عدالت، صلح و صفا برخوردار خواهند شد. آزادی، آسایش، خوشی، لذت، اتحاد، اتفاق، برابری و برادری، که از آغاز خلقت همهٔ انسان ها در جست وجوی آن هستند، در حکومت واحد جهانی آخرین وصی خدا پدید می آید. (۱)

چرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجت الهی است که برای اجرای کامل برنامه های دینی و رشد و تکامل انسان ها به بالاترین درجات کمال و پیشرفت ذخیره شده اند و بعد از ظهور، جهان را پر از عدل و داد می کنند و در سایهٔ حکومت جهانی آن حضرت، دیگر از ستم، فقر و فساد در زمین خبری نیست. آن حضرت زمینهٔ خوشبختی واقعی همهٔ مردم از نظر مادی و معنوی را فراهم می آورد که همان سعادت دنیا و آخرت است و مردم از خیر و برکت زمین و آسمان بهره مند می شوند.

ظهور صغرا و کبرا

ظهور صغرا و ظهور کبرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است و چه چیزی پیش درآمد ظهور کبرا شمرده می شود؟

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نظیر غیبت صغرا و کبرا دو مرحله ای نیست، بلکه حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف یک ظهور بیش تر ندارد و آن عبارت از قیام و ظهور آشکار حضرت برای برپایی حکومت عدل الهی در سراسر جهان است. در روایاتی که از ظهور حضرت سخن به میان آمده نیز همین مطلب بیان شده است؛ یعنی قیام حضرت همان چیزی است که همگان در انتظار تحقق آن به سر می برند.

۱- نور مهدی، ص۷۲.

با گـذشت زمان و مشاهـدهٔ برخی آثار و نشانه ها، که روایات آن ها را نشانه های نزدیک شـدن عصـر ظهور مطرح کرده اند، این بینش و احساس برای انسان پدید می آید که گویا افق های ظهور کم کم پدیدار می گردد و جهان به تدریج به این سمت پیش می رود و بشـریت نیز نیـاز بـه چنیـن حکومـتی را بیش از گذشـته احسـاس می کنـد. از ایـن منظر می تـوان ایـن حرکـت تـدریجی و رونق روزافزون نـام و یاد حضـرت بر سـر زبان ها و در محافل علمی و جهانی را ظهور صـغرا و پیش درآمـد ظهور حضـرت تلقی کرد؛ امـا اصل رخـداد ظهور، حادثه ای یک مرحله ای است که با فراهم شـدن شـرایط، به فرمان الهی روی می دهد.

ظهور و قیامت

آیا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با قیامت همراه است؟

طبق روایات دو قیامت وجود دارد:

۱. قیامت صغرا یا رجعت: قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه با زنده شدن

عده ای از مردگان است. پس نام دیگر رجعت، قیامت صغراست. البته

ظهور حضرت و مسئلهٔ رجعت دو رویداد مستقل از هم هستند که ابتدا

ظهور حضرت و بعد رجعت انجام می گیرد. پس قیامت صغرا بر هر دو رویداد منطبق می گردد؛

۲. قیامت کبرا یا روز قیامت و برانگیخته شدن همهٔ مردم: این قیامت، بعد از ظهور حضـرت و رجعت صورت می گیرد. (۱) در واقع ظهور حضـرت و رجعت یکی از نشانه های قیامت است که قیامت بعـد از رجعت و رجعت بعـد از ظهور حضـرت خواهد بود.

۱- سؤال از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات، سیدفخرالدین موسوی، ص۲۷۶.

علت این که ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را روز قیامت یا یوم المحشر می خوانند چیست؟

در روایات، در مورد ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر روز قیامت یا یوم المحشر وجود ندارد. البته گاهی به ظهور آن حضرت قیامت صغرا گفته می شود؛ یعنی قیامت کوچک و قیامت در همین دنیا. شاید علت این نام گذاری، اتفاقات شگفتی است که در زمان ظهور آن حضرت پدیدار می شود؛ مثل زنده شدن گروهی از مردم. از آن جا که این امور به هنگام قیامت انجام می گیرد و از امور مربوط به قیامت است، به این دورهٔ زمانی نیز که با دوران گذشته متفاوت است و به دوران بعد شباهت دارد، قیامت صغرا می گویند.

حضور در مکه

چگونه می توان پس از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مکه رفت؟

در زمان ظهور همه به مکه نمی روند تا جای این سؤال باشد که چگونه باید رفت. در روایات، دو گروه ذکر شده که به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسند:

گروه اول، اصحاب خاص که ۳۱۳ نفر هستند، در حالی که آن ها در یک لحظه به صورت معجزه آسا در مکه حاضر می شوند؛ (۱) یعنی وقتی شب در رخت خواب خود خفته اند، ناگهان خود را در مکه می بینند. (۲) بنابراین در مورد آن ها این مشکلات وجود ندارد.

گروه دوم، ده ـ پانزده هزار نفر یاران حضرت هستند که بعد از این ۳۱۳ نفر به مکه می رسند. آن ها نیز با طی الارض به مکه می روند؛ (۳) یعنی پیاده حرکت می کنند، اما چند قدم برداشته به مکه می رسند و در طی مسیر قدرت

۱- سؤال از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات، سیدفخرالدین موسوی، ص ۲۸۸، ح ۲۶؛ کافی، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۴۸۷.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸، ح ۱۵۳.

۳- روضه الواعظین.

فوق العاده ای دارند. بنابراین آن ها نیز به گذرنامه و هواپیما احتیاج ندارند و دوری برای آن ها بی معناست. اینها یارانی هستند که با حضور آن ها در مکه، حضرت ظهور و قیام می کند و حرکت خویش را آغاز می نماید، اما سایر مردم نیز لازم نیست در مکه باشند. هر کجا حضرت یا نمایندگانشان می رسند، مردم با آن ها بیعت می کنند.

شرایط ظهور

شرایط کلی

شرایط تحقق حکومت عدل جهانی چیست؟

مقصود از ظهور، تحقق حکومت عدل جهانی است که پیدایی آن، چهار شرط دارد:

۱. وجود رهبر جهانی؛

۲. برنامه و استراتژی حرکت و حکومت؛

۳. یاوران؛

۴. پذیرش جهانی.

هر حکومتی به رهبری شایسته نیاز دارد که توانایی ادارهٔ نظام را داشته باشد و نیز برنامه ای جامع لازم است که همهٔ نیازهای جامعه را برآورد. در حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هم رهبر شایسته و هم برنامهٔ جامع فراهم گردیده است؛ زیرا قرآن که عالی ترین نسخهٔ حکومت و حکومت داری را بیان کرده، برنامهٔ حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که نمایندهٔ خدا و آخرین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، رهبری حکومت را برعهده دارد.

از شرایط و زمینه های حکومت که نیاز به تحقق دارد، وجود یاوران لایق و

پـذیرش جهانیان نسبت به حاکمیت عـدل الهی است. به عبارت دیگر، برای تحقق حکومت عـدل جهانی، یاوران حضـرت، از نظر کمّی(تعـداد) و کیفی(اوصـاف و ویژگی هـا)، بایـد به گونه ای باشـند که بتواننـد حاکمیت دنیای بزرگ حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف را عهـده دار شونـد. چنان که در بعضـی از روایات آمـده، یاوران حضـرت ۳۱۳ تن هسـتند که مقصود هسـتۀ مرکزی یاوران است. در روایات دیگر به حلقه های بیش تری از یاوران حضرت اشاره شده که گرد هم خواهند آمد.

جهانیان برای تحقق شـرایط حکومت جهانی، بایـد برای پـذیرش حاکمیت معصوم آماده گردند و از آن اسـتقبال کنند. در آن زمان، مردم جهان همهٔ مکاتب بشری و حکومت ها را تجربه کرده و ناکامی آن ها را در تحقق بخشیدن به

آرزوهای بزرگ بشر، در عمل دیده اند و همهٔ امیدشان به سوی حاکمیت منجی آسمانی است.

همه وظیفه داریم که در جهت تقویت جبهـهٔ یـاوران امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف بکوشـیم و با فرهنگ سازی، جامعهٔ خود و جامعهٔ جهانی را برای پذیرش حکومت الهی و عدالت قرآنی آماده کنیم.

شرایط ظهور چیست و آیا باید همهٔ آن ها فراهم شود یا عوامل تسریع دیگری وجود دارد؟

شرایـط متعـددی برای ظهـور بایـد فراهم شود؛ زیرا ظهور نیزماننـد هر پدیـدهٔ دیگر، به زمینـهٔ مساعـد برای بروز و نـتیجه دادن احتیاج دارد و بدون آن شـرایط، ظهور اتفاق نمی افتد. بنابراین عامل دیگری غیر از فراهم شدن شرایط و زمینه های ظهور نمی توانـد موجب ظهور یـا تسـریع آن شود. البته عواملی هست که با وجود آن، این شـرایط سـریع تر به وجود می آیـد و در نتیجه ظهور زودتر اتفاق می افتد، اما به هر حال باید این شرایط فراهم شود.

به دو شرط از شرایط مهم ظهور اشاره می کنیم که شرایط دیگر نیز در درون آن

خواهد بود:

۱. وجود یاران کارآمد: چنان که روشن است وجود رهبر، هرچند بسیار آگاه و کارآمد باشد، به تنهایی کافی نیست؛ زیرا باید کسانی باشند که دستورها و اهداف آن رهبر را اجرا کنند و به عرصهٔ عمل آورند. بنابراین برای این که قیام ثمربخش باشد، باید افرادی باشند که اوامر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دقیقاً و همان گونه که امام می خواهد انجام دهند؛ یعنی افرادی عالم و آگاه و در عین حال اهل تقوا و اخلاص باشند تا از موقعیت خود سوء استفاده ننمایند؛ فداکار و جان نثار، اهل مبارزه و مقاومت باشند و از هیچ چیزشان در راه اطاعت از امام دریغ نکنند و با تمام وجود، در خدمت امام باشند و خود را وقف او نمایند؛

۲. آمادگی مردمی: اگر رهبر و افراد فرمان بر باشند، اما تودهٔ مردم آن ها را نپذیرند و حاکمیت آن ها را قبول نکنند، باز قیام و حرکت اثری نخواهد داشت. بنابراین شرط دیگر ظهور این است که مردم واقعاً طالب حکومت مهدوی باشند و تن به عدالت دهند و برای اجرای عدالت و اسلام و دین از چیزی دریغ نکنند و عدالت را فقط زمانی که به نفع آن هاست نخواهند، بلکه ارزش عدالت و دین را بفهمند و برای برقراری عدالت و معنویت سرمایه گذاری نمایند. این وقتی اتفاق می افتد که مردم اولاً بفهمند تنها راه نجاتشان برقراری معنویت و عدالت است و ثانیاً، به این علم و فهم خود عمل کنند؛ یعنی عملاً برای آن اقدام نمایند. البته عواملی وجود دارد که این علم را تسریع می کند؛ مثل وجود وسائل ارتباط جمعی و رسانه های جهانی که می تواند پرده از چهرهٔ مدعیان دروغین حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، مبارزه برای امنیت و غیره بردارد و مردم زودتر بفهمند که اینان توان به سعادت رساندن انسان را ندارند و بلکه بیش تر آن ها را گمراه می کنند و باید سراغ راه دیگری بروند. از طرفی دیگر، به این نتیجه برسند که با سیاست کاری و باندبازی و

فامیـل گرایی و رشوه و صـد عامـل دیگر نمی توان کشور و جـامعه ای سـالم داشت و به سـعادت رسـید؛ بلکه تنها راه، اجرای عدالت است.

آن گاه برای معنویت و عـدالت به پا خواهنـد خاست و هر نوع فساد و بی عـدالتی را محکوم و برای عـدالت فداکاری خواهند کرد. در این زمان می توان گفت زمینه برای ظهور فراهم شده است و مردم حاضرند حکومت مهدوی را بپذیرند.

البته نبایـد گمـان کرد که چنین چیزی به این زودی ها اتفاق نمی افتـد؛ زیرا نشانه هایی وجود دارد که مردم هر روز بیش تر و بیش تر تشنهٔ عدالت می شوند و به دنبال افراد عادل می گردند.

امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف،آمـدنی است یا آوردنی؟ (چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف ظهور نمی کند؟)

بایـد توجه داشت که اصل ظهور و آمـدن امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و پر کردن زمین از عـدل و داد، از وعـده های الهی است و خداونـد هرگز برخلاف وعـده اش عمل نمی کند. بنابراین ظهور حتماً اتفاق خواهد افتاد و چیزی نمی تواند مانع شود؛ پس تا این حد را می توان آمدنی دانست و کسی نمی تواند آن را تغییر دهد.

امـا این که امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف چه وقت ظهور می کنـد؛ زود یا دیر، این به دست مردم و بسـته به شـرایط است. هرچه شـرایط زودتر فراهم شود، امام سـریع تر ظهور می کنـد. همین طور با تأخیر شـرایط، ظهور نیز به تأخیر می افتد. از این لحاظ می توان گفت حضرت آوردنی است و برای تعجیل ظهورش باید تلاش کرد.

امـا کِی و چه وقت مردم به این عقیـده و بینش می رسـند؟ وقتی به این نتیجه می رسـند که تمـام حکومت هـا و گرایش هـا را تجربه کننـد و همـهٔ مـدعیان با انواع تفکر، به مرور زمان بر سـر کار آیند و نارسایی و ناتوانی همگی آن ها برای مردم آشـکار گردد. از این رو در روایات آمده است: «دولت مهدی آخرین دولت است»؛ (۱)

۱- الارشاد، شیخ مفید، ج۲، ص۳۸۵.

تـا عـده ای نگوینـد اگر قـدرت دست مـا بود مـا هم می توانستیم. وقتی مردم از تمام مکتب ها و حکومت ها قطع امیـد کردند (چنـان که این اتفـاق در غرب در حال وقوع است) خواهان منجی الهی می شونـد و این ظرفیت را در خود ایجاد می کننـد که هرچه منجی الهی گویـد، با جان و دل بپذیرنـد و به جا آورند. چنین جامعه ای، جامعهٔ منتظر است و با چنین شـرایطی می توان توقع ظهور داشت.

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، هنگامی که ۳۱۳ یار داشته باشد، ظهور می کند؟

در روایتی جناب عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می فرمایند:

... یجتمع الیه من اصـحابه عـده اهل بـدر، ثلاث مأه وثلاثه عشـر رجلًا من اقصـی الارض... فاذا اجتمعت له هـذه العده من اهل الاخلاص أظهر الله امره... ؛ (۱)

۳۱۳ نفر از اصـحاب امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به تعداد اهل بدر، از اطراف زمین به سوی حضـرت می آیند و اطرافش جمع می شوند... وقتی این عده از اهل اخلاص جمع شوند، خداوند امرش را آشکار می کند.

برخی براساس این روایت معتقدنـد: «اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف فقط ۳۱۳ یار مخلص داشته باشد، ظهور می کند». (۲)

اما حقیقت آن است که تکمیل شدن این تعداد یار برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف تنها شـرط و علت تامه برای ظهور نیست، بلکه یکی از شـرایط ظهور، وجود یـاران است. ظهور امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شـرایط دیگری مانند آمادگی و استقبال جهانی نیز دارد. بنابراین زمینهٔ ظهور و حکومت جهانی فقط وجود یاران نیست.

۱- کمال الدین، ج۲، باب۳۶، ص۳۷۷، ح۲.

۲- آفتاب در غربت، ص۳۳۲.

رابطۀ ظلم و ظهور

با وجود این همه ستم و فسادی که در دنیا رایج شده و خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم شاهد آن هستند، چرا ظهور نمی کنند؟ (امام عصر وقتی بیاید ظالمان و مستکبران را نابود می کند؛ اما چرا این کار وقتی صورت می گیرد که جهان پر از ظلم شود؟مگر پیش گیری بهتر از درمان نیست؟)

باید توجه داشت که آن چه موجب ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود، آمادگی مردم برای پذیرش حکومت امام و همچنین وجود یاران مخلص و فداکاری است که دستورهای امام را دقیقاً اجرا کنند و در این راه از هیچ کوششی فروگذاری ننمایند.

بنابراین وجود ستم و پر شدن عالم از آن، باعث ظهور نمی شود. آری، در روایات آمده که حضرت زمانی ظهور می کند که زمین پر از ستم شود؛ اما معنای این روایت ها این نیست که پر شدن جهان از ظلم و ستم، علت ظهور است، بلکه می فرماید: هنگام ظهور وضع جهان چنین خواهد بود و حضرت در اوج بیداد و ستم ظهور خواهد کرد. به عبارت دیگر، این احادیث گویای اوضاع جهان در زمان ظهور است، نه بیان کنندۀ علت ظهور.

پس اگر بخواهیم ظهور هرچه سریع تر اتفاق بیفتد، باید زمینۀ پذیرش حکومت عدل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خود و جامعه به وجود آوریم و به جایی برسیم که بدانیم به جز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کسی نمی تواند ما را به نیکبختی برساند و هرچه امام امر کند، به سود ماست؛ گرچه این عدالت مهدوی، گاه به ضررمان نیز تمام شود. البته پر شدن جهان از ستم نیز انسان را برای هرچه زودتر به نتیجه رسیدن، یاری می رساند.

نکتۀ بعد این که باید دریابیم پیشرفت صنعت و علم، بدون معنویت و انسانیت، به تنهایی نمی تواند برای مردم عدالت و سعادت بیاورد؛ بلکه انسانی الهی لازم است تا به کمک علم و هدایت او، نیازهای واقعی بشر پاسخ گفته شود و

او راه سعادت را به همه نشان دهد. بنابراین برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آمادگی عمومی جامعه برای حق پذیری و ظلم ستیزی آنان و فراهم شدن یاران مخلص و فداکار، ضروری ترین شرط ظهور است و در غیر این صورت، امام به تنهایی نمی تواند کاری انجام دهد؛ چنان که ائمهٔ گذشته نتوانستند جامعه را اصلاح کنند.

پس مهم، فراهم شدن زمینهٔ ظهور است که در رأس آن ها، آمادگی جامعهٔ انسانی برای پذیرش دولتی کاملاً حق گرا و ظلم ستیز، براساس فرمان های الهی قرار دارد؛ وگرنه، هر اندازه هم بیداد زیاد باشد، امام ظهور نخواهد کرد؛ چون زمینهٔ ظهور فراهم نشده است و ایشان نمی تواند برنامهٔ الهی خود را اجرا کند.

با توجه به مطالب یادشده، روشن شد که برای تسریع در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، باید یاوران مخلص و توان مندی تربیت شوند، و در فضای جامعه و در سطح بین الملل، نام و یاد حضرت گسترش یابد و فرهنگ مهدویت تبلیغ شود، تا مردم مشتاق و آمادهٔ پذیرش حکومت عدل جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردند.

چگونه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصری که فساد و تباهی همهٔ عالم را فرا گرفته و جز عدهٔ کمی بر اصول خود باقی نمانده اند، ظهور می کند؟

پاسخ این مسئله را در بررسی ریشه های هر انقلاب می توان یافت. انقلاب بزرگ و جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز یکی از این انقلاب ها خواهد بود. با این تفاوت که این انقلاب، جهانی است، از وحی نشأت گرفته و آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را بدون خطا و اشتباه برقرار خواهد نمود.

دو رشته علل و عوامل برای بروز هر انقلابی لازم است:

۱. به ستوه آمدن مستضعفان؛

۲. توان مندی رهبر در به هم ریختن وضع موجود و اتحاد امت در ایجاد انقلاب.

روایات زیادی به این دو عامل در عصر پیش از ظهور اشاره دارند. گروهی از روایات به ناامنی های پیش از ظهور دلالت می کنند؛ مثل جنگ، کشتار، فتنه ها، اسیر شدن مسلمانان، مرگ های ناگهانی، جنایات هولناک، هرج ومرج و...؛ نیز گروهی به وضعیت نابسامان اقتصادی و گسترش فساد و تباهی، مانند کمبود باران و یا باریدن باران های بی موقع، خشک شدن دریاچه ها و رودها، گسترش گرانی، گرسنگی، فقر، رکود تجارت، مبادلهٔ زنان در مقابل مواد غذایی و... اشاره می نمایند؛ گروهی دیگر از روایات به زمینه سازان قیام و انقلاب جهانی مهدوی به رهبری عالمان و دانشمندان شیعه به خصوص اهل قم، مرکز نشر فرهنگ اسلامی، اشاره می کنند. دیگر نشانه ها از این شمار است: وجود مؤمنان حقیقی و رهبران نستوه مانند: جوانی خوش سیما از بنی هاشم (۱) به نام سید خراسانی و یا جوانی خوش رو از ناحیهٔ دیلم به نام سید حسنی (۲) و همچنین یمانی و... که اینان پرچم را به صاحب اصلی اش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تقدیم خواهند نمود.

بنابراین در روایات علاوه بر گسترش ظلم و فساد و تباهی، به نکات روشن و روزنه های امید نیز اشاره شده است؛ حضور مؤمنان در سراسر گیتی و در تمامی اعصار، حتی در اوضاع سخت پیش از ظهور.

انسان ها از نظر صفات اخلاقی متفاوت اند: کسانی که صالح و قیام گر واقعی هستند و در تمامی اعصار با ظلم و فساد مبارزه کرده اند، در قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مشارکت جدی خواهند داشت، اما خیلی از افراد ناصالح نیز بصیرت یافته، آثار سوء و منفی فساد و تباهی و ناهنجاری را در خود و جامعه مشاهده خواهند نمود و به انقلابی ها خواهند پیوست.

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص ۲۷۰، ح۷۹۸.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۵.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره چگونگی بقا و فنای حکومت ها فرموده اند:

الملکُ یبقی مع الکُفر ولا یَبقی مَعَ الظُلم. (۱)

بنابراین ظلم از عوامل زوال حکومت هاست.

پس کثرت ظلم و فساد نه تنها از عوامل استبعاد قیام نبوده، بلکه از عوامل شتاب زا برای هر انقلاب اصلاحی به شمار می آید. در ضمن، کیفیت نیروهایی که در قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد عمل می شوند، خیلی بالا و زیاد است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

به هریک از آن ها توان چهل مرد داده شود. (۲)

در روایات به ایمان راسخ، اطاعت محض از امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، قدرت و توانمندی، هوشیاری، کاردانی، شجاعت، مقاومت، سخت کوشی و سایر صفات حسنه و ممتاز آنان اشاره شده است که به جهت اختصار از ذکر آن ها صرف نظر کردیم.

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«...کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرةً بِإِذْنِ اللهِ وَاللهُ مَعَ الصَّابِرِینَ»؛ (۳)

چه بسیار گروه اندک که با خواست و یاری خداوند بر سپاهی بسیار بزرگ غالب آمده اند و خداوند یار و مددکار صابران است.

اگرچه تعداد فاسدها و منحرفان زیاد هم باشد، ارادهٔ خداوند بر پیروزی صالحان و مستضعفان تعلق خواهد گرفت؛ زیرا:

۱. مؤمنان سخت مقاومت خواهند نمود و تسلیم نخواهند شد (وجود یاران فداکار و باایمان)؛

۱- امالی، شیخ مفید، ص۳۱۰؛ شرح اصول کافی، محمدصالح مازندرانی، ج۹، ص۳۸۶.

۲- اختصاص، ص۸؛ ینابیع الموده، ص۵۰۹.

۳- سورهٔ بقره، آیهٔ۲۴۹.

۲. سطح آگاهی مردم به طوری بالا ـ می رود که از وضعیت موجود ناراضی و خواهان ایجاد حکومت عدل الهی هستند (آمادگی عمومی برای ظهور و قیام)؛

۳. خداوند متعال نیز یاری و امدادهای غیبی (مثل وارد کردن رعب و ترس در دل دشمنان) خود را می رساند.

این سه عامل اصلی، باعث پیروزی حضرت و شکست دشمنان است.

تأخیر ظهور

چه چیزی موجب تأخیر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود؟

مهم ترین عامل تأخیر ظهور حضرت، آماده نبودن جهان برای پذیرش حکومت الهی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ زیرا سنت الهی بر این است که در صورت آمادگی بندگان، لطف و عنایت خود را از آنان دریغ نکند. ضمن این که هیچ گاه این امر اجباری نیز نخواهد بود؛ بلکه وعده های الهی در صورت انتخاب و اختیار مردم تحقق خواهد یافت. در منابع دینی به منظور ایجاد چنین آمادگی و گسترش آن، ائمه علیهم السلام به جامعهٔ شیعی توصیه کرده اند که در عصر غیبت، همواره حالت انتظار و آمادگی برای ظهور و یاری آن حضرت را داشته باشند و زمینه های دعوت و استقبال از ایشان را در جامعه پدید آورند. به همین جهت در فرهنگ شیعی، عصر غیبت را «عصر انتظار» به حساب می آورند.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

ان اهل زمان غیبته القائلون بامامته المنتظرون لظهوره افضل اهل کل زمان؛ (۱)

مردمی که در زمان غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می برند و معتقد به امامت

وی هستند و خود را آمادهٔ ظهور او کرده اند، بهتر و شایسته تر از مردم هر

۱- بحارالانوار، ج۵۲، باب فضل انتظار الفرج و فضل الشیعه فی زمان الغیبه، ص۱۲۲.

زمان دیگرند.

این برتری و فضیلت با توجه به شرایط خاص زمانی عصر غیبت است که وظایف ویژه ای را برعهدهٔ شیعیان می گذارد؛ زیرا در چنین موقعیتی، ثبات قدم در راه آن حضرت و دفاع از مکتب تشیع کاری دشوار است. رسالت مهم شیعه در این دوران اولاً، معرفت صحیح به آن حضرت و ترویج آن و ثانیاً، عمل به وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی و دوری از گناه و آلودگی به فساد است؛ زیرا همچنان که عمل به احکام دینی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه و زمینه سازی برای ظهور حضرت مؤثر است، گناه و آلودگی به فسادهای اخلاقی، سیاسی و اجتماعی نیز ظهور حضرت را به تأخیر انداخته، محرومیت جامعه از ایشان را بیش تر می کند.

نشانه های ظهور

تعریف نشانه ها

علایم ظهور چیست؟

علایم ظهور، نشانه هایی است که قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به وقوع می پیوندد و از نزدیک شدن و حتمی بودن ظهور خبر می دهد و مایهٔ امید مؤمنان و ترس و وحشت کافران می شود.

فرق بین علایم و شرایط چیست؟

شرایط ظهور وابستگی تام و تمام به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد، ولی علایم ظهور فقط نشانه و اعلام نزدیک بودن ظهور است. برای ظهور امام باید شرایط جمع باشد، اما در علایمْ چنین مسئله ای لازم نیست. برای مثال یکی از شرایط تحقق نماز، دخول وقت است؛ تا وقت نماز نشود، نمی شود نماز خواند. همچنین یکی

از نشانه های وقت نماز، اذانی است که از رادیو پخش می گردد؛ لذا نماز خواندن متوقف بر پخش اذان نیست، بلکه صدای اذان نشانهٔ داخل شدن وقت است. بنابراین ممکن است اذان گفته نشود ولی وقت داخل شده باشد و می توان نماز خواند.

ثانیاً، برای امر ظهور بایـد همـهٔ شـرایط جمع باشـد، برخلاف علایم که ظهور متوقف بر پدیـدار شدن همهٔ علایم و حضور همه نیست؛ مثلاً برای خواندن نماز باید همهٔ شرایط از قبیل وقت، قبله، طهارت و... با هم وجود داشته باشد.

ثالثاً، ما نسـبت به شـرایط ظهور مکلف هستیم و باید زمینه های تحقق آن را مهیا سازیم، ولی نسبت به ظهور علایم و ایجاد آن ها وظیفه ای نداریم. (۱)

آیا علایم ظهور بداپذیر است؟

روایـات، علایـم ظهور را به دو قسم حتمی و غیرحتمی تقسـیم نموده است؛ لـذا بـدا در علایـم غیرحتمی واقع می شود، امـا در علایم حتمی نظرات مختلف است:

۱. علایم حتمی بداپذیر نیست:

شیخ طوسی (۲) و برخی دیگر (۳) معتقدند علایم حتمی مورد بدا و تجدیدنظر الهی واقع نمی شوند؛ زیرا در روایات به حتمی تصـریح دارد و براسـاس فهم عرفی رخ دادن آن قطعی است؛ علاوه بر آن که اگر این علایم همه بـدا بپـذیرد، برخلاف ظواهر است و نتیجهٔ این سخنان لغو بودن تقسیم بندی به حتمی و غیرحتمی است.

۲. علایم حتمی بداپذیر است:

مرحـوم نوری (۴) و برخی دیگر (۵) معتقدنـد در علایـم حتمی نیز بـدا حاصـل می شـود؛ زیرا محتـوم در روایـات بـه معنـای تغییرناپذیری نیست، بلکه چه بسا مراد مرتبه ای

۱- برخی از صـاحب نظران تفـاوت هـای دیگری را ذکر نموده انـد. برای آگاهی بیش تر به کتاب تاریـخ غیبت کبری، تألیف سیدمحمد صدر، ص۴۸۹ به بعد مراجعه فرمایید.

۲- کتاب الغیبه، ص۴۳۲.

۳- مکیـال المکارم، موسوی اصـفهانی، ج۱، ص۴۷۱؛ موعودشناسـی، علی اصـغر رضوانی، ص۵۲۰؛ جزیرهٔ خضـراء، افسانه یا واقعیت، علامه سیدجعفر مرتضی عاملی، ص۵۱.

۴- نجم الثاقب، ص۸۳۲.

۵- سلوک منتظران، ص۱۹۰.

است از تأکیـد که در آن منافاتی با تغییر در مرحله ای از انجام وجود آن نـدارد؛ ضـمن آن که اگر قائل به بدا نباشـیم، مقصود این می شود که دست خـدا در این بـاره بسـته شـده باشـد و همچنین روایـاتی که احتمال ظهور را همیشه و یا ناگهانی بیان می کند، مشخص می کند که احتمال بدا در این علایم وجود دارد.

البته برخی هم قائل به تفصـیل هسـتند و بدا را در اصل علایم حتمی قائل نیستند، اما در کیفیت آن قائل هستند؛ مثلاً می گویند سفیانی محتوم است و حتماً می آید، اما شاید کیفیتش بدا بپذیرد و تغییر کند.

کدام یک از نشانه های ظهور واقع شده است؟

یکی از آسـیب های جـدی مباحث مهدویت، تطبیق است؛ (۱) لـذا تطبیق علاـیم ظهور بر حوادث و وقـایع و ادعا نمودن تحقق علایم به صورت قطعی، نه تنها قابل پذیرش و دفاع نیست، بلکه تولید آسیب نیز می نماید.

چندی پیش شخصـی ادعا نمود که از علایم ظهور فقط پنج نشانه که حتمی هستند باقی مانده است (۲) که موجب نارضایتی و نگرانی فراوانی شد تا جایی که برخی به تأمل، نقدی بر آن نوشتند. (۳)

بنابراین این سؤال با توجه به تطبیق، قابلیت پاسـخ صریح و روشن نـدارد؛ زیرا هیچ عالمی علم ندارد که این حادثه واقعاً همان علامت ظهور باشـد، مثل روایت کشـته شـدن عبـدالله که برخی آن را به پادشاه فعلی عربسـتان تطبیق داده اند (۴) و تطبیق آن هیچ گاه صحیح نیست. مثلاً علامه مجلسی در ذیل روایتی می نویسد:

۱- نک: اندیشهٔ مهدویت و آسیب ها، محمدصابر جعفری.

۲- سایت موعود، شفیعی سروستانی، مورخ ۱۶/۸/۸۸.

۳- مجلهٔ امان، ش۲۳، ص۲۶.

۴- نک: عصر ظهور، علی کورانی.

این روایت که متن آن تغییریافته و اشتباه دارد، سند آن به بدترین خلق خدا یعنی عمر بن سعد می رسد. من آن را ذکر کردم تا دانسته شود همه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قبول دارند. (۱)

ضمن آن که برخی از علامت ها نشانه برای فرج و گشایش مؤمنان و یا خبر از یک اتفاق و واقعه است و ربطی به ظهور حضرت ندارد؛ مانند وقوع گرمای شدید (۲) یا روایات رایات سود که به بنی العباس اشاره دارد. (۳)

خروج دابه الارض چیست؟

خروج دابه الارض به معنای بیرون آمدن جنبدهٔ زمین است که در قرآن دربارهٔ آن آمده است:

«وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»؛ (۴)

و چون قول [عذاب] برایشان واجب گردد، جنبده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه های ما یقین نداشتند.

قرآن این مسئله را بر اجمال و ابهام نهاده، ولی با روایات اسلامی و سخنان مفسران بحث های فراوانی شده که می رساند:

این پدیده مربوط به علایم ظهور نیست، بلکه از «اشراط الساعه» یعنی از نشانه های نزدیک شدن قیامت است که روایات فراوانی در این باره در کتب

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲۷.

۲- الغیبه، نعمانی، باب۱۴، ح۴۴.

۳- نک: تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، مصطفی صادقی.

۴- سورهٔ نمل، آیهٔ ۸۲.

اهل سنت و شیعه آمده است (۱) و در یک جمع بندی می توان گفت:

از نظر شیعه «دابه الارض» انسان است، اما در نگاه اهل سنت طبق تعدادی از گزارش ها، حیوانی عجیب الخلقه است و این پدیده بعد از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می گیرد که در روایات به رجعت امیرمؤمنان علیه السلام اشاره شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده اشت که فرمود: «در حالی که امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد خوابیده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد او آمدند و علی علیه السلام را با پای مبارکش حرکت دادند و فرمودند: "برخیز ای جنبدهٔ الهی"».

کسی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: «ای رسول خدا! آیا ما حق داریم یکدیگر را به چنین اسمی فرا بخوانیم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «نه، این نام مخصوص اوست و او همان جنبدهٔ زمین است که خداوند در قرآن فرموده «هنگامی که فرمان عذاب آن ها برسد، جنبده ای را از زمین بر آن ها خارج سازیم که با ایشان سخن بگوید که مردم به آیات ما ایمان نمی آورند». سپس حضرت فرمودند: «ای علی! در آخرالزمان خداوند تو را در بهترین صورت زنده می کند و وسیله ای در دست توست که دشمنانت را با آن نشانه می گذاری». (۲)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که مردی به عمار یاسر گفت: «آیه ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است». عمار گفت: «کدام آیه؟» گفت: «آیهٔ «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»؛ این کدام جنبنده است؟»

۱- نک: علل الشرایع، ج۱، ص۷۳؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص۲۶۶؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج۳، ص۱۰۲. دربارهٔ احادیث اهل سنت نک: تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیضاوی؛ تفسیر القرآن الکریم، ابن کثیر، ذیل آیهٔ شریفه.
۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص۵۲.

عمار گفت: «به خدا سوگند روی زمین نمی نشینم، غذا نمی خورم و آبی نمی نوشم تا دابه الارض را به تو نشان دهم». پس همراه آن مرد خدمت حضرت علی علیه السلام آمد، در حالی که حضرت غذا می خورد. هنگامی که چشم امام علیه السلام به عمار افتاد، فرمود: «بیا». عمار آمد و نشست و با امام غذا خورد.

آن مرد سخت در تعجب فرو رفت و ناباورانه به این صحنه نگریست؛ چراکه عمار به او قول داده بود و قسم خورده بود تا به وعده اش وفا نکند، غذا نخورد. گویی قول و قسم خود را فراموش کرده است.

هنگامی که عمار برخاست و با حضرت علی علیه السلام خداحافظی کرد، آن مرد رو به او کرد و گفت: «عجیب است؛ تو سوگند یاد کردی که غذا نخوری و آب ننوشی و بر زمین ننشینی، مگر این که دابه الارض را به من نشان دهی». عمار گفت: «من او را به تو نشان دادم، اگر فهمیدی». (۱)

فرق بین علایم ظهور با اشراط الساعه چیست؟

علایم از واژهٔ عَلَم و به معنای نشانه هاست که برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و احادیثی با عنوان همین موضوع در کتاب ها آماده است.

اما اشراط جمع شرط به معنای نشانه و سرآغاز است. اهل لغت می گویند: اولین ستارهٔ بهاری را شَرَط می گویند؛ لذا سرآغاز هر چیزی را شَرَط نامیده اند و اشراط الساعه یعنی نشانه های آن. (۲)

الساعه به معنای قیامت و رستاخیز است. اشراط الساعه یعنی نشانه های قیامت که کتاب هایی با همین عنوان وجود دارد. یکی از مشهورترین آن ها کتاب اشراط الساعه، تألیف بزرنجی، متوفای ۱۱۰۳ است.

۱- تفسیر علی بن ابراهیم، ج۲، ص۵۷؛ تفسیر نمونه، ج۱۵، ص۵۵۳.

۲- العین، ص۴۱۱؛ معجم مقائیس اللغه، ج۳، ص ۲۶۰.

بنابراین ماهیت علایم ظهور با اشراط الساعه متفاوت است؛ زیرا علایم ظهور، نشانه هایی برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، ولی اشراط الساعه نشانه هایی برای قیامت است که در سورهٔ شمس تعدادی از آن ها ذکر شده است:

«إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ، وَ إِذَا النُّجُومُ انکَدَرَتْ،...»؛

زمانی که خورشید خاموش شده و ستارگان افول می نمایند... .

ملاحم چیست؟

ملاحم جمع ملحمه به معنای جنگ و کشتار است. در قدیمی ترین کتاب لغت در این باره این واژه آمده است:

الملحمه: الحرب ذات القتل؛ (۱)

ملحمه یعنی جنگ دارای کشته.

ابن فارس هم در این رابطه می نویسد:

لحم به معنای تداخل است.گوشت را از این جهت لحم می گویند که برخی از اجزای آن در برخی دیگر فرو رفته، و جنگ را به دو جهت ملحمه می گویند: یکی این که افراد در جنگ در صفوف یکدیگر فرو می روند، و دیگر این که: کشته ها در آن همانند گوشت روی هم انباشته شوند. (۲)

کتاب هایی که احادیث و پیش گویی هایی در مورد جنگ و جدال و کشتارها

را جمع آوری نموده، «الملاحم» خوانده می شود، که قدیمی ترین کتاب در این زمینه، کتاب ابن منادی است با عنوان الملاحم که مشتمل بر سیصد و دوازده حدیث است.

۱- العین، ص۷۳۲.

۲- معجم مقائیس اللغه، ج۵، ص۲۳۸.

فتن چیست؟

فتن جمع فتنه است که در لغت به معنای امتحان و آزمایش است. در قدیمی ترین کتاب لغت آمده است:

الفتن احراقُ الشيء بالنار؛ (۱)

فتن به معنای سوزاندن چیزی با آتش است.

آن گاه با آیهٔ شریفه برای گفتار خود شاهد می آورد:

«يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»؛ (۲)

روزی که آن ها در آتش سوزانده می شوند.

ابن فارس هم در این باره می گوید:

اصل صحيح يدل على ابتلاء واختيار؛ (۳)

فتن یک واژه صحیحی است که بر امتحان و آزمایش دلالت می کند.

در ادامه می نویسد:

فتنت الذهب بالنار؛

طلا را با آتش، خالص کردم.

بنابراین حوادث و اتفاقاتی را که مردم در آن گداخته می شوند تا معیار و ارزش ها معلوم شود، فتنه می گویند؛ چنان که در قرآن می خوانیم:

«أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛

آیا مردم گمان می کنند که با ابزار ایمان رها می شوند و آزموده نمی شوند.

۱- العین، ص۶۱۶.

۲- سورهٔ ذاریات، آیهٔ۱۳.

۳- معجم مقائیس اللغه، ج۴، ص۴۷۲.

لذا احادیثی که مشکلات و بحران های آخرالزمان را نقل می کنند، احادیث فتن نام گرفته اند که برخی آن را نام کتاب خود نهاده اند؛ مثلاً حافظ نعیم بن حماد، متوفای ۲۲۹ چنین کتابی دارد و بیش از دو هزار حدیث در آن ذکر کرده است.

آیا زیارت ناحیهٔ مقدسه، سند دارد؟

این زیارت را مرحوم ابن مشهدی در المزار الکبیر از ناحیهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که برای برخی از نواب صادر شده بود، نقل کرده است. ابن مشهدی عالمی ثقه است. وی دربارهٔ این زیارت در کتاب می نویسد: «انها صدرت من الناحیه المقدسه» منتهی ایشان به جهت اختصار، سندها را در کتابش ذکر ننموده و در مقدمهٔ کتابش می نویسد:

و در این کتاب، زیارات مختلفی را دربارهٔ مشاهد مشرفه و نیز دربارهٔ تشویق

و ترغیب به مساجد، ادعیهٔ برگزیده، تعقیب نمازها، مناجات با خداوند، نمونه ای از دعاهای روح بخش و دعاهایی برای امور مهم و عظیم آورده ام. این ادعیه را که به سند خود از راویان شیعه به ائمهٔ اطهار می رسند،

نقل کرده ام. (۱)

مرحوم محدث نوری در خاتمهٔ مستدرک الوسائل ضمن تجلیل از ایشان می نویسد:

از مقدمهٔ مؤلف چنین برمی آید که تمام آن چه در این کتاب، از مجموعهٔ زیارات و دعاها آمده، از ائمهٔ اطهار رسیده است. (۲)

آقای نجم الدین طبسی مقالهٔ مفصل و جامعی دربارهٔ اثبات سند این زیارت نوشته است؛ (۳) آقای سیدهدایت طالقانی هم چهار جلد کتاب دربارهٔ شرح و

۱- المزار الکبیر، ص۳، مقدمه.

۲- خاتمهٔ مستدرک الوسائل، ج۱، ص۳۶۴.

۳- فصل نامهٔ انتظار، ش۲۰، ص۱۹۱.

پاسخ به اشکالات وارده و سند این زیارت نوشته است (۱) که علاقه مندان می توانند به آن ها مراجعه فرمایند.

فواید نشانه ها

علایم ظهور چه فوایدی دارد؟

با بررسی و تأمل در روایات علایم ظهور، به فواید آن در جامعه پی خواهیم برد که به برخی از آن ها اشاره می شود: (۲)

۱. آگاهی امت از پرچم ها و دعوت های گمراه کننده؛

۲. بشارت به ظهور دعوت های حق و قیام هایی که در آن مردم را به حق دعوت می نمایند؛

۳. اخبار غیبی از آن جهت که خرق عادت است، از اهم دلایل نبوت و امامت به شمار می آید، لذا نشر و تحقق آن ها یقین را در قلوب مسلمانان بیش تر می کند؛

۴. بعد از تحقق هریک از علایم، اطمینان مردم به اصل ظهور بیش تر خواهد شد؛

۵. محرک مسلمانان در زمینه سازی برای ظهور است و به آنان آمادگی روحی، سیاسی و جهادی برای شرکت در حکومت آن حضرت خواهد داد.

تعداد نشانه های ظهور

کلیهٔ علایم ظهور را بیان کنید؟

اعتقاد به آمدن مصلح در آخرالزمان از دل تاریخ سرچشمه می گیرد و مخصوص اسلام و تشیع نیست. به عبارت دیگر، همهٔ ادیان ظهور منجی را انتظار می کشند، ولی در این میان اسلام و به ویژه مذهب تشیع ــ برخلاف ادیان و مذاهب دیگر ــ از

۱- همره نور، سید هدایت الله طالقانی.

۲- موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص۵۱۷.

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر و تصویر روشنی ارائه داده، به گونه ای که حتی حوادث و رویدادهای پیش از ظهور را نیز بیان نموده است.

از مجموعه حوادث و رویدادها و تحولات پیش از ظهور یا هم زمان با آن، به «نشانه ها یا علایم ظهور» تعبیر می شود.

منابع دینی، بسیاری از رخدادهای طبیعی و دگرگونی های سیاسی _ اجتماعی را از نشانه های ظهور یاد کرده اند. بدیهی است که درجهٔ اعتبار و درستی همهٔ این نشانه ها یکسان نیستند. برخی در منابع معتبر آمده و از جهت سند و دلالت استوار است و برخی در کتب اهل سنت و از منابع درجهٔ دوم به حساب می آید.

بنابراین به طور دقیق و یقینی نمی توان تعداد علایم ظهور را تعیین کرد، ولی مجموعهٔ این روایات به ما اطمینان می دهند که در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حوادثی رخ خواهد داد.

از میان این علایم برخی قطعی هستند که به «علایم یا نشانه های قطعی ظهور» معروف اند؛ یعنی اولاً، پدیدار شدن آن ها بدون هیچ قید و شرطی قطعی و الزامی خواهد بود و ثانیاً، ظهور حضرت حتماً پس از وقوع آن علایم خواهد بود و همهٔ آن ها در نزدیکی ظهور (حدود شش ماه قبل از ظهور) اتفاق خواهد افتاد. برخی دیگر نیز غیرحتمی هستند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند:

نشانه های ظهور دو دسته است: یک دسته نشانه های غیرحتمی و دستهٔ دیگر نشانه های حتمی... . (۱)

نشانه های حتمی:

۱. خروج سفیانی: سفیانی نام مردی جنایت کار است که از شام قیام می کند و لشکرهایی برای کشتن شیعیان به مدینه و کوفه می فرستد و خودش هم به سمت

۱- الغیبه، نعمانی، باب۱۸، ص۴۲۹.

بیت المقدس حرکت می کند؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین مردم را دیده ای؛ (۱)

۲. خسف بیداء: خسف یعنی فرو رفتن در زمین، و بیداء نام بیابانی میان مکه و مدینه و به معنای نابودی است. وقتی لشکر سفیانی پس از فتح مدینه از آن جا خارج می شوند و به سوی مکه حرکت می کنند، همه در بیابان بیداء به طور معجزه آسا به زمین فرو می روند؛

۳. ندای آسمانی: منظور صدایی است که در شب و روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان از آسمان شنیده می شود و همهٔ دنیا و هرکس به زبان خود آن را می شنود. امام صادق علیه السلام فرمود:

ندادهنده ای از آسمان به نام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدرش آواز می دهد؛ (۲) و (۳)

۴. قتل نفس زکیه: نفس زکیه یعنی انسان پاک و بی گناه؛ یکی از نشانه های حتمی، کشته شدن فردی بی گناه از سادات در مسجدالحرام (بین رکن و مقام) است. امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

بین قیام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و کشته شدن نفس زکیه، تنها پانزده شب فاصله است. (۴)

۵. قیام یمانی: یمانی سرداری نیک نهاد و درست کار و طرف دار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از شهر «صنعاء» در سرزمین یمن کمی پیش از ظهور قیام می کند. او با تباهی ها می ستیزد. امام باقر علیه السلام فرموده:

۱- الغیبه، نعمانی، ج۲، ص۵۵۷.
۲- الغیبه، نعمانی، ج۲، ص۱۸۷.
۳- از روایات چنین برمی آید که چندین ندا به گوش می رسد.
۴- کمال الدین، ج۲، ص۵۵۴.

در میان بیرق هایی که پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بلند می شود، پرچمی هدایت کننده تر از پرچم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است؛ چون شما را به سوی صاحب تان دعوت می کند. (۱)

قیام یمانی، هم زمان با سفیانی است. (۲)

به نشانه های حتمی، نشانه های قریب (نزدیک به ظهور) نیز گفته می شود؛ چراکه همهٔ آن ها در فاصلهٔ کم تر از یک سال مانده به ظهور اتفاق می افتند. (۳)

نشانه های غیرحتمی:

علایم غیرحتمی، علایمی است که تحقق آن مشروط است. شاید به خاطر تغییر اوضاع جهان اتفاق نیفتد و همچنین معلوم نیست که پس از اتفاق افتادن، چه مدت طول خواهد کشید تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به وقوع پیوندد. علایم غیرحتمی زیاد است؛ تعدادی از آن ها اتفاق افتاده و تعدادی نیز امکان دارد اتفاق بیفتد. اما نکتهٔ قابل توجه این است که انسان باید از تطبیق کردن پرهیز نماید و اتفاقات جاری را به آسانی همان نشانهٔ ظهور ندانـد؛ زیرا این ادعا دلیل قاطع و یقینی می خواهد و نمی توان آن را با سلیقهٔ خود تعیین کرد. چه بسا چنین برداشتی باعث امید کاذب و واهی یا باعث بدبینی و یأس گردد. همان طور که قبلاً یادآوری گردید، نشانه های غیرحتمی بسیار است و در صحت و دلالت نیز با یکدیگر تفاوت دارند و برخی از علایم قیامت می باشند، نه ظهور.

در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۶۴.

۲- در کتب روایی ما، این پنج مورد در حدیثی از امام صادق علیه السلام یک جا و از علامات حتمی ذکر شده است. (کمال الدین، باب علامات ظهور، ح۷).

۳- برای آشنایی بیش تر با نشانه های ظهور و شرح آن ها نک: مهدی منتظر، محمدجواد خراسانی.

ص:۳۸۸

ـ بیرون آمدن پرچم های سیاه از طرف خراسان؛

ـ خسوف و کسوف در یک ماه رمضان؛

ـ باران های پیاپی؛

ـ جنگ های خونین؛

ـ گسترش ظلم و فساد؛

ـ آمدن غربی ها به سرزمین عراق؛

ـ فتنه و آشوب در سوریه؛

ـ اختلاف در میان امت اسلام؛

ـ انقراض سلسلهٔ بنی عباس؛

ـ بالا آمدن آب دجله؛

ـ قیام سید حسنی؛

ـ گرانی و بالا رفتن قیمت ها و... .

در پایان باز تذکر می دهیم که انسان نباید با شنیدن علایم ظهور و یا خواندن آن ها در جایی، این نشانه ها را قاطعانه بر اوضاع فعلی جهان تطبیق دهد؛ زیرا معلوم نیست که روایت به کدام واقعه اشاره دارد؛ زیرا در روایات، نشانه ها به گونهٔ کلی بیان شده و قابل تطبیق بر موارد متعدد است. همچنین روشن است که علامات حتمی و نزدیک به قیام حضرت هنوز اتفاق نیفتاده است.

نشانه های مادی و معنوی ظهور کدام اند؟

بسیاری از نشانه های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در گفتار پیشوایان دینی برشمرده شده، جنبهٔ معنوی دارد و انحطاط اخلاقی و معنوی انسان های آخرالزمان را نشان می دهد. با وجود آن که بیش تر نشانه ها با اخلاق و معنویت انسان ها ارتباط دارد، نشانه های ظهور را به نشانه های معنوی و مادی می توان تقسیم کرد:

الف) نشانه های معنوی:

ــ فراگیری ظلم و ستم؛

ــ مهجور ماندن قرآن؛

ــ حلال شدن محرمات الهی؛

ــ تفسیر معارف دینی برپایهٔ خواسته های شخصی؛

ــ دشواری دریافت حقایق قرآن و آسانی دریافت سخنان باطل؛

ــ زینت کاری مساجد؛

ــ بی توجهی به نماز و... .

ب) نشانه های مادی:

ــ فراوانی امکانات مادی و روی آوردن دنیا به مردم؛

ــ حاکمیت زنان؛

ــ گسترش رشوه خواری کارکنان دولت؛

ــ آشکار شدن قمارها و... . (۱)

چند علامت دیگر تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی مانده است؟

به طور کلی علامت های ظهور به دو دسته تقسیم می شوند: حتمی و غیرحتمی.

الف) علامت های غیرحتمی:

علامت هایی است که وقوع آن حتمی و قطعی نیست؛ یعنی به وضع جهان بستگی دارد؛ اگر لازم باشد اتفاق می افتد و اگر موقعیت آن فراهم نباشد، اتفاق نمی افتد. (۲) بیش تر علامت هایی که برای ظهور شمرده شده، از این قسم است.

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۵۶.

۲- ممکن است منظور از علامت های غیرحتمی، آنهایی باشد که وقوعشان، ظهور حضـرت را فوراً و با فاصلهٔ نزدیک به دنبال نـدارد؛ چراکه نشـانه هـای غیرحتمی یک امر کلی و بسـیار عام و دارای مراتب و درجات مختلف است؛ مثل زیاد شـدن ظلم و فسـاد کـه در هر دوره ای بـوده و مردم هر دوره گمـان می کردنـد کـه ظلم و فسـاد عـالم گیر شـده و دیگر بالاـتر از این مرتبه نیست؛ اما ای بسا که در دوران بعد، ظلم و فساد به مراتب بیش تر از دوران قبلی بشود.

بنـابراین نمی توان گفت چنـد علامـت مانـده است تـا ظهور اتفاق بیفتـد. چون واقعاً معلوم نیست چنـد علامت از علامت های غیرحتمی اتفاق خواهد افتاد. از طرف دیگر، نمی توان گفت اتفاق هایی که در دنیا رخ می دهد، همان علامت هایی است که در روایـات آمـده؛ زیرا این حرف به دلیـل هـای محکمی احتیـاج دارد که معمولاً به دست آوردن آن ها آسان نیست و امکان دارد در آینـده شبیه همان اتفاق دوباره تکرار شود. پس نمی توان گفت علامت ذکر شـده، به کـدام واقعه اشاره دارد. بنابراین نباید هر اتفاقی را به سادگی بر علامتی که در روایات آمده منطبق کرد یا حرف کسانی را که تطبیق می دهند پذیرفت.

ب) علامت های حتمی:

علامـت هـایی هسـتند که امامـان مـا فرموده انـد حتمـاً و بـا فاصـلهٔ کمی از ظهور، اتفـاق خواهنـد افتاد و امکان نـدارد به وقوع نپیوندند. آن ها پنج علامت اند و همگی در نزدیکی ظهور اتفاق می افتند و تا به حال هیچ کدام اتفاق نیفتاده است.

دربارهٔ علامت های غیرحتمی هم باید دقت کرد و هر اتفاقی را علامت ظهور ندانست و چنین سخنانی را به آسانی قبول نکرد.

سفیانی چه کسی است؟

پیش از قیام حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، مردی از نسل ابوسـفیان از منطقهٔ شام خروج می کند و با تظاهر به دین داری، گروه زیادی از مردم را فریب می دهد و بر بخش گسترده ای از سرزمین های اسلامی مثل سوریه، فلسطین، اردن و عراق تسلط می یابد. آن گاه که از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه می شود، سپاهی عظیم به

طرف مکه گسیل می دارد و در منطقهٔ «بیداء» (بین مکه و مدینه) به امر خداوند قهار، همهٔ لشکریان او به جز چند نفر در زمین فرو می روند. از این حقیقت به «خسف بیداء» یاد شده است. از روایات استفاده می شود که خروج سفیانی، از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

آیا دشمن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (سفیانی) در حال حاضر زنده است، یا آن که متولد خواهد شد؟ وی از چه طایفه ای و اهل کجاست؟

بنابر روایات، سفیانی شش ماه قبل از ظهور قیام می کند. (۱) اما از آن روی که هنگام ظهور مشخص نیست، نمی توان دربارهٔ متولد شدن سفیانی چیزی گفت. در روایات آمده است که سفیانی از نسل ابوسفیان، یعنی طایفهٔ بنی امیه است. (۲) محل تولدش نیز در روایات بیان نشده است اما از شام و سوریه قیام می کند (۳) و لشکری نیز (۴) برای مبارزه با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مدینه و لشکری را برای قتل عام شیعیان به سوی عراق می فرستد. (۵) و (۶)

آیا این ادعا که سفیانی در ارتش سوریه دیده شده، صحیح است؟

از مرحوم بهلول نقل شده که فردی به نام عثمان بن عنبسه را در آن پیرامون دیده است. هرچند در روایات آمده است که سفیانی، عثمان بن عنبسه نام دارد

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۹، ح۱۰۶ و ص۲۰۴، ح۳۲؛ در روایت اول آمده که سفیانی و حضرت در یک سال خواهند بود، و در روایت دوم خروج سفیانی در ماه رجب بیان شده است و با توجه به قیام حضرت در محرم (عاشورا)، معلوم می شود که شش ماه فاصله خواهد شد.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۱۳، ح۶۵.

۳- بحارالانوار، ج۵۱، ص۲۱۷، ح۶.

۴- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۴۰، ح۵۱.

۵- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۱۵، ح۷۲ و ص۲۲۲، ح۸۷.

۶- برای اطلاعات بیش تر در مورد سفیانی، نک: سفیانی از ظهور تا افول، نصرت الله آیتی.

اما به صرف هم نام بودن، نمی توان گفت او سفیانی است. به علاوه روایتی که نام او را عثمان بن عنبسه گفته، قابل اعتماد نیست. لذا این سخن هیچ مطلبی را ثابت نمی کند و وجود سفیانی را در ارتش سوریه یا هر جای دیگر نمی رساند.

سید حسنی کیست؟

روایات چند نفر را سید حسنی یاد کرده اند؛ ازجمله شخصی که نزدیک ظهور در مکه قیام می کند و به دست اهل مکه به شهادت می رسد و سرش را برای شام می فرستند. این شخص، همان نفس زکیه، یکی از نشانه های حتمی ظهور است.

دیگری که به احتمال بسیار زیاد همان سید حسنی است که از نشانه های ظهور معرفی شده، کسی است که از طرف دیلم خروج می کند، ستمگران را می کشد و وارد کوفه می شود. وقتی خبر ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به او می رسد، نزد حضرت می آید و پس از درخواست نشانه و کرامت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، او و بسیاری از سپاهیانش با حضرت بیعت می کنند و به خیل عظیم سپاهیان آن حضرت می پیوندند.

آیا تعبیر از آیت الله خامنه ای به سید حسینی درست است؟

اولاً، روایات شخصی را به عنوان سیدحسینی نقل نکرده اند تا بتوان برای او مصداقی پیدا کرد.

ثانیاً، تطبیقْ یکی از آسیب های مهدویت است؛ زیرا تطبیق دلیل کافی و قطعی لازم دارد در حالی که چنین دلایلی وجود ندارد و معمولاً افراط در تطبیق علایم ظهور بر وقایع، باعث ایجاد امید کاذب یا ناامیدی و شک در مردم می شود و باید از چنین کارهایی پرهیز کرد. (۱)

۱- برای آشنایی بیش تر نک: فصل نامهٔ انتظار موعود، ش ۱۵، مقالهٔ آقای محمدصابر جعفری.

سید خراسانی چه کسی است؟

مسئلهٔ دیگری که در برخی روایات از نشانه های ظهور خوانده شده، خروج خراسانی است. در همان سالی که سفیانی قیام می کند، سید خراسانی از سمت مشرق قیام کرده، به سمت کوفه می رود. در روایات این شخص به خوبی معرفی نشده، ولی ظاهراً پرچم دار حق است که برای مبارزه با ظلم قیام می کند.

دجال چه کسی است؟

دجال به معنای کذاب و دروغ گو، ستمکاری است که در آخرالزمان مردم را گمراه می کند. در منابع روایی، ظهور این شخص، حادثه ای هم زمان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار آمده است.

در مورد این که دجال شخص خاصی است یا به معنای هرکس یا هر جریان انحرافی است که موجب گمراهی مردم شود، در میان علمای شیعه و همین طور علمای اهل سنت دو دیدگاه وجود دارد: برخی به دیدگاه اول عقیده مندند، در حالی که گروهی دیگر بر دیدگاه دوم پافشاری می کنند.

در جمع بندی این دیدگاه ها می توان گفت با توجه به این که در روایات از دجال های متعدد سخن به میان آمده، هر شخص یا جریانی که موجب گمراهی مردم گردد، دجال شمرده می شود؛ اما در میان این دجالان، شخص فریبنده و حیله گری است که سرآمد همهٔ دجالان و فتنه گران است و این دجال از نشانه های ظهور حضرت به شمار می آید. یک جمع بندی دیگر هم این که: هر جریان فکری حتماً یک رهبر هم دارد، پس دجال هم می تواند به خط فکری اطلاق شود، و هم به رهبر آن.

از آن جا که دجال قبل از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید، آیا می توانیم به سخنان او گوش دهیم؟

نام دجال، بیش تر در کتاب های اهل سنت آمده است و شیعه فقط اشاره ای به

آن دارد. این که دجال فرد خاصی است یا به هر فرد دروغ گو نیز دجال می گویند، هر دو احتمال وجود دارد؛ اما در هر صورت، منظور این است که فردی دروغ گو و فریب کار قبل از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند و مردم را فریب می دهد و گروهی هم فریب او را می خورند.

اما وظیفهٔ ما این است که نباید به سخن دروغ گو و فریب کار گوش دهیم و از او پیروی کنیم، بلکه باید مقاومت کرده، در برابر او به مبارزه برخیزیم. اما راه شناخت این که چه کسی راست می گوید، چیست؟

اهمیت آموختن مسائل و معارف دین، مخصوصاً مسائل مربوط به مهدویت در همین جا روشن می شود. کسانی که مسائل را در زمان غیبت فرا گیرند و بدانند اسلام چه می گوید و پیام دین چیست، آن گاه سخن را تشخیص می دهند و دروغ گو را می شناسند. بنابراین افرادی که جاهل هستند و از دین چیزی نمی دانند، فریب دجال و هر فرد مکار دیگری را می خورند، اما افراد دانا هرگز از اینها پیروی نمی کنند.

صحت نشانه ها

آیا قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کافران از مؤمنان جدا می شوند؟

امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند حتماً از یکدیگر بازشناخته می شوید! به خدا قسم باید پاک سازی شوید! به خدا قسم حتماً بوجاری و غربال خواهید شد، همان گونه که «زؤان» (دانه ای کوچک است که میان گندم ها می روید) از گندم غربال می شود! (۱)

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۹۳.

بنابراین خیلی از مردم در دوران غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از صراط مستقیم منحرف و دچار تردید می گردند و فریب ابلیس و پیروان او را می خورند و از مذاهب و مکاتب انحرافی گوناگونی پیروی می کنند. فقط مؤمنان حقیقی که به کتاب خدا و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمسک کرده اند، نجات می یابند و فتنه ها و امتحانات آخرالزمان، هیچ خللی در عزم و ارادهٔ پولادین آن ها ایجاد نمی کند؛ به قول شاعر:

ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست

عاشقی شیوهٔ رندان بلاکش باشد

خوش بود گر محکّ تجربه آید به میان

تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد

اصولاً- شخصیت واقعی انسان ها در گذر زمان و در مواقع امتحانات و بلاهای گوناگون، ظاهر و مؤمن یا کافر بودن نیز در مواقع سخت نمایان می شود؛ آن وقت سره از ناسره معلوم می گردد.

آیا هنگام ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خورشید از مغرب طلوع می کند؟

برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علامت هایی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام نقل کرده اند که بعضی از آن ها حتماً اتفاق خواهد افتاد و برخی دیگر احتمال دارد اتفاق بیفتد، یعنی علایم حتمی و غیرحتمی.

با توجه به بسیاری از روایات، معلوم می شود که طلوع خورشید از مغرب، از نشانه های برپایی قیامت است، نه از علایم ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی قبل از شروع قیامت، خورشید از مغرب طلوع خواهد کرد. (۱)

البته یکی از یاران امام علی علیه السلام فرموده است:

منظور از خورشیدی که از مغرب طلوع می کند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۲)

۱- خصال، شیخ صدوق، ص۴۳۱، ح۱۳؛ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج۴، ص۱۱۵، ح۳۳۶؛ بحارالانوار، ج۵۵، ص۱۴۵، ح۳.

۲- «انّ الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه هو التاسع من ولد الحسین بن علی علیه السلام وهو الشمس الطالعه من مغربها؛ کسی که حضرت عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند، نهمین نسل امام حسین علیه السلام و او همان خورشید طلوع کننده از مغرب است» (کمال الدین، ص۵۲۸، ح۱).

اما چون اکثر روایات، طلوع خورشید از مغرب را از نشانه های قیامت بیان کرده اند، ما نیز آن را از نشانه های قیامت می دانیم، نه ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

درست است که می گویند: پیراهن امام حسین علیه السلام دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هر لحظه که خون از آن پیراهن جاری شود، هنگام ظهور است؟

روایات بر این که پیراهن امام حسین علیه السلام نزد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، دلالت می کند، (۱) ولی دربارهٔ ادامهٔ کلام مبنی بر این که «حضرت هر صبح به پیراهن خونین می نگرد و هرگاه خون تازه از آن جاری شد، نشانهٔ وقت ظهور است»،

روایتی نیافتیم.

البته برخی روایات می گویند:

زمان ظهور که فرا رسد، شمشیر حضرت از نیام بیرون می آید و پرچم و لوای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که نزد آن حضرت است، باز می شود و... .

آیا مراد از مرگ «عبدالله» که در روایت امام صادق علیه السلام نشانهٔ ظهور است، عبدالله پادشاه عربستان است؟

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

هرکس مرگ عبدالله را برای من تضمین کند، من ظهور قائم را برای او ضمانت می کنم... . (۲)

آقای کورانی دربارهٔ این روایت و مسائل مشابه آن به تفصیل بحث کرده است، (۳) اما تطبیق «عبدالله» در این روایت به ملک عبدالله، پادشاه عربستان، هرچند

۱- کمال الدین، ص۶۷۴، ح۲۸.
۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۱۰.
۳- عصر ظهور، ص۲۹۲.

احتمال دارد، اما قطعی نیست، چه بسا صد سال دیگر پادشاهی از خاندان آل سعود به نام عبدالله در آن سرزمین به مسند قدرت بنشیند و منظور از این روایت، او باشد.

اندیشهٔ مهدویت دچار آسیب هایی شده است. (۱) مسئلهٔ تطبیق، یکی از این آسیب ها به شمار می رود که برخی با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن ها را بر افراد یا حوادثی خاص تطبیق می دهند. این گونه تطبیق ها پی آمدهای نامطلوبی دارد که به آن اشاره می شود:

۱. تعیین وقت و استعجال (عجله کردن و صبر و تحمل نکردن)؛ (۲)

۲. نومیدی و یأس بر اثر واقع نشدن ظهور؛

۳. به دلیل احتمال تحقق نیافتن تطبیق های مطرح شده، افرادی به اصل ظهور بی اعتقاد می شوند و یا در اصل روایات به شک می افتند.

آیا طوفان ها و حوادثی که اکنون در جهان رخ می دهد نشان از آمدن حضرت است؟

به حوادثی که قبل از ظهور اتفاق می افتد، از دو جهت می توان نگریست:

۱. حوادثی که نشانه های نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؛

۲. برخی حوادث، زمینه ساز ظهورند.

بنابراین می توان گفت که دو اصطلاح هست: ۱. علایم ظهور که بعد از شروع غیبت و قبل از آغاز ظهور اتفاق می افتد و وقوع آن ها در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام ذکر شده است؛ ۲. شرایط ظهور، که حوادثی است که نزدیک زمان ظهور واقع می شود و زمینه را آماده می سازد و رابطهٔ مستقیمی با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

۱- «اندیشهٔ مهدویت و آسیب ها»، محمدصابر جعفری، فصل نامه انتظار، ش۱۵، ص۴۵.

۲- برای آگاهی بیش تر از این اصطلاحات به منبع قبلی مراجعه فرمایید.

در ضـمن برخی از نشـانه هـای ظهور حتمی است که اگر این نشـانه هـا ظـاهر شود بی شـک امـام زمـان عجـل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهد کرد. این نشانه ها قبل از ظهور حتماً به وقوع می پیوندند که عبارت اند از:

۱. خروج سفیانی؛ ۲. کشته شدن نفس زکیه؛ ۳. ندای آسمانی از سوی جبرئیل؛ ۴. فرورفتن در بیداء؛ ۵. قیام یمانی.

امـا در مورد سؤال، اولاًـ نمی دانیم منظور کـدام طوفـان و حوادث است و ثانیـاً، حتماً از نشانه های ظهور امام نیست و اگر هم باشـد شایـد از علاـیم غیرحتمی است. در نـتیجه می توان گفت: طوفـان هـا و حوادثی که در جهـان رخ می دهـد مصـداقی از حوادث عمومی و بلاهای طبیعی پیش از ظهور است و لازم نیست که در روایات به اینها تصریح شده باشد.

من در جایی شـنیده ام که قبل از ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف جنگ هایی رخ می دهـد که حدود دو سوم شیعیان از بین می روند، آیا چنین چیزی صحت دارد؟ دربارهٔ آن توضیح دهید.

منابع دینی، جنگ های خونین و کشتارهای بزرگ را از نشانه های ظهور یاد کرده اند. (۱) گویا این جنگ ها میان اهل باطل، بر سـر رقابت های مادی و سیاسـی روی می دهد که در نهایت بدون پیروزی هیچ یک از دو گروه و پس از بر جای گذاشـتن انبوهی از کشته ها پایان می یابد. لذا از مجموع روایات، این نتیجه ها به دست می آید:

۱. پیش از ظهور حضـرت، کشـتارهایی رخ داده، تعداد بسیاری از انسان ها کشته می شوند، به طوری که افراد باقی مانده، کم تر از کشـته شدگان هسـتند. لذا اولاً، کشتارها چون قبل از ظهور است مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست و به دست حضرت یا فرمان ایشان انجام نمی گیرد؛ ثانیاً، درست نیست که دو سوم شیعیان

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۴۶، ۲۵۱ و ۳۸۸.

کشته می شوند؛ بلکه آن چه صحت دارد کشته شدن تعداد زیادی از انسان هاست نه شیعیان، و چون اکثریت جهان، غیرشیعه اند، کشته ها نیز بیش تر از آن ها خواهد بود؛

۲. تعدادی از کشته شدگان در جنگ، و تعدادی به واسطهٔ بیماری های مسری جان می سپارند؛

۳. در میان اقلیتی که باقی می مانند، شیعیان و دوست داران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. (۱)

۱- چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۴۵.

وقایع هنگام ظهور

مدت برقراری عدالت

آیا هنگام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای برقراری عدل و قسط در تمام جهان، زمانی طولانی لازم است؛ چند سال؟

حرکت اصلاحی حضرت را بعد از ظهور و قیام، به دو مرحله می توان تقسیم کرد: الف) مرحلهٔ جنگ و مبارزه؛ ب) مرحلهٔ ارشاد و تبلیغ.

مرحلهٔ اول (جنگ و مبارزه):

طبیعی است که با قیام حضرت، ستمگران به دشمنی برخاسته، بی توجه به سخنان منطقی امام، می خواهند این حرکت را که به ضرر منافع جاه طلبانهٔ آن هاست، در نطفه خفه کنند. بنابراین سران کفر و فساد، زبانی جز شمشیر و جنگ نمی شناسند؛ و اصولاً برای گفت وگو و کشف حق نیامده اند. پس حضرت در ابتدا مجبور است با آنان برخورد مسلحانه کند و دست آن ها را از قدرت و اموال مظلومان کوتاه گرداند. از روایات چنین استفاده می شود که این مرحله بیش از هشت ماه طول نمی کشد و پس از آن تمام جهان به تسخیر حضرت درمی آید، آتش جنگ و مبارزه خاموش می شود. (۱)

۱- الغیبه، نعمانی، ص۱۶۴، ح۲ و ۵.

مرحلهٔ دوم (ارشاد و تبلیغ):

بعد از سرنگونی سران کفر و فساد، که منطقی جز زور نمی شناختند، نوبت به مردم عادی می رسد که اهل منطق و استدلال هستند و از پذیرش حق امتناع ندارند. در این مرحله، دیگر حضرت به زور متوسل نمی شود و از کسی نمی خواهد که به زور چیزی را بپذیرد، بلکه حقیقت دین را تبلیغ می کند و هرکس از هر مکتبی دلیل بخواهد، با مبانی اعتقادی دین خودش، جواب او را می دهد. به این صورت، مردم با شنیدن دلایل کافی و قطعی امام، به ایشان ایمان می آورند. در روایتی، امام باقر علیه السلام می فرماید:

حضرت مهدی بعد از ظهور، با پیروان تورات براساس تورات، و با پیروان انجیل طبق انجیل، و با اهل زبور طبق زبور و با مسلمانان براساس قرآن حکم می کند. (۱)

طبیعی است که این مرحله زمان بیش تری می برد. در روایات، به مدت زمان این مرحله اشاره نشده است، اما چون تبلیغ به زمان احتیاج دارد که فرد بشنود، تحقیق و فکر کند و نتیجه بگیرد، از این رو مدتی طول می کشد تا همهٔ زمین دین حق را بپذیرند و همهٔ جهان مسلمان شوند؛ اما در این مدت، امنیت و آسایش و عدالت برقرار است؛ و بحث علمی و عقیدتی آزاد و منطقی، به جنگ و ناامنی

نیاز ندارد.

ابزار تشکیل حکومت

براساس روایات، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش بعد از ظهور با چه اسلحه ای نبرد می کنند؟

آنچه در متن روایات آمده این است که حضرت و یارانش با شمشیر قیام می کند

۱- بحارالانوار، ج۵۱، ص۲۹، ح۲.

و غیر از سیف (شمشیر) چیز دیگری بیان نشده است. (۱)

اما منظور از شمشیر چیست، چند نظر وجود دارد:

۱. منظور از شمشیر، قیام مسلحانه است و گفتن شمشیر کنایه از جنگ و مبارزه است و سلاح خاصی مدنظر نیست؛ بنابراین در هر زمان ظهور کند با ابزار آن زمان جنگ خواهد کرد؛ (۲)

۲. منظور شمشیر معمولی است؛ زیرا قبل از ظهور تمام سلاح های پیشرفته در اثر جنگ های فراوان تمام می شود. چیزی جز سنگ و چوب و شمشیر نمی ماند و یا در سایهٔ پیشرفت عقل بشر، خود انسان ها سلاح ها را نابود می کنند و چیزی جز سلاح سرد نمی ماند؛ (۳)

۳. منظور شمشیر معمولی است؛ یعنی خود حضرت شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امیرالمؤمنین علیه السلام را دارد، لذا از سلاح های کشتارجمعی که همه را با هم از بین می برد و نظامی و غیرنظامی نمی شناسد، استفاده نمی کند و این خود نشان عدالت ایشان است، اما این که چگونه می توان با شمشیر در مقابل سلاح های پیشرفته مبارزه کرد، باید گفت یا معجزه است؛ یعنی قدرت اصلی حضرت، قدرتی معنوی و فوق طبیعی است؛ چنان که در روایات آمده که هرجا حضرت حرکت کند قبل از ایشان ترس بر آن جا مستولی شده، کسی جرأت کاری را نمی یابد. بنابراین با آن که سلاح ها وجود دارد، کسی جرأت به کارگیری آن را نمی یابد؛ یا به طور طبیعی است؛ یعنی با آن که سلاح ها وجود دارد، ولی به کارگیری

۱- کافی، ج۱، ص۴۰۸،ح۱؛ کمال الدین، ص۳۲۲، ح۳؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص۴۶۷، ح۴۸۳؛ در مورد یاران: کمال الدین، ص۶۷۱، ح۱۹ و ص۶۷۳، ح۲۶؛ الغیبه، نعمانی، ص۴۰، ح۱.

۲- حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناصر مکارم شیرازی، ص۲۵۱.

۳- موعودنامه، مجتبی تونه ای، ص۵۷۲.

آن به سوخت (نفت و بنزین) احتیاج دارد و در آن زمان این سوخت ها از دسترس بشر خارج می شود. بنابراین اساساً حضرت به سلاح های مدرن احتیاجی نخواهد داشت. (۱)

با توجه به رشد تکنولوژی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با چه وسیله ای (اسب یا...) ظهور می کند؟

در زمان قدیم، از اسب برای وسیلهٔ حمل و نقل استفاده می شد و امروزه در شهرها و مراکز بزرگ، دیگر این کاربرد را ندارد، اما در زمان حاضر هم به عنوان نماد استفاده می شود؛ مثلاً در حال حاضر پلیس انگلستان از اسب در شهر استفاده می کند. این بدان معنا نیست که در این کشور اروپایی پیشرفت وجود ندارد، بلکه در کنار ماشین های مدرن، پلیس از اسب نیز استفاده می کنند و منافاتی بین این دو نمی بینند.

در زمان ظهور نیز اسب داشتن امام، منافاتی با وجود ابزار دیگر نخواهد داشت و به این معنا نیست که حضرت همیشه از اسب استفاده می کند، بلکه می تواند در مراسم و مواقع خاصی از آن استفاده نماید؛ زیرا در روایات، تعابیری وجود دارد که می تواند اشاره به وسایل فوق پیشرفته باشد؛ مانند این که در روایت آمده حضرت سوار بر ابر می شوند (۲) و تاکنون چنین چیزی اتفاق نیفتاده است.

به طور خلاصه در زمان ظهور، حضرت از وسایل نقلیهٔ روز و در عین حال اسب نیز استفاده خواهند کرد و این دو با هم منافاتی ندارد؛ چنان که در عصر حاضر نیز شاهد آن هستیم.

البته این احتمال نیز وجود دارد که منظور این روایات از اسب، همان وسایل

۱- قیام جهانی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر و امثال آن، مهدی فقیه ایمانی، ص۱۱ و ۱۷؛ شناخت زندگی بخش، ابراهیم شفیعی سروستانی، ص۱۴۴.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۱، ح۲۷.

نقلیه باشد و چون در زمان امامان معصوم علیهم السلام که این احادیث بیان شده است، مردم از اسب برای حمل و نقل استفاده می کردند و برای آن ها وسایل پیشرفتهٔ امروزی قابل فهم نبوده، امامان معصوم علیهم السلام نیز طبق فرهنگ و فهم مردم زمان خود سخن گفته اند.

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عصا هم دارند؟

در روایات آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با میراث پیامبران خدا می آید که یکی از آن ها عصای حضرت موسی علیه السلام است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

جهان پر از هرج ومرج می شود؛ افق زندگی تیره و تار می گردد؛ در این موقع مهدی ما می آید در حالی که پیراهن آدم در تن او، انگشتر حضرت سلیمان در انگشت او و عصای حضرت موسی علیه السلام در دست اوست. (۱)

قرآن کریم، عصای موسی را معجزهٔ آن حضرت معرفی کرده است که با آن دشمن را می ترساند و کارهای گوناگونی انجام می داد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز طبق روایات، همچون موسی علیه السلام آن را به کار می برد. بنابراین عصای موسی علیه السلام ازجمله نشانه های الهی است که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ارث می رسد، نه این که وسیله ای معمولی برای راه رفتن و تکیه دادن باشد.

رویدادهای زمان ظهور

در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، چه حوادثی رخ می دهد؟

در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حوادث ذیل رخ می دهد:

۱. آن حضرت دشمنان امیرمؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام را می کشند؛

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. تمام قوانین و رسم های جاهلیت پایان می پذیرد؛

۳. رفاه، امنیت، عدل و مساوات به بالاترین حد خود می رسد؛

۴. عقل بشری به کمال خود می رسد؛

۵. دانش های مخفی ظاهر می شوند؛

۶. تمام گنج های زمین به بهره برداری می رسند.

خلاصه بعد از آمدن آن حضرت، تحول عظیم و شگرف در جهان به وجود خواهد آمد. امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

قائم ما که ظهور می کند، مردم را به امر جدید دعوت می کند، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین کرد. (۱)

وقایع هنگام ظهور را بیان فرمایید؟

هنگامی که خداوند متعال اذن ظهور و فرمان قیام را صادر کند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار کعبه، بین حجرالاسود و درب کعبه ظاهر می گردد و ظهور و برنامهٔ خود را به اطلاع جهانیان می رساند. جبرئیل علیه السلام و ۳۱۳ نفر از اصحاب خاص حضرت با ایشان بیعت می کنند. وقتی عدد سپاهیان حضرت به ده هزار نفر رسید، قیام از مکه آغاز می شود و کوفه محل حکومت جهانی حضرت خواهد بود. در این زمان حضرت عیسی علیه السلام بر زمین بیت المقدس نازل می شود و هنگام نماز، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می کند و جهانیان و به ویژه مسیحیان را به اطاعت و یاری امام زمان علیه السلام فرا می خواند. پس حضرت با کمک سپاهی عظیم از مؤمنان و لشکری از فرشتگان و ایجاد رعب و وحشت در دل ستمگران، عدالت را در سراسر جهان برقرار می سازد و به هرگونه ظلم و تباهی خاتمه می دهد ــ ان شاءالله.

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۱۳-۳۳۶.

مطابق روایات، آن حضرت پس از شنیدن ندایی آسمانی، که همهٔ مردم جهان را از ظهور حضرت آگاه می کند، ظاهر می شود و ظهور ایشان از کنار خانهٔ کعبه در مسجدالحرام خواهد بود و اولین جمله ای که حضرت می فرماید، آیهٔ ۸۶ سورهٔ هود است: «بَقِيَّةُ اللهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» و سپس می فرماید: «من بقیه الله، خلیفهالله و حجه الله در میان شما هستم».

و نیز در روایت آمده اولین کسی که با حضرت بیعت می کند، جبرئیل است و پس از آن در بین رکن و مقام، مردم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنند.

پس از ظهور چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

حضرت بعد از ظهور و جمع شدن یارانش، پیام دین و اسلام را به مردم می رساند و از آنان می خواهد که از اسلام پیروی و عدالت را اجرا کنند. اکثر مردم سخن امام را می پذیرند و جزء یاران ایشان می شوند و اگر کسی دلیلی برای سخنان امام بخواهد، حضرت دلایل خویش را بیان و به این صورت ابتدا اتمام حجت می کند. با وجود این، عده ای از ظالمان و ستمکاران که منافع خود را در خطر می بینند، با آن که می دانند حق با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، در مقابل او می ایستند. امام نیز با آن ها می جنگد و جهان بعد از شکست خوردن آن ها پر از عدالت و معنویت و اخلاق می شود و همه در سایهٔ رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از نعمت های مادی و معنوی بهره مند می گردند، و امنیت و آسایش همه جا برقرار می شود و فضای عمومی جامعهٔ مهدوی، عطرآگین به بوی عدالت خواهد شد.

اولین کسی که در زمان ظهور با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ملاقات می کند، کیست؟

طبق روایات، اول کسی که با آن حضرت بیعت می کند، جبرئیل است. ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

همانا اول کسی که با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریفبیعت می کند، جبرئیل است... .

طبرسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که در حدیثی فرمود:

... پس خداوند عزوجل، جبرئیل را می فرستد تا نزد او بیاید و از او سؤال کند: به چه چیزی دعوت می کنی؟ قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف او را از ماهیت دعوت خبر می دهد. جبرئیل می گوید: پس من اول کسی هستم که با تو بیعت می کنم. آن گاه می گوید: کف دستت را بده و آن را بر دست خود مسح می کند... . (۱)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای برآوردن نیازهای زندگی خود و یارانش در دوران قیام چه کار خواهد کرد؟

آن حضرت و یارانش از کمک های مردمی، غنایم جنگی و امدادهای غیبی بهره مند خواهند شد.

۱. کمک های مردمی: از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

شیعیان مجازند از آن چه در دست دارند (در توان دارند) به نیکی انفاق کنند. اما هنگام قیام قائم ما، گنج ها بر صاحبانشان حرام می شود؛ تا این که با آن ها امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را در مقابل دشمن یاری کنند. (۲)

۲. غنایم جنگی: از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده است:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش حرکت می کنند تا این که وارد قسطنطنیه می شوند و به جایی می روند که پادشاه روم سکونت دارد و سه گنج را از آن جا بیرون می آورند: گنجی از جواهرات، گنجی از طلا و گنجی از نقره؛ آن گاه حضرت اموال و غنیمت ها را بین لشکریان تقسیم می کند؛ (۳)

۳. امدادهای غیبی: از امام صادق علیه السلام نقل شده که ابوجعفر (امام باقر علیه السلام) فرمود:

هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر مکه قیام و حرکت به سوی کوفه را قصد نماید، منادی ندا می کند [به نیروهای حضرت] که هیچ کس غذا و آب با خود بر

۱- موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص۵۶۱.
۲- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۱۵۰، ح۱۵۷۲.
۳- چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نقل از الشیعه و الرجعه، ج۱، ص۱۶۲.

ندارد؛ و حضـرت، سنگ حضرت موسی علیه السلام را (که دوازده چشمۀ آب از آن جوشیده) به همراه دارد. [در مسیر راه] به هر منزلی می رسد، آن سـنگ را به زمین می زند و چشـمه های آب از آن می جوشد. با نوشیدن از آن، گرسنگان سیر و تشنه گان سیراب می شوند. زاد و توشۀ راه آنان تا رسیدن به شهر نجف، این گونه است... . (۱)

خداوند متعال نیز وعدۀ نصـرت و یاری مستضـعفان و صالحانی را داده که برای حق قیام کنند: «... إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ...». (۲)

بنابراین در ابتـدای قیام و حرکت حضـرت، آب و غذای یاران به گونه ای اعجازانگیز تأمین می شود (امداد الهی) و در مراحل بعد کمک های مالی شیعیان و مسلمانان و حتی غیرمسلمانان (که حرکت اصلاحی و همراه با عدالت امام را می بینند) به یاران امـام می رسـد. هم زمـان با آزادسازی شـهرها و کشورها از دست ظالمان، سـپاهیان حضـرت از منابع موجود در آن مناطق هم استفاده می کنند.

آیا امام زمان هنگام ظهور، بر سر قبر مادرش فاطمه علیها السلام حاضر می شود و آن را به مردم نشان می دهد؟

از فلسـفۀ مخفی بودن قبر حضـرت فـاطمه علیهـا السـلام چنین برمی آیـد که در آن زمان، دیگر قبر مخفی او آشـکار می شود؛ چراکه فلسـفه و حکمت مخفی بودن آن قبر شـریف، اعتراض به غصب خلافت، پای مال کردن حق علی علیه السـلام، تصرف اموال فاطمه علیها السلام (فدک) و به طور کلی به دلیل اعتراض به عملکرد مسلمانان، به ویژه خلفای جور بوده است. حضرت بـا این کار خواسـته انـد به مسـلمانان اعلام کننـد که من (فاطمه، تنها دختر و فرزنـد پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم) از خلفا رضایت ندارم و به همین دلیل

۱- الخرائـج و الجرائـح، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۶۹۰؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۵، ح۶۷ ؛ مسـتدرک سفینه البحار، ج۲، ص۲۲۲. هردو از کتاب الخرائج نقل کرده اند.

۲- سورۀ محمد، آیۀ۷.

نخواستم آنان بر جنازهٔ من نماز بگزارند و در تشیع جنازهٔ من حاضر شوند. برای این که مسلمانان آن زمان و دیگر زمان ها به این مسئله بیندیشند که چرا فاطمه علیها السلام چنین وصیتی کرده است؛ مگر آنان که ادعای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشتند، با تنها یادگار او چه کردند؟ این اعتراض، تا زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و روشن شدن حق و انتقام گرفتن آن حضرت ادامه خواهد داشت. اما وقتی که آن حضرت ظهور کرد و حقانیت فاطمه علیها السلام بر همگان روشن شد و آن حضرت از ظالمان انتقام گرفت، دیگر به مخفی ماندن قبر ایشان نیازی نیست؛ زیرا همه چیز روشن شده و حق به حق دار رسیده است.

مخالفان امام

آیا صحیح است که مدعیان اسلام و ایمان، هنگام ظهور حضرت با مشاهدهٔ اسلام راستینی که حضرت برای مسلمین می آورد، با ایشان مخالفت می کنند؟

جنگ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با عده ای از مسلمانان، به ویژه سران فرقه های انحرافی خواهد بود، نه تودهٔ مسلمانان که حق طلب هستند، ولی حق را نشناخته اند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

... وان القائم یخرجون علیه فیتأوّلون علیه کتاب الله ویقاتلونه علیه؛ (۱)

به درستی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردمی روبه رو می شود که رودرروی او می ایستند و آیه های کتاب خدا را در برابر او به نظر خود تأویل می کنند و در همین راستا با او به نبرد برمی خیزند.

از این حدیث برمی آید که مخالفان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، علمای منحرف و سران فرقه های انحرافی اسلامی هستند.

۱- موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص۵۷۸.

شیطان چگونه به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته می شود؟

این پرسش را از سه جهت می توان پاسخ داد:

۱. جریان کشته شدن شیطان: در این باره باید گفت: زمانی که حضرت قیام می کنند و در مسجد کوفه هستند، شیطان در حالی که به زانو درآمده، می گوید: «وای بر من از این روز!» سپس حضرت پیشانی او را گرفته، گردنش را می زند؛ (۱)

۲. امکان کشته شدن شیطان: اگر منظور این است که آیا می توان شیطان را کشت یا نه، باید گفت: چنان که در قرآن تصریح شده است، شیطان از جنس جن است (۲) و چنان که معلوم است جنیان نیز مانند انسان متولد می شوند و از دنیا می روند؛ لذا مرگ یا کشته شدن شیطان که از جنس جنیان است از لحاظ علمی و علوم عقلی مشکلی ندارد و مانند فرشتگان و ملائکه نیست که مرگ و تغییر برایشان از لحاظ علمی محال باشد؛

۳. اِشکال کشته شدن: ممکن است تصور شود چون دنیا دار امتحان است و شیطان یکی از مکملان صحنهٔ امتحان به شمار می آید، اگر قرار باشد کشته شود و از بین برود، محل امتحان و ابتلا بودن دنیا هم از بین می رود و دیگر تکلیف (گناه و ثواب) معنای خود را از دست می دهد.

برای این که چنین تصوری پیش نیاید، باید تصویری از زمان ظهور داشته باشیم. در تصویری که مرحوم سید بن طاووس در کتاب سعد السعود از صحف ادریس پیامبر نقل می کند و در بحار الانوار نیز آمده است، چنین می خوانیم:

آن، روزی است که زمین از کفر و شر و گناه پاک می شود و خداوند برای آن عصر بندگانی را انتخاب نموده که قلب های آن ها را برای ایمان امتحان کرده

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۷۶.

۲- سورهٔ کهف، آیهٔ ۵۰.

و درونشان را با ورع و اخلاص و یقین و تقوا و خشوع و صدق و حلم و صبر و وقار و پرهیزگاری و بی رغبتی نسبت به دنیا و اشتیاق به آن چه در نزد خداوند است، آزمایش نموده است. (۱)

از این تعابیر و روایاتی شبیه به این روایت معلوم می گردد که دوران حضور حضرت، دورانی بسیار درخشان از لحاظ معنوی و اخلاقی خواهد بود.

در آن زمان به دلیل پیشرفت فوق العادهٔ بشر در عرصهٔ عبادت و بندگی، امتحان و آزمایش بندگان نیز وارد مرحلهٔ جدیدی خواهد شد. به عبارت دیگر، وضعیت به گونه ای خواهد بود که عرصه ای برای شیطان نخواهد ماند و کسی نخواهد بود که از او پیروی نماید، و از روایت به زانو درآمدن شیطان و تسلیم شدن او، این مطلب قابل استفاده است.

برای این که معلوم شود چگونه ممکن است شیطانی که این همه وسوسه

و دعوت می کند و موفق می شود، امکان دارد اثر خود را از دست بدهد،

مثالی می زنیم: اگر به دانش آموزی که در مقطع ابتدایی یا راهنمایی تحصیل می کند گفته شود: جلسات امتحانی ای وجود دارد که به شخص اجازه

داده می شود تا کتاب خود را همراه ببرد و در جلسهٔ امتحان از آن استفاده نماید،

او باور نمی کند. به این دلیل که با خود می اندیشد اگر کتاب در اختیار انسان باشد، امتحان مشکلی نخواهد داشت، همه را می تواند از روی کتاب جواب دهد. اما این مسئله برای یک دانشجو حل شده است؛ زیرا می داند امتحان هایی وجود دارد که بردن و باز کردن کتاب، کمک قابل ملاحظه ای به انسان نمی کند؛ زیرا امتحان به قدری در سطح بالا و دقیق است که بودن یا نبودن کتاب

بی تأثیر است.

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۸۵.

در زمان حکومت حضرت نیز اولاً، به دلیل پاکی معنوی بسیار بالای جامعه، اصلاً امکان وجود شیطان نیست و جامعه وجود او را برنمی تابد و حتماً باید از

بین برود تا طهارت زمین کامل گردد؛ ثانیاً، با رفتن او محل امتحان بودن دنیا مختل نمی شود؛ زیرا نفس انسان که او را دنبال خواسته های خود می کشد، وجود دارد و مبارزه با نفس، جهاد بزرگی است که ربطی به شیطان ندارد. از طرفی

موارد امتحانی به فراخور پیشرفت معنوی انسان به قدری دقیق و ظریف است

که وجود شیطان لازم نیست و این دقیق بودن امتحان از احادیثی معلوم می شود که مثلاً بیان می کند در آن دوران، گرفتن سود از برادر دینی حرام خواهد

بود، هرکس هر مقدار که احتیاج دارد از جیب برادر دینی خود برخواهد داشت؛ برادر دینی از برادر دینی خود ارث خواهد برد؛ گرفتن وثیقه از برادران دینی

حرام خواهد بود؛ کمک به برادر دینی واجب خواهد شد و بسیاری از مسائل دیگر که وقتی از ائمه علیهم السلام سؤال می شد، می فرمودند: «این حکم در زمان ظهور اجرا خواهد شد».

پس هرچند با از بین رفتن شیطان، انسان تصور می کند که ترک گناه آسان می شود، اما این همان تصور دانش آموز ابتدایی از بردن کتاب به جلسهٔ امتحان است؛ زیرا امتحان هم به همان میزان دقیق خواهد شد و امتحان دادن سخت تر.

آیا کشته شدن شیطان با آیهٔ «قَالَ فَإِنَّکَ مِنْ الْمُنْظَرِینَ إِلَی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (۱)

منافات ندارد؟

چنان که در تفسیر عیاشی آمده و تفسیر المیزان آن را نقل کرده، همین مسئله را وهب بن جمیع از امام صادق علیه السلام سؤال کرده و امام در جواب فرموده اند:

۱- خداوند فرمود: «همانا تو (شیطان) تا روز زمان معلوم مهلت داده شده ای» (سورهٔ حجر، آیات۳۷ و ۳۸؛ سورهٔ ص، آیات ۸۰ و ۸۱).

ای وهب! آیا گمان می کنی منظور، روز قیامت است، لکن خداوند او را تا زمان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهلت داده و وقت معلوم، زمان ظهور است. (۱)

یعنی درخواست شیطان شامل دو قسمت بود: یکی مهلت خواستن، و دیگری میزان مهلت که تا قیامت باشد و خداوند، درخواست دوم را قبول نکرد. لذا شیطان وقتی گفت: «می خواهم تا قیامت وقت داشته باشم!» خداوند در جواب فرمود: «تو تا وقت معیّنی اجازه داری». از همین عوض شدن جواب معلوم می شود که خداوند درخواست او را نپذیرفته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «منظور از وقت معلوم، زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است». لذا این آیه نیز منافاتی با کشته شدن شیطان به دست آن حضرت ندارد.

بیش ترین مخالفان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور از انسان ها هستند یا از جن ها؟

نقش اصلی در دنیا برعهدهٔ انسان هاست؛ بنابراین مخالفت جن ها در حاشیه و تابعی از مخالفت انسان هاست. جن ها به تنهایی نمی توانند سرنوشت جهان را تعیین کنند؛ زیرا خداوند جهان را برای انسان ها آفریده است. از این رو، دشمنان اصلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور، قطعاً انسان ها خواهند بود، البته امکان دارد که جن ها نیز در این کار به آن ها کمک کنند.

۱- المیزان، علامه طباطبایی، ج۱۲، ص۱۸۴.

یاران امام

وجود یاران

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند دیگر امامان، اصحابی دارند؟

همهٔ ما جزء معتقدان به امامت ایشان هستیم و از این جهت جزء اصحاب و یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شویم؛ یعنی تمام شیعیان، اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

اما اگر منظور از اصحاب، کسانی باشند که در کنار امام هستند و با ایشان زندگی می کنند، باید بگوییم طبق روایات، عد ه ای همیشه نزد امام هستند و امام تنها زندگی نمی کنند. آن ها همراه امام هستند و دستورهای ایشان را اجرا می کنند. در روایتی، تعداد آن ها سی نفر ذکر شده است؛ (۱) یعنی در هر زمان حداقل سی نفر همراه امام وجود دارد.

البته حضرت بعد از ظهور نیز در آغاز ۳۱۳ نفر یار ویژه خواهند داشت که فرماندهان حضرت هستند و غیر از آن ها یاران فراوان دیگری نیز دارند که تعداد آن ها به هزاران نفر می رسد.

۱- المیزان، علامه طباطبایی، ج۱۲، ص۱۸۴.

تعداد یاران

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور چه تعداد خواهند بود؟

براساس روایات، عدد اصحاب ویژهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به تعداد لشکر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غزوهٔ بدر (۳۱۳نفر) خواهد بود.

در تفسیر آیهٔ «وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ»، (۱) از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است که فرمودند:

همانا امت معدوده ۳۱۳ نفر از اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان است که همانند عدهٔ اهل بدر، در یک ساعت اجتماع می کنند... . (۲)

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

اول کسی که از طرف خدا با او بیعت می کند، جبرئیل است و نیز از مردم ۳۱۳ نفر با او بیعت خواهند کرد... .

نیز از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما با ترس یاری شده و با نصرت تأیید خواهد شد... پس

هنگامی که خروج می کند، بر کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ نفر به دور او

گرد می آیند... . (۳)

آیا احتمال دارد بر تعداد یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف افزوده شود؟

براساس روایات، یاران ویژهٔ حضرت ۳۱۳ نفر هستند که یاران حکومتی حضرت به شمار می آیند و هرکدام مسئولیت و مأموریت خاصی از طرف حضرت دارند. این تعداد که جزء یاران ویژهٔ حضرت هستند، در مرحلهٔ آغازین ظهور با ایشان

۱- سورهٔ هود، آیهٔ۸.

۲- کافی، ج۸، ص۳۱۳.

۳- موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص۵۸۹.

همراه می شوند و هستهٔ اولیهٔ انقلاب جهانی مهدوی را تشکیل می دهند و تعدادشان افزایش و کاهش نمی پذیرد.

در مرحلهٔ بعد، به تعداد یاران حضرت افزوده می شود و چنان که در روایات آمده، شمار آنان به ده هزار نفر هم می رسد. در این روند، بسیاری از افراد شایسته به یاران حضرت می پیوندند. البته نمی توان یاران حضرت را که در جنگ با دشمنان و دیگر مسائل با حضرت همکاری می کنند و در راه اهداف حضرت گام برمی دارند، به عدد خاصی محدود کرد. بنابراین چون برای این گروه از یاران حضرت عددی تعیین نشده، افزایش یا کاهش آن هم معنا ندارد.

چه کسانی از پیامبران الهی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه می شوند؟

با مراجعه به روایات، نام بعضی از پیامبران الهی را می توان یافت که در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور خواهند داشت؛ مهم ترین آنان، حضرت عیسی علیه السلام است. بنابر روایات شیعه و سنی، در زمان ظهور حضرت عیسی علیه السلام نزول خواهد کرد و پشت سر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز خواهد خواند. این نماز و اقتدای حضرت عیسی علیه السلام باعث می شود بسیاری از مسیحیان مسلمان شوند و امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بپذیرند.

در روایتی علاوه بر نام حضرت عیسی علیه السلام، نام حضرت ادریس، حضرت خضر و حضرت الیاس علیهم السلام نیز آمده است (۱) و (۲) که در کنار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور دارند، اما در روایات از سایر پیامبران سخنی به میان نیامده است.

۱- کشف الحق، ص۱۸۶.

۲- کافی، ج۱، ص۲۴۷-۲۴۲. روایتی از ملاقات امام باقر علیه السلام با حضرت الیاس آورده که از آن معلوم می شود حضرت الیاس در زمان ظهور، حضور خواهد داشت.

مشخصات یاران

اسم و ملیت و صفت اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سن آن ها را بیان کنید؟

اصحاب اولیهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۳ نفر هستند که نام بعضی از آن ها در روایات آمده است که از آن جمله اند: اصحاب کهف، یوشع بن نون، مالک اشتر، مقداد و سلمان و ابودجانهٔ انصاری؛ (۱) اما نام و مشخصات همهٔ آن ها را نداریم، البته تعدادی از کسانی که در گذشتهٔ تاریخ زندگی می کردند در میان اصحاب حضرت حضور خواهند داشت، یعنی گروهی نیز زنده شده، در رکاب حضرت حاضر می شوند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نام افراد را شمرده و شهرهای آن ها را نیز بیان کرده است؛ اما این روایت قابل اعتماد نیست و نمی توان گفت حتماً همان ها یاران امام هستند. البته در بعضی موارد نام فرد ذکر نشده، مثلاً فرموده: مردی از سرخس. در این روایات نام بسیاری از شهرهای ایران ذکر شده است؛ مانند اهواز، شوشتر، شیراز، اصفهان، بروجرد، نهاوند، همدان، قم، خراسان، آمل، گرگان، دامغان، سرخس، ساوه، طالقان، قزوین، فارس، ابهر، اردبیل، مراغه، خوی، سلماس، عبادان، کازرون و مرو. (۲) البته همچنان که تذکر دادیم، این احادیث قابل اعتماد نیستند.

بنابراین مشخصات دقیق اصحاب امام در دست نیست. مگر بعضی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام که نام آن ها ذکر شده است.

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها از شیعیان هستند یا اهل تسنن نیز جزء یاران ایشان هستند؟

وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمایند، همهٔ مردم دنیا را مورد خطاب قرار داده، پیام

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۶۰.

۲- ملاحم، سید بن طاووس، ص۱۴۵، باب۷۹.

اسلام و عدالت را به تمام افراد ابلاغ می نمایند. در آن هنگام هرکس سخنان حضرت را بپذیرد، جزء یاران وی می شود. لذا در روایات آمده است: کسانی جزء یاران امام می شوند که شبیه خورشید و ماه پرستان بوده اند؛ (۱) یعنی تا این حد از خدا و اسلام دور بودند، تا چه رسد به اهل سنت که به خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معتقدند.

کسانی که سخن عدالت خواهانه امام را قبول نکنند، جزء دشمنان حضرت می شوند؛ هرچند قبل از ظهور در ظاهر مؤمن باشند.

بنابراین حال فعلی افراد، نقش بسیار اساسی دارد؛ زیرا کم اتفاق می افتد که انسان در یک لحظه عوض شود، تنها ملاک عاقبت به خیری نیست. بنابراین باید دائماً روحیهٔ انتظار و عدالت طلبی و عمل به احکام اسلام را در نهاد خودمان تقویت کنیم تا هنگام ظهور جزء یاران حقیقی امام شویم.

البته یاران ویژهٔ امام که طبق روایات ۳۱۳ نفر هستند و فرماندهان و کارگزاران حضرت محسوب می شوند، چکیدهٔ تمام دوران هایند و از اصحاب حضرت موسی علیه السلام تا انسان های زمان ظهور را شامل می شوند و افراد مخلص و سخت کوش هر زمانی در کنار امام حاضر خواهند بود.

ویژگی یاران

ویژگی های یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟ آیا شهدا نیز از یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؟

مهم ترین ویژگی های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در روایات به آن اشاره شده عبارت اند از:

۱. بینش عمیق نسبت به حق تعالی:

امام علی علیه السلام درباره ویژگی یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۳۲، ح ۱.

آن ها مردانی هستند که خدا را آن چنان که شایسته است می شناسند. (۱)

در روایت دیگری می فرماید:

آنان به وحدانیت خداوند، آن چنان که حق وحدانیت است، اعتقاد دارند. (۲)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام دربارهٔ آن ها می فرماید:

آنان مردانی هستند که دل هایشان مانند پاره های آهن است و هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند ندارند. (۳)

این بینش نشانه دارد؛ نشانه های آن «ذکر» و «تلاش در اطاعت» است که روایات بدان اشاره دارد:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

آنان در دل شب، از خشیت خداوند مانند مادران جوان از دست داده ناله می کنند. (۴)

در روایت دیگری می فرماید:

شب ها را با عبادت به صبح می رسانند و روزها را با روزه به پایان می برند. (۵)

در روایت دیگری آمده است:

آنان مردان شب زنده داری هستند که زمزمهٔ نمازشان مانند صدای کندوی زنبوران به گوش می رسد. شب ها را با زنده داری سپری می کنند و بر فراز اسب ها، خداوند را تسبیح می گویند. (۶)

۱- «رجال عرفوا الله حق معرفته» (منتخب الاثر، ص۶۱۱).

۲- «فهم الذین وحّدوا الله حق توحیده» (یوم الخلاص، ص۲۲۴).

۳- «رجال کأن قلوبهم زُبُر الحدید لایشوبها شک فی ذات الله» (بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸).

۴- «لهم فی اللیل اصوات کأصوات الثواکل حزنا من خشیه الله» (یوم الخلاص، کامل سلیمان، ص۲۲۴).

۵- «قُوّام باللیل وصُوّام بالنهار» (یوم الخلاص، کامل سلیمان، ص۲۲۴).

۶- «رجال لاینامون اللیل لهم دوی فی صلواتهم کدوی النحل یبیتون قیاماً علی اطرافهم ویسبحون علی خیولهم» (بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸).

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هم دربارهٔ آن بزرگ واران می فرماید:

آنان در طریق عبودیت، اهل جدیت و تلاش اند. (۱)

۲. بینش عمیق نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفت و شناخت و اعتقاد کامل به امامشان دارند. امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید:

آنان قائل به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. (۲)

نتیجهٔ این بینشِ عمیق، عشق و محبت و اطاعت از امام است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

آنان برای تبرک، بر زین اسب امام دست می کشند و در میان رزم، گِردش می چرخند و با جان خود، از او محافظت می کنند و اطاعت آنان از امام، از فرمان برداری کنیز در برابر مولایش بیش تر است... و آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند. (۳) و (۴)

شهدا هم جزو یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؛ در روایات «رجعت» بیان شده است که مؤمنین خالص که از دنیا رفته اند، برمی گردند؛ (۵) مثلاً در روایات آمده:

۱- «مُجدّون فی طاعه الله» (یوم الخلاص، کامل سلیمان، ص۲۲۳).

۲- «القائلین بامامته» (منتخب الاثر، ص۲۴۴).

۳- «یتمسحون بسرج الامام یطلبون بذلک البرکه ویحفّون به یقونه بانفسهم فی الحروب... هم اطوع له من الأمه لسیدها... ویتمنّون ان یقتلوا فی سبیل الله» (بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸).

۴- در روایات ویژگی های دیگری مانند شجاعت، ایثار، یک دلی، استواری و امثال آن بیان شده است که می توانید برای اطلاع بیش تر به این منابع رجوع کنید: «مهدی یاوران»، فصل نامهٔ انتظار، ش۲، ص۷۳؛ جوانان یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدباقر پورامینی.

۵- تفسیر برهان، ج۲، ص۴۰۸.

«امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش رجعت می کنند». (۱)

اگر منظور شهدای هشت سال دفاع مقدس باشد، چون آن ها عاشق ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده اند، امید به بازگشت آن ها در دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برای این ادعا روایت داریم:

مفضل بن عمر می گوید: «خدمت امام صادق علیه السلام صحبت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و افرادی شد که عاشقانه انتظار ظهورش را می کشند و پیش از نیل به چنین سعادتی از دنیا می روند. امام فرمود:

هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، مأموران الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند و به آن ها می گویند: ای بنده خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر می خواهی که به او بپیوندی آزاد هستی و اگر بخواهی در نعمت های الهی متنعم بمانی باز هم آزاد هستی. (۲)

یارانی که اکنون همراه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، چه ویژگی هایی دارند و چگونه به آن حضرت پیوسته اند؟ چون طبق برخی روایات، وقتی امام برای شفای شخصی می رفتند چند نفر نیز همراهشان بودند.

یارانی که همراه امام زمان هستند، در اوج تربیت نفس خویش، به پایگاهی رسیده اند که تصور آن مشکل است. ایشان در بحران تضادها و کشمکش های مادی حاکم بر اجتماع بشری، خودشان را نگه می دارند و هیچ موقع تابع هواهای نفسانی خود و دیگران نمی شوند. هیچ کاری را به دلیل سود مادی انجام نمی دهند. در هر کاری خدا و مصالح افراد و جامعه را مدنظر خود قرار می دهند. به دلیل رسیدن به این مرحله، امام آن ها را برای همراهی خود انتخاب می کند و به

۱- بحارالانوار، ج۵۱، ص۵۶.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص۹۲.

مقامی می رسند که همیشه همراه امام اند. در واقع عمل ایشان، سبب رسیدن به جایگاه و مقام همراهی امام می شود.

آیا می توان پیروان راستین حضرت مسیح علیه السلام را که مسلمان نیستند، جزو یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برشمرد؟

قطعاً یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مسلمان هستند؛ ولی این مسئله به این معنا نیست که سایر ادیان نمی توانند یار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. بلکه پیروان ادیان، ابتدا دین اسلام را می پذیرند و سپس در زمرهٔ یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرند.

همان طوری که می دانید حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نزول می کند و انسان ها را به اسلام دعوت می کند. در روایتی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

... او از آسمان فرود می آید... با مردم برای دعوت به اسلام جنگ خواهد کرد، صلیب را خرد کرده... و خداوند در عصر او همهٔ ملت ها به جز اسلام را نابود می گرداند... . (۱)

حضور بانوان

در جایی شنیدم که پنجاه نفر از یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زن هستند. لطفاً در این باره با ذکر منابع این جانب را راهنمایی فرمایید؟

برای پاسخ به این سؤال ذکر چند نکته لازم است:

اولاً، در دیدگاه اسلام، حضور زن در امور اجتماعی یک مسئلهٔ پذیرفته شده است و می توان برای آن مؤیدهایی را ذکر کرد:

۱. حضور جدی حضرت زهرا و زینب کبرا علیهما السلام در امور اجتماعی و سیاسی؛

۱- سنن ابی داوود، ج۲، ص۳۱۹، ح۴۳۲۴؛ کنز الاعمال، ج۱۴، ص۳۳۳، ح۳۸۸۴۳.

۲. حضـور زنـان در میـان سـپاهیان پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم که وظـایفی همچون رسانـدن آب و غـذا به رزمنـدگان، پرسـتاری مجروحان، تهیـهٔ دارو، رساندن مهمات، انتقال شـهدا، و... داشـتند. چنین چیزی را در سـیرهٔ جنگی حضـرت امیر علیه السـلام می توان دیـد؛ مثل داسـتان حضور زنی به نام سوده حمـدانی در جنگ صـفین که رزمندگان را علیه معاویه تشویق می کرد. پس در سـیرهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سیرهٔ امیرالمومنین علیه السلام، حضور زن در میان یاران آنان امر مسلّمی است.

ثانیـاً، اگر سـیرهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف ادامـهٔ سـیرهٔ پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و امام علی علیه السـلام است، قطعـاً در دولت آرمانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز زنان از این جهت محروم نخواهنـد بود. در این زمینه روایات متعدد داریم؛ نظیر آن روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود:

زنـان همـان کارهایی را که در زمان پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم انجام می دادنـد، در زمان حضـرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز انجام خواهند داد. (۱)

۱. در برخی از روایات فقط اجمالاً به حضور زن تأکید شده و نامی از تعداد آنان برده نشده است؛

۲. برخی از روایات به سـیزده زن اشاره دارد که هنگام ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف با حضرت خواهند بود (۲) (البته این روایت تعداد زنان رجعت کننده در زمان ظهور حضرت را بیان می کند)؛

۳. برخی از روایات تعداد زنان را در جمع یاوران اصلی حضرت پنجاه نفر بیان کرده اند؛ مثل روایت نقل شده از امام باقر علیه السلام که تعبیر «فیهم خمسون

۱- دلائل الامامه، محمـد بن جریر طبری، ص۲۵۹؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۷۵ (به نقل از: چشم انـدازی به حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نجم الدین طبسی).

۲- دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، ص۲۵۹.

امرئه» دارد؛ (۱)

۴. در دستهٔ دیگری از روایات، تعداد یاران زن تا چند هزار نفر برشمرده شده است. (۲) البته این زنان غیر از یاوران اصلی حضرت هستند.

در نتیجه می توان گفت که با توجه به سیرهٔ نبوی و علوی، حضور زن در حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و در میان یاران آن حضرت، امری مسلّم است؛ اما این که چه تعداد از آنان زن هستند و یا این که در جمع ۳۱۳ نفر یار اصلی حضرت، چند نفرشان زن هستند، نمی توان عدد مشخصی را بیان داشت؛ زیرا بعضی از روایاتی که تعداد تعیین کرده اند (مثل روایت پنجاه نفر) از حیث سند ضعیف به شمار می آیند.

باید توجه داشت که یاری رساندن زنان به حضرت (برخلاف آن چه متبادر به ذهن است) به جبهۀ جنگ منحصر نیست، بلکه عرصه های مختلفی چون: حوزۀ فرهنگ و سیاست، امور اجتماعی و تربیتی را نیز دربر می گیرد؛ حوزه هایی که در آن ها میدان یاری برای زنان با حفظ کرامت زن، باز است و قطعاً زنان در حکومت حضرت می توانند در این عرصه ها نقش داشته باشند. (۳)

سرانجام یاران

سرانجام یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه می شود؟

در روایات دربارۀ سرانجام یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور و حکومت امام، به

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص۲۲۳.

۲- کتاب فتن، ابن حماد، ص۱۵۱ (به نقل از: چشم اندازی به حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نجم الدین طبسی).

۳- برای مطالعۀ ابتدایی نک: سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری؛ چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نجم الدین طبسی؛ برای تحقیق بیش تر نک: کمال الدین؛ الغیبه، نعمانی؛ بحارالانوار؛ دلائل الامامه، طبری؛ اثبات الهداه، حر العاملی.

صراحت چیزی دیـده نشـده است. طبق روایـات، گروهی از یاران امام رجعت می کننـد؛ یعنی کسانی هسـتند که پس از مرگ زنده می شوند و در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور می یابند. (۱)

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید:

هیچ یک از مؤمنان کشته نمی شوند مگر رجعت می کنند تا به مرگ طبیعی از دنیا روند و هیچ یک از آن ها به مرگ طبیعی از دنیا نمی روند، مگر رجعت می کنند تا کشته شوند. (۲)

گروهی از یـاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف که در دوران قبل از ظهور زیسـته و به مرگ طبیعی از دنیا رفته انـد، در دوران ظهور به فیض شـهادت می رسند، و گروهی دیگر که قبل از ظهور مظلومانه شهید شده اند، در دوران ظهور زندگی و به مرگ طبیعی رحلت می کنند. البته چنان که در بالا گفتیم، سرانجام آن ها دقیقاً بیان نشده و این یک احتمال است که می توان از روایات استفاده کرد.

وظایف یاران

برای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه باید کرد؟

یار امام بودن ویژگی هایی دارد که هم با ملاحظهٔ روایات معصومان علیهم السـلام و هم با ملاحظهٔ تاریخ می توان آن ها را به دست آورد. وقتی به تاریخ معصومان علیهم السـلام نگاه می کنیم، درمی یابیم که در میان مسلمانان، آن ها که به امام خویش معرفت و شناخت بیش تر و عمیق تری داشتند، و به همین دلیل در برابر او و فرمان هایش به

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۹۰، ح۹۵.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۴۰، ح۵. البته منظور روایت، تمـام مؤمنـان خالص و واقعی است نه همـهٔ کسانی که به ظاهر شـیعه و دوست دار اهل بیت علیهم السلام هستند. لذا در رجعت، همهٔ شیعیان به دنیا بازنمی گردند.

صورت کامل تسلیم بودند و به جای حرف و ادعا، در مقام عمل پیروی خود را نشان دادند، همان یاران واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در جنگ ها، سختی ها و تلخی ها بودند؛ افرادی چون: سلمان فارسی، ابوذر و مقداد برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و افرادی مثل مالک اشتر و عمار یاسر برای امیرمؤمنان علی علیه السلام، و نیکانی چون ۷۲ تن شهید کربلا- برای امام حسین علیه السلام. جالب این که در روایات فراوانی که دربارهٔ ویژگی های یاران امام مهدی صلی الله علیه و آله و سلم آمده است، بر مسئلهٔ معرفت عمیق یاران به آن حضرت و اطاعت کامل و بی چون و چرای ایشان از امام خود تأکید شده است؛ همچنین روایات به سلامت نفس، پاکی و تقوای آنان تصریح می کند.

امام صادق علیه السلام دربارهٔ این افراد فرموده است:

آن ها مردانی هستند که دل هایشان همانند قطعه های آهن (محکم) است. هرگز دچار تردید نمی شوند... . پروانه وار دور شمع وجود امام می گردند و خود را سپر جان او قرار می دهند... در سراسر شب نغمه های نماز و ذکر و عبادتشان چون صدای زنبور به گوش می رسد. آن ها زاهدان شب و شیران روز و در برابر امام عزیزشان کاملاً مطیع و تسلیم هستند. (۱)

البته به این نکته باید توجه کرد که یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم مثل دیگر ائمه علیهم السلام مراتب مختلفی دارند و روایات، بیش تر به ویژگی های یاران نزدیک حضرت که از بهترین شیعیان هستند، پرداخته است. به طور طبیعی هریک از ما امیدواریم جزء یاران حضرت باشیم؛ چون هم به او عشق می ورزیم، و هم منتظر قدوم مبارک اوییم و هم در دل و جان تصمیم به اطاعت از او داریم، ولی باید همتمان آن باشد که در مقام یاوری تا آن جا بالا بیاییم که مایهٔ روشنی چشم ایشان باشیم؛ به گونه ای که امام به یاری ما دل گرم باشد؛ همان گونه که مالک اشتر برای امام علی علیه السلام

۱- بحارالانوار، ج۲۵، ص۳۰۸.

این چنین بود و علی علیه السلام در فراق او و در ماتم او گریست و فرمود: «شما نمی دانید مالک که بود؟»

نکتهٔ دیگر آن است که در یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرقی بین زن و مرد نیست و هرکس می تواند با توجه به توانایی های خود در خدمت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؛ زیرا یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها جنگیدن و شمشیر زدن نیست تا مخصوص مردان باشد. همگان ـ چه مرد و چه زن ـ می توانند در جبههٔ یاوران امام عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرند.

بنابراین راه برای همه باز است تا جزء یاوران حضرت باشند: اول، با به دست آوردن ویژگی های رفتاری یاران حضرت و سعی در به دست آوردن اخلاق اسلامی و تقواپیشگی در همه حال؛ و دوم، با دعا و تضرع به درگاه حضرت حق و خواستن از او، ازجمله خواندن دعای عهد در هر صبح که براساس فرموده امام صادق علیه السلام، «خوانندهٔ دعای عهد ازجملهٔ یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و اگر بمیرد خدا او را در روزگار ظهور برمی گرداند» می توان به این مهم دست یافت.

نکتهٔ بسیار مهم این که یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها در زمان ظهور حضرت نخواهد بود، بلکه همین امروز و در دورهٔ غیبت هم، راه یاری رساندن برای همه باز است؛ البته این به تناسب موقعیت افراد فرق می کند. برای مثال، یکی از راه های یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که سعی کنیم دوستان آن حضرت را زیاد کنیم و این هدف مقدس را از راه های گوناگون به انجام رسانیم؛ مثل این که یاد و نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در محیط و جمع فامیل و دوستان و همسایگان زنده نگه داریم و سعی کنیم دوستان و فامیل را از بدی ها دور نگه داریم؛ چون گناه و فساد، آن ها را از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوستی آن حضرت جدا می کند. پس بکوشیم با روی خوش، نصیحت، دل سوزی و عمل کرد زیبا، در ساختن دیگران گام برداریم و از امر به معروف و نهی از منکر خسته و آزرده نشویم.

از راه های یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که وقتی ما را شیعه، دوست دار و مرید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شناختند، کاری نکنیم که سبب نفرت دیگران از دین و پیشوایان دینی گردیم، همان گونه که در روایات آمده است:

کُونُوا لَنا زَیْناً وَ لاتَکُونُوا عَلَیْنا شَیْناً؛ (۱)

برای ما زینت باشید، نه مایه ننگ و زشتی.

چگونه می توان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری نمود؟

اولین قدم برای یاری امام، شناخت شخصیت آن حضرت است. اگر کتاب های مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مطالعه نمایید، طبیعی است که با راه های زیادی تحت عنوان وظایف منتظران آشنا می شوید؛ یعنی عمل به وظیفه، بهترین راه برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه ای به شیخ مفید فرمودند:

فاتقوالله جل جلاله وظاهرونا علی انتیاشکم من فتنه؛ (۲)

تقوا پیشه کنید و ما را در نجات دادن خودتان از فتنه ها یاری کنید.

ترک گناه و حرام، عمل به واجبات، سعی و تلاش جدی در تحصیل و کار، و کمک به دیگران در هر موردی که در توان ما باشد، مثلاً ـ کمک علمی به دانش آموزان ضعیف یا تشویق و راهنمایی دیگران برای ادای واجبات و ترک حرام ها، بزرگ داشت روزهای مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی و شرکت در مراسم ها و... از راه های یاری رساندن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه کارهایی باید به جا آوریم که ظهور ایشان نزدیک گردد و جزء

۱- بحارالانوار، ج۶۵، ص۱۵۱، ح۶.

۲- احتجاج، ج۲، ص۳۲۳.

یاران و سربازان حضرت باشیم؟

برای دست یافتن به این هدف ارزش مند، باید تلاش و جدیت خود را به کار بریم تا جزء منتظران واقعی حضرت قرار گیریم.

ویژگی منتظران واقعی از این قرار است:

۱. معرفت و شناخت عمیق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با مطالعهٔ کتاب های معتبری که دربارهٔ ایشان نوشته شده است؛

۲. آگاهی از اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آن که متناسب با این اهداف، خود را آماده کنیم؛

۳. خودسازی و تهذیب نفس؛ یعنی اهمیت دادن به نماز و دیگر واجبات و وظایف دینی؛ مثل احترام و کمک به پدر و مادر و نیازمندان و پرهیز از گناه، به ویژه دوری از مال حرام و ظلم به دیگران؛

۴. همواره به یاد امام بودن و او را شاهد و ناظر خود دیدن؛

۵. تلاش برای شناساندن و آشنایی دیگران با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ترویج و تبلیغ فرهنگ مهدویت؛

۶. اهل امر به معروف و نهی از منکر بودن؛

۷. دعا برای سلامت حضرت و تعجیل فرج و آن چه به ایشان مربوط است.

عمل به این ویژگی ها، بهترین راه برای خشنود ساختن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به ویژه رعایت واجبات الهی و ترک حرام ها که بی شک عامل مهمی در خشنودی آن حضرت است.

آیا هرکس می تواند با انجام دادن عمل نیک، یکی از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گردد؟

به یقین انجام دادن اعمال نیک، رضایت خداوند متعالی و خلیفهٔ او امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را درپی دارد و با ایمان و عمل صالح، می توان در شمار یاران حضرت

قرار گرفت.

البته نکته این جاست که یاران امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف سه دسـته انـد: دسـتهٔ اول که از همه با فضـیلت ترند، ۳۱۳ یاور مخصوص آن حضرت اند؛ (۱) دستهٔ دوم که در رتبهٔ بعدی قرار دارند، سپاه ده هزار نفری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؛ (۲) و دستهٔ سوم که در رتبهٔ آخرند، خیل عظیم مؤمنان اند که پس از ظهور به آن حضرت می پیوندند.

به طور طبیعی قرار گرفتن انسان در هریک از سه دستهٔ یادشده، به درجهٔ ایمان

و عمل نیک او بستگی دارد و هرچه ایمان انسان مستحکم تر و عمل او بیش تر

و خالصانه تر باشد، نزد خداوند متعال و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جایگاه بالاتری

خواهد داشت. (۳)

آیـا یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف حتماً بایـد نماز اول وقت بخواننـد و کار نیک انجام دهنـد و حجاب خود را حفظ نمایند یا اگر تنها عاشق امام باشند کافی است؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جامع فضایل و کمالات انبیا و اولیاست. یار و یاور او هم باید در مسیری قرار بگیرد که به تدریـج به کمالات و فضیلت ها دست یابـد. چنین چیزی حاصل نمی گردد مگر با داشـتن عقایـد صـحیح و اعمال صالـح و داشـتن اخلاق خوب و پسـندیده. بنابراین یار و یاور امام در این مسیر باید به طور جدی قدم بردارد و کوتاهی نکند. اگر پایش لغزیـد، توبه کنـد و درصـدد جبران گذشـته برآید. داشـتن صداقت، اخلاص، جدیت، تلاش، خواندن نماز اول وقت و رعایت احکام اسلامی، ازجمله پای بندی به حجاب و عفت جزو این فضایل است.

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی کورانی، ج۵، ص۳۷.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۶۷.

۳- برای آشـنایی با ویژگی های یاران امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، نک: فصل نامـهٔ انتظار، ش۳؛ خصال یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدباقر پورامینی، ترجمه: ادارهٔ پژوهش و نگارش و جوانان یاوران مهدی.

تنها ادعای این که من عاشق و شیفتهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستم، کافی نیست. شعار بی مغز ارزش ندارد. این شعار عاشقی، باید شعور عمل و اثبات شوق و اشتیاق را هم داشته باشد و اثبات عشق، شور و اشتیاق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ادعا نیست و باید در عمل و رفتار نمایان باشد.

آیا با این که گناه کارم، آرزوی این که روزی از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشم، گناه دارد؟ البته اگر متوجه گناه شوم، توبه می کنم!

آرزوی یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بهترین آرزوی مسلمان خداجوست. حتی اگر انسان گنه کار است، می تواند با توبه کردن و کنار گذاشتن گناه، جزو یاران حضرت قرار گیرد. بنابراین همیشه باید یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را آرزو کنیم. همین آرزو می تواند عامل خوبی برای پاکی ما و دوری از گناهان باشد.

جهان بعد از ظهور

چگونگی وضع جهان

هنگامی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، دنیا چگونه خواهد بود؟

بی شک مهم ترین مأموریت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، برپایی حکومت عدل الهی در سراسر جهان است. این مهم که همواره آرزو و آمال همهٔ صالحان گذشته نیز بوده، بدون ایجاد تحول بنیادین در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، رسانه های ارتباطی و... امکان پذیر نیست.

مشکل عمدهٔ بشر در جهان امروز، فقدان دیانت و معنویت و گسترش ظلم و فساد است و تا زمانی که دین و تفکر دینی در اذهان مردم دنیا درونی نشود، هیچ تعهد و ارزش اخلاقی و رفتاری در عرصه های سیاسی و اجتماعی، تضمین نخواهد شد. عدالت، کلید اصلی حل معضلات بشر است. این کلید، خود به تحول بنیادین در حوزهٔ تفکر و اندیشهٔ جمعی امروز نیاز دارد. علت هم این است که عدالت، در حوزهٔ رویکرد رفتارهای اجتماعی نمود پیدا می کند و زیربنای آن، تصحیح نگرش ها و اندیشه هاست؛ زیرا بدون تصحیح نگرش ها، هیچ رفتار و روی کرد رفتاری ــ چه در حوزهٔ فردی و چه اجتماعی ــ قابل اصلاح و دوام نخواهد بود. از این نظر انقلاب حضرت، تحولی فکری و فرهنگی را درپی دارد که عدالت

اجتماعی در همهٔ ابعاد، ثمرهٔ شیرین آن به شمار می آید.

بنابراین جهان عصر ظهور، در فضای حکومت صددرصد دینی سیر می کند و در پرتو چنین حکومت دینی و قرآنی، همهٔ خواسته های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... جامعه بر محور عدالت دینی تأمین می گردد. به همین دلیل در قرآن و روایات، مأموریت اصلی حضرت، حاکمیت و غلبهٔ مطلق دین اسلام در همهٔ شئون جامعه معرفی شده است. پس این، مهم ترین تفاوت آن عصر با جهان امروزی است که قابل مقایسه نخواهند بود و تفاوت این دو از زمین تا آسمان است.

اسلام بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه جایگاهی دارد؟

آن چه از آیات قرآن (۱) به دست می آید، این است که اسلام بر تمام ادیان غالب خواهد شد و در زمین مستقر و پابرجا می شود. تصریح بسیاری از روایات (۲) هم این است که در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دین اسلام همهٔ کرهٔ زمین را فرا می گیرد و بر همهٔ ادیان جهان پیروز خواهد گردید.

بعد از ظهور آن حضرت، همه چیز پیشرفت می کند؛ مثلاً درهای دانشِ بی کران الهی به روی او گشوده می شود، آن هم نه تنها به آن اندازه که بر پیامبران و اولیا گشوده شد، بلکه بیش از سیزده برابر آن چه آنان از دانش بهره داشته اند. مردم نیز استقبال بیش تری به فراگیری دانش نشان خواهند داد. در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم به طور بی سابقه ای به اسلام روی خواهند آورد و روزگار خفقان و سرکوب دین داران و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سر می آید، در همه جا آوای اسلام طنین انداز خواهد شد و آثار مذهب تجلی می کند.

۱- سورهٔ توبه، آیهٔ۳۳؛ سورهٔ نور، آیهٔ۵۵.

۲- الملاحم و الفتن، باب۱۷۸، ص۱۷۳؛ منتخب الاثر، ص۱۶۰ - ۲۹۴؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۰.

به طور کلی می توان گفت: یکی از دغدغه های حکومت ها، جلب رضایت عمومی است، ولی به خاطر ضعف های بسیاری که در ادارهٔ مجموعه ها وجود داشته، چنین رضایتی حاصل نشده است. از ویژگی های اساسی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همین است که همهٔ افراد و اجتماعات بشری آن را قبول دارند و نه تنها همهٔ اهل زمین، بلکه دیگر موجودات نیز از آن حکومت الهی و فرمانروای عدل گستر راضی اند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

شما را بشارت می دهم به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... اهل آسمان و زمین از او راضی هستند. چگونه ممکن است کسی از حاکمیت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناراضی باشد و حال آن که برای همهٔ جهانیان روشن می شود که صلاح امر بشر و سعادت او در همهٔ جنبه های مادی و معنوی تنها در سایهٔ حکومت الهی آن حضرت است. (۱)

پس می توان گفت که در چنین موقعیتی طبعاً استقبال و پذیرش مردم به مظاهر و شعارهای دینی بی سابقه خواهد بود.

وضعیت افتاء و مرجعیت در جهان تشیع، بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه خواهد شد؟

روشن است که بعد از ظهور، علم فقه مانند سایر علوم پیشرفت فوق العاده ای خواهد کرد و با استفاده از محضر امام، بسیاری از مسائل مبهم حل خواهد شد و تحولی در اجتهاد روی خواهد داد.

طبیعی است که در آن زمان نیز برای افراد، مسائلی پیش می آید که باید حکم آن را دریافت کنند. بنابراین کسانی لازم خواهند بود که متخصص و صاحب نظر در امر فقه باشند و مشکل آن ها را حل نمایند. از آن جا که امکان ندارد تمام مردم از

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف اسـتفتا کننـد، در زمان ظهور نیز مجتهـدانی خواهنـد بود که افتاء می کننـد. البته افتاء تحول فراوانی خواهـد یـافت؛ مسائل کلی و مهم را حضـرت خود بیان می کنـد و طبیعتاً موارد جزئی و موردی را افراد صاحب نظر در فقه پاسخ می گویند.

آیا زمان ظهور ریشـۀ کفر و ظلم کنده می شود؟ آیا در آن ایام کسـی به فکر قیامت هست و آیا قیامت و حساب رسـی در آن ایام معنایی دارد؟

قطعاً در دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، براساس روایات، عدالت جهانی می شود و ظلم و ستم از بین می رود؛ ولی این مسـئله به معنـای گناه نکردن همـۀ انسان ها نیست؛ چون در زمان ظهور هم انسان ها قـدرت انتخاب و اختیار دارنـد و ممکن است برخی از انسـان هـا با تبعیت از هوای نفس، دچار معصـیت شونـد که در قیامت به حساب آن ها رسـیدگی خواهد شد. ضـمناً خوب می دانیم که قیامت، روز حساب رسـی است. اگر انسان های عصـر ظهور اصلاً گناه نکنند، خداوند متعال در روز قیامت به حساب آن ها می رسـد و به آن ها پاداش می دهـد و حساب رسـی به معنای مجازات مجرمان و مانند آن نیست. بنابراین قیامت معنای خودش را دارد و اشـکالی نـدارد که انسان های موحد و مؤمن عصـر ظهور نیز به فکر قیامت باشـند؛ زیرا یـاد قیـامت، انسـان سـاز است و همان طوری که ترس از عقوبت، مانع و موجب ترک معصـیت می شود، نیل به ثواب و پاداش هم ایجاد انگیزه و شوق می کنـد و انسان از معصـیت دست شسـته، اعمال صالـح انجام می دهـد. این تصور شـما که حتماً باید گناهی باشد تا قیامت معنا داشته باشد تصور باطلی است. قیامت روزی است که هم گناه کاران به جزای عمل خود می رسند و هم مؤمنان پاداش رفتار خود را می گیرند. پس اگر در عصر ظهور هم انسان ها صالح باشند، باز هم قیامت باید باشد تا پاداش رفتارهای صالحانه خود را بگیرند.

وضعیت پیروان ادیان و اهل کتاب در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برخورد امام با آن ها چگونه است؟

براساس آن چه در روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام آمده است، پس از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروان سایر ادیان فوج فوج به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پیوندند و به ایشان ایمان می آورند؛ چراکه از یک سو آن حضرت با ارائهٔ معجزات، حقانیت خود را ثابت می کند و از سوی دیگر با مشاهدهٔ اخلاق و سلوک آن حضرت مردم درمی یابند که ایشان مردی الهی و آسمانی است. عوامل دیگری همچون نزول عیسی علیه السلام و اقتدای ایشان به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در این مهم نقش عمده ای دارند.

اما از آن جا که در عصر ظهور انسان ها مجبور به تعبیت از حق نیستند و بلکه بااراده و اختیار خود باید مسیر دولت را انتخاب کنند و بپیمایند، طبیعتاً در آن زمان هم انسان های اندکی وجود خواهند داشت که همچنان بر عقاید باطل خود اصرار می ورزند و از ایمان به امام و تبعیت آن حضرت سرباز می زنند.

در این باره که سرنوشت این عدهٔ اندک چیست و نحوهٔ تعامل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با آن ها چگونه است، روایات متفاوتی وجود دارد؛ در برخی از روایات آمده است که این عدهٔ اندک میان پذیرش اسلام و کشته شدن مخیر می شوند؛ (۱) اگر آن ها اسلام را اختیار کردند، می توانند از تمام مزایایی که برای همهٔ مسلمانان وجود دارد استفاده کنند، اما اگر از پذیرش اسلام سرباز زنند، کشته خواهند شد؛ چراکه از یک سو امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به روشن گری خواهد پرداخت و حقانیت اسلام را برای آنان اثبات خواهد کرد، و از سوی دیگر به تمام سؤالات و شبهات آنان پاسخ خواهد داد، و از دیگر سو تمام موانعی که باعث گرایش به ادیان منسوخ می شوند، برداشته می شود و هیچ انگیزهٔ مادی و غیرمادی برای اصرار بر اعتقادات باطل وجود

۱- معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی کورانی، ج۵، ص ۶۰.

نخواهد داشت؛ با این وجود اگر کسی همچنان بر دین منسوخ خود اصرار ورزد و از پذیرش آیین اسلام سرباز زند، هیچ انگیزه ای جز عناد با حق و لجاجت و خودسری نخواهد داشت. انسان هایی این گونه اگر در دنیا باقی بمانند، افزون بر این که بر گناهان خود می افزایند، تهدیدی برای مؤمنان نیز خواهند بود؛ چراکه ممکن است در ایمان مؤمنان رخنه ایجاد کنند و جامعه را در درازمدت به تباهی بکشند.

در کنار این دسته از روایات، روایات دیگری نیز وجود دارد که براساس آن ها آن عدۀ اندک از طرف داران ادیان منسوخ که از پذیرش اسلام سرباز می زنند، از حق حیات برخوردار خواهند بود؛ آ ن ها در پناه حکومت اسلامی زندگی خواهند کرد و به ازای بهره مندی از مزایای دولت اسلامی جزیه خواهند پرداخت. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اهل ذمه چگونه رفتار خواهد کرد؟» آن حضرت فرمود:

سالمهم کما سالمهم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یؤتون الجزیه عن ید وهم صاغرون؛ (۱)

با آن ها به مسالمت رفتار می کند، همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین کرد و آن ها با خضوع و تسلیم جزیه را به دست خود می پردازند.

آیت الله ابراهیم امینی بر این باور است که روایات دستۀ دوم بر روایات دستۀ نخست مقدم اند؛ زیرا در برخی از آیات قرآن چنین آمده است که اهل کتاب تا روز قیامت هستند. برای نمونه در سورۀ مائده چنین آمده است که:

«وَمِنَ الَّذِینَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَی أَخَذْنَا مِیثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظّاً مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنَا بَیْنَهُمُ الْعَدَاوَهَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ»؛ (۲)

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۷۶.

۲- آیۀ۱۴.

ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم، پس قسمتی از پندهای ما را فراموش کردند. ما دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم.

از آن جا که روایات دستهٔ اول که بر کشته شدن اهل کتاب دلالت دارند، مخالف قرآن هستند و روایات دستهٔ دوم موافق قرآن، ترجیح با روایاتی است که موافق قرآن هستند. ایشان در این باره چنین می نویسد:

چنان که ملاحظه شد احادیث دو دسته اند، یک دسته موافق قرآن و دستهٔ دیگر مخالف قرآن. اما بر دانشمندان پوشیده نیست که احادیث موافق قرآن، بر احادیث مخالف مقدم اند و آن ها را از اعتبار ساقط می سازند. بنابراین یهود و نصارا در عصر دولت مهدی باقی خواهند ماند، ولی از عقیدهٔ تثلیث و شرک دست شسته خداپرست می شوند و در حمایت حکومت اسلامی به زندگی خویش ادامه می دهند. در عین حال دولت های باطل سقوط می کنند، قدرت جهان در دست مسلمانان شایسته قرار می گیرد، دین اسلام جهانی شده بر تمام ادیان غلبه می کند و بانگ توحید از همه جانبه بلند می شود. (۱)

آیا در عصر ظهور، غیر از اسلام دین دیگری وجود دارد؟ در صورتی که جواب مثبت است پس «لیظهره علی الدین کله» چگونه تفسیر می شود؟

پاسخ بخش نخست این پرسش از پاسخ پرسش پیشین روشن شد؛ دربارهٔ بخش آخر سؤال باید گفت: همچنان که راغب اصفهانی گفته است، یکی از معانی ترکیب «ظَهَر علیه»، غلبه و سیطره است. (۲) بنابراین مفاد آیهٔ موردنظر این است که در آخرالزمان دین اسلام بر تمام ادیان غالب خواهد شد و بر آنان سیطره

۱- دادگستر جهان، ص۲۵۹.

۲- مفردات، راغب اصفهانی، ص۵۴۱، مادهٔ «ظ، ه ، ر».

خواهـد یـافت؛ روشن است که برای تحقق سـیطره و غلبه لازم نیست که دین مغلوب نـابود شود و از بین برود، بلکه همین که اسلام دین رسمی دنیا باشد و قدرت و حاکمیت در دست مسلمانان باشد و دنیا براساس موازین اصول اسلامی مدیریت شود و ارزش های اسـلامی تبلیغ شود و مبنای آموزش و پرورش قرار گیرد و معتقـدین به سایر ادیان تحت الحمایـهٔ حکومت اسـلامی زندگی کنند، به معنای غلبهٔ اسلام بر سایر ادیان است.

آیا در عصر ظهور، پیروان دیگر ادیان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دشمنی خواهند کرد؟

به نظر می رسد در عصـر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف زمینه ها و عوامل فراوانی برای گرایش همهٔ انسان ها به رغم تفاوت دین، مذهب، افکار و سلایق به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد. برخورداری از فطرت های پاک، طرح مباحث فکری و روشن گری از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشکیل حکومت نمونهٔ اسلامی که در آن به تمام نیازهای مادی و معنوی انسان ها پاسـخ داده می شود، نزول حضـرت عیسـی علیه السـلام و اقتـدای ایشان به امام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف با ارائـهٔ معجزات، اسـتخراج کتب آسـمانی و اسـتدلال به آن ها برای اثبات حقانیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و... زمینه ها و عواملی هسـتند که به نظر می رسد با توجه به آن ها می توان پذیرفت پس از ظهور امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف پیروان سایر ادیان با اشتیاق فراوان به اسـتقبال امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف خواهند رفت و به آن حضـرت ایمان خواهند آورد. در روایات پیشوایان دینی نیز به مطلب یادشده تصریح شده است؛ ازجمله امام باقر علیه السلام فرمودند:

فلا یبقی یهودی ولا نصرانی ولا احد ممن یعبد غیر الله الّا آمن به وصدّقه ویکون الملّه واحده مله الاسلام؛ (۱)

۱- معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی کورانی، ج۵، ص۱۷۶.

پس هیچ یهودی و نصرانی و کسی که غیر خدا را می پرستد وجود نخواهد داشت مگر این که به او ایمان آورده و تصدیقش می کند و تنها یک آیین ــ اسلام ــ وجود خواهد داشت.

البته این که تصور کنیم آن چه گفته شد مربوط به همهٔ مردم است، به طوری که حتی یک نفر هم از ایمان آوردن به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سرباز نمی زند، تصور خیال پردازانه ای است؛ چراکه در عصر ظهور هم انسان ها دارای اراده و اختیارند و باز هم می توانند در برابر حقیقت لجوجانه مقاومت کنند، همچنان که در طول تاریخ انسان های معاند فراوان وجود داشتند که به رغم این که انبیای الهی حق را همچون آفتاب برایشان آشکار می کردند باز سرسختانه بر عقیدهٔ باطلشان اصرار می ورزیدند. بنابراین طبیعی است که در عصر ظهور هم انسان های معاند اندکی وجود داشته باشند که با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دشمنی برخیزند و طبیعی است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برخورد با این دسته از افراد، ابتدا به دعوت و روشن گری و پاسخ گویی به سؤالات و زدودن ابهامات و شبهات خواهد پرداخت و اگر پس از طی این مراحل باز به دشمنی با آن حضرت ادامه بدهند، با عکس العمل سرسخت و کوبندهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مواجه خواهند شد.

ویژگی های جهان عصر ظهور

وضعیت پیشرفت های علمی در عصر حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه خواهد بود؟

در پرتو دولت مهدوی، دانش، تکنیک و اقتصاد، پیشرفت حیرت انگیزی خواهند داشت که به گونه ای با یکدیگر ارتباط دارند.

پیشرفت برق آسای علوم:

این مسئله در روایات بسیار گویا و روشن مطرح شده است؛ علوم ۲۷ شاخه دارد که تنها دو شاخه از آن تا زمان ظهور برای بشر آشکار خواهد شد و ۲۵ شاخهٔ

دیگر در زمان دولت آرمانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار می شود. (۱) بنابراین پیشرفت علوم، دوازده برابر بیش تر از همهٔ اعصار گذشته خواهد بود. روایات دیگری هم در این خصوص آمده است که عقل بشر در زمان ظهور حضرت کامل خواهد شد، (۲) و راه اندیشیدن و خردورزی و شکوفایی دانش و بستر کمال برای انسان هموار خواهد شد، و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهل و نادانی را از ساحت فکر و اندیشهٔ بشر خواهد زدود.

پیشرفت تکنیک و فن آوری:

در این زمینه احادیثی وجود دارد که از زاویه های متفاوت به مسئله می نگرند. بی شک، تکنولوژی زمان حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار متفاوت با فن آوری امروزی بشر خواهد بود که به بی دینی گرفتار شده است. دیگر این که در زمان حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف محدودیت حاکم بر تکنولوژی امروز بشر وجود نخواهد داشت و گسترهٔ آن بسیار وسیع تر از آن خواهد بود که بشر امروز بتواند آن را درک کند.

نکتهٔ پایانی در جهت دار شدن علم است. دین خواهی در زمان حضرت، همراه و هم زمان با علم می گسترد و انسان آن عصر، دین داری و پیشرفت فن آ وری را ناسازگار نمی بیند.

بنابر روایات، انرژی و استفاده از انرژی غیرخورشیدی، (۳) وسایل سریع السیر، (۴) صدا و تصویر به گونه ای شهودی و حضوری در گسترهٔ عالم هستی کارآمد خواهند شد؛ (۵) همه چیز مانند کف دست، پیش روی خواهد بود و حضرت بر

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۶؛ (امام صادق علیه السلام).

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۸؛ (امام باقر علیه السلام).

۳- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۷؛ (امام صادق علیه السلام).

۴- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۲۱؛ (امام باقر علیه السلام).

۵- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۹۱؛ (امام صادق علیه السلام).

همهٔ عالم فرمان خواهد راند؛ (۱) نیکان در آزادی کامل، و بـدان محدود شده خواهند بود. (۲) تمام این ها در سایهٔ حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می پذیرد که بشر نظیر آن را هنوز تجربه نکرده است.

البته همهٔ این پیشرفت هـای عظیم و تعجب برانگیز، از طریق اعجـاز صورت نمی گیرد بلکه این پیشـرفت هـا محصول تکـامل علمی عصر بعـد از ظهور است؛ زیرا زنـدگی بشـر در این عالم بایـد مطابق سـنن حاکم بر طبیعت باشـد، نه اعجاز که اسـتثنا به شمار می رود و در موارد ضروری اتفاق می افتد. پس در دوران ظهور حضرت، صنایع و تکنولوژی تکامل می یابد.

پیشرفت های عظیم اقتصادی:

وقتی علم و دانش ترقی کرد و صنایع و تکنولوژی مطابق نیاز فراهم آمد، ناگزیر اقتصاد رشد خواهد کرد؛ یعنی پیشرفت علمی و فن آوری، اقتصاد توسعه یافته ای را نیز دربر خواهد داشت؛ چنان که در آموزه های دینی ما آمده:

گنجینه های زمین بر او ظاهر می شود و در سراسر جهان، ویرانی باقی نخواهد ماند... . (۳)

یا این که:

زمین برکاتش را خارج می سازد. (۴)

و یا گفتهٔ پیامبرخدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود:

امت من در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نعمت هایی دست می یابند که پیش از آن و

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۸؛ (امام صادق علیه السلام).

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۹۰؛ (امام باقر علیه السلام).

۳- منتخب الاثر، ص ۴۸۲؛ کمال الدین، ج۱، ص ۳۳۱.

۴- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

در هیچ دوره ای بدان دست نیافته اند. در آن روزگار، آسمان فراوان باران دهد، و زمین هیچ روییدنی را در دل خود نگاه ندارد. (۱)

یا این که مردم آن گونه معیشتی با رفاه خواهند داشت که کسی یافت نمی شود تا به او زکات دهند؛ یعنی مستحق زکات وجود ندارد. (۲)

از این روایات می توان استفاده کرد که در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توسعهٔ همه جانبه و موزونی اتفاق خواهد افتاد که همهٔ مردم از این توسعهٔ اقتصادی برخوردار خواهند شد. وقتی فرآورده های زراعی فراوان شود و عمران و آبادانی گسترش پیدا کند و زمین همهٔ برکاتش را تقدیم حضرت نماید، دیگر چیزی به نام فقر اقتصادی و جامعهٔ طبقاتی مفهوم نخواهد داشت.

در عصر ظهور، احکام دینی چگونه اجرا می شوند؟

اولین مرحلهٔ رسالت حضرت، تحریف زدایی از ساختار دین در حوزهٔ معرفت دینی است؛ آموزه های دینی در طول تاریخ آرام آرام به فراموشی سپرده می شوند و یا منحرف می گردند. لذا وظیفهٔ اصلی حضرت، احیای احکام فراموش شده و پاک کردن زنگار از چهرهٔ مقدس دین اسلام است تا طعم دین داری به ذائقهٔ دین داران شیرین افتد و از ثمرهٔ دین داری بهره ببرند.

مرحلهٔ بعدی، اجرای صحیح احکام دین است:

۱. اجرای حد بر رباخواران و غاصبان حقوق و اموال مردم؛

۲. پیراستن تزیینات و تشریفات از ساختار مساجد؛

۳. کشیدن خط بطلان بر تفسیرهای غلط و تأویل های ناصواب از آیات و ارائهٔ تفسیر صحیح؛

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۳.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۴. احیای بخش های متروک مانده از کتاب و سنت پیامبر و سیرهٔ امامان علیهم السلام. (۱)

بـا توجه به شـیوه های نو و قضاوت درست حضـرت، دین و آموزه های آن متروک نخواهـد مانـد و همـهٔ احکام دین اجرا می شود.

مدینهٔ فاضله پس از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

آرمان های گذشـته و آیندهٔ بشر در عصر ظهور و استقرار دولت کریمهٔ مهدوی محقق می شود. در آیات و روایات به برخی از نمادهای آن زمان اشاره شـده است که مهم ترین آن ها عبارت انـد از: تحقق عـدالت جهانی در همـهٔ ابعاد زنـدگی جامعهٔ آن روز، امنیت فراگیر، رفاه و آسایش همراه با نشاط معنوی، رشـد شـگفت انگیز علوم، گسترش فرهنگ دینی و اسـلامی در همهٔ شئون جامعه و مهم تر از آن، تربیت اخلاقی و معنوی و رشد بی نظیر فرهنگ دینی در همهٔ ابعاد در میان مردم

آن عصر. (۲)

آیا هنگام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف مدینهٔ فاضله تحقق می یابد؛ با وجود این، آیا درست است که پیرزنی آن حضرت را شهید می کند؛ آیا آن پیرزن از افراد مدینهٔ فاضله است یا خیر؟

براساس آیات و روایات اسـلامی، پس از ظهور امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل دولت جهانی عدالت گستر، مدینـهٔ فاضـلهٔ اسـلامی محقق خواهد شد؛ آرمان شـهری پدید خواهد آمد که همهٔ انسان های حق طلب در آرزوی آن، و همهٔ انبیا و اولیا درپی تحقق آن بوده اند. ویژگی مدینهٔ فاضله در کتب فلاسفه و عرفا آمده و جای بحث آن در این جا نیست؛ اما به اختصار باید گفت که مراد از مدینهٔ فاضـله آن است که زمین مانند شـهری می شود که در آن به همهٔ نیازهای طبیعی و معقول بشر پاسخ

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۳ و ص۲۳۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۲ و ص۳۳۵؛ بحارالانوار، ج۱۰۲، ص۱۱۳.
۲- برای اطلاع بیش تر نک: سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری.

داده می شود و آدمی به کرامت واقعی خود می رسد. در آن جا خبری از ظلم و بیدادگری، کینه و غرض ورزی، جهل و بی خردی، ناامنی و نگرانی و... نخواهد بود. اما نباید تصور شود که تحقق مدینهٔ فاضله، به معنی شایستگی همهٔ افراد و ساکنان این شهر است. اگرچه خوبی ها، ارزش ها و صفات نیکو، چهرهٔ غالب مدینهٔ فاضله است و اعضای آرمان شهر مهدوی به دلیل رشد عقلانی و انسانی، از تعامل اجتماعی بسیار خوبی بهره مندند، در عین حال ممکن است افراد تبه کار و مجرم هم پیدا شوند؛ چراکه اختیار و ارادهٔ انسان، حقیقتی تغییرنایافتنی است و امکان دارد کسانی به دلیل پیروی از هوای نفس گرفتار گناه شوند. ولی مهم آن است که در مدینهٔ فاضله، گناه و تباهی، چهرهٔ زشت جامعهٔ انسانی است و به هیچ وجه در قالب یک ارزش تحقق نخواهد یافت. از این رو، مجرم و تبه کار پیوسته احساس ناامنی می کنند و در صورتی که جرمشان تجاوز به حقوق دیگران باشد، قطعاً به سزای عمل خود خواهند رسید.

اما داستان شهادت امام به دست یک پیرزن، سند و مدرک محکمی ندارد (۱) و به فرض صحت و تحقق چنین امری، با ایجاد مدینهٔ فاضله منافاتی ندارد؛ زیرا همان گونه که گذشت، در مدینهٔ فاضله قوانین حاکم بر جامعه و اجرای آن ها به گونه ای عالی و کامل است که بیش تر افراد این جامعه در کمال و رشد به سر می برند؛ ولی این بدین معنا نیست که هیچ انسان شقی روی زمین یافت نشود و هیچ انسانی در خلوت خود گناه نکند و انسان ها هوا و هوس نداشته باشند. بلکه بدین معناست که بیش ترینِ افراد جامعهٔ انسانی آن روز، بر هوا و هوس خود غالب گشته، تفکر آنان به کمال می رسد. اما در این میان، افراد پستی نیز ممکن است یافت شوند.

۱- الزام الناصب، ص۱۹۰، مطلبی در این زمینه نقل می کند که سند ندارد، در نتیجه ضعیف است.

مقایسهٔ دوران

جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، چه فرقی با جهان پس از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد؟

وضعیت جهان قبل از ظهور با زمان بعد از ظهور و استقرار دولت کریمهٔ مهدوی، از ابعاد مختلف مادی و معنوی، تفاوت های بسیاری دارد که قابل مقایسه نیست.

جهان قبل از ظهور به سمت فساد، تباهی، ظلم و جور پیش می رود و هر روز بر ابعاد آن افزوده می گردد؛ در حالی که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهان از جهات مختلف به سوی سامان یابی در حرکت است؛ مانند استقرار عدالت در جامعه، امنیت همگانی، رفاه عمومی، رشد و بلوغ فکری جامعه و... . امام صادق علیه السلام دربارهٔ وضعیت پیش از ظهور می فرماید:

در آن زمان می بینی که ظلم و ستم همه جا را فراگرفته، قرآن فرسوده و بدعت ها در مفاهیم آن نفوذ کرده؛ آیین خدا همانند ظرفی که آن را واژگون سازند، در عمل بی محتوا شده؛ اهل باطل بر حق پیشی بگیرند؛ مردان به زنان و زنان به مردان (شوهران) قناعت نکنند؛ افراد باایمان سکوت اختیار کنند؛ کوچک ترها، بزرگ ترها را احترام ننمایند؛ پیوند خویشاوندی بریده شود؛ چاپلوسی فراوان گردد؛ شراب آشکارا نوشیده شود؛ رشوه خواری در میان دولت مردان رایج گردد؛ سرگرمی های ناسالم چنان رواج یابد که کسی نتواند جلوی آن را بگیرد؛ همسایه، همسایهٔ خود را از ترس زبانش احترام کند؛ مردم سنگ دل شوند و عواطف مردم بمیرد؛ مساجد پر شوند از کسانی که از خدا نمی ترسند؛ تمام همت مردم شهواتشان گردد؛ امکانات مادی و دنیوی فراوان شود و دنیا به مردم روی آورد؛ زنان بر جامعه حاکم گردند؛ مردم صبح ها مست و عصرها تشنه اند؛ و... . (۱)

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۵۶ - ۲۶۰.

در این حـدیث شـریف که بخشـی از آن ذکر گردید، به گوشه هایی از مظاهر فساد و تباهی در عصـر قبل از ظهور اشاره شده است. دقیقاً همین وضـعیت عالم گیر شدۀ بی عدالتی و ظلم و فساد، ضـرورت روی کرد جامعه به سوی مصـلح یگانه، حضرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را ایجاب می کنـد؛ زیرا چنین کار معجزه آسایی تنها از جانب آن حضـرت امکان پـذیر است. از همین رو در روایات و ادعیه در توصیف آن حضرت آمده است:

یملأ الارض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً؛

کسی که دنیای پر از ظلم و جور را سرشار از عدل و قسط می کند، آن حضرت است.

در سایۀ دولت کریمۀ ایشان، جهان یک پارچه از نعمت های مادی و معنوی بیش ترین بهره را می برد.

شکوفایی علم و دانش در آن عصـر به کمال خود می رسد. طبق روایات، آنچه تاکنون در دسترس بشـر بوده، تنها دو بخش از مجموع ۲۷ بخش علوم است و ۲۵ بخش دیگر آن، در عصـر ظهور به فعلیت می رسد، (۱) و تمامی جهان در پرتو برنامه های حضرت به بلوغ فکری ـ فرهنگی خواهند رسید. از نظر دگرگونی های صنعت تکنولوژی و وسایل اطلاعاتی، پیشرفت اعجاب آمیزی رخ خواهـد داد. به لحـاظ اقتصـادی، جهان به حـد کامل رفاه و آسایش می رسـد. طبق روایات، گنـج های زیرزمینی و روزمینی و برکـات آسـمانی و زمینی در آن زمـان گشـوده می شـود و در سرتاسـر جهـان، ویرانه ای یـافت نمی شود: «تظهر له الکنوز ولایبقی فی الارض خراب الّا یعمره». (۲)

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۶.

۲- منتخب الاثر، ص۴۸۲.

مهم تر از همه این که اسلام فراگیر می شود و دین الهی در تمام عرصه های حیات نمود می یابد؛ به گونه ای که طبق بیان قرآن کریم، همه در صف واحد آهنگ توحید سر می دهند و از شرک خبری نخواهد بود: «یَعْبُدُونَنِی لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئًا». (۱)

بنابراین تفاوت های بنیادین در عصر ظهور به قدری است که با وضعیت حاضر مقایسه پذیر نخواهد بود؛ زیرا آن حضرت نقطهٔ اوج رحمت الهی بر بندگان و ثمرهٔ عملی تلاش همهٔ انبیای الهی در گذشته است. (۲)

محل امام

محل زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهورشان کجا خواهد بود؟

امام باقر علیه السلام می فرماید:

مهدی قیام می کند و به سوی کوفه می رود و منزلش را آن جا قرار می دهد. (۳)

بعد از ظهور از دیدگاه روایات

امام علی علیه السلام زمان بعد از ظهور را چگونه ترسیم کرده است؟

در ترسیم فضای عصر ظهور، روایات بسیاری از حضرت علی علیه السلام به دست ما رسیده است که برخی از آن ها عبارت اند از:

گویی اکنون به شیعیانمان در مسجد کوفه می نگرم که خیمه ها زده اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می آموزند. بدانید که قائم ما چون قیام کند، آن مسجد را بازخواهد ساخت و قبلهٔ آن را استوار خواهد نمود. (۴)

۱- سورهٔ نور، آیهٔ۵۵.

۲- برای اطلاع بیش تر نک: سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری.

۳- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲۵.

۴- الغیبه، نعمانی، ص۴۵۱.

در روایتی امام علی علیه السلام به مالک بن حمزه فرمود:

... در این زمان، قائم ما قیام کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد آورد. (۱)

پس می توان گفت که راه و روشی بر پایهٔ قانون حق و عدل استقرار خواهد یافت.

در حدیث دیگری حضرت علی علیه السلام می فرماید:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قاضیان زشت کار را کنار می گذارد و دست سازش کاران را از سرتان کوتاه و حکم رانان ستم پیشه را عزل می نماید و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می سازد. (۲)

این حدیث برنامه های حضرت را بیان می کند.

حضرت در روایت دیگری فرموده اند:

چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل بیرون رود. (۳)

این حدیث بیان کنندهٔ رشد تربیتی عصر ظهور است.

امام صادق علیه السلام پیشرفت علم را پس از ظهور چگونه بیان می کند؟

امام صادق علیه السلام می فرماید:

علم و دانش ۲۷ حرف است و همهٔ آن چه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تا آن موقع جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را بیرون می آورد، آن را بین مردم نشر و گسترش می دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع ۲۷ حرف را در میان مردم منتشر می سازد. (۴)

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۰۶.

۲- بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۲۰.

۳- منتخب الاثر، ص۴۴۴.

۴- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۶.

طبق این روایت، بشـر هرچه از نظر علم و دانش پیشرفت کند، در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یک باره بیش از دوازده برابر رشد و گسترش می یابد.

منظور از ۲۵ حرف باقی مانده از علوم در زمان ظهور چیست؟

بشـر هرچه از نظر علم و دانش پیشرفت کند، باز هم مجهولات زیادی باقی می ماند که به مراتب بیش تر از معلومات است. لذا در دوران ظهور پیشـرفت علم به حـد نهـایی خود می رسـد و همـهٔ مجهولاـت حـل می شود. طبق روایات اگر علم و دانش ۲۷ حرف باشـد، پیامبران فقط دو حرف آن را آورده انـد و ۲۵ حرف باقی مانده را حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف خواهـد آورد که این روایـات میزان پیشـرفت علم و دانش را در زمان ظهور بیان می کننـد. همچنین بایـد در نظر داشت هرچه علم پیشرفت کند، مجهولات بیش تری را به ما نشان خواهد داد.

آیا بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز عالم برزخ وجود دارد یا خیر؟

عـالم برزخ، عالم بین این دنیا و قیامت است. هرکس که می میرد و از این دنیا می رود، تا پیش از زنـده شـدن برای قیامت، در عـالم برزخ به سر می برد؛ ولی دوران ظهور و حیـات و حکومت امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در این دنیا و روی همین زمین است، بنـابراین به عـالم برزخ ربطی نـدارد. در زمـان ظهور و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز هرکس از دنیا برود وارد عالم برزخ می شود و تا قیامت در آن جا خواهد بود.

حکومت

امکان تشکیل حکومت

آیا اجرای انقلاب جهانی توسط یک فرد (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) ممکن است؟

همان طوری که هر انقلاب و رویداد اجتماعی به زمینه ها و شرایط آن بستگی دارد، قیام و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم که بزرگ ترین حرکت جهانی به شمار می رود، پیرو همین اصل است و بدون تحقق زمینه ها و شرایط آن، به وقوع نخواهد پیوست. البته منظور این نیست که در انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امدادهای غیبی و آسمانی وجود نخواهد داشت، بلکه مقصود آن است که در کنار امدادهای الهی، زمینه ها و عوامل و شرایط عادی نیز باید فراهم شود که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱. طرح و برنامه: بدیهی است که هر انقلابی، مخصوصاً اگر جهانی باشد، به برنامه ای جامع برای مبارزه از طریق سازمان دهی بهتر نیروها نیاز دارد؛

۲. یاران: برای اجرای انقلاب جهانی، بدیهی است که یاورانی متناسب با آن می خواهد تا به نتیجه برسد؛

۳. آمادگی عمومی: یکی از شرایط بسیار مهم پیروزی انقلاب جهانی، آمادگی عموم مردم است.

پس با شرایط مذکور، اجرای انقلاب جهانی ممکن خواهد بود.

اساس حکومت

اساس حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر چه پایه ای استوار است و قدرت امام از چه عواملی نشئت می گیرد؟

اگر منظور این است: ملاک مشروعیت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟ آیا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت خود را براساس رأی مردم پایه گذاری می کند، یا براساس اذن و حکم خداوند؟ بی گمان، براساس معیارهای اسلامی، تنها خداوند حق حاکمیت دارد. او این حق را به پیشوایان معصوم دین و ازجمله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اعطا کرده است. اما از آن جا که مردم در عصر ظهور، عصمت، عدالت مداری، ظلم ستیزی، رأفت، جود و کرم، علم و دانش، حسن تدبیر و سایر کمالاتِ بی مانند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینند، به دلیل آن که این ویژگی ها را در هیچ یک از زمام داران دیگر نیافته اند، با جان و دل به حاکمیت ایشان رضایت می دهند و از آن حضرت فرمان برداری می کنند.

قدرت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن این که برخاسته از امدادهای غیبی است، از حمایت مردمی و اراده های پولادین پیروان و یاران مخلص آن حضرت در سراسر جهان ناشی می شود.

ویژگی های حکومت

حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه ویژگی هایی دارد؟

۱. قلمرو جهانی: حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکومتی جهانی است که روایات فراوان آن را تأیید می کند. از جمله امام باقر علیه السلام فرموده است:

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از (خاندان پیامبر) است... فرمانروایی او شرق و غرب را فراخواهد

گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همهٔ ادیان غلبه می دهد؛ اگرچه مشرکان را خوش نیاید؛ (۱)

۲. مقبولیت عمومی: یکی از ویژگی های اساسی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که مورد قبول همهٔ افراد و اجتماعات بشری است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

شما را بشارت می دهم به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که اهل آسمان و زمین از او راضی هستند... ؛ (۲)

۳. کارگزاران دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: آن ها از بزرگان و نیکان امت اند؛ مثلاً عیسی علیه السلام که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: «همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده ام نه امیر و فرمانروا»؛ (۳)

۴. پیشرفت دانش و علم: امام صادق علیه السلام می فرماید:

علم و دانش، ۲۷ حرف است و آن چه پیامبران آورده اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را بیرون آورده، در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آن ها ضمیمه ساخته، مجموع ۲۷ حرف را منتشر خواهد کرد. (۴)

۵. شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی: به طوری که فقر از جامعه ریشه کن می شود و فقیری پیدا نمی شود. امام باقر علیه السلام می فرماید:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر سال دوبار به مردم می بخشد و در هر ماه دوبار به آن ها روزی عطا می کند و به مساوات بین مردم عمل می فرماید تا این که هیچ

۱- کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ص ۶۰۳، ح ۱۶.

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۳- ملاحم، سید بن طاووس، ص ۸۳.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

نیازمندی به زکات پیدا نمی شود. (۱)

حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

به دست ما روزگار سختی ها سپری می گردد... و چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ما قیام کند... [در آن روزگار چنان محیط امنی ایجاد شود] که زن با همهٔ زیب و زیور خود از عراق تا شام برود... و چیزی او را نترساند. (۲)

۶. گسترش عدالت: همان طوری که امام حسین علیه السلام فرموده است:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند پس از آن که از ستم و بیداد آکنده باشد، این چنین از پیامبر شنیده ام. (۳)

۷. رشد معنویت: در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم به گونهٔ بی سابقه ای به معنویت روی می آورند. همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خداوند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می فرستد و به وسیلهٔ او عظمت را به دین باز می گرداند... در آن روزگار کسی بر کرهٔ خاکی نیست جز آن که ذکر لااله الاالله بر زبان دارد. (۴)

۸. ریشه کن شدن فساد و رذایل اخلاقی: نهی از منکر که یکی از شاخصه های حکومت الهی است، تنها به زبان نخواهد بود، بلکه در عمل با منکرات و زشتی ها مقابله خواهد شد تا جایی برای فساد و رذایل اخلاقی در جامعه نماند و محیط زندگی از زشتی ها پاک گردد. همچنان که در دعای ندبه می خوانیم:

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۹۰، ح۲۱۲.
۲- خصال، ج۲، ص۴۱۸.
۳- کمال الدین، ج۱، باب ۳۰، ص۵۸۴، ح۴.
۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص۶۵.

کجاست آن که ریسمان های دروغ و افترا را ریشه کن خواهد کرد؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوا و هوس را نابود خواهد ساخت. (۱)

اگر دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کریمه است، چرا منافقان در آن دولت ذلیل می شوند؟ مگر دولت امام علی علیه السلام کریمه نبود که منافقان جایگاه یافتند و دورویی نمودند و حضرت را خانه نشین کردند؟

در زمان حضرت علی علیه السلام مردم خیلی از مسائل را درک نمی کردند، و به همین دلیل به آن ها فرصت داده می شد و دورویی می کردند، ولی وضعیت در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برعکس وضعیت کنونی است و بشر با وجود این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می رسد، به همان اندازه به تعالی اخلاق و کمال انسانی نزدیک می گردد. در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اجرای برنامه های آسمانی، آن چنان انسان ها از نظر شخصیت پرورش می یابند که گویی آنان غیر از انسان هایی هستند که در گذشته زندگی می کرده اند. آنان که برای درهم و دیناری خون نزدیک ترین افراد خود را می ریختند، در حکومت آن حضرت پول و ثروت در نظرشان بی ارزش و خوار می گردد. اگر تا پیش از ظهور بر آنان حسد، کینه، نفاق و دشمنی چیره بود، در حکومت آن حضرت، دل هایشان به هم نزدیک می شود تا جایی که گویی یک جان در چند کالبد می گردند. حکومت آن امام باعث رشد و تکامل خردها و اخلاق می شود و در آن روزگار استعدادها تکامل می یابد.

پس با توجه به مطالب یادشده، می توان گفت چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرهنگ جامعه را بالا می برد، در نتیجه نفاق دیگر توان ماندن ندارد؛ چون منافق از نادانی مردم استفاده می کند. در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه آگاه خواهند بود. بنابراین کسی توان دورویی و نفاق ندارد. روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روزگار آشکار شدن حق با تمام

۱- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

جلوهٔ خویش است و حجت بر همگـان تمـام می شود. بنـابراین برای کفر و نفـاق جایی نمی مانـد، و منافقان نیز همچون کفار، ذلیل خواهند شد.

مدت حکومت

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور چند سال حکومت خواهند کرد؟

در مورد مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در روایات عددهای مختلفی

ذکر شـده است؛ پنـج سال، هفت سال، نوزده سال، چهل سال، هفتاد سال، ۳۰۹ سـال و... که ممکن است این روایات، به دوره های مختلف حکومت حضرت مربوط باشد.

به همین دلیل، بسیاری از علما و نویسندگان، روایت هفتاد سال را دوران حکومت حضرت تفسیر کرده اند (۱) و روایات دیگر را به معنای مراحل و مقاطع مختلف دوران حکومت دانسته اند.

نقش مردم

مردم اعم از کودک و نوجوان و جوان (مرد و زن) در حکومت امـام عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف چه نقشـی برعهـده دارند؟

به طور کلی نقش مردم ـ چه مرد و چه زن ـ در قیام و حکومت آن حضـرت بسـیار پررنگ است و نمی توان جایگاه مردمی را در قیام حضرت انکار کرد؛ زیرا:

۱. حضرت، بشر گرفتار در گرداب ظلم و فساد و تباهی را نجات می دهد ـ چه مرد و چه زن و چه بزرگ و چه کوچک؛

۲. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بستر عدالت را به شکل اعجاز فراهم نمی آورد، و اگر این گونه

۱- چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۷۳.

بود، به غیبت طولانی احتیاج نبود و لزومی نـداشت که مردم به خودسازی توصـیه شوند و به آن ها گفته شود که وظایف خود را خوب انجام دهنـد تا مصـداق منتظران مصـلح باشـند. به عبارت دیگر، اصـلاحات حضـرت از ناحیهٔ خداوند افاضه می شود، ولی مردم هم باید به درک و فهم این اصـلاحات الهی در گسترهٔ عالم هستی برسـند. در تمام روایات ظهور حضـرت، به انجام دادن وظایف سـفارش شـده است. حتی در تشـرفات قطعی آمـده است که حضـرت فرمود ه انـد: «مردم زمینهٔ ظهور را فراهم و خود را آمـادهٔ ظهور نماینـد». پس کار موعود اسـلام، تنها امری خارق العاده نیست؛ بایـد این امر در چارچوب قوانین حاکم بر طبیعت اتفاق افتد که جز با خواستن مردم و آماده شدن کامل بخشی از آنان انجام نمی شود؛

۳. آن گاه که حضـرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل حکومت دهند، مردم در ساختار حکومتی آن حضرت ــ از مناصب مهم و کلیـدی گرفته تا کارهای خدماتی ــ نقش برعهده خواهند داشت؛ و از هر طبقه، گروه و قشـری از عدالت نفع می برند و در سایهٔ این عدالت، به کمال عقلی، اخلاقی و پیشـرفت در همهٔ عرصه های اجتماعی، سیاسـی، اقتصادی، امنیتی و... دست می یابنـد. حضور زنان در آن حکومت، بنابر نصّ روایات ما جـدّی است؛ اگرچه تعـداد آنان دقیقاً مشـخص نیست، حضورشان در حرکت اصلاح طلبانه حضرت قطعی است.

در دولت حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف از جوانـان و حضور پررنگ آنان بسـیار سـخن گفته شـده است. در حدیثی حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

یاران اصـلی قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف همگی جوان هستند و سال خورده در میان آنان اندک است؛ به سان سرمه در چشم یا نمک در طعام، باز هم کم تر. (۱)

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۳؛ الغیبه، نعمانی، ص۳۱۵.

در حدیث دیگری فرموده اند:

سید حسنی جوانی از فرزندان امام حسن علیه السلام است که با دوازده هزار سوار به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پیوندد. (۱)

اما کودکان چون وظیفه ای ندارند، تنها از مواهب حکومت عدالت گستر حضرت بهره می برند.

نقش زنان در حکومت حضرت مهدی چیست؟

همان گونه که زنان در انقلاب پیامبر نقش بزرگی داشتند و همواره در طول تاریخ اسلام و امامان معصوم، به شکل های گوناگون امام زمان خود را یاری می کردند، در انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نقش زنان، بسیار مهم است؛ زیرا آن ها نیمی از پیکر جامعه هستند. بنابراین می توانند در عرصه های مختلف جهادی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یار و یاور امام زمان خود باشند.

به ویژه در عرصهٔ فرهنگی، زنانِ بافرهنگ و فرهیخته، می توانند با مشکل نادانی مبارزه کنند، معارف اسلامی را به همگان تعلیم دهند. امام باقر علیه السلام فرمود:

در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شما حکمت و (دانش) داده می شود، تا آن جا که زن در درون خانه اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت می کند. (۲)

در عرصهٔ اجتماعی نیز می توانند با حفظ شئونات اسلامی در محیط های مختلف، به کار و فعالیت اجتماعی بپردازند. هیچ دلیلی نداریم که گفته باشد زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حاشیه هستند یا این که تنها در عرصه ای خاص حضور دارند؛ بلکه زنان با حفظ کرامت انسانی و الهی خود در محیط های

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص ۲۷۰؛ ملاحم، سید بن طاووس، ص۷۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۹.

مختلف فعالیت خواهند داشت.

در بعضی روایات به این مطلب تصریح شده است که تعدادی از یاران حضرت زن هستند. ازجمله در روایتی می گوید:

سیزده نفر از زنان برجستهٔ گذشته که از دنیا رفته اند، در زمان حضرت به دنیا بازگشته، حضرت را یاری می کنند. (۱)

حتی نام آن ها نیز ذکر شده است. در روایت دیگری، ضمن ذکر ۳۱۳ نفر یاران اصلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیان می کند که پنجاه نفر زن نیز در میان آنان است. (۲)و (۳)

مقایسهٔ حکومت ها

تفاوت حکومت حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام با حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در چیست؟

بین این دو حکومت نقاط اشتراک و شباهت های فراوانی وجود دارد. هردو حکومتی الهی و عدالت محورند که در رأس آن یک حجت الهی قرار دارد؛ اما با توجه به روایات و از نظر تحقق خارجی، در این زمینه ها تفاوت دارند:

گسترهٔ حکومت: حکومت حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام منطقه ای بود. امام باقر علیه السلام می فرماید:

حضرت داوود و همین طور حضرت سلیمان علیهما السلام بر منطقهٔ شامات تا بلاد اصطخر (از فلسطین و لبنان تا ایران) حاکم بودند. (۴)

در حالی که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جهانی است و شرق و غرب عالم را

۱- دلائل الامامه، ص۴۸۴.

۲- بحارالانوار، ج۲، ص۲۲۳، ح۸۶.

۳- برای اطلاع بیش تر در این زمینه نک: نقش زنان در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۶۸.

۴- بحارالانوار، ج۱۴، ص۲، ح۵.

دربرمی گیرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

خداوند متعال به دست او مشرق و مغرب عالم را خواهد گشود. (۱)

این تعبیر بیان کنندهٔ این نکته است که هیچ نقطه ای از زمین باقی نمی ماند مگر این که در سیطره و حکومت او قرار می گیرد و اگر در روایات آمده است که چهار نفر حاکم بر همهٔ زمین شدند ازجمله حضرت سلیمان و داوود علیهما السلام (۲)، مراد از همهٔ زمین، سرزمین های مسکونی شناخته شدهٔ آن زمان است. پس قطعاً نقاطی مثل قارهٔ امریکا، ژاپن و مانند آن را دربر نمی گرفته است؛ ولی در حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام کرهٔ زمین در حیطهٔ حکومت ایشان قرار می گیرد.

دست آورد و نتیجه: طبق وعدهٔ قطعی قرآن کریم و روایات فراوان، در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام مظاهر شرک برچیده می شود و توحید کامل بر سراسر جهان سایه خواهد افکند. در آیهٔ ۵۵ سورهٔ نور، تعبیر «... لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئًا»، و در بیان امام صادق علیه السلام که می فرماید: «در روی زمین هیچ بقعه و مکانی که غیر خداوند در آن عبادت شود باقی نمی مانـد، مگر این که خداوند عزّوجلّ در آن عبادت می شود و دین، تماماً از آنِ خداوند خواهد شد»، این حقیقت تأکید شده و قطعاً محال است که وعدهٔ الهی تحقق نیابد: «اِنَّ اللهَ لَا یُخْلِفُ المِیعَادَ». (۳) اما حاکمیت توحید با این کمیت و کیفیت، در حکومت حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام به چشم نمی خورد. خداوند متعال در آیهٔ ۷۸ و ۷۹ سورهٔ مائده می فرماید:

کسانی که از بنی اسرائیل کافر شدند، مورد لعن حضرت داوود و عیسی بن

۱- کمال الدین، باب۳۳، ح۳۱، ما روی عن الامام الصادق علیه السلام.

۲- خصال، ص۲۷۵؛ بحارالانوار، ج۱۲، ص۳۶، ح۱۳؛ تفسیر عیاشی، ج۱، ص۱۴۷.

۳- سورهٔ آل عمران، آیهٔ۹.

مریم قرار گرفتند؛ زیرا نافرمانی و تجاوز می کردند. آن ها از منکری که دیگران به جای می آوردند، نهی نمی کردند.

نکتهٔ قابل توجه این است که مهم ترین ابزار قدرت حضرت سلیمان علیه السلام انگشتر او بود و براساس آن چه در روایات متعدد آمده، (۱) هم اکنون آن انگشتر نزد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارث تمام انبیا و اولیا علیهم السلام است. عصا و سنگ حضرت موسی علیه السلام، پیراهن حضرت یوسف علیه السلام، پرچم و سلاح رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همگی نزد اوست. تمامی فرشتگانی که برای یاری انبیا و اولیا آمده اند، جملگی هنگام ظهور، گرد حضرت جمع خواهند شد. همچنین پیامبر بزرگی چون حضرت عیسی علیه السلام برای یاری او نازل خواهد شد. تمام این امور نشان می دهد، آن چه بناست در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق یابد، بی نظیر خواهد بود. از این رو، برای برچیدن تمام ظواهر شرک، همهٔ راه کارهای عملی و لازم تدارک دیده شده است.

سیرهٔ قضایی: قضاوت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس واقع و علم غیب ایشان خواهد بود؛ (۲) ولی سیرهٔ قضایی حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام براساس بیّنه و قسم بود و تنها در مدت بسیار کوتاهی حضرت داوود علیه السلام براساس واقع قضاوت می کرد. (۳)

امور شگفت انگیز: نکتهٔ دیگر، امور شگفت انگیزی است که در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می افتد که مهم ترین آن رجعت است. رجعت سابقهٔ بسیار طولانی دارد (ازجمله در میان بنی اسرائیل)، اما به کیفیت و کمیتی که در دوران

۱- کمال الدین، باب۳۵، ح۷، ما روی عن الرضا علیه السلام؛ الغیبه، نعمانی، ص۲۴۹، باب ما یعرف به عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲- کمال الدین، باب۵۸، نوادر الکتاب، ح۱۹؛ بحارالانوار، ج۱۴، ص۱۴، ح۲۳.

۳- البرهان، ج۴، ص۷۰۴، ذیل آیهٔ ۱۵۹ سورهٔ اعراف و سایر تفاسیر روایی.

ظهور صورت می گیرد، از زمان آدم علیه السلام تا آن زمان بی مانند است. پانزده نفر از قوم موسی علیه السلام، اصحاب کهف، یوشع وصی موسی علیهما السلام، سلمان، ابادجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر، (۱) ازجمله افرادی هستند که در زمان ظهور آن حضرت به دنیا بازمی گردند.

به عبارت دیگر، برای یاری حضرت، گل چینی از برگزیدگان همهٔ امت ها رجعت می کنند و از طرفی، سردمداران کفر و ضلالت نیز برای مجازات برگردانده می شوند. این نکات نشان می دهد حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومتی بی نظیر و موعود همهٔ امت هاست.

حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه با خواستهٔ حضرت سلیمان علیه السلام که عرض کرد: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِی وَهَبْ لِی مُلْکًا لَا یَنْبَغِی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِی إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ...»؛ (۲) «پروردگارا، مرا حکومتی عطا کن که هیچ کسی را پس از من سزاوار نباشد...». قابل جمع است؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا باید در خواستهٔ حضرت سلیمان علیه السلام دقت شود. اگر او از خداوند متعال درخواست حکومتی کرده که از هر جهت بی نظیر باشد و خداوند چنین حکومتی را تا روز قیامت به احدی ندهد، اولاً، چنین درخواستی حاکی از بخل است و انبیا علیهم السلام دارای مقام عصمت اند و منزه از این صفات ناپسندند، ثانیاً، اجابت چنین درخواستی با حکمت خداوند متعال منافات دارد. بنابراین آن چه حضرت سلیمان علیه السلام درخواست نمود، مسئلهٔ دیگری است که چند وجه در این باره ذکر شده است:

۱. انبیا علیهم السلام بنا به موقعیت های زمان خود، هرکدام دارای معجزهٔ خاصی بودند. با توجه به این که بنی اسرائیل در جانشینی حضرت سلیمان علیه السلام برای پدرش

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۹۰، ح۹۵.

۲- سورهٔ ص، آیهٔ۳۵ - ۳۸.

حضـرت داوود علیه السـلام معترض بودند، (۱) وی از خداونـد متعـال معجزه ای بر نبوتش و نشـانه ای برخلافتش درخواسـت نمود، مبنی بر این که خداونـد عزوجل حکومتی به او عطا کند که به دست آوردن آن جز از طریق خداوند امکان پذیر نباشد. به عبارت دیگر، او حکومتی را طلبیـد که احـدی با توان و قدرت خود نتواند آن را به دست آورد و این امر معجزه ای برای او باشد. از این رو، خداوند متعال باد و شـیاطین را مسخّر او ساخت، زبان حیوانات را به او آموخت و اموری را به او عطا کرد که تحصـیل آن از طریق غیرخداوند محال است. پس چنین خواسته ای هرگز بر اعطا نکردن چنین حکومتی ــ بلکه بالاتر از آن ــ به انبیای دیگر و اوصیای آنان علیهم السلام دلالت ندارد؛ (۲)

۲. امام موسی بن جعفر علیهما السلام در پاسخ سؤال علی بن یقطین در همین باره فرمودند:

... حضـرت سـلیمان علیه السلام حکومتی را از خداوند متعال درخواست نمود که الهی بودن آن برای همه روشن باشد؛ تا بعد از او احـدی نگویـد او هماننـد سـایر ملـوک و پادشاهـان بـا زور و غلبـه ایـن حکـومت را به دست آورده است. خداونـد نیز به حکومت او ویژگی هایی مثل تسـخیر باد و جنیان و... عطا نمود تا الهی بودن آن بر احدی پوشـیده نماند؛ و مردم همان زمان و بعـد از او نیز فهمیدنـد که حکـومت او شـبیه حکـومت کسـانی نیست که از طرف مردم برگزیـده می شونـد، یـا بـا غلبه و ظلم حکومت خود را به دست می آورند. (۳)

براساس این قول، در آیـهٔ ذکرشـده، جملهٔ «اَنْ یَقُولَ اِنَّهُ اَخَذَهُ بِالْجَوْرِ وَ الْغَلَبَهِ» محذوف است. یعنی به من حکومتی عطا کن که برای احدی بعد از من سزاوار

۱- بحارالانوار، ج۱۴، ص۶۷، باب۵، ح۲.

۲- بحارالانوار، ج۱۴، ص۸۶، باب۶، ح۱، قسمت الثانی و ص۸۹ و رابعها... .

۳- بحارالانوار، ج۱۴، ص۸۵.

نباشد که بگوید: او این حکومت را با ستم و غلبه به دست آورده است. (۱)

چرا پیشوایان معصوم، با آن قدرتی که خداوند به آن ها داده بود، حکومت واحد جهانی تشکیل ندادند؟

در واقع، انسان مانند کودکی است که به تعلیم در سطوح مختلف احتیاج دارد تا به رشد نهایی خود برسد و به تدریج باید این مراحل را طی کند. به همین دلیل، رهبران الهی بدون ایجاد شرایط و زمینهٔ کافی برای رسیدن به آن هدف، آمادگی اجرای حکومت عدل جهانی را ندارند و این به دلیل نقص آنان نیست، بلکه مشکل، نبودن شرایط و زمینهٔ لازم و آماده نبودن مردم است؛ زیرا مردم قابلیت آن را ندارند، مگر زمانی که آمادگی و شرایط آن به تدریج به وجود آید.

۱- البته وجوه دیگری هم برای بیان درخواست او ذکر شده است. ازجمله در مجمع البیان ذیل همین آیه و همین طور در بحارالانوار، ج۱۴، ص ۲۳۰، باب۶ به تفصیل در این باره بحث و احتمالات متعددی ذکر گردیده است.

سیرهٔ امام

اولین اقدام

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی که می آید اولین کاری که می کند چیست؟

طبق بیان روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اولین اقدام خود بعد از ظهور، خود را به جهانیان معرفی می فرماید و امر ظهورش را به مردم اعلام می نماید.

امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، به کعبه تکیه می زند و می گوید: «بقيهُ اللهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِين» سپس خود را معرفی می نماید که: من بقیه‌الله، من خلیفه الله و حجت الهی در میان شما هستم. در آن حال هرکسی به او سلام می کند، می گوید: «السلام علیک یا بقیه الله». (۱)

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید:

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به دیوار کعبه تکیه می دهد و مردم جهان را مخاطب قرار می دهد و می فرماید: هرکس بخواهد آدم و شیث را ببیند، اینک منم آدم و شیث؛ هرکس بخواهد نوح و سام را ببیند، اینک منم نوح و سام؛ هرکس بخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، اینک منم ابراهیم و اسماعیل؛ هرکس بخواهد موسی و یوشع را ببیند، منم موسی و یوشع؛ هرکس بخواهد عیسی و شمعون

۱- المهدی فی القرآن، سیدصادق شیرازی، ص۷۶.

را ببیند، منم عیسی و شمعون؛ هرکس بخواهد محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام را ببیند، منم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام؛ هرکس بخواهد حسن و حسین علیهما السلام را ببیند، منم حسن و حسین؛ هرکس بخواهد امامان از اولاد حسین علیه السلام را ببیند، منم آن امامان معصوم از نسل پاک حسین علیه السلام. اینک سخنان مرا گوش کنید تا شما را از آن چه شنیده و می دانید و آن چه تاکنون نشنیده و نمی دانید، خبر دهم... . (۱)

این که حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقام معرفی خود اسامی پیامبران و امامان علیهم السلام را می برد، به خاطر این است که ایشان عُصاره و تجسم کامل اهداف و آرمان هایی به شمار می رود که انبیا و اوصیا برای آن مبعوث شده اند؛ و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماد کامل همهٔ آرزوهای تاریخ بشر است که تلاش انبیا و ائمه علیهم السلام را به ثمر می نشاند.

مرکز حکومت

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کوفه را مرکز حکومت خود قرار می دهد؟ چرا؟

در چندین روایت بیان شده است که مقر جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شهر کوفه و محل زندگانی شخص ایشان نیز در این شهر و مسجد سهله است. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند و به سوی کوفه می رود و منزلش را آن جا قرار می دهد. (۲)

ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای ابامحمد! گویا می بینم که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم با خانواده اش در مسجد

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۹.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲۵.

سهله فرود آمده است... . (۱)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از مسجد سهله یاد نمود و فرمود:

آن خانهٔ صاحب ما (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ زمانی که با خاندانش در آن جا سکونت گزیند. (۲)

در این باره روایات دیگری نیز نقل شده است. (۳)

در جواب بخش دوم سؤال باید گفت که کوفه مقر حکومت عدل امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام بوده است. احتمال می رود انتخاب کوفه به این جهت باشد که عدالت مهدوی ادامهٔ حکومت عدل علوی است.

برخی از محققان هم احتمال دیگری داده اند و می گویند:

کوفه پایگاه مشترک حسین علیه السلام و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام حسین علیه السلام از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقر حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد، یعنی راه نیمه تمام سیدالشهدا علیه السلام را به پایان خواهد رساند. (۴)

قرآن و سنت جدید

قرآن و سنت جدیدی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می آورد، چیست؟

از روایت هایی که حرکت های فکری و فرهنگی حضرت را در عصر ظهور بیان می کند، دانسته می شود که در این روزگار توجیه ها، تأویل ها، تحریف ها، انحراف ها و پیرایه ها، بسیاری از باورهای اسلام ناب را تهدید می کند و

۱- کافی، ج۳، ص۴۹۵؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۱۷ و ۳۷۶.

۲- کافی، ج۳، ص۴۹۵؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۱.

۳- برای اطلاع بیش تر نک: چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۶۹.

۴- عاشورا و انتظار، سیدمسعود پورسیدآقایی، ص۲۴.

ساخته های ذهنی مدعیان دین، به عنوان باورهای دینی ترویج می شود. امام صادق علیه السلام دربارهٔ راه و روش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

راه و روش او، چون پیامبر است؛ یعنی هرچه پیش او باشد ویران می کند، چنان که پیامبر جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را از نو می نمایاند. (۱)

در روایات اسلامی، از تجدید اسلام توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن به میان آمده است. (۲)

خلاصه در زمان غیبت، بدعت هایی در دین گذاشته می شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تأویل و تفسیر می شود و بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می شود که گویا اصلاً از اسلام نبوده است. وقتی حضرت ظهور می کند، بدعت ها را باطل می کند و احکام خدا را به همان گونه که صادر شده ظاهر می نماید و حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می کند. از این روست که چنین برنامه ای برای مردم تازگی دارد.

برخورد با مسلمانان

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور چگونه با مسلمانان برخورد می کند؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امام رحمت و مهربانی است و برای هدایت و سعادت انسان ها قیام می کند، نه برای کشتن و ویران کردن. به همین دلیل، خلاف واقع می نماید اگر چهرهٔ ایشان را خشن و چنان خون ریز بپندارند که به کسی مهلت تفکر و

توبه نمی دهد.

با توجه به این مقدمه، وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور و قیام کند، مانند

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۱.

۲- الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۳.

روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام ابتدا با رحمت و مهربانی فراوان به بیان حقیقت دین و پیام اسلام برای جهان می پردازد و گروه فراوانی توبه می کنند

و انسان های پاکی می شوند، حتی غیرمسلمانان سخن ایشان را می پذیرند و گرد

او جمع می شوند. حضرت، به کمک و یاری آن ها نهضت خود را شروع می کند. کسانی که سخن امام را نپذیرفته اند، اگر به این دلیل باشد که هنوز دلایل

کافی ندیده اند و اطمینان ندارند، به آن ها مهلت داده می شود تا خوب بیندیشند و کسی معترض آن ها نمی شود. اما اگر بعد از اتمام حجت و اقامهٔ دلیل، باز هم

به دشمنی خود ادامه دهند و بی دلیل به مخالفت برخیزند، امام با آن ها

برخورد می کند.

بنابراین حضرت تنها با دو گروه برخورد و مبارزه می کند:

۱. گروهی که بدون دلیل بر عقاید خود پا می فشارند، دلیل های روشن امام را نمی پذیرند و به مخالفت قیام می کنند؛

۲. سران ظلم و شرک که دنیا را از آنِ خود می دانند و با آزادی و سعادت مردم مخالف اند و همه چیز را برای خود می خواهند و حقوق مردم را رعایت نمی کنند و خواستار ظلم، فساد و گناه هستند.

برخورد با شیعیان

آیا بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیعیان نیز به دست آن حضرت کشته می شوند؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، شیعه را به آخرین حد کمال می رساند، او در عصر غیبت همواره به شیعیان عنایت دارد. به شیخ مفید می فرماید:

ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند. ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی و اهمال نکرده ایم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود دشواری ها و مصیبت ها بر

شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می کردند. (۱)

کسی که در عصر غیبت این همه لطف، مهربانی، رحمت و عنایت به شیعیان دارد، (۲) آیا در عصر ظهور با آن ها برخورد می کنـد و آن ها را از بین می برد؟ هرگز چنین گمان نمی رود. امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در عصـر ظهور با اقامهٔ عـدل و حق بـا کـانون هـای فساد و تباهی مبارزه می کنـد و انسان های ظالم و فاسـد را که حاضـر به پـذیرفتن ایمان و صـلاح نیسـتند از بین می برد، و اگر روایتی دربارهٔ برخورد با شـیعیان باشـد، منظور فرقه های منحرف شـیعه، ماننـد اسـماعیلیه و زیدیه است.

مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

اگر قائم ما قیام کند، از دروغ گویان شیعه شروع می کند و آن ها را به قتل خواهد رساند. (۳)

این روایت ضـعیف است؛ زیرا کشّـی این روایت را تحت عنوان «مـا روی فی محمـد بن ابی زینب»، معروف به ابوالخطـاب که فرقهٔ خطابیه به او نسبت داده می شود، نقل کرده است. او کسی بود که احادیث زیادی از طرف امام علیه السلام در مورد لعن و نفرین او صادر شد و حضرت از خداوند طلب نمود که حرارت شمشیر را به او بچشاند. (۴)

بر فرض قبول روایت، می گوییم: روشن است که مقصود این روایت، دروغ گویـان و فرقه های انحرافی شـیعه است که امروزه به فرقـهٔ بـاب و بهـاء معروف انـد. امـام عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف با فرقه های انحرافی شـیعه برخورد می نمایـد و آنان را هدایت می کند وگرنه، ریشه کن

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶.
۲- برای آگاهی از مهربانی ها و الطاف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جلوه های محبت نک: میر مهر، سیدمسعود پورسیدآقایی.
۳- اختیار معرفه الرجال، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۵۸۹.
۴- اختیار معرفه الرجال، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۵۹۱.

می شوند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، همگان را به اسلام دعوت می کند؛ اسلامی که در تشیع اصیل، متبلور است. بنابراین همان طوری که در عصر غیبت از کیان شیعه حمایت می کند، در عصر ظهور نیز آن را به تمام جهانیان عرضه می کند.

برخورد با کارگزاران

برخورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با کارگزاران حکومتی چگونه است؟

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اقامهٔ عدل و حق، به محرومیت و ظلم خاتمه می دهد و برای آن که ذره ای ستم از جانب دولت و کارگزاران نظام او بر کسی نشود و حقی ضایع نگردد، با مسئولان و کارگزاران حکومتی خود سخت می گیرد. در دولت او عدالت محض برقرار است، پس هیچ گونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد و سخت گیری آن حضرت با مسئولان و کارگزارانش به همین سبب است. (۱) لذا در روایات آمده است:

المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جواد بالمال رحیم بالمساکین شدید علی العمال؛ (۲)

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به مال و دارایی بخشنده است و نسبت به مسئولان و کارگزاران دولت خویش بسیار سخت گیر و نسبت به ناتوانان و مستعضعفان بسیار دل رحم و مهربان است.

لذا در روایتی آمده است:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به تمام کارگزارانش دستور می دهد که عدل و احسان را شیوهٔ خود سازند. (۳) آن حضرت دقیقاً فرمان خدا را اجرا می کند و با کسی حساب

۱- تاریخ ما بعد الظهور، سیدمحمد صدر، ص۵۲۲.

۲- منتخب الاثر، ص۳۱۱.

۳- تاریخ عصر غیبت، سیدمسعود پورسیدآقایی، ص۴۳۸ (به نقل از: الامام المهدی، ص۲۷۱).

خویشاوندی ندارد. (۱)

خلاصه آن که سیرت مدیریتی حضرت با مسئولان جامعه اش این است که اگر آن ها خطا کنند حضرت از خطای آن ها چشم پوشی نمی کند.

برخورد با کافران

وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، چگونه کافران را گردن می زند، آیا همه را یک جا جمع می کند یا به همه جا سفر می کند تا با ستمکاران مبارزه کند؟

قرار نیست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گردن همهٔ کافران را بزنند؛ زیرا براساس روایت ها، بسیاری از کافران به ویژه اهل کتاب، به حقانیت امام پی می برند و به آن حضرت ایمان می آورند.

حضرت با آن عده از کافران که ایمان نمی آورند، برخورد می کند. این جنگ ها در کشورهای گوناگون رخ می دهد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای از بین بردن آن ها به کشورها سفر نمی کند، بلکه به فرماندهی حضرت جنگ هایی رخ می دهد و دشمنان سرکوب می شوند.

بنابراین جنگ حضرت با مخالفان نیز از این قبیل جنگ هاست که در طول تاریخ بوده و این طور نیست که خود امام همهٔ کافران را نابود کند. افزون بر این، بسیاری از کافران مقاومت نمی کنند بلکه تسلیم می شوند. به ویژه مسیحیان که با نزول حضرت مسیح علیه السلام و پشتیبانی او از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تسلیم شده و مسلمان می شوند. به امید آن روز!

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور با چه کسانی می جنگد؟

همان طور که می دانید، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ریشه کن کردن ظلم و ستم در عالم،

۱- تاریخ عصر غیبت، سیدمسعود پورسیدآقایی، ص۴۳۸ (به نقل از: الملاحم و الفتن، ص۱۰۸).

استقرار عـدالت در سراسـر گیتی و نجات مظلومان و مستضـعفان جهان قیام می کنـد. از این رو، با همـهٔ ادامه دهندگان ظلم و ستم و مخالفان اسـتقرار عدالت، می جنگد (البته پس از اتمام حجت). امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف همانند پزشکی که غـدهٔ چرکین و سـرطانی را از بـدن بیمـار خـارج می سـازد و موانع رشـد و سـلامت او را برطرف می کنـد، این غـده هـای سرطانی و چرکین را از پیکر جامعه جدا می سازد.

برخورد با ثروت مندان

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، هنگام ظهور، اموال ثروت منـدان را به رغم میل باطنی آن ها، بین فقرا تقسـیم می کند؟

هـدف اساسـی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف اجرای عـدالت و ریشه کن نمودن ظلم است. طبعاً چنین چیزی، نسـبت ظلم به حضرت است و قطعاً چنین مسئله ای حقیقت ندارد؛ بلکه حضرت اموال حرام و چیزهایی را که به ناحق و ظلم از مالکان آن ها گرفته شـده، به آن ها برمی گردانـد. نکتـهٔ دیگر این که بر اثر رشـد عقلی و معنوی انسان ها، مردم در کمک به فقرا و نیازمنـدان از همـدیگر سـبقت می گیرند؛ و چه بسا کسـی که چند خانه دارد، خودش با میل و رغبت، خانه های خود را در اختیـار دیگران قرار دهـد، هماننـد آن چه هنگام ورود رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم اتفاق افتاد و انصار خانه های خود را در اختیار مهاجران قرار دادند.

انتقام

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه انتقام امام حسین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را می گیرد؟

ابتـدا بایـد توجه داشت که قیام امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف برای تأمین سـعادت انسان است و حکومت مهدوی، حکومت رحمت و هـدایت است، و با همین اخلاق کریمانه، امام همه را هـدایت و سـعادت منـد می کنـد. اما بدیهی است که گروهی از انسان ها

که ظالم و اهل فسادند، در مقابل پاک سازی امام مقاومت می کنند و آتش جنگ را علیه حضرت شعله ور می کنند. بی شک حضرت مجبور به مبارزه با آن ها می شود، چنان که از ابتدای بعثت پیامبران چنین بوده و گروهی از ظالمان به مبارزه با پیامبران برخاسته اند و هربار پیامبران و امامان را مظلومانه به شهادت رسانده اند. اما این بار، خداوند اراده کرده است که دینش پیروز شود. از این رو، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ظالمان و متجاوزان به حقوق مردم غلبه می کند و آن ها را نابود می سازد. با نابودی اهل فساد و ظلم، انتقام مظلومان تاریخ از ظالمان گرفته می شود و ستمگران شکست خواهند خورد. پس معنای انتقام خون امام حسین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و دیگر مظلومان، این است که ظالمان دوران ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جملگی کشته می شوند و زمین از لوث وجودشان پاک می گردد. (۱)

معنای دیگر انتقام از قاتلان ائمه علیهم السلام با رجعت تحقق می یابد. رجعت از عقاید مسلم شیعه است؛ زنده شدن بعضی از مردگان و بازگشتن به دنیا در دوران حکومت عدل الهی. بنابراین عقیده، دو گروه از انسان ها به دنیا برمی گردند تا قبل از قیامت، در همین دنیا نیز نتیجهٔ عمل خود را ببینند: دستهٔ اول انسان های بسیار نیک، و دستهٔ دیگر انسان های بسیار بد. طبق این عقیده، ستم کنندگان به خاندان پیامبر علیهم السلام زنده می شوند و از آنان انتقام گرفته می شود. (۲)

۱- نک: بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۱۳، ح۶.

۲- نک: بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۸۶؛ ج۵۳، ص۱۲؛ ج۵۳، ص۷۶، ح۷۸.

جهان بعد از امام

رحلت یا شهادت

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه از دنیا می رود؟

روایات در مورد چگونگی رحلت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، (شهادت یا مرگ طبیعی) مختلف است. در کتابی به شهید شدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط یک پیرزن با اوصاف خاص تصریح شده است، (۱) اما سندی برای این حدیث بیان نشده، لذا نمی توان آن را پذیرفت. در مورد شهادت حضرت، روایات کلی هم وجود دارد که براساس آن ها، هیچ امامی نیست مگر این که کشته یا مسموم می شود. (۲) ظاهر این گونه روایات، شهادت حضرت را بیان می کند، (۳) اما دلیل قطعی بر شهادت شخص حضرت وجود ندارد.

در روایات آمده، امام حسین علیه السلام و یارانش در اواخر حیات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رجعت می کنند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از معرفی آن ها و شناخت مردم، از دنیا رحلت می کند و امام حسین علیه السلام غسل و دفن حضرت را به عهده می گیرد؛ (۴) سپس سال های

۱- الزام الناصب، ص ۱۹۰.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.

۳- کفایهالاثر، ص ۲۲۷.

۴- کافی، ج ۸، ص ۲۰۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۳، ح ۱۰۲، از کافی.

طولانی حضـرت امام حسین علیه السلام حکومت می کند و رهبری را به عهده می گیرد. طبق این نوع روایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مرگ طبیعی از دنیا می روند و این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

آیا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در راه اجرای حدود الهی، توسط دوستان و پیروان خویش به شهادت می رسد؟

هنگام ظهور، افرادی که ایمان کافی دارند به مخالفت با حضـرت برنخواهند خاست، بلکه جزو یاران حضـرت قرار می گیرند؛ امـا کسـانی که معرفت و بینش کـافی به حجت خـدا ندارنـد، ممکن است به مخالفت با حضـرت برخیزنـد، هماننـد آن چه در جنگ صـفین اتفاق افتاد. در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز گروه هایی به مخالفت برمی خیزند، اما یا متوجه اشـتباه خود می شونـد و توبه می کننـد یـا آن که به دست حضـرت از بین می رونـد. لـذا شـهادت امـام به دست پیروانش هیچ مـدرک و دلیلی ندارد و اساساً این که حضـرت به شـهادت می رسد و یا به مرگ طبیعی از دنیا می رود، جای بحث و بررسـی دارد.

خاک سپاری امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

آیا امام حسین علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به خاک می سپارد؟

همان طور که می دانیـد، براساس ضوابط فقه اهل بیت علیهم السـلام، پیکر معصوم بایـد به دست معصوم تجهیز و تدوین شود. برای مثـال، امیرمؤمنـان علیه السـلام پیکر پاک پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و حضـرت زهرا علیها السـلام را غسل و کفن کرده است. حتی پیامبران و معصومان گذشـته نیز این مسئله را داشـته اند. برای نمونه، حضـرت عیسـی علیه السلام، پیکر پاک حضرت مریم علیها السلام را به دست خود غسل داد. (۱)

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۵۹.

از این رو، براساس روایاتی که دربارهٔ رجعت وارد شده است، امام حسین علیه السلام

در اواخر حکومت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران باوفایش رجعت می کنند و هنگامی که اجل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا برسد، متصدی و متولی غسل، کفن، حنوط و دفن ایشان می گردد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

امام حسین علیه السلام با یارانش می آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می کنند، چنان که هفتاد نفر همراه موسی علیه السلام فرستاده شدند. آن گاه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف انگشتر را به وی می سپارد و امام حسین علیه السلام غسل، کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را برعهده می گیرد. (۱)

نیز آن حضرت در پایان روایت دیگری می فرماید:

هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و خاك سپاری نمی کند. (۲)

از این روایات نتیجه می گیریم که امام حسین علیه السلام، غسل، کفن و دفن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را انجام می دهد.

محل دفن امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در چه مکانی دفن می شود؟

روایتی که محل دفن امام را مشخص کند، نقل نشده است.

جانشین امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

آیا بعد از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پسرشان امام می شوند؟

۱- الایقاظ من الهجعه، شیخ حر عاملی، ص۳۰۹.

۲- کافی، ج۸، ص۲۰۶؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۳؛ تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۸۱.

خیر، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین امام است، و طبق روایات، وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند و جهان را از عدل و داد بگستراند، به قدر یک عمر طبیعی (هفتاد سال) حکومت می کند. (۱) آن گاه امام حسین علیه السلام در اواخر عمر شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رجعت می فرماید؛ زنده می شود و به دنیا برمی گردد، و هنگامی که همهٔ مردم از بازگشت امام حسین علیه السلام آگاه شدند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رحلت می کند. امام حسین علیه السلام مراسم دفن ایشان را انجام می دهد و حکومت را عهده دار می شود. (۲) آن گاه امام حسین علیه السلام نیز چهل سال زندگی می کند. (۳)

در مورد ترتیب رهبری حکومت بعد از امام حسین علیه السلام به صراحت چیزی نقل نشده و معلوم نیست بعد از امام حسین علیه السلام چه کسی حکومت را ادامه می دهد. در روایات به رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز اشاره شده است؛ یعنی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز به دنیا باز خواهد گشت. (۴) همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به دنیا باز خواهند گشت و مدت بسیار طولانی حکومت خواهد کرد. (۵)

سرنوشت دنیا

سرنوشت دنیا پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه خواهد شد؟

حضرت پس از قیام و تشکیل حکومت، مدت طولانی حکومت می کند. امام حسین علیه السلام در اواخر عمر شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رجعت می فرماید؛ به دنیا بازمی گردد

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۹۱، ح۳۵. البته در مورد حکومت ایشان روایات مختلفی وجود دارد که بعضی به کمتر از این مدت و بعضی به بیش تر از این مدت دلالت می کنند، اما روایت هفتاد سال قوی تر به نظر می رسد.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص۹۳، ح۱۰۳.

۳- بحارالانوار، ج۵۳، ص۶۳، ح۵۴.

۴- بحارالانوار، ج۵۳، ص۴۶، ح۱۹.

۵- بحارالانوار، ج۵۳، ص۴۲، ح۱۲.

و مدتی کنار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می ماند تا بر همه روشن شود که ایشان امام حسین علیه السلام است. وقتی همه این مطلب را فهمیدند، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مرگ طبیعی رحلت می کند و امام حسین علیه السلام پس از دفن ایشان، حکومت را به مدت طولانی اداره می نماید. (۱) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علیه السلام (۲) و به احتمال قوی تمام ائمه علیهم السلام (۳) به دنیا برمی گردند و هرکدام سالیان طولانی حکومت می کنند و به این شکل زمین بعد از ظهور، حیات نو از سر می گیرد و زندگی انسان بامعنا ادامه می یابد. با توجه به روایات باب رجعت، معلوم می شود زندگی اصلی انسان بعد از ظهور شروع می شود و مردم زمین مدت بسیاری امنیت، آرامش، برقراری اسلام و عدالت را خواهند دید. بندگان صالح خداوند نیز سالیان بسیاری بر روی زمین به عبادت و اطاعت خداوند خواهند پرداخت و بعد از گذشت سالیان بسیار، با رحلت آخرین حجت خدا که احتمالاً امیرالمؤمنین علی علیه السلام خواهد بود، (۴) اوضاع جهان دگرگون می شود و علایم قیامت رخ می نماید.

آخرین امام

آخرین امامی که قبل از پایان دنیا به شهادت می رسد، کیست؟

بنا به روایتی، امام علی علیه السلام آخرین امامی خواهد بود که قبل از قیامت در دنیا زندگی می کند. (۵)

۱- کافی، ج۸، ص۲۰۶، ح ۲۵۰.

۲- مختصر بصائر الدرجات، ص۲۴.

۳- مختصر بصائر الدرجات، ص۲۸.

۴- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۳۲۶، ح۲۴.

۵- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۳۲۶، ح۲۴؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۴۶، باب ۳۰، ح۵، از عیاشی.

رجعت

اشاره

معنای رجعت چیست؟

رجعت در لغت به معنای بازگشت است و در اصطلاح کلام و حدیث، به بازگشت گروهی از مؤمنان خالص و کافران شرور پس از مرگ به این جهان، قبل از قیامت، رجعت نامیده می شود. (۱)

در حقیقت رجعت جلوهٔ کوچکی از رستاخیز نهایی و قیامت است. تفاوت رجعت با قیامت در این است که در رجعت گروهی از مردم زنده می گردند و در قیامت همهٔ مردم بدون استثنا محشور می شوند.

علامه طباطبایی می فرماید:

روایاتی که رجعت را اثبات می کنند، اگرچه با هم اختلافی دارند، اما همهٔ آن ها در این معنا متحدند که سیر و حرکت نظام عالم به سمتی است که تمام آیات الهی به منتهای ظهور خود برسند و دیگر معصیت خدای سبحان انجام نشود، بلکه به طور خالص و بدون دخالت هوای نفس و وسوسهٔ شیطان عبادت شود، عده ای از دوستان و دشمنان خدای تعالی که مرده اند به دنیا برگردند و حق و باطل کاملاً از هم جدا و شناخته شوند.

۱- نک: بحارالانوار، ج۳۵، ص۱۳۸.

این مطلب می رساند که رجعت یکی از مراتب روز قیامت است، هرچند از نظر بروز و ظهور حقایق در مرحلهٔ پایین تری است؛ زیرا در ایام رجعت امکان فساد و فتنه انگیزی هست ــ اما در قیامت شرارت و فساد هم وجود ندارد ــ از همین رو، دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز شاید یکی از مراتب قیامت باشد؛ زیرا در آن روز نیز حقّ ظهوری آشکار دارد، هرچند که در این جهت روز ظهور باز در مرتبه ای پایین تر از رجعت قرار دارد. از قول امامان معصوم علیهم السلام نیز وارد شده است که: «ایام الله سه روز است: روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت». (۱)

و همین نکته، یعنی یکی بودن حقیقت این سه روز و اختلافشان در مراتب و درجات، باعث شده است که امامان معصوم علیهم السلام بعضی از آیات را گاه به قیامت، گاهی به ظهور و گاهی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر فرمایند. (۲)

فلسفه و فوائد رجعت چه می باشند؟

برخی از فلسفه ها و فوائد رجعت عبارت ا ند از:

۱. پاداش و کیفردهی:

یکی از فلسفه هایی که برای رجعت در روایات شمرده و اندیشمندان شیعی نیز به آن تصریح کرده اند، این است که گروهی از شیعیان که پیش از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا رفته اند به دنیا بازمی گردند تا به پاداش یاری و همراهی و درک ظهور و حکومت آن حضرت برسند. نیز برخی از دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- بحارالانوار، ج۷، ص۶۱ و ج۵۳، ص۶۳.

۲- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه: آیت الله مصباح یزدی، ج۲، ص۱۴۶ و نک: ظهور نور، علی سعادت پرور، ص۲۰۵ – ۲۰۶. روایات متعددی ذیل آیهٔ ۲۱۰ سورهٔ بقره آمده است، در برخی به روز قیامت تفسیر شده، و در روایت دیگر به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام) و در روایت دیگر به رجعت تفسیر شده است.

زنده می شوند تا به سزای برخی از اعمال زشت خود برسند و از آنان انتقام گرفته شود. (۱)

۲. خشنودی و ناراحتی از حکومت حق (تکریم مؤمنان):

در برخی روایات آمده است که بازگشت مؤمنان خالص به این دنیا، به خاطر شادی و لذت بردن از تحقق دولت حق است و بازگشت کافران شرور، برای ناراحتی و تألّم از برپایی حکومت الهی و عادلانه است. (۲) از کلمات سید مرتضی این فلسفه به دست می آید. (۳)

۳. ایجاد امید:

بی تردید، همان گونه که انتظار فرج عبادتی بس بزرگ است که نقش مهمی در پویایی و تحرک جامعه ایفا می کند، اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنیا در زمان دولت کریمه نیز می تواند نقش برجسته ای در نشاط دینی و امید به ظهور در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشد؛ چراکه انسان با دیدن افرادی که تمام عمر خود را در انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سپری کرده اند و آن گاه بدون درک ظهور از دنیا می روند، دچار سرخوردگی شده و حتی در مقام انتظار نیز دچار یأس خواهد شد. اما اگر بداند در هنگام ظهور، در صورت دارا بودن شرایط، امکان بازگشت او به دنیا و حضور در محضر آخرین امام وجود دارد، در امیدواری نقش بسیاری خواهد داشت.

۱- دربارهٔ روایات: نک: بحارالانوار، ج۵۳، ص۴۴، ۷۴ و... ؛ مجمع البیان، طبرسی، ج۷، ص۲۳۵؛ و دربارهٔ بیان اندیشمندان: نک: اوائل المقالات، شیخ مفید، ج۴۴، ص۷۷؛ جوابات المسائل الرازیه، سیدمرتضی، ج۱، ص۱۲۵؛ الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، شیخ حر عاملی، ص۲۹؛ عقائد الامامیه، محمدرضا مظفر، ترجمه: مسجدجامعی، ص۲۹۴.

۲- نک: بحارالانوار، ج۵۳، ص۶۲.

۳- نک: رسائل الشریف المرتضی، ج۱، ص۱۲۵.

۴. رسیدن به کمال و مرتبهٔ بالای ایمان:

از آن جا که رجعت کننـدگان بایـد به مرتبـهٔ بالای ایمان دست یابنـد، شخصـی که می خواهد ظهور را درک کند و از یاوران امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف گردد، نهایت تلاش خود را به کار می بننـد تا به درجـهٔ بالای ایمانی دست یابـد و از رجعت کننـدگان شود. آیت الله شـاه آبادی می گویـد: «بازگشت مجـدد مؤمنان خالص به دنیا به منظور تکمیل حلقـهٔ تکاملی است که ناتمام مانده است»؛ (۱) چراکه کمال نهایی در سایهٔ تربیت مستقیم معصوم و حکومت اسلامی امکان پذیر است.

اهمیت رجعت به چه اندازه است؟

رجعت از اعتقادات مهم شیعه و از ضروریات تشیع به شمار می آید. (۲)

این عقیـده در زمـان پیـامبر اعظم صـلی الله علیه و آله و سـلم تـا کنون مـدّنظر علمـای دین بوده و ده هـا کتاب در این زمینه به نگارش درآمده است. فضل بن شاذان که هم زمان با

امام جواد و امام هادی علیهما السـلام بوده، کتابی در اثبات رجعت نوشـته است. حتی برخی از اصـحاب پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم مانند ابوالطفیل کتانی و اصبغ بن نباته اعتقاد به رجعت داشتند. (۳)

انکار رجعت جایز نیست. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

از ما نیست کسی که ایمان به بازگشت ما ندارد. (۴)

در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام می خوانیم:

۱- نک: رشحات البحر، باب رجعت؛ المیزان، علامه طباطبایی، ج۱۵، ص۵۵۹.

۲- نـک: حق الیقین، علاـمه مجلسـی، مقصـد نهم؛ الایقاظ من الهجعه، شـیخ حر عاملی، ص۶۷؛ حق الیقین، سـید عبـدالله شبّر، ص۳۳۷.

۳- نک: رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی، ص۲۷ - ۲۸.

۴- من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۴۵۸.

کسی که به چند چیز اقرار داشته باشد، او مؤمن حقیقی و از شیعیان ما اهل بیت است: اقرار به یگانگی خدا، رجعت، معراج، سؤال قبر، قیامت، شفاعت، حساب و... . (۱)

برخی از دانشمندان شیعی اعتقاد به رجعت را واجب دانسته اند. (۲)

ویژگی های رجعت

۱. اختصاصی بودن:

از آیات و روایات استفاده می شود که رجعت تنها به مؤمنان حقیقی و کافران حقیقی شرور اختصاص دارد. چنان که در قرآن خبر از محشور شدن گروهی از مردم می دهد (۳) و در روایتی امام صادق علیه السلام تصریح می کند رجعت عمومی نیست، و مختص افرادی است که در نهایت ایمان و کفر هستند. (۴)

۲. اختیاری بودن برای مؤمنان:

رجعت برای مؤمنان اختیاری است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام این گونه آمده است:

هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند، مأموران الهی در قبر به مؤمنان می گویند: مولایت ظهور کرده است، اگر می خواهی به او بپیوندی، آزاد هستی، و اگر بخواهی در نعمت های الهی متنعم بمانی، آزاد هستی. (۵)

از روایت بالا به دست می آید که هنگام ظهور به مؤمنان خالص پیشنهاد رجعت می شود، ولی به نظر می رسد مؤمنی یافت نشود که در برابر این پیشنهاد،

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۲۱.

۲- نک: رساله العقائد الجعفریه، شیخ طوسی، ص ۲۵۰.

۳- سورهٔ نمل، آیهٔ۸۳.

۴- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۳۹.

۵- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۹۱.

جواب منفی دهد.

اما در مورد کافران، رجعت اختیاری نیست و آنان برای رسیدن به برخی از ناسپاسی ها و ظلم هایی که روا داشته اند، زنده می گردند.

۳. حتمی بودن:

رجعت همانند ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیامت حتمی است؛ چراکه در قرآن از فرا رسیدن روزی خبر می دهد که گروهی از مردم [در دنیا] محشور می شوند. (۱) در روایتی امام صادق علیه السلام هنگام خبر دادن از رجعت، از عبارت «به خدا سوگند روزها و شب ها به پایان نمی رسد تا این که خدا مردگان را زنده می کند و...» استفاده می کند؛ این عبارت به وقوع حتمی رجعت اشاره دارد.

تواتر روایات (حدود ۶۰۰ حدیث) دربارهٔ رجعت، ضروری بودن اندیشهٔ

رجعت نزد شیعه و قرار دادن رجعت در کنار معاد (۲) بر هر وقوع حتمی رجعت دلالت دارند.

۴. عمومی بودن میان امت ها:

رجعت مختص امت اسلامی نیست؛ آیات و روایات متعددی از قرآن (۳) بر رجعت گروهی از مردم در امت های پیشین دلالت دارند، حتی اهل سنت هم رجعت در امت های پیشین را پذیرفته اند.

رجعت از این جهت نیز عمومیت دارد که فقط زنده شوندگان در آخرالزمان از مردگان امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیستند، بلکه از امت های دیگر مثل امت موسی، اصحاب کهف، برخی پیامبران نیز پس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رجعت می کنند.

۱- سورهٔ نمل، آیهٔ۸۳.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۲۱.

۳- نک: بحث آیات دال بر رجعت.

۵. شخص نبودن زمان رجعت:

زمان رجعت همانند زمان ظهور امام مهدی علیه السلام و قیامت دقیقاً معلوم نیست؛ در حدیثی وقتی مردم از زمان رجعت پرسیدند، خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی کرد بگو من نمی دانم؛ آن چه وعده داده شده نزدیک است یا مدت دار. (۱)

البته به طور اجمال می توان گفت رجعت هم زمان با ظهور و همچنین پس از آن (در دو مرحله) صورت می گیرد.

مخالفان رجعت چند دسته اند؟

مخالفان رجعت چند گروه اند:

ــ برخی این آموزه را غیرعقلانی می شمارند و آن را محال می دانند؛ (۲)

ــ عده ای آن را خلاف آموزه های دین ــ قرآن و روایات ــ می دانند؛

ــ بعضی رجعت را ساختهٔ شیعه می دانند؛

ــ دسته ای دیگر آن را عقیده ای وارداتی از زرتشت، یهود، نصارا و... می دانند. (۳)

اما چنانچه در ادامه مورد بحث قرار می گیرد، این برداشت ها برآمده از فهم غلط و یا درک سطحی از این آموزه است و ما به دلایل عقلی و نقلی آن را اثبات می کنیم و مشخص می شود که نه غیرعقلانی و نه مخالف آموزه های دینی است، و نه ساختگی و نه وارداتی از ادیان دیگر است.

علل انکار آموزهٔ رجعت از ناحیهٔ اهل سنت

سبب های انکار آموزهٔ رجعت از طرف اهل سنت چند امر است:

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۵۳.

۲- نک: المیزان، ج۲، ص۱۰۶. آلوسی امکان ذاتی رجعت را می پذیرد، ولی امکان وقوعی آن را قبول نمی کند. نک: روح المعانی، ج۲، ص۲۷.

۳- نک: بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، خدامراد سلیمیان، ص۱۳ — ۲۲.

۱. عدم درک حقیقت رجعت:

انکارکنندگان رجعت، عمدتاً کسانی هستند که حقیقت این مسئله را درک نکرده اند (۱) و میان تعریف شیعه از آموزهٔ رجعت با تعریف غلات تفاوت نگذاشته اند و یا آن را نوعی تناسخ دانسته اند.

۲. تقلید از گذشتگان:

علمای اهل سنت بدون آن که به متون شیعه مراجعه کنند و مراد از رجعت را دریابند، حرف گذشتگان خود را تکرار کرده اند؛ افرادی مانند سفیان بن عینیه (۱۹۸ق) که رجعت را براساس اندیشهٔ غلات تعریف کرده و یا طبری (۳۱۰ق) و ابن اثیر (۶۰۶ق) که آن را از عقاید یهود و اعراب جاهلی شمرده اند. همین برداشت در صحاح نیز راه یافت. مسلم می نویسد:

گروهی از رافضه می گویند علی بن ابی طالب در ابرها پنهان است و با فرزندانش خارج نمی شود تا این که از آسمان ندا می آید با فلانی خارج شو. (۲)

۳. تعصب:

نویسندگان صحاح اهل سنت ازجمله مسلم، جابر را به دلیل اعتقاد به رجعت غیرثقه و کذّاب شمرده و هزاران حدیث نقل شده به وسیلهٔ او را رد کرده اند. (۳)

عجیب آن است که نخستین فردی که رجعت را پس از درگذشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مطرح کرد، عمر بن خطاب بود.

ابن هشام می نویسد:

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درگذشت، عمر بن خطاب برخاست و گفت: «گروهی از

۱- نک: تفسیر المیزان، علامه طباطبایی.

۲- صحیح مسلم، ج۱، ص۱۶.

۳- صحیح مسلم، ج۱، ص۱۵؛ تهذیب التهذیب، ج۲، ص۴۲؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۳۹.

منافقان گمان می کنند که پیامبر مرده است، نه خیر، او نمرده است،

او به سوی خـدا رفته، دو مرتبه بازمی گردد، به خـدا سوگند او بار دیگر برمی گردد و دست و پای کسانی را که می گویند او مرده است ــ و دیگر برنمی گردد ــ قطع می کند». (۱)

چه دلیل عقلی بر امکان رجعت می توان اقامه کرد؟

آفرینش الهی دو گونه است:

۱. آفرینش موجودات بدون هیچ سابقهٔ وجودی، یعنی خلق آنان از نیستی؛ مانند آفرینش حضرت آدم؛

۲. اجزا و عناصر پراکندهٔ یک موجود را گرد هم درمی آورد و حیات دوباره به آن می دهد.

هنگامی که آفرینش به صورت نخست از نظر عقلی ممکن باشد، حیات بخشیدن به صورت دوم قابل قبول تر است.

آیاتی از قرآن که می گویـد خـدا قـدرت دارد همان طور که شـما را نخستین بار آفرید، برای بار دوم زنده کند؛ (۲) اشاره به همین استدلال دارد که نه زنده کردن مردگان محال است و نه خداوند ناتوان از انجام چنین کاری است.

اضـافه بر بیـان بالاـ می توان گفت: بهترین دلیـل بر امکان یک چیز، وقوع آن است. گزارشات قرآن و روایات بر وقوع رجعت در امت های پیشین، به روشنی رجعت را اثبات می کند.

به عبارت دیگر، می توان گفت رجعت نوعی معاد است ــ اما معاد محـدود ــ از این رو ادلـهٔ عقلی که معاد را اثبات می کند، می تواند رجعت را نیز اثبات نماید.

۱- عمر بعـد از وفات پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم گفت: «به خـدا قسم رسول خـدا رجعت می کند، همان گونه که موسی علیه السلام رجعت کرد» (سیره ابن هشام، ج۳، ص۳۰۵، نک: درّالمنثور، سیوطی، ج۲، ص۸۱).

۲- سورهٔ یس، آیهٔ۷۸ و ۷۹؛ سورهٔ قیامت، آیهٔ ۴۰؛ سورهٔ احقاف، آیهٔ۳۳ و... .

چه آیاتی از قرآن رجعت را ثابت می کند؟

بیش از هفتاد آیه بر رجعت دلالت دارند؛ به سه دسته از آنان اشاره می شود:

دستهٔ اول: توانایی خدا بر زنده کردن مردگان:

«قَالَ مَن یُحْیِی الْعِظَامَ وَ هِیَ رَمِیمٌ قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ هُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ»؛ (۱)

گفت: چه کسی زنده می کند استخوان ها را، در حالی که پوسیده است؟ بگو: زنده می کند آن ها را، کسی که بار اول آن ها را آفریده است. او به تمام مخلوقات داناست.

«أَلَیْسَ ذلِکَ بِقَادِرٍ عَلَی أَن یُحْیِیَ الْمَوْتَی»؛ (۲)

آیا پروردگار توانایی زنده کردن مردگان را ندارد.

این دو آیهٔ شریفه در پاسخ کسانی که زنده کردن مردگان را انکار می نمایند می فرماید: خدا بر زنده کردن مردگان توانایی دارد. رجعت هم نوعی زنده کردن مردگان است؛ به این بیان که اگر تمام مردگان زنده گردند، قیامت نامیده می شود و اگر برخی از آنان زنده شوند، رجعت نام دارد.

دستهٔ دوم: وقوع رجعت در امت های پیشین:

۱. زنده شدن هزاران نفر:

«أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِن دِیَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوْا ثُمَّ أَحْیَاهُمْ...»؛ (۳)

آیا از [حال] کسانی که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند و هزاران تن

۱- سورهٔ یس، آیهٔ۷۸ و ۷۹.

۲- سورهٔ قیامه، آیهٔ ۴۰.

۳- سورهٔ بقره، آیهٔ۲۴۳.

بودند، خبر نیافتی؟ خدا به آنان گفت: بمیرید [همه مردند] آن گاه آنان را زنده کرد... .

گروهی هزارنفری (۱) برای فرار از مرگ از شهر خود بیرون رفتند؛ چون در شهر بیماری طاعون فراگیرشده بود. به شهر ویرانه ای رسیدند، در آن ساکن شدند، حق تعالی فرمان داد همه بمیرند، همه مردند.. . سالیانی که از این ماجرا گذشت، روزی حزقیل نبی از آن جا می گذشت، از خدا درخواست نمود تا آنان را زنده کند، خدا آنان را زنده کرد (۲) و طبق روایتی از امام باقر علیه السلام زندگی جدیدی از سر گرفتند و سالیانی زنده ماندند و در پایان به مرگ طبیعی درگذشتند. (۳)

۲. زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی علیه السلام:

«وَ إِذْ قُلْتُمْ یا مُوسی لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتّی نَرَی اللّه جَهْرَهً فَأَخَذَتْکُمُ الصّاعِقَهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ، ثُمَّ بَعَثْناکُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ»؛ (۴)

و چون گفتید: «ای موسی، تا خدا را آشکارا نبینیم، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد». پس در حالی که می نگریستند، صاعقه شما را فراگرفت، سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم؛ باشد که شکرگزاری کنید.

در روایتی از امام رضا علیه السلام می خوانیم:

تعدادی از قوم موسی _ که براساس برخی روایت ها هفتاد نفر بودند _ به او

۱- از سه هزار نفر تا هفتاد هزار نفر شمرده شده اند.

۲- نک: تفاسیر شیعه: مجمع البیان، طبرسی، ج۱، ص۶۰۵؛ ترجمهٔ تفسیر المیزان، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج۲، ص۴۲۶؛ تفسیر موضوعی قرآن، عبدالله جوادی آملی، ج۴، ص۱۲۲؛ تفاسیر اهل سنت: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیره، ج۱، ص۶۶۱؛ تفسیر طبری، ج۲، ص۳۶۸؛ غرائب القرآن، نیشابوری، ج۲، ص۳۹۰ و... .

۳- بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۱۸؛ کافی، ج۸، ص۱۹۸.

۴- سورهٔ بقره، آیهٔ۵۵ و ۵۶.

گفتند تا خدا را نبینیم ایمان نمی آوریم، خدا صاعقه ای فرستاد و همه مردند؛ موسی عرض کرد: خدایا اگر قوم، مرا متهم کنند که تو چون به دروغ ادعای پیامبری کردی، آنان را به کشتن دادی، چه بگویم؟ خدا آنان را زنده کرد و همراه موسی به میان قومش فرستاد. (۱)

تمامی مفسران شیعه و بسیاری از مفسران اهل سنت این آیه را به رجعت تفسیر کرده اند. (۲)

۳. زنده شدن حضرت عزیز پس از صد سال:

«أَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلَی قَرْیَهٍ وَ هِیَ خَاوِیهٌ عَلَی عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّی یُحْیِیْ هذِهِ اللهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللهُ مِأْئَهَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ کَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ یَوْماً أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ قَالَ بَل لَبِثْتَ مِأْئَهَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَی طَعَامِکَ وَ شَرَابِکَ لَمْ یَتَسَنَّهْ وَ انْظُرْ إِلَی حِمَارِکَ وَ لِنَجْعَلَکَ آیَهً لِلنَّاسِ وَ انْظُرْ إِلَی الْعِظَامِ کَیْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَکْسُوهَا لَحْماً فَلَمَّا تَبَیَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»؛ (۳)

یا چون آن کسی که به شهری که بام هایش فرو ریخته بود عبور کرد [و با خود] گفت چگونه خدا این مردگان را زنده می کند؟ پس خدا او را صد سال میراند. آن گاه، او را برانگیخت و گفت چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا پاره ای از روز، گفت: بلکه صد سال درنگ کردی، به خوراک و نوشیدنی خود بنگر تغییری نکرده است، و به چارپای خود نگاه کن [که چگونه متلاشی شده است. این ماجرا] نشانه ای [از قدرت خدا] برای مردم است. به استخوان ها بنگر چگونه آن ها را به هم پیوند می دهیم و گوشت بر آن می پوشانیم. پس

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج۱، ص۲۰۰.

۲- تفاسیر شیعه: تبیان، شیخ طوسی، ج۱، ص۲۵۴؛ تفسیر قمی، ج۱، ص۴۶؛ تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۵۹؛ تفاسیر اهل سنت: الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج۱، ص۴۰۳؛ مدارک التنزیل، نسخی، ج۱، ص۵۳ – ۵۴؛ غرائب القرآن، نیشابوری، ج۱، ص۲۹۰ و... .

۳- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۹.

هنگامی که [چگونگی زنده شدن مردگان] برای او آشکار شد، گفت: [اکنون] می دانم خدا بر هر چیزی تواناست.

داستان از این قرار است که پیامبری به نام عزیز یا ارمیا، روزی از کنار ده کدهٔ خرابه ای می گذشت که اهل آن نابود شده بودند. زیر سایهٔ درختی برای استراحت توقف کرد و چارپایش را زیر سایهٔ درخت بست، مقداری میوه (انجیر و خرما) چید. در این هنگام، برایش این پرسش پیش آمد که خدا اینان را چگونه زنده می گرداند؟ خدا او را صد سال میراند و دگرباره زنده ساخت، عبارت «اماته»، از مادهٔ موت به معنای مرگ است. از این رو تفسیر آیه به نوعی خواب عمیق (۱) و مقایسه کردن با خواب اصحاب کهف نادرست است؛ زیرا در مورد اصحاب کهف عبارت اماته و احیاء نیامده است.

بسیاری از مفسران این آیه را به معنای زنده کردن مردگان گرفته اند. (۲)

برخی از آیات دیگر هم مانند زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام، (۳) و زنده شدن کشتهٔ بنی اسرائیل (۴) بر رجعت دلالت دارند که برای اختصار بیان نمی کنیم. (۵)

دستهٔ سوم: رجعت در امت اسلامی:

«وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِن کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً مِّمَّن یُکَذِّبُ بِآیَاتِنَا فَهُمْ یُوزَعُونَ»؛ (۶)

۱- تفسیر المنار، رشیدرضا، ذیل آیه.

۲- تفاسیر شیعه: تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج۲، ص۵۵۴؛ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج۲، ص۲۲۰؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی، ج۴، ص۱۲۳.

۳- سورهٔ بقره، آیهٔ۷۲ و ۷۳.

۴- سورهٔ بقره، آیهٔ۷۲ و ۷۳.

۵- نک: رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی، ص۳۷ - ۴۲؛ بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، خدامراد سلیمیان، ص۶۶ – ۱۰۸.

۶- سورهٔ نمل، آیهٔ۸۳.

روزی [فرا خواهد رسید] که از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند، محشور می کنیم و آن ها را نگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند.

حشر در آیه از نظر عقلی از سه صورت خارج نیست: حشر پیش از قیامت، حشر در قیامت، و حشر پس از قیامت. صورت دوم باطل است؛ زیرا در قیامت، (طبق آیهٔ «وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَداً»؛ (۱) «... آنان را محشور می کنیم و احدی را نمی گذاریم») خداوند تمام مردم را محشور می کند. اما آیهٔ مورد استدلال در رجعت عبارت «مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً» دارد «من» در اصطلاح علم ادبیات به معنای تبعیض است؛ یعنی برخی از مردم محشور می گردند، نه همه.

صورت سوم نیز باطل است؛ زیرا پس از قیامت دیگر حشری نیست و همه قبلاً محشور شده اند.

فقط صورت اول می ماند که همان حشر برخی از مردم (رجعت) است.

بسیاری از مفسران، برای اثبات رجعت، به این آیه استدلال کرده اند (۲) و روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به این مطلب تصریح می کند.

مفسران براساس برخی روایات به آیات دیگری برای اثبات رجعت در امت اسلامی و آخرالزمان استدلال کرده اند و ما به خاطر رعایت اختصار از بیان آن ها صرف نظر می کنیم. (۳)

آیات دستهٔ دوم به ضمیمهٔ روایاتی که تصریح دارد هر اتفاقی که بر بنی اسرائیل

۱- سورهٔ کهف، آیهٔ ۴۷.

۲- تبیان، شیخ طوسی، ج۸، ص ۱۲۰؛ مجمع البیان، طبرسی، ج۷، ص۳۶۶؛ تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج۱۵، ص۵۰۷.

۳- نک: رجعت از نگاه شیعه، نجم الدین طبسی، ص۴۲ – ۵۲؛ بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، خدامراد سلیمیان، ص۱۰۹ - ۱۴۲.

رخ داد، برای شما هم اتفاق می افتد، (۱) اثبات می کند رجعت همان طور که برای امت های پیشین بوده، برای امت اسلامی هم اتفاق خواهد افتاد.

چه تعداد از روایات بر رجعت دلالت دارند؟

بیش از ۶۰۰ حدیث پیرامون رجعت در متون اسلامی روایت شده است. (۲)

شیخ حرّ عاملی می نویسد:

احادیث رجعت متواتر هستند و هرگز قابل تأویل نیستند. (۳)

علامه مجلسی می گوید:

اگر احادیث رجعت متواتر نباشند، در هیچ موردی نمی توان ادعا تواتر کرد. (۴)

بیش از ۳۰ محدث در بیش تر از ۵۰ کتاب روایات رجعت را نقل کرده اند. (۵)

روایات رجعت در مهم ترین کتاب های شیعه یافت می شوند. (۶)

در دعاها و زیارت نیز اشارات زیادی به آموزهٔ رجعت شده است.

دعاهایی مانند: دعای عهد، دعای عید غدیر، دعای سوم شعبان و...

و زیارت هایی مانند: زیارت جامعهٔ کبیره، اربعین، زیارت امام حسین علیه السلام در روز

۱- روایات به این مضمون در مهم ترین کتاب های اهل سنت: صحیح بخاری، ج۴، ص۲۴۶، کتاب الاعتصام؛ صحیح مسلم، کتاب العلم؛ مسند احمد، ج۲، ص۳۲۷؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج۱، ص۲۱۸. کتاب های شیعه: من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۰۳؛ کمال الدین، ج۲، ص۵۲۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص۲۰۰.

۲- نک: الایقاظ من الهجعه، شیخ حر عاملی؛ اندیشه های کلامی شیخ مفید، ص۳۵۵؛ مجمع البیان، طبرسی، ج۷، ص۲۳۵؛ علامه طباطبایی در المیزان، ج۲، ص۱۰۷ می نویسد: «بیش از ۵۰۰ حدیث در زمینهٔ رجعت وارد شده است».

۳- الایقاظ من الهجعه، شیخ حر عاملی؛ اندیشه های کلامی شیخ مفید، ص۳۱.

۴- بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۲۳.

۵- راهنمای حقیقت، جعفر سبحانی، ص۹۲؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۲۲.

۶- ازجمله: کافی، ج۸، ص۲۴۶؛ تهذیب الاحکام، ج۴، ص۹۶.

عرفه، آل یاسین و... . (۱)

تعدادی از روایات رجعت در ادامه نقل می شود.

رجعت چند مرحله دارد؟

رجعت دو مرحله دارد: مرحلهٔ اول، رجعت هنگام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

در این زمان، تعدادی از افرادی که دارای ایمان کامل هستند، زنده می شوند و به این دنیا بازمی گردند تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کنند و شوکت و عظمت حکومت جهانی ایشان را ببینند و متنعم گردند. نیز عده ای از بدترین کافران و منافقان، زنده می شوند تا عذاب گردند و به مقداری از سزای کارهای ناشایست خود برسند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام نیز در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رجعت می کنند و به او یاری می رسانند.

مرحلهٔ دوم: رجعت پس از دورهٔ حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این نوع رجعت، امامان همراه اصحاب خاص و دشمنان سرسختشان به دنیا بازمی گردند و دولت کریمه و عادلانهٔ امامان شروع می گردد. (۲) اگر مردم در هزاران سال غالباً حکم رانی حاکمان ستمگر را دیده اند، هنگام رجعت امامان، طعم خوش حکومت اسلامی را به رهبری ائمهٔ اطهار علیهم السلام درک می کنند. آری، دنیا اگر مدت زمانی به رهبری نااهلان مدیریت شد، اما پایان تاریخ به نام رهبران شایسته ثبت شده و این سنت الهی است که در نهایت رهبران و حاکمان روی زمین، برگزیدگان الهی اند.

۱- نک: مفاتیح الجنان.

۲- بر رجعت امامان پس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات متعددی اشاره دارند. روایات بسیاری هم که برخی از آنها موثق هستند، بر حکومت برخی امامان مانند امام حسین علیه السلام دلالت دارند. نک: الغیبه، شیخ طوسی، ص۴۷۸؛ مختصر بصائر الدرجات، ص۱۸ و ۲۸ و... .

چگونه برانگیخته می شوند؟

کیفیت زنده شدن مردگان بر ما معلوم نیست و تبیین امور غیرعادی برای ما امکان ندارد. اما امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند:

وقتی زمان ظهور نزدیک شود، در ماه جمادی دوم و ده روز از ماه رجب، بارانی می بارد که مردم نظیر آن را ندیده اند و خداوند به سبب آن باران، گوشت و بدن مؤمنان را می پروراند و انگار می بینم که خاک های موی سرشان را پاک می کنند. (۱)

البته اصل زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام به تصریح قرآن انجام شده و چیز محال و غیرممکنی نیست، اما کیفیت آن برای ما مجهول است.

ویژگی رجعت کنندگان چیست؟

مهم ترین ویژگی رجعت کنندگان مؤمن عبارت است از:

۱. ایمان خالص: بنابر آ ن چه در روایات بسیاری آمده، مهم ترین ویژگی رجعت کنندگان ایمان محض است. در روایتی می خوانیم: رجعتْ عمومی نیست و تنها افرادی برمی گردند که مؤمن خالص یا مشرک خالص باشند.

مؤمن خالص کسی است که تنها خداوند را در نظر دارد و هرگز از ایمان خود دست برنمی دارد و تا آخرین نفس در راه خداوند تلاش می نماید.

۲. ولایت پذیری آگاهانه: سلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید آیا [رجعت] امامان را درک می کنم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

تو آن ها را درک می کنی و هرکس مثل تو باشد و هرکس با این شناخت، ولایت آن ها را بپذیرد. (۲)

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص ۹۰، ح۹۴.

۲- دلائل الامامه، ابن جریر طبری، ص۲۳۷؛ بحارالانوار، ج۲۵، ص۶.

براساس روایت بالا، شناخت امامان به عنوان تنها الگوی کامل فردی و اجتماعی و اطاعت از آن ها در تمامی ابعاد زندگی شرط لازم برای رجعت کردن در دولت کریمهٔ آنان است.

۳. ستم کشی و جهاد در راه دین: در تعدادی از روایات، یکی از ویژگی های رجعت کنندگان، آزار دیدن در راه حق می باشد. (۱) کسانی که در راه دین و اهل بیت علیهم السلام جهاد کردند و مظلومانه به شهادت رسیدند، می توانند به دنیا بازگردند تا تعدادی از پاداش تلاش خود را ببینند و از ستمگران انتقام گیرند.

در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده:

تمام کسانی که از ما هستند و در راه اهل بیت علیهم السلام ظلم دیده اند، در دوران ظهور حضور خواهند یافت. (۲)

در روایت دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید:

خداوند گروهی را زنده می گرداند که غلاف شمشیرشان بر گردن آن هاست. (۳)

رجعت کنندگان چند دسته اند؟

می توان گفت به طور کلی چهار دسته از مردم رجعت می کنند:

۱. پیامبران:

تمام پیامبران از آدم تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا بازمی گردند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

خداوند هیچ پیامبری را از حضرت آدم تا خاتم مبعوث نکرد، مگر این که به دنیا بازمی گردند. (۴)

۱- نک: بحارالانوار، ج۵۳، ص۴۲ و ۹۲.

۲- دلائل الامامه، ابن جریر طبری، ص۲۳۷.

۳- بحارالانوار، ج۵۳، ص۹۲.

۴- تفسیر قمی، ج۱، ص۱۰۶.

دین را یاری کنند و با دشمنان بجنگند. (۱)

بر رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایات معتبری دلالت دارند. (۲)

از میان پیامبران رجعت کننده، به برخی از آنان اشاره می شود: اسماعیل بن حزقیل که همراه امام حسین علیه السلام رجعت می کند. (۳) حضرت عیسی علیه السلام هم از رجعت کنندگان است. (۴) یکی دیگر از پیامبران رجعت کننده، حضرت خضر است؛ البته از آنجا که حضرت عیسی و خضر علیهما السلام وفات نکرده اند، شاید نام این بازگشت را نتوان رجعت اصطلاحی گذاشت. روایات متعددی رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می کنند. (۵) نام حضرت ادریس و الیاس نیز در میان رجعت کنندگان می باشد. (۶)

۲. امامان:

در تعدادی از روایات تصریح شده است که تمام امامان رجعت می کنند. (۷) امام سجاد علیه السلام فرمود:

پیامبرتان و امیرمؤمنان علی علیه السلام و ائمه به سوی شما بازمی گردند. (۸)

ولی طبق برخی روایات، رجعت امامان به ترتیب نیست؛ زیرا در بعضی

از روایات تصریح شده است که اولین رجعت برای امام حسین علیه السلام (۹)

اتفاق می افتد.

۱- مختصر بصائر الدرجات، ص۲۶.

۲- تفسیر قمی، ج۲، ص۱۴۷؛ مختصر بصائر الدرجات، ص۲۴.

۳- تفسیر برهان، ج۳، ص۱۶.

۴- صحیح بخاری، ج۲، ص۲۵۶؛ صحیح مسلم، ج۴، ص۲۲۷.

۵- تفسیر قمی، ج۱، ص۱۴۷؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۳۹.

۶- کافی، ج۱، ص۲۴۲ - ۲۴۷.

۷- بحارالانوار، ج۳۵، ص۶۵.

۸- تفسیر قمی، ج۲، ص۱۴۷؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۵.

۹- مختصر بصائر الدرجات، ص۲۴ و ۴۸ و... .

در روایات فراوانی وارد شده است که حضرت علی علیه السلام چندین بار رجعت می کند. (۱)

۳. مؤمنان خالص:

برخی روایات با عنوان کلی مؤمنان خالص، رجعت کنندگان را معرفی می کنند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

رجعت عمومی نیست و فقط مؤمنان خالص و مشرکان خالص به دنیا بازمی گردند. (۲)

در تعدادی از روایات تعبیر به ولایت مداران و شیعیان شده است. شیعیان راستین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بازمی گردند و امام را یاری می کنند. (۳)

در بعضی روایات معصومان به افراد خاصی بشارت رجعت داده اند، مانند سلمان فارسی، مقداد بن اسود، جابر بن عبدالله انصاری، ابودجانه انصاری، مالك اشتر، مفضّل بن عمر، حمران بن اعین، داود رقّی و مؤمن طاق.

در میان رجعت کنندگان، یاران پیامبران پیشین به چشم می خورد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱۵نفر از قوم موسی، ۷تن از اصحاب کهف، یوشع وصی حضرت موسی، مؤمن آل فرعون و... . (۴)

۴. کافران خالص:

در روایات تصریح شده است که کافران خالص به این دنیا بازمی گردند (۵) تا به

۱- کافی، ج ۱، ص۱۹۷؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص ۴۶.

۲- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۱.

۳- نک: کافی، ج۳، ص ۱۳۱ و ۵۳۶.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص۲۴۷.

۵- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۱.

سزای ابدی اعمال خود برسند و از آنان انتقام گرفته شود.

اولین رجعت کننده از امامان کیست؟

در روایات متعددی امام حسین علیه السلام به عنوان اولین رجعت کننده از بین امامان معرفی شده است. (۱)

اولین رجعت امام حسین علیه السلام هم زمان با قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد (۲) و سپس از دنیا می رود و دومین رجعت او در اواخر عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. (۳)

برنامه های امام حسین علیه السلام در رجعت چیست؟

برخی از مهم ترین برنامه های امام حسین علیه السلام عبارت اند از:

۱. انتقام از دشمنان:

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

امام حسین علیه السلام و یزید با یارانشان می آیند و امام علیه السلام آنان را می کشد. (۴)

البته انتقام گیری در زمان قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ از این رو در دعای ندبه می خوانیم:

کجاست کسی (امام زمان) که به خون خواهی امام حسین علیه السلام برمی خیزد.

پس انتقا م گیری به هر دو امام نسبت داده شده است.

۲. کمک به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

امام حسین علیه السلام به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای جهانی سازی اسلام یاری می رساند. در روایتی امام حسین علیه السلام می فرماید:

۱- مختصر بصائر الدرجات، ص۲۴ و ۴۸؛ الخرائج و الجرائح، ج۲، ص۸۴۸؛ تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۸۲.

۲- مختصر بصائر الدرجات، ص۲۴ و ۴۸.

۳- نک: کافی، ج۸، ص۲۰۶؛ مختصر بصائر الدرجات، ص۴۸؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۰۳.

۴- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۸۲.

حضرت امیر شمشیر پیامبر را به من می دهد و مرا به شرق و غرب عالم می فرستد. (۱)

۳. به خاک سپاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

براساس روایات، مراسم غسل و دفن هر امام فقط توسط امام دیگر انجام می شود. (۲) رجعت دوم امام حسین علیه السلام در اواخر عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همچنین حاکم بعد از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام حسین علیه السلام است. طبق روایات، امام حسین علیه السلام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را غسل، کفن، حنوط و دفن می نماید. (۳)

۴. تشکیل حکومت جهانی:

مهم ترین برنامۀ امام حسین علیه السلام تشکیل حکومت پس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

است. مدت حکومت آن حضرت طبق روایت موثق، ۳۰۹ سال است. (۴) چندین روایت نقل شده است که امام حسین علیه السلام آن قدر حکومت می کند که به

واسطۀ پیری ابروهایش روی چشمانش قرار می گیرد. (۵) برخی از این روایات

موثق هستند. (۶)

ظهور و رجعت امام حسین علیه السلام

چه ارتباطی بین ظهور و رجعت امام حسین علیه السلام وجود دارد؟

بین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام ارتباط و پیوندهای

۱- الخرائج و الجرائح، ج۲، ص۸۴۸.

۲- الخرائج و الجرائح، ج۱، ص۲۴۶.

۳- مختصر بصائر الدرجات، ص۴۸.

۴- الغیبه، شیخ طوسی، ص۴۷۸. البته روایتی است که مدت حکومت ایشان را پنجاه هزار سال می شمارد (الزام الناصب، ج۲، ص۱۴۶)، ولی روایت ضعیف و غیرمنطقی است.

۵- الغیبه، شیخ طوسی، ص۴۷۸؛ مختصر بصائر الدرجات، ص۱۸ و ۲۸.

۶- برای مطالعۀ بیش تر نک: عصر شکوهمند رجعت، محمدرضا اکبری، ص۱۷۵ به بعد.

بسیاری وجود دارد. نویسندهٔ کتاب عاشورا و انتظار (۱) ۲۶ گونه ارتباط بین امام حسین علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند گرامی اش، ذکر کرده که یکی از آن ها مسئلهٔ رجعت است.

ایشان با توجه به این پیوندها، هجده تحلیل ارائه می کند. برای روشن شدن پاسخ سؤال، به چند نمونه از تحلیل های این کتاب اشاره می شود:

۱. عاشورا؛ پشتوانهٔ فرهنگی انتظار:

فرهنگ عاشورا، زمینهٔ فرهنگ انتظار را می سازد. انتظار، ادامهٔ عاشورا و چشم

به راه حسین دیگری است. رجعت امام حسین علیه السلام هم یعنی ظهور پشتوانهٔ نهضت مهدوی.

۲. اشتراک اهداف:

هدف امام حسین علیه السلام نجات انسان ها از گمراهی و نادانی بود. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم انسان ها را از گمراهی و نادانی نجات می دهد. لذا یکی از حکمت های رجعت امام حسین علیه السلام همین مسئله است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه را برای تبلور اهداف قیام عاشورا و هدف نهضت حسینی مهیا می نماید و رجعت امام حسین علیه السلام حرکت در راستای هدف کربلاست.

۳. الهام پذیری هر دو فرهنگ:

فرهنگ حسینی (قیام و شهادت) و فرهنگ مهدوی (انتظار) در روز ظهور و با رجعت امام حسین علیه السلام به هم می پیوندند. بذری که امام حسین علیه السلام در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور کردند و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت به حراست آن همت گماشت، روز ظهور شکوفا می شود و رجعت امام حسین علیه السلام یعنی برافراشتن شکوه ثمرات درخت بارور و تنومند اسلام.

۱- مسعود پورسیدآقایی.

رجعت امام علی علیه السلام چگونه است؟

براساس روایات، حضرت علی علیه السلام چندین مرتبه رجعت دارد. (۱) اولین رجعت

آن حضرت هنگام ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۲) در روایتی از امام باقر علیه السلام یکی

از رجعت های آن حضرت در زمان حاکمیت امام حسین علیه السلام می باشد. (۳)

آخرین رجعت امام علی علیه السلام پس از امام حسین علیه السلام (۴) است و پس از آن قیامت می شود.

برنامه های امام علی علیه السلام در رجعت چه می باشد؟

۱. انتقام از دشمنان:

امام علی علیه السلام در انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام حسین علیه السلام یاری می رساند. (۵) در روایات فراوانی وارد شده است که امام علی علیه السلام پس از رجعت، دشمنانش را علامت گذاری و داغ می نهد و بدین طریق آنان را از مؤمنان جدا می سازد. (۶)

۲. یاری به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

امام علی علیه السلام رجعت های متعددی دارد. در این رجعت ها به یاری اسلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام حسین علیه السلام می پردازد.

۱- مختصر بصائر الدرجات، ص۳۳. در قرآن از رجعت امام علی علیه السلام به دابه الارض تعبیر شده است (سورهٔ نمل، آیه۸۲)؛ تفسیر قمی، ج۲، ص ۱۲۰؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج۲، ص۲۹۷؛ کمال الدین، ص۵۲۸، سند روایات هم معتبر می باشند.

۲- الخرائج و الجرائج، ج۲، ص۸۴۸.

۳- الغیبه، شیخ طوسی، ص۴۷۸.

۴- الغیبه، شیخ طوسی، ص۴۷۸.

۵- نک: مختصر بصائر الدرجات، ص۲۹ و ۳۳.

۶- نک: تفسیر قمی، ج۳، ص ۱۳۰ و ۳۸۱؛ مختصر بصائر الدرجات، ص۲۰۸.

۳. تشکیل حکومت جهانی:

روایات متعددی بر حاکمیت امام علی علیه السلام بر جهان اشاره دارند؛ (۱) در برخی از روایات آمده: بر مشرق و مغرب عالم حکومت می کند (۲) و یا دولت او دولت دولت ها می باشد. (۳)

آیا بانوان رجعت می کنند؟

در روایات برای امام ۳۱۳ یار خالص عنوان شـده است که در میان آنان ۵۰ زن می باشند. در روایتی ۱۳ بانو نام برده شده که به دنیا باز می گردند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

همراه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سیزده زن رجعت می کنند.

روای پرسید: «آنان چه مسئولیتی دارند؟» امام فرمود:

مجروحان را مداوا و از بیماران مراقبت می کنند، همان کاری که زنان همراه پیامبر می کردند.

روای پرسید: «نام آنان چیست؟» امام فرمود:

۱. قنواء دختر رشید؛ ۲. ام ایمن (پرستار پیامبر)؛ ۳. حبابه والبیه؛ ۴. سمیه مادر عمار یاسر؛ ۵. زبیده؛ ۶. صبانه آرایش گر زمان فرعون؛ ۷. ام سعید حنفیه؛ ۸. ام خالد احمیه؛ ۹. ام خالد جهنیه. (۴)

نام بقیهٔ بانوان در حدیث نیامده است و از حالات سه نفر آخر در روایات

و تاریخ چیزی در دست نیست، اما شش بانوی دیگر از بانوان نیک و گران قدر

۱- کافی، ج۱، ص۱۹۸، ح۳؛ مختصر بصائر الدرجات، ص۳۳، ۲۹ و ۲۲۰.

۲- مختصر بصائر الدرجات، ص۳۳.

۳- کافی، ج۱، ص۱۹۸.

۴- دلائل الامامه، ابن جریر طبری، ص۴۸۴.

می باشند. (۱)

آیا رجعت نوعی تناسخ نیست؟

احمد امین (۲) عبداله بدوی (۳) و صفری (۴) رجعت را به معنای تناسخ گرفته اند،

در حالی که رجعت نوعی معاد جسمانی است؛ یعنی بازگشت روح با همان ویژگی ها به بدن اول؛ اما تناسخ به معنای این است که انسان بعد از مرگ، بار دیگر به همین زندگی بازمی گردد؛ منتها روح او در جسم دیگر (و نطفهٔ دیگر) حلول کرده و زندگی مجددی را در همین دنیا آغاز می کند و این مسئله ممکن است بارها تکرار شود.

پس تفاوت رجعت با تناسخ در این است که تناسخ، انتقال روح از جسمی به جسم دیگر و جدا شدن از جسم اول است، اما رجعت، بازگشت روح به همان جسم اول است.

تناسخ باطل است و به انکار معاد برمی گردد؛ زیرا معتقدان به تناسخ می گویند عالم دیگری به نام آخرت وجود ندارد و روح در همین دنیا به بدن های گوناگون تعلق می گیرد و پاداش خود را از این طریق می گیرد.

در روایات نیز کسانی که اعتقاد به تناسخ دارند کافر شمرده شده اند.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

کسی که به تناسخ اعتقاد داشته باشد نسبت به خداوند بزرگ کفر ورزیده و

۱- نک: «شرح حال و ویژگی های بانوان رجعت کننده در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» جواد جعفری، مجلهٔ مشرق موعود، ش۲، ص۲۳ – ۴۱.

۲- فجر الاسلام، ص۲۷۷.

۳- الخوارج والشیعه، ص ۱۵۰.

۴- الوافی بالوفیات، ج۴، ص۲۸۷.

بهشت و جهنم را تکذیب کرده است. (۱)

قرآن و رجعت

آیا آیات ۹۹ و ۱۰۰ سورهٔ مؤمنون با مسئلهٔ رجعت منافات ندارد؟

بین این دو مسئله هیچ گونه اختلافی نیست؛ زیرا خداوند متعال در سورهٔ مؤمنون در برابر خواست کافران برای برگشتن به دنیا و انجام اعمال نیک می فرماید: « کلّا»؛ «هرگز برنخواهید گشت!» البته حکمت رجعت کافران، عذاب آن هاست؛ یعنی آن ها به دنیا بازمی گردند تا این که با چشم خود، دولت عدالت و حق و جزای کفر و کارشکنی های خود را ببینند، اگرچه جزای واقعی و کامل را در قیامت خواهند چشید.

بنابراین «رجعت» از مسائلی است که براساس آیات و روایات، حتماً در دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پس از آن صورت می پذیرد. با وجود این، آیهٔ شریفه، بازگشت کافران را برای انجام اعمال نیکی که ترک کرده اند نفی می کند؛ یعنی اگر کسی در زمان حیاتش فرصت ها را از دست بدهد، دیگر برای درک فرصت ها و انجام اعمال، به دنیا بازنمی گردد. در نتیجه، هیچ منافاتی بین آیات مذکور با مسئلهٔ رجعت وجود ندارد؛ زیرا این آیات، برگشتن به دنیا در زمان رجعت را برای دیدن قسمتی از کیفر اعمال نفی نمی کند.

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج۲، ص۲۰۲.

ایران

کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

آیا ایران کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟

امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف متعلق به همـهٔ انسان ها و امام هستی و پیشوای جهانیان است. شـرق و غرب عالم به امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف تعلق دارد. منظور از کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف خوانـدن ایران، عنایت ویژهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این منطقه است؛ زیرا تنها قسمتی که شیعیان در آن آب و خاک دارند حکومت می کنند و طبق احکام الهی و اهل بیت علیهم السلام عمل می کنند، ایران است.

از سوی دیگر، تنهـا کشوری که انگیزهٔ زمینه سازی ظهور دارد، ایران است. در هیـچ جای دنیا کشوری نیست که حکومت آن شیعه باشد و یا ادعای زمینه سازی داشته باشد. لذا امام خمینی رحمه الله می فرماید:

این کشور صاحب الزمان است و بایـد کشوری باشد که تا ظهور موعود به اسـتقلال خودش ادامه بدهد و قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد. (۱)

۱- صحیفهٔ نور، ج۱۴، ص۱۹۵. در این رابطه در فصل نامهٔ انتظار، ش۱، ص۲۰، سخنان امام رحمه الله گردآوری شده است.

گفتنی است که شبیه این تعبیر نیز در جریان تشرف مرحوم آیت الله العظمی نائینی از وجود شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است که ایشان دربارهٔ حفظ ایران در جنگ جهانی اول فرموده اند:

این جا شیعه خانهٔ ماست! می شکنند، خم می شود، خطر هست، ولی ما نمی گذاریم سقوط کند، ما نگهش می داریم. (۱)

بنابراین اگر گفته می شود که ایران کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، مقصود این است که ایشان نسبت به این مرز و بوم عنایت خاصی دارد و مردم آن نیز بیش از دیگران به آن حضرت اعتقاد و محبت دارند و در مسیر تحقق اهداف و آرمان های او بیش تر می کوشند.

دربارهٔ این تعبیر که: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مادری غربی و پدری شرقی است، پس شرق و غرب عالم متعلق به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است»، باید گفت: دین اسلام که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده شد، برای تمام جهانیان تا ابد است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم پیامبر شرق و هم غرب عالم بود، با این که پدر و مادری شرقی داشت. امام علی علیه السلام هم که از پدر و مادر شرقی به دنیا آمده بود، بر شرق و غرب عالم امامت می کرد و همچنین دیگر ائمه علیهم السلام. پس دلیل تعلق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شرق و غرب عالم، تولد ایشان از مادر غربی و پدری شرقی نیست.

رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از اوضاع فعلی ایران، اعم از رعایت عدالت، قانون و مسئولان مملکت راضی هستند؟ و آیا به ادامهٔ آن رضایت دارند؟

۱- عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به علما و طلاب، ص۳۱۵. نمونه های مشابه دیگری نیز در کتاب میر مهر، ص۲۵ نقل شده است که عنایات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایران را ثابت می کند.

از آن جا که انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، زیر نظر فقیه جامع الشرایط است، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز قطعاً از شکل گیری چنین نظامی راضی هستند، ولی رضایت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از همهٔ قوانین و مقررات و همهٔ مسئولان، امری است که نمی توان قاطعانه دربارهٔ آن قضاوت کرد. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از قوانین و مقرراتی که براساس مبانی اسلام در هر زمان و شرایطی وضع می شوند، رضایت دارند. از طرفی، ادعا نمی شود که تمام قوانین، مقررات و آیین نامه ها صددرصد اسلامی اند، ولی از آن جا که زیر نظر اسلام شناسان (فقها) تصویب می شوند، به رضایت امام می توان پی برد. دربارهٔ مسئولان هم باید گفت که آن ها نیز مانند سایر انسان ها دچار خطا و لغزش می شوند، چنان که گاهی فرمانداران حکومت علوی نیز خطا می کردند. لذا می توان به رضایت کلی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از خدمت گزاران اسلام پی برد، گرچه این رضایت عمومیت ندارد.

زمینه سازی ظهور

کشور ایران تا قبل از ظهور، چگونه باید باشد؟

برای آن که از وضع کشور در هنگام ظهور آگاه باشیم، باید شرایط ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بدانیم. برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دو شرط اساسی لازم است:

۱. پذیرش عمومی: یعنی مردم باید به حدی از دانایی برسند که هرچه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور داد، بدانند آن دستور کاملاً درست است و باید مو به مو آن را اجرا کنند؛ نباید از مسئولیت شانه خالی کنند و اجرای عدالت را فقط در مورد دیگران دوست داشته باشند و وقتی اجرای عدالت به ضرر خود آنان شد، از آن فرار کنند و تن به عدالت ندهند؛ باید به حدی برسند که بفهمند دین، معنویت و ارزش های انسانی است که انسان را به سعادت می رساند، نه پیشرفت علم و

صنعت، و تنهـا امـام است که نیازهـای واقعی انسان را می دانـد و می توانـد مردم را خوشـبخت کنـد؛ فقط منتظر او باشـند و از قدرت های مادی چشم بپوشند.

۲. یاران فداکار: علاوه بر قبول مردم که شرط پیروزی و به ثمر رسیدن یک قیام است، یاران فداکار و سخت کوش نیز باید در انجام برنامه های امام، شـبانه روز تلاش کننـد و از هیـچ اقـدامی برای پیشـرفت دسـتورهای امام کوتاهی نکننـد. در خـدمت به اسلام و مردم سر از پا نشناسند و کار کردن برای دیگران را با تمام جان و دل قبول کنند و به فکر مقام و رفاه خود نباشند.

در روایـات به وجود یـاران ایرانی توجه زیـادی شـده و آمـده است که بسـیاری از شـهرهای ایران محل یاران امام است که در زمان ظهور به یاری امام خواهنـد پرداخت. (۱) مخصوصـاً در روایات، شـهر مقـدس قم، پایگاه یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (۲) معرفی شده است.

بـا توجه به این دو شـرط، بایـد گفت: کشور ما برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بایـد به گونه ای باشـد که همهٔ مردم یا اکثر آن ها واقعاً منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف باشند؛ انتظار واقعی، تنها با گفتار و دعا ایجاد نمی شود؛ منتظر واقعی را از عمل او می توان شـناخت، که البته دعا نیز جزئی از عمل است. منتظر واقعی اولاً سـعی می کنـد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف معرفت پیـدا کنـد و ثانیاً در طریق طاعت و بنـدگی خـدا قرار گیرد. تحقق این امر به موارد زیر است: بدانـد او چگونه امـامی است و چه انتظـاری دارد. برای این کار کتاب بخوانـد، در مجالس سـخن رانی و... شـرکت کنـد، سـعی کنـد برای سـلامتی امام همیشه دعا کند، برای او صدقه بدهد و اعمال مسـتحبی انجام دهد، پای بند مسائل دینی و واجبات و محرمات باشد، آن ها را به دقت بیاموزد و

۱- ملاحم، سید بن طاوس، ص۱۴۶ (به نقل از: چشم اندازی به حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۹۸).
۲- بحارالانوار، ج۵۷، ص۲۱۶، ح۳۸.

عمل نماید، واقعاً عدالت خواه باشد، و راضی نباشد حق کسی ضایع شود، هرچند به ضرر خود او باشد. مطیع نایب امام زمان (ولی فقیه) باشد و در زمان غیبت امام، دستورهای او را مانند دستورهای خود امام بداند، از گناه، زشتی و ظلم کاملاً بپرهیزد، و در کمک به مردم و جلب رضایت آنان بکوشد، و وظایف دینی و اخلاقی خود را به طور کامل عمل نماید.

هرقدر تعداد چنین افرادی در ایران و جهان زیاد شود، می توان گفت به ظهور نزدیک تر می شویم و زمینهٔ آمدن امام زمان فراهم تر می شود.

البته باید توجه داشت که در کنار کوشش های افراد صالح، عده ای افراد فاسد نیز گناه و تباهی را به حد اعلای آن می رسانند و سعی می کنند در جامعه هرچه بیش تر گناه و بی عدالتی را ترویج دهند؛ اما با تلاش منتظران، وجود چنین افرادی مانع ظهور نمی شود؛ اینها گرد و غباری هستند که با آمدن باران رحمت الهی از صحنهٔ اجتماع زدوده می شوند، به شرط این که منتظران واقعی با امر به معروف و نهی از منکر بستر را برای ظهور حضرت فراهم آورند تا با اصلاح امور و اصلاح افراد جامعه شرایط ظهور تحقق یابد.

کشور عزیز ما ایران در زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه نقشی داشته است؟

کشور ایران برای زمینه سازی ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش خوبی ایفا می کند؛ برای مثال، می توان گفت که انقلاب اسلامی، زمینهٔ آشنایی ملل دیگر را با اسلام، به ویژه تشیع، بیش تر از گذشته فراهم کرده است، پس باید از فرصت پیش آمده استفاده کرد و فرهنگ شیعه را با ابزارهای مختلف به سراسر دنیا معرفی کرد. باید از تمام امکانات برای معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ملل جهان بهره گرفت و برای تربیت نیروهای مخلص برای ایشان در داخل و خارج کشور تلاش کرد. در ضمن باید توجه داشت که ایران تنها کشور شیعه است و منتظران واقعی حضرت هم باید در درجهٔ اول از میان شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام باشند.

مردی از قم

روایتی که می فرماید: مردی از قم مردم را به سوی خدا دعوت می کند، نسبت به چه کسی می باشد؟

در روایتی امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

شخصی از اهل قم مردم را به حق می خواند و در اطراف او کسانی جمع می شوند که چونان قطعه های آهن مقاوم اند. از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند و هیچ باد سرکش تندی آن ها را تکان نمی دهد و به خدا توکل می کنند و عاقبت از آنِ متقین است. (۱)

باید توجه داشت که تعیین فرد خاصی برای این روایت، احتیاج به دلایل محکمی دارد و به سادگی نمی توان روایات را بر افراد و مصادیق خاص تطبیق کرد. اما به هر حال ممکن است انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی رحمه الله مورد روایت باشد. البته برخی، مصداق این روایت را امام خمینی رحمه الله می دانند و در این باره مطالبی نقل کرده اند. (۲)

دورهٔ ظهور

حضور ایرانیان در دورهٔ ظهور چگونه است؟

از روایات فهمیده می شود که تعدادی از سپاهیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایرانی هستند و از آنان با تعبیرهای طرفداران سلمان فارسی، اهل ری، اهل مشرق زمین، اهل خراسان، گنج های طالقان، یاران درفش های سیاه، قمی ها، سرخ رویان، اهل فارس و... یاد شده است.

۱- الملاحم و الفتن، ص۳۸؛ بحارالانوار، ج۵۷، ص۲۱۶.

۲- نک: آینده و آینده سازان، محمد دشتی، ص ۷۰.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

نیروهایی با پرچم های سیاه که از خراسان قیام کرده اند در کوفه فرود می آیند و هنگامی که حضرت مهدی در شهر مکه ظهور می کند با آن حضرت بیعت می کنند. (۱)

و نیز فرمودند:

یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۳ نفرند و از فرزندان عجم اند. (۲)

رهبر ایران

آیا در زمان ظهور، حضرت آیت الله خامنه ای رهبر ایران است؟

این که رهبر ایران در زمان ظهور چه کسی خواهد بود، ما نمی دانیم، و این که انقلاب ما به رهبری آیت الله خامنه ای(مدظله) به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متصل می شود یا خیر مشخص نیست، ولی امیدواریم که این اتصال تحقق یابد!

امام در ایران

کشور عزیزمان ایران چندمین کشوری است که امام زمان در آن ظهور می کند؟

همان طور که می دانید امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر مکه و در کنار کعبه ظهور می کنند و بعد به شهرهایی مانند مدینه، کوفه و... می روند. در بین روایاتی که عصر ظهور را ترسیم کرده اند، هیچ روایتی دربارهٔ تشریف فرمایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کشور ایران وارد نشده است. لذا نمی توان گفت که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه وقت به ایران تشریف می آورند.

۱- الفتن، ابن حماد، ص۸۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۵.

معنای روایات

فساد قبل از ظهور

در روایـات آمـده، زمـانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف می آیـد که همه جا را فساد گرفته باشـد، پس برای این که امام زودتر بیاید باید فساد کنیم؟

بایـد بین علامت ظهور و شـرایط آن تفاوت قائل شـد. علامت ظهور، یعنی چیزی که نشانهٔ ظهور است و اتفاق افتادن آن نشان می دهـد ظهور نزدیـک شـده است؛ امـا علت ظهور نیست و بـاعث نمی شود که ظهور اتفاق بیفتـد و فقط هردو در یک زمان اتفـاق می افتنـد، امـا شـرط ظهور، یعنی آن چه زمینه ساز ظهور است و اگر آن شـرط باشـد ظهور می شود و اگر نباشـد ظهور اتفاق نمی افتد.

حال که این تفاوت معلوم شـد، باید دانست روایتی که هنگام ظهور را فراگیر شدن جهان از سـتم و فساد برمی شـمرد، علامت ظهور را بیان می کنـد، نه شـرط آن را؛ پر شدن زمین از فساد، از شـرایط ظهور نیست که ظهور وابسـته به آن باشد، بلکه فساد علامت ظهور است؛ یعنی در زمان ظهور وضع دنیا چنین خواهد بود و در چنین وضعی امام ظهور خواهد کرد.

افزون بر این، مگر هم اکنون زمین پر از ظلم و فساد نیست؟ مگر در تمام

کشورهای عربی که مدعی اسلام هستند، مشروب فروشی ها و مراکز فساد، رسماً فعالیت نمی کنند؟ مگر امریکا به نام حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، کشورها را به آتش نمی کشد؟ مگر کشوری هست که از ظلم و فساد ننالد؟ بنابراین در پر بودن دنیا از فساد شکی نیست و اگر این امر علت ظهور بود، حتماً تا حال ظهور پدید آمده بود.

اما شرط ظهور، وجود یاران واقعی و آمادگی اکثریت مردم برای قبول عدالت

و حقیقت است، یعنی عدالت را هرچند به ضررشان باشد بپذیرند و آن را

فقط برای سود خود نخواهند. اگر می خواهیم امام زودتر ظهور کند، باید برای پرورش انسان های صالح و باتقوا کمک کنیم و جامعه را آمادهٔ پذیرش حکم خدا کنیم. این کار با ترک گناه، فساد و ظلم امکان دارد، نه با ترویج فساد و ظلم

و بی عدالتی.

پس نه تنها افراد نیکوکار مانع ظهور نیستند، بلکه زمینه ساز ظهور نیز به شمار می آیند و اگر تعداد آن ها زیاد شود، امید به ظهور بیش تر خواهد شد.

قیام قبل از ظهور

در روایت آمده است که هر پرچمی قبل از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بلند شود صاحب آن طاغوت است و هر بیعتی قبل از ظهور ایشان کفر و نفاق است. این روایات چگونه با انقلاب اسلامی ایران سازگاری دارد؟

ابتدا باید بدانید که این بحث به طور مفصل در کتاب های دادگستر جهان نوشتهٔ آیت الله امینی و سیمای آفتاب نوشتهٔ دکتر حبیب الله طاهری آمده است و تک تک روایات بررسی و مورد بحث قرار گرفته است. برای دیدن تمام مطالب می توانید به این دو کتاب مراجعه نمایید.

اما به طور خلاصه می توان گفت منظور از این روایات، قیام هایی است که بنام حضرت و با ادعای مهدویت صورت می گیرد. بنابر قرائن موجود در این روایات، آنان کسانی اند که مردم را به سوی خود می خوانند و داعیهٔ مهدویت و نجات بخشی دارند، نه کسانی که خود را مهدی نمی نامند و ادعای منجی گری موعود ندارند و خود را زمینه ساز ظهور و در خدمت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانند. انقلاب اسلامی نیز ادعای مهدویت ندارد، بلکه امام راحل بارها فرمودند ما با این حرکت می خواهیم زمینهٔ رشد و تعالی مردم فراهم آید، ظهور نزدیک تر شود و انقلاب را به دست صاحب اصلی آن بسپاریم.

بنابراین روایات این نوع قیام ها را دربر نمی گیرد، بلکه برعکس روایاتی هست که بنابر آن ها، افرادی قبل از حضرت برمی خیزند، مبارزه می کنند و زمینهٔ ظهور حضرت را فراهم می سازند.

اگر کسی این معنا را برای این روایات نپذیرد و بگوید هر نوع قیام و حکومتی قبل از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حرام است، می گوییم اگر انقلاب و حکومتی نباشد، بسیاری از دستورهای اجتماعی دین که اجرای آن ها به حکومت احتیاج دارد، تعطیل می شود. تا حال هزار و دویست سال از غیبت می گذرد و معلوم هم نیست چند سال دیگر ادامه یابد؛ آیا خداوند قرآن و احکام را که این همه بر اجرای آن ها برای تمام مسلمان ها تأکید نموده، باید سال های بسیار طولانی تعطیل کند تا فقط در زمان ظهور انجام شود؟ آیا می توان بر فرض صحت تمام روایات نهی از قیام و حکومت که البته معتبر نیستند، به دلیل چند روایت، قسمت بسیار عظیم اسلام را که صدها آیه و هزاران روایت دارد، تعطیل کرد. بر فرض تعارض نیز ما این روایات نهی از حکومت را کنار می گذاریم و به پیام اصلی دین که اجرای قوانین اسلام است و هزاران دلیل دارد، عمل می کنیم.

البته در پایان باز تکرار می کنیم که این نوع روایات با تشکیل حکومت اسلامی مخالفت ندارد، بلکه مخالف قیام و تشکیل حکومت به نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که انقلاب ما نیز چنین ادعایی ندارد.

ولایت فقیه

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «در زمان غیبت ما به راویان حدیث ما یعنی فقها رجوع کنید». آیا منظور از ولایت فقیه، ولایت فقه است یا ولایت شخص فقیه؟ لطفاً توضیح دهید!

فقیه کسی است که دانش فقه را در عالی ترین درجهٔ آن داراست و برای به کارگیری و استنباط احکام از آن توان کافی دارد. چنین کسی در زمان غیبت، از طریق ادلهٔ عقلی و نقلی (روایات) نایب عام امام معصوم علیه السلام شمرده می شود و بر مردم ولایت دارد و آنان باید در احکام دینی و دیگر برنامه های اجتماعی، سیاسی و... از وی اطاعت کنند.

بنابراین مقصود از ولایت فقیه یعنی ولایت مجتهد جامع شرایط بر مردم. مقصود از جامع شرایط این است که فقیه علاوه بر دانش فقه، باید تقوا و خداترسی بالایی داشته باشد و از دنیا و مظاهر آن بپرهیزد.

با توجه به آن چه توضیح داده شد، حکومت فقیه، حکومت شخص نیست، بلکه حکومت تفکر براساس احکام اسلام است. فقیه به دلیل عمل به فقه

و اجرای مقررات دینی، بر مردم حکم می راند؛ به گونه ای که حتی او نیز باید

طبق احکامی عمل نماید که در حق مردم بیان می کند؛ اگر کوچک ترین خطایی در این بخش از او سر بزند، از مقام ولایت عزل می شود و دیگر صلاحیتی برای آن نخواهد داشت.

برای اطلاع بیش تر دربارهٔ ولایت فقیه، به کتاب هایی، از جمله ولایت فقیه اثر

آیت الله جوادی آملی مراجعه کنید!

دعای عهد

چنان که در روایات آمـده، هرکس دعای عهد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را چهل صـباح بخواند، در زمان ظهور حضـرت زنده خواهد شد. این زنده شدن چه کیفیتی دارد و آیا منظور همان رجعت است، یا قبل از رجعت این موضوع محقق خواهد شد؟

به فرمودهٔ امـام صـادق علیه السـلام هرکس چهـل صـبح این دعـا را بخوانـد، از یـاوران حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف قرار می گیرد و اگر پیش از ظهور آن حضـرت بمیرد، خداونـد او را از قبر بیرون می آورد تا در خدمت آن حضـرت باشـد و حق تعالی به هر کلمهٔ آن هزار حسـنه به او کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند؛ (۱)این همان رجعت است؛ زیرا رجعت با ظهور امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آغاز می شود، ولی به منزلهٔ این نیست که فقط دعای عهد بخواند تا به این مقام برسد، بلکه باید دو نکتهٔ زیر را نیز در نظر بگیرد:

۱. این که اعمال و رفتارهای دیگر نیز درست و مطابق با موازین شرع باشد؛ زیرا انسان باید با حقیقت این دعا انس داشته باشد تا بتواند با خدای خود

عهد ببندد؛

۲. ممکن است شخصـی که دعای عهـد را می خواند، انسان بدی باشد، ولی خداوند متعال به برکت این دعا، او را متحول می گرداند و با خواندن این دعا در چهل روز و عهد قلبی با حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چنان تحول اساسی در وجود او ایجاد می شود که می تواند به قابلیت اصحاب حضرت برسد.

با توجه به جملهٔ «مؤتزراً کفنی، شاهراً سـیفی» در دعای عهـد، آیا هنگامی که از قبر بیرون می آییم تا امام را یاری کنیم، کفن پوشیده ایم یا لباس؟ و منظور از «شاهراً سیفی» چیست؟

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۹۵، ح۱۱۱.

برای عبـارت «مؤتزراً کفنی» احتمالاـتی وجود دارد، از جمله این که مراد حقیقی این است که اعمـالم، از جمله ثواب خوانـدن این دعا همراه من باشد، اگرچه ظاهر جمله، کفنی است که میت می پوشد.

احتمال دیگر هم این است که مراد از این قسـمت به تعجب درآوردن خلایق، از کفن پوشی صاحب قبر است؛ زیرا صاحب قبر در این صورت، عبرتی برای دیگران می شود و مردم می بینند که مرده ای زنده شده، از قبر بیرون آمده و کفنش در

گردن اوست. (۱)

منظور از «شاهراً سیفی»، ادعای شجاعت برای ترویج حق است. (۲)

خطبهٔ غدیر

معنای این جمله از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم که در خطبـهٔ غـدیر دربارهٔ حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرمود: «ألا انه الغرّاف من بحر العمیق» چیست؟

«غرّاف» معانی متعددی در لغت دارد که معنای مناسب با این جمله «رود

پر آب» اسـت. (۳) پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم می فرمایـد: «امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، رودی پر آب از دریایی عمیق است».

امام کاظم علیه السلام در روایتی، بحر عمیق را بر معرفت الهی و شناخت خداوند تطبیق کرده است. (۴)

بنابر روایات ذکر شده، منظور از دریای عمیق، علوم الهی و به اصطلاح قرآن،

۱- شرح دعای عهد، ملاعلی هرندی، ص۱۳۳-۱۳۴.
۲- شرح دعای عهد، ملاعلی هرندی، ص۱۳۴.
۳- قـاموس، فیروزآبـادی. لغـت غرف، البته به معنـای اخذکننـده نیز می توانـد باشـد؛ یعنی امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشریف وصل به دریای عمیق است و امام از دریای عمیق استفاده و اخذ می نماید.
۴- بحارالانوار، ج۳، ص۲۹۶، ح۲۱.

«علم الکتاب» (۱) است. همان علمی که در سینهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و بعد به یک یک ائمه علیهم السلام افاضه گردیده و اکنون حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وارث آن علم الهی است. با وجود آن علم، دیگر جهلی نیست و همه چیز نزد ایشان معلوم است.

می توانید برای معنای «علم الکتاب» به کتاب المیزان، تفسیر آیهٔ ۴۳ سورهٔ رعد مراجعه نمایید.

روایات ائمه

معصومان علیهم السلام به خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام دربارهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه فرموده اند؟

روایاتی از همهٔ معصومان و ائمهٔ اطهار علیهم السلام دربارهٔ ابعاد وجودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که به برخی از آن ها اشاره می شود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

دنیا باقی است تا وقتی که مردی از دودمان امام حسین علیه السلام قیام کند و زمین را از عدل و داد بگستراند، چنان که از ظلم و جور پر شده است. (۲)

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمودند:

نهمین فرد از فرزندان تو قائم به حق است؛ ظاهرکنندهٔ دین و گسترانندهٔ عدل و داد. (۳)

امام حسن مجتبی علیه السلام در روایتی فرمودند:

او در غیبتش عمری دراز دارد. آن گاه به صورت جوانی کم تر از چهل سال

۱- سورهٔ رعد، آیهٔ۴۳.

۲- اثبات الهداه، شیخ حر عاملی، ج۳، ص۴۵۶، باب۳۲، ح۸۸ (به نقل از: الغیبه، شیخ طوسی).

۳- اثبات الهداه، شیخ حر عاملی، ج۳، ص۴۶۴، باب۳۲، ح۱۱۷ (به نقل از: کمال الدین).

ظهور خواهد کرد. (۱)

امام حسین علیه السلام دربارهٔ غیبت می فرمایند:

... نهمین فرزند من است که غیبت خواهد داشت. (۲)

در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است:

یاران قائم سیصد و سیزده نفر هستند، مانند یاران رسول خدا در جنگ بدر. (۳)

روایات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

چرا بیش تر روایـات و احادیث شـیعه از امام باقر و امام صادق علیهما السـلام است، و از دیگر ائمه، به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ در کتب روایی کم تر نقل کرده اند، در حالی که امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف عمر طولانی تری از بقیـهٔ امامـان دارد؟ بیش تر اطلاعـات دربارهٔ امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ملاقات ایشان با بزرگان دینی و بعضی از مراجع در زمان غیبت کبراست.

از آن روی که آن حضـرت در غیبت به سر می برنـد، احادیث از ایشان کم تر نقل شده است. حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به مـدت پنـج سال با پـدر بزرگوارشان بودنـد و غیبت صـغرای آن حضـرت بعد از شـهادت امام عسـکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری شـروع شـد. لـذا هیـچ زمانی برای نقل احادیث بیش تری از ایشان نبوده است. البته احادیثی از آن بزرگوار نقل شـده است، ولی به دلیل غیبت آن حضـرت، امکان نقل حدیث بیش تری نبوده است. ولی با وجود این، توقیعاتی از آن حضـرت، در موقع ضرورت و نیاز صادر شده است که اکنون نیز موجود است و می تواند در دسترس همگان قرار گیرد. به علاوه این که روایات فراوان از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام، به

۱- راه مهدی (به نقل از: اثبات الهداه، ج۳، ص۴۶۵).
۲- اثبات الهداه، ج۳، ص۴۶۵، ح۱۲۱ (به نقل از: کمال الدین).
۳- اثبات الهداه، ج۳، ص ۴۹۱، ح۲۳۵.

دلیـل موقعیت هـای منـاسبی است که آن دو بزرگوار داشـته انـد. آن دو حضـرت از آن موقعیت هـا اسـتفاده کردنـد و احکـام مختلف دین را بیان نمودنـد؛ ولی این گونه موقعیت برای امامان قبلی و بعدی، به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود نیامده است. به همین دلیل، احادیث کم تری از آن بزرگوار داریم.

روز ظهور

در روایـاتی از امام صادق و امام باقر علیهما السـلام روز ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، **۲۳** ماه مبارک رمضان معرفی شده، و روایاتی روز ظهور حضـرت را جمعه برشمرده اند؛ آیا اعلان این زمان ها، نوعی تعیین وقت نیست؟ اگر این گونه باشد، انتظار در دیگر روزهای سال چگونه معنا پیدا می کند؟

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

آن صـیحهٔ آسـمانی که در ماه مبارک رمضان، پیش از ظهور طنین می افکند، در شب جمعه، شب **۲۳** ماه رمضان خواهد بود. (۱)

صیحهٔ آسمانی از نشانه های ظهور است که به گفتهٔ ایشان در **۲۳** رمضان خواهد بود. حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید:

یکی از نشانه های فرج، صیحهٔ آسمانی در ماه رمضان است. (۲)

در نتیجه، روایات روز ظهور را **۲۳** رمضان یاد نکرده اند.

بعضـی از روایات، ظهور آن حضـرت را روز جمعه ذکر کرده انـد، اما قطعی نیست که تغییر نپذیرد. ضـمن این که معلوم نشده است که کدام جمعه، جمعهٔ

ظهور است.

انتظار در دیگر روزهای سال چگونه معنا پیدا می کند؟

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص۲۷۴؛ کمال الدین، ج۲، ص ۶۵۰؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۰۴.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۱۳۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲۹ و ۲۸۵؛ منتخب الاثر، ص۲۲۰.

انتظار در لغت به معنای چشم داشت، چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است. انتظار در اسلام به ویژه در مذهب شیعه، ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امید به ظهور مبارک آن حضرت، آغاز حکومت صالحان و در واقع نوعی آمادگی بیان شده است. می توان گفت که «انتظار فرج» از اصل کلی اسلامی، که اصل حرمت یأس و نومیدی از لطف و رحمت خداوند است مایه می گیرد. بنابر روایات، انتظار فرج، نوعی عبادت، ایمان به غیب، اقرار به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایی امامان معصوم علیهم السلام، تلاش و سازندگی، عامل مقاومت و پایداری و نوعی فریاد و عدم پذیرش سلطه و اعتراض به زمام داران خودسر است.

دیدار

این روایت را که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین ماست و روزی ظهور می کند و وجود مبارک آن عزیز را همه می شناسند، توضیح دهید و سندش را بیان کنید!

در این باره در منابع معتبر شیعی نقل شده است که حضرت در میان مردم حضور دارد، ولی مردم ایشان را نمی شناسند. در بعضی از این روایات آمده است که مردم حضرت را می بینند، ولی نمی شناسند؛ مانند روایتی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

خداوند سنت های پیامبران پیشین را برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جاری می سازد... اما سنت خداوند برای یوسف علیه السلام در خصوص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که خداوند بین او و مردم حجاب قرار می دهد، به گونه ای که مردم او را می بینند، ولی نمی شناسند. (۱)

۱- کمال الدین، ج۲، ص۲۹ (دربارهٔ حج نیز آمده است که مردم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در مراسم حج می بینند، ولی نمی شناسند).

همچنین سدیر صیرفی در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت دربارۀ سنت یوسف علیه السلام برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

چگونه این مردم بعید می دانند که خداوند برای حجتش آن چه را جاری کند که برای یوسف علیه السلام جاری نمود؛ در این که حضرت در بازار مردم حرکت می کند و بر فرش های آنان قدم می گذارد و آنان وی را نشناسند. (۱)

این روایات در منابع اصیل و قدیمی شیعی مانند: کافی، کمال الدین، الغیبه نعمانی و الغیبه طوسی نقل شده و اسناد آن در این کتاب ها درج گردیده است.

نام بردن از امام

آیا این روایت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است: «هرکه در جمعی از مردم نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد»؟

این روایت، متن توقیعی(نامه ای از امام) است. نایب دوم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

خرج توقیع بخط أعرفه من سمانی فی مجمع من الناس باسمی فعلیه لعنه الله؛ (۲)

توقیعی به خطی که آن را می شناسم صادر شد: هرکس در میان جمعی از مردم مرا به اسمم نام ببرد، لعنت خدا بر او باد.

البته در متن روایت «الناس» آمده و معمولاً ائمه علیهم السلام این کلمه را برای عامه (اهل سنت) و کسانی که امامت آن ها را قبول نداشته اند، به کار می برده اند. لذا منظور ترک تقیه و ذکر نام ائمه علیهم السلام در محافل اهل تسنن است که باعث تحریک و

۱- دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، ص۵۳۲.
۲- کمال الدین، ج۲، ص۴۸۳.

تشـنج می شود و نیز در متن روایت «باسمی» آمده، یعنی حق تصریح به نام را ندارید؛ زیرا در غیبت صغرا باعث جست وجو از امام و اذیت شـیعیان می شده است. پس منظور از مردم، شـیعیان و جلسات و محافل مرسوم امروزی نیست. علاوه بر این، بردن نام مخصوص امام منظور است، نه یاد امام بودن؛ زیرا روایات دیگری داریم که ائمه علیهم السلام به شیعیان توصیه می فرمایند که جمع شوند و مجالس یاد ائمه علیهم السـلام تشـکیل دهند و بدانند که ملائکه در چنین مجالسـی شرکت می جویند و برای آنان دعا می کنند.

خورشید پشت ابر

چرا در روایات، امام غایب به خورشید پنهان در پس ابر تشبیه شده است؟

تشبیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خورشید پشت ابر، به حدیثی برمی گردد که از خود حضرت نقل شده و می فرمایند:

چگونگی استفاده از من در غیبت، مانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را می پوشانند. (۱)

علامه مجلسی در وجوه تشابه حضرت با خورشید پشت ابر چنین گفته اند:

۱. هرچند ابرها جلو خورشید را می گیرند، اما خورشید نور روشنی بخش خود را از جهانیان دریغ نمی کند و هم از پس ابر بر زمین می تابـد. امام عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز هرچنـد در پس پردهٔ غیبت قرار دارد، اما نور ولایت آن حضـرت بر همهٔ عالمیـان پرتو می افکنـد، چه این که اگر نور آن امـام نباشـد، بنـابر روایات، زمین و اهل آن از بین می رونـد؛ زیرا او امان اهل زمین است.

۲. هرکس با این همه آثار و معجزات و آیات و روایات، باز هم منکر وجود

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۹۲.

مبارکش شود، مانند کسی است که منکر وجود خورشید می گردد؛ هنگامی که در پشت ابرها از دیدگان پنهان است، گرچه آثار وجودش به جهانیان می رسد.

۳. همچنان که مردم انتظار بیرون آمدن خورشید از پشت ابرهای تیره را می کشند تا بیش تر از آن بهره مند گردند، در زمان غیبت نیز شیعیان و محبان حضرت، همواره انتظار وجود مبارکش را دارند و هرگز ناامید نمی شوند. (۱)

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۹۳.

آسیب شناسی

۱. مراد از «آسیب شناسی مباحث مهدویت» چیست؟

هر اندیشهٔ ناب و درستی که رهبر اندیشه ها و نجات بخش توده هاست، هدف دشمنی مخالفان و معاندان قرار می گیرد و ممکن است در طی زمان با انحرافات و خرافه هایی همراه شود که چهرهٔ واقعی و درخشان آن اندیشهٔ ناب و زلال را بپوشانند. فرهنگ انتظار و مهدویت که اندیشه ای اسلامی و قرآنی است نیز در طول زمان گرفتار آسیب هایی شده است و دشمن تلاش کرده است که از راه تحریف و تخریب به این اعتقاد دینی که راه نجات و سعادت بشر است ضربه بزند. بدیهی است پیروان این اندیشه و اعتقاد دینی باید آسیب ها را بشناسند تا به دام آن ها گرفتار نشوند. نمونه هایی از این آسیب ها عبارت اند از:

۱. مدعیان دروغین مهدویت و نیابت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۲. مدعیان دروغین ملاقات و ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۳. برداشت های غلط از مفهوم انتظار و حکومت در زمان غیبت؛

۴.تعیین وقت برای ظهور و عجله کردن نسبت به ظهور و... .

بنابراین مقصود از آسیب شناسی مباحث مهدویت این است که کج روی ها و کج اندیشی هایی که تا به حال در این حوزهٔ فکری و اعتقادی صورت گرفته است

مورد بازشناسی قرار گیرد و فهم درست و منطبق بر آیات و روایات در این حوزۀ فکری و اعتقادی تبیین گردد.

برخی از نمونه های دشمنی با جریان مهدویت را بیان کنید؟

براساس آموزه های قرآن و سنت و به ویژه توقیعات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیعیان در زمان غیبت کبرا باید از نایبان عام امام که فقها و مراجع تقلید هستند پیروی کنند و تعالیم و دستورات دینی را از آن ها بگیرند و تاریخ شیعه گواه است که این علما و فقهای بیدار و زمان شناس بوده اند که چون دژ مستحکمی مرزهای اعتقادی شیعه را در مقابل هجوم فرهنگی دشمن حفظ کرده اند و به همین دلیل از دیرزمان، دشمنان با این نهاد الهی و مبارک پیوسته دشمنی کرده و در دهه ها و سال های اخیر مبارزۀ سرسختانه ای کرده اند و راه های زیادی را آزموده اند؛ ازجمله با طرح دروغین ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیابت خاص نسبت به حضرت، تلاش کرده اند که توجه مردم را از عالمان و فقیهان شیعه برگردانده و به جانب افرادی شیاد و حیله گر بگردانند تا رفته رفته دستورات دین و آموزه های آن دست خوش تحریف شده و اعتقاد به امامت و ولایت تضعیف گردد. در سال های اخیر بعضی از افراد که مرید این مدعیان ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده اند، از علما و مراجع فاصله گرفته اند و دنیا و بالاتر، دین خود را بازیچۀ این شیادان قرار داده اند؛ زیرا این گونه القا شده است که این مدعیان ارتباط با امام، دستورات دینی را مستقیماً از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دریافت می کنند و در این صورت، این دستورات کاملاً مطابق با حقیقت و واقعیت است و در چنین شرایطی دیگر نیازی به رسالۀ عملیۀ مراجع تقلید نیست؛ زیرا که آن ها دستورات دینی را از قرآن و سنت برداش می کنند و ممکن است مطابق با حکم واقعی خدا باشد و یا نباشد! آری، این از القاءات شیاطین امروزی است که مؤمنین باید بسیار مراقب باشند که به دام چنین

شیادانی گرفتار نشوند و حق مسلّم آن است که همهٔ ما شیعیان به توصیهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سایر ائمه علیهم السلام در زمان غیبت مأمور به اطاعت از مراجع تقلید هستیم و فتوا و نظر آن ها بر همهٔ ما حجت است.

بعضی می گویند شرط ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، فراوانی ظلم و جور است بنابراین نباید با ظلم و جور برخورد کرد! آیا این نظریه صحیح است؟

باید دقت داشته باشیم که هر برداشتی از آیات و روایات صحیح نیست، بلکه باید مطابق با اصول و قواعد قرآنی و حدیثی باشد. درست است که در روایات فراوان آمده است که «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را پر از عدالت می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد» ولی معنای این روایات سکوت کردن ما در برابر ظلم و ستم به بهانهٔ فراهم کردن زمینهٔ ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست؛ زیرا در آیات و روایات، اصلی داریم به نام «امر به معروف و نهی از منکر» که این اصل مهم دینی برای همهٔ زمان ها و مکان هاست و بنابراین دورهٔ غیبت را هم شامل است.

امام خمینی رحمه الله فرمودند:

الآن عالم پر از ظلم است، اگر ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است] ... باید چنین کنیم. اما چون نمی توانیم باید او بیاید، اما باید فراهم کنیم کار را... . (۱)

بنابراین هدف بزرگ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اجرای عدالت در همهٔ زمین و برطرف کردن همهٔ ظلم ها و بی عدالتی است و عقل و منطق و شرع می گوید که پیروان حضرت باید در مسیر هدف او حرکت کنند و در حد توان خود از رفع ظلم از محیط خود بکوشند، نه این که به ظلم و ستم دامن بزنند یا در مقابل آن سکوت کنند!!

۱- صحیفه امام، ج۲، ص۱۶ و ۱۷.

انجمن حجتیه چه کسانی هستند و عقایدشان دارای چه اشکالاتی است؟ توضیح دهید.

در زمان رژیم شاه، بهائیت ــ که یک دین خرافی و جعلی است ــ فرصتی یافت تا فعالیتی فراگیر و وسیع داشته باشد که علما و مؤمنین را نگران کرد. یکی از چهره هایی که در مقابل این دین ساختگی، به مقابلهٔ جدّی پرداخت، مرحوم شیخ محمود تولایی معروف به «حلبی» بود. ایشان در سال ۱۳۳۵ انجمن خیریهٔ حجتیه را تشکیل داد تا اقدامی تشکیلاتی علیه بهائیت انجام دهد و در این راه افراد بسیاری حتی از چهره های برجستهٔ دینی و سیاسی با او همکاری کردند.

گرچه اصل اقدام مرحوم حلبی بجا و مطلوب بود، اما بعضی از افکار و عقاید پذیرفته شده در انجمن، عقایدی در جهت مخالفت با حرکت عظیم اسلامی و انقلابی به رهبری امام خمینی رحمه الله بود؛ مثل این که انجمن هرگونه دخالت در امور سیاسی را رد کرده و آن را زیبندهٔ پیشوایان دینی نمی دانست و بالاتر این که معتقد بود هر پرچمی که قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بلند شود در گمراهی بوده و به شکست خواهد انجامید و باید منتظر بود تا خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و حکومت تشکیل دهد. انجمنی ها با این تفکرات بیش ترین وظیفهٔ مسلمانان را در عصر غیبت، انتظار و دعا کردن برای ظهور می دانستند و مبارزه را هدر دادن نیروها می دانستند.

ولی روشن است که این افکار مخالف قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا:

اولاً، در فرهنگ دینی ما دیانت از سیاست جدا نیست و یک مسلمان نمی تواند نسبت به امور سیاسی بی تفاوت باشد. چنان که امام خمینی رحمه الله که خود از فقهای بزرگ اسلامی بودند، در متن امور سیاسی بوده و به هیچ وجه انزوای از سیاست را جایز نمی دانستند؛

ثانیاً، مقصود از روایاتی که نهی از قیام قبل از ظهور کرده است، پرچمی است

که به نـام امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و بـا ادعای مهـدویت برپا گردد؛ نه هر پرچمی که برای برچیـدن ظلم و برقراری عدالت برپا شود؛

ثالثاً، وظیفهٔ مسلمین عمل به تکلیف است و گاهی تکلیف، مبارزه با طاغوت است، البته به آن مقداری که امکان مبارزه باشد؛

رابعـاً، انجمن حجتیه بـا پیـام مرحوم حلبی ـ مؤسـس آن ـ اعلام تعطیلی و انحلال کرد، گرچه در سـال های اخیر به صورت غیررسمی، فعالیت هایی داشته است.

معرفی کتاب های مهدوی

اشاره

محمدرضا فؤادیان

سیر مطالعاتی

عمومی

۱. طلوع خورشید، مهدی یوسفیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۴، پالتویی، ۵۶صفحه.

این کتاب دارای مباحث مختصر و مفیدی دربارهٔ مشخصات و ویژگی های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیبت صغراست. نویسنده در این دو گفتار مباحثی چون: نام و کنیه، القاب، شمایل و خصوصیات، نسب، میلاد، جریان تولد، اثبات ولادت، محل زندگی، معرفی امام به شیعان، فعالیت های حضرت و شهادت پدر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با بهره گیری از آیات و روایات و منابع تاریخی با قلمی شیوا و روان بیان نموده است.

۲. به یاد آخرین خلیفه و حجت پروردگار، حسین وحید خراسانی، قم، مدرسه الامام الباقر العلوم علیه السلام، چاپ چهارم، پالتویی، ۹۳صفحه.

این اثر که برگرفته از مقدمهٔ کتاب اصول دین خود مؤلف است، دربر دارندهٔ مطالبی مانند: ضرورت وجود امام معصوم علیه السلام و برخی از ادلهٔ عقلی و نقلی در این خصوص، بعضی از آیات تفسیرشده به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تواتر روایات مهدویت، خصوصیات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، طول عمر، معجزات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و راه بهره مندی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این عصر می باشد.

۳. ناپیدا ولی با ما، واحد تحقیقات جمکران، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۷۷، پالتویی، ۷۰ صفحه.

این کتاب پژوهشی دربارهٔ شخصیت، غیبت و آثار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. نویسنده با استناد به آیات و روایات، به اختصار مباحثی مانند: غیبت صغرا، نایبان خاص، غیبت کبرا، حکمت غیبت، طول عمر و صفات منتظران را مطرح می کند. در پایان، نمونه هایی از آثار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با توجه به روایات بیان شده است.

۴. امامت، غیبت، ظهور، مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، رقعی، ۱۳۶صفحه.

این پژوهش دربارهٔ احوال و فضایل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسائل مربوط به غیبت و ظهور اوست. این اثر، آیات و روایات را بهترین راه شناخت امام دانسته و با استناد به آن ها امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم پای قرآن و مصداق تعداد زیادی از آیات معرفی کرده است. در پایان، مباحث مختصر و سودمندی دربارهٔ غیبت، علل و انواع آن و وظایف منتظران بیان شده است.

۵. پیدای پنهان (نگاهی کوتاه به حیات، سیرت و آثار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سیدمسعود

پورسیدآقایی، قم، حضور، پالتویی، ۷۲صفحه.

این کتاب شامل مباحث مختصری از زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شرح نام و نسب، ولادت، غیبت، سیرهٔ امام، توقیعات، دعا و نمازهاست. جلوهٔ بارز این نوشتار، سیرهٔ امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در امور مختلفی مانند سیرهٔ تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و مدیریتی است.

۶. آن سوی شب (نگاهی گذرا به زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سعید آل رسول، تهران، نرگس، نیک معارف، چاپ اول، ۱۳۷۸، رقعی، ۸۰صفحه.

این کتاب به بیان گوشه هایی از زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد. نویسنده به شیوهٔ تاریخی ـ گزارشی و با بهره گیری از روایات معصومین علیهم السلام، نمونه هایی از وقایع مربوط به زندگی آن حضرت و آمادگی برای یاری ایشان (وظایف منتظران حقیقی امام) را برمی شمارد. در بخش پایانی آن، به نمونه هایی از فرمایشات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است.

۷. گامی در جهت شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نواب اربعه، حمیدرضا کفاش، تهران، عابد، چاپ دوم، ۱۳۷۹، رقعی، ۴۷صفحه.

این کتاب به معرفی شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نایبان خاص او پرداخته است. نویسنده ضمن معرفی اجمالی زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به تبیین جایگاه و شخصیت او در قرآن و روایات شیعه و اهل سنت می پردازد و در خصوص فلسفهٔ غیبت صغرا و کبرا، طول عمر و انتظار، مطالب کوتاهی بیان می کند. وی علت غیبت امام را مصلحت الهی می داند و با یادآوری غیبت افرادی چون اصحاب کهف، حضرت خضر علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام، طولانی شدن عمر وی را امری طبیعی برمی شمارد. انتظار، وظیفهٔ منتظران و شرح زندگی نایبان چهارگانه، از دیگر

ص:۵۴۲

مطالب این کتاب است.

۸. آیین انتظار، خلاصه مکیال المکارم، واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۲۴۰ صفحه.

این اثر خلاصهٔ کتاب شریف مکیال المکارم است که در هشت بخش مطالب ارزش مندی دربارهٔ علت و فایده های دعا برای حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وظایف ما نسبت به آن بزرگوار می باشد. با توجه به این که اصل کتاب تقریباً استدلالی است، سعی شده در این اثر از استدلال ها و دعای ذکر شده حذف و مطالب مهم به همان صورت اصلی تقدیم شود.

۹. گام به گام با معارف مهدویت (از مهدی شناسی تا مهدی یاوری)، تهیه و تنظیم بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، شعبهٔ آبادان و خرمشهر.

این اثر با بیان بیش از بیست موضوع مهدوی ویژهٔ دانش آموزان راهنمایی

و دبیرستان، کوشیده است به تبیین مباحث مختلف و موضوعات متنوع فرهنگ مهدویت به صورت مختصر و با حجمی اندک، ضروریات این فرهنگ را

انتقال دهد.

از نکات برجسته می توان به ویژگی های ظاهری و مراحل زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فضیلت انتظار، مقام منتظران و وظایف آنان، حکومت حضرت و آسیب های اندیشهٔ مهدویت اشاره کرد.

۱۰. بهار دل ها (مباحثی پیرامون وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)، عنایت مهدوی، قم، انتشارات معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲، پالتویی، ۹۶صفحه.

این کتاب در هفت فصل، با مباحثی کوتاه و در عین حال علمی، برخی مباحث مهم را به جوانان و دانشجویان ارائه نموده است که عبارت اند از: ولادت،

طول عمر، تشرف یافتگان، نقش امام در هستی، وظایف شیعیان، داستان و اشعار و دل نوشته های مهدوی.

۱۱. شمیم (گزیده ای از مباحث مهدویت)، نویسندگان، قم مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، رقعی، ۹۳صفحه.

جمعی از نویسندگان مرکز تخصصی مهدویت قم، برای کاربردی کردن و استفادهٔ عموم از مباحث مهدویت، مطالبی را با عنوان های ضرورت طرح مباحث مهدویت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک نگاه، مهدی یاوران، وظایف منتظران، آسیب های مهدویت و پرسش و پاسخ، این اثر را نگاشته اند. معرفی سایت های مهدوی و کتاب های مفید و چند طرح برای اجرای مسابقات ویژهٔ کودکان و نوجوانان، از دیگر مطالب این کتاب است.

۱۲. جهان گشای عادل، سیدجمال الدین دین پرور، تهران، مؤسسه الامام المهدی، بنیاد بعثت، چاپ ششم، ۱۳۶۱، رقعی، ۱۰۲صفحه.

نویسنده در این کتاب، پس از شرح زندگی حضرت نرجس خاتون و ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ به وضعیت آن دوران و چگونگی غیبت و نواب اربعه پرداخته است. آن گاه متن و شرح بیست حدیث از امامان علیهم السلام دربارهٔ موضوعاتی چون: حتمی بودن دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نامعلوم بودن ظهور، برنامهٔ حکومت امام، ارتباط شرق و غرب و زنده شدن زمین با اجرای عدالت را آورده است. بررسی طول عمر و وظایف منتظران از موضوعات پایانی این کتاب است.

۱۳. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانی این گونه دارد، سیدمصطفی مهری، قم، علامه بحرانی، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۱۵۲صفحه.

این اثر بـا اسـتناد به روایات، به بیان مطالبی دربارهٔ ولادت، غیبت، انتظار، ظهور و حکومت مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف پرداختـه است. نویسـنده نخست گزارشـی از ولادت امـام و چگـونگی غیبت، ارائه داده و بعـد بشـارت هـای قرآن و روایات را ذکر کرده است. در ادامه برای انتظار ظهور امام، ثمرات و آثاری شمرده است، و صفات و ویژگی یاران امام را ذکر کرده است. وی ضـمن برشـمردن نشانه های ظهور، چگونگی پیروزی امام با اسـتفاده از سـلاح ترس، یاری فرشـتگان و نیروی طبیعت را بررسی کرده است.

۱۴. زندگانی حضـرت امام زمان حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف، گزیده ای از منتهی الآمال محدث قمی، رضا استادی، قم، برگزیده، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۹۶صفحه.

این کتاب، تاریخ زندگانی حضـرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسائل قبل و بعد از غیبت، نقش نایبان خاص در دوران غیبت صـغرا و وظایف منتظران را بیان کرده است. نویسنده، بخش زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کتاب منتهی الآمال را پس از بازنگری و حذف برخی مطالب، در هفت فصل تنظیم کرده است.

۱۵. سپیدهٔ امید (کاوشـی در مهدویت)، سیدحسـین اسحاقی، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۱۹۰صفحه.

این کتاب تحقیقی دربارهٔ زندگی، غیبت و انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که

با بهره گیری از آیات و روایات و منابع تاریخی انجام گرفته است. نویسـنده، اندیشهٔ مهدویت در دیگر ادیان، امام مهدی عجل الله تعـالی فرجه الشـریف در قرآن و حکومت امـام عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را مورد بررسـی قرار داده است. سـیرهٔ امام، خصوصیات یاران، پرسش و پاسخ دربارهٔ غیبت، ظهور و برخی حکایات تشرف یافتگان، از دیگر مباحث این اثر است.

۱۶. او می آید (داستان زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، رضا شیرازی، تهران، پیام آزادی، چاپ سوم، ۱۳۷۴، رقعی، ۱۴۳صفحه.

نویسنده با هدف آشنا کردن نسل جوان با زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسائل مربوط به آن، این مجموعه را تدوین کرده است. ابتدا دروان قبل از تولد امام و سختی های زمان تولد و مسائل بعد از آن را بیان کرده، سپس زمان غیبت صغرا و کبرا، انتظار، علایم ظهور و سرانجام ظهور را مورد بررسی قرار داده است.

۱۷. سیرهٔ عملی اهل بیت علیهم السلام: حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدکاظم ارفع، تهران، فیض کاشانی، چاپ هشتم، ۱۳۷۶، رقعی، ۷۲صفحه.

این کتاب مطالبی را دربارهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نایبان آن حضرت، علایم ظهور و وظایف منتظران، ارائه کرده است. نویسنده با بهره گیری از منابع اسلامی، ابتدا ولادت، شمایل و سیرهٔ عملی ایشان را شرح داده و وظایف منتظران را معرفی کرده است. سپس به معرفی چهار نایب خاص پرداخته و با استفاده از روایات، پنجاه و نه نشانهٔ ظهور و برخی حوادث روز ظهور را بیان نموده و در پایان، زندگی در دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موقعیت شیعه را در آن دوران را تبیین کرده است.

۱۸. شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدجواد مولوی نیا، قم، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۲۳۲صفحه.

این کتاب به مباحث مهدویت در منابع اهل سنت پرداخته است و سپس فواید و آثار وجودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت را برشمرده است. نویسنده با استناد به آیات و روایات، در مورد غیبت صغرا و کبرا، نواب اربعه، وظایف منتظران، نشانه های ظهور و موقعیت دانشمندان و زمام داران در آخرالزمان، مطالب سودمندی را بیان کرده است.

۱۹. او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور، قم، رسالت، چاپ دهم، ۱۳۷۹، رقعی، ۱۷۴صفحه.

این کتاب در خصوص تولد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، نقش امام در جهان هستی و بشارت های ادیان به منجی، مباحثی را مطرح کرده است. نویسنده با اشاره به داستان نرجس خاتون، شاهدان تولد و اعتراف جمعی از اهل سنت را بازگو کرده است. از مطالب برجستهٔ این اثر، بهره گیری از آیات و روایات، برای بیان نقش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جهان هستی است.

۲۰. سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدمحمدرضا طباطبایی نسب، تهران، دبیرخانهٔ دایمی اجلاس دوسالانهٔ بررسی ابعاد وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۷۷، رقعی، ۱۰۱صفحه.

این کتاب، پژوهشی دربارهٔ اثبات مهدویت، حیات ظاهری، غیبت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. نویسنده برای اثبات اصل مهدویت، به شمه ای از زندگانی امام، نظرات اهل تسنن و شیعیان دربارهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و کتاب هایی که پیش از تولد امام تألیف شده، اشاره کرده است. غیبت، علل و فواید آن، نواب، وظایف منتظران، مدعیان مهدویت، انتظار فرج و ثمرات آن، علایم ظهور، ظهور، حکومت و صفات یاران، از دیگر مباحث این کتاب است.

۲۱. معارف مهدوی، گردآوری مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزهٔ علمیهٔ قم، قم، سازمان تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۳۰۰ صفحه.

این کتاب به سفارش دبیرخانهٔ دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی محققان مرکز مطالعات حوزهٔ علمیهٔ قم براساس بررسی و طبقه بندی قریب به دو هزار سؤال تدوین شده و علاوه بر اشاره به سؤالات، مطالب مفیدی مبتنی بر

مستندات در چهارده فصل ارائه شده است و تقریباً حاوی تمام موضوعات مهدوی است.

۲۲. قصهٔ انتظار، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تولد تا رجعت، علی نظری منفرد، انتشارات جلوهٔ کمال، چاپ اول، ۱۳۸۷، وزیری، ۴۷۷صفحه.

مؤلف از چهره های برجسته در زمینهٔ خطابه و وعظ است، لذا در این اثرش

در چهارده فصل مطالب متنوع و جامعی در عرصهٔ مهدویت، خصوصاً

ضرورت وجود حجت، روایات مهدوی، اعتقاد اقوام به مصلح، وضعیت

سیاسی اجتماعی عصر غیبت صغرا، انتظار، حکومت و رجعت ارائه نموده

است.

۲۳. اندیشهٔ انتظار (شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و چگونگی حکومت جهانی صالحان)، احمد زمانی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، وزیری، ۵۲۸ صفحه.

این اثر در دوازده فصل دربارهٔ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون برجسته کردن جنبه های احساسی و عاطفی مطالبی بسیار ارزش مند ذکر نموده است.

از ویژگی های برجستهٔ این کتاب می توان به بررسی محتواهای توقیعات و تطبیق آن بر مسائل روز و عنایات خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تبیین رابطهٔ امت با امام

و وظایف منتظران و حاکمیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و امتیازهای حکومت جهانی او اشاره نمود.

۲۴. چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حسین گنجی، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۳، وزیری، ۲۲۴صفحه.

آن چه در این سلسله گفتارها آمده است، دارای دو بخش است: نخست مطالبی پیرامون روش های انس و ارتباط روحی و فکری با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

بخش دوم این مباحث دربارۀ ویژگی ها و صفات یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

یکی از ویژگی های ممتاز این اثر، نقل قول ها و حکایت های بسیار خواندنی و شنیدنی است.

۲۵. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، قم، شفق، ۱۳۸۳، چاپ اول، ویرایش سوم، وزیری، **۳۲۸** صفحه.

این کتاب که برگزیدۀ اولین دورۀ کتاب سال ولایت است، مطالب بسیار جامع و متنوعی در قالب پرسش و پاسخ و مناظره تقدیم منتظران نموده است. به همین جهت تاکنون چندین نوبت تجدید چاپ شده که با وجود چاپ های مکرر، با ویرایشی کاملاً- جدید و جذاب مورد توجه بسیاری از علاقه مندان واقع شده است. از امتیازات بدیع این اثر می توان توجه به مسائل مخاطب، خصوصاً قشر جوان و تحصیل کرده اشاره کرد که مسائل زیبایی دربارۀ طول عمر، غیبت، علت، فواید آن، وظایف منتظران و مسلمانان و انقلاب و چگونگی پیروزی حضرت و... بیان شده است.

۲۶. دیار محبت (نگاهی نو به مباحث مهدویت)، اصغر صادقی، تهران، آفاق،۱۳۸۶، رقعی، **۲۴۰**صفحه.

این اثر دربردارندۀ سی مقالۀ مختصر با سبک و سیاق خاص است که بر حول مباحث مهدویت شکل گرفته است. برخی از عناوین این مقالات عبارت اند از: نامۀ عمل، اخصه های منتظر، عهد و امانت، نشانه ای آسمانی، نعمت، به شوق دیدار، احیاگر عهد دیرین، چشمۀ حیات، امید و آرزو، خادم و مخدوم، او تنهاست و سوگند به عصر. نثر زیبا و ادبی این اثر، خواننده را تشویق و ترغیب به خواندن می کند و بیان جذاب و شیوای کتاب در دل غوغایی و

تمنایی دارد.

۲۷. دوازده گفتار دربارهٔ دوازدهمین حجت خدا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حسین اوسطی، تهران، مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۲۹۶صفحه.

با خواندن آن چه در این گفتارها آمده است، شما می توانید دلایل عقلی و نقلی بر اثبات وجود حضرت اقامه نمایید. ضمن آن که دو گفتار آن دربارهٔ اثبات وجود حضرت از طریق معجزات و کرامات و ملاقات کنندگان حضرت است. در ادامه مباحثی در رابطه با توسل به امام، غیبت، طول عمر، انتظار، وظایف منتظران،حوادث قبل از ظهور و ویژگی های حکومت آمده است و گفتار پایانی مربوط به پاسخ به سؤالاتی است که احیاناً هر مخاطب مهدوی به دنبال آن است.

۲۸. مصلح کل (اصلاح گری از نظریه تا تحقق عینی)، سید نذیر الحسنی، ترجمه: سیدشاهپور حسینی، تهران، موعود، ۱۳۸۵، وزیری، ۳۳۶صفحه.

این اثر پژوهشی مناسب در رابطه با بررسی سیر تحول نظریه و اصلاح گری

در میان ملل و نحل است و در فصل اول، این عقیده در ادیان مسیحیت و یهودیت بررسی شده و نگاهی گذرا به اندیشه و اعتقادات و فلسفه های گذشته صورت گرفته است؛ در فصل دوم نظر قرآن در این رابطه بیان شده و در فصل بعدی شرح و توضیحی به مصداق واقعی این نظریه و هویت شخصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

در فصول بعدی به تاریخچهٔ عصر غیبت و علل غیبت و نقش نواب

اربعه پرداخته شده و از فصل هشتم تا فصل دوازدهم به نقش شاعران در بسط

و گسترش فرهنگ مهدوی، نشانه های ظهور، برخی از مناطق مهم عصر ظهور

و حکومت امام و در خاتمه هفت شبهه از شبهات مهدویت طرح و نقد

شده است.

۲۹. هزار و یک نکته پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد رحمتی شهرضا، قم، انتشارات جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۷، وزیری، ۵۷۶صفحه.

این اثر در هفت فصل، مطالب بسیاری را تقدیم منتظران نموده است. در

فصل اول، مطالبی در رابطه با تولد، نام، القاب، نظر اهل سنت و حوادث آغاز امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است؛ در فصل دوم، مباحثی پیرامون آیندهٔ جهان

از دیدگاه تاریخ، علم و عقل و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات ذکر نموده است؛

در فصل سوم، نکاتی دربارهٔ غیبت صغرا و کبرا و تشرفات بیان داشته است؛

در فصل چهارم پیرامون فضیلت انتظار و منتظران واقعی مطالبی آورده است؛

در فصل پنجم آخرالزمان و علایم ظهور را ترسیم نموده است؛ در فصل ششم،

وقایع ظهور و اصحاب و یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را یادآور شده؛ و در آخرین فصل به سیره و کلام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته و مطالبی ارزشمند به رشتهٔ تحریر و تألیف درآورده است.

۳۰. شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدجواد مولوی نیا، قم، انتشارات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، ۱۳۸۲، رقعی، ۲۳۲صفحه.

این کتاب حاوی اکثر موضوعات مهدوی به صورت مختصر و مفید است؛ از تولد و غیبت و نواب اربعه شروع شده و بحث هایی مانند مدعیان دروغین، انتظار، حقوق حضرت، علایم ظهور و دست آوردهای حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خود جای داده است. از ویژگی های خوب این نوشتار می توان به بحث امامت و پیشوایی در مکتب شیعه و وظایف شیعیان در این زمان اشاره کرد.

۳۱. ظهور نور: ترجمهٔ کتاب الشموس المضیئه، علی سعادت پرور، ترجمه: سیدمحمدجواد وزیری، تهران، سنا، چاپ سوم، ۱۳۷۷، وزیری، ۲۹۶صفحه.

این نوشتار، گزارشی از تاریخ زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسئلهٔ رجعت است. مؤلف ابتدا با ارائهٔ سیمای کلی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ذکر خصوصیات، شمایل، حالات و علم امام در کودکی، روایات امامت آن حضرت، علت مخفی بودن ولادت، علت انکار منکرین، فضیلت انتظار و برخی مسائل دیگر از

هنگام ولادت تا غیبت صغرا می پردازد. سپس به بررسی روایات مربوط به غیبت صغرا و کبرا و مسائلی همچون: نواب اربعه، علت غیبت، اوضاع و وظایف

شیعه، حکم تقیه، زندگی و نحوهٔ دیدار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت کبرا می پردازد. نشانه های ظهور، حوادث ایام حکومت و رجعت، از دیگر مباحث این

کتاب است.

تخصصی

۱. نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نویسندگان، دبیرخانهٔ دایمی اجلاس دوسالانهٔ بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، ۱۳۷۹، رقعی، ۱۷۶صفحه.

هدف این کتاب، بررسی زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحلیل شخصیت وی به منظور شناساندن ابعاد وجودی آن حضرت است. تدوین این کتاب با توجه به اهمیت و ضرورت طرح مباحث مهدویت (که یکی از مهم ترین و جدی ترین بحث های کلامی در حوزهٔ تفکر اسلامی است)، برای جلوگیری از هرگونه کج فهمی در آن یا تفسیر ناصحیح از مقولهٔ انتظار فرج صورت گرفته است. علاوه بر اسامی بیش از یکصد تن از علمای اهل سنت که اصل ولادت آن حضرت را قبول

دارنـد، بـه ایـن عنـاوین پرداخته است: بشـارت قرآن و کتب مقـدس آسـمانی به دولت حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشریف، آثار اخلاقی انتظار، ویژگی های حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکمت و دلایل غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲. رهایی بخش، مسعود شریعت پناهی، تهران، آفاق، چاپ سوم، ۱۳۷۸، رقعی، ۹۲صفحه.

این اثر، به تبیین ضـرورت رهبری صالح در جامعه و نقش امام غایب و انتظار در جامعهٔ انسانی پرداخته است. نویسنده با انگیزهٔ پرفروغ کردن نور امید و آشـنایی منتظران با مسـئولیت مهم خود، مطالبی را در خصوص ضـرورت رهبری الهی در میان بشـر و فوائد وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه کرده است. وی در ذیل عناوینی چون: ضرورت اجتماعی رهبر، مصـلح پنهـان، حماسـهٔ امیـد و انتظـار، وجود امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در پردهٔ غیبت را وسـیله ای الهی برای رساندن انسان و جامعهٔ بشری به کمال و سعادت کامل تحلیل کرده است.

۳. مهدی تجسم امید و نجات، عزیزالله حیدری، قم، مسجد مقدس جمکران، رقعی، ۲۹۰صفحه.

این اثر تلاشـی در جهت اثبات مهدویت و طرح مباحث غیبت، انتظار و ظهور حضـرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. نویسنده با طرح دیدگاه و آرای دانشمندان دیگر مذاهب و کتاب های آسمانی دربارهٔ ظهور منجی بشریت، برخی عقاید متفکرین معاصـر جهـان غرب را دربارهٔ بن بست بشـریت در عصـر حاضـر، مطرح ساخته است. سـپس آرا و نظرات اهل سـنت دربارهٔ مهدویت را آورده است. زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نایبان چهارگانه و برخی توقیعات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، از دیگر مطالب این کتاب است. در لابه لای کتاب، مسائلی مانند فایدهٔ غیبت، انتظار، طول عمر و

چگونگی قیام نیز مطرح شده است.

۴. راه مهدی، سیدرضا صدر، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، وزیری، ۲۷۲صفحه.

این کتاب، پژوهشی در زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به شیوهٔ گزارشی نگارش یافته است. کتاب در شش فصل سامان دهی شده و نویسنده با بهره گیری از آیات و روایات و مطالب تاریخی، سیمای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از ولادت تا غیبت کبرا بیان کرده است. مهم ترین مطالب این اثر عبارت اند از: راه قرآن، راه محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام، نقش امید در فرد و اجتماع، موانع رسیدن بشر به امید اجتماعی، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امید انسان ها، عدل عالم گیر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکومت الهی در جهان، شرایط برپاکنندهٔ عدل جهانی، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دادور، دادگر و دادگستر، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوعی است یا شخصی، ویژگی های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، طول عمر، غیبت، انتظار، بشارات و اشارات قرآن و معصومین علیهم السلام به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، داستان نرجس خاتون، معجزات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کودکی، نواب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و برخی تشرفات غیبت صغرا و کبرا.

۵. پژوههٔ مهدوی، علی اکبر مهدی پور، قم، رسالت، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ۲۹۶صفحه.

این پژوهش کتاب کنگرهٔ مهدویت استان خوزستان می باشد که مطالب

مهمی را دربر دارد. امام شناسی، بررسی واژهٔ مهدویت، موعودباوری در

ادیان آسمانی و دین زرتشت، ازجمله مباحث این اثر است. از نکات ارزشمند

و منحصر به فرد این پژوهش، مطالبی دربارهٔ اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس مذاهب اربعه (حنفیان، مالکیان، شافعیان، حنبلیان) و اسماعیلیه و

زیدیه است.

۶. پیشوایان هدایت، ج۱۴، (خاتم اوصیاء بقیهالله حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، گروهی، ترجمه: کاظم حاتم طبری، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۳۳۹صفحه.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در راستای ترویج فرهنگ اهل بیت، یک دورهٔ کامل زندگانی چهارده معصوم را با عنوان اعلام الهدایه به زبان عربی نشر و پخش نمود. با توجه به اهمیت این مجموعه، با همّت و تلاش به فارسی نیز برگردانده شد. جلد چهاردهم که مربوط به مباحث مهدویت است به مطالعهٔ زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پنج قسمت و شانزده بخش می پردازد. از قسمت های ویژهٔ این اثر می توان به این چند نمونه اشاره کرد: ۱. راه حل اختلاف میان بشارت ها و تعیین منجی های جهانی؛ ۲. اقدامات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت کبرا؛ ۳. زبان رمز در روایات علایم ظهور؛ ۴. سیرهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور.

۷. امید و انتظار (حکومت الهی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روی زمین)، علامه محمدتقی جعفری، تهران، مؤسسهٔ تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۸، چاپ اول، رقعی، ۱۱۲صفحه.

این اثر گزیده ای است از افکار پویای علامه محمدتقی جعفری که از مجموعه آثار او تهیه و تنظیم شده است و به مباحثی مانند قطعی بودن ظهور، انتظار بشر، امید و انتظار، تحقق ایدهٔ دوست جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدت حکومت و نگاهی به دیدگاه جلال الدین محمد مولوی دربارهٔ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد.

۸. قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر ماست، سیدحسن فیروزآبادی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸، وزیری، ۴۲۷صفحه.

این اثر مجموعه ای از مقالات هفت گانه است که عبارت اند از: ۱. راه بردهای

دولت زمینه ساز در توسعهٔ پایـدار طلوع و رغبت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشـریف؛ ۲.آینـده نگاری راه بردی در دکترین مهدویت؛ ۳. انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مبلغ پرور و مجاهدساز؛

۴. راه برد انتظـار و تکلیـف مسـلمانان در زمینه سـازی ظهور؛ ۵. نقش مبلغـان ادیـان در راه برد منجی بـاوری ادیان؛ ۶. اصالت روحانیت در مکتب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۷. قدرت در مبارزهٔ انقلابی نجات بخش.

۹. دولت موعود (گفتارهـایی پیرامون حضـرت ولی عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف)، محمـدعلی انصـاری، مشـهد، بیان هدایت نور، چاپ دوم، وزیری، ۱۶۰صفحه.

کتاب حاضـر برگرفته از مباحث تفسـیری مؤلف است که پیرامون ابعاد مختلف شخصیت حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشـریف طی سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السـلام در شـهر مقدس مشـهد ایراد گردیـده است. محور گفتارها عبارت انـد از: دولت موعود، پرتوی از کمال مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ابعاد جهانی مهدویت، اصالت مهدویت، انتظار و وظایف منتظران، پیوند توحید ومهدویت و اسرار غیبت.

۱۰. گونه شناسی اندیشهٔ منجی موعود در ادیان، گروهی، قم، دانشگاه ادیان و مذهب، ۱۳۸۸، وزیری، ۵۰۲صفحه.

این مجموعه، موضوع اندیشـهٔ منجی موعود را در مهم ترین ادیـان تاریخی و زنـدهٔ جهان (زردشتی، هنـدو، بودا، کنفوسـیوس، دائو، یهودیت، مسـیحیت و اسلام) بررسی نموده است. در آغاز مقاله ای با عنوان مقدمه دربارهٔ کلیات موعودباوری آمده و در ادامه برای هر دین، یک مقاله اختصاص یافته است، اما به دلیل اشتراک زیرساخت های دینی و فرهنگی آیین های کنفوسیوس و دائو، این دو دین در یک مقاله بررسی شده است و به جهت گستردگی و اهمیت اسلام، شش مقاله

دربارهٔ اندیشهٔ منجی موعود اسلام آمده است. تمام این مقالات سه محور را دنبال کرده است: ۱. اندیشهٔ منجی موعود در متون مقدس، اصلی و کلاسیک (منابع دینی)؛ ۲. بازتاب اندیشهٔ منجی موعود در تاریخ تحولات آن دین؛ ۳. بازتاب و جایگاه اندیشهٔ منجی موعود در دین ورزی و حیات دینی پیروان.

۱۱. فرجام شناسی حیات انسان (ریشه و پیشینه و اساس دینی مهدویت)، دکتر غلامحسین تاجری نسب، تهران، منیر، دوجلدی، ۱۳۷۸.

این اثر بخشی از پایان نامهٔ مؤلف در دورهٔ دکتری الهیات و معارف اسلامی است که مجموعهٔ ارزش مندی از کاوش ها، سنجش ها و پژوهش ها دربارهٔ مهدویت از دیدگاه فریقین در شش باب است. روح اساسی این کتاب، پاسخ به برخی از شبهات اساسی مانند خرافه و اقتباس است. مؤلف با تعریف و تبیین واژهٔ مهدویت، به نقد سخنان مستشرقان و منکران می پردازد و حقیقت این اندیشه را از قرآن و روایات متواتر دنبال می کند.

۱۲. آخرین امید، داوود الهامی، قم، مکتب اسلام،۱۳۷۲، وزیری، ۴۴۸صفحه.

این کتاب قسمتی از مقالاتی است که مؤلف به طور متفرقه در مناسبت ها و فرصت های مختلف پیرامون مهدویت در نشریات به رشتهٔ تحریر درآورده است که عبارت اند از: امید، شناخت، ولادت، غیبت، سفارت، انتظار، علایم، حکومت. از نکات برجستهٔ این اثر می توان به نمایندگان نواب اربعه و جبههٔ مخالف آنان یعنی مدعیان دروغین اشاره نمود. ضمن آن که بحث طول عمر نیز از مباحث جدی این نوشتار است.

۱۳. زندگانی خاتم الأوصیاء، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، باقر شریف قرشی، ترجمه: ابوالفضل اسلامی، قم، نشر فقاهت، چاپ چهارم،۱۳۸۱، وزیری، ۳۴۴صفحه.

این اثر دربر گیرندهٔ مطالبی چون: ولادت، صفات و سیرهٔ امام، میراث درخشان امام، غیبت و نواب اربعه، مدعیان دروغین مهدویت، مؤمنین و منکرین مهدویت و علایم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از مطالب سودمند این اثر می توان به مسائلی چون طول عمر، بشارت دهندگان، کتاب های تألیف شده، دجال و حوادث دوران ظهور اشاره کرد.

۱۴. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، موجود موعود، آیت الله جوادی آملی، قم، اسراء، ۱۳۸۷، وزیری، ۳۲۰صفحه.

این اثر مجموعه مباحثی از گفتارها و نوشتارهایی است که مؤلف ایراد و انشاء نموده اند و در سه بخش کلی امام شناسی، انتظار و از ظهور تا مدینهٔ فاضله، تقدیم شما منتظران شده است. نکات برجسته و ناب این کتاب عبارت اند از: معرفت، امامت خاص، مهدویت شخصی و دولت کریمه.

۱۵. با جاری انتظار، سیدمسعود پورسیدآقایی، قم، مؤسسهٔ آینده روشن، چاپ اول،۱۳۸۷، رقعی،۲۵۲صفحه.

این اثر مجموعه سرمقاله های مؤلف در فصل نامهٔ انتظار است، که دربر گیرندهٔ دوازده مقاله می باشد و عبارت اند از: مهدویت، ضرورت ها، ظرفیت ها، رویکردها؛ ۲. مبانی اعتقادی مهدویت؛ ۳. بازکاوی حقوق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۴. ظهور صغرا و بایستگی ها؛ ۵. مردم، نهادها و بزرگ داشت دههٔ مهدویت؛ ۶. تولد دوبارهٔ یک ملت؛ ۷. پیام امید به منتظران؛ ۸. بیعتی تا همیشه؛ ۹. عدالت مهدوی؛

۱۰. انفجار نور، زمینه ساز ظهور؛ ۱۱. دولت زمینه ساز؛ ۱۲. دکترین مهدویت.

۱۶. در انتظار خورشید (مجموعه مقالات)، گروهی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی،

چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۳۰۶صفحه.

این اثر برگزیدهٔ مجموعه مقالاتی است که در همایش در انتظار خورشید ارائه گردیده است و آثار آن عبارت است از: ۱. بشارت های حکومت موعود جهانی در ادیان؛۲. جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۳. حکومت جهانی مهدوی و ویژگی های آن در کتاب و سنت؛ ۴. حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه قرآن و روایات؛ ۵. بررسی مسئلهٔ دیدار در غیبت کبرا؛

۶. وضعیت سیاسی جهان قبل و بعد از ظهور.

۱۷. جستارهایی در مهدویت، رحیم کارگر، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۲۵۰صفحه.

این اثر مجموعه مقالات مؤلف در فصل نامهٔ انتظار است، که شامل چهار بخش می باشد: ۱. فلسفهٔ نظری تاریخ و آموزهٔ دکترین مهدویت؛ ۲. مهدویت و ستیزش نهایی حق و باطل؛ ۳. جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۴. انقلاب و انتظار (پیوند مهدویت و انقلاب اسلامی ایران).

۱۸. مجموعه مقالات کنگرهٔ علمی--- پژوهشی مهدویت، گروهی، تهران، کهن پرداز، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ۳۰۰صفحه.

این اثر مجموعهٔ دوازده مقاله در کنگرهٔ مهدویت استان خوزستان است که عناوین آن عبارت است از: مهدویت و جهانی شدن، آسیب شناسی معارف مهدویت، بررسی روایات نهی از قیام در عصر غیبت، برکات وجودی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، دجال و رابطهٔ آن با ظهور، آموزش عمومی مهدویت، مهدویت در چشم انداز تاریخی حق و باطل، هویت شهروندی و آرمان شهر دینی، بازشناسی هویت ایرانی_ اسلامی در پرتو مهدویت، یاری امامت و نصرت خداوند، رسالت

زمینه سازی ظهور در انقلاب اسلامی ایران، و سرانجام و نتایج امامت.

۱۹. تا ظهور (پژوهشی جامع پیرامون آموزه و مباحث مهدویت)، نجم الدین طبسی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، دوجلدی، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ۶۲۴صفحه.

این اثر مجموعه ای از دروس استاد در مرکز تخصصی مهدویت در جمع دانش پژوهان این مرکز بوده که بعداً به صورت مقالات حدیث شناسی در فصل نامهٔ انتظار به زیور طبع آراسته گردید و اکنون تمام آن بحث ها در دو جلد تقدیم شما منتظران شده است. بحث هایی همچون: راز غیبت، قتل های آغازین ظهور، حکم نام بردن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، سفارت و ملاقات، قرقیسا، دجال، یمانی، جزیرهٔ خضرا، زیارت ناحیهٔ مقدسه، مادر امام، ملاقات سعد اشعری با امام و... جزو همین مطالب است.

۲۰. با گام های سبز انتظار، مهدی هادوی تهرانی، قم، خانهٔ خرد، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۲۵۰صفحه.

این کتاب که برگرفته از سایت «اسلام کوئست» (جست وجوی اسلام) است، در حقیقت پاسخ به سؤالاتی است که مؤسسهٔ مؤلف آن ها را پاسخ داده است. این مجموعه پاسخ بیش از چهل سؤال است که بعد از ویرایش و اصلاح در دو بخش و ملحقات عرضه شده است. در بخش اول، مسائل پیرامون قبل از ظهور و در بخش دوم، مطالبی برای بعد از ظهور آمده و در ملحقات کتاب به انجمن حجتیه و بهائیت اشاراتی صورت گرفته است.

۲۱. حجت موجه (پاره ای از مهم ترین اختلاف نظرهای شیعه و اهل سنت در مهدویت)، مصطفی اسفندیاری، تهران، بصیرت، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۴۰۸صفحه.

این کتاب در پنج فصل، مطالب بسیار سودمندی ارائه نموده است. فصل نخست به بررسی مفاهیم و اصطلاحات پرداخته شده و با ارائهٔ شواهدی تأکید دارد که مهدویت پایان بخش تمام تاریکی ها و جهالت هاست که مشترک تمام بشریت است؛ فصل دوم به تبیین دلایل اصالت این باور اختصاص یافته و ریشه های عمیق این مسئله به اثبات رسیده است؛ در فصل بعدی مهم ترین اختلافات مسلمانان دربارهٔ مهدویت اشاره شده و برتری اندیشهٔ شیعه نمودار گشته است؛ در فصل چهارم بشارت های نبوی و روایاتی که به صورت ضعیف و غیرمعتبر در منابع روایی اهل سنت وجود دارد، آمده؛ و در آخرین فصل پاسخ های مناسبی به منکران مهدویت مانند ابن خلدون مشاهده می نمایید.

۲۲. بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، دکتر مهدی اکبرنژاد، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۳۶۰صفحه.

این کتاب که پایان نامهٔ دکتری مؤلف است، دارای یک مقدمه و چهار فصل است که به موضوع جایگاه مهدویت در میان مسلمانان و نگاه دانشمندان اسلامی به این موضوع است. در فصل نخست نگاهی کلی به احادیث افکنده

و سیر تاریخی تدوین این حدیث ها در مجامع معتبر اهل سنت و شیعه

مورد ارزیابی قرار گرفته است؛ در فصل دوم به احادیث و موارد مشترک از جنبه های مختلف مهدویت پرداخته شده است؛ در فصل بعدی بررسی دیدگاه های گوناگون فریقین که در چهار مورد خلاصه شده (تولد، نام پدر، امامان دوازده گانه و نسب) پی گرفته شده؛ و در آخرین فصل به نقدهای منتقدان احادیث مهدوی می رسید که دیدگاه معروف ترین ناقدان، مورد تحلیل و دقت نظر قرار گرفته است.

۲۳. نزول مسیح و ظهور موعود، میرتقی حسینی گرگانی، قم، مرکز فقهی ائمهٔ اطهار، ۱۳۸۷، وزیری، ۴۰۰صفحه.

این اثر در موضوع ارتباط بین قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزول حضرت عیسی علیه السلام است که در سه بخش تنظیم گردیده است. بخش نخست دربارهٔ مبادی و پیش نیازهای این موضوع مانند باورداشت مهدویت است؛ در بخش دیگر شباهت بیان شده، و بخش پایانی رابطهٔ نزول و ظهور را پی می گیرد که اساس کتاب می باشد و سعی شده تمام زوایای این موضوع را روشن و واضح سازد. از نکات تحقیق شدهٔ این موضوع، می توان این مباحث را یادآور شد: بسترسازی فرود عیسی علیه السلام، نزول مسیح علیه السلام و تقویت جبههٔ مهدوی، پایان یهودیت از سوی مسیح علیه السلام و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲۴. حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد شجاعی، قم، انتشارات وثوق، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۲۵۵صفحه.

مطالب این کتاب گفتارهای آقای شجاعی است که براساس آیات و روایات دربارهٔ مهدویت در نُه جلسه در سال ۱۳۶۱ مطرح شده است. این اثر حاصل

تنظیم آقای محمدرضا کاشفی است که در شش فصل تقدیم شما منتظران گردیده است. این فصول عبارت اند از: مهدی شناسی، غیبت کبرا، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر اهل سنت، عصر ظهور، رجعت و عرض اخلاص، اطاعت و عشق. در پایان، کتاب نامه و فهرست آیات و روایات و تفصیل مطالب نیز منعکس گردیده است.

۲۵. مهدویت و مسائل جدید کلامی، رحیم لطیفی، تهران، یاران آفتاب، ۱۳۸۷، وزیری، ۱۹۰صفحه.

این پژوهش حاصل سلسله درس هایی است که در جمع دانش پژوهان دورهٔ تربیت مربی مهدویت در بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تهران ارائه شده است و دربر گیرندهٔ مهدویت و خاتمیت در هفت درس می باشد که در مجموع مطالب زیر در آن گنجانده شده است: فلسفهٔ خاتمیت و اندیشهٔ مهدویت، دلایل اثبات خاتمیت، خاتمیت در چشم انداز خرد، راز و فلسفهٔ آن و منکران خاتمیت.

۲۶. دکترین مهدویت، سیدرضی موسوی گیلانی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۶۰صفحه.

این کتاب دربر دارندهٔ شش مقاله است که در زمان های متفاوت در مجلات تخصصی مهدویت چاپ شده و بیان گر یک تفکر و ایدهٔ مشترک است. مؤلف کوشیده است تا مسئلهٔ مهدویت را در حوزهٔ تئوری پردازی مسلمانان قرار داده و این اصل اعتقادی به صورت بنیادین و کلان در زندگی ها مطرح و سبب زدودن مهجوریت از مهدویت شود. عناوین این مقالات عبارت اند از: نگرش مذاهب اسلامی به مهدویت، نیاز به مصلح جهانی، مصلح جهانی از دیدگاه جامعه شناسان و فیلسوفان، دکترین مهدویت کارکرد آن از منظر انسان شناسی و جامعه شناسی، جهانی شدن و دکترین مهدویت و راه کارهای توسعهٔ فرهنگ مهدوی.

۲۷. نگرش هایی نو به آموزهٔ مهدویت، دکتر بهرام اخوان کاظمی، قم، آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۲۲۴صفحه.

در فصل نخست این اثر، مفهوم و جایگاه و کارایی آموزهٔ مهدویت و نوع تعامل آن با پاره ای از مفاهیم به ظاهر هم پیوند تشریح می گردد؛ فصل دوم دربردارندهٔ استدلالات دولت مهدوی با توجه به کرامت های انسانی و حقوق بشردوستانه

است؛ در فصل سوم، عدالت و امنیت حکومت مهدوی بررسی شده است؛ فصل چهارم شامل مباحث تطبیقی جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی است؛ در فصل پنجم، ابتدا اهمیت محیط زیست و سپس این مسئله در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بررسی شده؛ و در آخرین فصل، ضمن نقد مبانی لیبرال ــ دموکراسی، بیست شاخص برتری دین سالاری مهدوی بر نظام های بشری، خصوصاً لیبرال_ دموکراسی بیان شده است.

۲۸. خط امامان (پژوهشی در موعود ادیان)، محمد امامی کاشانی، مشهد، آستان قدس رضوی، وزیری، ۴۱۸صفحه.

این اثر که تا کنون دو جلد آن به زیور طبع آراسته شده است، درصدد طرح مباحث جامعی دربارهٔ مهدویت است که شامل سه بخش کلی می باشد. بخش اول دربارهٔ تفسیر و تحلیل و استدلال های فلسفی و شبه فلسفی پیرامون حجت است؛ بخش دوم دربارهٔ احادیث و آموزه های روایی است؛ و بخش سوم در شرح حال روات و شرایط مختلف راویان از نظر اعتبارات است.

۲۹. سیاست و مهدویت، دکتر غلامرضا بهروزلک، قم، مؤسسهٔ آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۲۰۱صفحه.

این مجموعه، مقالاتی است که بیش تر در نشریات علمی کشور قبلاً پراکنده چاپ شده بود و اکنون در این نوشتار متحد و منسجم گردیده است. این مقالات عبارت اند از: ۱. درآمدی بر مسئله شناسی سیاسی مهدویت؛ ۲. فرهنگ مهدوی؛ ۳. مهدویت و بازآفرینی هویت اسلامی؛ ۴. مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی؛ ۵. الگوی توسعهٔ سیاسی در پرتو عدالت مهدوی؛ ۶. مهدویت و جهانی شدن؛ ۷. جهانی شدن و چشم انداز فرج؛ ۸. جهانی شدن، بحران معنا و

منجی گرایی.

۳۰. آینـدهٔ جهـان (دولـت و سـیاست در اندیشـهٔ مهـدویت)، رحیم کـارگر، قم، مرکز تخصصـی مهـدویت، چـاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۳۹۲صفحه.

این پژوهش دربـارهٔ دولت و سیاست و دیـدگاه هـای متفـاوت در این باره و نیز ماهیت، ساختار و کارکرد و پیامـدهای دولت مهـدوی است که در سه بخش، مطـالب سودمنـدی ارائه نموده که عبـارت است از: بخش اول دربـارهٔ کلیـات و مباحث نظری دربارهٔ آینـده و آینـده پژوهی و نظریه های آینـدهٔ تاریـخ است؛ بخش دوم دربارهٔ فرضـیه های دولت مهـدی در اندیشهٔ شیعه،ماننـد فرضـیهٔ انتقام، دولت اقتـدارگرا، دولت اخلاقی است؛ و بخش پایانی دربارهٔ ساختارها و برونـدادهای حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در فصولی مانند ساختار نهادها، کارویژه ها و عملکردها و پیامدها آمده است.

۳۱. گفتمان مهدویت، سـخنرانی های گفتمان سوم، نویسـندگان، قم، مؤسـسه فرهنگی انتظار نور (بوسـتان کتاب)، رقعی، ۲۹۶ صفحه.

این اثر، مجموعه سخنرانی های سومین گفتمان مهدویت است. در

این گفتمان متفکران و دانشـمندان حوزه و دانشـگاه به تبیین ابعاد گوناگون مسـئلهٔ مهدویت پرداخته اند و شبهات و پرسش ها را به صورت منطقی و استدلالی

پاسـخ داده انـد. آثـار و فوایـد وجودی امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، بررسـی ابعاد تربیتی انتظار، بررسـی شـبهات مهدویت، آثار تربیتی و روان شناختی انتظار، انتظار و مهدویت

از دیدگاه جامعه شناختی، از عناوین این سخنرانی هاست. در ابتدای این اثر،

پیام آیت الله صافی و در پایان، خلاصه ای از سخنرانی های گفتمان اول و دوم

آمده است.

کتاب های سنین مختلف

کتاب کودکان

۱. انتظار، به کوشش گروه تحقیقات اسلامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، کانون پرورش فکری، جیبی، ۳۴ صفحه.

۲. مجموعهٔ انتظار، مهدی وحیدی صدر، مشهد، عروج اندیشه (از این مجموعه تاکنون ۵ جلد منتشر شده است).

۳. مجموعهٔ بچه های امام زمان، نویسندگان، مشهد، تک سوار حجاز (از این مجموعه تاکنون ۱۸ جلد منتشر شده است).

۴. مهربان تر از مادر، حسن محمودی، قم، مسجد مقدس جمکران، رقعی، ۸۰ صفحه.

۵. انتظار، علیرضا باوندیان، مشهد، آستان قدس رضوی، خشتی.

۶. مجموعهٔ کتاب های مؤسسهٔ فرهنگی انتظار نور، نویسندگان، قم، بوستان کتاب (از این مجموعه تاکنون ۵ جلد منتشر شده است).

۷. سر راهش گل بکاریم، مجتبی آموزگار، تهران، زیتون، چاپ اول، ۱۳۸۱، خشتی، ۱۲ صفحه.

۸. قصهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ز. ابراهیمی، قم، ذاکرالمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۸۲، خشتی، ۱۲ صفحه.

۹. جشن نیمهٔ شعبون، ابراهیم احمدیان، پردیسان، چاپ اول، ۱۳۸۲، خشتی، ۱۲ صفحه.

۱۰. استقبال، محمدتقی اختیاری، تهران، سیمای فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۷۷، رقعی، ۱۶صفحه.

این مؤلف چهار جلد دیگر نیز دربارۀ مهدویت با عناوین، تنهایی و سفر، ماه شب بارانی، مثل قیامت، دربارۀ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ویژۀ کودکان نگاشته است که تا کنون بارها به زینت طبع آراسته شده علاقه مندان از انتشارات مدرسه آن ها را تهیه فرمایند.

۱۱. حسنی می ره به شهر قم، مسجد جمکران، مهرانگیز اشرف پور، قم، زائر، چاپ اول، ۱۳۸۳، خشتی، ۱۶صفحه.

۱۲. صبح امید، امیرافشار موحد و عباس صابریان، تهران، مهام، چاپ اول، ۱۳۸۰، رحلی، ۱۲صفحه.

۱۳. امام مهربان، عباس صابریان و محمدحامد مشکاتی، تهران، مهر آوران، چاپ اول، ۱۳۸۰، رحلی، ۱۷صفحه.

۱۴. بوی گل نرگس، طیبه براز، تهران، گلستان قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ۱۴صفحه.

۱۵. پیک میلاد، گروهی، تهران، مهرآوران، چاپ اول، وزیری، ۱۸صفحه.

۱۶. امید آخر کیه؟، م.حسن و منصور متقی، قم، یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۸۱، خشتی، ۱۲صفحه.

۱۷. سلام! امام خوب ما، محسن خمسه ای و عباس صابریان، تهران، مهام، چاپ اول، ۱۳۸۰، رحلی، ۱۲صفحه.

۱۸. مهدی موعود کیه؟، طاهره سادات خوشدل، قم، ظهور، چاپ اول، ۱۳۸۱، خشتی، ۱۲صفحه.

۱۹. او کیست؟، مریم ذاکرنژاد و محمدکاظم مزینانی، تهران، زیبا، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۲۴صفحه.

۲۰. بعد از آن صدای آسمانی، مصطفی رحمان دوست، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۱. آخرین امید، مهدی رحیمی، تهران، بنیاد بعثت، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، رقعی، ۲۴صفحه.

۲۲. خروس غمگین قصهٔ ما، مهدی رحیمی، تهران، بنیاد بعثت، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، خشتی، ۳۲صفحه.

۲۳. من یار مهربانم من صاحب الزمانم، سمانه رضایی، مشهد، تک سوار حجاز، چاپ اول، ۱۳۸۳، خشتی، ۱۲صفحه.

۲۴. فصل ها چشم به راه، عبدالحسین فخاری، تهران، زیتون، چاپ هشتم، ۱۳۷۹، خشتی، ۲۴صفحه.

۲۵. فصل سبز بهار، اصفهان، مهر قائم، چاپ اول، ۱۳۷۹، رقعی.

۲۶. یک بهار، هزار شکوفه، رضا فیروز، تهران، رایحه، چاپ اول، ۱۳۸۰، رحلی، ۸صفحه.

۲۷. وقتی بابا بیاید، فیروزه فیروزمنش، تهران، رایحه، چاپ اول، ۱۳۸۰، رحلی، ۸صفحه.

۲۸. مثل خورشید پشت ابر، قاسم کریمی، تهران، مهام، چاپ اول، ۱۳۸۱، رحلی، ۱۰صفحه.

۲۹. یک گلابی برای تو، یک گلابی برای من، فریبا کلهر، تهران، نباء، چاپ سوم، ۱۳۸۰، خشتی، ۲۴صفحه.

۳۰. داستان زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امیرمهدی مرادحاصل، تهران، پیام نور، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، رقعی، ۲۲صفحه.

۳۱. مردی که خواهد آمد، امیرمهدی مرادحاصل، مؤسسهٔ منادی تربیت، چاپ دوم، ۱۳۸۱، رقعی، ۳۱صفحه.

۳۲. میلاد آفتاب، زهره مسجدجامعی، تهران، سیمای فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳۳. مهر مهربان، امیرحسین معتمدتبار، تهران، برگ نفیس، چاپ اول، ۱۳۷۸، وزیری، ۲۴صفحه.

۳۴. شمیم بهاران، محمدهادی نهاوندیان، تهران، آفاق، چاپ اول، ۱۳۷۷، خشتی، ۳۱صفحه.

۳۵. دل پرواز تنگ است، حمید هنرجو، تهران، مهام، چاپ اول، ۱۳۸۰، خشتی، ۱۲صفحه.

نشریهٔ کودکان

۱. ملیکا، قم، مؤسسهٔ آینده روشن.

۲. یلدا، اصفهان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

کتاب نوجوانان

۱. زندگی و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،سیدجمال الدین حجازی، تهران، نصر، وزیری، ۹۱صفحه.

۲. منتظر تا صبح فردا، فاطمه صالح مدرسه ای، تهران، مرکز فرهنگی شهید مدرس، رقعی، ۱۴۲ صفحه.

۳. امید آخرین، عبدالامیر فولادزاده، تهران، اعلمی، جیبی، ۹۶ صفحه.

۴. تمنای ظهور، احمد قندی، تهران، دیار، رقعی، ۱۵۲صفحه.

۵. خورشید پنهان، قم، ادارهٔ کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، رقعی،۴۰ صفحه.

۶. خورشید تابناک، پیرامون شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جواد عقیلی پور، تهران، عابد، رقعی، ۴۸صفحه.

۷. به احترام آفتاب، ۴۰ شعر دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای نوجوانان، سیدعلی کاشفی خوانساری، تهران، موعود، رقعی، ۶۲صفحه.

۸. صبح امید: نگاهی به مبحث مهدویت و انتظار، جواد محدثی، قم، بوستان کتاب، خشتی، ۸۸صفحه.

۹. دلم برایت تنگ می شود، ویژهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بنیاد فرهنگی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، کوثر ادب، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۸۰صفحه.

۱۰. او شبی مخفیانه به دنیا آمد، سعید روح افزا، تهران، نباء، چاپ دوم، ۱۳۸۳، رقعی، ۳۲صفحه.

۱۱. روز آرزوها، حسین فتاحی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ۶۳صفحه.

۱۲. گل نرگس، کاظم فیض الهی، قم، نشر روح، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۴۸صفحه.

۱۳. وقتی ماه کامل شد، ماجد محمدی، تهران، ابصار، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۶۳صفحه.

۱۴. او - هر جا که هست - مرا دوست دارد، مرتضی محیطی، قم، مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۴۸صفحه.

۱۵. آفتاب دوازدهم، مجید ملامحمدی، مشهد، عروج اندیشه، چاپ دوم، ۱۳۸۰، وزیری، ۴۲صفحه.

۱۶. زخمی از صفین، مجید ملامحمدی، مشهد، عروج اندیشه، چاپ دوم، ۱۳۸۰، وزیری، ۴۷صفحه.

نشریات نوجوانان

۱. انتظار نوجوان، قم، مؤسسهٔ آینده روشن.

۲. موعود جوان، تهران، مؤسسهٔ موعود.

کتاب جوانان

۱. پیشوای دوازدهم، حضرت امام حجت بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هیئت تحریریهٔ مؤسسهٔ در راه حق، قم، رقعی، ۹۵ صفحه.

۲. جهانگشای عادل، تاریخچهٔ گزیده ای از روایات مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدجمال الدین دین پرور،تهران، بنیاد نهج البلاغه، رقعی، ۸۵صفحه.

۳. پیدای پنهان (نگاهی کوتاه به حیات، سیرت و آثار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سیدمسعود پورسیدآقایی، قم، حضور، پالتویی، ۷۲صفحه.

۴. نگین آفرینش، نویسندگان، مرکز تخصصی مهدویت، قم.

۵. جوان و یاری موعود، مسعود دریس، قم، انتشارات سبط النبی، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۳۰صفحه.

۶. جوانان و یاوران مهدی، محمدباقر پورامینی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، پالتویی، ۴۸صفحه.

۷. حدیث جوانی، یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اسماعیل حاجیان، تهران، مهام، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۶۴صفحه.

۸. قرآن، مهدی و جوانان، محمدرضا نصوری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۲۰صفحه.

نشریات جوانان

۱. موعود، تهران، مؤسسهٔ موعود.

۲. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی مهدویت، قم.

۳. ساعت صفر، قم، مؤسسهٔ آینده روشن.

کتاب های موضوعی

ضرورت طرح معارف مهدوی

۱. ضرورت طرح مباحث مهدویت، روح الله شاکری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، پالتویی، ۳۳صفحه.

۲. فلسفۀ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی ابریشم چی، تهران، رقعی، ۴۴صفحه.

۳. نگین آفرینش، نویسندگان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ص ۱۳-۲۰.

ادلۀ عقلی اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. پژوهشی عقلی دربارۀ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روح الله شاکری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، پالتویی، ۵۲ صفحه.

۲. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، قم، مسجد مقدس جمکران، ص ۲۶۵-۲۸۵.

۳. گفتمان مهدویت، مقالۀ «بررسی ادلۀ اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»، علی ربانی گلپایگانی، قم، بوستان کتاب، ص۷۵-۸۹.

۴. فصل نامۀ انتظار، مقالۀ «قاعدۀ لطف و وجوب امامت»، علی ربانی گلپایگانی، مرکز تخصصی مهدویت، ش۵، ص۱۱۱-۱۳۲.

۵. مسألۀ مهدویت از منظر عقلی و عاطفی، دکتر محمد منصورنژاد، تهران، جوان پویا، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۸۱صفحه.

۶. وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پرتو عقل، علی اصغر رضوانی، قم، مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۸۵صفحه.

۷. دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، رحیم لطیفی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۲۵۶صفحه.

ص:۵۷۲

۸. بقیه الله فروغ حیات بخش هستی، یدالله دادجو، قم، دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۱۱۲صفحه.

نیاز به امام و اضطرار به حجت

۱. تو می آیی، علی صفایی حائری، قم، انتشارات لیله القدر، رقعی، ۹۴صفحه.

۲. دیباچه ای بر شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مریم مدرس غروی، تهران، مهرآوران، رقعی، ۶۴صفحه.

۳. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «رویکرد عقلی بر ضرورت وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف»، رحیم لطیفی، ش۶، ص۶۳-۸۵.

۴. نیاز جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد مولوی، قم، مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۰۶صفحه.

۵. ضرورت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دکتر ناصر فروهی، قم، دبیرخانه اجلاس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۸۵، پالتویی، ۳۰صفحه.

۶. پیشوایی آسمانی، علامه سیدمحمد حسین شهرستانی، قم، بهار قلوب، چاپ اول، ۱۳۸۰، پالتویی، ۶۸صفحه.

۷. آیا وجود امام لازم است، سید جمال الدین استرآبادی، مجمع تحقیقات و تبلیغات اسلامی، این اثر در پژوهشکدهٔ مهدویت موجود است.

مهدویت در قرآن

۱. کتاب شناسی قرآن و انتظار، دبیرخانهٔ دوازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، تهران، فرهنگ مکتوب، رقعی، ۱۴۴ صفحه (این اثر، کتاب ها، پایان نامه ها و سایت های این موضوع را معرفی کرده است).

۲. سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، سیدهاشم بحرانی، ترجمه: سیدمهدی

حائری قزوینی، وزیری، ۴۷۴صفحه.

۳. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، قم، مؤسسهٔ انتشاراتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، رقعی، ۲۰۰صفحه.

۴. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، مهدی یوسفیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، پالتویی، ۱۱۲صفحه.

۵. معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، علی کورانی و دیگران، قم، مؤسسه المعارف اسلامیه، وزیری، ۵۵۱ صفحه.

۶. الامام المهدی فی القرآن و السنه، سعید ابومعاش، مشهد، آستان قدس رضوی، وزیری، ۶۰۳صفحه.

۷. سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن در پرتو روایات، سیدجواد رضوی، بوشهر، موعود اسلام، ۱۳۸۲، وزیری، ۲۴۰صفحه.

۸. قرآن و آخرین حجت اشتراکات قرآن و حجت زمان، آیه الله حاج شیخ رضا توحیدی، قم، سیمای آفتاب، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ۸۲۴صفحه.

۹. پرتوی از سیمای مهدویت در قرآن و حدیث، خیرالله مردانی، قم، راه قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۴۵۶صفحه.

۱۰. موعود قرآن، آیت الله سیدصادق حسینی شیرازی، ترجمه و نشر مؤسسهٔ امام مهدی، چاپ اول، ۱۳۶۰، رقعی، ۱۵۵صفحه.

۱۱. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نگاه وحی و اولیاء خدا، سیدمرتضی حسینی اصفهانی، قم، فرهنگ قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۲۵۶صفحه.

۱۲. آیات الکریم فی ما نزل فی بقیه الله فی الارضیین (بقیه الله در آیات قرآنی)، مهندس علی اصغر اکبری، تهران، احمدی، چاپ اول، ۱۳۸۷، وزیری، ۶۸۲صفحه.

۱۳. راز غیبت، دکتر نادر فضلی، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی،

ص:۵۷۴

۲۹۶صفحه.

۱۴. امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجـه الشـریف و نمادهـای قرآنی، حسـن دهشـیری و رحمت جعفری، قم، روح، چـاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۴۴صفحه.

۱۵. قرآن و ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، علی اصـغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۷۲صفحه.

مهدویت در روایات شیعه و سنی

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در احادیث شیعه و سنی، نویسندگان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، پالتویی، ۱۰۵ صفحه.

۲. در انتظار ققنوس، سـیدهاشم ثامر العمیدی، ترجمه: مهدی علیزاده، قم، مؤسـسهٔ آموزشـی و پژوهشـی امام خمینی رحمه الله، وزیری، ۳۵۹ صفحه.

۳. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، حضرت معصومه، ۳ جلد وزیری، ج۱: ۳۲۸صفحه، ج۲: ۵۶۸صفحه؛ ج۳: ۴۸۲ صفحه.

۴. المهـدی الموعود المنتظر عنـد علماء اهل السـنه و الامامیه، شـیخ نجم الـدین جعفر بن محمـد العسـکری، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۳۶۰، رقعی، ۳۶۶صفحه.

۵. برهان ثاقب در اثبات وجود امام غایب، علی ایزدی، قم، سرور، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ۳۸۴صفحه.

۶. انتظار در مذاهب اربعه، مهدی اکبرنژاد و سعید آذرشین فام، قم، انتظار نور، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۷۶صفحه.

۷. نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سـنت، محمدیعقوب بشوی، قم، مرکز جهانی علوم اسـلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۳۶صفحه.

۸. حجت موجه (پاره ای از مهم ترین اختلاف نظرهای شیعه و اهل سنت در مهدویت)،

مصطفی اسفندیاری، تهران، بصیرت، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۴۰۸صفحه.

۹. مهدویت و خلافت در مکتب خلفا، علامه سیدمرتضی عسکری، تهران، بنیاد بین المللی غدیر، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۱۳۶صفحه.

۱۰. مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، سیدهادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۲، رقعی، ۳۲۴صفحه.

۱۱. اتفاق در مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید علی اکبر قرشی، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، رقعی، ۱۰۴صفحه.

۱۲. مهدی آل محمد در کتب اهل سنت، هادی عامری، قم، پیام حجت، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۴۰۰صفحه.

۱۳. طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت، عبدالکریم عبداللهی، مشهد، آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۶۴۴صفحه.

۱۴. الامام المهدی فی الاحادیث المشترکه بین السنه و الشیعه، محمدامیر الناصری، تهران، مجمع تقریب، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ۳۵۷صفحه.

منابع روایی شیعه

۱. الغیبه، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی، ترجمه: محمدجواد غفاری، تهران، صدوق، وزیری، ۴۶۵صفحه.

۲. الغیبه، ابی جعفر محمد بن الحسن، شیخ طوسی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، وزیری، ۵۷۰ صفحه (این کتاب با عنوان خورشید در نهان در دو جلد

توسط عباس جلالی ترجمه، و مؤسسهٔ تعاون امام خمینی رحمه الله تهران آن را چاپ

کرده است).

۳. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ترجمه: منصور پهلوان، قم، دارالحدیث، ۲ جلد وزیری، ج۱: ۶۱۱ صفحه؛ ج۲: ۶۱۱ صفحه.

ص:۵۷۶

۴. بحارالانوار، الجامعه لـدرر أخبار الأئمه الأطهار، محمدباقر مجلسـی، ج۵۱، ۵۲ و ۵۳، (این جلـدها با عنوان مهدی موعود، با ترجمه علی دوانی، و چاپ انتشارات الاسلامیه تهران منتشر شده است).

مهدویت در نهج البلاغه

۱. منجی موعود از منظر نهج البلاغه، حسین ایرانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۰۲صفحه.

۲. علی علیه السلام و پایان تاریخ، سیدمجید فلسفیان، قم، جمکران، چاپ دوم، ۱۳۷۹، رقعی، ۳۱۲صفحه.

۳. مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی، اصفهان، عمادزاده، چاپ دوم، ۱۳۷۵، رقعی، ۱۲۸صفحه.

۴. امام علی علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پژوهش موعود، تهران، موعود، چاپ اول، ۱۳۸۳، پالتویی، ۹۵صفحه.

مهدویت و ادعیه

۱. صحیفه مهدیه، سیدمرتضی مجتهدی سیستانی، با ترجمه فارسی، قم، حاذق، وزیری، ۷۴۸صفحه.

۲. صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، وزیری، ۳۸۹صفحه.

۳. صحیفه المهدی، عیسی اهری، قم، رسالت، وزیری، ۲۸۸صفحه.

۴. مکیال المکارم، سیدمحمدتقی موسوی اصفهانی، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، قم، نگین، ج۲، ص۱۸۱- ۵۶۸.

۵. روح بهار (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آیینه دعا)، منیره زارعان، قم، بوستان کتاب، چاپ

اول، ۱۳۸۱، رقعی، ۱۸۲صفحه.

۶. دعا و مناجات از زبان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدهادی میراشرفی، قم، پیام حجت، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۱۶۸صفحه.

۷. دعاهای صادره از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت صغرا، محمدتقی اکبرنژاد، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۲۴۸صفحه.

۸. جنات المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی محمد مبشر، قم، شمیم گل نرگس، چاپ اول، ۱۳۸۷، وزیری، ۶۵۴صفحه.

۹. فوز اکبر در توسلات به امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیت الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی، قم، عطر عترت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، وزیری، ۲۳۹صفحه.

۱۰. ربیع الانام فی ادعیه خیر الامام، عبدالحسین الطالعی، تهران، میقات، چاپ اول، ۱۳۷۷، رقعی، ۴۴۳صفحه.

۱۱. مناجات منتظران، دکتر سیدمحمد بنی هاشمی، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۶، دو جلد، وزیری، ۵۱۲صفحه.

۱۲. جلوهٔ محبوب (سیری در دعاها و زیارت های بقیه الله الاعظم الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اسماعیل حاجیان، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۲۶۱صفحه.

منجی در ادیان

۱. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، سیداسدالله هاشمی شهیدی، قم، مسجد مقدس جمکران، وزیری، ۴۵۲صفحه.

۲. فصل نامهٔ هفت آسمان، مقالهٔ «گونه شناسی منجی موعود در ادیان»، علی موحدیان عطار، ش۱۲ و ۱۳، ص۱۰۷-۱۲۹.

۳. ادیان و مهدویت یا آرا و عقاید دربارهٔ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد بهشتی، تهران، بهمن، رقعی، ۲۰۸صفحه.

۴. منجی در ادیان، روح الله شاکری زواردهی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۲۶۴صفحه.

۵. مهدی نوید امید، محمد انصاری، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۱۴۸صفحه.

۶. مهدویت در فرق اسلامی و ادیان پیش از اسلام، سیدمحمد حسینی، مشهد، مکتبه امام رضا علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ۱۵۶صفحه.

۷. انتظار مسیحا در آئین یهود، جولیوس کرینستون، ترجمه: حسین توفیقی، قم، مطالعات ادیان، چاپ اول، ۱۳۷۷، رقعی، ۱۹۲صفحه.

۸. سوشیانت منجی ایرانویج، سیدحسن آصف آگاه، قم، آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۳۱۸صفحه.

۹. بشارت به منجی موعود، علی سرایی، تهران، موعود، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۰۴صفحه.

۱۰. مهدویت در اسلام و دین زرتشت، علی رضا ابراهیم، تهران، باز، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ۱۴۴صفحه.

۱۱. پایان جهان و ظهور موعود در ادیان باستان، داریوش احمدی، تهران، جوانه توس، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۲۰۸صفحه.

۱۲. گونه شناسی اندیشهٔ منجی موعود در ادیان، گروهی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ۵۰۲صفحه.

مهدی شناسی (ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)

الف) مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. بانوی نور، مریم بصیری، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷، رقعی،

۸۶صفحه.

۲. نرگس همدم خورشید، محمدباقر پورامینی، قم، نورالسجاد، چاپ اول، ۱۳۷۸، رقعی، ۱۰۸صفحه.

۳. فصل نامهٔ انتظار، مقاله «حدیث شناسی مهدویت»، نجم الدین طبسی، ش۲، ص ۲۶۰ – ۲۷۵.

۴. غریبهٔ آشنا، احمد پهلوانیان، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۳، رقعی، ۴۸صفحه.

۵. زیباترین داستان جهانی مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید محمدباقر موسوی، قم، کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۲۵۶صفحه.

ب) ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. گزارش میلاد (بازنویسی منتهی الآمال)، عبدالحسین طالعی، تهران، نباء، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۶۴صفحه.

۲. حدیث قبل از میلاد، سیدمجتبی بحرینی، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ۱۰۸صفحه.

۳. حدیث شب میلاد، سیدمجتبی بحرینی، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ۱۲۰صفحه.

۴. حدیث بعد از میلاد، سیدمجتبی بحرینی، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ۱۳۴صفحه.

۵. موعود قائم ولادت، محمدرسول دریایی، چاپ اول، ۱۳۷۵، تهران، رقعی، ۱۰۰صفحه.

۶. تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۰۰صفحه.

ص:۵۸۰

۷. گزارش لحظه به لحظه از ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدرضا انصاری، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۴۰صفحه.

۸. گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور، علی اکبر مهدی پور، قم، رسالت، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۸۸صفحه.

ج) امامت کودکی

۱. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، قم، مسجد مقدس جمکران، ص ۲۳۱ -۲۵۰.

د) خصوصیات ظاهری

۱. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «جمال یار»، جواد جعفری، ش۵، ص ۱۵۱-۱۹۴.

ه) پنهان زیستی

۱. تلاش گر پنهان، محمدرضا فؤادیان، قم، سبط النبی صلی الله علیه و آله و سلم، رقعی، ۱۵۸صفحه.

و) اسماء و القاب

۱. نام محبوب (بررسی در نام و القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سیدحسین حسینی، تهران، آفاق، رقعی، ۱۵۹ صفحه.

۲. الشهاب الثاقب در اسماء و القاب امام الغائب، علی سلیمانی بروجردی، قم، هم میهن، وزیری، ۳۶۰صفحه.

۳. نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، قم، مسجد مقدس جمکران، ص۱۱۵- ۱۳۸.

۴. نورالانوار (شرح اسامی و القاب حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف)، محمدمهدی باقری، قم، خورشید مکه، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۱۳۱صفحه.

۵. ترسیم آفتاب (بررسی القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، رسول عربان، قم، دارالهدی،

چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۳۰۸صفحه.

۶. اوصاف المهدی (در بیان اسامی، القاب، اوصاف و کنیه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)، احمد سعیدی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۲۲۸صفحه.

ز) طول عمر

۱. زندهٔ روزگاران (جستاری در دیر زیستی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حسین فریدونی، تهران، آفاق، رقعی، ۱۶۶ صفحه.

۲. راز طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه علم و ادیان، علی اکبر مهدی پور، قم، طاووس بهشت، رقعی، ۱۰۹صفحه.

۳. امکان طول عمر تا بی نهایت، برگرفته از قرآن و حدیث، محمد مظاهری، قم، ارغوان دانش، رقعی، ۲۱۶صفحه.

۴. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طول عمر»، حسین زینلی، ش۶، ص۲۴۷-۲۵۰.

ح) توقیعات

۱. نشانی از امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف، بازنگری و تحلیل توقیعات، محمدمهدی رکنی یزدی، مشهد، آستانه قدس رضوی، رقعی، ۱۲۵صفحه.

۲. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغرا»، محمدرضا جباری، ش۳، ص۱۴۰- ۱۶۵.

۳. شرح چهل حدیث از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی اصغر رضوانی، قم، مرکز مطالعات حوزه، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۱۱۰صفحه.

۴. نامه های امام زمان (توقیعات)، شیرین کارخانه ای، قم، منارس، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۹۲صفحه.

۵. مجموعه فرمایشات حضـرت بقیهالله عجل الله تعالی فرجه الشـریف، محمـد خادمی شـیرازی، قم، رسالت، چاپ دوم، ۱۳۷۷، وزیری، ۳۲۰صفحه.

۶. گوهری ناب در کلام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، محمد رحمتی شهرضا و حسین احمدی قمی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۴۳۲صفحه.

۷. فرهنگ سـخنان حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، محمـد دشتی، قم، امیرالمؤمنین، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ۴۰۰صفحه.

۸. نامه ها و فرمایشات امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف در عصـر غیبت صغرا، محمدتقی اکبرنژاد، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۷، وزیری، ۵۱۵صفحه.

۹. المختار من کلمات الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیخ محمد غروی، چاپ دوم، جامعه مدرسین قم، ۳ جلد، وزیری.

۱۰. کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدحسن شیرازی، قم، رشید، چاپ سوم، ۱۳۸۴، وزیری، ۶۸صفحه.

ط) غیبت صغرا

۱. تاریـخ عصـر غیبت، نگاهی تحلیلی به عصـر غیبت امام دوازدهم، سیدمسـعود پورسـیدآقایی و دیگران، قم، حضور، وزیری، ۴۵۹ صفحه.

۲. پژوهشـی در زنـدگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نگرشـی به غیبت صـغرا، سـیدمحمد صدر، ترجمه: محمد امامی شیرازی، قم، جهان آرا.

۳. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین، ترجمه: سیدمحمدتقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر، وزیری، ۲۵۶صفحه.

۴. اوضـاع سیاسـی، اجتمـاعی و فرهنگی شـیعه در غیبـت صـغرا، حسن حسـین زاده شـانه چی، قم، پژوهشـگاه علـوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۳۸۴صفحه.

۵. غیبت صغری، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۷۲صفحه.

۶. موعود قائم، آستانه غیبت صغرا، محمدرسول دریایی، تهران، مسجد حضرت حجت، چاپ اول، ۱۳۷۶، رقعی، ۱۴۸صفحه.

۷. الحیره فی عصر الغیبه الصغری، سیدیاسین موسوی، کربلا، حرم مقدس، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۲۶۸صفحه.

۸. سوار سبزپوش آرزوها، کمال السید، ترجمه: حسین سیدی، قم، نسیم اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ۳۲۰صفحه.

ی) غیبت کبرا

۱. تاریخ غیبت کبرا، سیدمحمد صدر، ترجمه: سیدحسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، وزیری، ۶۸۸صفحه.

۲. غیبت کبرا، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۱۵صفحه.

۳. الحیره فی عصر الغیبه الکبری، سیدیاسین موسوی، کربلا، حرم مقدس، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۳۰۳صفحه.

ک) سیرهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. دولت مهدی، سیرت مهدی، مصطفی دلشاد تهرانی، تهران، دریا، رقعی، ۶۸صفحه.

۲. پیدای پنهان (نگاهی کوتاه به حیات، سیرت و آثار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سیدمسعود پورسیدآقایی، قم، حضور، پالتویی، ۷۲ صفحه.

غیبت و علل آن

۱. چشم به راه مهدی، مقالهٔ «فلسفه غیبت در منابع کلام شیعی»، غلامرضا جلالی نائینی، ص۴۰۳-۴۳۹.

۲. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «فلسفهٔ غیبت از منظر روایات»، محمدهادی غروی، ترجمه: بهروز محمدی، ش۷، ص۱۶۵-۱۸۴.

۳. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «دلایل غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه روایات»، نجم الدین طبسی، ش۴، ص۲۲۹-۲۶۰.

۴. امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام (ترجمه المقنع)، ترجمه: سیدمرتضی علم الهدی، قم، جمکران، چاپ سوم، ۱۳۸۲، رقعی، ۱۲۷صفحه.

۵. غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یا پنهانی خورشید عدالت، محمد خادمی شیرازی، قم، رسالت، چاپ اول، ۱۳۷۷، وزیری، ۲۰۰صفحه.

۶. امامت و غیبت، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۷۷صفحه.

۷. فلسفهٔ غیبت، سیدمرتضی حسینی اصفهانی، قم، فرهنگ قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۲۳۲صفحه.

۸. حکایت غیبت، صادق داوری، قم، سلسله، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۵۶صفحه.

۹. مطلع الفجر، سیدجواد معلم، مشهد، تکسوار حجاز، چاپ دوم، ۱۳۸۱، وزیری، ۲۱۲صفحه.

۱۰. راز پنهانی و رمز پیدایی، سیدمحمد بنی هاشمی، تهران، نیک معارف، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ۳۹۲صفحه.

۱۱. حدیث حکمت غیبت، سیدمجتبی بحرینی، مشهد، یوسف فاطمه علیها السلام، چاپ

اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۹۶صفحه.

۱۲. ده پرسش پیرامون غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمهٔ المسائل العشره فی الغیبهٔ، شیخ مفید)، ترجمه: علیرضا بهاردوست و محمدحسین شمسایی، تهران، مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۳۷صفحه.

فواید امام غایب

۱. نور مهدی، مقالهٔ «نقش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جهان هستی»، علی اکبر مهدی پور، ص۱۹۷-۲۰۵.

۲. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «غیبتی در حضور»، نیکو دیالمه، ش۶، ص۲۵۱-۲۶۲.

۳. رموز خورشید، محمدحسن گنجی فرد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، رقعی، ۶۰صفحه.

۴. جلو ه های پنهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حسین علی پور، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۱۴۲صفحه.

انتظار

۱. نگاهی دوباره به انتظار، مجید حیدری نیک، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، رقعی، ۱۰۴صفحه.

۲. انتظار پویا، آصفی، قم، مرکز تخصصی مهدویت.

۳. انتظار عامل مقاومت و حرکت، صافی گلپایگانی، قم، اندیشه، رقعی، ۷۳صفحه.

۴. تبیین فرهنگ انتظار، حمید پورعیسی، رشت، دهسرا، چاپ اول، رقعی، ۶۴صفحه.

۵. استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی، تهران، موعود، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ۳ جلد، رقعی.

۶. انتظار از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، سکینه طاووسی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۱۹۷صفحه.

۷. انتظار، منتظر و تکالیف منتظران، موعود، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶، پالتویی، ۹۶صفحه.

۸. انتظار فرج، امید در اسلام، سیدمرتضی حسینی اصفهانی، قم، فرهنگ قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۸۰صفحه.

۹. انتظار در اندیشه ها، گروهی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، ۱۳۸۵، رقعی، ۸۰صفحه.

۱۰. انتظار چیست؟منتظر کسیت؟، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۶۵صفحه.

۱۱. کتاب انتظار، نسرین میانجی و مجتبی گودرزی، قم، انتظار نور، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۲۸صفحه.

۱۲. تشیع و انتظار، محمدتقی خلجی، قم، میثم تمار، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، رقعی، ۱۷۴صفحه.

۱۳. نقش اجتماعی انتظار، حسن عبدی پور، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۱۳۷صفحه.

وظایف منتظران

۱. راه کارهای عملی یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حسن محمودی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۱۱۹صفحه.

۲. یاد مهدی، آرام دل، آیت الله میرزامحمدباقر فقیه ایمانی، قم، عطر عترت، چاپ اول، ۱۳۸۷، وزیری، ۲۴۸صفحه.

۳. آماده باش یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی عاصمی، قم، طوبای محبت، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۲۶۸صفحه.

۴. سلوک منتظران، دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی، قم، خادم الرضا، چاپ اول، ۱۳۸۷، پالتویی، ۱۰۸صفحه.

۵. بازگشت به سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی تقی پور، قم، حاذق، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۷۶صفحه.

۶. آشتی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، دکتر علی هراتیان، تهران، آفاق، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۱۴۱صفحه.

۷. آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد شجاعی، تهران، محیی، چاپ نهم، ۱۳۸۷، رقعی، ۳۴۴صفحه.

۸. وظایف ما در عصر غیبت، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۹۶صفحه.

۹. وظایف منتظران از منظر قرآن، عباس رضایی، قم، ظفر، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۲۴۵صفحه.

۱۰. ره توشهٔ منتظران، بازنویسی منتهی الآمال، عبدالحسین طالعی، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۶۰صفحه.

۱۱. انتظارات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدمهدی شمس الدین، تهران، توسعهٔ فرهنگ قرآنی، چاپ دوم، ۱۳۸۰، رقعی، ۷۹صفحه.

۱۲. آفتاب ولایت، آیت الله مصباح یزدی، قم، مؤسسه امام خمینی رحمه الله، چاپ سوم، ۱۳۸۷، وزیری، ۲۴۰صفحه.

۱۳. وظایف شیعیان در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدرضی سیدنژاد، قم، تهذیب، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۳۱۸صفحه.

۱۴. وظایف شیعیان در زمان غیبت، علی رضاپور، قم، یاران مهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۱۶۰صفحه.

۱۵. در دوران غیبت چه کنیم؟، موسوی اصفهانی عربی، این اثر عنوان آن است: وظیفه الانام فی زمن غیبته الامام علیه السلام، رقعی، ۱۰۳صفحه.

۱۶. وظایف موعودیان، سیدمحمود بحرالعلوم، اصفهان، مرکز تخصصی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۷۴صفحه.

۱۷. سلوک منتظران، سیدمحمد بنی هاشمی، تهران، منیر، چاپ دوم، ۱۳۸۳، رقعی، ۲۴۴صفحه.

وضعیت شیعه در عصر غیبت

۱. تاریخ تشیع از پیدایش تا پایان غیبت صغرا، علی محرمی، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، وزیری، ۲۸۰صفحه.

۲. تاریخ عصر غیبت، سیدمسعود پورسیدآقایی و دیگران، قم، حضور، وزیری، ۴۵۹صفحه.

۳. اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغرا، حسن حسین زاده شانه چی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۳۸۴صفحه.

نواب اربعه

۱. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، محمدرضا جباری، قم، مؤسسهٔ امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ۷۶۴صفحه.

۲. زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی غفارزاده، قم، نبوغ، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، وزیری، ۳۳۵صفحه.

۳. محمد بن عثمان دومین سفیر آفتاب، محمدحسن امانی، قم، سازمان تبیلغات، چاپ اول، ۱۳۷۶، رقعی، ۱۲۶صفحه.

۴. راویان نور، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی سفیر سوم، عبدالرحیم اباذری، قم، سازمان تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷۶، رقعی، ۱۲۶صفحه.

۵. راویان نور، عثمان بن سعید عمری سفیر آفتاب، محمدباقر پورامینی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵، رقعی، ۹۶صفحه.

۶. حدیث آخرین سفیر و مدعیان دروغین، سیدمجتبی بحرینی، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۰۴صفحه.

۷. حدیث سفیران؛ سومین سفیر، سیدمجتبی بحرینی، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۰۸صفحه.

۸. حدیث دو سفیر، سیدمجتبی بحرینی، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۱۰صفحه.

۹. سفیران امام، عباس راسخی نجفی، قم، محب، چاپ دوم، ۱۳۷۵، رقعی، ۲۴۰صفحه.

۱۰. نواب اربعه، سفرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی دوانی، قم، اجلاس دوسالانه، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۱۳۸صفحه.

معرفت امام

۱. شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی، مهدی فقه ایمانی، قم، کوثر، چاپ اول، ۱۳۷۰، وزیری، ۵۴۸صفحه.

۲. معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدمحمد بنی هاشمی، تهران، نیک معارف، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۴۳۲صفحه.

۳. دیباچه ای بر شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مریم مدرس غروی، تهران، مهرآوران، چاپ اول، ۱۳۷۸، رقعی، ۶۴صفحه.

۴. شناخت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ستاد جشن های میلاد، تهران، منیر، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۹۶صفحه.

۵. ملکوت زمان، مهدی قاسمی منفرد، تهران، فرهنگ مکتوب، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۱۷۴صفحه.

۶. شناخت و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، فروزان الوندی، قم، رواق دانش، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۱۲صفحه.

۷. شمیم آشنایی (گزیده کتاب معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سید محمدهادی صدرالحفاظی، قم، مولود کعبه، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۲۲۳صفحه.

یاری موعود

۱. چگونه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کنیم، سیدمهدی حائری، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۰۰صفحه.

۲. زندگی مهدوی، محمدرضا فؤادیان، قم، سبط النبی، چاپ دوم، ۱۳۸۷، رقعی، ۹۶صفحه.

۳. چگونه می توانیم سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شویم، سید بهاءالدین نجفی، شیراز، ستاره طلایی، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۸۰صفحه.

۴. شیوه های یاری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، آیت الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی، عطر عترت، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، وزیری، ۱۹۲صفحه.

مهدویت در عرفان

۱. موعود عرفان، حسن علی پور وحید، قم، مؤسسهٔ امام خمینی رحمه الله، چاپ اول،

۱۳۸۵، رقعی، ۴۰۸صفحه.

۲. مهدویت و ختم ولایت در عرفان اسلامی، محمد نصیری، قم، اجلاس دوسالانه، چاپ اول، ۱۳۸۶، پالتویی، ۸۷صفحه.

۳. آموزهٔ مهـدویت در عرفان اسـلامی، محمـدامین صادقی ارزگـانی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۱۷۰صفحه.

۴. مهدی خاتم الاولیاء و الاوصیاء، داوود الهامی، قم، مکتب اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۷، رقعی، ۱۲۸صفحه.

۵. نهج الولایه (بررسی مستند در شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حسن زاده آملی، قم، قیام، چاپ اول، ۱۳۷۹، رقعی، ۱۲۴صفحه.

۶. حقیقت انتظار و ظهور، صمدی آملی، تهران، نجم الدین، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۱۴صفحه.

پاسخ به شبهات

۱. پاسخ به شبهات احمد الکاتب، سید سامی بدری، ترجمه: ناصر ربیعی، قم، انوارالهدی، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ۵۴۱صفحه.

۲. متاهات فی مدینه الضباب، گروهی، قم، مؤسسهٔ ام القری، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۲ جلد.

۳. در انتظار ققنوس، سیدثامر هاشم العمیدی، ترجمه: مهدی علیزاده، قم، مؤسسهٔ امام خمینی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۳۸۴، وزیری، ۳۵۹صفحه.

۴. خاتمیت، امامت و مهدویت، احمد حسینی شریفی، قم، صهبای یقین، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۱۶۸صفحه.

ص:۵۹۲

فرهنگ مهدویت

۱. موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)، مجتبی تونه ای، قم، مشهور، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۸۰۰صفحه.

۲. فرهنگ نامهٔ مهدویت، خدامراد سلیمیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ دوم، ۱۳۸۷، رقعی، ۵۱۰صفحه.

۳. فرهنگ موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، حسین کریمشاهی بیدگلی، قم، ناصر، چاپ اول، ۱۳۷۷، وزیری، ۲۷۸صفحه.

۴. موجز دائره المعارف الغیبه، مرکز الدراسات التخصصیه فی الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۲۰۶صفحه.

مهر و محبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مهر محبوب، سیدحسین حسینی، تهران، آفاق، وزیری، ۳۳۶صفحه.

۲. مهر بیکران، نگاهی به رأفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدحسن شاه آبادی، قم، مسجد مقدس جمکران، رقعی، ۱۳۴صفحه.

۳. میر مهر، سیدمسعود پورسیدآقایی، قم، حضور، وزیری، ۴۸۰صفحه.

۴. شمیم رحمت، آیت الله شیرازی، قم، سلسله، چاپ اول، ۱۳۸۵، جیبی، ۶۵صفحه.

۵. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «چند حدیث شبهه ناک پیرامون خورشید عالم تاب»، علی اکبر مهدی پور، ش۱۴.

اماکن منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. فصل نامهٔ انتظار، مقاله «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایران و جهان»، ش۵، علی اکبر مهدی پور، ص۳۳۳-۳۵۴؛ ش۶، ص۳۲۸-۳۵۴؛ ش۷،

ص:۵۹۳

ص ۳۴۱-۳۷۶.

۲. مسجد جمکران، میعادگاه دیدار، محمدجواد بستانی راد، قم، فرهنگ مشرق زمین، رقعی، ۱۰۴صفحه.

۳. میعادگاه عاشقان (مسجد سهله)، سیدعباس موسوی مطلق، قم، مهر خوبان، رقعی، ۱۶۰صفحه.

۴. شهر به شهر، کو به کو، سعید مقدس، تهران، مکیال، رقعی، ۷۲صفحه.

۵. میعادگاه عاشقان، مسجد سهله، اعمال، فضائل تشرفات، سیدعباس موسوی مطلق، مهر خوبان، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۱۵۳صفحه.

۶. اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۴۸صفحه.

درس نامهٔ مهدویت

۱. نگین آفرینش، گروهی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ دهم، ۱۳۸۷، وزیری، ۲۵۶صفحه.

۲. درس نامهٔ مهدویت، خدامراد سلیمیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ دوم، ۱۳۸۷، وزیری، ۲ جلد.

۳. تنها راه (چهارده گفتار پیرامون شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، گروهی، شیراز، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، ۱۳۸۶، وزیری، ۲۶۶صفحه.

۴. سلوک مهدوی، محمدباقر حیدری کاشانی، قم، سبط النبی، چاپ دوم، ۱۳۸۸، وزیری، ۲۸۰صفحه.

۵. تنها بر فراز، یحیی صالح نیا، قم، بقیه العتره، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ۲۸۸صفحه.

۶. سلسله درس های مهدویت، سیدمحمد بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۸ جلد، رقعی.

۷. خاتم الاوصیاء، محمدمهدی مؤمن، قم، معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۳ جلد، رقعی.

ملاقات با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مجلهٔ موعود، مقالهٔ «تشرفات بین نفی و اثبات»، هادی دانش ور، ش۱، ص۱۸-۲۳؛ ش۳، ص۴۴-۵۰ و ش۵.

۲. روزنه ای به خورشید، ترجمهٔ سیدحسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف.

۳. تشرف یافتگان، پژوهشکدهٔ تزکیهٔ اخلاقی امام علی علیه السلام، قم، کریمه، رقعی، ۳۰۴صفحه.

۴. عنایات حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به علما و مراجع تقلید، علی کریمی جهرمی، قم، مؤسسهٔ نشر و تبلیغ.

۵. سودای روی دوست، مرتضی آقاتهرانی، قم، مؤسسهٔ امام خمینی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۳۸۶، وزیری، ۱۹۲صفحه.

۶. دارالسلام، شیخ محمود عراقی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۸۵۶صفحه.

۷. انتظار خورشید، مقالهٔ «بررسی مسئلهٔ دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبرا»، قنبرعلی صمدی، ص۷۷، (این مقاله در فصل نامه مشرق موعود نیز به چاپ رسیده است).

فرقه های انحرافی مهدویت

۱. تاریخ جامع بهائیت، بهرام افراسیابی، تهران، مهرفام، وزیری، ۷۲۰صفحه.

۲. بابی گری و بهایی گری، محمد محمدی اشتهاردی، قم، کتاب آشنا، رقعی، ۲۰۷صفحه.

۳. تحلیلی بر تاریخ و عقاید فرقهٔ شیخیه، احمد خدایی، قم، امیر العلم، وزیری، ۳۰۳ صفحه.

۴. بهائیان، سیدمحمدباقر نجفی، قم، نشر مشعر، وزیری، ۸۲۴صفحه.

۵. انشعاب در بهائیت، اسماعیل رائین، تهران، مؤسسهٔ تحقیقاتی راین، وزیری، ۳۷۵صفحه.

۶. چرا از بهائیت برگشتم؟ (خاطرات مسیح الله رحمانی)، به اهتمام علی امیر مستوفیان، تهران، راه نیکان، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۱۸۴صفحه.

۷. پای سخنان پدر، محمدجعفر امامی، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۳۰۳صفحه.

۸. فتنهٔ باب، اعتضاد السلطنه با توضیحات عبدالحسین نوائی، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۳۱۸صفحه.

۹. ماجرای باب و بهاء، مصطفی حسینی طباطبایی، تهران، روزنه، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ۲۴۱صفحه.

۱۰. پیچک انحراف، جواد اسحاقیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۲۴۰صفحه.

شرایط و علایم ظهور

۱. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «مقدمات ظهور»، سیدمجتبی فلاح، ش۷، ص۲۲۹-۲۷۰.

۲. چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مقالهٔ «بررسی نشانه های ظهور»، ص۲۴۱-۳۱۳.

۳. سفیانی از ظهور تا افول، نصرت الله آیتی، قم، ثانی عشر (مؤسسهٔ آینده روشن)، رقعی، ۱۰۲صفحه.

۴. نوائب الدهور فی علایم الظهور، سیدحسن میرجهانی، تهران، کتابخانهٔ صدر، ۴جلد.

۵. نشانه های ظهور او، شیخ محمد خادمی شیرازی، قم، جمکران، چاپ هشتم، ۱۳۸۳، وزیری، ۲۲۰صفحه.

۶. نشانه های یار و چکامهٔ انتظار، مهدی علی زاده، قم، جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۲، رقعی، ۱۶۰صفحه.

۷. تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، مصطفی صادقی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۲۶۴صفحه.

۸. لزوم تفکیک علایم حتمی ظهور، علی اکبر مهدی پور، قم، اجلاس دوسالانه، چاپ اول، ۱۳۸۵، پالتویی، ۶۸صفحه.

۹. علایم ظهور، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۸۸صفحه.

۱۰. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه روایات، اسدالله شهیدی، قم، پرهیزگار، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ۵۶۰صفحه.

حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. تاریخ پس از ظهور، سیدمحمد صدر، ترجمه: حسن سجادی پور، تهران، موعود، وزیری، ۵۷۴صفحه.

۲. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناصر مکارم شیرازی، قم، هدف، رقعی، ۳۵۲صفحه.

۳. چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نجم الدین طبسی، قم، بوستان کتاب، وزیری، ۲۲۴صفحه.

۴. حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدتقی فلسفی، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، رقعی، ۹۵صفحه.

۵. جهان آینده در اندیشهٔ اسلامی، علیرضا عظیمی فر، قم، مهر امیرالمؤمنین، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۱۶۰صفحه.

۶. دولت کریمه، پژوهش موعود، تهران، موعود، چاپ اول، ۱۳۸۷، پالتویی، ۱۵۵صفحه.

۷. در اندیشهٔ حکومت برتر، علی اصغر کیانی، قم، آئین احمد، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۱۳۶صفحه.

۸. حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آخرالزمان از دیدگاه معصومین علیهم السلام، سیدمحمدرضا غیاثی کرمانی، قم، نورگستر، چاپ اول، ۱۳۸۲، پالتویی، ۱۳۴صفحه.

۹. نیک شهر قدسی، سیدمحمدعارف حسینی، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۱۸۵صفحه.

۱۰. تمدن در عصر ظهور مهدی، عباس مدرس، ترجمه: لطیف راشدی، قم، حضور، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۱۱۲صفحه.

۱۱. حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۶۴صفحه.

۱۲. مهدی، ده انقلاب در یک انقلاب، حسن رحیم پور ازغدی، سروش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، رقعی، ۱۰۸صفحه.

۱۳. به سوی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی اکبر حصاری، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۱۱۱صفحه.

۱۴. اسلام و آیندهٔ جهان، مصطفی محقق راد، قم، جامعهٔ مدرسین، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۲۲۸صفحه.

۱۵. دولت کریمهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدمرتضی مجتهدی سیستانی، قم، الماس، چاپ دوم، ۱۳۸۵، وزیری، ۲۰۴صفحه.

۱۶. ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید عبداللطیف سجادی، قم، چهارده معصوم، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۲۹۲صفحه.

۱۷. عصر زندگی، محمد حکیمی، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، وزیری، ۳۱۲صفحه.

۱۸. سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد امینی گلستانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، ۲ جلد، وزیری، ۱۳۰۰صفحه.

یاران

۱. جوانان، یاوران مهدی، محمدباقر پورامینی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پالتویی، ۴۸صفحه.

۲. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «مهدی یاوران»، نصرت الله آیتی، ش۳، ص۷۳-۹۳.

۳. اصحاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدمحمد موسوی، قم، انتشارات اعجاز، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۶۰صفحه.

۴. پیمان منتظران، احمد سعیدی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۱۲۶صفحه.

زنان و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدجواد طبسی، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود.

ص:۵۹۹

۲. فصل نامۀ مشرق موعود، مقالۀ «شرح حال و ویژگی های زنان رجعت کننده»، جواد جعفری، قم، مؤسسۀ آینده روشن.

۳. زن منتظر و منتظرپروری، مریم معین الاسلام و علی غلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۲۴۰صفحه.

۴. زن و یاری موعود، گروهی، قم، سبط النبی، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۱۴۳صفحه.

۵. زنان و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، گروهی، قم، انتظار نو، چاپ اول، ۱۳۸۵، پالتویی، ۹۶صفحه.

۶. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بانوان، مریم ولایت، تهران، موعود، چاپ اول، ۱۳۸۴، پالتویی، ۵۰صفحه.

۷. تکامل عقول زنان در عصر ظهور، مهین پاک روان، چاپ اول، ۱۳۸۴، پالتویی، ۶۳صفحه.

۸. فصل نامۀ انتظار، ویژۀ زن و مهدویت، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ش۲۲.

مهدویت و جهانی شدن

۱. مهدی، ده انقلاب در یک انقلاب، حسن رحیم پور ازغذی، تهران، سروش، ۸۱ – ۱۰۸.

۲. سیاست و مهدویت، غلامرضا بهروزلک، قم، حکمت رویش (مؤسسۀ آینده روشن)، ص۱۱۷-۱۹۳.

۳. فصل نامۀ انتظار، مقالۀ «جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، رحیم کارگر، ش۶، ص۱۴۱-۱۹۲.

۴. فصل نامۀ انتظار، مقالۀ «جهانی شدن و مقایسۀ آن با حکومت واحد جهانی

ص:۶۰۰

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، حبیب الله طاهری، ش۷، ص۱۸۵-۲۰۸.

۵. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، قم، مسجد مقدس جمکران، ص۴۱-۴۷.

۶. حکومت جهانی واحد، سیداحمد رهنمایی، قم، مؤسسهٔ امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۱۵۲صفحه.

۷. مهدویت و جهانی شدن، سید عبدالامام بنی سعید، اهواز، ترآوا، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۸۲صفحه.

۸. مهدویت و جهانی سازی، علی اصغر رضوانی، قم، جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۴۰صفحه.

۹. پایان جهان مدرنیته با... ، سیدجلال حسینی، قم، زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۸۷، رقعی، ۲۳۲صفحه.

۱۰. جهانی سازی مهدوی و جهانی سازی غربی، محمد حکیمی، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۳۶صفحه.

۱۱. فرهنگ مهدوی و جهانی شدن، زینب متقی زاده، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۲۴۰صفحه.

مهدویت ستیزی

۱. مهدی ستیزان، محمدصابر جعفری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، پالتویی، ۴۶صفحه.

۲. دشمنان مهدویت چرا و چگونه، محمدمهدی حامدی، شیراز، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، ۱۳۸۷، رقعی، ۱۹۸صفحه.

۳. تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، تهران، حُسن افرا، رقعی، ۱۶۱صفحه.

مهدویت و غرب

۱. پایان تاریخ: سقوط غرب و آغاز عصر سوم، مسعود رضوی، تهران، شفیعی، رقعی، ۲۸۸صفحه.

۲. آرمگدون، محمود النجیری، مترجمین: قبس زعفرانی و رضا عباس پور، تهران، موعود، رقعی، ۱۵۴صفحه.

۳. پیش گویی ها و آخرالزمان، نویسندگان، تهران، موعود، ۱۳۸۵، ۲ جلد، رقعی.

۴. هالیوود و فرجام جهان، سید ابوالحسن علوی طباطبایی، تهران، هلال، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۱۶۴صفحه.

۵. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سیدرضی موسوی گیلانی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۲۲۴صفحه.

مستشرقین و مهدویت

۱. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سیدرضی موسوی گیلانی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ۲۲۴صفحه.

۲. ذهنیت مستشرقین، عبدالحسین فخاری، تهران، آفاق، چاپ سوم، ۱۳۷۸، رقعی، ۱۱۰صفحه.

۳. مقالهٔ «مستشرقین و مهدویت»، فصل نامهٔ انتظار، محمود متوسل، ش۱۲.

آسیب شناسی مهدویت

۱. اندیشهٔ مهدویت و آسیب ها، محمدصابر جعفری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، پالتویی، ۸۹صفحه.

۲. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، خسرو باقری، ش۱، ص۲۲۶-۲۴۰؛ ش۲، ص۲۷۶-۲۹۵.

ص:۶۰۲

۳. فصل نامهٔ انتظار، مقالهٔ «چشم اندازی به برخی از آسیب های تربیتی مهدویت»، مریم معین الاسلام، ش۱۱ و ۱۲، ص۲۱۷-۲۴۸.

۴. آسیب شناسی مهدویت، نادر حاتمی خواجه، قم، اجلاس دوسالانه، چاپ اول، ۱۳۸۵، پالتویی، ۳۴صفحه.

غربت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. آفتاب در غربت، سیدمحمد بنی هاشمی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ۴۳۰صفحه.

۲. جلوه های غربت، اصغر صادقی، تهران، بناء، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۲۶۴صفحه.

۳. ۱۲قرن غربت، دکتر علی هراتیان، قم، حاذق، چاپ اول، ۸۵، رقعی، ۸۸صفحه.

۴. غربت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی تقی پور، قم، حاذق، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۵۶صفحه.

۵. حکایت غربت، سیدحسین موسوی، تهران، ره آوران، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۹۲صفحه.

نقش ایرانیان در عصر ظهور

۱. سقوط اسرائیل، ترجمه: محمدباقر ذوالقدر، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۷، رقعی، ۳۸۲صفحه.

۲. غنچه های قیام (ایرانیان، زمینه سازان نهضت جهانی مصلح موعود)، حسین ایرانی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۱۰۳صفحه.

۳. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایرانیان، محسن همتی، تهران، نذیر، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۸۸صفحه.

تربیت نسل منتظر

۱. خانوادهٔ مهدوی، مهدی نیلی پور، اصفهان، مرغ سلیمان، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۱۶۰صفحه.

۲. شهاب قبس (راه های پرورش فرزندان بر محبت اهل بیت علیهم السلام و امام رضا علیه السلام)، مهدی نیلی پور، اصفهان، سلسبیل، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۷۰صفحه.

۳. تربیت نسل منتظر، علی اصغر کیانی، قم، خاکریز، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۱۷۶صفحه.

عاشورا و انتظار

۱. نینوا و انتظار، تأملی نو، گروهی، چاپ اول، ۱۳۸۳، قم، مرکز تخصصی مهدویت، رقعی، ۳۲۰صفحه.

۲. عاشورا و انتظار، سیدمسعود پورسیدآقایی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، قم، حضور، رقعی، ۷۲صفحه.

۳. نینوا، معبر انتظار، صادق سهرابی، تهران، مهر محبوب، چاپ دوم، ۱۳۸۵، رقعی، ۳۲صفحه.

۴. بررسی مقایسه ای بین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام حسین علیه السلام، آیت الله کریمی جهرمی، تبریز، مسجد انگجی، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ۶۴صفحه.

۵. با حسین علیه السلام تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدمجتبی حسینی، تهران، نیستان، چاپ سوم، ۱۳۸۲، رقعی، ۵۸صفحه.

۶. از حسین علیه السلام تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدرضا فؤادیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷، چاپ پنجم، پالتویی، ۱۰۸صفحه.

۷. از ظهر تا ظهور، حسین ایرانی، قم، نور السجاد، چاپ اول، ۱۳۸۱، پالتویی،

ص:۶۰۴

۶۴صفحه.

۸. عاشورا مکتب انتظار، دکتر علی هراتیان، قم، حاذق، چاپ اول، ۱۳۸۵، جیبی، ۴۸صفحه.

۹. عنایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به آثار امام حسین علیه السلام، محمدرضا باقی اصفهانی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ۱۵۰صفحه.

۱۰. فراق مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رثای حسین علیه السلام، ناصر شهیدی، قم، روح، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۲۸۰صفحه.

۱۱. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و قهرمانان کربلا، محمدرضا فؤادیان، قم، سبط النبی، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۲۵۸صفحه.

غدیر و مهدویت

۱. یاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عید غدیر، محمدرضا رحیمیان، قم، وثوق، چاپ اول، ۱۳۸۵، جیبی، ۶۴صفحه.

۲. غدیر روز بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیت الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ۶۴صفحه.

۳. موعود غدیر (سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خطبهٔ غدیریهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)، اصغر صادقی، تهران، مهرآوران، چاپ دوم، ۱۳۷۹، رقعی، ۵۶صفحه (انتشارات آفاق در سال۱۳۸۳، در ۸۸ صفحهٔ رقعی دوباره چاپ نموده است).

۴. پیمان غدیر بیعت با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدمحمد بنی هاشمی، تهران، منیر، چاپ دوم، ۱۳۸۵، رقعی، ۱۶۰صفحه.

کتاب شناسی مهدویت

۱. امام مهدی در آینهٔ قلم (کارنامهٔ منابع پیرامون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدویت)، قم، پایگاه

اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا)، با مشارکت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتشارات مسجد مقدس جمکران، دو کتاب به قطع رحلی در ۱۳۸۰صفحه در سال ۱۳۸۸ چاپ نموده اند که تمام مقالات، پایان نامه ها و کتاب های مهدویت موجود را فهرست بندی و معرفی نموده اند. این اثر همراه با لوح فشرده (CD) تقدیم شما منتظران گردیده است. لذا به راحتی می توانید از راه های مختلف، منابع مطالعاتی و تحقیقاتی خود را بیابید. این اثر نسخهٔ تکمیل شدهٔ مرجع مهدویت و کامل ترین کتاب در این عرصه می باشد.

۲. مرجع مهدویت (فهرست و چکیدهٔ منابع پیرامون مهدویت به کتاب ها، مقاله ها و پایان نامه ها)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پایگاه اطلاع رسانی سراسری پارسا، چاپ اول، ۱۳۸۲، رحلی، ۶۶۴ صفحه، در دو بخش به شما کمک می کند تا منابع تحقیقاتی خود را در عرصهٔ مهدویت پیدا کنید.

با توجه به فهرست های متنوع آخر کتاب، یافتن منابع سریع و آسان می باشد. این اثر همراه با لوح فشرده است و شما از طریق رایانه می توانید به جست وجوی منبع مورد نیاز باشید.

۳. دائره المعارف موعود آخرالزمان (مأخذشناسی جامع مهدویت)، اسماعیل شفیعی سروستانی، موعود تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴، رحلی، ۷ جلد، این اثر آثار مهدوی را به صورت حروف الفبا نمایه زده و عناوین آثار را معرفی نموده است.

۴. کتاب نامهٔ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی اکبر مهدی پور، قم، الهادی، ۲ جلد، این اثر به معرفی بیش از دو هزار کتاب مستقل به زبان های مختلف به صورت الفبا دربارهٔ مهدویت می باشد. نام کتاب، زبان، تعداد مجلدات، نام مؤلف، تاریخ فوت، نوبت و تاریخ چاپ، محل و اسم ناشر و سایر ویژگی های کتاب در این اثر مورد دقت و بررسی قرار گرفته است. ضمناً مؤلف در ابتدا آثاری که عهده دار

کتاب شناسی دربارهٔ این موضوع قبل از تألیف این اثر بوده را معرفی می نماید.

۵. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات، ستاد احیاء و گسترش فرهنگ مهدویت، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ۴۷۹صفحه، به آثار برگزیده در مطبوعات پرداخته و آن ها را معرفی نموده است.

۶. آیینهٔ موعود (معرفی و بررسی پانصد کتاب دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)، علی دژآنام، قم، نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی، ۳۱۹صفحه، ابتدا چهارده کتاب را به تفصیل معرفی نموده، سپس چشم اندازی به پنجاه اثر داشته و در خاتمه فهرست وار کتب مهدویت را نگاشته است.

پایگاه ها و مراکز فعال مهدویت در اینترنت

اشاره

جواد جعفری

۱. سایت های فارسی

مؤسسهٔ آینده روشن (پژوهشکده مهدویت): www.intizar.ir

مؤسسهٔ فرهنگی موعود: www.mouood.org

مؤسسهٔ فرهنگی انتظار نور: www.monjee.com

بنیاد فرهنگی مهدی موعود (مرکز تخصصی مهدویت):www.imamMahdi-s.com

دبیرخانهٔ دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: www.ejlas mahdi.com

مسجد مقدس جمکران: www.jamkaran .info

شبکهٔ اطلاع رسانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ چندزبانه: www.hazratmahdi.com

شبکهٔ جهانی اطلاع رسانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ چندزبانه: www.imam mahdi.com

مرکز اطلاع رسانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: www.emam mahdi.com

مرکز مجازی مهدویت (به سوی ظهور شبکه دو سیما): www.zohoortv.com

شبکهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: www.montazar.net

یا قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف: www.qaaem.com

یوسف زهرا علیها السلام: www.yoosof.com

مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزهٔ علمیه (اندیشهٔ قم):

Andisheqom.com/page.php? pg = www.mahdi

شبکهٔ اباصالح عجل الله تعالی فرجه الشریف: ghadeer.org/ site/abasaleh/index.htm www.

لینک به سایت های مهدویت: www.nilofare-abi-۲.blogspot.com

پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا):www.Islamic databank.com

بانک اطلاعات مقالات اسلامی: seraj.ir www.

۲. سایت های عربی

الموعود : عجل الله تعالی فرجه الشریفwww.almawood.net

شبکهٔ الامام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف: www.alqaem.net

شبکهٔ محبی وانصار الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: www.al-mahdi.org

ریحانه:raihana.۸k.com www..www

۳. سایت های انگلیسی

المنتظر: almuntazar.com www.

طلیعه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: taliyah.org www.

یا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: www.yamahdi.com

مصلح: www.moslih.org

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹